مکاتبات فوق محرمانه



ترجمه‌ی : غلامحسین رفیعی

وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

مکاتبات (فوق محرمانه)

نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
با
رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا
و
نخست وزیران بریتانیای کبیر

در دوران جنگ جهانی دوم (در سالهای ۱۹۴۵- ۱۹۴۱)

جلد اول

مکاتبات ژوزف استالین با وینستون چرچیل و کلمنت اتلی
(از ژوئیه سال ۱۹۴۱ تا نوامبر سال ۱۹۴۵)

ترجمه‌ی: غلامحسین رفیعی

مکاتبات (فوق محرمانه) نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با روسای جمهور ایالات متحده آمریکا و نخست وزیران بریتانیای کبیر در دوران جنگ جهانی دوم (در سالهای ۱۹۴۵ ـ ۱۹۴۱) / ترجمه‌ی غلامحسین رفیعی. ـ تهران: به‌آفرین، ۱۳۸۳. ۲ ج.

ISBN 964-6760-56-4 (دوره) ـISBN

964-6760-52-x (ج.۱) ـ ISBN 964-6760-53-8 (ج.۲)

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

مندرجات: ج. ۱. مکاتبات ژوزف استالین با وینستون چرچیل و کلمنت اتلی (از ژوئیه سال ۱۹۴۱ تا نوامبر سال ۱۹۴۵). ـ ج. ۲. مکاتبات ژوزف استالین با فرانکلین روزولت و هاری ترومن (از اوت سال ۱۹۴۱ تا دسامبر سال ۱۹۴۵).

۱. جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹ ـ ۱۹۴۵م. ـ ـ اسناد و مدارک.
۲. استالین، یوسف و یساریونوویچ، ۱۸۷۹ ـ ۱۹۵۳ Stalin, Josef Uissarinovich ـ ـ نامه‌ها.
۳. روسیه شوروی ـ ـ روابط خارجی ـ ـ انگلستان ـ ـ اسناد و مدارک.
۴. انگلستان ـ ـ روابط خارجی ـ ـ روسیه شوروی ـ ـ اسناد و مدارک.
۵. روسیه شوروی ـ ـ روابط خارجی ـ ـ ایالات متحده ـ ـ اسناد و مدارک.
۶. ایالات متحده ـ ـ روابط خارجی ـ ـ روسیه شوروی ـ ـ اسناد و مدارک.
۷. نخست وزیران ـ ـ انگلستان ـ ـ نامه‌ها.
۸. روسای جمهور ـ ـ ایالات متحده ـ ـ نامه‌ها. الف. رفیعی، غلامحسین، مترجم.

۷م۱آ / DV۳۵   ۹۴۰/۵۳۰۷۲
۱۳۸۳

کتابخانه ملی ایران   ۸۳ـ۲۲۳۸۳م



نام کتاب: مکاتبات (فوق محرمانه) استالین با روزولت، ترومن، چرچیل و اتلی
ترجمه‌ی: غلامحسین رفیعی
ناشر: به‌آفرین
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه دوجلدی
شابک جلد اول: X-۵۲-۶۷۶۰-۹۶۴
شابک دوره: ISBN ۹۶۴-۶۷۶۰-۵۶-۴
بهاء دوره دو جلدی ۱۶۰۰۰ دوره

خیابان دانشگاه ـ کوچه آشتیانی ـ پلاک ۲۲ طبقه همکف تلفن: ۶۶۴۶۰۱۰۳

به نام خدا

مقدمه ناشر

جنگ، آوردگاهی است که هستی را به نیستی بدل می سازد.
آتشی را که هیتلر برافروخت جز خون و مرگ نتیجه دیگری نداشت.
متأسفانه ،شهوت قدرت طلبی و کشور گشائی آنچنان تارو پود وجودی متجاوزان را تسخیر می کند که آنها در آینه زمان تنها خود را می بینند. آنها درک نمی کنند ساختمانی که بر پایه های جنگ و خونریزی بنا شود، هر قدر هم به ظاهر عظیم و مرتفع باشد، چون ریشه در باورهای مردم ندارد سست و تهی است و فرو خواهد ریخت.

دو جلد کتابی را که شما خواننده عزیز در دست مطالعه دارید برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی به مدت یکسال به صورت پاورقی در روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات به چاپ رسید و مورد توجه بسیاری از خوانندگان روزنامه قرار گرفت. اغلب خوانندگان معتقدند که سیاست چرچیلی را تنها از طریق مطالعه مکاتبات فوق محرمانه استالین با روزولت ،ترومن،چرچیل و اتلی شناخته اند و خاطرنشان می سازند که مکاتبات فوق محرمانه سران کشورهای انگلیس و ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بسیاری از رازهای پشت پرده جنگ جهانی دوم را فاش ساخته است.

این دو مجلّد توسط استاد گرامی جناب آقای غلامحسین رفیعی که دارای دانشنامه فوق لیسانس با درجه عالی از دانشگاه دولتی مسکو می باشند بسیار روان، سلیس و دقیق ترجمه شده است که یقیناً مورد توجه شما قرار خواهد گرفت.

تیراژ دو جلد کتاب مذکور در اولین چاپ به زبان اصلی یکصد و پنجاه هزار نسخه به ثبت رسیده است.

انتشار دو جلدی این مجموعه پر محتوا موجب مسرت این انتشارات می‌باشد.

انتشارات به آفرین - احمد پیرانی



به نام خدا

سخنی با خواننده

از همان آغاز زندگی بشر که اولین کشتار رخ داد تا به امروز که عصر شکوفایی فرهنگ وتمدن است ، همواره جنگ و خونریزی ادامه داشته است . گر چه هر از گاهی صدای شیپور جنگ قطع می شده ، امّا این برای آمادگی بیشتر به منظور شروع جنگی خونبارتر بوده است.

جنگ یکی از پیچیده ترین پدیده های اجتماعی است که به اساسی ترین جهات زندگی مادی ومعنوی انسان ها آسیب می رساند و انگیزه های ابراز عشق به دیگران را از بین می برد.

برافروختن آتش جنگ و کشتار انسان ها یکی از فاجعه آمیزترین وقایعی است که همیشه توسط زمامداران مستبد انجام گرفته و تاریخ هم نشان داده است که عاملان آن هیچ گاه از گزند آن در امان نبوده اند.

زمانی که هیتلر جنگ را آغاز کرد و با نیروهای خود سنگرها را یکی پس از دیگری فتح می کرد . حتی در رؤیا هم نمی توانست فکر کند که روزی متفقین با حملات زهرآگین خود آنچنان عرصه را بر او تنگ خواهند کرد که او جز خودکشی گریز دیگری نداشته باشد.

با اینکه تحلیلگران و همه اندیشمندان صلح دوست معتقدند از جنگ جز خرابی، خونریزی و مرگ چیز دیگری بدست نمی آید ، با وجود این سرزمین ها مورد حمله و اشغال متجاوزان قرار می گیرند و میلیون ها نفر انسان بی گناه جان خود را از دست می‌دهند.

به راستی متجاوزان چه خیال می کنند؟ فکر می کنند قهرمانند؟ نه، آنها جنایتکارند.

قهرمان آن دلاور مردی است که برای دفاع از وطن و باورهای خود نارنجک را زیور وجود می کند و به زیر تانک دشمن می رود و با احساساتی برگرفته از روحی سرشار از غیرت و ایمان و هزاران امید و آرزوهای پنهان تن به ایثار می دهد و حماسه می‌آفرینند . دلاوری و شجاعت این قهرمانان را که تا

آخرین لحظه قبل از مرگ ، خود را متعهد به دفاع از خانه و کاشانه و مقدسات ملّی خویش می دانند نه می توان نوشت و نه به زبان آورد ، فقط باید درک کرد .

* * *

جنگ جهانی دوم یکی از وقایع بسیار خونین و مرگباری است که شمار قربانیان تنها اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با احتساب مرگ سربازانی که بر اثر جراحات و بیماری‌های حاصله از جنگ بعدها جان خود را از دست دادند بالغ بر ۲۵ میلیون نفر می‌باشد که تجربه های تلخ آن می تواند درسهائی برای آغاز گران جنگ باشد.

رازهای جنگ جهانی دوم به اندازه ای مبهم است که همه خواهان اطلاع از آن می- باشند . همه می خواهند از رمز پیروزی متفقین و شکست هیتلر که می رفت جهان را به تسخیر خود در آورد ،آگاهی یابند.

ترجمه دو جلد کتاب تحت عنوان مکاتبات فوق محرمانه استالین با روزولت،ترومن ، چرچیل و اتلی که از نظر گرامی شما خواننده محترم می- گذرد حاصل سه سال کار و تلاش پربار است و از آن روی که این نامه ها ، سخن و کلام صریح و مکتوب رهبران سه کشور انگلیس ، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی می باشد و اصل آن ها در حال حاضر در بایگانی های وزارت امور خارجه سه کشور مزبور موجود است،بنابر این نهایت دقت و حساسیت در کار رعایت شده و می تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل محرمانه پشت پرده جنگ جهانی دوم باشد.

به امید استقرار صلحی پایدار در جهان
غلامحسین رفیعی

پیشگفتار

این مجموعه شامل مکاتبات رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی «ژوزف استالین» باروٴسای جمهور ایالات متحده آمریکا«فرانکلین روزولت» و «هاری ترومن» وهمچنین مکاتبات استالین با نخست وزیران بریتانیای کبیر «وینستون چرچیل»و «کلمنت اتلی »در سالهای جنگ جهانی دوم و درماههای اول پس از پیروزی تا پایان سال ۱۹٤۵ می باشد.

درخارج از مرزهای شوروی، در زمانهای مختلف، بخشهایی از مکاتبات فوق به شیوه‌ای انتشار یافته که به تبع آن مواضع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای جنگ جهانی دوم به گونه ای دیگر تحلیل وتفسیر شده است.

هدف از انتشار این اسناد کمک به بیان واقعیت تاریخ است.

این مجموعه شامل متون کامل کلیه اسنادی است که بین ژوزف استالین با فرانکلین روزولت، هاری ترومن، وینستون چرچیل وکلمنت اتلی درسالهای جنگ جهانی دوم مبادله گردیده است ودر حال حاضر تمامی این اسناد در اتحاد جماهیر شوروی موجود می باشد. بعضی از نامه ها وپیام های جداگانه ای که در رسانه های خارجی نقل قول ویا به چاپ رسیده است ، بعلت عدم دسترسی به اصل آنها در آرشیوهای شوروی ، جائی برای درج آنها در این مجموعه لحاظ نگردیده است. به هنگام جستجو ودستیابی به متون این نامه ها ، مشخص گردید که بعضی از این پیامها (مانند پیام فرانکلین روزولت که توسط استاندلی سفیر ایالابت متحده آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تاریخ ۲۳ آوریل سال ۱۹٤۲[1] وپیامهای ترومن که در ژوئن سال ۱۹٤۵[2] به ژوزف استالین داده شده است) به هنگام مذاکرات نمایندگان خارجی مربوطه با ژوزف استالین ، به طور شفاهی به او ابلاغ گردیده است .

۱–این پیام درنشریه «POST WAR FOREIGN POLICY PREPARATION 1939-1945 WASHINGTON 1949» در صفحات ۲۰۰-۱۹۹ به چاپ رسیده است.

۲- این پیام در کتاب «BYRNES, SPEAKING FRANKLY, LONDON1947»در صفحه ٦٤ منعکس می باشد.بیرنس به تاریخ دقیق این پیام اشاره نکرده است.

در رابطه با نامه ی ژوئیه سال [1] ۱۹٤۱ فرانکلین روزولت به ژوزف استالین و پیامی که بنا بر تأیید هول بین ماههای فوریه وآوریل سال ۱۹٤۲ از جانب روزولت برای استالین ارسال گردیده[2] ،هیچگونه سند ومدرکی که مبیّن ارسال این نامه ها برای استالین باشد، در آرشیوهای شوروی موجود نیست و اصولاً هیچ تأئیدیه ای دال بر ارسال و یا دریافت این نامه ها در دست نمی باشد . این امر ، نامه ۲۳ ژوئن سال ۱۹٤۵ وینستون چرچیل به ژوزف استالین را نیز که بنا بر تأئید چرچیل جوابیه نامه ۲۱ژوئن سال ۱۹٤۵ استالین می باشد را هم در بر می گیرد[3].(به سند شماره ٤۹۳ جلد یک این مجموعه مراجعه فرمائید).

در بایگانی های شوروی جواب چرچیل به نامه مذکور استالین با محتوای دیگری ضبط می باشد (به سند شماره ٤۹۷ جلد یک این مجموعه مراجعه فرمائید). آن طور که شروود در کتاب خود خاطر نشان ساخته است[4] فرانکلین روزولت در تاریخ ۱۳ اکتبر سال ۱۹٤۱ پیامی برای ژوزف استالین مخابره می‌نماید که رونوشت آن را نیز جهت اطلاع چرچیل ارسال داشته است، این رونوشت در لندن توسط «بیور بروک » وزیر انگلیسی به وزیر مختار شوروی تسلیم گردیده است . اما در آرشیوهای شوروی شواهد ومدارکی که تأئیدی بر ابلاغ مستقیم این پیام توسط نمایندگان آمریکایی به نمایندگان شوروی باشد، آشکار نگردیده است .

در جلد اول این مجموعه، اسناد مربوط به مکاتبات ژوزف استالین با وینستون چرچیل و کلمنت اتلی ودر جلد دوم اسناد مربوط به مکاتبات استالین

---

۱ - این نامه در کتاب

ROBERT E. SHERWOOD. THE WHITE HOUSE PAPERS OF HARRY L...HOPKINS V.I.LONDON،

، در صفحات ۳۲۲-۳۲۱ انعکاس یافته است. در این کتاب شروود به تاریخ دقیق نامه اشاره نکرده است.

۲ - این نامه در کتاب ، THE MEMORIS OF CORDELL HULL V.II,NEW YORK1948، در صفحه ۱۱۷۰ درج گردیده است. هول به تاریخ دقیق نامه اشاره نکرده است.

۳- این نامه در کتاب، WINSTONS CHURCHILL ،THE SECOND WORLD WAR.V.VI،LONDON 1954 درصفحات ٤۸۹-٤۸۸ آمده است.

4 - ، ROBERT CHERWOOD. THE WHITE HOUSE PAPERS OF HARRY L...HOPKINS ,V.I, LONDON P. 399 .».

با فرانکلین روزولت و هاری ترومن از آن جهت که زمان مکاتبات با چرچیل زودتر از مکاتبات با روزولت انجام گردیده است ، منتشر می شود .

مکاتبات سران دولت ها که در این مجموعه به چاپ رسیده است ، اغلب به صورت تلگرام های رمزدار بوده که توسط سفرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در واشنگتن و لندن وهمین طور سفرای ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر در مسکو مبادله می شده است .

در سفارت خانه ها از تلگرام های رسیده کشف رمز به عمل می آمده ومعمولاًمتون نامه ها را به زبان اصلی به مخاطب مربوطه تسلیم می داشته اند . سایر پیامها و نامه های متفرقه به نسبت درجه اهمیت خود از طریق پست دیپلماسی ویا نمایندگان مسئول دولتهای مربوطه وذینفع مبادله می گردیده است.

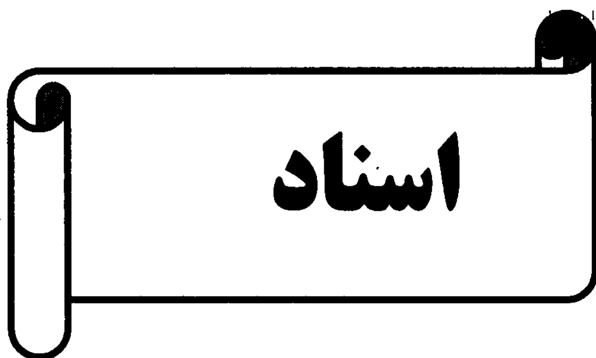
ترتیب شماره گذاری نامه های منتشر شده در این دو مجلد، طبق رأی هیئت ناشران انجام پذیرفته است.

علامت ستاره ای که در کنار عنوان برخی از نامه ها مشاهده می شود ، نشانه آن است که اصل نامه فاقد عنوان بوده واین عنوان را هیئت ناشران انتخاب کرده است .

نامه هایی که دارای تاریخ و امضاء بوده اند، عین همان تاریخ در سمت چپ زیر متن آورده شده است ، در غیر این صورت فقط به تاریخ ارسال ویا دریافت نامه اشاره شده که در قسمت بالای متن درج گردیده است .

توضیحات مختصری در پایان مجموعه به چاپ رسیده است که در ارتباط با نامه های مربوطه جنبه راهنمایی دارد .




اسناد


1945

سند شماره ۱

تاریخ دریافت نامه ۸ژوئیه سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل به استالین

در اینجا ما همه بسیار خوشحالیم از این که ارتشهای روسیه آنچنان نیرومندانه ، شجاعانه ومردانه علیه نازیها که کاملاً آشکار دست به تجاوزی بی رحمانه زده اند ، به مقاومت برخاسته اند . دلاوری وایستادگی سربازان وملت شوروی وجد وشادی عمومی را برانگیخته است. تا آنجا که زمان،شرایط جغرافیایی و امکاناتمان به ما اجازه دهد ، ما به شما کمک خواهیم کرد. هر چقدر جنگ بیشتر ادامه یابد ، ما به شما کمک های بیشتری خواهیم رساند . نیروهای هوایی انگلیس به طور شبانه روزی مناطق اشغالی آلمان ومحدوده های قابل دسترسی در خاک خود آلمان را زیر حملات شدید خود قرارداده‌اند.

دیروز حدود ٤۰۰ فروند هواپیما در حملات روزانه خود مواضع دشمن را در آن سوی دریا مورد هدف قراردادند . شنبه شب متجاوز از ۲۰۰ فروند بمب افکن سنگین شهرهای آلمان را مورد حمله قراردادند. تعدادی از این بمب افکن ها مجهز به بمب هائی هر یک به وزن سه تن بوده اند،در عملیات هوایی شب گذشته حدود ۲۵۰ هواپیمای بمب افکن سنگین شرکت داشتند . در آینده نیز به همین صورت عمل خواهد شد . ما امیدوار هستیم با این روش هیتلر را به انتقال بخشی از نیروی هوایی خود به سمت غرب مجبور ساخته و به تدریج باری را که بر دوش کشور شما افتاده است ، کاهش دهیم. به علاوه، بنا بر خواسته من ، رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریایی ما عملیات مهمی را تدارک دیده که در آینده نزدیک در قطب شمال به مورد اجرا در خواهد آورد ومن امیدوارم پس از انجام این عملیات بین نیروهای دریایی بریتانیا وروسیه تماس وارتباط برقرار گردد .

ضمناً در عملیاتی که در سواحل نروژ انجام داده ایم ، چند کشتی باری را که علیه کشور شما به سمت شمال در حرکت بودند ، به تصرف خود در آوردیم .

ورود هیئت نمایندگان نظامی روسی را به منظور هماهنگ کردن طرحهای مشترک آینده گرامی می داریم.

ما باید تمام توان وتلاش خود را برای نابودی این جنایتکاران به کار گیریم.

سند شماره ۲

فوق العاده محرمانه

تاریخ دریافت نامه ۱۰ ژوئیه سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل به استالین

به محض دریافت خبر از آقای استا فورد کریپس پیرامون مذاکرات ایشان با جنابعالی وپیشنهاد مربوط به صدور بیانیه مشترک انگلیس و شوروی مشتمل بر دو اصل :

الف) انجام همه گونه کمک های متقابل بدون محدودیت در مقدار و ماهیت و

ب) تعهد هریک از دولتین انگلیس وشوروی مبنی بر عدم عقد قرارداد صلح جداگانه،

بی درنگ به تشکیل جلسه کابینه نظامی بریتانیا با شرکت وزیر دومینیون (دولت وابسته به امپراتوری بریتانیا –مترجم) زلاندنو آقای فریزر که در حال

حاضر در لندن به سرمی برد ، اقدام نمودم .همانطور که استحضار دارید ، ضرورت امر ایجاب می نماید که ما از نقطه نظر های دولتهای دومینیون: کانادا، استرالیاو آفریقای جنوبی اطلاع حاصل نماییم. من می خواهم در عین حال به جنابعالی اطمینان دهم که ما پیشنهاد شما مبنی بر صدور بیانیه مشترک انگلیس وشوروی را به طور کامل مورد تأئید و تحسین قرار می دهیم. گمان می کنم که امضای بیانیه مزبور بایستی بلافاصله پس از اخذ جواب از دولتهای دومینیون انجام وسپس بی درنگ انتشار یابد(۱).

سند شماره ۳

نامه خصوصی استالین به چرچیل

اجازه بفرمایید از ارسال دو نامه اختصاصی جنابعالی از شما تشکر کنم.

نامه های شما زیر بنای عقد موافقت نامه های آینده فی مابین دو دولت ما را پی نهاد. اکنون همان طور که جنابعالی به طور اساسی بیان فرموده اید ، اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر علیه آلمان هیتلری به صورت متفقین جنگی در آمده اند وتردیدی ندارم که دولتهای ما علیرغم تمام مشکلات موجود ، نیروی کافی بازیافته و دشمن مشترک را متلاشی خواهند کرد.

شاید بی مورد نباشد به اطلاع جنابعالی برسانم که موقعیت نیروهای شوروی در جبهه وخیم می باشد. نقض ناگهانی پیمان عدم تعرض از جانب هیتلر و حمله غافلگیرانه به اتحاد شوروی که منتج به ایجاد موقعیتی مناسب برای نیروهای آلمانی گردیده ، هنوز در وضعیت نیروهای شوروی آشکارا

محسوس است . تصور بفرمائید اگر نیروهای آلمانی به جای حمله به سپاهیان شوروی در کیشینف ، لووف ، برست ، بلاستوک ، کااوناس و ویبرگ به نیروهای ما در مناطق ادسا، کامنتس – پادلسک، مینسک و حومه لنینگراد حمله می بردند ، می توانستند موقعیت به مراتب بهتری را برای خود احراز نمایند . به نظر من اگر علیه هیتلر یک جبهه در غرب (شمال فرانسه) ویک جبهه در شمال (قطب شمال) ایجاد گردد، ما وشما شرایط به مراتب مطلوب تری خواهیم داشت.

جبهه در شمال فرانسه نه تنها موجب گسیل نیروهای هیتلر از شرق خواهد شد، که مانع از تجاوز هیتلر به انگلستان نیز خواهد بود. تشکیل چنین جبهه ای هم برای ارتش بریتانیای کبیر وهم برای مردم جنوب انگلیس مهم خواهد بود. من دشواریهای ناشی از گشایش چنین جبهه ای را درک می کنم ، لکن علیرغم تمام مشکلات ، فکر می کنم انجام این امر نه تنها به خاطر هدف مشترکمان ، بلکه به خاطر منافع کشور انگلستان ضروری می باشد. و بهترین زمان مناسب برای ایجاد چنین جبهه ای هم اکنون می باشد، زیرا نیروهای هیتلر به سمت شرق منحرف شده اند و آنها هنوز فرصت استحکام بخشیدن به مواضع اشغالی خود در شرق را پیدا نکرده اند.

ایجاد جبهه در شمال به مراتب آسان تر خواهد بود . در این جا نیروهای دریایی وهوایی انگلستان می توانند ، بدون نیاز به پیاده کردن نیروهای زمینی وتوپخانه، وارد عمل شوند. در این عملیات نیروهای زمینی ، هوایی ودریایی شوروی هم شرکت خواهند کرد . چنان چه بریتانیای کبیر بتواند به این منطقه یک لشگر سبک اعزام نماید ویا تعدادی داوطلب نروژی را به سوی شمال

نروژبه منظور انجام عملیات شورشی علیه آلمانها انتقال دهد، ما این اقدام را ستایش خواهیم کرد.

۱۸ژوئیه سال ۱۹٤۱

سند شماره ٤

تاریخ دریافت نامه ۲۱ ژوئیه سال ۱۹٤۱

متن نامه خصوصی ومحرمانه چرچیل به استالین

از دریافت نامه جنابعالی وکسب خبر از مبارزات دلیرانه وحملات متقابل نیروهای نظامی روسیه که به دفاع از وطن خویش پرداخته اند، بسیار خوشحال شدم . من به برتری نظامی شما که توانسته اید دشمن را از مواضع اشغالی خود به عقب کشیده ودر مرزهای غربی ، که قسمتی از آن در نتیجه تهاجم اولیه دشمن دچار ضعف گردیده بود، وارد عملیات رزمی شوید وپیشروی نمائید کاملا آگاهی دارم .

ما هرکار عاقلانه و موثری را که بتوانیم در جهت کمك به شما انجام دهیم، انجام خواهیم داد. اما از شما تقاضا می کنم محدودیتی را که ما از نظر منابع و شرایط جغرافیائی دارا هستیم در نظر داشته باشید. ما از همان اولین روز حمله آلمان ها به روسیه، امکان حمله به فرانسه اشغالی وهلند را مورد بررسی قراردادیم رؤسای ستاد ما امکان هیچ حرکتی را در ابعادی که بتواند کوچکترین نتیجه ای را برای شما مستتر داشته باشد، میسر نمی دانند . آلمانی ها تنها در فرانسه چهل لشگر مستقر نموده اند و متجاوز از یك سال است که با تلاش پیگیر ومستمر افراد آلمانی ، تمام سواحل موضع بندی شده و آنان

استحکامات خود را به وسیله مین های ساحلی و سیمهای خاردار که دارای نقاط مقاومت بوده حفاظت می نمایند . در تنها منطقه ای که ما می توانیم از طریق هوا زیر پوشش هواپیماهای شکاری فقط برای مدتی کوتاه به برتری نائل آئیم، منطقه ای است بین دانکرک و بولن. در آنجا علاوه بر زنجیرهای سرتاسری استحکاماتی ، ده ها سلاح سنگین استقرار یافته که هر نوع حرکت از سمت دریا را دقیقاً تحت کنترل داشته و بسیاری از آنها می توانند هر سایه مشکوکی را از طریق تنگه زیر آتش بگیرند . طول شب کمتر از پنج ساعت است که حتی دراین ساعات هم تمام منطقه به وسیله پروژکتورروشن می باشد.

اگر بخواهیم در این ناحیه نیروی فراوان پیاده کنیم. قطعاً بسیاری از آنان کشته خواهند شد وچنانچه حمله را با نیروی کمتری تدارک ببینیم ، در آن صورت نه تنها توفیقی حاصل نخواهد شد، بلکه شکست و تلفات ناشی از آن به مراتب سنگین تر از سود حاصله برای هر دو کشور ما خواهد بود. وهمه اقدامات به صورتی پایان خواهد یافت که آلمانی ها حتّی یک بخش از جبهه های شمارا هم رها نخواهند کرد ویا این امر زودتر از آنچه که خود آلمانی ها خواسته باشند به پایان خواهد رسید.

شما باید در نظر داشته باشید که ما بیشتر از یک سال است که جنگ را به تنهایی اداره می کنیم وبا توجه به اینکه ذخایر ما در حال افزایش است و از این پس رشد بیشتری خواهند داشت، اما نیروهای ما چه در کشورهای مستعمره دار وچه در خاورمیانه ، چه در خشکی وچه در هوا و چه در نبرد به خاطر آتلانتیک که زندگی ما بستگی به نتیجه این نبرد خواهد داشت وهمین طور در رابطه با عبور دادن کاروان کشتی های ما(۲)که در پی آنها سفینه های زیر

دریایی وهواپیماهای «فوک و ولف»به انجام عملیات مشغولند ، سخت درگیر می باشند .

اما اگر سخن از کمکی باشد که ما بتوانیم سریعاً آنرا به انجام رسانیم ، باید توجه وچشم انداز خود را به شمال معطوف سازیم. ستاد نیروی دریایی ما طی سه هفته گذشته عملیاتی را تدارک دیده که با انتقال هواپیماهای استقرار یافته بر روی ناوهای هواپیما بر ، آنها را در شمال نروژ وفنلاند علیه کشتی های آلمانی وارد عمل نماید، بدین ترتیب ما امیدوارهستیم که امکان نقل وانتقال قوای دشمن از طریق دریا به هدف حمله به جناح شما در قطب شمال را منتفی سازیم.

اولا ، ما از ستاد کل شما تقاضا کرده ایم که از حرکت کشتی های روسی در محل مورد نظر از تاریخ ۲۸ژوئیه تا ۲ اوت جلوگیری به عمل آورند تا ما بتوانیم حمله برق آسای خود را به انجام رسانیم. ثانیاً، ماهم اکنون چند فروند رزمناو و ناوشکن به اشپیتزبرگن اعزام خواهیم داشت تا از آنجا با مساعی وهمکاری نیروی دریایی شما بتوانند حملاتی را علیه کشتی های دشمن به عمل آورند.ثالثاً، ما چند سفینه زیر دریایی نیز به منظور جلوگیری از حرکت وسایط نقلیه آلمانیها که درطول سواحل آرکتیک در ترددند اعزام می‌داریم،هرچند که انجام این عملیات در طول روز بسیار خطرناک خواهد بود. رابعاً، مایک کشتی مین گذار مجهز به انواع تجهیزات مربوطه راهم به سوی آرخ آنگل به حرکت در خواهیم آورد.

در حال حاضر این بالاترین حد توان ما است که می توانیم به انجام رسانیم. خیلی مایل بودم می‌توانستیم بیشتر کمک کنیم . من از جنابعالی تقاضا می کنم

این نامه را تا آن زمان که به اطلاع شما نرسانده ام که افشاء آن بی ضرر خواهد بود. کاملاً محرمانه حفظ بفرمائید.

در حال حاضر لشگر سبک نروژی وجود ندارد و در شرایط روشنایی دایمی روز ، بدون پیش بینی قبلی وحمایت کافی هواپیماهای شکاری ، امکان تخلیه نیروهای خواه بریتانیائی ، خواه روسی در مناطق اشغالی آلمان موجود نمی باشد. ما سال گذشته در نامسوس(۳) و امسال در کریت(٤) تلخی شکستی را که در اجرای عملیات مشابه داشته ایم، چشیده ایم :

ما به عنوان اقدام بعدی ، امکان استقرار دادن چند اسکادریل هواپیمای شکاری بریتانیائی در مورمانسک را در دست مطالعه داریم. برای نیل به این هدف قبل از هر چیز علاوه بر پرسنل زمینی وتجهیزات، به یک پارتی توپهای ضد هوائی و سپس به هواپیما نیازمندیم . تعدادی از این هواپیماها را می توان از ناوهای هواپیما بر به پرواز در آورد وبرخی دیگر از تجهیزات مربوطه را توسط صندوق های مخصوص به مورمانسک ارسال داشت.

پس از استقرار آنها، اسکادریل ما احتمالاً از اشپیتز برگن وارد مورمانسک خواهد شد. ما اطمینان داریم به محض افشای خبر مربوط به حضور نیروی دریایی ما در شمال ، آلمانیها با توسل به همان شیوه ثابت و همیشگی خود بی درنگ با نیروهای عظیمی از هواپیماهای بمب افکن عمود روخود به مقابله با نیروهای مسلح ما خواهند شتافت. و به همین دلیل است که عملیات را باید به طور تدریجی به انجام رساند . در هر صورت برای اجرای کلیه این عملیات به چند هفته وقت نیازمی باشد.

من از جنابعالی خواهش می کنم هر پیشنهادی را که به نظرتان می رسد بدون تردید بیان بفرمائید. ما نیز به سهم خود با دقت کامل سایرراه هایی را که برای تهاجم و ضربه زدن به دشمن مشترک به نظرمان برسد ، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سند شماره ۵

تاریخ دریافت نامه ۲٦ ژوئیه سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل به استالین

بسیار خوشحالم به اطلاع جنابعالی برسانم که کابینه نظامی با توجه به اینکه ارسال هواپیما، ذخایر هواپیمایی مارا به طور جدی کاهش خواهد داد ، معهذا به اتفاق آراء انتقال سریع ۲۰۰ فروند هواپیمای شکاری «تاماگواک» به روسیه را مورد تصویب قرار داد. ۱٤۰ فروند از این هواپیماها مستقیماً از انگلیس به آرخ آنگل ارسال خواهد شد و ٦۰ فروند باقی مانده به ایالات متحده آمریکا سفارش داده شده است. جزئیات مربوط به تأمین لوازم یدکی و پرسنل فنی آمریکائی مورد نیاز جهت مونتاژ هواپیماها هم باید با موافقت دولت ایالات متحده آمریکا، هماهنگ گردد .

در اینجا به زودی بین دو تا سه میلیون جفت پوتین آماده ارسال خواهد شد. طی سال جاری مقادیر زیادی کائوچو، قلع ، پشم ولباس پشمی ، کنف، سرب و مواد صمغی نیز برایتان ارسال خواهیم داشت. سایر خواسته های شما در زمینه ارسال مواد خام تحت بررسی دقیق می باشد . چنان چه ما خود ذخایری در

اختیار نداشته باشیم ویا ذخائر موجود تکافو ننماید ، در آن صورت مسئله را با ایالات متحده آمریکا مورد طرح وبررسی قرار خواهیم داد. البته ، جزئیات از طریق سازمانهای رسمی مربوطه به اطلاع شما خواهد رسید.

ما باشادی وهیجان تمامی مبارزات تحسین انگیز ارتشهای شمارا پی می گیریم. کلیه اطلاعات حاصله سخن از تلفات سنگین، اضطراب ونگرانی دشمن دارد. حملات هوایی ما به آلمان با قدرت فزاینده تری ادامه خواهد یافت.

سند شماره ٦

تاریخ دریافت نامه ۲۸ژوئیه سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل به استالین

راجع به درخواست شما در مورد ارسال کائوچو به اطلاعتان می رسانم که کالا را ما از اینجا یا از ایالات متحده آمریکا توسط بهترین و سریعترین وسیله برایتان ارسال خواهیم داشت.

تقاضامی کنم نوع کائوچو وراه ومورد دریافت آنرا دقیقاً اطلاع فرمائید . در حال حاضر دستورات مقدماتی جهت اجرای این کار صادر شده است .

در این چند روز اخیر آقای هاری هپکینس بامن بودند. هفته گذشته ایشان از پرزیدنت روزولت اجازه خواستند که بتوانند از مسکو دیدن نمایند. لازم می دانم به استحضار جنابعالی برسانم که آقای هپکینس به اصول دموکراسی فوق العاده معتقد بوده وشدیداً خواهان پیروزی ما بر هیتلر می باشند. اخیراً از ایشان

تقاضایی مبنی بر دریافت ۲۵۰ هزارقبضه تفنگ داشتم که بلافاصله تحویل گردید. ایشان نزدیکترین نماینده شخص آقای رئیس جمهور می باشند.

آقای هپکینس در حالیکه حامل دستور العملهای کاملی از شخص رئیس جمهور می باشند، امروز به قصد عزیمت به جانب شما، خانه مرا ترک خواهند گفت. شما از طریق کانالهای مربوطه از ورود ایشان مطلع خواهید شد. جنابعالی می توانید با اعتماد واطمینان کامل با ایشان مجالست داشته باشید. آقای هپکینس هم دوست شما هستند وهم دوست ما. او در زمینه فراهم آوردن پیروزی آینده وتأمین تدارکات روسیه در درازمدت بشما کمک خواهد کرد. علاوه بر آن، شما می توانید آزاد وبی تکلف در زمینه های سیاست، استراتژی ومسائل ژاپن با او گفتگو داشته باشید .

مقاومت قابل تحسین ارتشهای روسیه در دفاع از وطن ، همه مارا متحد ویکپارچه می سازد. زمستان آینده آلمان باید بمباران های بسیار شدید و وحشتناکی را تحمل نماید. بمبارانهایی که تا امروز نه کسی آنرا دیده و نه کسی آنرا آزموده در انتظار آنهااست .

هم اکنون آن عملیات دریائی که در تلگرام قبلی خود برای جنابعالی خاطر نشان کرده بودم، در حال اجرامی باشد.

از اینکه ضمن اشتغال کامل به مبارزات بزرگ خود ، به مشکلاتی که مانع از انجام کمکهای بیشتر ما نسبت به شما می گردد. توجه مبذول می دارید از شما تشکر می کنم. ما آنچه را که در توانمان می باشد برای شماانجام خواهیم داد.

سند شماره ۷

تاریخ دریافت نامه ۱ اوت سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل به استالین

با نظارت مستقیم این جانب ، همه مقدمات لازم جهت ارسال دهها هزار تن کائوچو از اینجا به سوی یکی از بنادر شمالی شما انجام پذیرفت.

با توجه به نیاز خیلی فوری شما به کائوچو ، ما ریسک کاهش این مقدار کائوچو از ذخائر نه چندان قابل ملاحظه کشور مستعمره دار را که تأمین وتکمیل مجدد آن مستلزم صرف زمان خواهد بود، عهده دار می شویم.

کشتی های بریتانیایی پس از بارگیری این مقدار کائوچو وبرخی کالاهای دیگر که یک هفته یا حداکثر ۱۰ روز بطول خواهد انجامید، به محض سازمان یابی کاروان(۲) کشتی ها توسط رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریائی ، به سمت یکی از بنادر شمالی شما به حرکت در خواهند آمد.

این مقدار ۱۰/۰۰۰ تن کائوچو علاوه بر آن مقدار ۱۰ هزار تن کائوچوئی می باشد که قبلاً از مالزی به شما اختصاص داده شده است. در تاریخ ۲۰ ژوئیه کشتی «ولگا»با ۲٦٥۱ تن کائوچو از محموله جدید از بندر سوآتنم به سوی ولادی واستوک به حرکت در آمده است. کشتی «آرکتیک» نیز با ۲۵۰۰ تن کائوچو از مالزی به راه افتاده است. کشتی «ماکسیم گورکی »که در تاریخ ۲۵ ژوئیه از شانگهای عازم گردیده است وکشتی «پارتیزان سرخ» که تاریخ حرکت آن از هنگ کنگ اول ماه اوت تعیین گردیده بایستی در اوائل ماه

اوت به مالزی وارد شده واقدام به بارگیری وحمل کائوچوهای باقیمانده نمایند که در مجموع با احتساب مقدار بار دوکشتی اولیه اعزام شده، علاوه برارسال ۱۰/۰۰۰/- تن کائوچوی قبلی که در بالا به آن اشاره گردید، تحویل مقدار ۱۰/۰۰۰ تن کائوچو تکمیل می گردد.

سند شماره۸

تاریخ دریافت نامه ۱۵اوت سال ۱۹٤۱

از چرچیل و روزولت به استالین*

از فرصتی که برای مطالعه گزارش آقای هاری هپکینس پس از بازگشت ایشان از مسکو(۵) بدست آمد ، استفاده کرده ومسئله بهترین نحوه کمک رسانی دو کشور ما به کشور شما را که در مقابله با یورش نازی ها مقاومت شایسته ای نشان می دهید، مورد بحث وبررسی قرار دادیم. در حال حاضر مشترکاً برآن هستیم که کلیه تجهیزات وکالاهای ضروری در درجه اول اهمیت شما را به میزان حداکثر تأمین نمائیم. اکنون کشتی های بسیاری با محموله های خود سواحل مارا به سوی کشور شما ترک کرده‌اند ودر آینده نزدیک کشتی های دیگری نیز به سمت شما اعزام خواهند شد.

ما درشرایط کنونی باید توجه خود را به بررسی سیاستی درازمدت معطوف سازیم، زیرا برای نیل به پیروزی کامل که بدون کسب آن تمامی

تلاشها ، معاضدت ها وقربانیان ما بیهوده ازبین خواهند رفت، هنوز راهی بس سخت و دشوار وطولانی در پیش داریم.

جنگ در جبهه های بیشماری ادامه دارد و قبل از اتمام و قطع آن در هریک از این جبهه ها ممکن است جبهه های جدیدتری تشکیل یابند، هر چند ذخائر ما عظیم و غنی هستند ، لکن نامحدود نمی باشند . توجه به این اصل است که کجا ودر چه زمانی باید حداکثر کاربرد واستفاده از این ذخائر را به منظور نیل به اهداف مشترکمان داشته باشیم. این امر نه تنها به مواد اولیه وخام، بلکه به همان نسبت به سازو برگ وتجهیزات جنگی نیز مربوط می شود.

احتیاجات ونیازهای نیروهای مسلح شما ومارا زمانی می توان دقیقاً مشخص ساخت که به هنگام اخذ تصمیم ، اطلاعات جامع وروشنی از کلیه وقایع و رویدادهای جاری در اختیار داشته باشیم. به منظور آنکه همه ما بتوانیم نسبت به توزیع ذخائرمشترکمان تصمیمات فوری اتخاذ نمائیم، پیشنهاد می کنیم جلسه ای در حضور جنابعالی در مسکو تشکیل گردد تا با مشارکت نمایندگان عالیرتبه مادر آن بتوان کلیه این مسائل را مورد بررسی قرارداد. چنانچه پیشنهاد مربوط به تشکیل این جلسه مورد موافقت شما می باشد، به اطلاع می رسانیم که تا قبل از اخذ هر گونه تصمیم مقتضی بوسیله این اجلاس، ما بر جسب امکانات خود نسبت به ارسال سریع کلیه مواد وتجهیزات مربوطه برای شما ادامه خواهیم داد .

ما اهمیت مقاومت پایدار ودلیرانه اتحاد شوروی برای سرکوب هیتلریسم را کاملاً درک می کنیم و بر همین اساس معتقدیم که در امر برنامه ریزی توزیع

ذخائر مشترکمان ، در آینده باید در هر شرایطی سریع وبی وقفه عمل نمائیم.

فرانکلین روزلت- وینستون چرچیل

سند شماره ۹

تاریخ دریافت نامه ۳۰ اوت سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی نخست وزیر به استالین

در ادامه مقاومت دلیرانه ی شما من در جستجوی راهی جهت کمک به کشور شما می باشم که بتوان قبل از اخذ تصمیم مربوط به اجرای برنامه های درازمدت، که در حال حاضر موضوع مورد مذاکرات ما با ایالات متحده آمریکا وجلسه مسکو می باشد، به انجام رسانید. آقای مایسکی اظهار می دارد که بعلت تلفات سنگین وارده به شما، نیاز مبرمی به هواپیماهای شکاری می باشد. مانسبت به ارسال ۲۰۰ فروند هواپیمای «تاماگ واک» که در مخابره نامه اخیر خود برای جنابعالی به آن اشاره داشته ام، تسریع خواهیم کرد. دو اسکادران هوایی ما شامل ٤۰ فروند هواپیمای «هاری کین»، برای ٦ سپتامبر بایستی وارد مورمانسک شوند.

من اطمینان دارم که جنابعالی نسبت به این امر اشراف دارید که هواپیماهای شکاری اساس دفاع از کشورهای مستعمره دار را تشکیل می دهند. به علاوه ، ما تلاش می کنیم که آسمان لیبی را به تسخیر خود در آورده وخواسته های ترکیه را نیز تأمین نموده تا به حمایت از ما ترغیب گردد. ضمناًمن می توانم ۲۰۰ فروند هواپیمای «هاری کین»نیز برای شما ارسال داشته تا جمع هواپیماهای

ارسالی به ٤٤٠ فروندبرسد، مشروط بر آن که خلبانهای شما بتوانند از آنها بطور مؤثر واصولی بهره برداری نمایند. هواپیماهای «هاری کین» به ۸الی ۱۲ مسلسل مجهز هستند وما دریافته ایم که این نوع هواپیماها در عملیات بسیار چابک ومرگبارند. ما اکنون می توانیم ۱۰۰ فروند هواپیما به آرخ آنگل ارسال داشته ومتعاقباً طی دو پارتی، به قید فوریت، هر یک شامل ۵۰ فروند همراه با مکانیسین، مربی ، تجهیزات ولوازم یدکی مربوطه را ارسال داریم.

همزمان می توان اقداماتی برای آشنا ساختن خلبانها ومکانیسین های شما با طرز کار مدل های جدید این گونه هواپیماها به عمل آورد. البته در صورتیکه جنابعالی دستور پیوستن آنهارا به اسکادریل های مستقر ما در مورمانسک صادر بفرمائید.

چنانچه شما اجرای این آموزش را مفید تشخیص بدهید، سایر موارد لازم از اینجا هماهنگ خواهد شد وتوضیحات کامل مربوط به مسائل فنی نیز تلگرافی از طریق نمایندگی هواپیما سازی ما تسلیم خواهد گردید.

اطلاع یافته ایم که ایرانیها تصمیم به قطع مقاومت گرفته اند، موجب کمال خوشحالی است. با تمام اهمیتی که دفاع از منابع نفتی که هدف از ورود ما به ایران را باعث گردیده ، مطرح می باشد، هدف مهمتر ایجاد یک راه جدید به سوی شما است که بتوان به حفظ آن اقدام نمود. با توجه به این امر، ما باید خط راه آهن از خلیج فارس تا بحر خزر را ضمن بهره گیری از تجهیزات خط راه آهن ودریافت قطعات یدکی از هندوستان، با کار وتلاش پیوسته وخستگی ناپذیر بازسازی وتکمیل نمائیم.

وزیر امور خارجه شرایط عقد قرارداد مقدماتی با دولت ایران مبتنی بر ایجاد روابط دوستی با ملت ایران را جهت تقدیم به شما به آقای مایسکی تسلیم داشته است که به موجب آن ما مجبور نباشیم صرفاً برای حفظ وحراست از راه آهن سراسری ایران چندین لشگر مأمور نمائیم. آذوقه وخواربار از هندوستان ارسال خواهد شد واگر ایرانیها قراداد را بپذیرند، ماوجوه پرداختی مربوط به نفت را که در حال حاضر باید به شاه پرداخت گردد، را مجدداً پرداخت خواهیم کرد.

ما به پیشگامان خود دستور داده ایم که به پیشروی خود تا محلی بین همدان وقزوین که توسط فرماندهان تعیین خواهد شد ادامه دهند تا آنجا که دو نیروی ما و شما به یکدیگر ملحق گردند. چه خوب است تمام جهان بداند که در واقع نیروهای مسلح بریتانیا وشوروی دست در دست هم به صورت واحد در آمده اند . به اعتقاد ما بهتر است که در حال حاضر نه ماو نه شما به تهران داخل نشویم(٦)« زیرا ما فقط به یک جاده دوطرفه نیازمندیم».

ما در بصره یک انبار بزرگ پایگاهی خواهیم ساخت و امیدوار هستیم که در آنجا یک بندر مجهز، که احتمالاً مناطقی از بحر خزر وولگا را نیز در برخواهد گرفت، به منظور دریافت محموله های صادره از آمریکا تأسیس نمائیم.

نمی توانم از نو مراتب مسرت وخوشحالی ملت بریتانیا را نسبت به مبارزات قدرتمند ارتش وملت روسیه علیه جنایتکاران نازی بیان ننمایم. ژنرال مک فارلن شدیداً تحت تأثیر رویدادهائی قرارگرفته که از نزدیک در جبهه مشاهده کرده است.

ما روزهای سختی را در پیش خواهیم داشت. اما هیتلر هم زیر بارش بمب های فزاینده مازمستان خوشی را نخواهد گذراند.

اخطار شدید شما عالیجناب به ژاپن در مورد کالاهای وارداتی از طریق ولادی واستوک(۷) موجب انبساط خاطر گردید. پرزیدنت روزولت به هنگام ملاقات با من(۸) معتقد بودند که در آینده چنانچه ژاپن دست به اعمال تجاوز کارانه خواه در جنوب، خواه درشمال غربی اقیانوس آرام بزند، ایشان موضع گیری شدیدی را علیه ژاپن خواهند داشت. در این ملاقات من با اطمینان اعلام داشتم که در صورت بروز جنگ ، ایشان می توانند از پشتیبانی ما برخوردار باشند. من بسیار مایلم که به مراتب بیش از گذشته از ژنرال چان کای شی حمایت به عمل آید. ماخواهان جنگ با ژاپن نمی باشیم واعتقاد دارم که می توانیم از بروز آن جلوگیری به عمل آورده واین مردمی را که دارای اختلاف نظر می باشند وبه خود هم اطمینانی ندارند، در برابر دور نمای تشکیل قدرتمندترین اتحادیه ها قراردهیم.

سند شماره ۱۰

تاریخ ارسال نامه ۳ سپتامبر سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از اینکه در نامه خود خاطر نشان ساخته اید که علاوه بر ۲۰۰ فروند هواپیمای وعده شده ، مجدداً ۲۰۰ فروند هواپیمای شکاری را به اتحاد شوروی خواهید فروخت، بسیار متشکرم. شکی نیست که خلبانان شوروی بایستی طرز

کار این نوع هواپیماها را بیاموزند، اما از قرار معلوم، چون دریافت این هواپیماها در دفعات متعدد وبصورت پارتی های جداگانه انجام خواهد گردید واینکه نمی توان آنها را فوری و در یک پارتی تحویل وبطور ضربتی بکار گرفت، لذا ما به انجام تغییرات مهمی در جبهه شرق قادر نخواهیم شد.

بدین ترتیب، این هواپیماها نه فقط به علت گستردگی ابعاد جنگ که ضرورت اعزام وقفه ناپذیر هواپیماهای فراوانی را ایجاب می نماید، بلکه در اصل به علت بدو وخیم تر شدن موقعیت نیروهای شوروی درسه هفته اخیر ، به خصوص در مناطق مهمی چون اوکراین ولنینگراد، نمی توانند نقش مهم وقابل ملاحظه ای در تغییر اوضاع داشته باشند.

مسئله اینجاست که ثبات واستقرار نسبی حاکم در جبهه را که سه هفته پیش بدست آورده بودیم، دریکی دو هفته اخیر در اثر یورش ۳۰الی ۳٤لشگر پیاده نظام تازه نفس وتعداد بیشماری تانک وهواپیمای آلمانی وهمچنین حملات بسیار شدید وبرق آسای ۲۰ لشگرفنلاندی و ۲٦ لشگر رومانی از دست دادیم. آلمانها خطر در غرب را بلوف می پندارند وبی محابا تمام نیروهای خود را از غرب به شرق گسیل داشته اند وگویی اطمینان دارند که هیچ گونه جبهه دومی در غرب نه وجود دارد ونه بوجود خواهد آمد. آلمانیها شکست دشمنان خود، ابتدا روسها وسپس انگلیسی ها را بطور جدا از هم کاملاًامکان پذیر می دانند.

در نتیجه، ما اکنون بیش ازنیمی از خاک اوکراین را از دست داده ایم و علاوه برآن، حالادشمن در کنار دروازه های لنینگراد مستقر گردیده است.

این اوضاع موجب از دست رفتن معدن سنگ آهن کریوارژو تعدادی کارخانه ذوب آهن ما در اوکراین گردیده و مارا به تخلیه وانتقال دو کارخانه آلومینیوم سازی یکی از«دنپر » ودیگری از «تیخ وین»؛ یک کارخانه موتور سازی ودو کارخانه هواپیما سازی از اوکراین ؛ دو کارخانه موتور سازی ودو کارخانه هواپیما سازی از لنینگراد ناگزیر ساخته است که مونتاژ و راه اندازی این کارخانجات در محل های جدید زودتر از ۷ الی ۸ ماه صورت نخواهد پذیرفت.

تمام این عوامل موجب تضعیف قدرت دفاعی ماشده و اتحاد شوروی را با یک خطر فوق العاده جدی مواجه ساخته است.

اینجا این سئوال مطرح می باشد که چگونه می توان از این وضعیت نامساعد وخطرناک رهایی پیدا کرد؟

من فکر می کنم، برای خارج شدن از این وضعیت فقط یک راه وجود دارد: ایجاد جبهه نیرومند دوم، درسال جاری، در بالکان یا در فرانسه به منظور گسیل ۳۰ الی ٤۰ لشگر آلمانی از جبهه شرق به عقب وهمزمان با آن تأمین ۳۰ هزار تن آلومینیوم تا اول اکتبر سال جاری وارسال همه ماهه دست کم ٤۰۰ فروند هواپیما و ۵۰۰ دستگاه تانک (سبک ومتوسط) به عنوان کمک رسانی به اتحاد شوروی.

من می دانم که این نامه برای جنابعالی اندوه وتأثر به همراه خواهد داشت، اما چه باید کرد؟ تجربه به من آموخته است که به چشمان حقیقت به هر اندازه که بدو ناپسندهم که باشد، باید نگریست واز بیان واقعیت نیز به هر اندازه که بدو نامطلوب باشد، نباید ترسید.

مسئله مربوط به ایران واقعاً به خیر گذشت. البته عملیات مشترک نیروهای بریتانیا وشوروی این مسئله را از پیش حل کرده بود. در آینده نیز تا آنجا که قوای ما وشما بطور متحد ومشترک عمل نمایند، وضع به همین صورت نتیجه خواهد داشت. اما ایران تنهایک صحنه است وسرنوشت جنگ هم تعیین خواهد شد، البته ، نه در ایران.

اتحاد شوروی نیزمانند انگلیس خواهان جنگ با ژاپن نمی باشد. اتحاد شوروی قراردادهای منعقده از جمله قرارداد منعقده با ژاپن را درمورد بی طرفی با ایشان نقض نمی کند. اما اگر ژاپن قرارداد فیمابین را نقض و به اتحاد شوروی حمله نماید، در آنصورت یقیناً با پاسخ شایسته نیروهای شوروی مواجه خواهدشد.

در پایان اجازه بفرمائید بخاطر ابراز احساس شادی ومسرتی که جنابعالی نسبت به نیروهای شوروی؛ که برای نیل به آزادی واستقلال مشترکمان با قوای غارتگر وقلدر هیتلری به جنگ ومبارزه خونین پرداخته اند ، نشان داده اید از شما تشکر کنم.

سند شماره ۱۱

تاریخ دریافت نامه ٦ سپتامبر سال ١٩٤١

از چرچیل به استالین*

۱- در پاسخ فوری به نامه جنابعالی باید به اطلاع برسانم که گرچه ما در برابر هیچ قدرتی خاموش وبی حرکت نخواهیم ایستاد، ولی در حال حاضر

هیچ امکانی برای اجرای چنین عملیاتی در غرب(به غیراز عملیات هوایی) که به ما اجازه دهد تا پیش از زمستان آینده نیروهای آلمان را از جبهه شرق به انحراف بکشانیم، موجود نمی باشد. امکان ایجاد جبهه دوم در بالکان نیز بدون کمک ترکیه کاملاًمنتفی است. درصورت اظهار تمایل آن عالیجناب، می خواهم تمام اصول ودلایلی را که رؤسای ستاد ما جهت اخذ چنین نتیجه و استنتاجی به آن استناد کرده اند، به استحضار جنابعالی برسانم . این اصول و دلایل امروز در جلسه ویژه ای که باشرکت سفیر کشور شما، اینجانب و رؤسای ستاد تشکیل گردیده بود، مورد بحث وبررسی قرار گرفت. عملیات مورد اجرا هر چند دارای انگیزه های قابل تحسینی می باشند، اما منتج به شکستی گران خواهد شد که این تنها به سود هیتلر خواهد بود.

۲- از اطّلاعات وگزارشهای رسیده چنین استنباط می شود که حمله آلمانها از نقطه اوج پایین آمده وبه تبع آن ارتش قهرمان شما می تواند در زمستان مختصر استراحت وتنفسی داشته باشد(البته این نظر شخص من می باشد).

۳- در زمینه تأمین تدارکات به آگاهی می رسانم که ما از تلفات وخسارات سنگینی که به صنایع روسیه وارد آمده است ، کاملاً مطلع هستیم وبرهمین اساس ما تمام سعی وتلاش خود را در جهت کمک به شما به کار خواهیم بست. به منظور تسریع در اعزام آقای « هاریمن » به لندن ، تلگرافی را برای پرزیدنت روزولت مخابره خواهیم کرد وکوشش خواهیم داشت تا قبل از تشکیل کنفرانس مسکو ، اطلاعاتی را در باره ارسال ماهیانه تانکها و هواپیماهایی که با وعده مشترک صورت خواهد پذیرفت، به انضمام اخباری

در مورد لاستیک، آلومینیوم، ماهوت وغیره را به اطلاع جنابعالی برسانیم. ما به سهم خود نیمی از تانکها و هواپیماهای مورد نیاز ماهانه شما را از تولیدات بریتانیا تهیه وبرایتان ارسال می داریم.امیدوار هستیم ایالات متحده آمریکا نیز نیم دیگر از احتیاجات شما را بر آورده سازد. ما تمام توان خود را برای شروع به ارسال فوری کالاهای مورد نیازشما به کار خواهیم گرفت.

٤- به پرسنل سیّار دستورات لازم جهت تأمین راه آهن ایران به منظور افزایش عبور دو قطار فعلی به ۱۲ قطار شبانه روزی در هر مسیر، با بیشترین ظرفیت مورد بهره برداری داده شده است. راه اندازی ۱۲ قطار در هر مسیر خط آهن شمال — جنوب ایران تا بهار سال ۱۹٤۲ به پایان خواهد رسید، لکن تا آن زمان قطارها ضمن تکمیل به تدریج مورد بهره برداری نیز قرار خواهند گرفت. لکوموتیو ها وواگن ها را پس از تجهیز به سوخت نفتی، از انگلیس از طریق دماغه «امید نیک» ارسال خواهیم داشت. در طول مسیر خط آهن، سیستم آبرسانی تأمین خواهدشد. اولین مرحله از ارسال ٤۸ لکو موتیو و ٤۰۰ واگن در حال حاضر باید انجام شده باشد.

٥- ما آماده ایم که نقشه ها وبرنامه های مشترکمان را باشما مورد بررسی و مطالعه قرار بدهیم. اینکه آیا ارتشهای بریتانیا بقدر کافی قدرتمند خواهند بود که بتوانند در سال ۱۹٤۲ به قاره اروپا حمله نمایند، بستگی به وقایع وحوادثی خواهد داشت که پیش بینی آنها در حال حاضر مشکل به نظر می آید. به احتمال قوی، می توان در شمال دور، به هنگام فرارسیدن شبهای قطب، به شما کمک رساند. ما امیدوار هستیم که تا پایان سال جاری تعداد نفرات ارتش خود را در خاورمیانه به ۷۵۰ هزار نفر وتا تابستان سال ۱۹٤۲ این عدّه را به مرز یک

میلیون نفر برسانیم. به محض انهدام قوای آلمان وایتالیا در لیبی، این نیروها در جناح جنوب به جبهه شما ملحق خواهند شد ومی توان امیدوار بود که بتوان بر ترکیه به نحوی تأثیر گذاشت که این کشور دست کم به رعایت بی طرفی کامل ترغیب شود. در عین حال، ما بمباران آلمان را باشدت روزافزون ادامه خواهیم داد، دریا را همچنان در تسخیر خواهیم داشت وبرای زندگی دست از مبارزه بر نخواهیم داشت.

٦- در بخش اول نامه شماواژه «فروخت » به کار برده شده است.ما به قضایا از این جنبه نگاه نمی کنیم وهیچگاه به «پرداخت» فکر نکرده ایم.

بهتر آن بود که کمکهای ما را بر همان معیار دوستی ومودتی که قانون آمریکا در رابطه با کمک به دولتها (۹)بر آن نهاده است، بنا می نهادید، یعنی کمک بصورت بلاعوض.

ما آمادگی کامل داریم که در صورت عبور وپیشروی فنلاند از مرزهای قدیم خود، طی اخطاری رسمی وفوری مبنی بر اعلان جنگ به آن کشور، در نهایت قدرت به ایراد ضربه علیه آنها اقدام نمائیم. از ایالات متحده آمریکا هم درخواست انجام هر نوع اقدام ممکنه علیه فنلاند را خواهیم کرد.

سند شماره ۱۲

تاریخ ارسال نامه ۱۳سپتامبر سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی
آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

من در نامه اخیر خود نظر دولت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی را نسبت به ایجاد جبهه دوم به عنوان عامل اصلی پیشرفت کار مشترکمان بیان نمودم. در پاسخ به نامه جنابعالی که در شرایط کنونی نسبت به عدم امکان ایجاد جبهه دوم تأکید می فرمائید، فقط باید تکرار کنم که عدم گشایش این جبهه، آب به آسیاب دشمن مشترك ریختن است.

تردید ندارم که دولت انگلستان پیروزی اتحاد شوروی را آرزو دارد و در جستجوی راهی مناسب برای نیل به این هدف می باشد. اما اگر در حال حاضر طبق نظر دولت انگلیس ایجاد جبهه دوم در غرب امکان پذیر نمی باشد که شاید هم اینطور باشد، آیاعلیه دشمن مشترك می توان طریقه دیگری را برای انجام کمك نظامی مؤثر به اتحاد شوروی پیدا کرد؟ به عقیده من، انگلستان می تواندبدون هیچ ریسکی ۲۵ الی ۳۰ لشگر در «آرخ آنگل» پیاده کند ویا اینکه این نیروها را از طریق ایران به نواحی جنوب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به منظور همکاری نظامی با نیروهای شوروی، روانه سازد، به همان گونه ای که این امر در جنگ قبلی در فرانسه اجرا گردید. این اقدام، کمکی بزرگ و ارزنده خواهد بود وبه اعتقاد من این شیوه کمك می تواند ضربه سنگین و کوبنده ای به تجاوزات هیتلر وارد آورد.

از جنابعالی به خاطر وعده ای که نسبت به ارسال ماهانه آلومینیوم، هواپیما وتانک فرموده اید تشکر می کنم.

از اینکه دولت انگلستان ارسال هواپیما، آلومینیوم وتانک های خود را به منظور خرید وفروش انجام نمی دهد واینگونه کمک ها را صرفاً بخاطر همکاری دوستانه انجام می دهد، سپاسگزار ومتشکرم.

امیدوارم دولت انگلستان شواهد متعددی بدست آورد تا اطمینان یابد که دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صمیمانه قدر شناس کمکهای دولت متحد خود می باشد.

دو کلمه نیز درباره یادداشتی که «کریپس» سفیر بریتانیای کبیر در مسکو در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۹٤۱ تسلیم «مولوتوف و م» نموده است، اشاره می نمایم.

در این یادداشت خاطر نشان گردیده است:« چنانچه دولت شوروی در لنینگراد ناگزیر به انهدام کشتی های جنگی خود به منظور عدم دسترسی دشمن به آنها گردد، دولت اعلیحضرت پس از پایان جنگ تقاضای دولت شوروی را مبنی بر مشارکت دولت اعلیحضرت در تعویض کشتی های منهدم شده خواهد پذیرفت».

دولت شوروی این مطلب را درک کرده وآمادگی دولت انگلیس را به پرداخت بخشی از خسارات ناشی از انهدام کشتی های شوروی در لنینگراد محترم می شمارد. درصورت ضرورت، تردیدی نیست که کشتی های شوروی در لنینگراد در حقیقت توسط مردم شوروی به انهدام کشیده خواهد شد. امّا

مسئولیت پرداخت این خسارات به عهده انگلستان نخواهد بود، بلکه به عهده آلمان خواهد بود.

بنابراین من فکر می کنم که خسارات ناشی از این امر را باید پس از جنگ به حساب آلمان گذاشت.

سند شماره ۱۳

تاریخ دریافت نامه ۱۹ سپتامبرسال ۱۹٤۱

نامه خصوصی آقای چرچیل به آقای استالین

۱- به خاطر ارسال نامه از جنابعالی بسیار تشکر می کنم. آقای هاریمن با کل اعضاء هیأت نمایندگی خود وارد شده وبا آقای لردبیوربروک وهمکاران ایشان ازصبح تا شب مشغول به کار می باشند.

هدف از این گردهمایی، بررسی ومطالعه کلیه مسائل مربوط به منابع و ذخایری است که بتوان با نظر مشورتی شما، مشترکاً برنامه مشخص ومنظمی را به منظور ارسال ماهیانه تجهیزات مورد نیاز شما از طریق کلیه راههای موجود تدوین نموده ودر عین حال بر حسب امکانات، خسارات وارده به صنایع نظامی شما را جبران نمود. طبق نظر پرزیدنت روزولت اولین برنامه ریزی کمک رسانی بایستی تا پایان ژوئن ادامه داشته باشد، اما بدیهی است، که ما کمکهای خود را تا نیل به پیروزی نهایی ادامه خواهیم داد. من امیدوارم که تابیست وپنجم ماه جاری، اجلاس در مسکو افتتاح گردد، اما پیش از آنکه کلیه شرکت کنندگان به سلامت در محل تشکیل جلسه حضور یابند، نباید اقدام به

افشاء تاریخ جلسه نمود. در مورد راهها ووسائل نقلیه مربوطه متعاقباً اطلاعات کافی به استحضار شما خواهد رسید.

۲-من نه تنها به ایجاد راه آهن دوطرفه از خلیج فارس به دریای خزر ، بلکه به ایجاد یک بزرگراه ماشین رو نیز که امیدوار هستم بتوانیم برای ساخت آن از کمکهای فعالانه وامکانات وسیع تشکیلاتی امریکا ئیها استفاده نمائیم، اهمیت فراوان می دهم. لرد بیوربروک تمام نقشه های تدارکاتی ونقل وانتقالات مربوطه را برای جنابعالی توضیح خواهد داد . اوبا آقای هاریمن بهترین مناسبات دوستی را دارا می باشد.

۳ -تمام صحنه های احتمالی جنگ که ما در آنجا بتوانیم باشما همکاری نظامی داشته باشیم، توسط ستادهای فرماندهی ما مورد بررسی ومطالعه قرار گرفته است. مساعدترین امکانات، بدون شک، در دو جناح شمال وجنوب موجود می باشد. اگر ما بتوانیم عملیات موفقیت آمیزی را در نروژ به انجام برسانیم، بازتاب آن در موضع سوئد تأثیر خواهد گذاشت، اما در حال حاضر چه از نظر نیروی نظامی وچه از نظر قوه بارگیری وگنجایش کشتی های خود درشرایطی نیستیم که بتوانیم این پروژه را به مرحله عمل درآوریم.

اما در رابطه با جنوب ، نقش ترکیّه مطرح می باشد که از نظر سوق الجیشی فوق العاده دارای اهمیت است ودر صورت جلب کمک ترکیه، قدرت ارتش تحت اختیار ما افزوده خواهد شد. ترکیه تمایل پیوستن به ما را دارد، لکن می ترسد، که البته این امر بی اساس وعلت هم نمی باشد. احتمالاً درصورت وعده انجام کمک به این کشور در زمینه اعزام قوای مسلح انگلیسی وارسال وسایل فنی و تجهیزات که احساس کمبود نیز می نماید، می توان بر این کشور از نفوذ

قابل ملاحظه ای برخوردار شد. ما اجرای سایر حمایت های مؤثر را نیز باشما مورد مطالعه وبررسی قرار خواهیم داد،زیرا تنها هدفمان بکارگیری حداکثر نیرو علیه دشمن مشترک است.

٤- من با جنابعالی کاملاً موافقم که جبران خسارات وارده به نیروی دریایی روسیه را در وحله اول باید به حساب آلمان گذاشت . پیروزی ، یقیناً ناوهای عظیم آلمان وایتالیا را نصیب ما خواهد کرد واین غنائم، مناسب ترین تاوان برای جبران ضایعات نیروی دریایی روسیه خواهد بود.

سند شماره ١٤

جناب آقای ژوزف استالین

نخست وزیر گرامی!

هیات های نمایندگی بریتانیا وآمریکا به سمت شما عازم شدند واین نامه راآقای لردبیوربروک به جنابعالی تقدیم خواهد کرد. لردبیوربروک بی اندازه مورد اعتماد کامل کابینه بوده ویکی از قدیمی ترین ونزدیکترین دوستان من می باشد. اوبهترین مناسبات را باآقای هاریمن، فرد شایسته آمریکایی که قلباً خواهان پیروزی ما در کار مشترکمان می باشد، برقرار ساخته است.آنها کلیه گزارشاتی را که ما حصل مشاوره ها وبررسی های دقیق وکامل میان اعضای بریتانیای کبیر وایالات متحده آمریکا می باشد، تقدیم جنابعالی خواهند کرد.

پرزیدنت روزولت عقیده دارند که کمکهای ما در درجه اول بایستی شامل عرضه موادی باشد که طی ۹ ماه از اکتبر سال ١٩٤١ تا ژوئن سال ١٩٤٢، به صورت ماهیانه برای شما ارسال خواهد گردید. البته شما دقیقاً باید اطلاع داشته

باشید که ما چه نوع کالا وموادی را بطور ماهانه برای شما ارسال خواهیم داشت تا بتوانید بیشترین استفاده را از توزیع ذخایرخود به عمل آورید.

فعلاً تا پایان ژوئن سال ۱۹٤۲ عرضه وکمکهای آمریکا محدود می باشد، اما بدون تردید، در آینده هر دو کشور انگلیس وآمریکا کمکهای خود را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهند داد وشما اطمینان داشته باشید تا آنجا که امکاناتمان اجازه دهد، تمام مساعی خود را در جهت جبران ضایعات وخسارات سنگینی که در اثر تهاجم نازی ها به صنایع نظامی شماوارد آمده ، به کار خواهیم برد. البته قصد ندارم در اظهار مطالبی که لرد بیوربروک به اطلاعتان خواهد رساند، پیشگفتار داشته باشم.

شما ملاحظه خواهید داشت که تا پایان ژوئن سال ۱۹٤۲ حمل وتحویل کالاهای مورد نیاز شما چه از محصولات بریتانیا وچه از تولیدات ایالات متحده امریکا که به عنوان خرید ویژه ویا براساس قانون معروف کمک به دولتها(۹) در اختیار ما قرار خواهد گرفت، تقریباً بطور کامل طبق برنامه به مرحله عمل در خواهد آمد. ایالات متحده آمریکا با کوشش فراوان در عمل توانسته است تمام محصولات مازاد خود را برای ما صادر نماید وبرای آنها در این مدت زمان کوتاه ومحدود ، تأمین کلیه مواد وکالاهای مورد نیاز کار آسانی نمی باشد. من امیدوار هستم که تولیدات ایالات متحده امریکا در آینده افزایش قابل ملاحظه ای داشته باشد وبرای سال ۱۹٤۳ صنایع عظیم آمریکا بتواند پاسخگوی نیازهای جنگی باشد.

درباره آنچه که به ما مربوط می شود باید بگوییم که ما نه تنها ارسال محصولات خود را به میزان قابل ملاحظه ای، بیش از برنامه های مدون شده ،

افزایش خواهیم داد، بلکه تلاش خواهیم کرد که با همکاری و کوشش بیشتر ملت خود تمام احتیاجات مشترک مربوط به جنگ را بر آورده سازیم. البته ، جنابعالی تصدیق می فرمائید که ارتش ما وتجهیزات پیش بینی شده برای آن احتمالاً بیش ازیک پنجم ویایک ششم ارتش شما ویا ارتش آلمان نمی باشد. معهذا اولین وظیفه ما ومسئله ضروری، حفظ وحراست از دریا وبازنگهداشتن آن وسپس دستیابی به برتری مؤثر بردشمن از طریق هوا می باشد. این دومورد به عنوان دووظیفه اصلی ٤٤ میلیون نیروی انسانی جزایر بریتانیا اعلام گردیده است. ما هیچگاه نمی توانیم امیدوار به داشتن صنایع نظامی ویا ارتشی باشیم که بتوان آن را با صنایع نظامی ویا ارتشهای دول بزرگ قاره ای مقایسه کرد، اما با وجود این ، آنچه را که ما بتوانیم برای کمک به شما انجام دهیم ، انجام خواهیم داد.

ژنرال ایس می که بطور کامل از تمام سیاست های نظامی ما مطلع می باشد، اختیار تام دارد که به اتفاق فرماندهان شما هر نقشه وبرنامه ای را که درزمینه های همکاری عملی واصولی بنظرشان خطور می نماید، مورد مطالعه وبررسی قراردهد.

اگرما بتوانیم جناح غربی خود در لیبی را از وجود دشمن پاکسازی کنیم، توان وقدرت زمینی وهوایی قابل ملاحظه تری جهت اجرای عملیات مشترک خود در جناح جنوبی جبهه روسیه به دست خواهیم آورد.

من خیال می کنم که اگر ترکیه را به مقاومت علیه خواسته های آلمان در رابطه با عبور قوا تشویق وترغیب نمائیم ویا بهتر بگویم اگر این کشور را به حمایت خود علیه آلمان وارد جنگ سازیم، می توانیم از سریع ترین وموثر

ترین کمکها برخوردار گردیم. من اطمینان دارم که جنابعالی برای این مسئله اهمیت ویژه ای قائل خواهید بود.

من با جنابعالی در مورد ابراز علاقه ای که نسبت به ملت چین در مبارزه آنان علیه تجاوزات ژاپن به خاطر دفاع ازمیهنشان ابراز داشته اید، همیشه موافق بوده ام. بدیهی است که ما نمی خواهیم ژاپن را نیز به شمار دشمنان خود اضافه نمائیم، اما موضع ایالات متحده همان طوری که در جلسه ما با پرزیدنت روزولت روشن گردیده ، دولت ژاپن را به حفظ دیدگاههای هوشیارانه تری ناگزیر ساخته است. من به نام دولت اعلیحضرت اعلام نموده‌ام که چنانچه ایالات متحده به جنگ با ژاپن درگیر شود، بریتانیای کبیر نیز بلادرنگ به حمایت از آمریکا وارد جنگ خواهد شد. به اعتقاد من هر سه کشور ما بایستی کمکهای خود را حتی المقدور به چین ادامه دهند، زیرا این امر می تواند نقش مهمی را در نفی اعلان جنگ از جانب دولت ژاپن ایفا نماید.

شکی نیست که ملت های ما یک دوره مبارزات طولانی همراه با دردها وناملایماتی را در پیش دارند ومن به ورود ایالات متحده به این جنگ به عنوان یک کشور جنگنده امید فراوان بسته ام واگرچنین شود، معتقدم که برای نیل به پیروزی باید فقط تحمل واستقامت ازخود نشان بدهیم.

من امیدوارم که در جریان این جنگ، توده های عظیم ملت های امپراتوری بریتانیا، اتحاد شوروی وایالات متحده وچین که مجموعاً دو سوم از کل جمعیت کره زمین را تشکیل می دهند، به مبارزه علیه دشمنان خود برخیزند واطمینان دارم راهی را که انتخاب خواهند کرد،به پیروزی منجر خواهد شد.

موفقیت ارتشهای روسیه ونابودی متجاوزین نازی را از صمیم قلب آرزو می نمایم.

ارادتمند شما- وینستون چرچیل

۲۱سپتامبرسال۱۹٤۱

سند شماره ۱۵

نامه خصوصی چرچیل به استالین

من به برقراری اتحاد وهمبستگی کامل با ایران ونیل به ایجادیک همکاری نزدیک، موثر وعملی با نیروهای مسلح شما در ایران بسیار علاقمندم. در ایران، درمیان قبایل نشانه هایی از هرج ومرج شدید وتضعیف جدی قدرت های حاکم مشاهده می شود. گسترش این آشفتگی ها ما را برآن خواهد داشت که به منظور برقراری نظم وآرامش، ناگزیر به اعزام نیرو وتحلیل آن گردیم که این امر بنوبه خود، به علت جابجایی نیروها وتجهیزات مربوطه، موجب ترافیک جاده ها وخطوط آهن خواهد شد، در حالیکه ماباید این راهها را به منظور تامین حمل ونقل تدارکاتی برای کشور شما باز و آزاد نگهداشته و حتی الامکان در بهبود و بهره برداری از آن ها سعی به عمل آوریم. ما باید تلاش کنیم تا زمانی که درحال جنگ می باشیم، ایرانیان را به حفظ نظم وآرامش درکشورشان ترغیب نمائیم. پیشنهاد قطعی جنابعالی در این زمینه روند مساعد کارهایمان را در این صحنه فرعی از جنگ تسریع خواهد کرد.

اول اکتبر سال۱۹٤۱

سند شمار١٦

از استالین به چرچیل*

چرچیل، نخست وزیر گرامی!

ورود هیأت های نمایندگی بریتانیاو آمریکا به مسکو، خاصه به ریاست لرد بیوربروک وهاریمن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد. آنچه که در ارتباط با لرد بیوربروک می باشد، باید بگویم که ایشان در کنفرانس سه جانبه مسکو(١٠) در واقع تمام تلاش خود را برای بررسی وحتی الامکان حل فوری مسائل مورد بحث سه دولت، بطور مؤثر وثمر بخش، بکار گرفتند. همین نظر راهم باید نسبت به هاریمن بیان نمایم. مراتب تشکر وقدردانی صمیمانه دولت شوروی را بخاطر همه تلاشها واعزام نمایندگان بلند پایه به مسکو حضور جنابعالی وپرزیدنت روزولت تقدیم می دارم.

در عین حال پنهان نمی داریم که نیازهای تدارکاتی فعلی ما در جنگ با توجه به شرایط نامساعد حاکم بر جبهه وسایر مشکلات ناشی از انتقال گروه جدید کارخانه ها با تصمیمات اتخاذ شده بوسیله کنفرانس مسکو برآورده نگردیده است، مضافاً اینکه ، بررسی وحل نهایی یک سری از مسائل نیز به اجلاس لندن وواشنگتن موکول گردیده است، اما در مجموع کار کنفرانس جامع وقابل ملاحظه بود. من امیدوار هستم که دولت های بریتانیا وآمریکا تمام امکانات خود را برای افزایش کمکهای ماهانه آینده بکار بسته ودر حال حاضر نیز درصورت یافتن هرفرصت مقتضی نسبت به ارسال کمک های تعیین شده

تسریع نمایند، زیرا هیتلری ها ازماههای قبل از زمستان استفاده کرده وتلاش خود را جهت وارد آوردن بیشترین فشار به اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی به عمل خواهند آورد.

من با نظریات جنابعالی درباره مسائل ترکیه وچین موافقم.امیدوارم که دولت بریتانیا دراین لحظه فعالیت مؤثری بر هر دو این جریان داشته باشد، بویژه آنکه اکنون امکانات مربوطه کشور ما محدود می باشد واین مسئله حائز کمال اهمیت است .

در رابطه با آینده ودور نمای مبارزه مشترکمان علیه راهزنان هیتلری که در مرکز اروپا لانه گزیده اند، من اطمینان می دهم که با وجود همه سختی ها ومشکلات، ما مسئله شکست هیتلر را به سود ملت های آزادی خواهمان حل خواهیم کرد.

باتقدیم احترامات بی شائبه

ژوزف استالین

سوم اکتبر سال ۱۹٤۱

سند شماره ۱۷

نامه خصوصی آقای چرچیل به آقای استالین

خبر موفقیت آمیز کار کنفرانس سه جانبه در مسکو را از لرد بیوربورك شنیدم وخوشحال شدم.« BIS DAT QUI CITO DAT» (۱۱)

ما تصمیم گرفته ایم که کاروان (۲)کشتی ها را بفاصله هر ۱۰روز یک بار بطور وقفه ناپذیر به سوی شما اعزام نمائیم. محموله بعدی شامل ۲۰ دستگاه تانک سنگین و۱۹۳ فروند هواپیمای شکاری (سهمیه قبل از اکتبر) اکنون در راه می باشد و۱۲ اکتبر به آرخ آنگل خواهد رسید.

محموله بعدی ۱۲ اکتبر به حرکت در خواهد آمد. تاریخ تحویل کالا ۲۹ اکتبر تعیین گردیده است که شامل ۱٤۰ دستگاه تانک سنگین ، ۱۰۰ فروند هواپیمای شکاری مدل «هاری کین»، ۲۰۰ عدد نوار فشنگ مخصوص مسلسل مدل «برَن»، ۲۰۰قبضه تفنگ ضد تانک با فشنگ های مربوطه، ، ۵۰قبضه توپ کالیبر ٤۲ میلیمتری با متعلقات مربوطه می باشد.

محموله بعدی ۲۲ اکتبر ارسال خواهد شد وشامل ۲۰۰ فروند هواپیمای شکاری و ۱۲۰ دستگاه تانک سنگین خواهد بود.

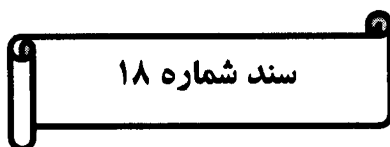
در نتیجه، کلیه هواپیما ها و ۲۸۰ دستگاه تانک مربوط به سهمیه ماه اکتبر، تا تاریخ ششم ماه نوامبر به روسیه خواهند رسید. نوارهای فشنگ مخصوص مسلسل های مدل «برن»، تفنگ های ضد تانک وتوپ های ضد تانک کالیبر ٤۲ میلیمتری مربوط به کمکهای ماه اکتبر را در ماه اکتبر دریافت خواهیدداشت. ۲۰ دستگاه تانک بارگیری شده را از طریق ایران تحویل خواهید گرفت، ۱۵دستگاه تانک نیز به زودی از کانادا از طریق ولادی واستوک ارسال خواهدشد.

بدین ترتیب، جمعاً ۳۱۵ دستگاه تانک دریافت خواهید کرد که ۱۹ دستگاه نسبت به سهمیه تعیین شده کسری خواهد داشت که این تعداد کسری

در ماه نوامبر جبران خواهدشد. برنامه فوق جدا از تأمین تجهیزات وتدارکاتی است که توسط ایالات متحده انجام خواهدشد.

درصورت سازماندهی منظم حرکت کشتی های کاروانی ، به نظر می رسد که آرخ انگل بخش اعظم محموله های جنگی را دریافت نماید. گمان می کنم که این قسمت از کارها را باید انجام شده تلقی نمود.

١٦اکتبر سال ١٩٤١



نامه خصوصی وینستون چرچیل به استالین

به خاطر ارسال نامه ۱۳اکتبر از جنابعالی تشکر می کنم.

من همیشه نسبت به تسریع در حمل وتحویل تجهیزاتی که وعده انجام آن را در تلگرام ١٦ اکتبر خود داده ام، پیگیری می نمایم. خواسته شما نسبت به دریافت ۳۰۰۰ دستگاه کامیون به زودی از ذخیره های ارتش ما تأمین خواهد شد، البته، ارسال این کامیونها مانع از ارسال تانکها وهواپیماهای مقرر ه نخواهد شد.

مااز آقای هاریمن می خواهیم تا در مورد افزایش کمک های ایالات متحده که برای دوره ای درازمدت پیش بینی گردیده است، مساعدتهای بیشتری به عمل آورند.

درباره مسائل مربوط به ایران باید به اطلاع برسانم که موارد مورد علاقه ما در آنجا به شرح زیر می باشد:

۱- ایجاد مانع علیه نفوذ آلمانها به شرق،

۲- ایجاد راه دوطرفه جهت نقل وانتقالات نظامی تا دریای خزر.

چنانچه جنابعالی نسبت به فراخوانی پنج یا شش لشگر روسی مستقر در ایران ، به منظور استفاده در جبهه جنگ، اظهار تمایل می نمائید، ما می توانیم مسئولیت حفظ نظم وحراست کامل از راههای تدارکاتی جنگ را عهده دارشویم. من به نام بریتانیا قول می دهم که مانه درزمان جنگ ونه پس از پایان آن ، درصدد کسب هیچگونه امتیازی که مغایر بامنافع بحق شما باشد، برنخواهیم آمد. در هر صورت امضاء قرارداد سه جانبه(۱۲) به منظور اجتناب از گسترش هرج ومرج داخلی که خطر قطع راههای مواصلاتی را همراه خواهد داشت، امری است ضروری که به فوریت باید عملی گردد.

ژنرال ایول ۱۶ اکتبر در تفلیس خواهد بود وبه اتفاق ژنرالهای شما هر مسئله ای را که جنابعالی خواهان حل آن می باشید، مورد تجزیه وتحلیل قرار خواهد داد.

واژه ها قادر به بیان احساسات ما در زمینه مبارزات بزرگ وقهرمانانه شما نمی باشند.ما امیدوار هستیم که به زودی کارهای ما بیانگراحساسات ما باشند.

۱۲ اکتبر سال ۱۹۴۱

سند شماره ۱۹

تاریخ دریافت نامه هفتم نوامبر سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

برای مشخص کردن کارها وتهیه برنامه های آینده، من آماده ام که ژنرال آیول فرمانده کل نیروهای مستقر در هندوستان، ایران وعراق را جهت ملاقات با جنابعالی به مسکو، کوییبشف، تفلیس ویا به هر مکانی که شما در آنجا قرار خواهید داشت، اعزام نمایم.ضمناً ، ژنرال پای جت که اخیراً به سمت فرماندهی کل قوای ما در خاور دورمنصوب شده است نیز ژنرال آیول را همراهی خواهد کرد.

ژنرال پای جت قبلاً فرماندهی عملیات جاری اینجا را عهده دار بوده وبا جدیدترین نظریات ودیدگاههای باارزش فرماندهی عالی ما آشنایی دارد. این دو افسر می توانند موقعیت وامکانات مارا دقیقاً ودر مجموع آنچه را که ما صحیح و منطقی می دانیم برای شما تشریح نمایند. آنها می توانند حدوداً پس از دو هفته در حضور شما باشند.

آیا جنابعالی اظهار تمایل می فرمائید که باآنان دیدار داشته باشید؟

ما در نامه مورخ ٦ سپتامبرخود آمادگی مان را جهت اعلان جنگ به فنلاند به شما اطلاع دادیم. اما تقاضا می کنم بررسی بفرمائید که آیا اعلان جنگ از طرف بریتانیای کبیر به کشورهای فنلاند، مجارستان و رومانی درشرایط کنونی به صلاح می باشد.

این امر فقط به صورت یک تشریفات خواهد بود، زیرا آنها هم اکنون عملاً تحت محاصره شدید ما قرار گرفته اند. من اعلان جنگ به این کشورها را تأیید نمی نمایم، زیرا که اولاً، فنلاند در ایالات متحده دارای دوستان بیشماری است که ماباید این حقیقت را در نظر داشته باشیم.

ثانیاً دررابطه با مجارستان ورومانی باید اذعان داشت که این دوکشور مملو از دوستان ما می باشند. هیتلر آن ها را تحت منگنه قرارداده واز وجود آنان به عنوان ابزار چشم وگوش بسته استفاده می نماید.

حال اگر از این جانی شرور بخت رو برگرداند، آنگاه ما خواهیم دید که چطور این افراد به سادگی دوباره به جانب ما روی خواهند آورد.

اعلان جنگ به وسیله بریتانیای کبیر بین ما وآنها فاصله ایجاد خواهد کرد واثر بدو نامطلوبی بر جای خواهد گذاشت وگویی که هیتلر رئیس ایالات متحده بزرگ اروپااست واین کشورها یکپارچه علیه ما بسیج شده اند.

من از جنابعالی خواهش می کنم این چنین برداشت نشود که ما به خاطر نفرت کمتر ویا مناسبات دوستی با آنها ، در اجرای این مهم دچار تردید شده‌ایم.کشورهای وابسته به ما، باستثنا، استرالیا، همه مخالف با این اعلان می‌باشند. معهذا چنانچه جنابعالی تصورمی فرمائید که این اقدام می تواند برای شما یک کمک واقعی به شمار آید ویا اینکه دارای معنا و اهمیت است، من این مسئله را دوباره در کابینه مطرح خواهم کرد.

من امیدوار هستم، باهمان سرعتی که محموله های جنگی وارد آرخ آنگل می شوند، با همان سرعت نیز ازآنجا به سوی جبهه ها انتقال داده شوند. حمل محموله های نسبتاً قابل ملاحظه ای هم اکنون از طریق ایران در جریان است. ما

ضمن متمرکز ساختن تمامی نیروهای خود، تلاش خواهیم کرد تا از هر دوطریق احتیاجات مورد ضروری شمارا تأمین نمائیم.

ازشما تقاضا می کنم امکاناتی فراهم آورید تا تکنسین های اعزامی ما که برای تحویل تانک ها وهواپیماها مأموریت می یابند، بتوانند این تجهیزات را در بهترین شرایط ممکنه تحویل افراد شما نمایند.

در حال حاضر هیأت نمایندگی ما در کوییبشف فاقد این امکانات است. این هیأت فقط به کمک نیاز دارد.

ما این تجهیزات را با قبول ریسک مربوطه برای شما ارسال می داریم وخواهان این می باشیم که از آنها به بهترین وجه ممکن استفاده به عمل آید. احتمالاً صدور دستور مقتضی جنابعالی در این زمینه ضرورت امر می یابد.

من در موقعیتی نیستم که بتوانم جنابعالی را از برنامه های نظامی آینده نزدیکمان،آنطور که شما می توانید مرا از برنامه های نظامی آینده تان مطلع سازید، بااطلاع نمایم. اما اطمینان می دهم که ما دست روی دست نخواهیم گذاشت.

به منظور حفظ ونگهداری ژاپن در وضعیتی آرام ، ما مدرن ترین کشتی جنگی مجهز خود «پرنس والس» را که می تواند هر نوع کشتی ژاپنی را شکار وبه انهدام بکشد، روانه اقیانوس هند ساخته ایم وبه تشکیل یک اسکادریل نیرومند از کشتی ها ی جنگی مجهز نیز اقدام خواهیم کرد.

من از پرزیدنت روزولت مصرانه تقاضا خواهم کرد که ژاپنی ها را زیر فشار قرارداده وآنها را درشرایط تهدید وخطر به نحوی باقی گذارند که مسیر ولادی واستوک به محاصره کشیده نشود.

من برای تعریف از کلمات بهره نخواهم گرفت، زیرا جنابعالی از لرد بیوربروک و آقای هاریمن آنچه را که ما درباره مبارزات شما فکر می کنیم، کسب اطلاع فرموده اید. نسبت به حمایت وپشتیبانی خلل ناپذیر ما اطمینان داشته باشید.

خوشحال خواهم شد اگر از جنابعالی مستقیماً خبر مربوط به وصول این تلگرام را دریافت دارم.

سند شماره ۲۰

تاریخ ارسال نامه ۸ نوامبر سال ۱۹٤۱

نامه خصوصی استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در تاریخ ۷ نوامبر دریافت نمودم.

۱-من باشما در مورد روشن ساختن مناسبات دو جانبه اتحا جماهیرشوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر که در حال حاضر مشخص نیست، موافقم. این عدم وضوح و روشنی در کارها معلول دو علت است: اول عدم وجود قرار داد مشخص ومعلوم بین دوکشور ما در زمینه اهداف جنگ و برنامه های سازمان صلح پس از جنگ، دوم عدم وجود قرارداد میان دوکشور اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر در زمینه کمکهای متقابله در امور جنگ علیه هیتلر در اروپا. تا زمانیکه درزمینه این دومسئله مهم قراردادی به امضاء نرسد، نه تنها روشنی ووضوح درمناسبات متقابل فیمابین انگلیس

وشوروی پدید نخواهد آمد، بلکه اگر بتوان بطور کاملاً صریح اعلام نمود، اعتماد متقابل نیز تأمین نخواهدشد.

البته، قراد داد موجود مربوط به مسئله ارسال تدارکات نظامی به اتحاد شوروی از اهمیت بسیار مثبتی برخوردار می باشد،اما این امربه تنهایی قادر به حل مسئله نبوده ودر نهایت حل تمام مسائل مربوط به مناسبات متقابل دو کشور را دربر نخواهد گرفت.

چنانچه ژنرال آیول وژنرال پای جت که جنابعالی در نامه خود به آنها اشاره داشته اید، به منظور عقد قرارداد در زمینه اصلی مسائل فوق‌الذکر به مسکو عزیمت می نمایند، بدیهی است که من آمادگی ملاقات با آنها وبررسی این مسائل را خواهم داشت، لکن اگر هیأت نمایندگی متشکل از ژنرالها در چهار چوب امور اطلاعاتی وبررسی مسائل ثانویه محدود می باشند، من لزومی به بازداشتن آنها از کار خود نمی بینم وخود نیز نمی توانم وقتی را برای انجام این چنین مذاکرات اختصاص دهم.

۲- در رابطه با اعلان جنگ به فنلاند ، مجارستان ورومانی از جانب بریتانیای کبیر،به نظر من وضعیت تحمل ناپذیری بوجود آمده است. دولت شوروی این مسئله را بطور محرمانه و دیپلماسی در برابر دولت بریتانیای کبیر مطرح می سازد. ولی کل این مسئله بطور غیر منتظره برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، از پیشنهاد دولت شوروی به دولت بریتانیای کبیر گرفته تا بررسی همه جانبه این مسئله در دولت ایالات متحده آمریکا، به مطبوعات کشیده می شود و در مطبوعات هم دوست ودشمن بصورت غیر مستقیم وتحریف شده به تجزیه وتحلیل آن می پردازند.. و پس از همه این اتفاقات ،

دولت بریتانیای کبیر نسبت به پیشنهاد ما موضع منفی اتخاذ می نماید. این کارها برای چه منظوری صورت می پذیرد؟ نکند برای نشان دادن اختلاف میان اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر می باشد؟

۳- تردیدی نیست که ما با برنامه ریزی کامل، تمام تجهیزات وتسلیحاتی را که از انگلستان به آرخ آنگل تحویل می گرددبه موقع به مناطق تعیین شده ارسال می داریم. همینطور نیز در رابطه با دریافت تجهیزات شما از طریق ایران عمل می گردد. البته نمی توان به این مسئله ، هر چند جزیی است، اشاره نداشت که تانکها، توپ ها وهواپیماها دربسته بندی های نامناسب ارسال می گردند، قطعات مختلف توپ ها با کشتی های جداگانه حمل می گردند و هواپیماها به اندازه ای بد بسته بندی می شوندکه ما آنها را بصورت شکسته تحویل می گیریم.

سند شماره ۲۱

تاریخ دریافت نامه ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱

از چرچیل به استالین*

از جنابعالی بخاطر ارسال نامه ای که هم اکنون آن را دریافت داشته ام، بسیار تشکر می کنم. ازآغاز جنگ ما با پرزیدنت روزولت مکاتباتی را بطور خصوصی شروع کرده ایم که بطور کاملاً اساسی موجبات تفاهم متقابل فیمابین را فراهم آورده است. بطوریکه این امر اغلب به حل سریع مسائل

کمک می کند. تنها خواسته من همکاری وهمیاری باشما براساس چنین پایه‌هائی از دوستی واعتماد می باشد.

درباره فنلاند باید به اطلاع برسانم که در تاریخ ۵ سپتامبر که من برای جنابعالی تلگرام ارسال داشته‌ام، آمادگی کامل جهت طرح مسئله اعلان جنگ به فنلاند در کابینه موجود بود. در نتیجه تأخیر در دریافت اطلاعات لازمه، بنظرم آمد که اگر ما بتوانیم بجای آنکه فنلاندیها را در کنارسایر گناهکاران دولتهای محور روی نیمکت متهمین نشانده و یا ازطریق اعلان جنگ تشریفاتی آنان را به ادامه جنگ تا مرحله نهایی مجبور سازیم،از آنها بخواهیم که جنگ را قطع و سپس آنان را در محل متوقف ویا به خانه های خود اعزام داریم، می توانیم در جهت کمک به روسیه وپیشبرد کارهای مشترکمان قدمهای موثر تری برداریم. با وجود این اگر فنلاندیها ظرف ۱۵روز آینده نسبت به قطع جنگ اقدام ننمایند وجنابعالی نیز همچنان خواهان اعلان جنگ ازطرف مابه آنان باشید، ما بیدرنگ به فنلاند اعلان جنگ خواهیم داد. من با جنابعالی موافقم که افشای این مسئله کاملاً نادرست بوده است ، اما مادر این مورد بهیچوجه گناهکار نیستیم.

اگر حمله ما درلیبی آنطور که ما امیدوار می باشیم باعث انهدام ارتشهای آلمانی وایتالیایی مستقر در آنجا گردد، در آنصورت بررسی وسیع مسائل جنگ در واقع با آزادی وفراغت بیشتری نسبت به آنچه که تابحال برای دولت اعلیحضرت فراهم بوده است، امکان پذیر خواهد شد.

بدین منظور ما در آینده بسیار نزدیک ایدن وزیر امور خارجه را که جنابعالی با ایشان آشنا می باشید. به مأموریت اعزام خواهیم داشت.

ایشان برای دیدار با جنابعالی ، درمسکو یا در هر مکان دیگری، از طریق دریای مدیترانه عازم خواهندشد. چند نفر از نظامیان بلند پایه وکارشناسان برجسته هم ایشان را همراهی خواهند کرد؛ آقای ایدن میتوانند هر مسئله مربوط به جنگ، از جمله انتقال قوا نه تنهابه قفقاز، بلکه به خط جبهه ارتش های مستقر شما در جنوب را نیز مورد تجزیه وتحلیل قراردهند. هیچکدام، نه کشتی های ما و نه خطوط مواصلاتی ما نمی توانند به یکباره نیروهای قابل ملاحظه ای را وارد عملیات نمایند، حتّی در این مورد لازم می آید که شما بین انتقال قوای نظامی ویا ارسال تجهیزات از طریق ایران یکی را انتخاب بفرمائید.

من می بینم که جنابعالی نسبت به بحث وبررسی پیرامون برنامه سازمان صلح پس از جنگ هم اظهار تمایل میفرمائید. قصد ما اینست که جنگ را با اتحاد ومشورت دائمی شما، با همبستگی وانسجام شدید نیروهایمان تا هر زمانی که بطول انجامد، ادامه دهیم. پس از پیروزی در جنگ ، که به این پیروزی اطمینان دارم، امیدوار هستیم که روسیه شوروی، بریتانیای کبیر وایالات متحده آمریکا پشت میز کنفرانس پیروزی بعنوان سه شرکت کننده اصلی، که عملیاتشان موجب شکست ونابودی نازیسم را فراهم آورده است به دیدار بایکدیگربنشینند. طبیعی است ، اولین برنامه دگرگون ساختن آلمان به ویژه ایالت پروس خواهد بود که سه بار مارا مورد حمله خود قرارداده است. این حقیقت که شوروی دارای رژیم کمونیستی و بریتانیا وایالات متحده آمریکا دارای رژیم های غیر کمونیستی می باشند وقصد هم ندارند که رژیمی غیر از رژیم خود اختیار نمایند، نمی‌تواند مانعی برای تهیه وتدوین برنامه های خوب

ما درزمینه تأمین امنیت متقابل ومنافع قانونی ما ایجاد نماید. وزیر امور خارجه به اتفاق جنابعالی می تواند کلیه این مسائل را مورد بحث ومذاکره قراردهد.

کاملاًامکان پذیر می باشد که دفاع مسکو و لنینگراد هم مانند مقاومت درخشانی که در تمام جبهه های روسیه علیه متجاوزین واشغالگران نشان داده شده است، بتواند ضربات مرگباری را به تشکیلات داخلی رژیم نازی وارد آورد. اما ما نباید صرفاً چنین نتیجه سعات باری را محاسبه نمائیم، بلکه باید در نهایت توان وقدرت بر ادامه ایراد ضربات تلاش بعمل آوریم.

سند شماره ۲۲

تاریخ ارسال نامه ۲۳ نوامبر سال ۱۹۴۱

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی بخاطر ارسال نامه تشکر می کنم.

از اینکه در نوشتار خود در زمینه همکاری با اینجانب از طریق مکاتبات خصوصی مبتنی بر دوستی واعتماد متقابل اظهار تمایل فرموده اید، صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم که این امر بتواند در آینده کمک شایانی به موفقیت کار مشترکمان بنماید.

اما درباره مسئله مربوط به فنلاند: اتحاد جماهیر شوروی هم از همان آغاز جز قطع عملیات جنگ وخروج عملی فنلاند یها از جنگ، منظور دیگری را مد نظر نداشته است.

بهر حال اگر فنلاند ظرف مدت مقرری که شما تعیین فرموده اید، اقدامی در جهت قطع جنگ وکناره گیری از آن بعمل نیاورد، من اعلان جنگ از طرف بریتانیای کبیر را به آن کشور صلاح وضروری می دانم، زیرا در غیر اینصورت این وهم وتصور پیش خواهد آمد که در مسئله جنگ علیه هیتلر وهمدستان یاغی او ما فاقد اتحاد وهمبستگی بوده وهیتلر وهمپالگی هایش می توانند هر عمل زشت ونفرت آوری را بی هیچ کیفری به انجام رسانند. در مورد مجارستان و رومانی ظاهراً می توان تأمل کرد.

از پیشنهاد جنابعالی در مورد اعزام قریب الوقوع«ایدن»وزیر امور خارجه به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کاملاً استقبال می کنم. بحث ومذاکره با ایشان وامضاء موافقتنامه در زمینه عملیات مشترک نیروهای شوروی وانگلیس در جبهه های ماو اجرای آن در اسرع وقت می تواند حائز اهمیت فوق العاده مهم ومثبتی باشد. کاملاً صحیح می فرمائید، بحث وبررسی وتهیه برنامه سازمان صلح پس از پایان جنگ بایستی ابتدا بر اساس دگرگون ساختن آلمان، بویژه پروس صورت پذیرد ، زیرا در غیر اینصورت دوباره صلح در معرض خطر قرار خواهد گرفت وملت ها از نو درگیر جنگ وخونریزی خواهند شد.

من باشما کاملاً هم عقیده ام، اختلاف بین رژیم دولت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی ورژیم دولت های بریتانیای کبیر وایالات متحده آمریکا نه باید ونه می تواند مانعی در حل مسائل اساسی ما در زمینه تأمین امنیت متقابل ومنافع قانونی ما فراهم آورد. من امیدوار هستم که چنانچه در این خصوص تردید ویا ابهامی احساس می شود، به هنگام دیدار و گفتگو با آقای ایدن منتفی گردد.

تبریکات مرابه مناسبت آغاز موفقیت آمیز حمله نیروهای بریتانیای کبیر در لیبی بپذیرید.

مبارزه نیروهای شوروی با قوای هیتلری با همان شدت ادامه دارد. باوجود تمام مشکلات وناهمواریها ، مقاومت نیروهای ما بیشتر وبازهم بیشتر خواهدشد. اراده ما به پیروزی بر دشمن تزلزل ناپذیر است.

سند شماره ۲۳

به وینستون چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر

روز تولد جنابعالی را صمیمانه تبریک گفته، برای حضرتعالی از صمیم قلب آرزوی سلامتی وتوانائی لازم جهت پیروزی بر هیتلریسم- دشمن انسانیت می نمایم.

همراه بابهترین آرزوهای قلبی- استالین

۳۰ نوامبر سال۱۹٤۱

سند شماره ۲٤

تاریخ دریافت نامه ٥ دسامبرسال ۱۹٤۱

از چرچیل به استالین*

از ارسال پیام تبریک بسیار محبت آمیز وسرشار از دوستی جنابعالی به مناسبت روز تولد خود صمیمانه تشکر می کنم. اجازه بفرمائید فرصت را غنیمت دانسته ، مراتب سرور وشادی تمامی ملت بریتانیا را که ناظر بر استقامت

وایستادگی ارتش های شجاع روسی در دفاع از لنینگراد ومسکو می باشند، به استحضار جنابعالی رسانیده وخاطر نشان سازم که همه ما تا چه اندازه از کسب پیروزیهای درخشان شما درشهر« راستونا-دونو» خوشحالیم.

سند شماره ۲۵

تاریخ دریافت نامه ١٦ دسامبر ١٩٤١

از چرچیل به استالین*

من برای ملاقات با پرزیدنت روزولت وبه منظور بحث ومذاکره پیرامون برنامه های مشترکمان عازم آمریکا می باشم. از واشنگتن اطلاعات کامل مربوط به وضعیت کارهارا به حضورتان مخابره خواهم کرد. من بالیتوینوف، با این امید که ملاقات ما مورد علاقه شما باشد، تماس حاصل خواهم نمود.

احساس آرامشی را که هرروز به خاطر پیروزیهای چشمگیرشما در جبهه روسیه نصیبم می شود، نمی توانم توصیف نمایم. من نسبت به نتیجه جنگ هیچگاه تا این اندازه احساس اطمینان نکرده بودم.

سند شماره ۲٦

تاریخ دریافت نامه ۲۱ دسامبر سال ۱۹٤۱

از چرچیل به استالین*

بهترین تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت سالروز تولد جنابعالی تقدیم حضورتان داشته وآرزو دارم که جنابعالی درسالهای آینده بتوانید پیروزی وصلح وامنیت را، پس از اینهمه طوفانهای سهمگین ، نصیب روسیه فرمائید.

سند شماره ۲۷

تاریخ ارسال نامه ۲۷دسامبر سال ۱۹٤۱

از استالین به چرچیل *

از جنابعالی به خاطر آرزوهای خوبی که به مناسبت روز تولد اینجانب ابراز فرموده اید، صمیمانه تشکر می کنم. موقع را مغتنم شمرده شادباشهای قلبی خود رابه مناسبت موفقیت های تازه درلیبی حضور جنابعالی ودوستمان ارتش انگلیس تقدیم می دارم.

سند شماره ۲۸

تاریخ دریافت نامه ۵ ژانویه سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

از مطالعه مقاله مندرج در مطبوعات امریکا که در تاریخ ۳۱ دسامبر(۱۳) در روزنامه «پراودا» به چاپ رسیده است، فوق العاده نگران شدم، زیرا این توهم ایجاد می گردد که این قبیل مقالات مورد تایید وتحسین دولت روسیه است. گمان می کنم که شما اجازه می فرمائید که من به پیامدهای خطرناکی که ادامه چاپ این قبیل مقاله های انتقادی در مطبوعات شمامی تواند در ایا لات متحده بوجود آورد، اشاره کنم. البته ، چون از همان اولین روز حمله نازیها به کشور شما، تلاش من براین بوده است که حمایت کامل ایالات متحده را نسبت به روسیه شوروی جلب نمایم، لذا لازم دانستم که این توضیح کاملاً خصوصی وفوق العاده دوستانه رابه اطلاع جنابعالی برسانم.

سند شماره ۲۹

تاریخ ارسال نامه ۸ ژانویه سال ۱۹٤۲

از استالین به چرچیل *

از جنابعالی به خاطر نامه وتوجهی که نسبت به گسترش مناسبات دو کشور شوروی و امریکا مبذول می فرمائید، تشکر می کنم. مقاله مندرج در روزنامه «پراودا» که به آن اشاره فرموده اید، بهیچوجه جنبه رسمی نداشته ویقیناً هدفی

جز تأمین منافع کشور های ما در مبارزه با متجاوزان را ندارد. دولت شوروی به نوبه خود تمام نیرو وتوان خویش را جهت تقویت واستحکام روابط آینده دو کشور شوروی و آمریکا معمول داشته وخواهد داشت.

سند شماره ۳۰

تاریخ دریافت نامه ۱۵ژانویه به سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

از دریافت تلگرام محبت آمیز جنابعالی که در تاریخ ۹ ژانویه توسط آقای لیتوینوف به دستم رسید، بسیار خوشحال شدم. صفحات تمام روزنامه های اینجا مملو از تعریف وستایش از ارتشهای روسیه است. اجازه بفرمایید من نیز به خاطر پیروزی های بزرگی که برای فرماندهی ونیروهای مسلح روسیه به منزله پاداشی ارزنده به پاس وفاداری آنان است، مراتب وجد وانبساط خاطر خود رابیان نمایم. من در مذاکرات خود در اینجا نسبت به اجرای دقیق ارسال تجهیزات به روسیه بر طبق صورت وظرفیت مقرره اهمیت فراوانی قائل شده ام.

بهترین آرزوهای قلبی خود را به مناسبت سال نو تقدیم حضورتان می دارم.

سند شماره ۳۱

تاریخ ارسال نامه ١٦ ژانویه سال ١٩٤٢

از استالین به چرچیل*

نامه ۱۵ ژانویه جنابعالی را دریافت داشتم. بخاطر ابراز آرزوهای قلبی آنجناب به مناسبت سال نو وپیروزی های ارتش سرخ صمیمانه ازشما تشکر می کنم. کسب موفقیت های چشمگیر در آفریقای شمالی را به جنابعالی وارتش بریتانیای کبیر تبریک وتهنیت می گویم.

سند شماره ۳۲

تاریخ دریافت نامه ١١ فوریه سال ١٩٤٢

از چرچیل به استالین*

کلمات قادر به بیان شادی وشعفی که به همه ما بخاطر ادامه پیروزیهای درخشان ارتش های شما درمبارزه علیه اشغالگران آلمانی دست داده است،نیست. من لازم می دانم یکبار دیگر بخاطر همه آنچه راکه روسیه جهت نیل به هدف مشترکمان انجام می دهد، از جنابعالی تشکر وقدردانی نمایم.

سند شماره ۳۳

تاریخ ارسال نامه ١٤ فوریه سال ١٩٤٢

نامه استالین به چرچیل*

از جنابعالی به خاطر ارسال تبریک به مناسبت موفقیت های ارتش سرخ تشکر می کنم.

با توجه به مشکلات ودشواریهای موجود در جبهه شوروی – آلمان وهمینطور درسایر جبهه ها، من حتی لحظه ای تردیدبه خود راه نمی دهم که اتحاد قدرتمند بین کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بریتانیای کبیر وایا لات متحده آمریکا دشمن را درهم خواهدشکست وپیروزی کامل را نصیب ما خواهد کرد.

سند شماره ٣٤

تاریخ دریافت نامه ٢٤ فوریه سال ١٩٤٢

نامه چرچیل به استالین*

امروز مراسم جشن بیست وچهارمین سالگرد تاسیس ارتش سرخ، پس از هشت ماه نبرد، نبردی افتخار آمیز برای فرماندهان وسربازان این ارتش که فداکاری هایشان برای همیشه در تاریخ به ثبت خواهد رسید، بر پا می باشد.

به مناسبت این روز خجسته، آن مراتبی از شادی وامتنان را به حضورجنابعالی ریاست کمیته دفاع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وتمام

نیروهای مسلح شوروی که ملت های امپراتوری بریتانیا سر شار از آن، ناظر بر قهرمانیهای شما بوده وبه پایان پیروزمندانه مبارزات واحد وهمبسته ما علیه دشمن مشترک اطمینان دارند، ابراز می دارم.

سند شماره ۳۵

تاریخ دریافت نامه ۱۲مارس سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

۱- من طی ارسال پیامی برای پرزیدنت روزولت ایشان را نسبت به امضای موافقتنامه فیمابین دو کشور در رابطه با مرزهای روسیه(۱٤) پس از پایان جنگ، متقاعد ساخته ام.

۲- دستورات موکدی را در مورد ارسال تجهیزات وعده شده به شما صادر کرده ام که تحت هیچ شرایطی ارسال محموله ها نبایستی قطع ویا با وقفه مواجه گردد.

۳- هنگامیکه هوا مساعدتر شود، ما از نو حملات نیرومند هوایی خود را به خاک آلمان، چه در روز وچه در شب از سر خواهیم گرفت. اقدامات دیگری را نیز در جهت کاهش دادن بخش دیگری از بار دشمن از دوش کشور شما در دست مطالعه داریم.

٤- ادامه پیشروی ارتشهای روسیه وتلفات بسیار سنگینی که در این دوره سخت ومشقت بار از قوای دشمن بر جای می ماند، یقیناً مهمترین انگیزه برای ابراز بهترین تحسین های ما به شما است.

سند شماره ٣٦

تاریخ ارسال نامه ١٤ مارس سال ١٩٤٢

از استالین به چرچیل*

بخاطر ارسال نامه١٢ مارس شما که در کوییبیشف بدست من رسیده است، از جنابعالی بسیار تشکر می کنم.

مراتب حق شناسی دولت شوروی را به مناسبت اتخاذ تدابیر لازمه جهت تأمین تجهیزات برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وهمچنین تشدید حملات هوایی به خاک آلمان بپذیرید.

اعتقاد راسخ دارم که نیروهای متحد ما،صرفنظر از چند موردناکامی سرانجام قوای دشمن را در هم خواهند شکست وسال ١٩٤٢ سالی مهم در متحول ساختن حوادث جبهه جنگ با هیتلریسم خواهد بود.

در رابطه با اولین بند از نامه جنابعالی که سخن از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به میان آمده است، من فکر می کنم، متن قرارداد مربوطه باید یکبار دیگر مورد تبادل نظر قرار گیرد، آنگاه درصورت پذیرش طرفین به امضاء برسد.

سند شماره ۳۷

خصوصی ومحرمانه

تاریخ دریافت نامه ۲۱ مارس ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

۱- بخاطر پاسخگویی به آخرین تلگرام اینجانب ازشما بسیار ممنونم. لرد بیوربروک عازم واشنگتن شد تا در مذاکرات با پرزیدنت روزولت بتواند مسئله قرارداد مربوط به تبادل نظر بین ما ودولت های مارا حل وفصل نماید.

۲- سفیر مایسکی هفته گذشته به هنگام صرف صبحانه با من اظهار نمود که نشانه هایی دردست است که آلمانیها در حمله بهاره خود علیه کشور شما قصد استفاده از گازهای سمی را دارند.من پس از مشورت با همکاران خود وبا رؤسای ستادها، اکنون می خواهم به جنابعالی اطمینان بدهم که دولت اعلیحضرت هر نوع استفاده از گازهای سمی به عنوان سلاح علیه روسیه را دقیقاً به مثابه استفاده ازآن علیه کشورانگلستان تلقی خواهدنمود. ما ذخایر عظیمی از بمب‌های گازی فراهم آورده ایم که درصورت لزوم توسط هواپیماهای خود به استفاده از آنها خواهیم پرداخت. به محض آنکه ارتش وملت شما مورد حملات گازهای سمی قرار گیرند، ما نیز از همان لحظه موسسات مربوطه در آلمان غربی را زیر بمبارانهای گازی خود قرار خواهیم داد.

۳- این مسئله که در این لحظه حساس آیا صلاح خواهد بود که ما تصمیم خود راطی اخطاری علنی وآشکار به اطلاع دشمن برسانیم یا خیر، امری است

که باید مورد بررسی قرار گیرد.این اخطار شاید بتواند آلمانهارا از ارتکاب به این عمل وحشتناك ونوظهور بازداشته وموردی به اعمال گذشته آنان که جهان را به چنین وخامتی دچار ساخته اند، اضافه ننماید. از جنابعالی تقاضا می کنم نظر خود را در این باره بیان بفرمائید، بخصوص آنکه ،آیا این اخطار نشانه های حاکی ازآمادگی آلمانیها را در استفاده از بمب های گازی در جنگ توجیه نخواهد کرد؟

٤- مسئله از فوریت خاصی برخوردار نمی باشد، اما قبل از مبادرت به هر اقدام وعملی که باعث جلب توجه هموطنانمان نسبت به این نوع جدید از تهاجم دشمن باشد، من باید در زمینه تهیه وتأمین کلیه وسائل وتجهیزات ایمنی ازگازهای شیمیائی،زمان کافی در اختیار داشته باشم.

٥- من امیدوار هستم که جنابعالی امکاناتی در اختیار سفیر جدید ما(۱۵) قرار بدهید تا ایشان بتوانند این نامه را شخصاً به حضور شما تقدیم داشته ومستقیماً با جنابعالی به گفتگو بنشینند. همانطور که استحضار دارید، سفیر ما از نزد ژنرال«چان کای شی» ، که در چهار سال اخیر با وی روابط نزدیك ودوستانه داشته اند ، به حضور شما خواهند رسید. بنظر من، ایشان از احترام کامل واعتماد فراوان ژنرال برخورداربوده اند. من امیدوار ومطمئن هستم که آقای سفیر از اعتماد جنابعالی نیز برخوردار خواهند شد. ایشان چندین سال است که دوست صمیمی من هستند.

سند شماره ۳۸

خصوصی ومحرمانه

نامه استالین به چرچیل*

بخاطر نامه ای که ازشما اخیراً بوسیله آقای «کر» دریافت داشته ام، از جنابعالی تشکر می کنم. من با آقای «کر» مذاکراتی داشتم که طی آن در من این اعتقاد بوجود آمد که کار مشترك ما می تواند در محیطی سرشار از اعتماد وتفاهم متقابل ادامه داشته باشد.

از اینکه اطمینان داده اید که دولت بریتانیای کبیر هرگونه استفاده از گازهای سمی توسط آلمان علیه اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی را بمثابه حمله علیه بریتانیای کبیر تلقی خواهد کردو نیروهای هوایی بریتانیا سریعاً از ذخایر عظیم بمب های گازی موجود در انگلستان استفاده کرده و موسسات مربوطه آلمان را بمباران خواهد نمود، از جانب دولت شوروی ازشما تشکر می کنم.

براساس اطلاعات واصله ، نه تنها آلمانیها، بلکه فنلاندیها نیز می توانند آغازگر حمله با بمب های گاز سمی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باشند. من می خواهم آنچه را که جنابعالی درپیامتان در خصوص آلمان وحملات شیمیایی آنان علیه شوروی وپاسخ مشابه انگلستان علیه آن کشور ابراز فرموده اید، درمورد فنلاند نیز، درصورت استفاده آنها از گازهای سمی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، اجرا بفرمائید.

من فکر می کنم که کاملاً بجا وضروری باشد که در آینده نزدیک دولت بریتانیا طی اخطاریه ای به آلمان وفنلاند اعلام نماید که انگلستان استعمال گازهای سمی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را به همان گونه ارزیابی خواهد کرد که این امر را درمورد خود مورد ارزیابی قرار خواهد داد، ودرصورت ارتکاب عمل ، انگلستان متقابلاً به پاسخگویی مشابه علیه آلمان خواهد پرداخت.

بدیهی است ، چنانچه دولت بریتانیا تمایل داشته باشد، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم بنوبه خود طی اخطار مشابهی به آلمان اعلام نماید که درصورت حمله شیمیایی آن کشور به انگلستان ، حمله مزبور بدون پاسخ مشابه از جانب اتحاد شوروی نخواهد بود.

دولت شوروی معتقد است که اخطاریه دولت بریتانیا به آلمان مشتمل بر مضمون فوق نبایستی دیرتر از اواخر ماه آوریل ویا اوایل ماه مه صورت پذیرد.

دولت شوروی بسیار سپاسگزار خواهد بود اگر دولت بریتانیا بتواند کمکهایی را در جهت رفع پاره ای کمبودها در زمینه لوازم، تجهیزات ومواد شیمیایی، بمنظور مقابله با حملات احتمالاً شیمیایی آلمان، در اختیار اتحاد شوروی قرار بدهد. چنانچه جنابعالی نسبت به این امر مخالفتی ابراز نمی فرمائید، من میتوانم فوراً نماینده ویژه ای را برای این منظور به انگلستان اعزام نمایم.

۲۹ مارس سال ۱۹٤۲

سند شماره ۳۹

تاریخ دریافت نامه ۱۰ آوریل سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

خصوصی ومحرمانه

درپاسخ به نامه ۲۹ مارس جنابعالی به اطلاع می رسانم:

۱) در آغازماه مه طی اعلامیه ای به نازیها اخطار خواهم داد که چنانچه آنان در حملات خود علیه کشور شما از گازهای سمی استفاده نمایند، انگلستان نیز متقابلاًعلیه آنان دست به استفاده از گازهای سمی خواهد زد. اخطاری نیز به همین مضمون به فنلاند داده خواهد شد، هر چند بعید بنظر می رسد که فنلاندیها به چنین اقدامی مبادرت ورزند.

۲) لطفاًکارشناس خود در امور دفاع ازحملات شیمیایی وتعرض متقابله را جهت تعیین دقیق کالاها وموادشیمیایی مورد نیاز وتحویل آنها از انگلستان اعزام بفرمائید. ما تمام سعی خود را به منظور تأمین تقاضاهای وی بکار می بریم.

۳) البته درصورت ضرورت ما می توانیم قبل از تماس با این کارشناس ودریافت سفارشات مربوطه، با اولین کشتی اعزامی خود دست کم هزار تن ایپریت وهزار تن کلر برای شما ارسال داریم. پخش ایپریت برای قوایی که در میادین روباز استقرار یافته اند، خطرات به مراتب بیشتری حاصل می نماید تا برای ساکنین درشهرها.

سند شماره ۴۰

خصوصی ومحرمانه

از استالین به چرچیل*

۱-از اینکه اظهار آمادگی نموده اید که در آغاز ماه مه طی اعلامیه هایی به اطلاع آلمان و فنلاند برسانید که درصورت بهره گیری آنها از گازهای سمی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، انگلستان نیز علیه آنان دست به استفاده از این سلاح خواهد زد، از جنابعالی تشکر می کنم.

مراتب سپاس خود را نیز بخاطر آمادگی دولت انگلستان در زمینه ارسال ۱۰۰۰ تن ایپریت و ۱۰۰۰ تن کلر تقدیم حضورتان می دارم.

اما از آنجا که اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی نیاز بیشتر ومحسوس تری به سایر مواد شیمیایی دارد، بنابراین دولت شوروی مایل است که به جای دریافت مواد فوق الذکراز انگلستان ، مقادیر ۱۰۰۰ تن هیپوکلریت کلسیم و ۱۰۰۰ تن کلر آمین ویا در صورت عدم امکان تهیه وتحویل این مواد، مقدار ۲۰۰۰ تن کلر مایع در کپسولهای مربوطه دریافت نماید.

دولت شوروی تصمیم دارد که «آندره گئورگی یویچ کاساتکین» قائم مقام کمیسر ملی صنایع شیمیایی را به عنوان کارشناس خود در امور دفاع از حملات شیمیایی وتعرض متقابله به لندن اعزام نماید.

۲- در چند روز اخیر دولت شوروی پروژه های دو قرارداد فیمابین اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی وانگلستان را از جانب آقای «ایدن» دریافت داشته است که اساساً بعضی ازموادآن با مواد متن قراردادهایی که به هنگام اقامت

ایدن در مسکو (١٦) تنظیم شده بود، تفاوت زیادی دارد. از آن جهت که این امر اختلاف نظرهای جدیدی را در پی خواهد آورد که مشکل بتوان آنها را بامکاتبه بر طرف نمود، بنابراین دولت شوروی مصمم گردید که علیرغم تمامی گرفتاریها ومعضلات، «و.م. مولوتوف» را برای انجام مذاکرات خصوصی وحل کلیه مسائلی که به نحوی عاملی بازدارنده برای انعقاد قرارداد مربوطه به شمار خواهد آمد ، به لندن اعزام دارد.

این امر بیشتر از آنجهت ضرورت عینی می یابد که آقای روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در نامه اخیر خود که برای اینجانب ارسال داشته اند، مسئله مربوط به ایجاد جبهه دوم در اروپا را مطرح ساخته وضمن آن از مولوتوف دعوت به عمل آورده اند که به منظور بحث ومذاکره پیرامون این مسئله که نیاز به تبادل نظرهای مقدماتی بین نمایندگان دولتهای ما دارد،به واشنگتن عزیمت نماید.

درود مرا همراه با آرزوی پیروزی برای بریتانیای کبیر در مبارزه علیه دشمن بپذیرید.

ژوزف استالین

۲۲ آوریل سال ١٩٤٢

سند شماره ٤١

تاریخ دریافت نامه ۲۵ آوریل سال ١٩٤٢

نامه چرچیل به استالین*

از ارسال نامه ۲۳ آوریل(۱۷) جنابعالی بسیار متشکرم.

ما البته ، دیدار آقای مولوتوف را که اطمینان دارم با همراهی ایشان می توانیم کارهای بسیار ثمربخشی را به انجام رسانیم،گرامی خواهیم داشت. من بسیار شادمان هستم که امکانی فراهم آمد تا جنابعالی اجازه این ملاقات را که معتقدم بسیار سودمند خواهد بود، صادر بفرمائید.

سند شماره ٤٢

تاریخ دریافت نامه ۲۷ آوریل سال ١٩٤٢

نامه چرچیل به استالین*

خصوصی ومحرمانه

از نامه ارسالی ۲۲ آوریل جنابعالی بسیار سپاسگزارم. دولت اعلیحضرت قطعاً از پذیرش آقای«کاساتکین» خوشحال خواهد شدو پس از مذاکره با ایشان حداکثرسعی خود را در تأمین خواسته‌های شما خواهد نمود.

سند شماره ٤٣

نامه استالین به چرچیل*

محرمانه

ازشما تقاضایی دارم. در حال حاضردر ایسلند ودر راه از آمریکا به ایسلند حدود ۹۰ فروند کشتی با محموله های مهم جنگی برای اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی در تردد می باشند. اطلاع حاصل گردید که نیروی دریایی انگلستان بعلت اشکالاتی که در امر سازماندهی محافظت کاروان کشتی‌ها(۲) بوجود آمده، اعزام این کشتی ها رابرای مدتی طولانی به تعویق انداخته است.

من مشکلات واقعی این کاررا درك می کنم وبه تلفات وقربانیانی که انگلستان در این راه متحمل گردیده است، آگاهی دارم.

ولی با اینهمه، می توانم از جنابعالی تقاضا کنم که از تمامی امکانات خود جهت تهیه تدارکات لازم وتحویل این محموله ها به اتحاد جماهیر شوروی در ماه مه، ماهی که این تجهیزات شدیداً مورد نیاز جبهه می باشند، استفاده به عمل آورید؟

سپاس قلبی مرا همراه با آرزوی پیروزی بپذیرید.

ژوزف استالین- ٦ماه مه سال ۱۹٤۲

سند شماره ٤٤

تاریخ دریافت نامه ۱۱ مه سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

تلگرام ششم ماه مه جنابعالی را دریافت داشتم، از پیام وابراز لطف آنجناب تشکر می کنم. ما تصمیم گرفتیم راه آبی منتهی به کشور شمارابا ارسال حداکثر مقدار محموله های جنگی باز نمائیم.

بعلت حضور «تیر پیتز» وسایر کشتی های روآبی دشمن در «تران هیم» ، عبور هر یک از کاروانها(۲) با اجرای عملیات مهم دریایی روبرو بوده است. ما در ادامه انجام کارها وبرنامه هایمان همه آنچه را که در توانمان باشد، بکار خواهیم برد.

بدون تردید ، مستشاران دریایی شما از خطرهای ناشی از تهاجم نیروهای روآبی دشمن، سفینه های زیر دریایی وحملات هوایی آنها که در تمام طول راه با قدرت کامل حرکت کاروان های مارا تحت الشعاع قرار می دهند، گزارشهایی به حضور جنابعالی تقدیم داشته اند.

بعلت شرایط نامساعد هوا، برد و دامنه حملاتی که آلمانیها در حال حاضر می توانند انجام دهند ، بمراتب کمتر از حملاتی است که ما با تدارکات کافی درآینده انتظار آن را خواهیم داشت.

ما همه تجهیزات وذخایر مناسب خود را برای مقابله وحل این معضل بکار خواهیم گرفت و همانطور که جنابعالی قطعاً اطلاع دارید، بعلت ریسکی که ما

در زمینه کاهش کشتی های اسکورت خود در آتلانتیک به منظور افزایش کشتی های اسکورت اعزامی به سوی کشور شما ونیل به هدف انجام داده ایم، نیروی دریایی ما در آتلانتیک تلفات سنگینی را متحمل گردیده است.

من اطمینان دارم که جنابعالی نسبت به صراحت کامل وتوجه خاصی که من بر ضرورت افزایش کمک از طرف نیروهای دریایی وهوایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تأمین امنیت عبور کاروانها قائل می باشم، اعتراضی نخواهید داشت.

به منظور دریافت تجهیزات عمده ومحموله هایی که در بریتانیای کبیر وایالات متحده آمریکا به وسیله کشتی بارگیری می شوند، نیروهای دریایی وهوایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مشخصاً باید بدانند که مسئولیت کامل حفظ وحراست از این کشتی ها ، چه در موقع عزیمت به شوروی وچه در موقع مراجعت از آنجا در منطقه شرقی نصف النهار ، جاییکه نصف النهار ۲۸ درجه طول شرقی از آنجا می گذرد، واقع در ماوراء سواحل مورمانسک بعهده آنان است.

انجام کمکهای زیر را از نیروهای مسلح اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی تقاضا داریم:

الف- نیروهای روآبی اتحاد جماهیرشوروی کمکهای خود را بصورت متمرکز و قاطع تری ارائه نمایند؛

ب- هواپیماهای بمب افکن ، شعاعی را اختیار نمایند که در عملیات بتوانند کشتی های دشمن را به هنگام عبور وهمینطور فرودگاههای منطقه «نارد کاپ» را که مورد استفاده آلمانیها می باشد، زیر بمباران های شدید خود قراردهند؛

پ- چند فروند هواپیمای شکاری دور پرواز را برای اسکورت کاروانها ، بمنظور تأمین امنیت آنها به هنگام نزدیک شدن به سواحل کشور شوروی اختصاص دهند؛

ت- ناوها وهواپیماهای گشتی را برای مقابله با زیر دریایی های دشمن بسیج نمایند.

من تصمیم دارم که فردا شب(یکشنبه) در موقع سخنرانی رادیویی خود اطلاعیه ای را انتشار دهم که به موجب آن به آلمانیها اخطار خواهم داد که چنانچه آنان جنگ شیمیایی علیه ارتشهای روسیه را آغاز نمایند، انگلستان نیز فوراً اقدام به پاسخگویی متقابل خواهد کرد.

سند شماره ٤٥

تاریخ ارسال نامه ۱۲ مه سال ۱۹٤۲

از استالین به چرچیل*

نامه ۱۱ماه مه جنابعالی دریافت داشتم. از اینکه وعده فرموده اید که اقدامات لازم را جهت ارسال حداکثر مقدار مواد وتجهیزات جنگی به اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی به عمل خواهید آورد، از جنابعالی تشکر می کنم. ما کاملاً آگاه هستیم که برای انجام این امر خطیر بریتانیای کبیر با چه مشکلات عظیمی روبرو خواهد بود وچه تلفات دریایی سنگینی را متحمل خواهد شد.

در رابطه با پیشنهاد شما مبنی بر انجام عملیات قاطعانه تر نیروهای هوایی ودریائی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی در جهت حفظ وحراست از کشتی های مربوطه در منطقه ای که شما بدان اشاره داشته اید، باید به جنابعالی اطمینان بدهم که ما هر اقدام وحرکتی را که بتوانیم برای این منظور انجام دهیم،یقیناً بی هیچ تردید وتأملی انجام خواهیم داد، لکن در عین حال باید اذعان نمود که نیروهای دریایی ما همانطورکه شما اطلاع دارید کاملاً محدودیت داشته ونیروهای هوایی ما نیز با طیف بسیار وسیعی جذب پیکار در جبهه می باشند.

همراه با درود بی شائبه

ژوزف استالین

سند شماره ٤٦

تاریخ دریافت نامه ۲۰مه سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

کاروان کشتی ها (۲)جمعاً به تعداد ۳۵فروند دیروز ضمن کسب دستورات لازمه، بندر را به سوی کشور شما ترک کرد. بنظر می آید که آلمانیها باصدها فروند هواپیماهای بمب افکن در کمین این کاروان نشسته باشند.

مشاورین ما معتقدند که چنانچه این بارهم هوا به مایاری ندهد واشکالاتی را در عملیات نیروی هوایی آلمانی ها بوجود نیاورد، در آنصورت بایستی در

انتظار نابودی بخش عظیم دیگری از کشتی ها ومحموله های جنگی بار گیری شده در آنها باشیم.

همانطور که در تلگرام مورخ ۹ ماه مه (۱۸)خود خاطر نشان ساخته ام، این امر بستگی فراوانی به عملکرد هواپیماهای بمن افکن دور پرواز شماخواهد داشت که چطور بتوانند فرودگاههای دشمن، از جمله فرود گاه در «باردوفاس»را در تاریخ های بین ۲۲تا۲۹ مه هدف بمبارانهای شدید خود قرار دهند.

من می دانم که شما آنچه را که در توان ونیرو داشته باشید، بکار خواهید بست.

اگر بخت با ما یاری نکند وما بخش مهمی از کاروان کشتی های خود را از دست بدهیم، در آنصورت تنها اقدام ممکن آن خواهدبود که تا آن زمان که سطح دریایی نسبتاً وسیع وگسترده ای در اختیار نداشته باشیم، بعبارتی تا ماه ژوئیه که یخها به سمت شمال عقب ننشسته باشند، از اعزام بعدی کاروان ها جداً پرهیز نمائیم.

سند شماره ٤٧

تاریخ دریافت نامه ٢٤ مه سال ١٩٤٢

نامه چرچیل به استالین*

ورود آقای مولوتوف به لندن باعث انبساط کامل خاطرگردید. مابا ایشان چه در زمینه مسائل جنگی وچه در زمینه مسائل سیاسی، مذاکرات سودمندی

بعمل آوردیم. ما اطلاعات جامع ودقیقی درباره برنامه ها وذخایر خود در اختیار ایشان قراردادیم.

در مورد قرارداد مورد نظر (۱۹) آقای مولوتوف اشکالاتی را که بویژه مانع ازنقض تعهدات قبلی ما در قبال لهستان می باشد، به حضور جنابعالی گزارش خواهند داد، زیرا ما ناگزیر از عطف توجه به افکار عمومی مردم انگلستان وایالات متحده آمریکا می باشیم.

من اطمینان دارم که اگر آقای مولوتوف بتوانند به هنگام بازگشت از آمریکا، از طریق انگلستان مراجعت نمایند.، این امر می تواند در پیشبرد اهداف مشترکمان فوق العاده موثر تر واقع شود، زیرا در آنصورت ما می توانستیم مذاکراتی را ادامه دهیم که معتقدم به پیشرفت همکاریهای تنگاتنگ نظامی بین سه کشور ما کمک خواهد کرد.

بعلاوه، در آن زمان من قادر خواهم بود که ایشان را در جریان آخرین اخبار و رویدادها واطلاعات مربوط به برنامه های جنگی مان قرار دهم . من امیدوارهستم که در آنزمان ما بتوانیم ، در نهایت ، مذاکرات سیاسی خود را بازهم بیشتر به جلو ببریم. باتوجه به همه این موارد، من بسیار امیدوار هستم که جنابعالی با دیدار مجددآقای مولوتوف از انگلستان، به هنگام بازگشت ایشان از آمریکابه وطن، موافقت خواهید فرمود.

سند شماره ۴۸

تاریخ ارسال نامه ۲٤ مه سال ۱۹٤۲

از استالین به چرچیل*

نامه شما را که طی آن جنابعالی درباره حرکت ۳۵ فروند کشتی بامحموله های جنگی به سوی بنادر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اطلاع فرموده اید، در تاریخ ۲۰ مه در «کوی بیشف» دریافت داشتم. بخاطر ارسال خبر واقداماتی که در جهت اعزام این کشتی ها بعمل آورده اید، از جنابعالی تشکر می کنم. نیروهای هوایی ودریایی مانیز بنوبه خود به منظور حفظ وحراست از این کشتی ها در آن منطقه ای که شما در نامه۹ مه سال جاری خود(۱۸) به آن اشاره داشته اید. کلیه اقدامات ایمنی لازم را معمول خواهند داشت.

سند شماره ٤۹

تاریخ ارسال نامه ۲٤ مه سال ۱۹٤۲

از استالین به چرچیل*

آخرین نامه شما را ۲٤ مه دریافت نمودم . «ویاچسلاو مولوتوف » هم مانند من معتقد است که چنانچه دربازگشت از ایالات متحده آمریکا، به منظور پایان بخشیدن به مذاکرات با نمایندگان دولت بریتانیای کبیر درباره

مسائل مورد علاقه کشور هایمان ، اقدام به توقف در لندن بنماید، مفید واثر بخش خواهد بود.

سند شماره ۵۰

تاریخ دریافت نامه ۲۷ مه سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

از اینکه در رفع اشکالات موجود، در رابطه با قرارداد(۲۰)، این چنین صمیمانه ما را یاری فرمودید از جنابعالی بسیار تشکر می کنم. من اطمینان دارم که این امر در ایالات متحده نیز با حسن استقبال شایان توجهی روبرو خواهد شد واز این پس سه دولت بزرگ ما آنچنان همسو وهماهنگ با هم به پیش خواهند رفت که کاملاً خارج از انتظار خواهد بود.

از دیدار با آقای مولوتوف بسیار خرسند وشادمان شدم وهر دو مشترکاً در رفع موانع و مشکلات موجود فیمابین دو کشورتلاش موثر وچشمگیری بعمل آوردیم. من بسیار خوشحالم که مراجعت ایشان از آمریکا از طریق لندن انجام خواهد شد، زیرا هنوز کارها و برنامه های خوب وثمر بخشی باقیمانده است که ماباید آنها را به پایان رسانیم.

حرکت کاروان کشتی ها(۲) تا این لحظه با موفقیت همراه بوده است، اما در حال حاضر این کشتی ها در خطرناکترین بخش از راه قرار دارند. بخاطر اقداماتی که در جهت حفظ و حراست از این کشتی ها بمنظور سالم رسیدن آنها به مقصد، بعمل می آورید، بسیار ممنونم.

نظر به انعقاد قرارداد دوستی واتحاد ۲۰ ساله میان دوکشور وپیمان تعهّد متقابل، موقع را مغتنم شمرده بهترین آرزوهای قلبی خود را به حضور جنابعالی تقدیم داشته واطمینان می دهم که پیروزی از آن ما خواهد بود.

سند شماره ۵۱

تاریخ ارسال نامه ۲۸ مه سال ۱۹٤۲

نامه استالین به چرچیل*

از جنابعالی به خاطر آرزوهای قلبی واحساسات دوستانه ای که به مناسبت انعقاد قرارداد جدید(۲۰) دو جانبه ابراز فرموده اید، بسیار متشکرم.

من اطمینان دارم که این قرارداد اهمیت فراوانی در تحکیم بعدی مناسبات دوستی بین اتحاد شوروی وبریتانیای کبیر وهمچنین بین دو کشور ما وایالات متحده آمریکا خواهد داشت وهمکاری نزدیك وصمیمانه بین کشورهای مارا پس از پایان پیروز مندانه جنگ تأمین خواهد کرد.

ضمناً ، امیدوار هستم که ملاقات جنابعالی با مولوتوف، به هنگام مراجعت ایشان از ایالات متحده، فرصت انجام کارهای ناتمام باقیمانده را فراهم آورد.

در رابطه با حفاظت از کاروان کشتی ها(۲)، بدون تردید اطمینان داشته باشید که ما چه درحال حاضر وچه در آینده کلیه امکانات موجود خود رابرای این منظور مورد استفاده قرار خواهیم داد.

ازشما می خواهم که بهترین آرزوهای صمیمانه مراهمراه با اطمینان قاطعی که نسبت به پیروزی کامل مشترکمان دارم ، بپذیرید.

سند شماره ۵۲

تاریخ دریافت نامه ۱۷ ژوئن سال ۱۹٤۲

نامه آقای چرچیل به استالین نخست وزیر

ما درباره علائم وشواهد مختلفی که نشان می دهد آلمانیها نسبت به تقویت شمال نروژ وفنلاند اقداماتی را به انجام می رسانند واینکه آنها ناوهایی رابه آنجا، بمنظور حمله اعزام می دارند، اطلاعاتی را در اختیار شما قرار دادیم.

این امر می تواند با حمایت ناوهای سنگین روآبی آلمانی ها ، مستقر در شمال دور، مقدمه حمله به مور مانسک به منظور قطع راههای تدارکاتی ما باشد. از جنابعالی تقاضا می کنم نظر خود را نسبت به انجام عملیات مشترک با ما در مناطق نامبرده بیان داشته وبه خصوص اعلام نظر فرمائید که ایا شش اسکادران نیروی هوایی بریتانیا که درباره آنها در یادداشت تسلیمی به آقای مولوتوف اشاره داشتهام، مورد نظر جنابعالی می باشد یاخیر.

سند شماره ۵۳

تاریخ ارسال نامه ۲۰ ژوئن سال ۱۹٤۲

نامه استالین به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را درباره خبر مربوط به تدارکات وسازماندهی آلمانیها به منظور حمله از شمال نروژ و فنلاند، دریافت داشتم.

من با نظر جنابعالی در مورد انجام عملیات مشترك در این منطقه ها کاملاً موافقم ، اما شایسته است ملاحظه شود که آیا مشارکت نیروهای دریایی وپیاده نظام بریتانیای کبیر در این عملیات مناسب است یا خیر وتحت چه مقیاس وابعادی می توان از آنها بهره گرفت.

ازشما بخاطر وعده اعزام شش اسکادران به منطقه «مورمانسك» تشکر می کنم.

آیا می توانیم از زمان ورود آنها اطلاع داشته باشیم؟

سند شماره ٥٤

تاریخ دریافت نامه ۲۱ ژوئن سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

به مناسبت ورود اتحاد شوروی به دومین سال جنگ، من به عنوان نخست وزیر بریتانیای کبیر، کشوری که پس از چند ماه وارد چهارمین سال جنگ خواهد شد. یکبار دیگر مراتب وجد وهیجان خود را به خاطر مبارزات

درخشانی که نیروهای مسلح شوروی، دستجات پارتیزان وکارگران شماطی سال گذشته در این جنگ تدافعی از خود نشان داده اند ، به محضر جنابعالی رهبر ملت های بزرگ اتحاد شوروی تقدیم می دارم وبا اعتقاد راسخ اعلام می‌کنم که در پی این پیروزیها ، در ماههای آینده ، پیروزیهای بس مهمتر وچشمگیر تر نصیب ما خواهدشد. اتحاد مبارزاتی دو کشور مابا هم و همبستگی سایر کشورهای متفق با ما، از جمله اکنون که ایالات متحده آمریکا هم با تمام منابع غنی وسرشار خود به ما پیوسته است، بدون شک، دشمن را به زانو در خواهد آورد. شما می توانید امیدوار باشید که ما از تمامی امکاناتمان حداکثر استفاده را برای کمک به شما بعمل خواهیم آورد.

درطول یکسال گذشته، از آن لحظه که هیتلر بی هیچ اخطاری بطور ناگهانی به کشور شما حمله آورد، مناسبات دوستی بین دو کشور و دو ملت ما پیوسته رو به افزایش وتحکیم بوده است. ما نه تنها به زمان حال، که به آینده نیز فکر می کنیم، قرارداد مربوط به اتحاد وهمبستگی ما در جنگ علیه آلمان هیتلری وهمکاریهای متقابل که به هنگام ملاقات اخیر مولوتوف در بریتانیای کبیربه امضاء رسید، همانگونه که مورد تحسین وتقدیر صمیمانه ملت بریتانیا قرارگرفته، تا آنجا که من اطلاع دارم، به همان نسبت مورد تقدیر وتحسین ملت شوروی نیز قرار گرفته است . این قرارداد ضامن شکست دشمنان ما خواهد بود و ماپس از پایان جنگ برای همه ملتهای آزادیخواه صلحی پایدار بنا خواهیم نهاد.

سند شماره ۵۵

تاریخ دریافت نامه ۱۰ ژوئیه سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

الساعه از پرزیدنت روزولت کسب اطلاع نمودم که جنابعالی موافقت خود را نسبت به پیوستن ٤۰ فروند هواپیمای بمب افکن« بوستون» به نیروهای مسلح مستقر ما در مصر که در مسیر به سوی کشور شما وارد بصره شده اند ، اعلام داشته اید.

در شرایط کنونی مشکل بنظر می آید که چنین در خواستی را از جنابعالی بنمائیم. بهر حال من کاملاً مدیون این اقدام فوری و ارزنده جنابعالی می باشم. این هواپیماها مستقیماً به میدان جنگ، جائی که هواپیماهای ما در حال وارد آوردن تلفات سنگین به دشمن می باشند ، اعزام خواهند شد.

سند شماره ٥٦

تاریخ دریافت نامه ۱۸ ژوئیه سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

از اوت سال ۱۹٤۱ که ما اعزام چند کاروان کشتی (۲)قابل ملاحظه را به شمال روسیه آغاز کردیم، آلمانیها هیچگونه مزاحمتی را تا ماه دسامبر علیه این کشتی ها به عمل نیاوردند. اما از فوریه سال ۱۹٤۲ که تعداد این کشتی ها افزایش یافت، آلمانیها نیروهای قابل توجهی از کشتی های زیر دریائی وتعداد

بسیاری از هواپیماهای خود را به شمال نروژ اعزام داشته وحملات سختی را به این کشتی هاآغاز کردند. به علت تدارکات شدید امنیتی که ما برای حفاظت از کاروان ها در قالب ناوشکن و سفینه های مخصوص مقابله با زیردریائی های دشمن به عمل آوردیم، کشتی های ما با خسارات وتلفات ناچیزی موفق به عبور می شدند. چون آلمانی ها از عملکرد هواپیماها وکشتی های زیر دریایی خود ونتایج حاصله رضایت نداشتند، در نتیجه نیروهای رو آبی خود را نیز وارد عمل کردند. اما خوشبختانه آنها ابتدا کشتی های سنگین روآبی خود را در غرب جزیره «میدوژ» وسپس سفینه های زیر دریایی خود را درشرق- جزیره مورد استفاده قراردادند .

به همین خاطر نیروی دریایی کشور مستعمره دار موفق به دفع حملات نیروهای روآبی دشمن شد. قبل از اغزام کاروان کشتی های مربوط به ماه مارس، رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریایی به ما اطلاع داد که چنانچه آلمانیها کشتی های روآبی خود را درشرق جزیره«میدوژ» مورد استفاده قرار دهند، ما تلفات بسیار سنگینی را متحمل خواهیم شد. معهذا ما به اعزام کاروان اقدام نمودیم وتهاجمی از جانب کشتی های روآبی دشمن صورت نگرفت وکشتی ها با تحمل تلفاتی برابر یک ششم کل مجموع که عمدتاً در اثر حملات هوایی آلمانیها بعمل آمده بود، موفق به عبور شدند.

اما درباره کاروان «پ.کیو.۱۷» باید خاطر نشان سازم که سرانجام آلمانیها از نیروهای خود به همان صورتی که ما همیشه بیم آن را داشته ایم، استفاده کردند. آنها سفینه های زیر دریایی خود را در غرب جزیره میدوژ متمرکز

ساخته وکشتی های روآبی خود را، به منظور حمله ، درشرق جزیره میدوژ بعنوان نیروی ذخیره استقرار دادند.

از سرنوشت نهایی کاروان « پ..کیو.۱۷» هنوز هیچ اطلاعی در دست نیست. در حال حاضر فقط چهار فروند کشتی وارد آرخ آنگل شده است وشش فروند دیگر نیز در لنگر گاههای ارض جدید لنگر انداخته اند. اما این احتمال وجود دارد که شش کشتی اخیر مورد حملات هوایی دشمن قرار بگیرند. درصورت داشتن مساعدترین شرایط ، تنها امکان سالم ماندن یک سوم از این کشتی ها احتمال می رود.

من لازم میدانم خطرها ومشکلات ناشی از عملیات این کشتی ها را، در شرایطی که اسکادریل دشمن مواضعی را درشمال دور برای خود اختیار کرده است ، برای جنابعالی تشریح نمایم.

ما به مخاطره افکندن نیروی دریایی کشور مستعمره دار را در شرق جزیره میدوژیا در آنجا که هر لحظه ممکن است توسط هواپیماهای آلمانی به کمین نشسته در ساحل مورد تهاجم قرار گیرند، صحیح و منطقی نمی دانیم. چنانچه یک یا دو فروند از کشتی های معدود نیرومند ما منهدم شود ویا سخت دچار آسیب گردند، علیرغم برد عملیاتی کشتی «تیرپیتز» وسایر کشتی های مشایعت کننده که به زودی کشتی «شارن گورست»هم به آنها خواهد پیوست، معهذا ما تمام برتری وتسلط خود را در آتلانتیک از دست خواهیم داد.

بعلاوه، این امر در حمل وارسال خواربارى که برای ما اهمیت حیاتی دارد نیز اثرسوء خواهد گذاشت ونیروهای نظامی مارا تحلیل خواهد برد. مهمتر از همه آنکه حرکت کشتی های عظیم حامل سربازان آمریکایی را که همه ماهه

از طریق اقیانوس از آن قاره به جبهه ها اعزام می شوند وبه زودی شمار آنان به ۸۰ هزار نفر بالغ خواهد شد، دچار مشکل خواهد ساخت ودر نتیجه ایجاد جبهه درواقع نیرومند دوم درسال ۱۹٤۳ غیر ممکن خواهد شد.

مشاوران نظامی نیروی دریایی ما به من گزارش می دهند که چنانچه آنان درشرایط کنونی ، نیروهای روآبی، زیر دریایی و هوایی آلمانیها را در اختیار می داشتند، یقیناً انهدام ونابودی کامل هر یک از کاروان های عازم به سوی شمال روسیه را تضمین می کردند. مشاوران ما تا این لحظه هیچ روزنه امیدی را که دال بر داشتن سرنوشت بهتر کاروانهای اعزام شده‌ای که همواره در روشنائی روز در حرکت می باشند، به سرنوشت کاروان «پ. کیو. ۱۷» ندیده اند. بنابراین، ، با نهایت تأسف، مابه این نتیجه دست یافته‌ایم که تلاش در اعزام بعدی کاروان (پ.کیو.۱۸» اقدامی بس بیهوده وبی فایده خواهد بود که نه تنها سودی برای شما نخواهدداشت ، که خسارات جبران ناپذیری به هدف ومنظور مشترکمان نیز وارد خواهد آورد. در عین حال، من به جنابعالی اطمینان می دهم که چنانچه ما بتوانیم راهی را جستجو نماییم که بطور اصولی امیدوار باشیم که حتی الامکان تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشتی های اعزامی ما سالم به کشور شما خواهند رسید، محققاً وبدون شک اعزام کاروان کشتی ها را از نو آغاز خواهیم کرد. مسئله اینجا است که ماباید دریای« برنتس »را طوری برای کشتی های آلمانی نا امن وخطرناک سازیم که آنها آن رابرای ما ساخته اند. این همان چیزی است که مابايد به کمک ذخایر ومنابع مشترکمان برای فراهم آوردن آن تلاش نمائیم. به زودی یکی از افسران عالیرتبه را برای مشورت با

افسران شما وبه منظور تهیه برنامه های مربوطه به شمال روسیه اعزام خواهم داشت.

درضمن ، ما آماده ایم که در اسرع وقت چند فروند از کشتی هایی را که می بایست با کاروانهای کشتی، (پ.کیو) به حرکت در آیند، به خلیج فارس اعزام داریم. انتخاب کشتی ها و ترتیب بارگیری با نظر نمایندگان شوروی در لندن انجام خواهدشد. اگر برتری و مزیت به هواپیماهای شکاری (مدل«هاری کین»و«آئرا کبرا») داده شود، آیا شما می توانید آنها را در جبهه جنوب مورد استفاده قرار بدهید؟ مونتاژ این هواپیما ها را ما می توانیم در بصره انجام دهیم. امیدوار هستیم که بتوانیم تا ماه اکتبر ارسال محموله های خود را از طریق بزرگراههای ایران ماهیانه تا۷۵ هزار تن افزایش داده و در آینده نیز جهت افزایش بیشتر آنها اقدامات مؤثرتری به عمل آوریم. ما از دولت ایالات متحده تقاضا خواهیم کرد که نسبت به ارسال مجموعه وسائل وتجهیزات چرخدار مورد استفاده در راه آهن وکامیون های باری تسریع بعمل آورد. با توجه به افزایش حجم نقل وانتقالات، درصورتیکه جنابعالی موافقت بفرمائیدکه از کامیونهای باری آمریکایی که به اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی اختصاص داده شده است وهم اکنون در سواحل خلیج فارس در حال مونتاژ می باشند، بعنوان وسیله حمل تجهیزات از خلیج فارس به دریای خزر استفاده بعمل آید،در آنصورت به سرعت می توان به حل این معضل فائق آمد. به منظور بهره برداری کامل از کشش جاده ها، ما موافقت می نمائیم که مقدار محموله هایی را که قرار است در ماه سپتامبر تا ۹۵ هزار تن و درماه اکتبر تا یکصد هزار تن،

به استثناء کامیونها و هواپیماها، افزایش داشته باشند ، هم اکنون مورد افزایش قرار دهیم.

تلگرام ارسالی ۲۰ ژوئن جنابعالی در رابطه با عملیات مشترک ما در شمال است. موانع و مشکلاتی که در حال حاضر در مسیر کاروان کشتی های باری واسکورت وجود دارد، دقیقاً به همان نسبت نیز مانع از اعزام نیروهای زمینی وهوایی به شمال نروژ جهت اجرای عملیات هستند. در عین حال افسران ما مشترکاً بایستی هرچه سریعتر بررسی نمایند که در ماه اکتبر ویا بعد از ماه اکتبر، هنگامی که هوا بقدر کافی تیره خواهد شد، چه تمهیدات وعملیات مشترکی را می توانند به مرحله اجرا در آورند. چقدر خوب می شد اگر شما می توانستید افسران خود را به اینجا اعزام نمائید. البته چنانچه این امربرای شما غیر ممکن بنظر می آید، در آنصورت ما افسران خود را به جانب شما رهسپار خواهیم کرد.

در ادامه وتکمیل عملیات اشتراکی درشمال ، ما مسئله مربوط به نحوه کمک رسانی به جناح جنوبی شما را تحت بررسی قرار داده ایم. اگر ما بتوانیم«رومل» را به عقب برانیم، در آنصورت ما موفق خواهیم شد که در پاییز نیروهای قدرتمند هوایی خود رابرای انجام عملیات در جناح چپ جبهه شما به مأموریت اعزام نمائیم. بدیهی است، مسئله مربوط به تأمین این نیروها از طریق مسیر راههای ایران بدون قطع ارسال محموله های شما بسیار مشکل خواهد بود، اما من امیدوار هستم که در آینده نزدیک بتوانم پیشنهادات جامعی را بحضور جنابعالی ارائه دهم. ما در ابتدا بایستی رومل را شکست بدهیم. در حال حاضر جنگ شدیداً ادامه دارد.

اجازه بفرمائید یکباردیگر در رابطه با ۴۰ فروند هواپیمای بمب افکن «بوستون» از جنابعالی تشکر کنم. آلمانیها دائما، در حال اعزام نفر وهواپیما به آفریقا هستند، لکن برای ژنرال «آکین لک» هم نیروهای کمکی فراوانی می رسد و ورود هواپیماهای سنگین بمب افکن وپرتوان انگلیسی وآمریکایی بایستی ضمن استقرار امنیت در بخش شرقی دریای مدیترانه، بنادر تأسیساتی رومل: تابروک وبن غازی را تحت محاصره در آورد.

آقای استالین نخست وزیر! من معتقدم، همانطور که جنابعالی از روی التفات پیشنهاد داده اید،به نفع مشترک ما خواهد بود که سه لشگر لهستانی(۲۱) بتوانند به هم میهنان خود در فلسطین ملحق شوند، جائی که ما بتوانیم آنهارا کاملاً مجهز ومسلح سازیم. آنها نقش بسیار مهمی در نبرد آینده ایفا خواهند کرد، همانطور که این امر در تقویت روحیه شاد ترکها نیز که در نتیجه احساس آنها از افزایش نیروی نفرات در جنوب پدید خواهد آمد، اثر خواهد گذاشت. من امیدوار هستم طرحی را که جنابعالی پیشنهاد فرموده اید وما هم عمیقانه آن را گرامی می داریم، صرفاً بدان خاطر که لهستانی ها می خواهند زنان وفرزندانشان را هم همراه خود داشته باشند، در واقع کسانی را که از اعضای خانواده آنان محسوب میشوند، منتفی شده تلقی نفرمایید. البته تغذیه این زنان وکودکان برای ما به منزله باری سنگین به حساب خواهد آمد، اما ما معتقدیم که پذیرش این بار ارزش آن را خواهد داشت که ما ، در مقابل ، به تشکیل یک ارتش لهستانی که داوطلبانه در امر منافع مشترک مابکار گرفته خواهد شد، بپردازیم. ما خود در منطقه «لوانت»شدیداً با کمبود خواربار وآذوقه مواجه

می باشیم، اما این ارزاق به وفور در هندوستان یافت می شود تنها کافی است که ما بتوانیم که کمبود این ارزاق را از هندوستان تأمین نماییم .

اگر ما از پذیرش لهستانیها خودداری نماییم، به جای آنها قطعاً باید از نیروهای تحت تعلیمی که در حال حاضر در مقیاسی بسیار گسترده برای حمله مشترک انگلیس وآمریکا به مواضع دشمن آمادگی رزمی پیدا می کنند، استفاده به عمل آوریم. تدارکات مربوط به آمادگی های رزمی نیروهای مشترک، آلمانیها را به نقل وانتقال دو گروه از هواپیماهای سنگین بمب افکن خود از جنوب روسیه به فرانسه مجبور ساخته است. باور داشته باشید که ما وآمریکائیها از هیچ اقدام مفید وسودمندی در جهت کمک به شما در نبرد بزرگتان دریغ نخواهیم کرد. پرزیدنت و من همواره در جستجوی راه حلی برای رفع مشکلات وتنگناهای پیچیده ای که شرایط جغرافیایی، دریا ونیروهای هوایی دشمن برای ما بوجود می آورند می باشیم.

من متن این تلگرام را به نظر پرزیدنت نیز رسانیده ام.

سند شماره ۵۷

تاریخ ارسال نامه ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۴۲

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه۱۸ژوئیه جنابعالی را دریافت داشتم.

از نامه معلوم می شود که اولاً، دولت بریتانیای کبیر از ادامه تأمین مواد وتجهیزات جنگی از طریق شمال به اتحاد شوروی خودداری می نماید، ثانیاً با

توجه به اعلامیه مشخص مورد پذیرش دو کشور انگلیس وشوروی(۲۲) مبتنی بر اتخاذ تدابیر فوری به منظور تشکیل جبهه دوم درسال ۱۹٤۲، دولت بریتانیای کبیر انجام این مهم را به سال ۱۹٤۳ موکول ساخته است.

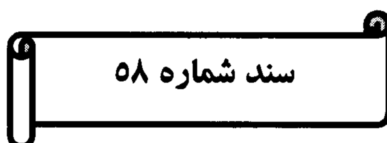
مستشاران نظامی- دریایی ما دلایل برشمرده کارشناسان دریایی انگلستان را نسبت به ضرورت قطع ارسال تجهیزات جنگی به بنادر شمال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بی اساس می دانند. این مستشاران معتقدند که با حسن نیت وآمادگی نسبت به انجام تعهدات پذیرفته شده، حمل وارسال محموله ها را می توان ضن ایراد تلفاتی سنگین به آلمانیها ، بطور منظم وسیستماتیک به انجام رساند. دستور رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریایی انگلستان به هفدهمین کاروان کشتی های اسکورت مبنی بر ترک کشتی های باری وبازگشت آنان به انگلیس وروانه ساختن کشتی های حامل محموله های جنگی به سوی بنادر شوروی به تنهایی وبدون هیچ ناو اسکورت را مستشاران ما امری مبهم وغیر قابل توضیح می دانند. البته، من ارسال منظم محموله های جنگی به بنادر شمال شوروی را خالی از خطر وتلفات نمی دانم. اما درشرایط جنگی نمی توان هیچ اقدام ویا عملیاتی را بدون ریسک وآسیب به انجام رساند. قطعاً جنابعالی اطلاع دارید که اتحاد شوروی تلفاتی به مراتب سنگین تر و غیر قابل قیاسی را متحمل می باشد. به هر حال من نمی توانم مطلقاً این تصور را داشته باشم که دولت بریتانیای کبیر از ارسال مواد وتجهیزات جنگی برای بنادر ما خودداری نماید، بخصوص حالا، در این لحظات حساس ومتشنجی که اتحاد شوروی در جبهه های نبرد شوروی- آلمان نیاز مبرمی به دریافت این محموله های جنگی احساس می نماید. بدیهی است که ارسال محموله ها از

طریق بنادر ایران بهیچوجه نمی تواند تلفاتی را که در نتیجه عدم تحویل تجهیزات جنگی از راه شمال برای ما به وجود خواهد آورد، جبران نماید.

در ارتباط با مسئله دوم، دقیقاً درمورد مسئله مربوط به تشکیل جبهه دوم در اروپا، نگرانم که به مسئله ای با چنین درجه ای از اهمیت با نگاهی نه چندان جدی نظر افکنده می شود. با توجه به اوضاع حاکم در جبهه شوروی — آلمان، قاطعانه باید اعلام نمایم که دولت شوروی نمی تواند با تأخیر در ایجاد جبهه دوم در اروپا وموکول نمودن آن به سال ۱۹٤۳ موافقت داشته باشد.

من امیدوار هستم که با ابراز صریح وصمیمانه نظرات خود وهمکارانم پیرامون مسائلی که جنابعالی در نامه خود مطرح ساخته اید، موجبات رنجش خاطر شمارا به وجود نیاورده باشم.

ژوزف استالین



سند شماره ۵۸

کاملاًمحرمانه است

نامه چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- ما در حال تدارک مقدماتی(نامه بعدی مرا ملاحظه بفرمائید) اعزام کاروانی بزرگ (۲) برای هفته اول ماه سپتامبر، به مقصد آرخ آنگل می باشیم.

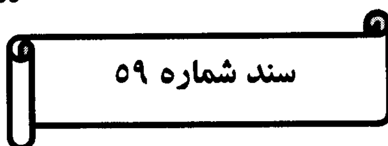
۲- تمایل داشتم که جنابعالی طی دعوتی از اینجانب موافقت خود را نسبت به انجام یک دیدار خصوصی دو جانبه در آستراخان قفقاز ویا در هر مکان مناسب دیگری اعلام می فرمودید. در آنصورت در این ملاقات دوستانه

ما می توانستیم مسائل مربوط به جنگ را مشترکاً مورد تجزیه وتحلیل قرار داده وتصمیمات مشترکی را اتخاذ نمائیم. در این دیدار من می توانستم جنابعالی را از نقشه های مربوط به عملیات تعرضی سال۱۹٤۲ که مورد تصویب من وپرزیدنت روزولت قرار گرفته است، با اطلاع سازم. رئیس ستاد کل ارتش امپراتوری را نیز همراه با خود می آوردم.

۳- من به زودی با هواپیما عازم قاهره خواهم شد. همانطور که جنابعالی به آسانی حدس زده اید، من در آنجا کارهای مهمی در پیش دارم. زمان مناسب ملاقاتمان را ، در صورتی که جنابعالی به انجام آن تمایل داشته باشید، من از قاهره به اطلاع شما خواهم رساند. تا انجا که بنظر من بستگی می یابد، تاریخ دیدارمان را می توان بین ۱۰تا۱۳ اوت تعیین نمود، البته در صورتی که تمام کارها طبق برنامه پیش برود.

٤-کابینه نظامی پیشنهادهای مرا مورد تحسین قرارداده است.

۳۱ ژوئیه سال ۱۹٤۲



سند شماره ٥۹

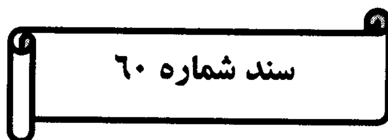
خصوصی و محرمانه

تاریخ دریافت نامه ۳۱ ژوئیه سال ۱۹٤۲

از چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

این نامه پیرو نامه قبلی اینجانب می باشد. ماتدارک اعزام کاروان (۲) متشکل از ٤۰ فروند کشتی را برای هفته اول ماه سپتامبرفراهم می آوریم. اما

صراحتاً باید بگویم که چنانچه در دریای «بارنتس » نیروی هوایی نتواند ناوهای روآبی آلمان راشدیداًمورد خطر وحمله قراردهد، بطوریکه مانع از اجرای عملیات آنان علیه کشتی های ما گردد، همانطور که تجربه اعزام کاروان شماره ۱۷ نشان داده است، ما برای عبور کشتی های خود شانسی به مراتب کمتر از آن خواهیم داشت که بتوانیم حتی یک سوم از کشتی های خود را سالم به مقصد برسانیم. البته، همانطور که جنابعالی آگاه می باشید، این شرایط را ما با آقای «مایسکی» مورد بحث ومطالعه قرارداده ایم وتا آنجاکه من اطلاع دارم، آقای مایسکی نیز به استحضار جنابعالی رسانیده است که برای دفاع از این کاروان ، دفاع هوایی از واجبات است.



کاملاًمحرمانه است.

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

هر دونامه مورخ ۳۱ ژوئیه جنابعالی را دریافت داشتم.

بدینوسیله به نام دولت شوروی از جنابعالی دعوت به عمل می آورم که به منظور دیدار ومذاکره با اعضای هیئت دولت، به کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سفر کنید.

من از جنابعالی بسیار متشکر خواهم شد که بتوانید برای بررسی مشترک مسائل فوری جنگ علیه هیتلر، جنگی که خطر آن اکنون در ارتباط با

انگلستان، ایالات متحده آمریکا واتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی به اوج شدّت خود رسیده است، به اتحاد جماهیر شوروی عزیمت بفرمائید.

من فکر می کنم که مناسب ترین محل برای ملاقات ما مسکو خواهد بود، زیرا در حال حاضر ، درشرایط نبرد شدید با آلمانیها ، برای من واعضای دولت و فرماندهان ستاد کل ارتش امکان پذیر نمی باشد که بتوانیم مسکو را ترک نمائیم.

حضور رئیس ستاد کل ارتش امپراتوری انگلستان در این دیدار کمال مطلوب خواهد بود.

ازشما تقاضا می کنم زمان این ملاقات را طبق نظر خود و در رابطه با اتمام کارهایتان در قاهره ، با توجه به این امر که من نسبت به تعیین تاریخ دیدارمان هیچ اعتراضی نخواهم داشت ، مشخص فرمائید.

از جنابعالی بخاطر موافقتی که نسبت به اعزام تدریجی کاروانها(۲) به اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی، برای اوایل ماه سپتامبر،بعمل آورده اید، تشکر می کنم. با وجود تمام مشکلاتی که ما در آینده در رابطه با جدایی نیروی هوایی مان از جبهه ها خواهیم داشت، با وجود این ما کلیه اقدامات ممکن را برای تقویت دفاع هوایی و حراست ازکاروانهای کشتی بعمل خواهیم آورد.

۳۱ ژوئیه سال ۱۹۴۲

سند شماره ٦١

تاریخ دریافت نامه ۱ اوت سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

من به مسکو قطعاً سفر خواهم کرد وزمان ورود خود را از قاهره به اطلاع جنابعالی خواهم رساند.

سند شماره ٦٢

تاریخ دریافت نامه ٥ اوت سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

پیش بینی می شود که در آینده ای نزدیک به مسکو عزیمت نمایم. ورود به مسکو یک روز پس از توقف احتمالی من در تهران خواهد بود.

بخشی از اقدامات مورد نظر ما باید در تهران توسط ارگانهای نیروی هوایی ما وبا توافق وهماهنگی ارگانهای شما صورت پذیرد. من امیدوارم که جنابعالی دستوراتی را در این زمینه برای ارگانهای مربوطه صادر بفرمائید تا آنان با تمامی امکانات موجود همکاریهای لازم را بعمل آورند.

با توجه به نظر مثبت جنابعالی نسبت به انجام ملاقات دو جانبه، من در حال حاضر نمی توانم تاریخ دقیق این ملاقات را تعیین نمایم.

سند شماره ٦٣

تاریخ ارسال نامه ٦ اوت سال ۱۹٤۲

از استالین به چرچیل*

نامه ٥ اوت جنابعالی را دریافت نمودم. براساس خواست شما، کلیه دستورات لازم برای نمایندگان نیروی هوایی شوروی در تهران صادر گردید.

سند شماره ٦٤

خبر جهت استحضار آقای استالین نخست وزیر

درباره کاروان (۲) اعزامی به سوی جزیره مالت

۱- آخرین اخبار وگزارشهای رسیده از تلفات ما به شرح زیر می باشد:

الف- یک فروند ناو هواپیما بر «ایگل» و٥ فروند کشتی باری غرق شده اند،

ب- سه فروند رزم ناو«نیجریه»،«کنیا»،«قاهره » یا بامین بر خورد کرده ویا مورد هدف اژدر افکن های دشمن قرار گرفته اند، در هر حال از وضعیت آنان هیچ اطلاعی در دست نیست.

پ - یک فروند ناو هواپیما بر «ایندومی تبل» در اثر حمله هوایی ویک فروند ناوشکن« فورسایت» درنتیجه اصابت با اژدر های دشمن آسیب دیده اند.

۲- تلفات دشمن براساس گزارشهای واصله به شرح زیر می باشد:

دوسفینه زیر دریایی منهدم ودر آب غرق شده اند ، یک سفینه زیر دریایی در اثر حمله هوایی از کار افتاد وبه احتمال قریب به یقین غرق شده است(ضمناً یک زیر دریایی در اقیانوس آتلانتیک در تاریخ سوم اوت ویک فروند دیگر در دریای مدیترانه در تاریخ ۱۰ اوت از رده خارج ودر آب غرق شدند).

۳- دشمن، نیروی قابل ملاحظه ای از هواپیماهای خود را متمرکز ساخته و اذعان دارد که هواپیماهای ما ضمن پرواز از ناوهای هواپیما بر وداشتن عملیات بسیار خوب وموفق به پیروزی بزرگی دست یافته اند.

٤- امروزصبح (پنجشنبه) احتمالاً بارزم ناوهای دشمن نبردی را در پیش خواهیم داشت. در سطح دریای باز، دشمن از رزم ناوهایی که به صورت زنجیره ای در آورده است، استفاده خواهد کرد.

٥- همانطور که پیش بینی کرده ایم، این کاروانی که در دریای مدیترانه به سمت پایگاههای مهم مربوطه در حر کت می باشد، بایستی طی نبردهای متعدد و خنثی ساختن موانع ومقاومت های کاملاًشدید دشمن بتواند راه را برای خود هموار سازد، حال ، چند فروند از این کشتی ها بتوانند سالم به مقصد برسند، هنوز چیزی مشخص نمی باشد.

درباره حملات هوایی

درشب های ۱۱و۱۲ اوت، ما جمعاً ٤۲۷ فروند هواپیمای بمب افکن را به پرواز در آوردیم؛ ۲۲۰ فروند از این هواپیماها رابه سمت«ماینز»، که طبق گزارشهای رسیده آتش سوزیهای مهیب و گسترده ای را بوجود آورده اند، و

۱۵٤ فروند را به سوی گاور اعزام داشته ایم، سایر هواپیماها به منظور مین گذاری دریا و غیره به پرواز در آمده اند.

در انجام این مأموریت ها، ما ١٦ فروند هواپیما از دست دادیم وسه فروند نیز به هنگام بازگشت دچارسانحه گردیدند.

و.چ(۲۳) ۱۳ اوت سال ۱۹٤۲

سند شماره ٦٥

از استالین به چرچیل

یادداشت

در تاریخ ۱۲ اوت سال جاری، به هنگام تبادل نظر در مسکو من اعلام نمودم که آقای چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر تشکیل جبهه دوم در اروپا را درسال ۱۹٤۲ غیر ممکن می دانند.

همانطور که برای جنابعالی روشن است، طرح ایجاد جبهه دوم در اروپا برای سال ۱۹٤۲ به هنگام دیدار مولوتوف از لندن به تصویب رسید ومراتب در اعلامیه مشترك دو کشور انگلیس وشوروی منعکس ودرتاریخ ۱۲ ژوئن سال جاری نیز منتشر گردید.

ضمناً ، واضح است که گشایش جبهه دوم در اروپا به منظور انحراف وجذب نیروهای آلمانی از جبهه شرق به جبهه غرب وایجاد پایگاهی مهم در غرب جهت مقابله با نیروهای فاشیست آلمانی وهمچنین کاهش دادن

فشارهای حاصله بر نیروهای شوروی در جبهه نبرد شوروی- آلمان درسال ۱۹٤۲ پیش بینی گردید.

کاملاً مفهوم است که ستاد فرماندهی شوروی ، نقشه های عملیات تابستانی وپائیزی خود را براساس تشکیل جبهه دوم در اروپا، درسال ۱۹٤۲، برنامه ریزی کرده است.

به آسانی می توان دریافت که خود داری دولت بریتانیای کبیر از گشایش جبهه دوم در اروپا درسال ۱۹٤۲،به کل جامعه شوروی که به تشکیل آن امیدوارَ می باشد، ضربه روحی ومعنوی وارد خواهد آورد و موقعیت ارتش سرخ را در جبهه پیچیده ودشوارتر خواهد ساخت وبرنامه های ستاد فرماندهی شوروی را دچار لطمه و آسیب خواهد کرد.

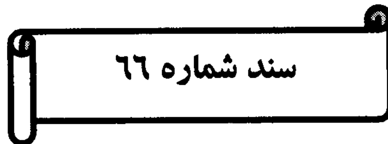
حالا من به این مطلب که مشکلات حاصله در ارتش سرخ که ناشی از خودداری شما از تشکیل جبهه دوم درسال ۱۹٤۲ خواهد شد ویقیناً وبدون شک به وخیم تر ساختن موقعیت جنگی انگلیس وکلیه کشورهای متفق اثر خواهد گذاشت، اشاره نخواهم کرد.

به اعتقاد من وهمکارانم، سال ۱۹٤۲ بهترین زمان وموقعیت برای گشایش جبهه دوم در اروپاست، زیرا تقریباً تمام نیروهای آلمانی ، بویژه قوی ترین آنها، جذب جبهه شرق شده اند ، در حالیکه در اروپا نیروی اندکی، خاصه ضعیف ترین آنها ، باقی مانده است و هیچ معلوم نیست که این شرایط مناسبی که درسال۱۹٤۲ برای تشکیل جبهه دوم در اروپا فراهم آمده است آیا درسال ۱۹٤۳ نیز فراهم خواهد آمد یا خیر. بنابراین ما معتقدیم که این امکانات فقط درسال۱۹٤۲ فراهم می باشد وباید در همین سال جبهه دوم را در اروپا ایجاد

نمود. ولی متاسفانه من نتوانستم آقای چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر را نسبت به این امر متقاعد سازم وآقای هاریمن نماینده رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا هم در مذاکرات مسکو حمایت کامل خویش را نسبت به آقای نخست وزیر اعلام داشتند.

ژوزف استالین

۱۳ اوت سال ۱۹٤۲


سند شماره ٦٦

فوق محرمانه

از چرچیل به استالین*

یادداشت

در پاسخ به یادداشت ۱۳ اوت استالین نخست وزیر ، نخست وزیر بریتانیای کبیر اعلام می دارد:

۱- بهترین نوع جبهه دوم درسال ۱۹٤۲ تنها «مشعل » (۲٤)است که از عملیات نسبتاً وسیع ودامنه داری برخوردار خواهد بود و می توان آن را از سمت اقیانوس آتلانتیک به مورد اجرا در آورد. اگر این عملیات را ما بتوانیم در ماه اکتبر به مرحله عمل در آوریم، در آنصورت این امر می تواند بیش از هر طرح وبرنامه دیگری در کمک به روسیه مؤثر واقع شود. این عملیات راه را برای سال ۱۹٤۳ نیز هموار خواهد ساخت واز چهار امتیاز برخوردار می باشد که آقای استالین نخست وزیر در مذاکرات ۱۲ اوت خود به آنها اشاره

فرموده اند. دولت بریتانیا و دولت ایالات متحده در این مورد اخذ تصمیم نموده اند و کلیه مقدمات مربوطه با سرعت هر چه بیشتر در حال اجرا می باشد.

۲-در مقایسه با عملیات «مشعل» حمله شش یا هشت لشگر انگلیسی- آمریکایی به شبه جزیره «شربورگ« وبه جزایر«کانال»(۲۵)اقدامی خطرناک وبی نتیجه خواهد بود، زیرا آلمانیها در غرب دارای قوای کافی بوده و می توانند به کمک خطوط استحکاماتی خود مارا در این شبه جزیره کوچک محاصره نموده وتمام نیروی هوایی خود، مستقر در غرب را دراین منطقه متمرکز سازند. به اعتقاد تمام ارگانهای زمینی، دریایی وهوایی بریتانیا این عملیات فقط به یک فاجعه منجر خواهد شد. اگر ما حتی به احداث استحکاماتی درسر پل ها هم توفیق حاصل نمائیم، معهذا این امر بازهم موجب فرا خواندن حتی یک لشگر دشمن از روسیه نخواهدبودو تلفات وخسارات وارده به ما به مراتب بیشتر از تلفات وخساراتی خواهد بود که به دشمن وارد خواهد آمد ونیروهای مجرب وکارآزموده وهمینطور تجهیزات ومهمّاتی را که ماباید برای عملیات حقیقی سال ۱۹۴۳ مورد استفاده قرار بدهیم، بطور رایگان وبطرز بیهوده ای هدر خواهیم داد. این نقطه نظر قطعی و نهایی ما است. رئیس ستاد کل ارتش امپراتوری انگلستان می تواند جزئیات این امر را به هر طریقی که موردنظر جنابعالی باشد، با فرماندهان روسی مطرح ومورد تجزیه وتحلیل قرار بدهد.

۳- نه بریتانیای کبیر، نه ایالات متحده آمریکا، هیچگونه وعده ای را نقض نکرده اند. من توجه جنابعالی را به بند ۵ یادداشت خود که در تاریخ ۱۰ ژوئن سال ۱۹۴۲ (۲۶)به آقای مولوتوف تسلیم نموده ام، معطوف می دارم، در این

بند بطور روشن درج گردیده است:«بنابراین ما نمی توانیم هیچگونه وعده ای بدهیم». این یادداشت ماحصل مذاکراتی طولانی بوده که در آن بطور مشروح توضیح داده شده که برای تصویب اینگونه برنامه ها شانس بسیار کمی وجود دارد. از توضیحاتی که درباره بعضی از موضوعات مورد مذاکره داده شده، یادداشت هایی نیز برداشته شده است.

٤- اما، مذاکرات مربوط به حمله مشترک انگلیس- آمریکا به فرانسه درسال جاری، طوری دشمن را گمراه ساخته که اورا به تمرکز بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای زمینی وهوایی خود در ساحل فرانسه ، «کانال »مجبور ساخته است. منافع مشترک ما، به خصوص منافع روسیه مخدوش خواهد شد اگر بحث هایی بطور علنی صورت پذیرد که به تبع آن دولت بریتانیا ناگزیر شود که در برابر ملت خود به افشای دلایل غیر قابل تحملی بپردازد که به نظر این دولت ، این امر ، یقیناً پیامد های نامطلوبی را در اجرای عملیات «پتک آهنگری » (۲۷)در برخواهد داشت.

اگر ارتش ها ی روسیه صرفاً به امید گشایش جبهه دوم در اروپا،درسال ۱۹٤۲، بسر ببرند ودر اعتماد به نفس خود دچارکوچکترین تزلزلی گردند، در آنصورت دشمن به آسانی نیروهای بعدی خود را نیز از غرب به عقب خواهد کشید.

عاقلانه ترین روش، استفاده از عملیات«چکش آهنگری » برای سر پوش نهادن بر عملیات «مشعل» خواهد بود که به محض آغاز عملیات «مشعل» بعنوان جبهه دوم، اقدام به اعلام افتتاح جبهه نماییم . این همان عملیاتی است که ما تصمیم به اجرای آن گرفته ایم.

۵- ما نمی توانیم با این امر موافقت داشته باشیم که مذاکرات مربوط به جبهه دوم که با آقای مولوتوف بصورت شفاهی وکتبی انجام گردیده ومشتمل بر محدودیت ها وقید وشرط هائی می باشد، بتواند پایه ای برای تغییر نقشه های استراتژی ستاد فرماندهی عالی شوروی محسوب گردد.

٦- ما یکبار دیگر اراده راسخ خود را به انجام کمکهای درحد امکاناتمان نسبت به متحدین روسی خود مورد تأیید قرارمی دهیم.

و.چ(۲۳) ١٤ اوت سال ١٩٤٢

سند شماره ٦٧

نامه چرچیل به استالین*

استالین نخست وزیر گرامی!

اخبار مربوط به نبردی که بخاطر کاروان (۲)اعزامی به جزیره مالت انجام گردیده است، بشرح زیر می باشد:

۱) از ١٤ فروند کشتی حامل محموله تنها سه کشتی به جزیره مالت رسیده اند. دو فروند کشتی نیز یدک کشیده می شوند که احتمالاً به مقصد خواهند رسید. سه کشتی حاضر درآنجا، پس از مدت ۲الی ۳ ماه توانسته اند که محموله های جنگی خود را به مقصد برسانند. بنابراین بایستی از استحکاماتی که برای حفظ موقعیت تمامی دریای مدیترانه دارای اهمیت فراوان می باشند ، تازمانیکه نبرد اجتناب نا پذیر در صحرای غربی مصر وعملیات«مشعل»(٢٤) رخ نداده است، مراقبت به عمل آورده شود.

۲) برای این امر ما بهای سنگینی پرداخت کرده ایم: ناو هواپیمابر «ایگل»غرق شده است، ناو هواپیما بر «ایندومی تبل» بوسیله سه بمب و سه انفجار مهیبی که در نزدیکی آن بوقوع پیوسته شدیداً آسیب دیده است؛ دو فروند رزم ناو خوب مایکی آسیب دیده و ازسرنوشت دیگری اطلاعی در دست نمی باشد؛ یک ناوشکن بهمراه ۹ یا ۱۱ فروند کشتی تندرو به اعماق آبها کشیده شده اند که در نتیجه فقط چند فروند کشتی سالم باقی مانده است.«ردنی »نیز بوسیله انفجار بمب مختصری آسیب دیده است.

۳) من این نظر را تأیید می کنم که این عملیات ارزش چنین پرداختی را داشته است. اما رنج واندوه آن روی سکه است که ناوهای جنگی ما فقط در میان هواپیماهای دشمن که در خشکی دارای پایگاه بوده اند، به عملیات رزمی پرداخته اند. ماسه سفینه زیر دریایی دشمن را غرق کرده ویقیناً خسارات سنگینی به هواپیماهای دشمن واردآورده ایم. یک فروند رزم ناو ویک فروند سفینه جنگی مجهز ایتالیایی هنگامیکه مشاهده کردند که کشتی های باقیمانده ما از کاروان زیر پوشش دفاع هوائی جزیره مالت قرار گرفته اند، از اقدام به هر گونه حمله مخاطره آمیز خودداری بعمل آوردند. بدون شک، دشمن این امر را برای خود یک پیروزی بزرگ دریایی به حساب خواهد آورد. واگر مسئله استراتژی جزیره مالت را در نقشه های آینده خود مورد توجه قرار ندهیم، وضع در آینده نیز به همین صورت خواهد بود.

ارادتمند شما- وینستون چرچیل

مسکو، ۱٤اوت سال ۱۹٤۲

سند شماره ٦٨

تاریخ دریافت نامه ۱۷ اوت سال ۱۹٤۲

نامه چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

اکنون به هنگام ورود به تهران، پس از پروازی سریع وراحت ، موقع را مغتنم دانسته از جنابعالی بخاطر مناسبات دوستانه ومهمان نوازیهای گرم شما تشکر می کنم . من از مسافرت به مسکو بسیار رضایت دارم، اولاً به آن خاطر که وظیفه داشته ام آنچه را که لازم بوده بیان نمایم، ثانیاً اطمینان دارم که ملاقات ما در پیشبرد امورمشترکمان مفید وثمر بخش خواهد بود .لطفاً مراتب سپاس مرا به آقای مولوتوف ابلاغ بفرمائید.

سند شماره ٦٩

تاریخ دریافت نامه ۳۱ اوت سال ۱۹٤۲

از چرچیل به استالین*

رومل حمله ای را که برای مقابله با آن آماده ایم آغاز نمود . اکنون نبردی شدید در شرف وقوع می باشد.

سند شماره ۷۰

تاریخ دریافت نامه ۷سپتامبر سال ۱۹۴۲

نامه خصوصی ومحرمانه
چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- کاروان(۲) پ. کیو. ۱۸ مرکب از ٤٠ فروند کشتی به حرکت در آمد. نظر به اینکه ما نمی توانیم کشتی های سنگین خود را به منطقه زیر پوشش هواپیماهای دشمن که درسواحل مربوطه دارای پایگاه می باشند اعزام نماییم، بنابراین چنانچه این هواپیما ها مارا از سمت شرق جزیره «میدوژ» مورد حمله قرار دهند، در آنصورت ما از نیروهای ضربتی خودکه از سفینه های ناوشکن تشکیل وبرای مقابله با کشتی های روآبی دشمن اختصاص یافته است، استفاده خواهیم کرد. به منظور پشتیبانی هوایی از کاروان کشتی ها دربرابر تهاجمات هوایی دشمن ، ما یک فروند ناو هواپیما بر یدک که به تازگی ساخته شده است، همراه با آن اعزام می داریم.

بعلاوه ما فیمابین کاروان کشتی ها وپایگاههای دشمن ، حائل مستحکمی از سفینه های زیر دریایی بوجود خواهیم آورد. اما، در هر حال، خطر حمله کشتی های روآبی آلمانیها مانند گذشته بطور جدی به قوت خود باقی است. این خطررا بطور موثر فقط می توان به کمک یک نیروی قدرتمند ضربتی هوایی در دریای «بارنتس» خنثی نمود، بطوریکه آلمانیها کشتی های سنگین خود را در این منطقه، در مقایسه با کشتی های ما، در معرض خطر بیشتری احساس نمایند.

برای اهداف تجسسی ، ما هشت قایق پرنده «کاتالین» وسه فروند هواپیمای مدل «اسپیت فایروف»(۲۸) جهت عکسبرداری هوایی که از سمت شمال روسیه عمل خواهند کرد، اختصاص داده ایم. ما ۳۲ فروند هواپیمای اژدرافکن را به منظور افزایش ابعاد وگستره حملات هوایی خود اعزام داشته ایم که در این پروازها متحمل تلفات شده ایم، هر چند امیدوار هستیم که دست کم بتوانیم ۲٤ فروند از آنها را برای عملیات آینده مورد استفاده قرار بدهیم. از قرار معلوم ، هواپیماهای مزبور با احتساب ۱۹ فروند هواپیمای بمب افکن واژدرافکن؛ ٤۲ فروند هواپیمای شکاری باشعاع عملیاتی کوتاه و ٤۳ فروند هواپیمای شکاری دور پروازی که برای شما ارسال داشته ایم، مجدداً تأکید می نمایم که برای نفوذ قطعی بر دشمن کافی نمی باشند. در اینجا نیاز ما در چیست؟ نیاز ما در تأمین بیشتر هواپیماهای بمب افکن دور پرواز می باشد. ما کاملاً اطلاع داریم که دشواریها ومشکلات شدید ناشی از پیکار در جبهه اصلی،مانع از آن می شود که شما بتوانید تعداد بیشتری از هواپیماهای جنگی بمب افکن روسی دور پرواز را به این امر اختصاص دهید. اما ما باید اهمیت فراوانی را که این کاروان دارا می باشد، کاروانی که در آن ۷۷ ناو جنگی شرکت جسته وبه هنگام عملیات فقط ۱۵ هزار تن ماده سوختی مصرف می نماید، خاطر نشان سازیم. اگر برای شما مقدور می باشد که بتوانید تعدادی از این هواپیماهای بمب افکن دور پرواز کمکی خود را بطور موقت به شمال اعزام بفرمائید، تقاضا می کنم دریغ نفرمائید این امر در پیشبرد اهداف مشترکمان حائز کمال اهمیت خواهد بود.

۲- حمله رومل در مصر با مقاومت شدیدی روبرو گردیده است ومن امید فراوان دارم که در ماه جاری ما بتوانیم در آنجا به نتیجه مطلوبی دست یابیم.

۳- عملیات «مشعل»(۲٤) اگرچه برای مدت سه هفته از زمان اولیه ای که من به اطلاع جنابعالی رسانده ام به تأخیر افتاده است، لکن باسرعت کامل در حال تدارک و آماده شدن می باشد.

٤- من در انتظار پاسخ پرزیدنت روزولت به پیشنهادهای مشخصی که در مورد استفاده از تعداد وترکیب نیروهای هوایی انگلیسی وآمریکایی ،به منظور مشارکت آنها در عملیات زمستانی در جناح جنوبی شما، به ایشان داده ام، می باشم. پرزیدنت روزولت در کلیات با من موافقند من فقط منتظر دریافت جزئیات نقشه هستم . من برای جنابعالی مجدداً تلگرامی را ارسال خواهم داشت. ضمناً من امیدوار هستم که نقشه های مربوط به فرودگاهها وارتباطات به همان صورتی تهیه گردد که به هنگام اقامت من در مسکو مورد تحسین جنابعالی وتأیید افسران شما قرار گرفته بود. برای انجام این منظور وبه محض آمادگی شما برای اجرای آن، ما سریعاً افسران ستاد را از مصر به مسکو اعزام خواهیم داشت.

٥- ما باشادی وهیجان بسیار مقاومت دلیرانه وپایدار ارتشهای روسیه را دنبال می کنیم. تلفات آلمانیها ، البته ، بسیار سنگین وزمستان هم در حال نزدیک شدن است. من درسخنرانی سه شنبه خود در مجلس عوام گزارشی در مورد سفر اخیر خود به مسکو، که بهترین خاطره ها را از آنجا به ارمغان آورده ام، ارائه خواهم داد و امیدوار خواهم بود که این امر تا اندازه ای مورد قبول جنابعالی واقع شود.

٦- لطفاً ،مراتب آرزوهای قلبی وتشکر مرا به آقای مولوتوف بخاطر ارسال پیام تبریک ایشان به مناسبت بازگشت موفقیت آمیز اینجانب از مسکو ابلاغ بفرمائید. خداوند به ما در همه امور پیروزی و کامیابی عطا فرماید.

سند شماره ۷۱

تاریخ ارسال نامه ۸ سپتامبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در تاریخ ۷ سپتامبر دریافت نمودم. من به اهمیت کامل ورود کاروان(۲) پ- کیو- ۱۸ به اتحاد شوروی وضرورت اقدامات مقتضی جهت دفاع و حراست از آن آگاهی دارم. هر چند که دراین لحظه حساس اختصاص تعدادی هواپیمای بمب افکن دور پرواز جهت پشتیبانی از آن برای ما مشکل است، ولی تصمیمات لازم جهت اجرای آن بعمل آمده است. امروز دستورات لازم برای تخصیص تعدادی از هواپیماهای دور پرواز به منظور تأمین خواسته های شما صادر گردید.

در اجرای عملیات مربوطه علیه رومل وهمینطور در انجام عملیات مشعل (٢٤) برای شما آرزوی پیروزی کامل دارم.

سند شماره ۷۲

تاریخ دریافت نامه ۱۳ سپتامبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل به استالین نخست وزیر

اکنون اطلاع بدست آوردم که جنابعالی ٤۸ فروند هواپیمای بمب افکن دور پرواز، ۱۰ فروند هواپیمای اژدرافکن و ۲۰۰ فروند هواپیمای شکاری که ٤۷ فروند از آنها نیزاز نوع دور پرواز می باشندرا بطور کامل به امر حفاظت وپشتیبانی از عبور کاروان پ- کیو- ۱۸(۲۹) اختصاص داده اید ، به این خاطر از شما بسیار متشکرم.

من گمان می کنم که جنابعالی به کسب اطلاع از وزن بمب هایی که از اول ژوئیه سال جاری بوسیله نیروی هوایی امپراتوری انگلستان برخاک آلمان فرو ریخته شده است، تمایل داشته باشید.

وزن کل بمب هایی که انگلستان از اول ژوئیه تا ششم سپتامبر فروریخته است، جمعاً ۱۱۵۰۰ تن می باشد. وزن بمب های فرود آمده به هدف های نسبتاً مهم به شرح زیر می باشد:

«دوئیس بورگ» ۲۵۰۰ تن،« دوسلدورف» ۱۲۵۰ تن، «ساآر بروکن» ۱۱۵۰ تن،«بریمن وهامبورگ» هر یک ۱۰۰۰ تن، «اسنابروک» ۷۰۰ تن،« کاسل»،«ویلهم اسگافن»،«ماینز» وفرانکفورت جمعاً حدود ۵۰۰۰ تن ، نورنبرگ ۳۰۰ تن وبسیاری از مناطق دیگر نیز هر یک سهمی دریافت

داشته اند. در میان بمب های افکنده شده ، ٦ بمب هر یک دارای ۸۰۰۰ پوند و ۱٤۰۰ بمب هر یک دارای ٤۰۰۰ پوند وزن بوده اند. ما به این مسئله آگاهی یافته ایم که درصورت استفاده از چاشنی فوری در این بمب ها ، آنها به طرز بسیار موثری ، بی آنکه نیازی به استفاده از چتر فرود باشد، منفجر می شوند.

سند شماره ۷۳

تاریخ دریافت نامه ۲۳ سپتامبرسال ۱۹٤۲

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل به استالین نخست وزیر

ما از تولید کارخانجات هواپیما سازی آلمان یک ارزیابی به شرح زیر بعمل آورده‌ایم که از نظر وزارت هواپیمایی ما قابل پذیرش می باشد. این ارزیابی احتمالاً برای شما جالب خواهد بود ومن تمایل دارم بدانم که این ارزیابی البته چنانچه شما ضرورت این امر را لازم تشخیص می دهید ، با بر آورد ویژه ای که شما نسبت به تولید کارخانجات دشمن بدست آورده اید، تا چه اندازه دارای مطابقت می باشد.

تولید کارخانجات هواپیما سازی آلمان (مدل جنگی)

تاریخ ۱ سپتامبر سال ۱۹٤۲

مدل	کارخانه سازنده	تولید متوسط ماهانه
هواپیماهای بمب افکن دور پرواز		
«یونکرس - ۸۸»	لیپ زیگ آ-تی-جی	۳۰ فروند

«یونکرس- ۸۸»	آرادو، براندنبورگ، نونیدرف	۳۰ فروند
«یونکرس- ۸۸»	آرادو- راتنوف	۲۵ فروند
«یونکرس- ۸۸»	هنکل، اورانین بورگ	۱۵فروند
«یونکرس- ۸۸»	هنشل، شانفیلد	۳۵ فروند
«یونکرس- ۸۸»	یونکرس(دسائو وبرنبرگ)	۷۵ فروند
«یونکرس- ۸۸»	سی بل، هوله	۲۵ فروند
«یونکرس- ۸۸»	شناخته نشده است	۱۵فروند
جمع هواپیماهای مدل«یونکرس-۸۸»		**۲۵۰ فروند**
«هنکل - ۱۱۱»	هنکل (راستوک واورانین بورگ)	۱۰۰ فروند
دی ا- ۲۱۷	دور نیر، آلمانس ویلر	۳۰ فروند
دی ا- ۲۱۷	دور نیر، ابیرپ فافن هافن	۳۰ فروند
دی ا- ۲۱۷	دور نیر ، ویسمار	۲۵ فروند
جمع هواپیماهای مدل دی ا-۲۱۷		**۸۵ فروند**
اچ ئی- ۱۷۷	هنکل (راستوک واورانین بورگ)	۱۵فروند
اف دبلیو - ۲۰۰	فوکه ولف، بریمن	۵ فروند
جمع هواپیماهای بمب افکن دورپرواز		**٤۵۵ فروند**

هواپیماهای بمب افکن عمود رو

«یونکرس- ۸۷»	و سر،بریمن ولم ویر در	۸۰ فروند
«اچ اس- ۱۲۹»	هنشل، اشلس ویگ- گل اشتین	۲۰ فروند
جمع هواپیماهای بمب افکن عمودرو		**۱۰۰ فروند**

هواپیماهای شکاری یک موتوره

ام ئی – ۱۰۹	آگو، اشرس لیبن	۵۵ فروند
ام ئی – ۱۰۹	ارلا، لیپ زیگ	۸۵ فروند
ام ئی – ۱۰۹	فیزلر، کاسل (گمان میرود که تولید این هواپیما از تولید هواپیماهای مدل اف دبلیو- ۱۹۰ بیشتر باشد)	۴۰ فروند
ام ئی – ۱۰۹	میسر اشمیت، رگنسبورگ	۴۵ فروند
ام ئی - ۱۰۹	وینر نیشتادتیر، وینر نیشتادت	۸۵ فروند
جمع هواپیماهای مدل ام ئی- ۱۰۹		**۳۱۰ فروند**
اف – دبلیو- ۱۹۰	فوکه ولف، بریمن	۵۰ فروند
اف – دبلیو- ۱۹۰	آرادو، وارنامیونده	۴۰ فروند
اف – دبلیو- ۱۹۰	فیزلر، کاسل	۱۰ فروند
جمع هواپیماهای مدل اف دبلیو – ۱۹۰		**۱۰۰فروند**
جمع هواپیماهای شکاری یک موتوره		**۴۱۰ فروند**
هواپیماهای شکاری دو موتوره		
ام ئی- ۱۱۰ و ۲۱۰	گوتار، گوتا	۱۰ فروند
ام ئی- ۱۱۰ و ۲۱۰	میسر اشمیت، آوگوسبورگ	۸۰فروند
ام ئی- ۱۱۰ و ۲۱۰	میاگ، برانسویگ(برانشویگ)	۲۵ فروند
جمع هواپیماهای شکاری دو موتوره		**۱۱۵فروند**
هواپیماهای نظامی – تجسسی		
اچ اس- ۱۲۶	هنشل، شونفیلد	۴۰ فروند

اف دبلیو — ۱۸۹	فوکه ، ولف، بریمن	۱۵فروند
بی وی — ۱٤۱	بلوم وفوس، هامبورگ	۱۰ فروند
یونکرس — ۸٦	یونکرس — د سائو	۵ فروند
(پی —۱وپی — ۲)		
جمع هواپیماهای نظامی تجسسی		**۷۰ فروند**

هواپیماهای ساحلی

ای آر- ۱۹٦	آرادو، وارنامیونده	۱۵فروند
بی وی — ۱۳۸	بلوم وفوس، هامبورگ	۲۰ فروند
دی ا-۲٤	در نیر، مانزل	۵ فروند
دی ا- ۲٤	آویولاندا، پاپیندراخت	۵ فروند
جمع هواپیماهای مدل دی ا-۲٤		**۱۰ فروند**
جمع هواپیماهای ساحلی		**٤۵ فروند**

جمع هواپیماهایی که مدل وکارخانه سازنده آنها شناسایی نشده است ۵۵ فروند

جمع کل هواپیماهای جنگنده ۱۲۵۰ فروند

سند شماره ٧٤

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱-من از همان منبعی که یکسال ونیم پیش(۳۰) کسب خبر کرده وجنابعالی را نسبت به انجام یک حمله قریب الوقوع به روسیه مطلع ساختم ، خبر زیر را نیز بدست آوردم . من گمان می کنم که این یک منبع کاملاً موثق باشد . تقاضا می کنم اجازه بفرمائید که این خبر فقط برای اطلاع شخص جنابعالی باشد.

آغاز خبر:

« آلمانیها دریا سالاری را که باید مسئولیت عملیات جنگ دریایی در دریای خزر را عهده دار گردد، تعیین نمودند .آنها ماهاچ کالا را به عنوان پایگاه اصلی نظامی دریایی خود انتخاب کرده اند . حدود ۲۰ ناو جنگی به انضمام سفینه های زیر دریایی ایتالیا، ناوچه های اژدر افکن وکشتی های مین جمع کن ایتالیایی قرار است که ازطریق راه آهن، به محض باز شدن خط ، از ماری اوپل به دریای خزر انتقال یابند. با توجه به یخبندان دریای آزوف، سفینه های زیر دریایی تا پایان احداث خط راه آهن، بارگیری خواهند شد.»

پایان خبر.

۲-بدون شک ، شما آماده پاسخگویی به این چنین حمله ها خواهید بود . بنظر من ، نقشه مربوط به انجام کمکهای ما و آمریکا به طریقه اعزام ۲۰

اسکادریل انگلیسی و آمریکایی به منظور تقویت نیروهای هوایی شما در مناطق دریای خزر و قفقاز که در مورد آن با جنابعالی گفتگو داشته ام، از اهمیت آشکار وبارزتری برخوردار می گردد. پس از ملاقات با جنابعالی ، من کار وبررسی روی این موضوع را رها نکرده وامیدوار هستم که تقریباً پس از یک هفته تاییدیه نهایی پرزیدنت روزولت را دریافت نموده وبتوانم پیشنهاد مشترک مشخص وروشنی را به حضور جنابعالی ارائه دهم.

۳-در مورد کاهش وکسر ۱۵٤ فروند هواپیمای شکاری «آئرا کبرا» (۳۱)از کاروان پ- کیو- ۱۹(۲۹) باید به اطلاع شما برسانم که من انجام این امر را شخصاً بنا بر تقاضای مصرانه ومجّدانه ژنرال مارشال فرمانده کل قوای آمریکا بعمل آوردم . این هواپیماهای آمریکایی به ما اختصاص یافته بودکه مانیز آنها را به شما اختصاص دادیم،لکن در رابطه با عملیات مشعل(۲٤) ونیاز مبرم آمریکاییها به این هواپیماها، ارسال آنها برای شما صورت نگرفت. ژنرال مارشال متعهد گردیده است که به زودی هواپیماهای دیگری را از طریق آلاسکا جایگزین آنها نمایند.

طی ۱۰ روز آینده، درباره اقدامات بعدی تلگرامی را به حضورتان مخابره خواهم کرد.

۳۰ سپتامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۷۵

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱-باید به استحضار جنابعالی برسانم که موقعیت ما در منطقه استالینگراد از اوایل سپتامبر رو به وخامت گذاشته است. آلمانیها هواپیماهای بسیاری را به عنوان ذخیره در منطقه استالینگراد متمرکز ساخته وقدرت هوایی خود را به دوبرابر افزایش داده اند. هواپیماهای ما برای پوشش دادن نیروی زمینی کافی نیستند.

درصورت عدم حمایت وپشتیبانی از جانب نیروی هوایی ، حتی شجاعترین نیروهای زمینی به قوایی ناتوان ودرمانده تبدیل می گردند. ما به خصوص به هواپیماهای‌مدل «اسپیت فایر»(۲۸) و «آئراکبرا»(۳۱) نیازمندیم .من همه این مسائل را بطور کامل به اطلاع آقای «ویلکی » رسانیده ام.

۲- کشتی های حامل محموله های جنگی وارد آرخانگل شده ودر حال تخلیه وباراندازی هستند .این کمک بزرگی است.

اما با توجه به عدم کفایت ذخیره هایمان ، می توانیم موقتاً از دریافت بعضی کمکهای شما صرفنظر نمائیم ومیزان احتیاجات خود را هم تقلیل دهیم، منوط بر آنکه حجم کمکهای مربوط به تأمین هواپیماهای شکاری ما افزایش یابد.

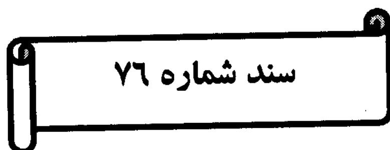
ما می توانیم برای مدتی از درخواستهای مربوط به دریافت تانک وتجهیزات توپخانه‌ای خودداری نماییم، درصورتی که انگلستان وایالات متحده آمریکا مشترکاً بتوانند برای ما بطور ماهیانه ۸۰۰ فروند هواپیمای

شکاری، حدود ۳۰۰ فروند انگلستان و ۵۰۰ فروند ایالات متحده آمریکا تأمین نمایند.

انجام چنین کمکی برای ما به مراتب ارزنده ترومؤثر تر خواهد بود وموقعیت ما را در جبهه بهتر خواهد کرد.

۳- اطلاعات تجسسی شما مبنی براینکه کارخانجات هواپیما سازی آلمان ماهانه بیشتر از ۱۳۰۰ هواپیما تولید نمی نمایند، مورد تأیید ما نمی باشد .طبق آمار واطلاعاتی که ما در اختیار داریم، کارخانه های هواپیماسازی آلمان وکارخانجاتی که در کشورهای تحت اشغال آنان به تهیه قطعات هواپیما مشغول می باشند، ماهیانه دست کم ۲۵۰۰ فروند هواپیماهای جنگی تولید می‌نمایند.

سوم اکتبر سال ۱۹٤۲



تاریخ دریافت نامه ۱۹ اکتبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی وکاملاً محرمانه

آقای وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

پیرو نامه ۳۰ سپتامبر خود و در تکمیل بند اول از آن نامه ، به اطلاع جنابعالی می رسانم که بر اساس آخرین اطلاعات بدست آمده ، اجرای نقشه آلمانیها در مورد ارسال کشتی از طریق خط راه آهن به دریای خزر متوقف گردیده است.

سند شماره ۷۷

تاریخ دریافت نامه ۱۹ اکتبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
آقای وینستون چرچیل نخست وزیربه استالین نخست وزیر

۱- در پایان این ماه درمصرما حملات خود را آغاز خواهیم کرد وعملیات «مشعل» (۲٤) نیز در اوایل نوامبر شروع خواهدشد. این عملیات:

الف- یا آلمانیها را به نقل وانتقال نیروهای زمینی وهوایی خود برای مقابله با حملات ما مجبور خواهد کرد،

ب- یا آنها را به پذیرش موقعیت جدیدی که در نتیجه پیروزیهای ما حاصل خواهد شد ، ناگزیر خواهد ساخت که در پی آن به واسطه خطری که موقعیت جدید برای تعرض به سیسیل وجنوب اروپا فراهم خواهد آورد، منجر به انحراف نیروهای آنان خواهد گردید.

۲- حمله ما درمصر با نیروهای عظیمی آغاز خواهدشد. «مشعل» شامل عملیات فوق- العاده گسترده ای می باشد که در آن علاوه بر نیروی دریایی ایالات متحده، ۲٤۰ ناو جنگی انگلستان وبیش از نیم میلیون نفر سرباز شرکت خواهند داشت . این عملیات قطعاً با موفقیت به جلو خواهد رفت.

۳- پرزیدنت ومن خواهان اعزام نیروهای انگلیسی وآمریکایی به جناح جنوبی شما می باشیم ومی خواهیم که آنان تحت کنترل ونظارت استراتژی ستاد عالی فرماندهی شوروی عمل نمایند. این نیروها شامل تشکیلاتی به شرح زیر خواهند بود:

۹ اسکادریل هواپیماهای شکاری انگلیسی
۵ اسکادریل هواپیماهای بمب افکن انگلیسی
یک گروه از هواپیماهای سنگین بمب افکن آمریکایی
یک گروه از تشکیلات نقلیه آمریکایی

ما دستور انتقال و آرایش این نیروها را برای آماد گی آنان به منظور انجام نبردی که در اوایل سال نو بعمل خواهد آمد ، صادر کرده ایم. قسمت اعظم این نیروها از مصر ، به محض فراغت آنان از نبرد در آنجا که طبق پیش بینی ما قرین موفقیت خواهد بود ، فراخوانده خواهد شد.

٤- در نامه ای که آقای « مایسکی » در تاریخ ۵ اکتبر بدست من داده اند ، ملاحظه گردید که جنابعالی خواستار افزایش بیشتر ارسال هواپیماهای شکاری ازسوی انگلستان وایالات متحده به روسیه شده‌اید. ماحتی‌الامکان‌هرچه زودترتعداد ۱۵۰فروندهواپیمای‌مدل«اسپیت‌فایر» (۲۸)وبطور تکمیلی نیز قطعات یدکی آنان را که معادل ۵۰ فروند هواپیما خواهدشد ، برای شما از طریق خلیج فارس ارسال خواهیم داشت. این هواپیماها، به محض دریافت از آمریکا ، بعنوان تجهیزات ویژه کمکی که تکرار دوباره آن خارج از امکان خواهد بود ، برای شما ارسال خواهد گردید. این تجهیزات ویژه کمکی علاوه برارسال آن کمکهایی خواهد بود که در پروتکل(۳۲) قید گردیده است واز مسیر شمال به لحاظ امکان استفاده از این مسیر در اختیار شما قرار خواهد گرفت . پرزیدنت روزولت با ارسال تلگرامی جداگانه ، شما را در جریان سهم ایالات متحده آمریکا قرار خواهند داد.

۵- از اینکه تعداد قابل ملاحظه ای ازکشتی ها ی کاروان (۲)اخیر سالم به آرخانگل رسیده اند، آرامشی کامل نصیبم گردیده است. این موفقیت صرفاً از آن خاطر بوده است که در این عملیات دست کم ۷۷ فروند ناو جنگی شرکت داشته اند . تا قبل از پایان عملیاتی که در پیش خواهیم داشت ، دفاع دریایی از جانب ما امکان پذیر نخواهد بود.

پس از پایان یافتن عملیات « مشعل» کشتی های اسکورتی که در این عملیات شرکت داشته اند، دوباره می توانند راهی آبهای شمال شوند.

۶- درعین حال، ما درنظر داریم اقداماتی رابعمل آوریم که حتی المقدور محموله های اختصاصی شما را به وسیله کشتی های جداگانه ای ، بجای حمل آنها توسط کشتی های باری تحت اسکورت در کاروان ، از طریق راه شمال اعزام نماییم تدابیری به منظور اعزام کشتی های غیر کاروانی اتخاذ گردیده است که در تاریخ های بین ۲۸ اکتبر تا ۸ نوامبر در موقع شبهای غیر مهتابی از ایسلند اعزام خواهند گردید. علاوه بر کشتی های اعزامی از جانب آمریکا ، ما نیز ۱۰ فروند کشتی در حال آماده سازی داریم که بطور تکمیلی به سوی شما روانه خواهندشد. کشتی ها به طور جداگانه با فاصله های تقریبی ۲۰۰ مایلی ودر بعضی موارد با حدّ فاصلی بیش از این مسافت در پی یکدیگر به حرکت در خواهند آمد وبه این امیدوار خواهند بود که مانور نیروهای خودی ، پراکندگی وانحراف نیروهای دشمن را در بر خواهد داشت.

۷- ما امیدوار هستیم که از ژانویه سال ۱۹۴۳ اعزام مجدد کاروان کشتی ها را بطرز قدرتمندتری از نو آغاز نماییم.

۸- البته، اگر بتوان آلمانیهارا از استفاده از فرودگاههای شمال نروژ محروم نمود، این امر کمک ارزنده ای به شما وبه ما خواهد کرد.

چنانچه ستادهای شما بتوانند نقشه های مناسبی برای این منظور تهیه نمایند، پرزیدنت ومن سریعاً امکان شرکت در اجرای آن را ، در حد توانایی هایمان ، مورد بررسی ومطالعه قرار خواهیم داد.

سند شماره ۷۸

تاریخ ارسال نامه ۱۳ اکتبر سال ۱۹٤۲

پاسخ استالین نخست وزیر به نامه چرچیل نخست وزیر

نامه ۹ اکتبر جنابعالی را دریافت داشتم . متشکرم.

ژوزف استالین

سند شماره ۷۹

تاریخ دریافت نامه ۱۹ اکتبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی وبسیار محرمانه
آقای وینستون چرچیل نخست وزیر به آقای استالین

پیرو نامه قبل لازم می دانم به اطلاع جنابعالی برسانم که هر یک از ۱۵۰ فروند هواپیمای « اسپیت فایر » (۲۸)مجهز به دوقبضه توپ وچهار قبضه مسلسل می باشند.

سند شماره ۸۰

تاریخ دریافت نامه ۵ نوامبر سال ۱۹٤۲

نامه محرمانه وخصوصی

وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

۱- من به جنابعالی وعده داده بودم که چنانچه ارتش ما در مصر به کسب پیروزی قطعی بر رومل دست یابد، شما را در جریان قرار دهم .هم اکنون ژنرال الکساندر گزارش می دهد که جبهه دشمن درهم شکسته شده ودشمن با بی نظمی و پاشیدگی کامل در حال عقب نشینی به سمت غرب می باشد. علاوه بر قوای متمرکز در صحنه اصلی پیکار ، شش لشگر ایتالیایی ودو لشگر آلمانی نیز در منطقه جنوبی نیروهای ما، که در طول ساحل مشغول حمله وپیشروی می باشند، استقرار یافته اند. این نیروها دارای وسایل حمل ونقل مکانیکی وتدارکاتی کاملاً ناچیزی می باشند که احتمالاً طی چند روز آینده تلفات سنگینی را ما به آنها وارد خواهیم آورد. بعلاوه ، تنها راه عقب نشینی رومل از طریق طول جاده ساحلی می باشد که آن هم در حال حاضر بوسیله نیروها ووسائل نقلیه ما مسدود گردیده و دائماً زیر حملات پیوسته نیروی هوایی برتر ما قرار دارد.

۲- **فوق العاده محرمانه می باشد.** صرفاً جهت اطلاع شخص جنابعالی است.

در آینده بسیار نزدیک « مشعل»(٢٤) با دامنه ای کاملاً وسیع وگسترده روشن خواهد شد. من گمان می کنم که مشکلات ومسائل سیاسی یی که جنابعالی درباره آنها با نگرانی اظهار نظر فرموده اید ، بطرز رضایت بخشی حل شده است. جنبه نظامی عملیات دقیقاً بر طبق نقشه پیاده خواهدشد.

۳- من می خواهم که هر چه سریعتر نسبت به اعزام ۲۰ اسکادریل انگلیسی و آمریکایی به جناح جنوبی شما اقدام نمایم. پرزیدنت با این اقدام کاملاً موافق می باشند و در حال حاضر خطر هیچگونه فاجعه ای در مصر موجود نمی باشد. اما قبل از اقدام به هر کاری ضروری است که افسران ما وشما در مورد میدان های فرود وغیره دقیقاً برنامه ریزی های لازم را به انجام رسانند .ازشما خواهش می کنم هر چه زودتر نظر خود را نسبت به این موضوع بیان بفرمائید . درباره تعداد اسکادریل های اعزامی واینکه قبل از مذاکره باشما چه اقداماتی را در رابطه با آنها می توان بعمل آورد، من در تلگرام ۹ اکتبر خود جنابعالی را مطلع ساخته ام.

٤- اجازه بفرمائید مراتب تبریک وتهنیت خود را به مناسبت دفاع جاودانه وافتخار آفرین استالینگراد وهمچنین بخاطرشکست کامل دومین لشگر کشی هیتلر علیه روسیه به حضور شما جناب آقای استالین نخست وزیرو آقای مولوتوف تقدیم نمایم. خوشحال خواهم شد اگر جنابعالی مرا از اوضاع ورویدادهای قفقاز با اطلاع فرمایید.

۵- با تقدیم آرزوهای خوب برای جنابعالی به مناسبت جشن پیروزیتان.

سند شماره ۸۱

تاریخ ارسال نامه ۸ نوامبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در تاریخ ۵ نوامبر دریافت داشتم.

پیشرفت موفقیت آمیز عملیات جنگ درمصر را به حضور شما تبریک گفته وحالا من به جنابعالی اطمینان می دهم که شکست باند رومل ومتحدین ایتالیایی اوقطعی است.

ما همه دراینجا به موفقیت شما در عملیات «مشعل»(٢٤) امیدوار هستیم. از اینکه جنابعالی وپرزیدنت روزولت تصمیم گرفته اید که در آینده نزدیک ۲۰ اسکادریل بریتانیایی و آمریکائی را به جناح جنوبی ما اعزام بفرمائید، ازشما تشکر می کنم. اعزام سریع ۲۰ اسکادریل، کمک بسیار بزرگی برای ماخواهدبود. در رابطه با ضرورت تشکیل جلسات و تجزیه وتحلیل مسائل واخذ تصمیمات مشخص به وسیله نمایندگان نیروهای هوایی انگلیس ، آمریکا واتحاد شوروی، بهتر آنست که ملاقات های مربوطه ابتدادر مسکو و سپس در صورت نیاز ، مستقیماً درقفقاز انجام گردد.

من اطلاع یافته ام که برای این منظور ایالات متحده آمریکا ژنرال « ادلر » را اعزام خواهد داشت . در انتظارم بدانم که بریتانیای کبیر چه شخصی را تعیین خواهد کرد.

وضعیت ما در جبهه قفقاز، در مقایسه با وضعیت ماه اکتبر ، قدری وخیم تر شده است. آلمانیها بلندی ها را به تصرف خود در آورده اند.

شهر «نالچیک » به کمک شهر ولادی قفقاز،شهری که در آنجا نبرد شدیداً ادامه دارد، برخاسته است. ضعف ما در اینجا کمبود هواپیماهای شکاری است.

از ابراز لطف جنابعالی به مناسبت سالگرد جشن پیروزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکر می کنم.

سند شماره ۸۲

تاریخ دریافت نامه ۸ نوامبر سال۱۹٤۲

نامه چرچیل به استالین*

گزارش زیر را هم اکنون از ژنرال «الکساندر» دریافت نمودم:

تعداد نفراتی که تا این لحظه به اسارت در آمده اند ، ۲۰۰ هزار نفر ، تجهیزات به غنیمت گرفته شده شامل ۳۵۰ هزار دستگاه تانك ، ٤۰۰ قبضه اسلحه وچند هزار دستگاه وسایل حمل ونقل مکانیکی می باشد. نیروهای مقدم ومجهز ما در حوالی جنوب «مرس-ماتروخ» مستقر می باشند. ارتش هشتم در حال پیشروی است.

سند شماره ۸۳

تاریخ دریافت نامه۸ نوامبر سال ١٩٤٢

نامه چرچیل به استالین*

بدون شک برای شما روشن است که چنانچه هیتلر امید تصرف باکو را از دست بدهد ، او با حملات هوایی خود اقدام به ویرانی آن خواهدکرد.

ازشما خواهش می کنم که این خبر را باورداشته باشید.

سند شماره ٨٤

نامه خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

پیروزی های شما در لیبی و آغاز موفقیت آمیز عملیات «مشعل» (٢٤)ما را بسیار شاد و خرسند ساخته است . برای شما آرزوی پیروزی کامل دارم.

از شما به خاطر ارسال خبر مربوط به باکو تشکر می کنم. نیروهای ما به منظور دفاع از شهر در حال اقدامهای مربوطه می باشند .

۹ نوامبر سال ١٩٤٢

سند شماره ۸۵

نامه محرمانه وخصوصی

وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- از جنابعالی به خاطر ارسال نامه های هشتم ودهم نوامبرشما بسیار متشکرم.

۲- من ، مارشال نیروی هوایی « درموند» را به عنوان نماینده بریتانیای کبیر جهت شرکت در مذاکرات ستادی نمایندگان شوروی، آمریکا وبریتانیا به منظور انجام اقدامات مقدماتی درزمینه استفاده از ۲۰ اسکادریل بریتانیایی وآمریکایی در جبهه جنوبی شما تعیین نموده ام . به مارشال نیروی هوایی « درموند» دستور داده شده است که همراه با گروهی نسبتاً قابل ملاحظه از افسران ستاد، فوراً قاهره را به قصد مسکو ترک نماید.

۳- عملیات ما چه در مصر وچه در آفریقای شمالی وابسته به فرانسه با پیروزی چشمگیری به پایان رسیده است . ما تا اعماق کارینائیک پیش رفته‌ایم. تا بروک نیز هم اکنون به تصرف در آمد. ارتش به اصطلاح مجهز به توپ وتانک دشمن اکنون به صورت یک گروه کاملاً کوچکی در آمده که با تانک های معدود خود که از ۲۰ دستگاه هم تجاوز نمی نماید ، شدیداً زیر فشار قرار گرفته است وما این گروه را پا به پا تعقیب می کنیم. برای من جای شکی باقی نمانده است که ما به زودی «بن غازی» را به تصرف خود در خواهیم آورد ودشمن با حفظ خط کناری اگیل تلاش در عقب نشینی به سوی «تری پولیتانیا» خواهد کرد. دشمن در حال تخلیه انبارهای بن غازی می باشد

وسعی می کند که در خلیج «سیرت» انبارهای جدید نسبتاً بزرگی را برای خود بوجود آورد.

٤- « مشعل»(٢٤) به خوبی مشتعل است وژنرال آیزنهاور وفرماندهان مابسیار امیدوار هستند که بتوانند کنترل کامل اوضاع در آفریقای شمالی وابسته به فرانسه را در دست گرفته ونیروی هوایی قدرتمند وبرتری را در بلندیهای تونس سازماندهی نمایند.

تا این لحظه کلیه کاروانهای عظیم کشتی(۲) حامل نیرو که از بریتانیای کبیر عزیمت نموده اند، با موفقیت از طریق اقیانوس عبور کرده ویا درحال عبور می باشند.

ما امیدوار هستیم که بتوانیم در آفریقای شمالی تحت فرماندهی ژنرال« ژیرو» یک ارتش قوی فرانسوی ضد هیتلری بوجود آوریم.

٥- واکنش های سیاسی در اسپانیا وپرتغال در حدی فراتر از انتظار ما رضایتبخش می باشد وخطر مربوط به بلااستفاده ماندن بندر جبل الطارق وفرودگاه منتفی است واکنون موردی برای نگرانی موجود نمی باشد.

حمله آلمانیها به شهر «ویچی » مرکز فرانسه (۳۳)که ماو شما آن را در گفتگوهایمان پیش بینی کرده بودیم، صورتی بهتر بخود گرفته است.

سمی که بر مردم این منطقه از خاک فرانسه «ویچی » نفوذ مخدر داشته است، درحال از دست دان خاصیت خود می باشد وبه زودی تمام ملت فرانسه آنچنان درسی از ابراز کینه و نفرت شدید نسبت به آلمانیها می آموزند که مردم سرزمین های اشغال شده آموخته اند.

آینده نیروی دریایی تولون(۳٤) روشن نیست . آلمانیها خود را به اندازه کافی پرتوان وقدرتمند احساس نکرده اند که بتوانند خواهان تسلیم آن نیرو شوند واینطور که به من گزارش داده اند ،آلمانیها قصد اشغال « تولون» راهم ندارند. دریادار« دارلان» که تحت حاکمیت ما قرار دارد، دستور حرکت به سوی بنادر غربی آفریقا را برای نیروی دریایی خود صادر کرده است. امابعید بنظر می رسد که این دستور به مورد اجرا گذاشته شود.

٦- ازنظر موقعیت، تغییرات قابل ملاحظه ومهمی در طول تمام سواحل آفریقا بوجود آمده است که می توان از آنها استفاده بعمل آورد. اگر ما بتوانیم برای جابجایی ونقل وانتقالات نظامی خود از طریق دریای مدیترانه راه باز نمائیم ، مسئله کشتی رانی ما بسیار آسان خواهد شد وما با ترکیه تماس های نزدیکتری، بیش از آنچه که تا بحال امکان پذیر بوده است، برقرار خواهیم کرد.

من تماس با پرزیدنت روزولت را که از پیروزی آمریکاییها بسیار خوشحال می باشند، مورد تأیید قرار می دهم . ضروری است که پس از چند روز دوباره تمام وضعیت های موجود را در رابطه با عملیات بسیار مهم آینده مورد بررسی قرار بدهیم. من به زودی چگونگی نقشه ها وبرنامه های آینده را به اطلاع جنابعالی خواهم رساند.

من اطمینان دارم که جنابعالی استحضار دارید که ما تا چه اندازه عمیقانه خواهان کاهش بخشی از فشارهای بسیارسنگینی که بر عهده شما است وشما با مقاومتی پایدار و مستمر، به خصوص در این چند ماه طاقت فرسای اخیر، آن را متحمل شده اید، می باشیم. ضمناً من اینطور استنباط می کنم که جنابعالی

همانند گذشته اطمینان دارید که درطول ماههای زمستان نمی توان از سلسله جبال قفقاز عبور بعمل آورد.

۱۳ نوامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۸٦

نامه محرمانه وخصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی بخاطر ارسال نامه ۱۳ نوامبر شما متشکرم. ما همه در اینجا از موفقیت های شما در لیبی وپیروزیهایی که نیروهای مشترک انگلیس وآمریکا در آفریقای وابسته به فرانسه بدست آورده اند، بسیار شادمان می باشیم. اجازه بفرمایید کسب این پیروزیها را به شما صمیمانه تبریک گفته وبرای شما موفقیت های بیشتری را آرزو نمایم.

ما در این چند روز اخیر موفق شده ایم که از پیشروی آلمانیها در حوالی شهر ولادی قفقاز جلوگیری بعمل آورده و موقعّیت را تثبیت نمائیم.ولادی قفقاز در دست ما است وبنظر می آید که در اختیار ما باقی بماند. ما تمام امکانات خود را برای حفظ مواضع خود در شمال قفقاز بسیج نموده ایم.

فکر می کنم که مابه زودی عملیات زمستانی خود را آغاز نماییم . حال ، شروع این عملیات دقیقاً چه زمانی بعمل خواهد آمد ، بستگی به وضع هوا خواهد داشت که خارج از اراده ما است.

من ، جنابعالی را پیوسته در جریان عملیات قرار خواهم داد.

۱٤ نوامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۸۷

تاریخ ارسال نامه ۲۰ نوامبر ۱۹۴۲

نامه محرمانه وخصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

عملیات تهاجمی در منطقه استالینگراد، در بخشهای جنوبی وشمال غربی آغاز گردید. هدف از اولین مرحله از اجرای این عملیات تصرف راه آهن استالینگراد- لیخوی واز کار انداختن خطوط ارتباطی نیروهای آلمانی در استالینگراد می باشد.

جبهه نیروهای آلمانی در بخش شمال غربی به طول ۲۲ کیلومتر و دربخش جنوبی به طول ۱۲ کیلومتر در هم شکسته شده است. عملیات درشرایط نسبتاً خوبی ادامه دارد.

سند شماره ۸۸

نامه بسیار محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- از دریافت تبریکات گرم وصمیمانه جنابعالی بهترین شادی ها نصیبم گردید. من فکر می کنم که مناسبات خصوصی وصمیمانه مادر به انجام رساندن تعهد مان در برابر توده های عظیم ملت هایی که زندگی شان در معرض خطر قرار دارد، حائز اهمیت است.

۲- با توجه به اینکه در نهایت تأسف پرزیدنت نمی توانند حتی بصورت قرض ۱۲ فروند ناوشکن آمریکایی مورد تقاضای اینجانب را در اختیار قراردهند، لذا توفیقی بدست آمد که من بتوانم در حال حاضر اقداماتی را نسبت به تدارک کاروانی(۲) با بیش از ۳۰ فروند کشتی جهت اعزام از ایسلند در تاریخ ۲۲ دسامبر بعمل آورم. رکن اطلاعات وعملیات ما انجام عملیات مربوطه را با همیاری افسران شما، همانطور که این کار در گذشته نیز سابقه داشته ، مورد موافقت قرار داده است. در نتیجه عملیات «مشعل» (۲٤) آلمانیها نیروهای عمده هوایی خود را از شمال نروژ به جنوب اروپا اعزام داشته اند. اما نیروهای پیاده آلمانیها در نروژ هنوز مانند سابق آماده می باشندودر حال حاضر رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریایی ما از حرکت کاروان کیو. پ که هوای بد ونامساعد نیز به عبور آن کمک کرده است راضی می باشد. این کاروان اکنون زیر پوشش رزم ناوهای ما که به منظور اسکورت از آن اعزام شده اند ، قرار دارد.

۳- من پاره ای از تصورات وبرداشت های مقدماتی خود درباره ترکیه را به اطلاع پرزیدنت روزولت رسانیده ومتوجه شدم که ایشان نیز قبل از آگاهی از نقطه نظریات من ، تقریباً به همان نتایج مشابهی دست یافته اند که من دست یافته ام. به اعتقاد من ، به منظور آنکه بتوانیم در بهار آینده ترکیه را اجباراً به نفع خود وارد جنگ نماییم، همه ماباید دست به اقداماتی تازه وجدی بزنیم. برای نیل به این هدف می خواهم که ایالات متحده آمریکا نیز به پیوند مشترک انگلیس وشوروی دایر به تضمین تمامیت ارضی واساسنامه ترکیه ملحق گردد. این امر سه قدرت مارا دریک صف مشترک قرارخواهد داد که

البته ، ترکها روی آمریکاییها بیشتر حساب می کنند. ثانیاً،ما در حال ارسال مقادیر قابل ملاحظه ای اسلحه و ۲۰۰ دستگاه تانک از خاورمیانه به ترکیه می باشیم. طی ماههای زمستان ، از طریق خشکی ویا دریا درطول سواحل لوانت من ارسال اسلحه به ترکیه را ودرصورت صدور مجوّز همراه با کارشناسانی که ملبس به لباس غیر نظامی بوده وبه منظور اهداف آموزشی و خدماتی تعیین گردیده اند، ادامه خواهم داد.

ثالثاً،من امیدوار هستم که در آغاز بهار ارتش قدرتمندی از ارتشهای هشم ونهم و دهم خود در سوریه به منظورکمک به ترکیه سازمان دهیم که چنانچه ترکیه مورد تهدید قرار گیرد ویا هنگامی که این کشور آمادگی خود را جهت الحاق به ما اعلام نماید، مورد استفاده واقع شود.

عملیات شما در قفقاز ویا در مناطق شمالی آن نیز یقیناً می تواند تاثیر فراوانی براین امر داشته باشد.

چنانچه بتوانیم ترکیه را وارد جنگ سازیم ، ما نه تنها به انجام عملیاتی که هدف آن باز کردن راه کشتی رانی در دریای سیاه به سمت جناح چپ شما است توفیق خواهیم یافت، بلکه از پایگاههای ترکیه قدرتمندانه قادر خواهیم بود که منابع نفتی رومانی را که برای دولت های محور از اهمیت حیاتی فراوانی برخوردارا ست، ضمن حفاظت کامل از منابع عظیم نفتی شما در قفقاز، بمباران نماییم. برتری ورود به ترکیه قبل از هر چیز مبتنی بر آن خواهدبود که این اقدام از طریق خشکی صورت پذیرد ومکمّل حرکت تعرّضی درقسمت مرکزی دریای مدیترانه گردد که به وسیله نیروهای دریایی وبخش عظیمی از نیروهای هوایی ما بعمل خواهد آمد.

٤- من با پیشنهاد پرزیدنت روزولت پیرامون اعزام دو افسر بلند پایه انگلیسی ودو افسر بلند پایه آمریکایی به مسکو در آینده نزدیک به منظور تهیه نقشه های سال ۱۹٤۳ این منطقه، البته درصورتیکه این امر مورد پذیرش جنابعالی باشد، موافقت کرده ام. لطفاً به من اطلاع دهید که آیا شما با این امر موافقت دارید.

٥- من امیدوار هستم که شما آقای استالین نخست وزیر از تناژ ما که یک عامل محدود کننده می باشد، آگاهی داشته باشید.

برای انجام عملیات «مشعل» ما ناگزیر به کسر تعدادی از کشتی های اسکورت خود در آبهای آتلانتیک شدیم، از طرفی ، نیمه اول ماه نوامبر یکی از بدترین ماهها برای مابوده است. ما و آمریکاییها ازیک طرف تلفات ماهانه ۷۰۰ هزار تن را وازطرفی بهبود بیلان کار را پیش بینی کرده ایم. ضایعات وتلفات متوسط ما ظرف این یک سال به آن سنگینی نبوده است که نشان دهنده شاخص ۷۰۰ هزار تن باشد، اما طی این دو هفته اول نوامبر اوضاع پیچیده ودشوار بوده است. برای شما که دارای اینچنین پهنه وسیع وپهناوری از خشکی هستید شاید مشکل باشد که تصور کنید که ما فقط بنا بر وضعیت ارتباطات دریایی خود قادر به زندگی ومبارزه می باشیم.

٦- در مورد دارلان فریبکار نگران نباشید . ما به آفریقای شمالی وابسته به فرانسه یک ارتش مجهز انگلیسی- آمریکایی اعزام داشته ایم واین منطقه را با قدرت تحت کنترل داریم. به علت عدم مقاومت ارتش فرانسه واکنون نیز بخاطر حمایت روزافزون این ارتش، احتمالاً ما ۱۵ روز از برنامه های تنظیم یافته وپیش بینی شده خود جلو افتاده ایم. تسخیر بلندیهای تونس وپایگاه

دریایی «بیزرت » در لحظات آینده از اهمیت فراوانی برخوردار خواهد بود. یکان های مقدم وپیشرو ارتش یکم ما احتمالاً حملات برق آسای خود را آغاز خواهند کرد. به محض آنکه ما در آنجا مواضع خود را به کمک نیروی هوایی قدرتمند وبرتر خود تثبیت نماییم، خبر جنگ را با چنان شدتی به موسولینی وباند فاشیست او خواهیم رساند که تا امروز بی سابقه بوده باشد.

۷- در عین حال ، از طریق ایجاد ارتش نیرومند انگلیسی- آمریکایی ونیروهای هوایی قدرتمند در بریتانیای کبیر وانجام تدارکات و آمادگی های دائم وسیستماتیک در طول سواحل جنوب شرقی و سواحل جنوبی مان ، آلمانیها را در منطقه « پا- د-کاله» وغیره سرگرم ساخته و آماده استفاده از هر فرصت مقتضی ومطلوب دیگری خواهیم بودو هواپیماهای بمب افکن ما بطور تمام وقت وپیوسته با حملات شدید و فزاینده خود آلمان را به ویرانی خواهند کشاند. بدین ترتیب طناب به گردن گناهکار اسیر محکم کشیده خواهد شد.

۸- از حملات شما خبر های خوشی به ما می رسد. در حالیکه نفس ها را درسینه حبس کرده ایم، حملات شما را با شوق وهیجان دنبال می کنیم.

با آرزوهای خوب برای جنابعالی

۲٤- نوامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۸۹

تاریخ ارسال نامه ۲۷ نوامبر سال ۱۹۴۲

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از ارسال نامه جنابعالی که من آن را ۲۵ نوامبر دریافت داشته ام، تشکر می کنم . من با جنابعالی در زمینه توسعه مناسبات خصوصی یمان که می تواند منشاء آثار فراوانی باشد، کاملاً هم عقیده ام.

به خاطر مساعی واقداماتی که در جهت اعزام مجدد یک کاروان(۲) بسیار بزرگ به آرخانگل بعمل آورده اید ، از شما تشکر می کنم . من اذعان دارم که در حال حاضر این امر مشکلات ویژه ای را ، خاصه با در نظر داشتن عملیات مهم نیروی دریایی انگلیس در دریای مدیترانه، برای شما فراهم آورده است.

من با نظرات شما وپرزیدنت روزولت دایر بر انجام هر اقدامی به منظور آنکه در بهار آینده ترکیه به حمایت وپشتیبانی از ما وارد جنگ گردد، موافقم. یقیناً این امر در تسریع شکست هیتلر و همپالگی هایش اهمیت شایانی خواهد داشت.

آنچه که به دار لان مربوط می شود ، به نظر من آمریکایی ها به شیوه ای ماهرانه از وجود او برای تسهیلات کاردر امر اشغال شمال وغرب آفریقا استفاده کردند.

دیپلماسی جنگ برای نیل به اهداف جنگی نه تنها باید فن ورموز استفاده از امثال دارلانها را بداند ، بلکه باید شگرد استفاده از شیطان ومادر بزرگ او را نیز با هم بداند.

من با دقت وتوجه کامل خبر مربوط به اینکه شما و آمریکاییها مشترکاً اجرای تدارکات وآمادگی های لازم را در طول سواحل جنوب شرقی وسواحل جنوبی خود ، به منظور اشتغال آلمانیها در منطقه «پا. د- کاله» وغیره ، تضعیف نکرده و آماده بهره برداری حداکثر از هر فرصت وموقعیت مناسبی می باشید، مطالعه کردم. امیدوار هستم که این برنامه موجبی برای خودداری شما از انجام وعده ای که در مسکو نسبت به ایجاد جبهه دوم در اروپای غربی در بهار سال ۱۹٤۳ داده اید ، به شمار آورده نشود.

من با پیشنهاد پرزیدنت روزولت واظهار تمایل جنابعالی نسبت به برگزاری جلسات نماینده های سه ستاد کل در مسکو به منظور تهیه نقشه های مربوطه جنگ در سال ۱۹٤۳ موافق هستم. ما آمادگی ملاقات با نمایندگان شما وایالات متحده را در هر زمانی که مورد علاقه شما باشد، دارا می باشیم.

در عملیات استالینگراد موفقیت اکنون باماست، زیرا وجود مه وبارش برف به ما کمک کرده ومانع از قدرت نمایی هواپیماهای آلمانی می باشد.

ما در صدد هستیم که در چند روز آینده عملیات مهم وموثری را در جبهه مرکزی به منظور مشغول داشتن نیروهای دشمن در این منطقه وممانعت از اعزام بخشی از نیروهای دشمن به جنوب ، به عمل آوریم.

سند شماره ۹۰

تاریخ ارسال نامه ۲۹ نوامبرسال ۱۹٤۳

آقای وینستون چرچیل

در روز تولد جنابعالی بهترین آرزوهای خود را تقدیم حضور شما داشته، برای جنابعالی تندرستی کامل وموفقیت در جنگ را که تبلور پیروزی در کار مشترکمان خواهد بود، مسئلت می نمایم.

ژوزف استالین

سند شماره ۹۱

تاریخ دریافت نامه اول دسامبر سال ۱۹٤۲

آقای استالین ریاست شورای کمیسرهای ملی

کاخ کرملین – مسکو

از نامه محبت آمیز وصمیمانه ای که به مناسبت روز تولد اینجانب ارسال فرموده اید از جنابعالی بسیار تشکر می کنم. نامه شما اولین نامه تبریک آمیزی بود که بدین مناسبت دریافت داشته وموجب انبساط کامل خاطر گردید

وینستون چرچیل

سند شماره ۹۲

تاریخ دریافت نامه ٤ دسامبر سال ١٩٤٢

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیربه استالین نخست وزیر

پرزیدنت به من اطلاع می دهند که براساس پیشنهاد ایشان ما در ماه ژانویه در مکانی واقع در آفریقای شمالی یک ملاقات سه جانبه بعمل آوریم.

این پیشنهاد از طرح ایسلند که درباره آن درمسکو به مذاکره نشسته بودیم، به مراتب بهتر می باشد. جنابعالی می توانید به هر نقطه که مورد نظر داشته ومشخص خواهید فرمود ، پس از سه روز عزیمت بفرمائید، من بعد از دو روز وپرزیدنت نیز ، تقریباً مانند جنابعالی پس ازسه روز به آن محل عزیمت خواهیم کرد. من امید فراوان دارم که جنابعالی با این پیشنهاد موافقت خواهید داشت. ماباید در اسرع وقت مسئله مربوط به انتخاب بهترین شیوه حمله به خاک آلمان در اروپا را با بهره گیری ازکلیه امکانات مربوط به سال۱۹٤۳ مورد بررسی قرار بدهیم . این مسئله را فقط سران دولتها وحکومت ها می توانند با همکاری کارشناسان ومتخصصان شایسته وطراز اولی که در اختیار دارند ، فیمابین خود حل وفصل نمایند . تنها با تشکیل چنین ملاقات هایی می توان بار جنگ را بر طبق امکانات ونیروهای موجود تقسیم نمود.

سند شماره ۹۳

تاریخ ارسال نامه ٦ دسامبر سال۱۹٤۲

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه مورخ ٤ دسامبر جنابعالی را دریافت نمودم. ایده مربوط به ملاقات سران سه کشور را به منظور تعیین خط مشی کلی استراتژی جنگ تحسین می نمایم. اما در نهایت تأسف برای من مقدور نمی باشد که بتوانم ازکشور اتحادشوروی خارج شوم. باید به اطلاع جنابعالی برسانم که اکنون زمان به قدری حاد وپرحرارت است که من نمی توانم حتی برای یک روز کشور را ترک گویم. اکنون ، دقیقاً زمانی است که عملیات مهم نظامی مربوط به جنگ زمستانی ما گسترش می یابد ودر ژانویه هم از حرکت بازنخواهد ایستاد و ادامه خواهد داشت. به احتمال قوی این عملیات گسترده تر هم خواهد شد.

در انتظار دریافت پاسخ نامه قبلی خود ، از جمله روشن ساختن مسأله مربوط به گشایش جبهه دوم در غرب اروپا، در بهارسال۱۹٤۳ می باشم. جنگ همانطور که در حوالی استالینگراد گسترش می یابد ، در جبهه مرکزی نیز در حال توسعه می باشد. ما در نزدیکی استالینگراد گروه بزرگی از قوای آلمانی را محاصره کرده وامیدوار هستیم که همه آنهارا تا آخرین نفر نابود سازیم.

سند شماره ۹٤

نامه بسیار محرمانه وخصوصی
وینتسون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

جنابعالی در نامه مورخ ۲۷ نوامبر، در فراز آخر ، بند پنجم وهمچنین در نامه مورخ ٦ دسامبر خود بطور تاکیدی در مورد ایجاد جبهه دوم درسال ۱۹٤۳ پرسش فرموده اید. من درشرایطی نیستم که بتوانم به این سئوال پاسخ گویم، مگر آنکه به اتفاق رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، بطور مشترک، بتوانیم جوابی برای این پرسش بیابیم. وبنابراین اساس است که من نسبت به انجام ملاقات سه جانبه تا این اندازه اظهار تمایل می نمایم. ما هر دو طرف، دلایل بسیار جدی ومهم مرتبط با جنگ را که مانع از خروج جنابعالی از مسکو می باشند ، بویژه در شرایطی که جنابعالی شخصاً عملیات بزرگی را رهبری می فرمائید ، دریافته ایم. به منظور یافتن راه حلی مناسب، من باپرزیدنت روزولت پیوسته در تماس می باشم.

۱۲ دسامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۹۵

تاریخ دریافت نامه ۲۰ دسامبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

لطفاً، بمناسبت روز تولدتان بهترین آرزوهای قلبی مرا همراه با درودی گرم وصمیمانه بپذیرید.

همه ما، عملیات تهاجمی بسیار قدرتمندی را که ارتش سرخ انجام می دهد، با شادی وهیجان دنبال می کنیم.

سند شماره ۹٦

تاریخ ارسال نامه ۲۱ دسامبر سال ۱۹٤۲

نامه خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی بخاطر ارسال پیام تبریک وآرزوهای خوب شما صمیمانه تشکر می کنم.

سند شماره ۹۷

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- ما پیروزی هایی را که شما در جنوب با چنین مقیاسی بزرگ و رو به افزایش بدست می آورید صمیمانه تحسین می کنیم. این پیروزیها مهر تأییدی است بر کلیه بیاناتی که جنابعالی در مسکو به اینجانب اظهار فرموده اید . نتایج حاصله از این موفقیت ها در واقع می تواند دامنه ای بس فراتر داشته باشد.

۲- در بلندی های تونس ، دولتهای محور استحکامات احداث شده درسرپل ها را که ما در اولین حمله های خود تقریباً به تصرف خود در آورده بودیم، تحت کنترل ومحافظت خود در آورده اند. اینطورکه درحال حاضر اوضاع نشان می دهد ، در اینجا، در ماههای ژانویه وفوریه نیز نبرد ادامه خواهد داشت.

من امیدوار هستم که ارتش ژنرال الکساندر بتواند در اوایل فوریه تریپولی را به تصرف خود در آورد. به احتمال بسیار قوی ، رومل با قوای خود که شامل ۷۰ هزار نفر نیروی آلمانی و همین تعداد نیز نیروی ایتالیایی است ، در مسیر بلندی های تونس عقب نشینی خواهد کرد. دو سوم کل قوا را پرسنل اداری ولجستیکی تشکیل می دهد. در سواحل آفریقا، جنگ برای دشمن که به هنگام نقل وانتقالات وهمچنین در بنادر تلفات سنگینی را متحمل شده است،

بسیار گران تمام خواهد شد. ما تمام مساعی خود را تا حد امکان جهت تسریع بخشیدن به پایان این عملیات بکار خواهیم برد.

۳- کاروان دسامبر(۲) «پ. کیو» علیرغم همه انتظارات درحال حاضر بی هیچ حادثه‌ای به خوبی در حال حرکت می باشد. من اکنون تدابیری اتخاذ کرده ام که کاروان کاملی متشکل از ۳۰ فروند کشتی ویا بیشتر را برای ماه ژانویه به سوی شما اعزام نمایم، هرچند که تا این لحظه رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی ما هنوز مشخص نکرده است که این کشتی ها کلاً دریک نوبت آماده اعزام خواهند شد یا در دو نوبت .

٤- فقط برای اطلاع جنابعالی به آگاهی می رسانم که من به زودی به منظور ملاقات با پرزیدنت روزولت وتهیه وهماهنگ ساختن برنامه های سال ۱۹٤۳ عازم خواهم بود. مهمترین هدف من از این دیدار آن است که نیروهای انگلیسی وآمریکایی هرچه سریعتر با بیشترین نفرات ودر گسترده ترین ابعاد به جنگ با دشمن اعزام گردند. کمبود ظرفیت های تجهیزاتی وتسلیحاتی از اهم مسائل است. من اخبار مربوط به این ملاقات را به اطلاع جنابعالی خواهم رساند.

۳۰ دسامبر سال ۱۹٤۲

سند شماره ۹۸

تاریخ ارسال نامه ۵ ژانویه سال ۱۹۴۳

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

هر دو نامه جنابعالی را دریافت داشتم. از ارسال خبر مربوط به مذاکرات آینده جنابعالی با پرزیدنت روزولت تشکر می کنم. از ارسال اخبار مربوط به نتایج این گفتگوها نیز از شما سپاسگزارم.

سند شماره ۹۹

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین نخست وزیر

۱- کاروان دسامبر(۲) با انجام چند نبرد، پیروزمندانه موفق به عبور گردید که یقیناً جنابعالی از نحوه نبردهای موفقیت آمیزی که نیروهای سبک ما علیه نیروهای برتر دشمن بعمل آورده اند ، گزارشهای جامعی دریافت فرموده اید.

۲- رکن اطلاعات وعملیات نیروی دریایی در نظر داشت که ۳۰ کشتی ماه ژانویه را در دو نوبت مساوی ، هر نوبت ۱۵ فروند کشتی ، اعزام نماید. نوبت اول را تقریباً در تاریخ ۱۷ ژانویه ونوبت دوم رابا کمی تأخیردر اواخر همین ماه اعزام دارد. اما از طرفی، همانطور که اعزام آخرین کاروان نشان می دهد ، دشمن در تلاش استفاده از ناوهای جنگی رو آبی خود برای ممانعت

از حرکت کاروان های بعدی ما می باشد. بنا براین ضروری است که ما فوراً نسبت به تقویت بیشتر ناوهای اسکورتی که برای ماه ژانویه پیش بینی شده اند ، اقدام عاجل بعمل آوریم. بعلاوه، با در نظر داشتن افزایش ساعات طول روز، ما بایستی تقویت کشتی های اسکورت را جهت حفاظت از کاروان های بعدی خود بیشتر مورد توجه قرار بدهیم.

۳- بنا براین ما باید در تصمیمات خود تجدید نظر بعمل آوریم .به جای اعزام کاروان ژانویه در دو نوبت ، ما در ۱۷ ژانویه همانطورکه در ابتدا پیش بینی شده است، در عوض ۱۵ کشتی ، ۱۹ فروند کشتی (به انضمام ۲کشتی مواد سوختی)اعزام خواهیم داشت. پس از آن برای ۱۱ فوریه، کاروان کاملی مرکب از ۲۸ تا ۳۰ کشتی به حرکت در خواهیم آورد . در پی آن کلیه امکانات خود رابرای اعزام کاروانی متشکل از ۳۰فروند کشتی حدوداً برای ۱۰ مارس به کار خواهیم بست. البته ، این امر بستگی به کمک آمریکائیها دارد که چند فروند کشتی اسکورت را برای ما منظور خواهند داشت.چنانچه آمریکائیها قادر به انجام این کمک نباشند ، در آنصورت اعزام کاروان آخری زودتر از ۱۹ ماه مارس تحقق نخواهد پذیرفت.

۱۱ ژانویه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۰۰

تاریخ ارسال نامه ۱۶ژانویه سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۱ ژانویه سال جاری شمارا دریافت داشتم. بخاطر ارسال خبر از جنابعالی تشکر می کنم.

عملیات قوای ما در جبهه ها علیه آلمانیها فعلاً بطرز رضایت بخشی ادامه دارد . ما نابودی آن گروه از قوای آلمانی را که در حوالی استالینگراد به محاصره در آورده ایم، به پایان می بریم.

سند شماره ۱۰۱

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

ما درشب گذشته ۱٤۲ تن بمب تخریبی و۲۱۸ تن بمب آتش زا به برلن فرو ریختیم.

۱۷ژانویه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۰۲

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

ما در حملات هوایی شب گذشته ، ۱۱۷ تن بمب محترقه و ۲۱۱ تن بمب آتش زا به برلن فرو ریختیم.

۱۸ ژانویه سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۰۳

تاریخ ارسال نامه ۱۹ ژانویه سال ۱۹۴۳

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

به خاطر دریافت خبر مربوط به بمباران‌های موفقیت آمیز برلن درشب هفدهم از جنابعالی تشکر می کنم. پیروزی آینده نیروی هوایی بریتانیا را به ویژه در بمباران های برلن آرزو می نمایم.

سند شماره ۱۰٤

تاریخ دریافت نامه ۲۷ ژانویه سال ۱۹٤۳

از پرزیدنت روزولت وچرچیل نخست وزیر
به استالین نخست وزیر

۱- ما طی نشست ها ومشورت هائی که با مشاوران نظامی خود داشته ایم، تصمیماتی را درباره عملیاتی که باید توسط نیروهای مسلح امریکا وبریتانیا در ۹ ماهه اول سال ۱۹٤۳ به اجرا در آید ، اتخاذ نموده که می خواهیم جنابعالی را بیدرنگ در جریان آن قرار دهیم. ما گمان می کنیم که این عملیات با همراهی وهماهنگی حملات نیرومند شما ، یقیناً آلمان را درسال ۱۹٤۳ ناگزیر به شکست خواهد ساخت. ما باید تمام سعی وتلاش خود را در جهت نیل به این هدف معطوف سازیم.

۲- تردیدی نداریم که استراتژی صحیح ما در آن است که تمام توان و نیروی خود را در مساله شکست آلمان به منظور کسب پیروزی بزرگ وسریع در منطقه اروپا متمرکز سازیم. در عین حال ما باید بر ژاپن فشار کافی وارد آورده تابتوانیم قدرت ابتکار عمل در اقیانوس آرام وخاور دور را بدست گرفته؛ از چین حمایت بعمل آورده وبرای ژاپنی ها ممانعت ایجاد نماییم تا نتوانند تجاوزات خود را در سایر مناطق مانند نواحی شما در سواحل دریا گسترش دهند.

۳- هدف اصلی ما انحراف دادن بخش عظیمی ازنیروهای زمینی وهوایی آلمان از جبهه های روسیه وارسال حداکثر تجهیزات وتدارکات جنگی به

روسیه می باشد. ما از هیچ کوششی جهت انجام کمکهای مادی به شما در هر شرایط زمانی ومکانی وبه هر طریقی که باشد ، دریغ نخواهیم کرد.

٤- قصد واقدام آینده نزدیک ما پاکسازی شمال آفریقا از نیروهای دولت‌های محور وایجاد پایگاههای دریایی وهوایی به منظور نیل به اهداف زیر می‌باشد:

الف- گسترش راهی مطمئن از طریق دریای مدیترانه جهت نقل وانتقالات نظامی

ب- بمباران شدید تاسیسات مهم دولت های محور در جنوب اروپا.

٥- ما تصمیم داریم که عملیات مشترک وگسترده ای را با مشارکت نیروهای زمینی و هوایی خود در آینده نزدیک به اجرا در آوریم. مقدمات وآمادگی های مربوط به این عملیات هم اکنون در حال انجام است، البته این عملیات با نیروهای قابل ملاحظه ، به انضمام کشتی ها ووسایل حمل ونقل در مصر وبنادر شمال آفریقا مرتبط گردیده است. بعلاوه، ما در نظر داریم که درمحدوده های بریتانیای کبیر، نیروهای قدرتمندی از زمینی وهوایی آمریکا مستقر سازیم . این نیروها همراه با نیروهای مسلح بریتانیا بدان منظور در بریتانیای کبیر آماده میشوند که به محض انجام عملیات ، بتوانند دوباره وارد قاره اروپا شوند. البته ، دشمنان ما از این تجمع وتمرکزها مطلع خواهندشد ، اما از اینکه ما در چه زمان ودر چه مکان وبا چه نیرویی به آنها حمله خواهیم برد، بی اطلاع خواهند ماند . بنابراین آنان ناگزیر خواهند بود که نیروهای خود اعم از زمینی وهوایی را درتمام طول سواحل فرانسه، هلند ، کرس، سارد گنا،

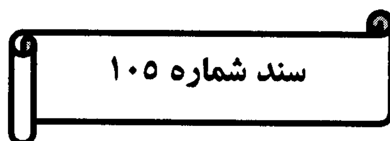
سیسیل، لوانت ، ایتالیا ، یوگسلاوی، یونان ، جزیره کرت و جزایر دادکانز بطور پراکنده مستقر سازند.

٦- در اروپا ما با شیوه ای برق آسا حملات هوایی نیروهای متفق را از بریتانیای کبیر علیه آلمان تشدید خواهیم کرد ودراواسط تابستان شدت این حملات باید در مقایسه با حملات فعلی به دو برابر افزایش یابد. تجربه کنونی نشان داده است که بمبارانهای روزانه بسیاری از هواپیماهای شکاری آلمان را منهدم ویا از کارانداخته است. ما فکر می کنیم که تشدید حملات هوایی روزانه وشبانه وافزایش وزن کلی بمب های ریزشی موجب خسارات سنگین مادی ومعنوی در آلمان خواهد شد وهواپیماهای شکاری آلمان را سریعاً دچار ضعف وعدم کارآیی خواهدکرد . همانطور که جنابعالی اطلاع دارید ، ما بیش از نیمی از نیروهای هوایی آلمان را در اروپای غربی ودریای مدیترانه سرگرم ساخته ایم. بدون شک، حملات هوایی نیرومند و متنوع ما همراه باسایر عملیاتی که پیش بینی خواهیم کرد، عاملی برای انحراف نیروی هوایی وسایر نیروهای آلمان از جبهه روسیه خواهد شد.

٧- قصد ما در اقیانوس آرام اینست که ژاپنی ها را ظرف چند ماه آینده از « رابائول» بیرون رانده تا بتوانیم موفقیت خود را در راه رسیدن به ژاپن افزایش دهیم .ما همچنین تصمیم داریم که ابعاد عملیاتمان را در برمه به منظور بازکردن دوباره این راه جهت تأمین وتجهیز چین افزایش دهیم. ما می خواهیم که بیدرنگ نیروهای هوایی خود را در چین تقویت نماییم . البته ، ما اجازه نخواهیم داد که حمله ما به ژاپن بر امکان استفاده از هر فرصت مناسبی که

احتمالاً برای شکست قطعی آلمان درسال ۱۹۴۳ پیش خواهد آمد ، اثر نامطلوب بگذارد.

۸-هدف اصلی ما این است که آلمان وایتالیا را از طریق خشکی وهوا و دریا با استفاده از حداکثر نیروهای مسلح خود تا آنجا که از نظر فیزیکی مقدور خواهد بود، نابود سازیم.



نامه بسیار محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیربه استالین نخست وزیر

من وپرزیدنت روزولت باهم توافق بعمل آوردیم که اینجانب طی پیشنهادی از رئیس جمهور کشور ترکیه بخواهم که ایشان به منظور اخذ تصمیماتی مقتضی در امر تجهیز ارتش ترکیه وتسریع در آن، با توجه به حوادث ورویدادهای احتمالی آینده ، ملاقاتی با من داشته باشند.

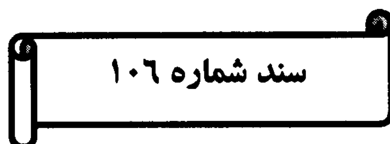
رئیس جمهور ترکیه در پاسخ به پیشنهاد من اظهار داشتند که برنامه تقویت « دفاع از امنیت عمومی» ترکیه را صمیمانه استقبال می کنند و آماده می باشند که در صورت تمایل من، اخبار مربوط به این ملاقات را نیز پس از انجام آن درزمانی مناسب منتشر نمایند.

جنابعالی براساس تلگرام هائی که ما باهم مبادله کرده ایم، قطعاً از نقطه نظریات اینجانب نسبت به این موضوع آگاهی دارید ومی توانید اطمینان داشته

باشید که من در اسرع وقت جنابعالی را در جریان مذاکرات مربوطه قرار خواهم داد.

لطفاً یکبار دیگر مراتب شادی وهیجان مرا بخاطر ادامه عملیات قهرمانانه وشگفت انگیز ارتش های شوروی بپذیرید.

۲۷ ژانویه سال ۱۹٤۳



نامه فوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

من ممنون شما خواهم شد اگر شایعات مربوط به سفر مجدد اینجانب به مسکو را که به سمع جنابعالی خواهد رسید ، تکذیب نفرمائید، زیرا مسافرت های مهمی که درباره آنها جنابعالی را مطلع ساخته ام ، حائز اهمیت است که برای چند روزی بصورت محرمانه باقی بمانند.

با تقدیم بهترین آرزوهای نیک

۲۹ ژانویه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۰۷

تاریخ ارسال نامه ۳۰ ژانویه سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر وآقای روزولت رئیس جمهور

نامه مشترک و دوستانه شما را در تاریخ ۲۷ ژانویه دریافت داشتم.

بخاطر اطلاعاتی که درباره تصمیمات متخذه در کازابلانکا در رابطه با عملیات اجرایی نیروهای مسلح آمریکایی وبریتانیایی در ۹ ماهه اول سال ۱۹٤۳ ارسال فرموده اید، ازشما تشکر می کنم. با توجه به تصمیمات اتخاذ شده درزمینه شکست آلمان از طریق ایجاد جبهه دوم در اروپا در سال ۱۹٤۳، من ممنون شما خواهم بود اگر در مورد عملیات تعیین شده در این منطقه وزمان اجرای آن اطلاعات دقیق تری در اختیار اینجانب قرار بدهید.

آنچه که به اتحاد شوروی مربوط می شود، باید به شما اطمینان دهم که نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با تمام نیرو وامکانات خود هر اقدامی را که در جهت ادامه حمله علیه آلمان ومتحدین او در جبهه شوروی- آلمان باشد به انجام خواهند رساند. ما در نظر داریم که عملیات زمستانی خود را چنانچه شرایط اقتضاء نماید، در نیمه اول فوریه سال جاری به پایان برسانیم. سپاهیان ما خسته شده وبه استراحت نیاز دارند ، بیش از این به سختی می توانند به حملات خود ادامه دهند.

سند شماره ۱۰۸

تاریخ ارسال نامه ۳۱ ژانویه سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی در رابطه با ملاقات آینده با رئیس جمهور ترکیه را دریافت داشتم. موجب امتنان خواهد بود که از نتایج این دیدار که اهمیت شایان توجه آن برای من روشن است ، مرا با اطلاع فرمایید.

اظهار تمایل جنابعالی نسبت به عدم تکذیب شایعات منتشره درباره مسافرت شما ، بدیهی است که بر آورده خواهد شد.

سند شماره ۱۰۹

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
آقای وینستون چرچیل نخست وزیر به آقای استالین

۱- از ارسال تلگرام مربوط به ترکیه از جنابعالی تشکر می کنم. ۳۰ ژانویه، در آدان من با سران ترک ملاقات کرده ومذاکرات طولانی وبسیار دوستانه ای را با آنها بعمل آوردم(۳۵). جای هیچ شکی باقی نیست که آنها با اشتیاق بسیار به پیشواز ما وشما آمده اند وتردیدی نباید داشت که اطلاعات ویژه ای که ترک ها درباره آلمان دارند آنان را نسبت به وجود یک وضعیت بدو نامطلوب در آنجا متقاعد ساخته است.

اولین برنامه واقدام ما این است که ترکها رابا سلاح های مدرن امروزی که در حال حاضر می توانیم تعداد نسبتاً قابل ملاحظه ای ازآنها را در اختیار شان قرار بدهیم ، مجهز سازیم. من همه اقدامات لازمه را جهت ارسال هر چه را که آنها بتوانند ازطریق راه آهن «تروس» تنها راه مناسب موجود حمل نمایند، انجام داده ام . بعلاوه ، من چند فروند کشتی نیز بعنوان عاریه به آنها اختصاص داده ام که بتوانند تجهیزات بیشتری را از مصر حمل نمایند. من مقادیری هم اسلحه و مهمات آلمانی که توسط سربازان ما در صحرا به غنیمت گرفته شده است، در اختیار ترکها قرار خواهم داد. ما در آنکارا یک کمیسیون مشترک نظامی انگلیسی - ترکی به منظور بهبود راههای ارتباطی جهت نقل وانتقال تجهیزات وسازو برگ های جنگی تشکیل خواهیم داد. ما برنامه های مشترکی برای کمک رسانی به ترکها تنظیم خواهیم کرد که چنانچه آنان مورد تعرض آلمان یا بلغارستان قرار گیرند، به مورد اجرا بگذاریم.

۲- من از ترکها تقاضای بخصوصی در مورد الزام آنان به انجام تعهدات دقیق سیاسی ویا قول وقراری مبتنی بر ورود آنان به جنگ به منظور پشتیبانی از ما بعمل نیاورده‌ام، اما بنظر می آید که آنها خود تا اواخرسال جاری در انجام این امر پیشقدم خواهند شد. احتمالاً تا پیش از تحقق این امر ، با تأکید بر حفظ بیطرفی ، همانطور که ایالات متحده قبل از ورود به جنگ این امر را رعایت کردند ، ترکها نیز مجوز استفاده از فرودگاههای خود رابرای سوخت گیری هواپیماهای ما بویژه، به منظور حمله هواپیماهای بمب افکن بریتانیایی و آمریکایی به منابع نفتی «پلویستی » که اهمیت حیاتی فراوانی برای‌آلمان دارد، خاصه در این لحظه که ارتشهای شما «مایکوپ» را نیزبازپس گرفته اند، صادر

خواهند کرد. تکرار می کنم، من نه تقاضائی را عنوان کرده ام ونه هیچگونه تعهد نامه سیاسی مشخصی را دریافت داشته ام وبه ترکها اعلام کرده ام که آنها می توانند مراتب را بهمین صورت منتشر سازند.لذا، دیدار ترکها با من، وضعیت آنان بطور کلی واعلامیه مشترکی که متن آن را تلگرافی برای جنابعالی ارسال خواهم داشت، درکل مبین این موضوع می باشند که ترکها بیش از پیش به طرز روشن تری به سیستم ضد هیتلری جلب می شوند و این امر دقیقاً مورد درک وپذیرش همه جهانیان خواهد بود.

۳- ترکها،البّته با توجّه به قدرت بزرگ کشور شما، نگران وضعیتی هستند که پس از جنگ برای آنها پیش خواهد آمد. دراین زمینه من به آنان اطلاع دادم که براساس تجارب من، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هیچگاه هیچ تعهد وقراردادی را نقض نکرده و اکنون برای ترکها زمانی فرارسیده که آنها می توانندموافقتنامه مفیدی را به امضاء برسانند ویقیناً امن ترین مکان برای ترکیه، جایی در کنار فاتحین می باشد که بعنوان کشوری مبارز بتواند در جوار آنان ، در پشت میز کنفرانس صلح بنشیند. همه این مطالب را من بر اساس مبانی اتحادمان وحفظ منافع مشترکمان بیان داشته ام وامیدوار هستم که این اظهارات مورد تأئید وتحسین جنابعالی قرار بگیرد. من اطمینان دارم که آنها به ابراز هر نوع حرکت ومانور دوستانه از جانب اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی لبیک خواهند گفت. من بسیار خوشحال خواهم شد که نظرات صمیمانه جنابعالی را نسبت به این امر کسب نمایم. من با ترکها، به ویژه با پرزیدنت «اینونو» روابط بسیار دوستانه وصمیمانه ای برقرار کردم.

٤- در تلگرام اخیری که جنابعالی برای پرزیدنت روزولت مخابره فرموده اید ، سؤالاتی را در خصوص تأخیر عملیات متفقین درشمال آفریقا مطرح ساخته اید .تا آنجا که این امر به ارتش هشتم بریتانیا مربوط می شود، باید خاطر نشان سازم که ما از آن تاریخ در حال اشغال و تصرف« تریپولی»و«زوآر»بوده وامیدوار می باشیم که به زودی با نیرویی قابل ملاحظه وارد تونس شده ودشمن را از مواضع «ماریت» و«گابس» بیرون برانیم. پاکسازی وبازسازی بندر در تریپولی بطور کامل ادامه دارد و در حال حاضر خطوط ارتباطی ما تا بن غازی وقسمتی حتی تا قاهره به طول ۱٦۰۰ مایل گسترش یافته است.

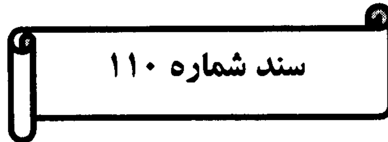
ارتش یکم ما با پیوستن به واحدهای بزرگ نیروهای مسلح آمریکائی تقویت یافته ودر حال استحکام بخشیدن به پشت جبهه خود می باشد و به محض بدست آوردن موقعیت وفرصتی مناسب، با حمایت ارتش هشتم حمله را آغاز خواهد کرد . هوای بارانی هم مانند خطوط ارتباطی راه آهن وشوسه که طول آنها محدود می باشد واز ۵۰۰ مایل تجاوز نمی کند، ازاهمیت فراوانی بر خوردار است. اما، ما امیدوار می باشیم که دشمن را کاملاً نابود ساخته و یا تا اواخر آوریل، شاید هم زودتر ،اورا از سواحل آفریقا بیرون برانیم. طبق بر آورد شخصی من که مبتنی بر اطلاعات دقیق وتائید شده می باشد، ارتش پنجم زرهی آلمان در تونس از ۸۰ هزار نفر آلمانی و۲۵ هزار تا ۳۰ هزارنفر ایتالیایی تشکیل یافته که دارای جیره غذایی می باشند.

رومل ۱۵۰ هزار نفر آلمانی وایتالیایی جیره خور تحت فرماندهی دارد که احتمالاً ۴۰ هزار نفر از آنها تشکیل دهنده قسمت رزمی بوده که با کیفیتی بد و نامطلوب تجهیز یافته اند. انهدام این نیرو از اهم وظایف ما است.

۵- در مورد پرسش های کاملاً منصفانه ای که جنابعالی ازمن وپرزیدنت پیرامون عملیات مشخصی که ما در کازابلانکا درباره آنها اخذ تصمیم بعمل آورده فرموده اید، من بعداً به جنابعالی پاسخ خواهم داد.

۶-لطفاً، تبریکات مرا به مناسبت تسلیم «فیلد مارشال پاولیوس »و انهدام ارتش ششم آلمان بپذیرید. در واقع این پیروزی بزرگی است.

اول فوریه سال ۱۹۴۳



نامه خصوصی وبسیار محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

ازمن سؤال می کنند که به آگاهی برسانم آیا جنابعالی قبلاً از ملاقات بین سران انگلیس وترکیه با اطلاع بوده اید یا خیر. من فکر می کنم که باید پاسخ بدهم:« آری، استالین نخست وزیر کاملاً با اطلاع بوده اند». درصورت انتخاب هر یک از دو حالت تایید ویا تکذیب، جنابعالی می توانید اظهاراتی را در مسکو بیان بفرمائید. که در این حالت شما می توانید آنچه را که مورد نظر دارید بدون مشورت با من ابراز بفرمائید، زیرا من اطمینان دارم آنچه را که

جنابعالی ابراز بفرمائید مفید وسودمند خواهد بود.

دوّم فوریه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۱۱

تاریخ ارسال نامه ٦ فوریه سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی

استالین نخست وزیر به آقای وینستون چرچیل نخست وزیر

دوّم وسوّم فوریه نامه های جنابعالی را در ارتباط با مسئله ترکیه دریافت نمودم. از جنابعالی بخاطر ارسال اطلاعات مربوط به گفتگوهای شما با رهبران ترکیه در آدان تشکر می کنم.

۱- در رابطه با بیانات جنابعالی مبنی بر آنکه ترکها به ابراز هر حرکت دوستانه از جانب اتحاد شوروی لبیک خواهند گفت، من فکر می کنم بجا است خاطر نشان سازم که ازطرف کشور ما در ارتباط با ترکیه، چه چند ماه قبل از آغاز جنگ شوروی و آلمان وچه پس از شروع این جنگ ، یک سری اعلامیه هایی که جنبه دوستانه آنها برای دولت بریتانیا روشن می باشد، انتشار یافته است. اما، ترکها نسبت به این اقدامات ما، گویا بعلت ترس ازخشم آلمانیها،عکس العملی نشان ندادند. می توان حدس زد حرکت دوستانه ای که جنابعالی به آن اشاره فرموده اید، حالا مورد پذیرش ترکها قرار خواهدگرفت.

وضعیت بین المللی ترکیه نسبتاً پیچیده ونامعلوم می باشد . ترکیه ازیک طرف با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرارداد دوستی وبیطرفی در جنگ را به امضاء رسانیده است، ازسویی با بریتانیای کبیر قرار دادکمک های

دوجانبه به منظور مقابله با هر گونه تجاوز وتعرض را منعقد ساخته است واز طرف دیگر، این کشور سه روز قبل ازحمله آلمان به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرارداد دوستی با آلمان را به امضاءرسانیده است. برای من معلوم نیست که درشرایط کنونی ترکیه چگونه می خواهد تعهدات خود در برابر اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر رابا تعهداتی که در برابر آلمان دارد تطبیق دهد. با وجود این، چنانچه ترکها قصد دارند که مناسبات خود با اتحاد شوروی را دوستانه ونزدیکتر سازند، اجازه بفرمایید خود آنها در این زمینه اعلام آمادگی نمایند .اتحاد شوروی در چنین شرایطی آماده استقبال از ترکها خواهد بود.

۲- بدیهی است که از جانب من اعتراضی علیه اظهارات جنابعالی دال بر اطلاع اینجانب از مسأله مربوط به ملاقات سران انگلیس وترکیه صورت نخواهد گرفت، هر چند که نمی توان اطلاعات اینجانب از این امر را «بطور کامل»بحساب آورد.

۳- من امیدوار هستم که ارتشهای یکم وهشتم بریتانیا ونیروهای آمریکایی در حملات آینده نزدیک خود درشمال آفریقا وهمچنین در بیرون راندن سریع نیروهای آلمانی وایتالیایی از سواحل آفریقا به پیروزی های بزرگی نائل آیند.

٤- تشکر وسپاس مرا بخاطر تبریکات دوستانه ای که به مناسبت تحویل « فلیدمارشال پاولیوس» وپایان موفقیت آمیز انهدام قوای دشمن تحت محاصره در حوالی استالینگراد ارسال فرموده اید، بپذیرید.

سند شماره ۱۱۲

تاریخ دریافت نامه ۱۲فوریه سال ۱۹۴۳

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

نامه ۳۰ ژانویه جنابعالی را دریافت نمودم . اکنون با پرزیدنت روزولت جلسه ای داشتیم که مسأله مربوط به آن سمت و سمت دیگر اقیانوس را به ستاد کشورها ارجاع دادیم. من از طرف پرزیدنت روزولت وکالت دارم که جواب مشترکمان را به شرح زیر به اطلاع جنابعالی برسانم:

الف- درشرق تونس ۲۵۰ هزار نفر آلمانی وایتالیایی مستقر می باشند. ما به نابودی آنها ویا بیرون راندن آنان از تونس در ماه آوریل، شاید هم زودتر ، امیدوار هستیم.

ب- پس از انجام این مهم، ما قصد داریم که در ماه ژوئیه ویا درصورت امکان قبل از آن، سیسیل را به منظور پاکسازی دریای مدیترانه اشغال کرده وشکست ایتالیا را با نتایج وعوارضی که از اینجا در رابطه با یونان ویوگسلاوی ناشی خواهد شد، فراهم آورده ونیروی هوایی آلمان را ضعیف وفرسوده سازیم. پس از این اقدامات ، عملیاتی را مستقیماً درشرق دریای مدیترانه ، احتمالاً علیه جزایر«دادکانز» به اجرادر خواهیم آورد.

پ- برای اجرای این عملیات ماباید از کل ظرفیت وتمام تجهیزات مربوط به پیاده کردن نیرو که قادر به تمرکز واستقرار آنها در دریای مدیترانه

می باشیم و همینطور از کلیه نیروهایی که امکان تجهیزو آماده سازی آنان را برای پیاده کردن در این زمان در اختیار داریم، استفاده نماییم . تعداد نفراتی که می توانند در این عملیات شرکت داشته باشند ، نزدیک به سه الی چهار صد هزار نفر خواهند بود . به محض باز شدن بنادر و پایگاههای مخصوص پیاده کردن نیرو، ما هر اقدام موفقیت آمیزی را فراتر از حد خود به انجام خواهیم رساند.

ت- ما حتی الامکان با تلاش وکوشش بسیار آمادگی وتدارکات مربوط به عملیات عبور ازکانال (۳٦)را در ماه اوت که در آن نیروهایی از بریتانیا وایالات متحده شرکت خواهندکرد، فراهم خواهیم آورد . در اینجا، سازوبرگ وتجهیزات مربوط به پیاده کردن نیرو از عوامل محدود کننده بشمار می آید. چنانچه در نتیجه تغییر هوا ویا سایر عوامل بازدارنده، عملیات ما معوق بماند ، در آنصورت اجرای برنامه با مشارکت نیروهای قدرتمند تری برای ماه سپتامبر تدارک دیده خواهد شد. البته ، زمان شروع این عملیات، به شرایط دفاعی آلمانیها که ظرف این مدت تدارکاتی رابرای خود در آن سوی کانال فراهم خواهند آورد، بستگی خواهد داشت.

ث- هر دو عملیات با حمایت وپشتیبانی کامل نیروهای قدرتمند هوایی ایالات متحده وبریتانیای کبیر انجام خواهد شد. ضمناً در عملیات عبور از کانال کلیه نیروهای هوایی کشورهای تحت مستعمره بریتانیا نیز شرکت خواهند داشت. تمام این عملیات نیاز مبرمی به استفاده از کشتی های بریتانیای کبیر وایالات متحده خواهد داشت.

ج- پرزیدنت ومن هریک برای ستاد مشترک کشورمان(۳۷) دستوراتی درمورد ضرورت سرعت عمل در کارها وتشدید حملات، با استفاده کامل از حداکثر نیروی انسانی وساز وبرگ وتجهیزات جنگی را صادر کرده ایم.

۹ فوریه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۱۳

نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

دیشب خبر مربوط به زنجیر پیروزی های بزرگی را که نجات و آزاد سازی «راستوف نادونو» حلقه ای ازآن می باشد دریافت نمودم. این امر ، مرا از یافتن کلماتی که بیان کننده سپاس وهیجان درونی ام نسبت به جنابعالی وسلاح روسی باشد، محروم ساخته است. بهترین آرزوهای قلبی من، انجام بیشترین کمک هابه شمااست.

۱٤فوریه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۱٤

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱۲ فوریه نامه شما را درباره عملیات جنگی قریب الوقوع انگلیس وآمریکا دریافت داشتم.

۱- بخاطر اطلاعات تکمیلی که درباره تصمیمات متخذه در کازابلانکا ارسال فرموده اید، از جنابعالی تشکر می کنم. در عین حال چند نکته است که ازاظهار نظر درباره آنها نمی توانم خودداری نمایم، زیرا همانطورکه جنابعالی در نامه خود اشاره فرموده اید، این جواب مشترکی است که نظرات پرزیدنت روزولت راهم شامل می شود.

از نامه جنابعالی چنین استنباط می شودکه زمان خاتمه عملیات جنگ در تونس را که قبلاً در ماه فوریه تعیین کرده بودید، اکنون به ماه آوریل موکول نموده اید. اینکه به تأخیر انداختن این عملیات علیه آلمانیها وایتالیا ئیها تا چه اندازه نامطلوب می باشد، نیاز به اثبات آنچنانی ندارد. بخصوص در این لحظه که نیروهای شوروی هنوز باید به حملات گسترده خود ادامه بدهندو قوای انگلیسی و آمریکایی نیز ضرورتاً باید در شمال آفریقا فعال باشند. فشار همزمان بر هیتلر از جانب جبهه های ما و از جانب شما در تونس اهمیت بسیار مثبت وموثری در امر مشترکمان خواهد داشت که به تبع آن مشکلات بسیار مهم وعدیده ای برای هیتلر و موسولینی فراهم خواهد آمد ، از طرفی ، این اقدام انجام عملیاتی را که شما درسیسیل وشرق دریای مدیترانه تعیین کرده اید، تسریع خواهد نمود.

اینطورکه روشن است، گشایش جبهه دوم در اروپا و از جمله در فرانسه فقط در ماههای اوت وسپتامبر صورت خواهد گرفت. اما بنظر من ، وضعیت وشرایط کنونی ایجاب می نماید که حتی الامکان طول این زمان را کاهش داده وجبهه دوم در غرب را حتی المقدور زودتر از موعد مقرر افتتاح نمود .به اعتقاد من ، برای آنکه به دشمن فرصت به خود آمدن داده نشود، بسیار مهم

خواهد بود که حمله از غرب را به نیمه دوم سال معوق نکرده وبر عکس ، اجرای آن را به بهار یا آغاز تابستان موکول نمود.

بنابر اخبار واطلاعات موثقی که در اختیار داریم ، از اواخر دسامبر که نیروهای مشترك انگلیس وآمریکا در تونس بنا به عللی فعالیت خود را متوقف ساخته اند، آلمانیها از فرانسه ، بلژیك ، هلند وخود آلمان ۲۷ لشگر از جمله ۵ لشگر زرهی را به جبهه شوروی – آلمان گسیل داشته اند. بدین ترتیب ، به جای کمك به اتحاد شوروی از طریق انحراف دادن نیروهای آلمانی وجذب آنها از جبهه شوروی – آلمان ، تسهیلاتی برای هیتلر به خاطر کاهش یافتن عملیات قوای انگلیسی و آمریکایی در تونس ، فراهم آمده که امکان نقل وانتقال نیروهای کمکی خود علیه روسها را نیز به دست آورده است.

همه این عوامل مبین آنست که ما هر چه زودتر بطور اشتراکی بتوانیم از موقعیت آشفته موجود در اردوگاه هیتلر وجبهه او استفاده نماییم،بیشتر می‌توانیم به شکست سریعتر هیتلر امیدوار باشیم.

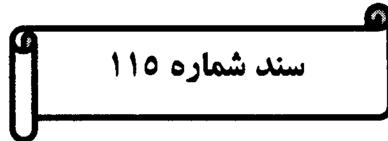
اگر موقعیت کنونی را مورد توجّه قرار ندهیم واز فرصت بدست آمده استفاده شایسته ومطلوب بعمل نیاوریم، احتمالاً آلمانیها پس از تمدید وتجدید قوا به خود خواهند آمد. ما وشما نباید چنین اشتباه نامطلوبی را در محاسباتمان داشته باشیم.

۲-ضروری دانستم که این پاسخ را برای آقای روزولت هم ارسال نمایم.

۳- بخاطر تبریکات گرم وصمیمانه ای که به مناسبت آزاد سازی « راستوف» ارسال فرموده اید، از جنابعالی تشکر می کنم. قوای ما امروز شهر

«خارکف» را به تصرف خود در آورد.

۱۶ فوریه سال ۱۹٤۳



سند شماره ۱۱۵

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

۱- من پیام دوستانه شما را به اطلاع ترکها رساندم.

اکنون دولت ترکیه به من وکالت داده است به استحضار جنابعالی برسانم که این دولت با کمال اشتیاق آماده از سرگیری مذاکرات و تبادل نظر باشما ازطریق سفرای مربوطه می باشد. من گمان می کنم که ترکها تماسهای لازمه را با سفیر شما در آنکارا بعمل آورده باشند.

۲- وزیر امور خارجه ترکیه به سفیر ما اطلاع داده است که بنظروی انجام مذاکره و تبادل نظر باید تا حد امکان هر چه سریعتر وترجیحاً در مسکو آغازگردد.

او پیشنهاد می نماید که کار کنفرانس آدان(۳۵) به انضمام مسأله ای که اینجانب درباره پایگاههای هوایی در حمله به«پلویشتی» وغیره مطرح ساخته ام، به عنوان مبداء واساس کار مذاکرات قرار گرفته شود ودرصورت تمایل انتشار این موارد در زمانی مناسب در یکی از اعلامیه های مشترک پیش بینی گردد.

۳- آقای «کلارک کر»از جانب من اخبار مربوط به مذاکرات در آدان را بطور جامع وکامل تر به استحضار جنابعالی خواهد رساند . متاسفانه ، به علت بدی هوا حرکت وی برای مدت یک هفته به تأخیر افتاده است.

٤- تقاضا می کنم در صورتیکه مسأله ای وجود دارد که لازم باشد آن را به نام خود، نه به نام شما، در برابر ترکها مطرح نمایم، قبلاً مرا از آن با اطلاع فرمایید.

۱۷فوریه سال۱۹٤۳

سند شماره ۱۱٦

نامه خصوصی وبسیار محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

موجب کمال تأسف است که من نتوانستم به آخرین تلگرام جنابعالی پاسخ گویم. طرح جواب آماده بود، ولی به آنچنان تب شدیدی دچارشدم که مناسب دیدم ارسال پاسخ را به زمان بهتری موکول سازم. امیدوارم که پس از چند روز درباره وضعیت کلی، اطلاعات جامعی را به استحضارتان برسانم. ضمناً، آنچه را که شما انجام می دهید، صادقانه باید بگویم که غیر قابل توصیف است.

راجع به جنگ در تونس باید به اطلاع برسانم که همه چیز منظم وبر وفق مراد است. نفس دشمن گرفته شده واکنون زیر منگنه می باشد.

با تقدیم بهترین آرزوهای خوب برای شما

۲۵فوریه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۱۷

تاریخ ارسال نامه دوم مارس ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۷ فوریه جنابعالی درباره مسئله مربوط به اظهار تمایل دولت ترکیه نسبت به شروع مذاکرات وتبادل نظر با اتحاد شوروی را دریافت نمودم. ۲٤ فوریه نیز سه سند ارسالی جنابعالی بوسیله آقای« کر» را به شرح زیر دریافت داشتم:

۱- خلاصه اظهارات نخست وزیر خطاب به« عصمت اینونو»رئیس جمهور وهیأت نمایندگی ترکها در کنفرانس آدان؛

۲- مصوبات کنفرانس مشترك انگلیس وترکیه که در تاریخ های ۳۰تا ۳۱ ژانویه سال ۱۹٤۳ در آدان تشکیل گردیده بود؛

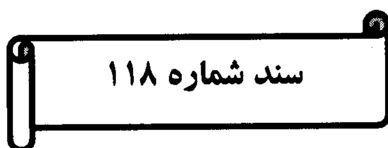
۳- يادداشت مربوط به امنیت پس از جنگ(۳۸).

از جنابعالی به خاطر ارسال این اطلاعات تشکر می کنم.

لازم می دانم به اطلاع شما برسانم که در تاریخ ۱۳ فوریه وزیرامور خارجه ترکیه مراتب اشتیاق دولت متبوع خود را نسبت به شروع مذاکرات با اتحاد شوروی در زمینه بهبود مناسبات دو کشور به اطلاع سفیر ما در آنکارا رسانیده است.

دولت شوروی از طریق سفیر خود در آنکارا طی ارسال پاسخی، علاقه واشتیاق دولت ترکیه پیرامون بهبود مناسبات دوجانبه شوروی وترکیه را مورد تائید و تحسین قرار داده و آمادگی خود را برای شروع مذاکرات اعلام داشته است. در حال حاضر، ما در انتظار بازگشت سفیر ترکیه به مسکو می باشیم تا مذاکرات خود را با وی آغاز نماییم.

فرصت را غنیمت دانسته، برای جنابعالی صمیمانه آرزوی بهبودی وتندرستی کامل می نمایم.



نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

نیروهای هوایی سلطنتی انگلستان درشب گذشته بیش از ۷۰۰ تن بمب به برلن فروریختند . حملات هوایی کاملاً موفقیت آمیز بوده است. از ۳۰۲ فروند هواپیمای بمب افکن چهار موتوره ، ما فقط ۱۹ هواپیما از دست داده ایم.

دوم مارس سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۱۹

تاریخ ارسال نامه ۳ مارس سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

به نیروهای هوایی بریتانیا که شب گذشته پیروزمندانه برلن را مورد هدف بمبارانهای خود قرار داده اند، درود می فرستم. متأسفم که در جبهه، نیروهای هوایی شوروی درگیر جنگ با آلمانیها می‌باشند و نمی توانند که در حال حاضر در بمبارانهای برلن شرکت داشته باشند.

سند شماره ۱۲۰

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی

وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

۱- با توجه به وضع نامساعد هوا که امکان حمله هوایی به برلن را منتفی ساخته بود، درشب گذشته ما با ۸۰۰ تن بمب هامبورگ را مورد هدف بمباران های خود قرار داده ونتایج خوبی بدست آوردیم. اگر زمان نسبتاً کوتاهی را که برای اجرای عملیات هوایی مورد استفاده قرار گرفته است. مدّنظر قرار بدهیم، این حملات را می توان بسیار شدیدتلقی نمود. ظرف چند ماه آینده ما نسبت به افزایش وزن بمب های ریزشی و همچنین تعدد حملات هوایی خود بسیار تلاش خواهیم کرد ومن امیدوار هستم که این عملیات درس عبرتی برای

نازی ها بوده وتب آنان را نسبت به جنگ، در مقایسه با آنچه که تا به حال داشته اند، کاهش دهد. به موازات ایجاد مشکلات و موانع عدیده برای تولیدات نازی ها، ما آنها را به انحراف و عدم استفاده از ذخایر مربوط به آتشبارهای ضد هوایی وسایر تجهیزات دفاعی خود مجبور خواهیم ساخت.

۲- صمیمانه ترین تبریکات مرا به مناسبت آزاد سازی «رژیوف» بپذیرید. من از مذاکرات انجام شده در ماه اوت دریافتم که جنابعالی تا چه اندازه نسبت به آزاد سازی این منطقه ارزش واهمیت قائل می باشید.

۳- من با پرزیدنت روزولت در مورد پاسخ به تلگرام مورخ شانزدهم جنابعالی مشورت خواهم کرد وامیدوار هستم که به زودی جواب مشترکمان را برای شما ارسال نماییم.

چهارم مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۲۱

تاریخ ارسال نامه٦ مارس سال ۱۹٤۳

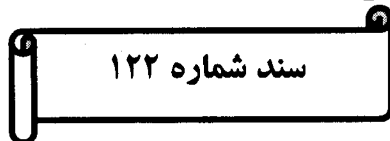
نامه کاملاً محرمانه و خصوصی

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در مورد بمباران موفقیت آمیز هامبورگ دریافت داشتم. به نیروهای هوایی بریتانیا تبریک گفته وعزم واراده شما را نسبت به افزایش بمباران های آلمان تحسین می نمایم.

بخاطر ارسال تبریکات جنابعالی به مناسبت تصرف«رژیوف» که بوسیله نیروهای ما انجام گردیده است، از شما تشکر می کنم. امروز نیروهای ما شهر «گژاتسک» را به تصرف خود در آوردند.

در انتظار دریافت پاسخ شما وآقای روزولت به نامه ١٦ فوریه خود می باشم.

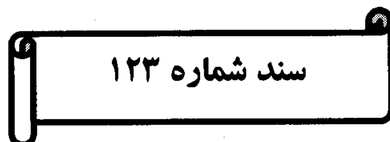


سند شماره ۱۲۲

نامه وینستون چرچیل نخست وزیر به استالین

شب گذشته در شرایطی خوب ومساعد در مدتی بسیار کوتاه ٤٦٨ تن بمب تخریبی و ٥١٨ تن بمب آتش زا (جمعاً٩٨٦تن) به « استن» در منطقه ای به مساحت نزدیک به ۲ مایل مربع فرو ریخته شد.

ششم مارس سال ١٩٤٣



سند شماره ۱۲۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

١- آقای روزولت رو نوشت پاسخ خود به نامه مورخ ١٦ فوریه جنابعالی را برای من ارسال داشته اند. برای پاسخگویی به نامه جنابعالی، من به اندازه کافی سالم وسرحال می باشم.

٢- اولین وظیفه ما پاکسازی شمال آفریقا از قوای دولت های محور به وسیله عملیاتی خواهد بود که نام مستعار آن بلافاصله پس از ارسال این نامه به

اطلاع جنابعالی خواهد رسید. ما امیدوار هستیم که بتوانیم این عملیات را تا پایان ماه آوریل به انجام رسانیم. تا آن زمان ما حدود ۲۵۰ هزار نفر از نیروهای دولت های محور را در جنگ مشغول خواهیم داشت.

۳- در عین حال، کلیه آمادگی های لازم جهت اجرای عملیاتی که دارای نام مستعار جدید«اسکیموس» خواهد بود(نامه بعدی مرا که بلافاصله در پی این نامه خواهدآمد، ملاحظه بفرمایید)، برای ماه ژوئن ، یعنی یک ماه زودتراز موعد مقرری که ما آن را در کازابلانکا برنامه ریزی کرده بودیم، باشدت تدارک دیده می شود.

٤- نقشه های عملیاتی مربوط به شرق دریای مدیترانه نیز در دست بررسی ومطالعه می باشد. از جمله:

الف- اشغال جزیره کرت یا جزایر دادکانز ویا هر دوباهم؛

ب- پیاده کردن نیرو در یونان.

انتخاب زمان برای اجرای این عملیات بطور قابل توجهی به نتیجه «اسکیموس » و وجود مقدار سازوبرگ جنگی وتجهیزات مربوط به پیاده کردن نیروها بستگی خواهد داشت. کمک ترکیه واستفاده از فرودگاههای این کشور یقیناً بسیار نافع وباارزش خواهد بود که من به موقع خود استفاده از آنها را طالب خواهم شد.

۵- در ماه دسامبر، نیروهای انگلیسی وآمریکایی بعلت تحرکات نیروهای دشمن، فصل بارندگی قریب الوقوع ، فرارسیدن رطوبت هوا ونامناسب بودن خطوط ارتباطی که به طول ۵۰۰ مایل از الجزایر و۱٦۰ مایل از بن امتداد یافته اند وهمچنین به دلیل خرابی راه آهن یکطرفه فرانسه که نقل وانتقال از

طریق آن یک هفته کامل به طول می انجامید، از تلاش در جهت اشغال تونس وبیزرت خودداری بعمل آوردند .ارسال وتأمین تدارکات ارتش تنها از طریق دریاآن هم به سبب شدت حملات هوایی وتهاجمات سفینه های زیر دریایی دشمن فقط به مقدار ناچیزی امکان پذیر بود. بدین ترتیب، امکان نداشت که بتوان در مناطق نزدیک جبهه نه مواد سوختی ونه دیگر ارزاق را ذخیره نمود. در عمل ما توانستیم که فقط سپاهیانی را که در آنجا استقرار یافته بودند، تأمین نماییم. کاملاً همین شرایط در مورد تأمین از طریق هوا حاکم بود، زیرا فرودگاههای احداث شده تبدیل به باتلاق ولجن زار شده بودند . هنگامی که ما حملات خود را در آنجا متوقف ساختیم، در تونس تنها ٤۰ هزار نفر آلمانی، بدون احتساب ایتالیائی ها وقوای رومل که همه در تریپولی قرار یافته ، استقرار داشتند. تعداد نیروهای آلمانی در شمال تونس درحال حاضر متجاوز از دوبرابر این رقم می باشد وهمینقدر که آنها بتوانند افراد خود را سوار بر هواپیما ویا ناوشکن نمایند ، آنان را به اینجا اعزام می دارند. دراواخر ماه گذشته ما چند مورد فعالیت های مهم محلی ناموفق داشته ایم، اما در حال حاضر وضعیت به حال عادی بازگشته است. ما امیدوار هستیم وقفه ای را که در اثر این ناکامیها بوجود آمده ، به زودی، تا پایان مارس ، با حملات ارتش مونتگمری که متشکل ازشش لشگر(حدود ۲۰۰ هزارنفر) خواهد بود وعملیات خود را علیه مواضع ماریت با تجهیزات کافی ازتریپولی آغاز خواهد کرد، جبران نمائیم. در ششم مارس ارتش مونتگمری با وارد آوردن تلفات سنگینی به دشمن ، ضرب شست وحمله هشدار دهنده خود را به روملِ نشان داده است. ارتشهای بریتانیا و

آمریکا در منطقه شمالی تونس فعالیت های خود را با عملیات مونتگمری هماهنگ خواهند ساخت.

۶- بنظرم آمد که جنابعالی خواهان کسب اطلاعاتی درباره این جزئیات خواهید بود ، هر چند که مقیاس این عملیات ، در مقایسه با عملیات بزرگی که جنابعالی رهبری می فرمایید بزرگ نمی باشد.

۷- ستادهای بریتانیا بر آورد می کنند که تقریباً نیمی از کلیه لشگریانی که از نوامبر سال گذشته از فرانسه ، لوگزامبورگ،بلژیک وهلند عازم جبهه های شوروی- آلمان شده‌اند، عمدتاً ، جایگزین لشگرهایی در جبهه های روسیه و آلمان ، از جمله لشگرهای تازه سازمان یافته در فرانسه، گردیده اند . آنها معتقدند که در حال حاضر در فرانسه، لوگزامبورگ ، هلندو بلژیک ۳۰ لشگر استقرار دارد.

۸- من بسیار مشتاق هستم که جنابعالی بطور محرمانه اطلاعات دقیقی درباره وضعیت ذخایر نیروهای نظامی ما که برای حمله به اروپا از طریق دریای مدیترانه یا کانال (۳٦) در نظر گرفته شده اند ، داشته باشید. بخش کاملی از ارتش بریتانیا درشمال آفریقا، خاورمیانه وهندوستان استقرار یافته اند که بازگرداندن آنها از طریق دریا به جزایر بریتانیا از نظر فیزیکی امکان پذیر نمی باشد. برای اواخر آوریل ، در شمال تونس ما علاوه بر ارتش ژنرال مونتگمری که متشکل از تقریباًشش لشگر خواهدبود، دارای پنج لشگر انگلیسی یا نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر نظامی خواهیم بود وما دو لشگر ویژه بریتانیایی آماده را از طریق ایران انتقال خواهیم داد، یک لشگر از اینجا جهت تقویت نیروهای مسلح خود در آنجا به منظور اجرای عملیات « اسکیموس »

اعزام خواهیم داشت که در نتیجه جمع کل این نیروهابالغ بر ١٤ لشگر خواهد بود. در خاورمیانه ما دارای چهار لشگر موتوری مکانیزه انگلیسی، دو لشگر لهستانی ، یک لشگر از داوطلبان فرانسوی ویک لشگر یونانی می‌باشیم. در جبل الطارق، جزیره مالت وقبرس نیروهایی معادل چهار لشگر پیاده نظام معمولی استقرار یافته اند. بدون احتساب پادگانها، پاسداران مرزی، در هندوستان ۱۰ یا ۱۲ لشگر سازمان یافته ویا در حال سازمان یابی می باشند که پس ازفصل بارندگی و برقراری رابطه با چین (نام مستعار این عملیات را در نامه بعدی ملاحظه بفرمایید) برای باز پس گرفتن برمه وارد عمل خواهندشد. بدین ترتیب ، ما درخط ازجبل الطارق تا کلکته به طول تقریبی ٦٣٠٠ مایل، ۳۸ لشگر بانضمام واحدهای بزرگ ونیرومندی که مجهز به توپ وتانک وخودرو بوده ونیز بخش مهمی از نیروی هوایی انگلستان را تحت فرماندهی بریتانیا داریم. تمام این نیروها برای سال ١٩٤٣ دارای وظایف مشخص ومعلوم پیش بینی شده ای می باشندکه عملیات موثری را به مورد اجرا در خواهند آورد.

۹- تعداد کل نفرات هر لشگر بریتانیایی با احتساب کادر سپاهی وارتشی وهمینطور سربازانی که در پشت جبهه خدمت می کنند، نزدیک به ٤٠ هزار نفر می باشند. در بریتانیای کبیر حدود ۱۹ لشگرمنظم ومجهز، چهار لشگر به منظور دفاع داخلی وچهار لشگر به عنوان نیروی ذخیره وجوددارند که ازاین تعداد ١٦ لشگر جهت عملیات عبور از کانال درماه اوت، اکنون در حال گذراندن دوره های آمادگی می باشند. جنابعالی قطعاً بخاطرداريد که آمار کل جمعیت ما ٤٦ میلیون نفر می باشد که اکثراً در نیروی دریایی وناوگان های

بازرگانی که زندگی ما بستگی کامل به تلاش آنان دارد، انجام وظیفه می نمایند. پس از آن نیروی هوایی کاملاً قابل ملاحظه ما می باشد که تعداد آنان نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می باشد و نیازهای پرسنلی مربوط به تولید تجهیزات وتسلیحات ، کشاورزی، دفاع ضدهوایی وغیره . بدین ترتیب در طول مدت زمانی کوتاه تمام مردان وزنان کشور ما بطور کامل در این جنگ فعالیت داشته ودارند.

۱۰- ایالات متحده در نظر داشت که در ژوئیه سال گذشته به منظور مداخله در فرانسه، ۲۷لشگر، هر لشگر شامل ٤۰ تا ۵۰ هزار نفر را به بریتانیای کبیر اعزام نماید. از آن زمان آنها هفت لشگر جهت عملیات«مشعل»(٢٤) اعزام داشته وسه لشگر دیگر نیز به آنجا اعزام خواهد داشت.در حال حاضر در انگلستان تنهایک لشگر آمریکایی مستقر می باشد که دست کم تا دوماه آینده انتظار هیچ نیرویی را از آنها نمی توان داشت. ایالات متحده امیدوار است که تا ماه اوت چهار لشگر به اضافه نیروهای هوایی قابل ملاحظه ای را آماده نماید. البته این امربه منزله ضعف ویا کاهش تلاشهای آمریکاییها تلقی نمی شود. علت عدم اعزام وبر آورده نشدن امیدهای سال گذشته ما در اجرای این امر در آن نیست که لشگری موجود نبوده ، بلکه در آن است که ما مجموعه های اسکورت از آنها را در اختیار نداشته ایم. در واقع هیچ چشم اندازی نسبت به نقل وانتقال جدید به بریتانیای کبیر در این دوره قید شده، افزون بر آنچه که به استحضار جنابعالی رسانده ام، محسوس نمی باشد.

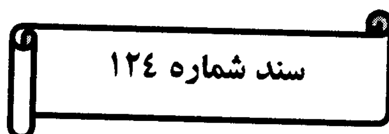
۱۱- حملات وبمبارانهای هوایی از بریتانیای کبیر افزایش یافته ورو به افزایش است. در ماه فوریه بر آلمان ومناطق تحت اشغال آن متجاوز از ۱۰

هزار تن بمب واز آغاز ماه مارس تا کنون حدود ٤ هزار تن بمب برآلمان فرو ریخته شده است. ستاد نیروی هوایی ما معتقد است که از ٤٥٠٠ فروند هواپیمای جنگنده آلمانی در خط اول، ۱۷۰۰ هواپیما در حال حاضر در جبهه های روسیه فعالیت دارند وبقیه علیه ما در آلمان وهمچنین در جبهه های غرب ودریای مدیترانه متمرکز شده اند. بعلاوه، ۱۳۸۵ فروند هواپیماهای پیشتاز نیروی هوایی ایتالیا نیز موجود است که بخش عظیمی از آنها عملیات خود را علیه ما به نمایش خواهند گذاشت.

۱۲- در مورد حمله به آن سمت کانال ، من وپرزیدنت جداً امیدوار می باشیم که قوای ما در اروپا در نبرد مشترکی که در حال حاضر شما با شجاعتی کم نظیر آن را اداره می کنید، شرکت داشته باشند. اما به منظور پشتیبانی از عملیات در شمال آفریقا، اقیانوس آرام و هندوستان وارسال تدارکات به روسیه، چون برنامه نقل وانتقال به بریتانیای کبیر به حداقل خود کاهش یافته است، بنا براین ما تنها ذخایر خود را مورد مصرف قرار داده و می دهیم. با این وجود ، چنانچه دشمن به اندازه کافی ضعیف وناتوان گردد، در آنصورت ما آماده ایم که حملات خود را زودتر از ماه اوت آغاز نماییم وبه همین منظور تغییرات مربوطه در نقشه ها بطور هفتگی انجام می گردد. اما اگر دشمن سست وناتوان نگردد، در آنصورت حمله پیش از موعد با نیروئی غیر کافی از نظر کمی وکیفی، جز شکست خونبار وانتقامجویی نازی ها از جماعات محلی که احتمالاً درصدد مقابله با آنها بر خواهند آمد ،سودی نخواهد داشت و در نتیجه دشمن جشن وسرور بر پا خواهد داشت. وضعیت وشرایط واقعی را کمی قبل از زمان وموعد مربوطه می توان پیش بینی ومورد

ارزیابی قرارداد وآنگاه من بطور خصوصی جنابعالی را از اهداف ومقاصد مان در آنجا مطلع خواهم ساخت، البته نباید چنین برداشتی بعمل آید که من می خواهم با اخذ اینگونه تصمیمات در آزادی خودمان ایجاد محدودیت نمایم.

۱۱مارس سال ۱۹٤۳



نامه خصوصی وکاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیربه مارشال استالین

پیرو نامه قبلی خود به اطلاع جنابعالی می رسانم:

۱-نام مستعار عملیاتی که دربند ۲ بدان اشاره شده است، «کوه آتش فشان» می باشد.

۲-عملیاتی که در بند ۳ با نام مستعار به آن اشاره گردیده است، علیه سیسیل تدارک می یابد.

۳-نام مستعار عملیاتی که در بند ۸ به آن اشاره رفته است، «آناکیم» می باشد.

۱۱مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۲۵

نامه خصوصی

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

من هم اکنون فیلم بسیار جالب مربوط به پیروزیهای ارتش سرخ در حوالی استالینگراد و به اسارت در آوردن پاولیوس را دیدم واز آن بسیار لذت بردم. فیلم برداران جبهه، مأمور در ارتش هشتم ماوقایع ورویدادهای پیروزمندانه ارتش هشتم رادر صحرا به تصویر کشیده اند. من دستور داده ام که قسمتهایی از صحنه های این فیلم را به زبان روسی ترجمه کرده تایک کپی از آن را به این امید که جنابعالی فرصت دیدن آن را پیدا خواهید کرد، برای شما ارسال نمایم.

من اطمینان دارم که افسران وجنگجویان ارتش هشتم افتخار خواهند کرد که بدانند فیلم مربوط به مبارزات دلاورانه وپیروزمندانه آنان به معرض دید ونمایش متفقین آنان ، یعنی نیروهای مسلح وملتهای اتحاد شوروی گذاشته خواهد شد.

۱۱مارس سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۲٦

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- در رابطه با آخرین نامه خود باید به اطلاع جنابعالی برسانم که من بسیار مایل می باشم که جنابعالی بندهای ۸ ، ۹و ۱۰ این نامه را که درباره مسائل مربوط به عملیات جنگی می باشد،بعنوان مارشال وفرمانده کل قوا بصورت نامه ای جداگانه تلقی و مورد مطالعه قرار بدهید. اجازه بفرمایید این بندها بین ما بصورت محرمانه باقی بماند.

۲- ما درشب گذشته با ٤۰۰ فروند هواپیما یک بار دیگر «اسن» را مورد حمله های هوایی خود قرار داده وطی این عملیات ۲۳ فروند از هواپیماهای خود را از دست دادیم. البته ، طبق گزارشات رسیده به نتایج خوبی هم دست یافته ایم.این حملات تقریباً پس از تهاجمات هوایی به اشتوتگارت، مونیخ، نورنبرگ و اسن انجام گریده است. تردیدی نیست که این حملات مکرر و پرقدرت بر حالات روحی و روانی آلمانیها اثر گذاشته وانتظار می رود که این امر هیتلررا در حد توانایی خود نسبت به صدور دستوراتی حتی الامکان شدید وخشن علیه ما بعنوان عمل تلافی جویانه مجبور سازد. او نیروی قابل ملاحظه ای از هواپیماهای بمب افکن خود را در غرب متمرکز ساخته که چنانچه ما اقدام به پیا ده کردن نیرویی در مناطق ساحلی بنماییم، از آنها علیه ما استفاده نماید. یکی از اهداف ما اینست که اولاً هیتلررا به استفاده از این نیروها

علیه بریتانیای کبیر ، جائی که برای او پذیرایی گرمی تدارک دیده‌ایم، مجبور سازیم، ثانیاً راه را برای عملیات آینده خود هموار نماییم.

۳- در ارتباط با تصرف«ویازما»صمیمانه به جنابعالی تبریک گفته وپیروزی نهایی شما را در حوالی خارکف ازصمیم قلب آرزو می نمایم.

۱۳مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۲۷

تاریخ ارسال نامه ۱۵ مارس سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

۱۲ مارس آقای « استاندلی »سفیرآمریکا پیام دولت ایالات متحده آمریکا را به شرح زیر به آقای مولوتوف تسلیم داشته است.

دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می نماید که این دولت به منظور ایجاد امکاناتی برای انعقاد صلحی جداگانه میان اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی وفنلاند ، بعنوان میانجی عمل نماید. در پاسخ به پرسش آقای مولوتوف در این زمینه که آیا برای دولت امریکا معلوم ومبرهن است که فنلاندخواهان صلح می باشد واینکه مواضع واقعی فنلاند نسبت به این امر چگونه می باشد، آقای استاندلی اظهار می دارد که وی دراین مورد نمی تواند هیچ سخنی را بیان نماید.

همانطورکه جنابعالی استحضار دارید، در قرارداد بین انگلیس وشوروی مورخه ۲٦ مه سال ۱۹٤۲ پیش بینی شده است که هیچیکدام از کشورهای مانبایستی نه با آلمان ونه با هیچیک از متحدان او پیرامون انعقاد صلحی جداگانه مذاکره بعمل آورد، مگر آنکه این اقدام با توافق متقابل دو کشور شوروی وانگلیس صورت پذیرد. واین اصل را من بعنوان اصلی تغییر ناپذیر مورد توجه قرار می دهم.

بر همین اساس، اولاًمن وظیفه خود می دانم که جنابعالی را از پیشنهاد آمریکا مطلع ساخته ، ثانیاً نظر جنابعالی را نسبت به این امر جویا شوم.

من زمینه ای دال بر اینکه فنلاند ، در واقع، خواهان صلح بوده وتصمیم به قطع رابطه با آلمان را گرفته باشد وآمادگی ارائه پیشنهاد قابل قبولی از شرایط صلح را داشته باشد ، در دست ندارم. فنلاند هنوز از چنگال هیتلر رهایی نیافته است، حتی اگر خود طالب این رهایی بوده باشد. سردمداران کنونی فنلاند که در ابتدا قرارداد صلح با اتحاد شوروی را به امضاء رسانیده وسپس آن را زیر پا نهاده وبعد در اتحاد با آلمان به شوروی حمله آورده، مشکل بتوانند با آلمان قطع رابطه نمایند.

به هر حال، با در نظر گرفتن پیشنهاد دولت ایالات متحده آمریکا ، من وظیفه خود دانسته که جنابعالی را از کم وکیف این امر با اطلاع سازم.

سند شماره ۱۲۸

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه های٦ و ۱۳ مارس جنابعالی را درباره اطلاعات مربوط به بمبارانهای موفقیت آمیز اسن، اشتوتگارت، مونیخ ونورنبرگ دریافت داشتم. به نیروی هوایی بریتانیا که حمله های بمبارانی خود را به مراکز صنعتی آلمان شدید وگسترده تر می سازد، صمیمانه دورد وتهنیت می گویم.

پیشنهاد شما پیرامون مطالعه بندهای ۸ ، ۹و ۱۰ نامه ۱۱مارس جنابعالی بعنوان اطلاعات ویژه جنگی ، مورد پذیرش واجرا خواهد بود.

بخاطر ارسال تبریک به مناسبت تصرف«ویازما» از جنابعالی تشکر می کنم. متأسفانه امروز ما ناگزیر به تخلیه خارکف شدیم.

به محض دریافت فیلم مربوط به ارتش هشتم که جنابعالی درباره آن در نامه اختصاصی ۱۱ مارس خود اطلاع فرموده اید،بی درنگ به دیدن آن خواهیم نشست و امکانات وسیعی را برای ارتش ومردم شوروی به منظور دیدن این فیلم فراهم خواهیم آورد. من می دانم که این امر چقدر برای وحدت وهمبستگی رزمی ما ارزشمند خواهد بود. اجازه بدهید برای شخص جنابعالی فیلم شوروی «استالینگراد» را ارسال بدارم.

۱۵ مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۲۹

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

پاسخ جنابعالی را در مورد نامه ١٦ فوریه خود دریافت داشتم.

از مفاد نامه شما چنین استنباط می شود که در اجرای عملیات مشترک انگلیس و آمریکا درشمال آفریقا نه تنها تسریعی بعمل نیامده، بلکه اجرای آن نیز تا اواخر ماه آوریل به تعویق افتاده است. وحتی این زمان هم بطور دقیق مشخص نگردیده است. بدین ترتیب در بحرانی ترین دوران جنگ علیه قوای هیتلری، یعنی در ماههای فوریه و مارس، حملات انگلیس و آمریکا در شمال آفریقا نه تنها سرعت وشتابی به خود نگرفته است ، که اصولاً ازحرکت باز ایستاده است. بعلاوه ، زمانی را که شما خود برای انجام حمله تعیین کرده‌اید، به بعد موکول ساخته اید. در عین حال، آلمان به نقل وانتقال ٣٦ لشگر از غرب علیه قوای شوروی توفیق یافته که ٦ لشگر آن را لشگر زرهی تشکیل می دهد. به آسانی می‌توان دریافت که این امر چه مشکلاتی را برای ارتش شوروی وچه تسهیلاتی رابرای موقعیت آلمانها در جبهه شوروی- آلمان بوجود آورده است.

با تمام اهمیتی که عملیات «اسکیموس» (۳۹)دارا می باشد، البته نمی توان آن را جایگزین جبهه دوم در فرانسه نمود ، اما بدیهی است که من هر گونه اقدامی را که شما در جهت تسریع این عملیات معمول بدارید، تحسین خواهم کرد.

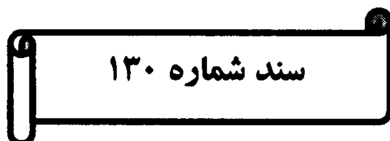
مانند گذشته ، من معتقدم که مهمترین مسئله ، تسریع درافتتاح جبهه دوم در فرانسه می باشد. همانطور که جنابعالی بخاطر دارید، افتتاح جبهه دوم درسال ۱۹٤۲ به تعویق افتاد ومقرر شد که این تأخیر تحت هیچ شرایطی به دیرتر از بهار سال جاری موکول نگردد و برای این منظور دلایل مستند ومستدل به حد کفایت موجود بوده است. بنابراین روشن است که چرا من در نامه پیشین خود ضرورت حمله از غرب را حداکثر برای بهار یا اوایل تابستان امسال خاطر نشان ساخته ام.

از آنجا که نیروهای شوروی تمام زمستان را در شدیدترین نبردها گذرانیده و هم اکنون نیز به ادامه آن مشغول می باشند وهیتلر تدابیر واقدامات مهم تازه ای را برای بازسازی وتقویت ارتش خود به منظور اجرای عملیات بهاری وتابستانی علیه اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی بعمل می آورد، بنابراین برای ما حائز اهمیت است که تهاجم از غرب بیش از این به تعویق سپرده نشود واین حمله در بهار ویا اوایل تابستان بعمل آورده شود.

من بادلایل شما که در بندهای ۸ ، ۹و ۱۰ نامه پیشین شما درج گردیده و توصیف کنند ه مشکلات مربوط به اجرای عملیات انگلیس وآمریکا در اروپا می باشد، آشنا شده‌ام. من این مشکلات را درک می کنم. اما در عین حال ، از نقطه نظر منافع امور مشترکمان، در نهایت تأکید وپافشاری لازم می دانم که خطر جدی و پراهمیتی را که در نتیجه تأخیردر امر گشایش جبهه دوم در فرانسه پدید خواهد آمد، خاطر نشان سازم. بنابراین، ابهام موجود در بیانات جنابعالی پیرامون حمله انگلیس و آمریکا در آن سمت کانال(۳٦) ، نگرانی

وتشویشی در من بوجود آورده است که نمی توانم از اظهار آن خودداری نمایم.

۱۵ مارس سال ۱۹۴۳



نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- بخاطرارسال تلگرام مورخ ۱۵مارس شما دایر بر دریافت پیشنهاد آمریکاییها در زمینه مسئله مربوط به فنلاند از جنابعالی تشکر می کنم.

۲- جنابعالی خود بهتر می توانید قضاوت بفرمایید که خروج فنلاند از جنگ در مبارزه علیه آلمانها چه اهمیت نظامی مهمی را در جبهه شما دارا خواهد بود. من گمان می کنم که در نتیجه این امر تعداد لشگرهای شوروی به مراتب بیشتر از تعداد لشگرهای آلمانی به منظور استفاده در مکانی دیگر آزاد خواهند شد. بعلاوه، کناره گیری فنلاند از دولتهای محور ، اثر قابل ملاحظه‌ای بر سایر دست نشاندگان هیتلر خواهد گذاشت.

۳- بنظر می رسد که اخراج اکثر وزرای فنلاندی طرفدار علنی آلمان از دولت جدید تغییراتی را در افکار عمومی فراهم آورده باشد که مبین تمایلات عدم وابستگی این کشور ورهایی او از نفوذ وکنترل آلمان می باشد. بدین ترتیب، احتمال دارد که این امر مرحله مقدماتی سمت وجهت گیری تازه درسیاست فنلاندیها باشد که گذشت زمان موضوع را روشن خواهدساخت.

هر چند اطلاعات ویژه ای که من در اختیار دارم کامل نمی باشد، اما بهر حال گویای آنست که فنلاندیها احتمالاً هنوز آن پختگی و آمادگی لازم را برای مذاکرات بدست نیاورده اند. اما ، با وجود این من معتقدم که حوادث ورویدادهای جبهه شما درچند ماه آینده نزدیک این مسئله را برای آنان حل خواهد کرد. من خیال می کنم که فنلاندیها به تأمین غله ای که آلمانیها وعده ارسال آن را در مدت زمان بین زمان حال وماه مه به آنها داده اند ، نیازمند و وابسته اند . پس از دریافت وتأمین غله مورد نیاز، احتمالاً فنلاند تا پایان سال جاری قادر خواهد بود که بدون دریافت آذوقه وخواربار ازآلمان ، امور خود را اداره نماید.

٤- بطور کلی من فکر می کنم که فنلاندیها به محض کسب اطمینان از شکست آلمان ، تمایل شدید خود را نسبت به خروج از جنگ نشان خواهند داد. اگر اینطور باشد، بنظر من بجا وبه موقع خواهد بود که جنابعالی نظر دولت ایالات متحده آمریکا را ، بدون افشای تمایل خود نسبت به این مسئله ، سئوال بفرمائید که آیا آن دولت در این زمینه مطلع می باشد ویا می تواند روشن سازد که فنلاندیها آماده پذیرش چه شرایطی می باشند. اما، جنابعالی خود بهتر از هر شخص دیگری قادر خواهید بود که نسبت به تاکتیک صحیح داوری بفرمایید.

۲۰ مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۳۱

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- نبرد اصلی ما در تونس هم اکنون در اوج شدت خود می باشد. حمله آمریکاییها از غرب در تاریخ ۱۷ مارس آغاز گردیده است. در شب بیستم مارس ارتش هشتم استحکامات « ماریت » را مورد حمله خود قرار داده ودرحال حاضر از طریق این استحکامات، در مسیر شمال غربی، حملات خود را گسترش می دهد . در عین حال ، سپاه ارتش زلاند نو با نیروهای قدرتمند زرهی خود مسافت بیش از ۱۵۰ مایل از مواضع پشت جبهه دشمن را به فاصله تقریبی ۳۰ مایل به سمت غرب از «گابس» احاطه نموده است. این سپاه به پیشروی خود به سمت برزخ که در مجاورت گابس قرار دارد و هدف مورد نظر می باشد ، ادامه می دهد . ما در حلقه محاصره خود حدود ۷۰ هزار نفر آلمانی و ۵۰ هزار ایتالیایی را در اختیار داریم، اما هنوز خیلی زود است که درباره حوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، پیش داوری نماییم. جنابعالی خود می توانید از روی نقشه امکانات موجود را مورد قضاوت قرار بدهید. من شما را در جریان کلیه وقایع قرار خواهم داد.

۲- وجود مه ۱۰ روزه در فرودگاههای انگلستان حملات هوایی ما را دچار وقفه ساخته است. به محض مساعدشدن هوا، دوباره حملات هوایی خود را با نیرو و قدرتی بیشتر ازسر خواهیم گرفت. من چند قطعه عکس را که نشان دهنده نتایج انهدام وویرانی ها ، از جمله خرابیهای در «اسن» می باشد، برای

جنابعالی ارسال خواهم داشت.من خیال می کنم که این عکسها به همان اندازه که برای من جالب می باشند، برای جنابعالی هم جذاب خواهند بود.

۲۳مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۳۲

تاریخ ارسال نامه ۲۷ مارس سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

خبری را که جنابعالی درباره رویدادهای نبرد اصلی در تونس ارسال داشته اید، دریافت نمودم . برای نیروهای انگلیسی وآمریکایی آرزوی پیروزی هر چه سریع تر و کامل می نمایم. امیدوارم که اکنون بتوانید نسبت به در هم شکستن وسرکوبی دشمن توفیق بدست آورده واورا برای همیشه از تونس بیرون برانید. همچنین امیدوارهستم که حمله‌های هوایی به آلمان دائماً بیشتر وشدیدتر گردد. به خاطر ارسال عکسهای مربوط به انهدام اسن از جنابعالی تشکر می کنم.

سند شماره ۱۳۳

به مارشال استالین

ریاست شورای کمیسرهای ملی وکمیسر ملی دفاع

مارشال گرامی! آقای استالین

سر لشگر«گ.ك.مارتل» دارنده نشان درجه ۳ «بان»، نشان خدمات رزمی ونشان صلیب خدمات نظامی را من بعنوان رئیس هیئت نمایندگی نظامی بریتانیا در اتحاد شوروی تعیین می نمایم.

ژنرال مارتل ، ژنرال عالیرتبه ای است که در ارتش بریتانیا پست های حساسی از جمله فرماندهی لشگر مستقر در فرانسه را تا قبل از «دانکرك» عهده دار بوده است واخیراً نیز فرماندهی نیروهای زرهی سلطنتی را بر عهده داشته است. من از آن جهت وی را اختصاصاً برای این منظور انتخاب کرده ام که معتقدم ژنرال دارای آنچنان خصایص نظامی وخصوصیات فردی است که مورد توجه جنابعالی وفرماندهان نظامی شوروی قرار خواهد گرفت وموفقیت کار هیئت را تضمین خواهد کرد.

من با اعزام این افسر برجسته به اتحاد شوروی ، همراه با معرفی نامه معتبر، اهمیت شایان توجهی را که نسبت به انجام همکاریهای نزدیك بین کشورهایمان قائل می باشم، خاطر نشان ساخته واز این خاطر که یکی از بهترین افسران خود را در اختیارشما قرار می‌دهم از جنابعالی تقاضا می کنم که نسبت به وی نهایت اعتما د واطمینان کامل را مبذول بفرمایید . او درسال ۱۹۳۶ به هنگام انجام مانورهای ارتش سرخ، امکان دیدار با این ارتش را بدست آورده است و اکنون نیز امیدوار می باشد که در شرایط سخت ودشوار جنگ، دیداری دوباره با ارتش سرخ بعمل آورد. من امیدوار هستم که جنابعالی درزمینه ایجاد امکاناتی همه جانبه برای نیل به این هدف دستوراتی مقتضی صادر بفرمایید.

ارادتمندشما- وینستون چرچیل ۲۷ مارس سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۳٤

نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- شب گذشته ۳۹۵ فروند هواپیمای سنگین بمب افکن ، ظرف ۵۰ دقیقه، ۱۰۵۰ تن بمب به برلن فرو ریختند . آسمان برلن صاف وحملات با موفقیت کامل انجام گردید. این بهترین بارش بمبی بوده است که برلن تا بحال دریافت کرده است. تلفات ما فقط ۹ فروند هواپیما بوده است.

۲- پس از وقفه ای ، نبرد در تونس دوباره جریان مطلوب خود رابازیافته است ومن هم اکنون خبری رادریافت داشته ام که به موجب آن گزارش می دهند که نیروهای زرهی ما پس از انجام یک حرکت گازانبری ، در دو مایلی «ال-گام» استقرار یافته اند.

۳- دیشب فیلم « استالینگراد » را دیدم. این فیلم بقدری با عظمت است که اثر بسیار پرهیجانی را بر ملت ما خواهد گذاشت.

۲۸ مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۳۵

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۸ مارس شما را دریافت داشتم.

نیروهای هوایی بریتانیارا که با حملات بسیار کوبنده وموفقیت آمیز اخیر خود برلن را مورد هدف قرار داده اند ، تحسین می نمایم.

امیدوارم که نیروهای زرهی بریتانیا از موقعیت مطلوب بدست آمده در تونس ، نهایت استفاده را بعمل آورده وفرصت نفس کشیدن را از دشمن سلب نمایند.

دیروز ما همراه با سایر همکاران ، فیلم ارسالی جنابعالی « پیروزی درصحرا» را که بسیار جالب ومهیج می باشد، مشاهده نمودیم. فیلم به طرز باشکوهی نبرد انگلستان در میدان جنگ را به تصویر کشیده است وآن افراد رذل و بی شرافتی را که اظهار می دارند انگلستان گویی جنگ نمی کند وفقط از دور ناظر بر جنگ می باشد، که البته امثال این قبیل اشخاص در کشور ما نیز یافت می شوند، زیرکانه به رسوایی کشیده است. من با اشتیاق فراوان در انتظار دریافت چنین فیلمهایی از پیروزی های شما در تونس می باشم.

فیلم «پیروزی درصحرا» بطور گسترده ای برای کلیه نظامیان ما در جبهه ها و برای بسیاری از اقشار مردم کشور مابه نمایش گذاشته خواهد شد.

۲۹ مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۳٦

نامه خصوصی وکاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال ژوزف استالین

۱-آلمانیها در«نارویک» یک خط دریایی قدرتمند متشکل از «تیرپیتز»،«شارن گورست»،«لوتسوف»،یک رزم ناو مجهز به توپ های ٦ اینچی وهشت فروند ناوشکن بوجود آورده اند. بنابراین برای کاروان هایی(۲) که به سوی روسیه در حرکت می باشند. همانطور که من در نامه ۱۹ژانویه سال گذشته خود درباره آن شرح مبسوط داده ام ، خطر مهم وجدی تری درکمین می باشد.

در آن زمان من به جنابعالی اطلاع دادم که ماریسک کردن در دریای بارنتس وبه خطر انداختن ناوهای دریایی کشور مستعمره دار را، جائی که احتمال خطر حمله از جانب سفینه های زیر دریایی دشمن وهواپیماهای آلمانی به کمین نشسته در ساحل وجود دارد، در شرایطی که ما در برابر این هواپیماها وسفینه های زیر دریایی دشمن دارای هیچگونه خط دفاعی کاملی نمی باشیم، صحیح ومنطقی نمی دانیم. من مشروحاً به استحضار جنابعالی رساندم که چنانچه ناوهای ما منهدم گردند ویا حتی یک ویا دو فروند از کشتی‌های کاملاً مدرن ومجهز ماسخت آسیب ببینند، در شرایطی که «تیرپیتز» وسایر کشتی های مجهز آلمانی سالم باقی بمانند، در آن صورت حاکمیت ما در اقیانوس

آتلانتیک شدیداً به مخاطره خواهد افتادوپیامد اسفبار آن آشکارا درمنافع مشترکمان اثر خواهد داشت.

۲-بنابراین، پرزیدنت روزولت ومن باوجود میل باطنی خود به این نتیجه رسیده‌ایم که چون برای اعزام کاروان بعدی به روسیه تأمین امور دفاعی مربوطه غیر ممکن بنظر می‌آید وبدون پیش بینی دفاع ضروری کوچکترین شانسی برای سالم رسیدن این کاروان‌ها به کشور شما وجود نخواهد داشت، با توجه به اینکه آلمانیها تدارکات مشخص وحساب شده ای را برای انهدام این کاروانها فراهم آورده اند ، لذا دستور داده شد که اعزام کاروان کشتی های (ماه مارس) به تعویق سپرده شود.

۳-پرزیدنت روزولت ومن از آن جهت که ضرورتاً ناگزیر به معوق گذاشتن اعزام کاروان ماه مارس شده ایم، بسیار افسرده خاطر می باشیم. اما، اگر تمرکز نیروهای آلمانی در بین نبود، تصمیم ما یقیناً بر آن بود که علاوه بر اعزام کاروان کشتی های مربوطه درماه مارس، یک کاروان شامل ۳۰ فروند کشتی نیز در اوایل ماه مه برای شما اعزام نمائیم. ضمناً لازم می‌دانیم هم اکنون به اطلاع شما برسانیم که پس از شروع ماه مه،ادامه اعزام کاروان ها از طریق راه شمال امکان پذیر نخواهد بود، زیرا از آن لحظه به بعد هر گروه از کشتی های اسکورت مربوطه برای پشتیبانی از عملیات تهاجمی ما در دریای مدیترانه مورد نیاز مبرم خواهد بود ، چرا که ما برای تأمین امور دفاعی وحفاظت از راههای حیاتی خود در اقیانوس آتلانتیک از امکانات کمتری برخوردار می باشیم.ظرف سه هفته اخیر ، در اقیانوس آتلانتیک ما متحمل تلفات سنگین وتقریباً بی سابقه ای شده ایم. به فرض آنکه عملیات « اسکیموس»(۳۹)

موفقیت آمیز باشد، ما امید وار هستیم که در آغاز ماه سپتامبر بتوانیم ، چنانچه موضع گیری کشتی های عظیم آلمانی وهمچنین شرایط آتلانتیک شمالی امکان تأمین اسکورت های لازم ونیروهای حفاظتی را به ما بدهند ، اعزام کاروان های کشتی را از نو آغاز نماییم.

٤- ما همه اقدامات لازمه را برای افزایش تجهیزات وارسال تدارکات از طریق راه جنوب به عمل می آوریم. درطول شش ماهه اخیر، حجم ارسال ماهیانه محموله ها از دو برابر هم تجاوز کرده است.

ما اساساً امیدوار هستیم که افزایش محموله ها باید سیر صعودی داشته باشد وبرای ماه اوت این ارقام باید به ۲٤۰ هزار تن برسد. اگر این امر تحقق یابد در آن صورت میزان محموله های ماهیانه در طول ۱۲ ماه به هشت برابر افزایش خواهد یافت. بعلاوه، ایالات متحده ارسال محموله ها را بطور کلی از طریق ولادی و استوک افزایش خواهد داد. این امر احساس شما واحساس ما را نسبت به تأسف حاصله از وقفه در اعزام کاروان های شمال ، تاحدودی تسکین خواهد داد.

۳۰ مارس سال۱۹٤۳

سند شماره ۱۳۷

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال ژوزف استالین

شب گذشته ما دوباره ۳۷۰ فروند هواپیما را به پرواز در آورده و ۷۰۰ تن بمب به برلن فرو ریختیم. گزارشات اولیه سخن از نتایج بسیار خوبی دارد.

۳۰ مارس سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۳۸

تاریخ ارسال نامه ۲ آوریل سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۳۰ مارس شما را با این خبر که شرایط، جنابعالی وپرزیدنت روزولت را ناگزیز ساخته که اعزام کاروان ها(۲) را به سوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به تعویق اندازید، دریافت نمودم.

من می دانم که قطع غیر منتظره ارسال مواداولیه جنگی وتسلیحات ومهمات ، از جانب بریتانیای کبیر وایالات متحده امریکا برای اتحاد شوروی، به منزله فاجعه می باشد، زیرا راه از طریق اقیانوس کبیر از نظر حجم وظرفیت محدود واز لحاظ امنیت نامطمئن وراه از طریق جنوب فاقد شرایط عبوری

مناسب می باشد، در نتیجه هیچیک از این راهها نمی تواندقطع ارسال محموله ها را از طریق راه شمال جبران نماید. بدیهی است که این اوضاع نمی تواند بر موقعیت نیروهای شوروی انعکاسی نداشته باشد.

سند شماره ۱۳۹

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال ژوزف استالین

۱–من همه آنچه را که جنابعالی درباره کاروان ها(۲) در تلگرام خود بیان فرموده اید، می پذیرم. من به شما اطمینان می دهم که تمام توان وقدرت خود را تا آنجا که مقدور باشد در جهت بهبود وضعیت بکار خواهم برد. من فشار بسیار سنگینی را که ارتش های روسیه متحمل بوده وهمینطور بهترین ودیعه ای را که آنها در امر مشترکمان نهاده اند، کاملاً درک می کنم.

۲– روز شنبه ۳٤۸ فروند هواپیمای سنگین بمب افکن را به سمت اسن، به منظور افزایش خسارات وارده به کارخانجات «کروپ» وحملات جدید بی امان به این کارخانجات ونیز ویران سازی بخش جنوب غربی شهر که در حمله های پیشین ما دچار آسیب چندانی نشده بودند، به پرواز در آوردیم، در این عملیات ۹۰۰ تن بمب بر هدف های تعیین شده فروریخته شد.

شب گذشته ۵۰۷ فروند هواپیما که به جز ۱٦٦ فروند ، بقیه آنها همه از هواپیما های سنگین بمب افکن بوده اند، با ۱٤۰۰ تن بمب کیل را زیر بمبارانهای خود قرار دادند. این یکی از عظیم ترین وشدید ترین حملاتی بوده

است که ما تابحال انجام داده ایم. هوا بیشتر از آنچه که ما فکر می کردیم ابری بود، اما ما امید وار هستیم که حملا ت ما با موفقیت توام بوده باشد. تهاجمات روزانه آمریکاییها بوسیله سفینه های پرنده بیش از حد انتظار ثمربخش بوده است. دیروز آنها به کارخانجات رنو در نزدیکی پاریس که به تازگی فعالیت خود را از سر گرفته اند، حمله بردند. این سفینه ها علاوه بر بمبارانهایی که در روز روشن از ارتفاع بالا وبا دقتی فوق العاده به عمل می آورند، هواپیماهای شکاری دشمن را نیز به نبرد می طلبند، بطوریکه بسیاری از هواپیماهای دشمن توسط سلاح های این سفاین پرنده منهدم شده اند، در این سه عملیات چهار فروند هواپیمای سنگین بمب افکن آمریکایی وحدودسی وسه فروند هواپیمای بمب افکن بریتانیایی از دست رفته است. من حالا باید خاطر نشان سازم که ما، هر ماهه برشدت بمبارانهای خود علیه آلمان خواهیم افزود ودر حال حاضر نیز درشرایطی می باشیم که می توانیم با دقتی به مراتب بیشتر ازگذشته مواضع دشمن را مورد هدف قرار بدهیم.

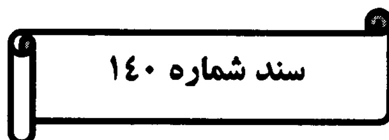
۳- در این هفته نبرد بزرگی در تونس آغاز خواهد شد. ارتش های هشتم ویکم بریتانیا وهمچنین نیروهای مسلح آمریکایی وفرانسوی کلاً طبق نقشه وارد نبرد خواهند شد. دشمن برای عقب نشینی به سمت آخرین استحکاماتی که درسر پل ها ایجاد کرده است، آماده می شود. دشمن دست به خرابی وویران سازی زده و آتشبارهای ساحلی خودرا از اسفاک خارج می سازد. به علت فشارهایی که به دشمن وارد آمده ، او احتمالاً باسرعت به سمت استحکاماتی که در خط از «انفیداویل» در خلیج « خامامت» که در حال احداث می‌باشد، عقب نشینی خواهد کرد. این موضع جدید به جبهه اصلی مشرف به

غرب که در حال حاضر دشمن آنرا در تونس حفظ کرده است وجناح شمال که در دریای مدیترانه ، حدوداً درفاصله ۳۰ مایلی از «بیزرت» واقع شده ،متصل خواهد شد. ماحملاتی نیز به این جناح شمالی وارد خواهیم آورد. من از چگونگی پیشروی ها واینکه آیا ما به جداسازی بخش قابل ملاحظه ای از به اصطلاح«ارتش رومل» پیش از آنکه این ارتش بتواند به آخرین استحکامات خود در سر پل ها دسترسی یابد، موفق خواهیم شد یا خیر جنابعالی را مطلع خواهم ساخت.

٤- هیتلر با لجاجت مخصوص به خود در حال اعزام لشگر هرمان – هرینگ ولشگر۹۹ آلمان با دست کم یکصد فروند هواپیمای غول پیکر وتشکیلات هوا برد به تونس می باشد. ستون های مقدم این دو لشگر در حال حاضر وارد تونس شده اند. بنابراین ما باید در انتظار دفاع مقاوم نیروهایی باشیم که در بلندی های تونس استقرار خواهند یافت وتعدادشان به استثناء تلفات بین راهی نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر خواهد بود. نیروهای ما چه از نظر تعداد نفرات وچه از نظر تجهیزات دارای برتری قابل توجهی می باشند. ما در حال انهدام بخش اعظمی از کشتی های حامل مواد سوخت ، مهمات وتسلیحات ، وسایط نقلیه وغیره می باشیم . پس از فتح فرودگاههای جنوبی ما در وضعیتی قرارخواهیم داشت که قادر به شروع عملیات هوایی پیوسته وکوبنده به بنادر مربوطه خواهیم بود، وما تمام اقدامات لازمه جهت احتراز از تکرار عملیات «دانکرک» را بعمل خواهیم آورد. این اقدام به خصوص برای عملیات« اسکیموس»(۳۹) بسیار پراهمیت می باشد. حدود یکماه پس از تسلط یافتن به بیزرت وتونس ما امید خواهیم داشت که امکان حمل ونقل از طریق دریای

مدیترانه را بدست آورده وبدین ترتیب بتوانیم راه منتهی به مصر وخلیج فارس را کوتاه نماییم.

ششم آوریل سال ۱۹٤۳



نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

فرماندهی عالی مستقر درشمال آفریقا هم اکنون طی گزارشی به من اطلاع داد که ارتش ژنرال مونتگمری پس از اشغال غافلگیرانه وسرکوب دشمن ، خط اکاریت را درهم شکسته واکنون کلیه مواضع مهم این خط را در دست گرفته است. در حال حاضر ژنرال مونتگمری نیروهای زرهی خود را از طریق محلهای تخریب شده به مناطق باز تری که در پشت صحنه قرار دارد ، انتقال می دهد. پس از شش ساعت نبرد ، شمار اسرا به دوهزار نفر رسیده که تعداد آنها هر لحظه در حال افزایش است. جنگ شدیداً ادامه دارد وحملات ما در مسیر«کای رو آن » که در نامه پیشین خود به آن اشاره داشته ام، به طرز رضایت بخشی در حال گسترش است.

من می دانم که جنابعالی خبرهای خوش را بسیار دوست دارید. تعقیب ادامه دارد.

ششم آوریل سال۱۹٤۳

سند شماره ۱٤۱

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

دشمن در مسیر شمال در حال فرار می باشد، در حالیکه نیروهای زرهی مونتگمری اورا پابه پا تعقیب می نماید.تااین لحظه،فعلاًشش هزارنفر اسیر گرفته ایم.

۷ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱٤۲

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

هر دو نامه مورخ ٦ آوریل وهمچنین نامه امروز جنابعالی درباره پیشروی مهم نیروهای شما در تونس را دریافت داشتم. این پیروزی مهم را من به شما تبریک می گویم. امیدوار هستم که این بار نیروهای انگلیسی وآمریکایی رومل وسایر باندهای هیتلری در تونس را بطور قطعی شکست داده و آنها را نابود سازند. این امر برای مبارزات مشترکمان حائز اهمیت خواهد بود.

به خاطر افزایش بمباران های اسن، برلن، کیل وسایر مراکز صنعتی آلمان به شما تبریک می گویم. هریک از ضربات نیروهای هوائی شما به مراکز حساس

وحیاتی آلمان ، با واکنشی از عمیق ترین احساسات قلبی میلیونها نفر از مردم کشور ما روبرو خواهدشد.

۷آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱٤۳

نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- در دو کاروان(۲)«جی. دبلیو ٥٤»و«جی. دبلیو ٥٥» ، ۳۷٥ فروند هواپیمای مدل هاری کین(٤۰) وهمچنین ۲۸٥ فروند هواپیمای ائرو کبرا(۳۱) وکیتی گا اوک (٤۰) برای شما بارگیری شده است. دو مدل اخیر مربوط به بخشی از سهم آمریکاییها می باشد. برای تهیه وتنظیم برنامه حمل این هواپیماها ما شب وروز تلاش می کنیم تا بتوانیم حتی الامکان هر چه سریعتر آنها را از طریق راههای دیگر برای شما ارسال نماییم.

۲- هواپیماهای «آئرو کبرا»و«کیتی گااوک» احتمالاً ازطریق جبل الطارق وشمال آفریقا به سمت آبادان ارسال خواهند شد. اما ، از این جهت که هواپیماهای «هاری کین» برای پرواز به جبل الطارق ازشعاع عملیاتی کافی برخوردار نمی باشند، بنابراین ما آنها را احتمالاً از راه دریا به تاکورادی یا به کازابلانکا ارسال داشته تا در آنجا پس از مونتاژ، با نیروی محرکه خود به تهران انتقال یابند. حالت دیگر آنکه ، چنانچه ما بتوانیم بزودی تونس را به تصرف خود در آوریم، امکان دارد در شرایطی قرارداشته باشیم که بتوانیم

تعدادی از هواپیماهای «هاری کین» را از طریق دریای مدیترانه ارسال داشته و آنها را در مصر ویا در بصره مونتاژ نماییم. هریک از این دوحالت مشکلات مربوطه ومخصوص به خود را دارا خواهد بود. نقل و انتقال قطعات یدکی فراوان این هواپیماها نیز مسئله مهمی را بوجود خواهد آورد. بهرحال، ما این موانع ومشکلات را بر طرف خواهیم ساخت.

۳- به نظرم رسید که چه بسا شما خواسته باشید که در جبهه روسیه، در عملیات خودعلیه نیروهای زرهی آلمان از چند فروند هواپیمای هاری کین که مجهز به توپ های ٤٠ میلیمتری میباشند ، استفاده نمایید. در جریان نبردهای اخیر در تونس عملکرد این هواپیماها علیه تانکهای رومل موفقیت آمیز بوده است.

یک اسکادریل شامل ١٦ فروند هواپیما ظرف مدت چهار روز١٩ دستگاه تانک دشمن را به انهدام کشید. هواپیمایی که به نام «هاری کین دی-۲» شهرت یافته است، به دو قبضه توپ ٤٠ میلیمتری هر یک با ١٦ گلوله ودو قبضه مسلسل کالیبر۳۰۳/ ۰ اینچی هر یک با ۳۰۳ فشنگ مجهز می باشد.

این نوع هواپیماهابا هواپیماهای مدل «هاری کین سی-۲» به استثناء این دو مورد که وزن هریک از این هواپیماها به مقدار ٤٣٠ پوند بیشتر وسرعت آنها در ساعت تقریباً به میزان ۲۰ مایل کمتر می باشد، تفاوت دیگری ندارند.

من می توانم از این مدل هواپیماها حداکثر تعداد ٦٠ فروند برای شما ارسال نمایم. به من اطلاع دهید که آیا نسبت به دریافت آنها اظهار تمایل نشان خواهید داد. احتمالاً، آنها را بایستی از طریق «تاکورادی» ارسال نمود. آنها را

می توان همراه با هواپیماهای «هاری کین»، «آئروکبرا» و«کیتی گااوک» که در کاروان های جی. دبلیو ٥٤ و جی. دبلیو ٥٥ بارگیری شده اند نیز ارسال داشت.

٤- با تصویب پرزیدنت روزولت، آقای هاریمن در تهیه این برنامه ها با ما همکاری می نماید. من امیدوار هستم که در هفته آینده پیشنهادهای مشخص خودمان را به اطلاع جنابعالی برسانم. من تصمیم قاطع دارم تا جائی که توان انسانی اجازه می دهد، ترتیبی فراهم آورم که شمابتوانید هواپیماها را هر چه زودتر دریافت نمایید.

۱۰ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٤٤

نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- تمام قشون نازی های فاشیست در حال عقب نشینی به سمت خط انفیداویل که درباره آن جنابعالی را مطلع ساخته ام، می باشند. نیروهای زرهی ما برای خود ازسمت غرب به سوی « کای روآن » راه باز کرده اند . ارتش هشتم ما در مسیر شمال در حال پیشروی است وما با ارتش یکم خود آماده حمله ای شدید می باشیم. چنانچه دشمن ،سعی در فرار از طریق دریا را داشته باشد، تلفات بسیار سنگینی را متحمل خواهد شد. من امیدوار هستم که به زودی خبرهای خوشی را درباره آفریقا برای جنابعالی ارسال نمایم. با احتساب تعداد نفرات مجروح، ما بیش از ۲۰۰ هزار نفر ازسپاهیان دشمن را به دام

انداخته‌ایم که تا این لحظه ۲۵ هزار نفر از آنان را به اسارت در آورده ایم، البته آمار کشته شدگان که از ۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ نفر تخمین زده می شود، محاسبه نشده است.

۲- حملات هوایی: مابه دوئیسبورگ ابتدا ۳۷۸ فروند هواپیما وشب بعدنیز مجدداً ۱۰۰ فروند هواپیما اعزام داشته ایم. شب گذشته ۵۰۲ فروند هواپیما به قصد فرانکفورت به پرواز در آمده اند .با وجودی که ابرهای تیره شدیداً مزاحمت ایجاد کرده ، ولی ماضربات سنگینی را به این دوشهر وارد آورده ایم. من امیدوار هستم که جنابعالی فیلم نسبتاً کوتاهی را که از خرابیها وویرانیها تهیه گردیده، به انضمام عکسهای مربوطه، دریافت کرده باشید. من برای جنابعالی پیوسته از این فیلم ها ارسال خواهم داشت، زیراکه این قبیل فیلم ها می تواند برای سربازان شما که با چشمان خود آنهمه آثار خرابی وویرانی را درشهرهای روسیه دیده اند،شادی آفرین باشد.

۳- من تلاش در اتخاذ تدابیری دارم که بتوانم به محض باز شدن دریای مدیترانه چند فروند کشتی تندرو را به سمت خلیج فارس به منظور حمل محموله های سهمیه سری اول شما اعزام نمایم. همراه با این محموله ها، مقادیری هم داروهای اختصاصی وتجهیزات پزشکی که توسط سازمان تحت سرپرستی همسر اینجانب خریداری شده(٤١) ، برای شما ارسال خواهدشد. شایان ذکر است، سرمایه این سازمان که به زودی به ۳ میلیون لیره انگلیس بالغ خواهدشد از اعانات وعطایای تهیدستان وثروتمندانی که بطور داوطلبانه اهداء نموده اند جمع آوری شده است. این اقدام به منزله نمونه ای از احساسات گرم

وصمیمانه ملت بریتانیا نسبت به ملت روسیه می باشد که به عمل می آید.

۱۱ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱٤٥

نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه های ۱۰ و۱۱ آوریل جنابعالی را دریافت داشتم.

پیشرفت سریع حمله نیروهای بریتانیائی وآمریکایی در تونس، موفقیتی مهم در جنگ علیه هیتلر وموسولینی محسوب می گردد. امیدوار هستم که به پیروزی بر دشمن نائل آمده، اسرای بیشتری را در بند کشیده وغنایم بسیاری را بدست آورید.

ما خوشحال از این هستیم که شما به هیتلر فرصت نفس کشیدن نمی دهید.

علاوه بر بمبارانهای شدید وموفقیت آمیز شما بر شهرهای بزرگ آلمانی، ما نیز از این لحظه به بعد حملات هوایی خود را بر مراکز صنعتی آلمان ، شرق پروس اضافه خواهیم کرد. از جنابعالی بخاطر ارسال فیلمی که نشان دهنده نتایج بمبارانهای شهر اسن می باشد ، تشکر می کنم.چه این فیلم وچه سایر فیلم های دیگری که شما وعده ارسال آنها را داده اید، به صورتی گسترده برای ملت وارتش مابه نمایش گذاشته خواهند شد.

دریافت هواپیماهای شکاری بارگیری شده درکاروان ها(۲) برای ما بسیار ارزشمند خواهد بود .من همچنین به خاطر پیشنهاد مربوط به ارسال ٦۰ فروند

هواپیمای «هاری کین دی- ۲» مجهز به توپهای ٤٠ میلیمتری، از جنابعالی تشکر می کنم. این قبیل هواپیماها ، به خصوص برای مقابله با تانکهای سنگین دشمن مورد نیاز شدید ما می باشند. امیدوار هستم که تلاش های جنابعالی وآقای هاریمن درزمینه تهیه پلان وتأمین هواپیماهای مورد نیاز اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به زودی قرین موفقیت گردد.

ملت ما احساسات گرم ومحبت های بیدریغ ملت بریتانیا را که در ایجاد سازمان مذکور وانجام کمکهای پزشکی به اتحاد شوروی تبلور داشته است، صمیمانه گرامی می‌دارد. لطفاً، مراتب سپاس وقدردانی مرابه همسرتان که تحت ریاست عالیه ایشان فعالیت های مجدانه ای دراین سازمان بعمل آمده است، ابلاغ بفرمایید.

امروز، من سرلشگر «مارتل» را که نامه جنابعالی را نیز به من تسلیم نمود، به ملاقات پذیرفتم . البته هر نوع همکاری لازم جهت بازدید ژنرال مارتل از ارتش سرخ و آشنایی وی با تجربه های جنگی این ارتش بعمل خواهد آمد.

۱۲آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٤٦

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیربه مارشال استالین

۱- در تلگرام اخیری که جنابعالی برای اینجانب مخابره فرموده اید خاطر نشان ساخته اید :« بخاطر افزایش بمباران های اسن، برلن وسایر مراکز صنعتی

آلمان به شما تهنیت می گویم . هریک از ضربات نیروی هوایی شما به مراکز حساس وحیاتی آلمان ، با واکنشی از عمیق ترین احساسات قلبی میلیونها نفر از مردم کشور ما روبرو خواهد شد». فرماندهی کل امور اجرایی وعملیاتی بمبارانهای نیروی هوایی ماشدیداً اظهار تمایل دارد که مراتب را به اطلاع اسکادریل های خود رسانیده تا آنها در واقع از شنیدن این سخنان، سرشار از رضایت خاطر گردند. آیا جنابعالی انجام این مورد را اجازه می فرمایید؟ ممکن است که این امر در جراید نیز درج گردد. البته ، من شخصاً در این رابطه جزنتایج رضایتبخش ومثبت، مورد دیگری نمی بینم. در این باره جنابعالی چه نظری ابراز می فرمائید؟

۲-ما در این هفته سه ضربه خوب ومؤثر به ویژه به «اسپزیا»، اشتوتگارت وشب گذشته نیز به کارخانجات شرکت اشکودا واقع در «پیلزن» وتأسیسات «مانگیم»وارد آوردیم. در اولین پرواز عملیاتی ۱۷٤ فروند هواپیما شرکت داشتند که ٤٦۰ تن بمب فرو ریختند ، امابه علت وجود مه ودود خسارات وارده به شهر اسپزیا به مراتب بیشتر از زیان های وارده به کشتی های مستقر در بندر بوده است. حمله دوم به اشتوتگارت بعمل آمد که با موفقیت بسیار درخشانی انجام گردید. در این حمله ٤٦۲ فروند هواپیمای بمب افکن به پرواز درآمدند که هدفهای تعیین شده را زیر ۷۵۰ تن بمب های ریزشی خود قرار دادند. شب گذشته ، ۵۹۸ فروند هواپیما به منظور بمباران دو هدف مذکور اعزام شدند که در این عملیات حدود ۸۵۰تن بمب فروریخته شد. اطلاعات بدست آمده از میزان خرابیها وخسارات وارده به کارخانجات اشکودا فعلاً سخن از نتایج خوب ورضایتبخش دارد، هر چند که ما هنوز عکسهای مربوطه

را دریافت نداشته ایم . حمله به کارخانجات اشکودا از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، زیرا در اثر ویرانی وخسارات وارده به شهر اسن،کارگران کارخانجات صنعتی کروپ به آنجا انتقال یافته واین کارخانه سفارش ساخت تجهیزات مهمی را دریافت داشته است. در این سه عملیات تهاجمی، ما۸۱ فروند هواپیمای بمب افکن ، که ٦٤ فروند از آنها را هواپیماهای سنگین تشکیل می داده ، به انضمام نزدیک به ۵۰۰ نفراز متخصصین ورزیده وکار آمد پرسنل نیروی هوایی خود را از دست داده ایم. من دوباره به شما اطمینان می دهم که در تابستان آینده حملات ما درمقیاس فزاینده تر وابعاد گسترده تری ادامه خواهد یافت. ما بسیار خوشحالیم که شما نیز از آن طرف حملاتی را به کارخانجات نظامی نازی ها وارد خواهید آورد.

۳-در حال حاضر انجام وقفه ای کوتاه در تونس ضروری به نظر می آید، از آن جهت که ژنرال الکساندر بتواند نیروهای خود درشمال را گروه بندی نمایدوژنرال مونتگمری نیز بتواند واحد توپخانه ای را که معمولاً درنبردهای خود مورد استفاده قرار می‌دهد، دریکجا متمرکز سازد . اما ، به زودی یکی از همان بزرگترین نبردهایی که تا بحال در جنگ کنونی انجام داده ایم، آغاز خواهد شد وپس از آغاز نیز تازمانیکه نیروهای دولت های محور از آفریقا پاکسازی نشوند، نبرد ادامه خواهد داشت.

۱۷ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۴۷

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

از اسپانیا شایعاتی درباره تصمیم آلمانیها مبتنی بر استفاده آنها از گازهایی در جبهه های روسیه به ما رسیده است ومن فکر می کنم که جنابعالی نیز در این زمینه اخباری را دریافت داشته باشید. چنین شایعاتی نیز سال گذشته تقریباً در همین زمان انتشار یافته بود. به من اطلاع بفرمایید که آیا جنابعالی اظهار تمایل دارید که من اطلاعیه منتشره درسال گذشته را در این باره که اگر آلمانیها اقدام به استفاده از هر گونه حمله شیمیایی علیه کشور شما بنمایند، ما نیز بیدرنگ در ابعادی وسیع و پردامنه از طریق هوا اقدام به پاسخگویی متقابل علیه آنها خواهیم کرد، دوباره تکرار نمایم؟ ما کاملاً آماده انجام هر گونه تهدید وانجام آن خواهیم بود.

۱۹ آوریل سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۴۸

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را که طی آن نظر مرا درباره ابلاغ مراتب سپاس وقدردانی ام به اسکادریل های بمب افکن انگلیسی در رابطه با بمبارانهای اسن، برلن وسایر

مراکز صنعتی آلمان جویا شده بودید، دریافت نمودم. البته من مخالفتی با پیشنهاد جنابعالی ندارم ومسئله را به صلاحدید شما می گذارم. من خوشحالم که شما نسبت به ادامه بمباران شهرهای آلمان در ابعادی گسترده و روز افزون تصمیم گرفته اید.

از قرائن پیدااست که وقایع و رویدادهای تونس به خوبی در حال گسترش است . برای شما آرزوی پیروزی کامل می نمایم.

اطلاعات شما درزمینه قصد آلمانیها به استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه های ما، با توجه به اخباری که ما دریافت داشته ایم، مورد تایید است.

بدیهی است که من پیشنهاد جنابعالی دال بر اخطار به هیتلر ومتحدین او وتهدید به اینکه اگر آنها در جبهه های ما مبادرت به استفاده از گازهای شیمیایی نمایند مورد حملات شدید شیمیایی شما قرار خواهند گرفت را کاملاً تایید می نمایم .

نیروهای شوروی نیز به نوبه خود برای دفاع آماده خواهند بود.

۱۹ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱٤۹

نامه خصوصی وکاملاً محرمانه

آقای وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

نبرد در تونس آغاز گردیده ژنرال الکساندر گزارش می دهد که ارتش هشتم امشب (شب از نوزدهم به بیستم) دست به حمله خواهد زد وسایر

ارتش ها نیز متعاقباًطبق برنامه یورش عمومی وارد عملیات جنگ خواهند شد. در این عملیات نیروهای عظیم و قدرتمندی از جمله ارتش های یکم وهشتم بریتانیا به انضمام تعداد محدودی از نیروهای ایالات متحده شرکت خواهند داشت. تمام این نیروها نقل و انتقال یافته واز طریق امکانات وسطوح پهناور دریائی مجهز وتامین می شوند. قصد اینست که کار را تا حد امکان با فشار پیوسته ، یکسره ساخت.

در آسمان بلندی های بین تونس وسیسیل نبردهوایی بزرگی حاصل گردید که در آن نیروی هوایی آلمان تلفات بسیار سنگینی را متحمل گردید.

۲۰ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۰

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

دولت شوروی رفتار اخیر دولت لهستان را نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کاملاً غیر معمولی وناقض کلیه مقررات موجود در مناسبات متقابل دو کشور متفق وهم پیما ن می داند.

جنجال وتبلیغات خصمانه وافترا آمیز بر پا شده از جانب فاشیست های آلمانی علیه اتحاد شوروی در رابطه با کشتار افسران لهستانی در ناحیه «اسمالنسک»، از نواحی تحت اشغال نیروهای آلمانی که بوسیله خود فاشیست ها انجام گردیده، سریعاً به دولت آقای «سیکورسکی » نیز سرایت کرده

ومطبوعات رسمی لهستان نیز با توسل به هر شیوه ای بر دامنه این تبلیغات می افزایند. دولت سیکورسکی نه تنها نسبت به این تبلیغات رذیلانه ومفسده جویانه فاشیستی که علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به راه افتاده واکنش اعتراض آمیزی نشان نمی دهد، بلکه حتی لازم هم نمی داند که برای روشن ساختن این موضوع دست کم باطرح چند سئوال ذیربط تماسی با دولت شوروی برقرار نماید.

سردمداران هیتلری پس از ارتکاب به جنایت فجیع افسران لهستانی ، اجرای یک سری تحقیقات مسخره را به نمایش در آورده که مجریان آن ، بازیگران لهستانی می باشند که از لهستان اشغالی برگزیده شده وتحت فشار ویوغ هیتلر عمل می نمایند. در آنجا هیچ فرد لهستانی شرافتمندی قادر به بیان سخنان خود بطور رک و بی پرده نمی باشد.

دولت سیکورسکی وحکومت هیتلری ازسازمان صلیب سرخ بین المللی دعوت کرده‌اند که به این امر« رسیدگی» نماید، اعضای این سازمان به اجبار باید در محیطی مملو از ترور، اعدام ،چوبه های دار وآدم ربایی های متداول که اغلب اشخاص صلح دوست وصلح طلب را مورد هدف قرار می دهد، در این کمدی تحقیقاتی که کارگردان آن هیتلر می باشد، به ایفای نقش بپردازند. روشن است که چنین« بررسی وتحقیقاتی» که در غیاب وپشت سر دولت شوروی انجام می گیرد، نمی تواند مورد قبول واطمینان انسان های شرافتمند وبا وجدان قرار گیرد.

با توجه به این اوضاعی که ملاحظه می شود، بدین معنا که اقدامهای خصومت بار علیه اتحاد شوروی در آلمان ودر جراید لهستان همزمان با هم

آغاز می شود وطبق یک روال وبرنامه منظم جریان یافته وادامه پیدا می کند،جای شکی باقی نمی ماند که بین دشمن متفقین ، یعنی هیتلر ودولت سیکور سکی در زمینه نحوه اجرای این جنجال وتبلیغات خصمانه، تماس وگفتگوهای پشت پرده ای جریان دارد.

در حالی که ملت های اتحادشوروی در نبردی سخت علیه آلمان هیتلری خون می دهند وتمام توان ونیروی خود را در جهت شکست دشمن مشترک کشورهای آزادیخواه ودموکراتیک متمرکز ساخته اند، دولت سیکورسکی به خاطر استبداد و خود کامگی هیتلر، به اتحاد شوروی ضربه عهد شکنانه وارد می آورد.

تمام این شواهد ونشانه ها، دولت شوروی را ناگزیر به قبول واعتراف به این مطلب می سازد که دولت کنونی لهستان پس از لغزش به سوی دسیسه وتبانی با دولت هیتلری ، در واقع در راه قطع مناسبات دوستی بااتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی قدم نهاده و نسبت به اتحاد شوروی موضع خصمانه برگزیده است.

براساس این واقعیات ، دولت شوروی به این نتیجه ضروری دست یافته است که با این دولت قطع رابطه نماید.

من شایسته دانستم که مراتب را به اطلاع جنابعالی برسانم وامیدوار باشم که دولت بریتانیا ضرورت این اقدام لازم دولت شوروی را درک خواهد کرد.

۲۱ آوریل سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۵۱

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال ژوزف استالین

۱-سفیر مایسکی دیشب نامه جنابعالی را به من تسلیم نمود . البته، ما با هر نوع بررسی وتحقیقاتی که بوسیله سازمان صلیب سرخ بین المللی ویا هرسازمان دیگری که در مناطق تحت اشغال آلمانیها انجام گردد، شدیداً مخالفت خواهیم کرد. چنین بررسی و تحقیقاتی ، اولاً فریبی بیش نخواهد بود، ثانیاً نتایج حاصله صرفاًتحت شرایط تهدید و ارعاب بدست خواهد آمد .آقای«ایدن» امروز با سیکورسکی ملاقات خواهد داشت و مصرانه از او خواهد خواست که نامبرده از ابراز هر گونه حمایت اخلاقی ومعنوی نسبت به انجام هر بررسی وتحقیقی که زیر نظر آلمانیها صورت می پذیرد، خودداری بعمل آورد. ما نیز هیچگاه مذاکره با آلمانیها ویا تماس با آنها را تأیید نمی کنیم ودر این راستا در برابر متفقین لهستانی خود ایستادگی خواهیم کرد.

۲-درباره واکنش سیکورسکی نسبت به موارد فوق الذکر، من جنابعالی را مطلع خواهم ساخت. موقعیت سیکور سکی بسیار پیچیده وبغرنج است . اگر او از زدو بند و تماس وتبانی با آلمانیها خودداری نماید، زیر فشار وتهدید لهستانیهایی قرار خواهد گرفت که معتقدند او در برابر شوروی ها از حقوق ملت خود به حد کافی دفاع نکرده است واورا به سقوط خواهند کشاند .

وچنانچه اوسقوط نماید ، ماشخص بد ونامطلوب تری را در مقابل خواهیم داشت.

بنابراین من امیدوار هستم که تصمیم جنابعالی در مورد «قطع» مناسبات را قبل از هر چیز نه بعنوان قطع مناسبات ، بلکه بعنوان آخرین تذکر تلقی کرده وحداقل تازمانیکه سایر تدابیر وراههای مربوط به حل مسئله را مورد سنجش قرار نداده، از افشای آن جلوگیری بعمل آوریم. انتشار خبر علنی و آشکار قطع مناسبات با لهستان ، بزرگترین ضرر وزیان ممکن را در ایالات متحده ، جائی که لهستانی های بیشمار ومتنفذی زندگی می کنند ، فراهم خواهد آورد.

۳-دیروز پیش نویس تلگرامی را به نام جنابعالی تهیه کردم که به موجب آن از شما تقاضا شده مسئله اعزام تعداد دیگری از لهستانیها را، همراه با افراد تحت تکفلشان به ایران مورد بررسی قرار بدهید . این امر نارضایتی های موجود و رو به افزایش در ارتش لهستان را که در ایران تشکیل یافته است ، کاهش خواهد داد وبه من نیز امکان می دهد که بر دولت لهستان در آن سمت وجهتی که آن دولت بتواند متناسب با منافع واحد ما وعلیه دشمن مشترك ما عمل نماید، نفوذ داشته باشم. من ارسال این تلگرام را بخاطر دریافت نامه جنابعالی به بعد موکول می نمایم به امید آنکه مسائل روشن ومشخص گردد.

۲٤آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۲

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در رابطه با امور لهستان دریافت نمودم .از شما بخاطر مشارکت در این امر تشکر می کنم. اما باید به اطلاع شما برسانم که مسئله قطع مناسبات با دولت لهستان، ، تصمیمی اتخاذ شده می باشد که امروز مولوتوف مجبور گردید که یادداشت مربوط به آن را به دولت تسلیم نماید. این خواست همه همکاران من بوده است، زیرا جراید رسمی لهستان نه تنها برای لحظه ای این تبلیغات سوء وخصمانه را قطع نمی نمایند، بلکه بر عکس روز به روز بر شدت آن افزوده می شود. من نیز ناگزیرم که به افکار عمومی ملت های اتحاد شوروی که نسبت به عهد شکنی و رفتار غیر شرافتمندانه دولت لهستان خشم شدید پیدا کرده است، احترام بگذارم.

در رابطه با افشای علنی وانتشار مدارک مربوط به قطع مناسبات با دولت لهستان ، متاسفانه بدون اعلام وانتشار آن نمی توان از کنار این مسئله گذشت.

۲۵ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۳

نامه خصوصی ومحرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

آقای «ایدن» دیشب با ژنرال سیکورسکی ملاقات بعمل آورد. در این دیدار سیکورسکی اعلام داشته است که اظهار نامه وی به سازمان صلیب سرخ هیچ ارتباط وانطباقی با اظهار نامه آلمانیها به این سازمان نداشته ودولت لهستان خود ابتکار این عمل را بدست گرفته ، بی آنکه از خط مشی آلمانیها اطلاعی داشته باشد.

در واقع، آلمانیها به محض کسب خبر از اظهارنامه لهستانیها که از طریق رادیو پخش گردیده، بلافاصله تبلیغات واقدامات مربوطه را آغاز کرده اند. سیکورسکی به ایدن همچنین گفته است که دولت او بطور همزمان آقای «باگامولوف» را نیز در جریان امر قرارداده است . سیکورسکی خاطر نشان می سازد که او تا این لحظه بارهاو به دفعات مسئله مربوط به افسران معدوم را در برابر دولت شوروی عنوان کرده است وحتی یکبار نیز او خود شخصاً این مسئله را در مقابل جنابعالی مطرح ساخته است . براساس اظهارات او، وزیر اطلاعات لهستان چندین بار شدیداً علیه تبلیغات آلمانیها اطلاعیه های رادیویی پخش کرده ، بطوریکه این موضوع پاسخگویی های تند وشدید الحن آلمانیها را نیزموجب گردیده است.

در نتیجه تلاش فعالانه آقای ایدن در ترسیم وتصویر چشم اندازها ، سیکور سکی متعهد گردید که نسبت به انجام تقاضای مربوطه از سازمان صلیب سرخ، درزمینه تحقیق و بررسی های لازمه، اصرار وپافشاری بعمل نیاورد ومراتب را به طرز شایسته ای به اطلاع اعضای سازمان صلیب سرخ در برن برساند. او مطبوعات لهستان را نیز از نفاق افکنی بر حذر خواهد داشت.

من هم در این رابطه امکان مسکوت گذاشتن این مسئله را بوسیله آن دسته از روزنامه های لهستانی ، منتشره در انگلستان، که به دولت شوروی حمله کرده و در عین حال سیکورسکی را نیز بخاطر تلاش در همکاری با دولت شوروی مورد حمله وانتقاد قرار می دهند ، مورد بررسی قرار خواهم داد.

با توجه به تعهد ومسئولیتی که سیکورسکی بر عهده دارد، اکنون می خواهم از جنابعالی تقاضا کنم که مسئله مربوط به هر نوع قطع را بطه با لهستان را منتفی تلقی نمایید.

من این مسئله را دوباره مورد سنجش وارزیابی دقیق قرار داده ام وبیش از هر زمانی به این اعتقاد دست یافتم که درصورت قطع رابطه بین دولت های شوروی ولهستان ، مسئله فقط به نفع دشمن مشترکمان خاتمه خواهد یافت. تبلیغات آلمان این شعر وداستان را تنها به این خاطر آفریده است که درصفوف ملتهای متحد شکاف ایجاد کرده وبه تلاشهای مذبوحانه وتازه خود صورت ظاهر فریبی از حقیقت بدهد وجهان را به این امر متقاعد سازد که در واقع تنها آلمان است که در مقابل حکومت های بزرگ غیر اروپایی ،بویژه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وایالات متحده آمریکا و همینطور امپراتوری بریتانیا از منافع اروپا ودیگر کشورهای کوچک دفاع می کند.

من ژنرال سیکورسکی را خوب می شناسم واطمینان دارم که بین او و دشمن مشترکمان ویا بین دولت او و دشمن مشترکمان نمی تواند هیچگونه تماس وقراردادی علیه کسی منعقد گردد که به موجب آن لهستانیها رابا مقاومتی سخت وپایدار علیه او تحریک نماید. تشّبث سیکورسکی به سازمان صلیب سرخ بین المللی اشتباه محض بوده است ، اما من به عدم زدوبند وسازش او با آلمانیها معتقدم.

حالا که ما مسئله مطروحه در تلگرام جنابعالی را روشن ساخته ایم ، می خواهم به پیشنهادات مندرج در پی نویس تلگرامی که در آخرین نامه مورخ ۲۴ آوریل خود به آن اشاره داشته ام، بپردازم. بنابراین به زودی نامه ای را که قبلاً پیش نویس اولیه آن تهیه گردیده، با انجام پاره ای اصلاحات برای شما ارسال خواهم نمود.

چنانچه ما هر دو طرف بتوانیم شرایطی فراهم آوریم که مسئله مربوط به خروج لهستانیها از اتحاد شوروی حل گردد، در آنصورت سیکورسکی آسان تر می تواند به ترک کامل موضعی بپردازد که اورا به پذیرفتن افکار عمومی مجبور ساخته است. من امیدوار می باشم که جنابعالی مرا در انجام این مهم یاری بفرمائید.

۲۵ آوریل سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۵٤

نامه خصوصی ومحرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- من نمی توانم نسبت به مسئله قطع را بطه با لهستان که جنابعالی آن را ضروری دانسته اید، بی آنکه فرصتی جهت تسلیم نتایج حاصله از تماس های مربوطه با ژنرال «سیکورسکی»، که پیرامون آن در تلگرام ۲٤ آوریل خود اشاره داشته ام، به من داده شود، ابراز دلسردی ننمایم. من امیدوار بودم که ما براساس مفاد قرارداد منعقده درسال گذشته، همواره درباره مسائل مهم، بخصوص در شرایطی که این قبیل مسائل قدرت وهمبستگی ملت های متحد را دچار خدشه و آسیب می سازند ، به مشاوره ونظرخواهی با یکدیگر بنشینیم.

۲-آقای «ایدن» ومن به دولت لهستان اعلام داشته ایم که تا موقعی که آن دولت علیه دولت شوروی دست به اقدامات نامطلوب واتهامات ناروا می زند وجوی فراهم می سازد که مبین پشتیبانی آن دولت از تبلیغات خشم آلود و کینه توزانه نازیها می باشد، هیچ روزنه امیدی نه نسبت به تجدید مناسبات دوستانه ونه نسبت به همکاریهای دوجانبه وجود نخواهد داشت. بعلاوه ، هیچیک از ما نمی تواند تحقیقات وبررسی هایی را که سازمان صلیب سرخ بین المللی تحت قیمومیت نازی ها وزیر فشارو زور ووحشت از آنها انجام می دهد ، تحمل نماید.

من خوشحالم به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت لهستان با بینش وطرز تفکر ما نظر موافق دارد و براساس ضوابط مربوطه خواهان همکاری باشما

می باشد. در حال حاضر این دولت تقاضا دارد که برای افراد تحت تکفل آن دسته از نظامیان ارتش لهستان که در ایران هستند وهمینطور برای آن دسته از نظامیان لهستانی که در اتحاد شوروی دارای اقامت می باشند، جهت پیوستن به نیروهای مسلحی که جهت ورود به ایران به آنان اجازه خروج از کشور شوروی داده شده است، مجوز خروج از اتحاد شوروی صادر گردد. البته، این امر مسئله ایست که باید آن را با صبر وحوصله مورد مطالعه وبررسی قرارداد. ما اعتقاد داریم که این تقاضا می تواند مورد قبول واقع شود، در صورتی که در فرم مربوطه و زمانی مناسب به تحقق در آید ومن اطمینان کامل دارم که پرزیدنت روزولت نیز همینطور فکر می کنند. با توجه به مشکلاتی که همه ما در اثر تجاوزات بیرحمانه نازی ها مبتلا به آن شده ایم، ما جداً امیدوار هستیم که جنابعالی این مسئله را با روح همکاری مورد تجزیه وتحلیل قرار بدهید.

۳-کابینه بریتانیا نسبت به رعایت دیسیپلینی شدید ولازم الاجرا در مطبوعات لهستانی، منتشره در بریتانیای کبیر ، تصمیمات قاطعی اتخاذ کرده است. افراد آشوب طلبی که به سیکورسکی حمله می آورند، می توانند چیزهایی بیان نمایند که رادیوی آلمان با بلند گوهای خود به تکرار آن برای تمام جهانیان بپردازد، اما این امر موجب ضرر وزیان همه ماخواهد بود. به این بازی ها باید خاتمه داده شود وچنین نیز خواهد شد.

٤-فعلاً که این امر یک پیروزی بزرگ برای «گابلس» می باشد. او اکنون با تلاش پیگیر و مستمر خود در حال القاء این اندیشه است که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قصد تشکیل یک دولت لهستانی را در خاک روسیه دارد وفقط با این دولت رابطه خواهد داشت. البته، ما درشرایطی نیستیم که چنین

دولتی را به رسمیت بشناسیم ومانند گذشته ، ما روابط خود را با سیکورسکی ، مفید ترین فردی که شما وما برای نیل به اهداف مشترکمان بهتر از اورا نخواهیم یافت، ادامه خواهیم داد. من فکر می کنم که آمریکاییها نیز براین عقیده می باشند.

۵- من شخصاً فکر می کنم که آنها ضربه ای را دریافت داشته اند واینکه پس از هر دوره که مناسب بنظر آید، بایستی روابط مقرره در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹٤۱ را تجدید نظر کرده واز نو برقرار ساخت. استقرار مجدد مناسبات بیش از هرچیز مورد تنفر هیتلر خواهد بود و ما آنچه را که هیتلر بیش از هر چیز دیگری نمی پسندد، بدیهی است که باید انجام دهیم.

٦-وظیفه ما دربرابر ارتش هایی که در حال حاضر مشغول نبرد با دشمن می باشند وبه زودی نیز نبردهای دشوارتری را در پیش خواهند داشت، حفظ موقعیت خوب ومطلوب برای آنها در پشت جبهه می باشد. من وهمکارانم نسبت به انجام همکاریهای نزدیک و تنگاتنگ وایجاد تفاهم متقابل بیشتر بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، ایالات متحده آمریکا وکشورهای دوست امپراتوری بریتانیا نه فقط در طول مبارزات روز افزون جنگ، بلکه پس از آن نیز کاملاً معتقد می باشیم. افزون بر این ، چه امید وتوکل دیگری می تواند برای جهان رنج کشیده وجنگ زده وجود داشته باشد؟

۳۰ آوریل سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۵

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- من هم اکنون با سرور و لذتی وافر بیانات بسیار شیوای جنابعالی را به مناسبت روز اول ماه مه مطالعه کردم، به ویژه برای یاد آوری های جنابعالی پیرامون حمله های منسجم و متشکل متفقین ، اهمیت شایانی قائلم وشما هم در واقع باید اطمینان داشته باشید که من نیز آنچه را که در توان خود دارم جهت «خرد کردن ستون فقرات حیوان های فاشیست» بکار خواهم برد.

۲-با توجه به اینکه عکس ها نشان می دهند که یک سوم از « اسن» به خرابی وویرانی کشیده شده است، لذا دشمن تلاش فراوان دارد که در کارخانجات مهم «کروپ» که جنبه حیاتی دارد ، همانطور که شما در استالینگراد عمل کرده اید، بکار خود ادامه دهد. بنابراین ما بر روی دشمن مقدار ۸۰۰ تن دیگر بمب ریختیم.

در هفته گذشته ما « دوئیسبورگ» را دوباره زیر ۱٤٥۰ تن بمب بردیم. این بالاترین مقدار بمبی بوده است که ما تا بحال دریک حمله هوایی بکار برده ایم. در حملات ما«استت تین » ۷۸۲ تن وراستوک ۱۱۷ تن بمب دریافت داشته اند. ما عملیات بسیار بزرگ و ارزشمندی را در مین گذاری دریای بالتیک به انجام رسانده ایم که در آن ۲۲٦ فروند هواپیما شرکت داشته اند . تمامی این عملیات پس از ارسال آخرین نامه من برای جنابعالی اجرا گردیده

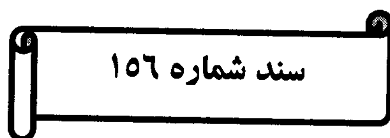
است. این مین گذاری ها از بسیاری جهات برای ما نافع وسودمند می‌باشد:اولاً، بخش قابل ملاحظه ای ازذخایر قابل انفجار دشمن به تدریج جزو غنایم ما خواهد شد، ثانیاً، دشمن را به ساختن تعداد زیادی کشتی های مین جمع کن مجبور خواهد کرد واورا اجباراً به انحراف نیروهای خود درسایر مسیرها سوق می دهد. هنگامیکه هوا برای بمباران مناطق زمینی مساعد نباشد، مابه مین گذاری مشغول خواهیم شد. طی دوشب گذشته ما برای انجام یک عملیات بزرگ دیگر در «رور» آمادگی کامل داشته ایم، اما هوا مزاحمت ایجاد می کند. به هنگام حمله به « پیلزن» کارخانجات « اشکودا» مورد هدف دقیق ومؤثر ما قرار نگرفت، اما به محض تکرار شرایط استثنایی که اختصاصاً امکان اجرای چنین عملیاتی را میسر می سازد، این هدف فراموش نخواهد شد.

۳-در بلندی های تونس نبرد باشدت تمام ادامه دارد وهر دو طرف تلفات قابل ملاحظه ای را متحمل شده ایم. ازآغاز حمله به تونس ما نزدیک به ۴۰ هزار نفر اسیر گرفته ایم، بعلاوه ،دشمن ۳۵ هزار نفر کشته وزخمی داده است. تلفات ارتش یکم حدود ۲۳ هزار نفر وتلفات ارتش هشتم قریب به ۱۰ هزار نفر می باشد. تلفات کل متفقین تقریباً به ۵۰ هزار نفر بالغ می گردد که دوسوم از آنها را انگلیسی ها تشکیل می دهند.

جنگ در تمامی جبهه ها در نهایت شدت وثمر بخشی ادامه خواهد یافت وژنرال «الکساندر » بخاطر حمله شدیدی که در آینده نزدیک بعمل خواهد آورد ، درحال گروه بندی نیروهای خود می باشد. در حال حاضر تا ۲۰۰ هزار نفر از سربازان دشمن را در محاصره خود گرفته ایم. دشمن دائماً در حال اعزام نیروهای کمکی است ، البته ظرف چند روز گذشته نیروی هوایی ما که پیوسته

در حال تقویت نیرو وافزایش دامنه فعالیت های خود می باشد، تلفات سنگینی را به دشمن وارد آورده است. بسیاری از ناوشکن ها و کشتی های حمل ونقل، به انضمام چندین کشتی حمل نیروهای کمکی آلمان به غرق کشیده شده اند و بطور موقت کلیه نقل وانتقالات متوقف گردیده است. چنانچه در اسرع وقت امکان از سرگیری جریان حمل ونقل میسر نگردد، در آنصورت موقعیت دشمن، در رابطه با تأمین احتیاجات خود ، جنبه کاملاً پیچیده وبغرنجی بخود خواهد گرفت وشانس فرار او از طریق دریا نیز به نسبتی قابل ملاحظه کاهش خواهدَ یافت. شرایط خاص محل که بصورت دشت های مسطح موجدار می باشد، همراه با قله های عمودی سر به آسمان کشیده آن که هریک بمنزله دژوسنگر دفاعی دشمن محسوب می گردد، مانع از پیشروی ما می باشد. اما من امیدوار هستم که تا پایان ماه جاری خبرهای خوشی رابرای جنابعالی کسب نمایم. در مجموع، با توجه به تلفاتی که دشمن به هنگام نقل وانتقالات مربوطه، بطوراضافی متحمل می گردد، کل جریان برای او بسیار گران تمام خواهد شد.

دوم مه سال ۱۹۴۳



نامه خصوصی ومحرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱-با توجه به اینکه لهستانیهااز تاریخ ۱۵ آوریل تبلیغات وسیع ودامنه داری را در مطبوعات خود علیه شوروی آغاز کردند واین تبلیغات ابتدا طی

اعلامیه وزارت دفاع ملی لهستان وسپس در تاریخ ۱۷ آوریل طی اعلامیه دولت لهستان ابعاد گسترده تری یافت واین امر نیز در لندن باکوچکترین عکس العمل مخالفی مواجه نگردید، ضمن آنکه دولت شوروی هیچگونه زمینه قبلی درمورد تبلیغات ضد شوروی تدارک یافته از جانب لهستانیها نداشته است وعطف به اینکه عدم اطلاع دولت بریتانیا از روند این تبلیغات را مشکل بتوان به تصور آورد، بنابراین من نامه ۲۱ آوریل خود درباره قطع مناسبات با دولت لهستان را برای جنابعالی ارسال نمودم . من فکر می کنم که از نقطه نظر روح وماهیت قرارداد منعقده فیمابین ما، کاملاً طبیعی می بود اگر از ایراد حمله یکی از متفقین علیه متفق دیگر جلوگیری بعمل می آمد. خاصه آنکه انجام چنین حمله ای، کمک مستقیم به دشمن مشترکمان می باشد. بهر حال ، من وظیفه ومعنای متفق و متحد را اینگونه درک کرده‌ام. بعلاوه ، من لازم دانستم که جنابعالی را از نقطه نظرات دولت شوروی درباره مسئله مربوط به روابط لهستان وشوروی مطلع سازم. از آنجا که لهستانیها تبلیغات افترا آمیز ضد شوروی را روز بروز با حرارت بیشتری ادامه می دهند ودر لندن نیز با هیچ عکس العمل مخالفی روبرو نمی شوند، بنابراین نباید از دولت شوروی انتظار صبر بی پایان داشت.

جنابعالی اعلام فرموده اید که رعایت دیسیپلین سخت ومحکمی را درمطبوعات لهستان به مورد اجرا خواهید گذاشت . از این بابت ازشما تشکر می کنم، اما من مطمئن نیستم که به این سادگی بتوان دولت کنونی لهستان را که در احاطه آدمهای هوچی و آشوب طلب هیتلری قرار گرفته ونیز مطبوعات خود سرولجام گسیخته اورا به رعایت دیسیپلین وانضباط ترغیب نمود. با توجه

به خبری که جنابعالی درباره آمادگی دولت لهستان در زمینه همکاری های وفادارانه آن دولت با دولت شوروی ارسال داشته اید، معهذا من شک دارم که این دولت بتواند به وعده خود عمل نماید. در اطراف دولت لهستان ، چنان توده ای از آدمهای هوادار هیتلری جمع شده اند که سیکورسکی در مقابل آنان بسیار ضعیف وبی اراده می باشد، او به اندازه ای از آنها ترس ووحشت دارد که کمترین اطمینان به اینکه او بتواند در رابطه با اتحاد شوروی وفادارانه عمل نماید، موجود نمی باشد، حتی اگر فرض را برآن بداریم که او واقعاً می خواهد بر پایه صدق ووفای به عهد رفتار نماید.

درباره شایعاتی که بوسیله طرفداران هیتلری درمورد تشکیل یک دولت تازه لهستانی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انتشار یافته است، باید بگویم که این افسانه ها اصولاً احتیاجی به تکذیب ندارند. سفیر ما دراین باره مسلماً توضیحات لازمه را به اطلاع جنابعالی رسانیده است. البّته ، این امر ناقض آن نیست که بریتانیای کبیر ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وایالات متحده آمریکا نسبت به بهبود ترکیب دولت کنونی لهستان، از نقطه نظر تقویت وتحکیم جبهه واحدی از متفقین علیه هیتلر، تدابیری را اتخاذ نمایند. وهر چه این اقدام سریعتر انجام گردد، بهتر وسودمند تر خواهد بود.

آقای « ایدن» پس از مراجعت از ایالات متحده آمریکا در گفتگویی اختصاصی با مایسکی اعلام کرده است که طرفداران پرزیدنت روزولت در ایالات متحده آمریکا معتقدند که دولت کنونی لهستان دارای آینده روشن ومطلوبی نخواهد بودو تردید دارند که این دولت شانسی برای بازگشت به لهستان وتکیه زدن بر اریکه قدرت را داشته باشد، هر چند که آنها خود شخصاً

خواهان حفظ سیکورسکی می باشند. من فکر می کنم که در رابطه با آینده دولت کنونی لهستان، آمریکاییها به واقعیت نزدیک تر باشند.

در ارتباط با اتباع لهستانی مقیم در اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی که تعدادشان هم قابل توجه نمی باشد وهمچنین خانواده های سربازان لهستانی که به ایران مهاجرت نموده اند، باید اذعان داشت که دولت شوروی قبلاً هم برای خروج آنان از اتحاد جماهیر شوروی ممانعتی بعمل نیاورده است.

۲-نامه جنابعالی را درباره آخرین رویدادها در تونس دریافت داشتم. بخاطر ارسال خبر ازشما تشکر می کنم . از موفقیت نیروهای انگلیسی وآمریکایی خوشحال ومسرورم وبرای آنان بازهم آرزوی پیروزی بیشتر می نمایم.

٤مه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۷

تاریخ ارسال نامه ۸ مه سال ۱۹٤۳

برای چرچیل نخست وزیر

لندن

به مناسبت پیروزی های درخشانی که در آزادسازی «بیزرت » وتونس ازچنگال ستمکاران هیتلری بدست آورده اید، به جنابعالی ونیروهای شجاع انگلیسی وآمریکائی تبریک می گویم. برای شما آرزوی موفقیت های بعدی را می نمایم.

ژوزف استالین

سند شماره ۱۵۸

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

این نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه فقط برای اطلاع شخص جنابعالی می باشد.

۱- من در راه به واشنگتن، در بخش آتلانتیک میانه قرار دارم.

هدف از این مسافرت: حل مسئله مربوط به حمله بعدی در اروپا که متعاقباً پس از«اسکیموس»(۳۹) انجام خواهدشد، انصراف یافتن از انحراف بیشتر به سمت اقیانوس آرام و سپس بررسی موضوع مربوط به اقیانوس هند خواهد بود. در آنجا برنامه حمله به ژاپن را هم طرح ریزی خواهیم کرد. اگر حادثه ای رخ ندهد ، تلگرام بعدی من از واشنگتن مخابره خواهد شد.

۲- بطور یقین اخبار خوش مربوط به تونس وبیزرت ، جائی که نیروهای انگلیسی و آمریکائی سرسختانه به سوی هدف نهایی خود پیشروی می نمایند، به اطلاع جنابعالی رسیده است.

۳- از موفقیت های شما در حوالی « نووراسیسک» وهمچنین تصرف « کریمسک» بسیار خرسندم.

٤- در عملیات جنگ دریایی مرتبط با کاروان ها(۲) ، ما در تاریخ ششم ۳۰ فروند کشتی باری خود را از دست دادیم، اما در این نبرد ما هم پنج سفینه زیر دریایی دشمن را منهدم ساخته وبه پنج سفینه دیگر دشمن آسیب وارد

آورده که احتمالاً آنها نیز نابود شده‌اند .طبق بر آورد مربوطه، ما در ماه آوریل دست کم شانزده سفینه زیر دریایی دشمن را به انهدام کشیده ایم، در حالیکه دشمن حدود بیست سفینه زیر دریایی جدید را روانه آبها ساخته است.

۵- حمله ۵۹۰ فروند هواپیما به « دارتموند» یکی از بزرگترین وموفق ترین حملاتی بوده است که ما تا بحال انجام داده ایم.

۱۰ مه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۵۹

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

بخاطر ارسال نامه مربوط به مسئله لهستان از جنابعالی بسیار تشکر می کنم.

از آنجا که لهستانیها ما را از نیات خود آگاه نکرده بودند ، طبیعتاً ما نتوانستیم خطری را که در اثر این اعمال روش آنان حادث می گردد، به آنان گوشزد نماییم.

مطبوعات لهستان وهمچنین سایر نشریاتی که به زبانهای خارجی منتشر می شوند، در آینده تحت کنترل قرار خواهند گرفت.

اینکه بتوان ترکیب بهتری رادر دولت لهستان بوجود آورد ، من با جنابعالی موافقم، هر چند که یافتن اشخاصی بهترو مناسب تر بسیار مشکل بنظر خواهد آمد. من هم مانند شما فکر می کنم که سیکورسکی وبعضی دیگر از اعضای کابینه باید در دولت باقی بمانند.

چنانچه سیکورسکی تحت فشار خارجیان ناگزیر به تغییر دولت خود گردد، احتمالاً بر کنار وسرنگون خواهد شد وما نمی توانیم شخص دیگری را که به خوبی اوباشد، جایگزین وی سازیم. بنابراین احتمال دارد که او به این زودی نتواند نسبت به تعویض اعضای کابینه خود اقدام نماید، اما من با تمام امکانات سعی خواهم کرد که سیکورسکی را به انجام هر چه سریعتر این مهم متقاعد سازم. من این مسئله را با پرزیدنت روزولت مورد بحث وتبادل نظر قرار خواهم داد.

از خبر ارسالی جنابعالی چنین بر می آید که سیاست دولت شوروی بر آن نیست که در راه خروج اتباع لهستانی مقیم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و خانواده های نظامیان لهستانی مانع ایجاد نماید ومن در آینده از طریق سفیر درباره این موضوع با جنابعالی ارتباط برقرار خواهم کرد.

بخاطر ارسال نامه جنابعالی به مناسبت تصرف تونس وبیزرت از شما بسیار متشکرم. فعلاً مسئله در اینست که ما چه تعدادی را می توانیم به اسارات خود در آوریم.

۱۲ مه سال ۱۹۴۳

سند شماره ١٦٠

نامه خصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

من در نامه ۱۰ آوریل خود به اطلاع جنابعالی رساندم که ما برنامه ارسال « هاری کین»(٤٠) ، «آئروکبرا»(۳۱) و « کیتی گااوک»(٤٠) را در ارتباط با کاروان های(۲) « جی. دبلیو ٥٤ » و« جی .دبلیو ٥٥» برای شما تهیه خواهیم کرد.

من اکنون می توانم درباره تصمیماتی که اتخاذ شده است ، اطلاعاتی را در اختیار شما قرار دهم.

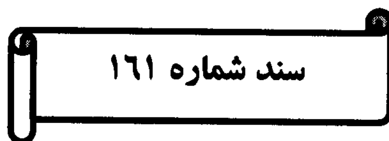
در حال حاضر تعداد هواپیماهای «هاری کین» با احتساب ٦٠ هواپیمای«هاری کین دی – دو» جمعاً ٤٣٥ فروند می باشد. ۲۳۵ فروند هواپیمای «هاری کین» از راه دریا به جبل الطارق ارسال خواهد شد ودر آنجا پس از مونتاژ با نیروی محرکه خود به سوی بصره (نه به سوی تهران که قبلاً پیش بینی شده بود)،به منظور تحویل به نمایندگان شما انتقال داده خواهد شد. ما امیدوار هستیم که ورود هواپیماهای «هاری کین» به بصره از نیمه اول ماه ژوئن آغاز گردد.

۲۰۰فروند هواپیمای « هاری کین» باقیمانده با احتساب ٦٠ فروند هواپیمای « هاری کین دی- دو» از طریق دریای مدیترانه ارسال ودر بصره تحویل خواهد شد. من قبلاً به شما گفته بودم که هواپیماهای «هاری کین دی – دو» احتمالاً از

راه « تاکارادی » ارسال خواهندشد، اما اکنون تصمیم گرفته شده که آنها را به بصره ارسال نماییم ، زیرا ما نتوانستیم بدون پیاده کردن توپها ، که البته ، بعداً باید آنها را به تهران ارسال کنیم ، این هواپیماها را به باک های اضافی که در امر پرواز از طریق آفریقا ضرورت پیدا خواهند کرد، مجهز سازیم.

آقای «هاریمن» به منظور ارسال ۲۸۵ فروند هواپیمای « آئرو کبرا» و«کیتی گااوک» از طریق دریای مدیترانه ودریای سرخ به آبادان ، جائی که در آنجا این هواپیماها مونتاژ خواهندشد، در حال اخذ تصمیمات لازم می باشد.

۱٤ مه سال۱۹٤۳


سند شماره ۱٦۱

به مارشال استالین
ریاست شورای کمیسرهای ملی وکمیسر ملی دفاع

استالین! مارشال گرامی!

بدینوسیله مارشال نیروی هوایی آقای «ژان بابینگتن» را که ریاست بخش نیروی هوایی سلطنتی در هیئت نمایندگی شماره ۳۰ را بر عهده دارد ، به حضور جنابعالی معرفی می نمایم.

آقای«ژان بابینگتن» در این اواخر فرماندهی مرکز آموزش فنی هواپیمایی مارا بعهده داشته است.

او در تمام رشته های جنگ هوایی عصر حاضر دارای تجربه های فراوان وهمه جانبه می باشد ومن اطمینان دارم که این گزینش تفاهم متقابل بسیار

خوبی را که در حال حاضر میان نیروهای هوایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر حاکم می باشد، باز هم بیشتر افزایش خواهد داد.

ارادتمند شما- وینستون چرچیل

۹ ژوئن سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٦٢

تاریخ ارسال نامه ۱۱ ژوئن سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

متن نامه خصوصی خود در پاسخ به نامه آقای رئیس جمهور را در رابطه با تصمیماتی که شما وپرزیدنت روزولت درماه مه سال جاری درباره مسائل استراتژی اتخاذ فرموده اید، برای جنابعالی ارسال می دارم.

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به روزولت رئیس جمهور

نامه ای را که جنابعالی طی آن در زمینه بعضی از تصمیمات متخذه خود و آقای چرچیل نسبت به مسائل استراتژی مرقوم فرموده اید، در تاریخ چهارم ژوئن دریافت نمودم. بخاطر ارسال نامه از شما تشکر می کنم.

اینطور که از خبر پیدا است، این تصمیمات با آن تصمیماتی که جنابعالی و آقای چرچیل قبلاً در آغاز سال جاری در مورد زمان افتتاح جبهه دوم در اروپای غربی اتخاذ فرموده اید، تناقض دارد.

البته ، جنابعالی بخاطر دارید که در نامه مشترکی که شما و آقای چرچیل در تاریخ ٢٦ ژانویه سال جاری ارسال داشته اید، سخن از تصمیمات اخذ شده درباره انحراف نیروهای قابل ملاحظه زمینی وهوایی آلمان از جبهه های روسیه ومالاً به زانو در آوردن آلمان درسال ١٩٤٣ بیان فرموده اید.

پس از آن آقای چرچیل طی نامه ای جداگانه در تاریخ ١٢ فوریه از طرف خود وجنابعالی زمان دقیق اجرای عملیات مشترك انگلیسی و آمریکایی در تونس و دریای مدیترانه و همچنین درساحل غربی اروپا رابه اطلاع رساندند.

در این نامه آمده بود که بریتانیای کبیر وایالات متحده فعالانه اقدامهای مقدماتی و آمادگیهای لازم را جهت اجرای عملیات مربوط به عبور از کانال (٣٦) برای ماه اوت سال ١٩٤٣ فراهم می آورند وچنانچه هوا ویا سایر عوامل بازدارنده مانع از انجام این عملیات گردد، در آنصورت این عملیات با شرکت نیروهای قدرتمند وعظیم تری تدارك وبرای سپتامبر سال ١٩٤٣ به مورد اجرا گذاشته خواهدشد.

اکنون درماه مه سال ١٩٤٣ ، شما و آقای چرچیل مشترکاً بنا را بر آن نهاده اید که حمله مشترك انگلیس وآمریکا به اروپای غربی را به بهارسال ١٩٤٤ موکول نمایید ، بعبارت دیگر ، گشایش جبهه دوم در غرب اروپا که یکبار از سال ١٩٤٢ به سال ١٩٤٣ به تأخیر افتاده بود ، دوباره معوق وبه سال ١٩٤٤ موکول می گردد.

این تصمیم شما برای اتحاد شوروی که دوسال است در نهایت سختی وفشار ضمن بهره گیری از تمامی امکانات خود به نبرد با نیروهای عمده آلمان ودست نشاند گان او مشغول است وهمچنین برای ارتش شوروی که نه تنها برای کشور خود ، بلکه برای متفقین وهم پیمانان خود به جنگ پرداخته وبا نیروی اختصاصی خود تقریباً به جنگ تن به تن با دشمن بسیار قوی وخطرناک برخاسته ، معضلات فوق العاده ای ایجاد خواهد کرد.

آیا لازم است در این باره گفته شود که تعویق جدید در افتتاح جبهه دوم وتنها گذاردن ارتش ما ، ارتشی که متحمل این همه قربانی شده بی آنکه انتظار حمایت قابل ملاحظه ای از ارتش های انگلیس و آمریکا را داشته باشد ، چه آثار سوء وتاسف باری برای اتحاد شوروی ، ملت شوروی وارتش شوروی باقی خواهد گذاشت.

در رابطه با آنچه که به دولت شوروی مربوط می شود ، باید بگویم که دولت شوروی با چنین تصمیمی که بدون مشارکت او اتخاذ گردیده، بی آنکه او در تجزیه وتحلیل این مسئله مهم که پیامدهای بسیار حیاتی وسرنوشت سازی را در جریانات آتی خواهد داشت، نقشی دارابوده باشد، نمی تواند پیوند وسازگاری داشته باشد.

سند شماره ۱۶۳

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- رو نوشت تلگرام جنابعالی را که حدوداً ۱۱ ژوئن برای پرزیدنت روزولت ارسال داشته اید دریافت نمودم. من دلسردی شما را کاملاً درک می کنم، اما من اطمینان دارم که برنامه هائی را که ما پیش بینی کرده ایم نه تنها صحیح می باشند ، بلکه درشرایط کنونی تنها راهی است که می توان ازطریق آن اقدام بعمل آورد. اگرمایکصد هزار نفر انسان را از طریق کانال(۳۶) روانه حمله مرگبار سازیم، باز هم کمکی عاید روسیه نخواهد شد، زیرا بنظر من، چنانچه درشرایط کنونی ما با نیروهای بسیار ضعیف خود برای بازکردن راه پیروزی تلاش نمائیم، یقیناً باید بهای بسیار سنگینی را بپردازیم. به اعتقاد اینجانب وکلیه کارشناسان و مشاوران نظامی من حتی اگر ما به پیاده کردن نیرو درساحل هم موفق شویم ، لذا مجبور به عقب نشینی خواهیم شد، زیرا آلمانیها در فرانسه دارای آنچنان نیروهای قدرتمند و ورزیده ای می باشند که درسال جاری بر هر نیرویی که ما بتوانیم در آنجا پیاده ومستقر سازیم، پیروز خواهند شد، با توجه به اینکه آنها نیروهای کمکی خود را از طریق راه آهن های اصلی ودوطرفه اروپا به مراتب زودتر از ما که بتوانیم نیروهای زمینی خود را بطور مستقیم درساحل ویا دربنادر منهدم شده کانال ، آن هم بشرط موفقیت در به تصرف در آوردن آنها ، پیاده نماییم، پیاده خواهند کرد. من نمی توانم تصور

کنم که شکست عظیم بریتانیا وخونریزی های شدید چگونه می تواند به ارتش های شوروی کمک کند. تازه اگر فرض کنیم که با وجود توصیه کارشناسان نظامی خود وبواسطه فشارهای وارده از جانب شما ، ما تمام مسئولیت ها را بعهده گرفته وبه این امر مبادرت ورزیم، در آنصورت بازتاب این اقدام در کشور ما جنبه بسیار زشت ومذمومی را بخود خواهد گرفت. جنابعالی بخاطر دارید که من در تلگرام هایی که برای شما ارسال داشته ام، همواره روشن وصریح بیان کرده ام که من هیچگاه از طریق کانال برنامه حمله ای را که بنظر من جز خونریزی و کشتار نتیجه دیگری نخواهد داشت، طرح ریزی نخواهم کرد.

۲- بهترین کمک ما به شما ، برد و پیروزی ما است ، نه باخت وشکست ما. این پیروزی را ما در تونس بدست آوردیم، جایی که ازطریق آتلانتیک تا شعاع ده هزار مایلی اطراف دماغه امید نیك بازوی قدرتمند وپرتوان نیروی دریائی بریتانیا ونیروی دریائی ایالات متحده کشیده شده وما را در نابودی نیروهای عظیم زمینی وهوایی دولتهای محور یاری می دهد. خط مستقیمی که از اینجا تمام سیستم های دفاعی حکومت های محور در دریای مدیترانه را تهدید می نماید، آلمانیها را نسبت به تقویت نیروهای زمینی وهوایی در ایتالیا، جزایر دریای مدیترانه، بالکان وجنوب فرانسه مجبور ساخته است. من خالصانه و با عقلی سلیم امیدوار هستم که درسال جاری بتوانیم ایتالیا را از جنگ خارج ساخته و سپس بدون توسل به هیچ شیوه ای، آلمانیهای بیشماری را از جبهه های روسیه به عقب برانیم.

حمله ای که زمان اجرای آن نسبتاً نزدیک است ، راههای عبوری تمام بنادر دریای مدیترانه را از جبل الطارق تا «پورت سعید» وهمچنین خود «پورت سعید» را که تحت کنترل ما می باشد، مسدود خواهد کرد. پس از خارج کردن ایتالیا به قوه قهریه از جنگ ،آلمانیها ناچار به اشغال« ریویرا» خواهندشد ونسبت به ایجاد جبهه ای جدید در « آلپ» یا « پو » اقدام خواهند کرد و قبل از هر چیز باید جای خالی ۳۲ لشگر ایتالیائی را که در حال حاضر در بالکان مستقرند، پر نمایند. سپس ، لحظه دعوت از ترکیه برای مشارکت در جنگ بصورت فعال یا غیر فعال فراخواهد رسید. در آن زمان می توان منابع نفتی رومانی را در ابعادی گسترده مورد هدف بمباران های شدید قرارداد. ما اکنون در غرب وجنوب اروپا بخش اعظمی از نیروهای هوایی آلمان را مشغول داشته وبرتری ما نیز دائما در حال افزایش است .

براساس اطلاعاتی که ما در اختیار داریم، در حال حاضر آلمان از تعداد کل ۴۸۰۰ الی ۴۹۰۰ فروند هواپیماهای عملیاتی خود در خط اول جبهه، نزدیک به ۲۰۰۰ هواپیما را در جبهه های روسیه بسیج کرده است که سال گذشته در همین موقع تعداد این هواپیماها بالغ بر ۲۵۰۰ فروند بوده است.

ما همچنین در حال انهدام بخش های قابل ملاحظه ای از شهرها ومراکز صنعتی-نظامی آلمان می باشیم وبه احتمال بسیار قوی این امر نتایج وپیامدهای فوق العاده مهمی را در بر خواهد داشت، زیرا ضعف وکاهش مقاومت آلمانیها را در تمامی جبهه ها سبب خواهد گردید. در پاییز، یک حمله بزرگ هوایی در پیش خواهیم داشت که باید آثار فراوانی را بر جای گذارد.

اگر برنامه ای را که طی این چند ماه اخیر علیه سفینه های زیر دریایی دشمن پیاده کرده ایم ادامه بدهیم، نقل وانتقال نیروهای مسلح ایالات متحده به اروپا را ، که در حال حاضر از امکانات آنها بطور فعالانه حداکثر استفاده بعمل آورده می شود، تسریع وتقویت خواهیم کرد.

هیچ کس به اندازه من از نقش مهم وپر اهمیتی که دولت شوروی در پیروزی کلی ما داشته است، تشکر وقدردانی نکرده است ، من همچنین از جنابعالی بخاطر تایید اخیر شما بر تلاشهای دو متفق غربی خود تشکر می کنم. من اطمینان کامل دارم که ما تا پایان سال جاری نتایجی را به اطلاع شما خواهیم رساند که موجب تسکین ورضایت خاطر شما گردد.

۳- من از جنابعالی هیچگاه اطلاعات جامعی در مورد نیروها واستقرار ارتش های روسیه نخواسته‌ام، زیرا تمام فشار اصلی در خشکی را شما متحمل بوده وهنوز هم طبق گذشته متحمل می باشید. اما، بسیار خوشحال خواهم شد که بدانم جنابعالی وضعیت وچشم انداز آینده جبهه های روسیه را چگونه ارزیابی می فرمائید وهمچنین نظر جنابعالی درباره حمله قریب الوقوع آلمانها چیست . آیا این حمله در آینده نزدیک انجام خواهد شد یا خیر. اواسط ژوئن فرارسیده، اما هنوز آنها حمله خود را آغاز نکرده اند. شواهدی در دست است که ما را به اندیشه وامی دارد؛ شکست سریع وناگهانی نیروهای مسلح دولتهای محور درشمال آفریقا استراتژی آلمان را بهم ریخته و خطری که از اینجا جنوب اروپا را مورد تهدید قرار می دهد، مهمترین عامل بازدارنده برای هیتلر می باشد که باعث گردیده او در تصمیم وعقیده خود احساس تردید ودودلی نماید وحملات تهاجمی پردامنه خود علیه روسیه را که قرار بوده در این

تابستان به انجام رساند، به بعد موکول سازد. شکی نیست که هنوز درباره کلیه این قضایا نباید قاطعانه پیش داوری نمود. ولی ما بسیار خرسند خواهیم شد که در این باره از نظرات شما آگاهی داشته باشیم.

٤- جنابعالی درپایان نامه خود از اینکه ما به هنگام اخذ تصمیمات اخیر خود ، با روسیه مشورت نکرده ایم، اظهار نارضایتی فرموده اید. من از دلایلی که مانع از انجام ملاقات جنابعالی باپرزیدنت واینجانب در خارطوم گردیده، شهری که ما می بایستی در ژانویه به آنجا عزیمت می کردیم، دقیقاً اطلاع دارم ومعتقدم که تصمیم جنابعالی کاملاً بجا وصحیح بوده است که حتی برای یک هفته هم شما نخواستید فرماندهی سپاهیان عظیم وظفرمند خود را ترک بفرمائید. ضمناً ، انجام یک ملاقات، بسیار مفید وضروری بنظر می آید. من فقط می توانم بگویم که هر مکانی را که جنابعالی وپرزیدنت تعیین بفرمایید ، با هر ریسک وخطری که همراه داشته باشد، به آنجا عزیمت خواهم نمود. من و مشاورینم معتقدیم که بهترین محل امن ومناسب « اسکاپا- فلوئو» بندر اصلی نیروی دریایی ما واقع در شمال اسکاتلند می باشد و چنانچه ضرورت داشته باشد که این ملاقات بصورت سری ومحرمانه برگزار گردد، احتمالاً این مکان بهترین محل برای این منظور خواهد بود. من این پیشنهاد را یکبار به پرزیدنت ارائه داده ام. واگر جنابعالی بتوانید با هواپیما، در هر موقع از این تابستان، به آنجا پرواز نمایید، اطمینان داشته باشید که تمام تدابیر واقدامهای لازمه برای جلب رضایت شما بکار برده خواهد شد ورفقای بریتانیائی وآمریکایی شما گرمترین پذیرایی ها را از جنابعالی بعمل خواهند آورد.

۱۹ ژوئن سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٦٤

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- من با نگرانی از طریق آقای مولوتوف اطلاع حاصل نمودم که شما قصد به رسمیت شناختن کمیته ملی آزادیبخش فرانسه را که اخیراً در الجزایر تشکیل یافته ، دارید. بعید بنظر می آید که دولت بریتانیا وسرسختانه تر از او ، دولت ایالات متحده آمریکا، این کمیته را به این زودی به رسمیت بشناسند و آنها موقعی این کمیته را به رسمیت خواهندشناخت که شواهدو نشانه های کافی مبتنی بر رضایت مندی از ماهیت وفعالیت های آینده این کمیته در رابطه با حفظ منافع امور متفقین بدست آمده باشد.

۲- ژنرال دوگل به هنگام اقامت خود در الجزایر مبارزاتی را به منظور بدست آوردن کنترل مؤثر بر ارتش فرانسه بعمل آورده است. فرماندهی نمی تواند اطمینان داشته باشد که درصورت صدر نشینی ژنرال دوگل برارایکه قدرت،او بتواند احساسات دوستانه ای را نسبت به ما ابراز نماید .پرزیدنت روزولت ومن کاملاً اذعان داریم که دوگل می تواند خطرات پایگاه وارتباطات ارتش هائی را که باید در عملیات اسکیموس(۳۹) شرکت جویند، منتفی سازد. اما ما نمی توانیم چنین ریسکی را انجام دهیم، زیرا این موضوع به زندگی سربازان ما بستگی خواهد داشت ومانع اداره جنگ خواهد شد.

۳- در کمیته ابتدا هفت نفر عضویت داشتند ، اما اکنون تعداد اعضای آن به چهارده نفر افزایش یافته است وما نمی توانیم به عملکرد آنان اطمینان داشته باشیم.

بنابراین ژنرال آیزنهاور از طرف دولت ایالات متحده امریکا ودولت بریتانیا به اطلاع کمیته رسانده است که ژنرال «ژیرو»باید بعنوان فرمانده کل ارتش فرانسه باقی بماند و قدرت مؤثر خود را بر امور وسازمانهای مربوطه آن اعمال نماید .بدون تردید، این موضوع در مجلس عوام انگلستان وهمچنین در ایالات متحدهٔ امریکا ایجاد مناظره خواهد کرد و پرزیدنت ومن ناگزیر به ارائه ادله وشواهدی خواهیم بود، البته دلایل بسیار است که بیانگر برداشت وطرز برخورد مابا این قضیه می باشد. چنانچه دولت شوروی به شناسائی رسمی این کمیته اقدام کرده باشد، در آنصورت شرح ساده وتوضیح مختصر پیرامون این دلایل، سخن از اختلاف نظر بین دولت شوروی ومتفقین غربی خواهد داشت که باعث تأسف است .

٤- ما عمیقانه خواستاریک سازمان قدرتمند فرانسوی می باشیم که همه فرانسویان را زیرچتر خود جمع ومنسجم دارد وما مانند گذشته معتقدیم که این سازمان حکومتی تنها در نتیجه مذاکراتی که در حال حاضر در الجزایر جریان دارد، بوجود خواهد آمد. بنظر ما هنوز بسیار زود است که در این زمینه تصمیم گرفته شود.

۲۳ ژوئن سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٦٥

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۹ ژوئن جنابعالی را دریافت نمودم.

من به مشکلات وپیچیدگیهای مربوط به سازماندهی حمله مشترک انگلیس و آمریکا به غرب اروپا، از جمله به دشواریهای ناشی از تدارکات نقل وانتقال نیرو از طریق کانال(٣٦) کاملاً آگاهم. این معضلات در نامه های جنابعالی نیز انعکاس یافته است.

از نامه های سال گذشته وسال جاری شما به این حقیقت دست یافته ام که جنابعالی و پرزیدنت روزولت مشکلات سازماندهی این عملیات را مورد نظر قرار می دهید و آمادگیهای مربوط به انجام این حمله را با در نظر گرفتن شمار کاملی از سختی ها ، کمبودها وفشارهای مربوطه مورد توجه دارید. شما درسال گذشته اطلاع داده بودید که حمله نیروهای انگلیسی وآمریکایی به اروپا درسال ۱۹٤۳ درمقیاسی بزرگ انجام خواهد شد. دریادداشت مورخ ۱۰ ژوئن سال ۱۹٤۲ که به و .م. مولوتوف تسلیم گردیده بود، جنابعالی خاطر نشان ساخته اید :

« سرانجام ، مهمترین مسئله در اینست که ما حداکثر تلاش وکوشش خود را در سازماندهی وتدارک حمله وسیع وهمه جانبه نیروهای انگلیسی وآمریکایی به قاره اروپا درسال ۱۹٤۳ متمرکز سازیم. ما هیچ حد ومرزی برای

ابعاد و اهداف این عملیاتی که بوسیله نیروهای انگلیسی و آمریکایی باشرکت مقدماتی بیش از یک میلیون نفر وبا حمایت نیروهای هوایی انجام خواهد شد، نمی شناسیم».

در آغاز سال جاری جنابعالی دو بار از جانب خود وپرزیدنت روزولت درباره تصمیمات خود در مورد مسئله حمله قوای انگلیس و آمریکا به غرب اروپا به منظور «انحراف تعداد قابل ملاحظه ای از نیروهای زمینی وهوایی آلمان از جبهه های روسیه » پیام ارسال داشته اید. در این زمینه شما شکست وبه زانو در آوردن آلمان را درسال ۱۹۴۳ هدف خود قرار داده وزمان حمله را برای قبل ازماه سپتامبر تعیین کرده بودید.

شما درنامه مورخ ۲۶ ژانویه سال جاری خود مرقوم داشته اید:

« ما بامشاوران نظامی خود به مشورت نشسته ودرباره عملیاتی که باید توسط نیروهای مسلح آمریکایی و انگلیسی در ۹ ماهه اول سال ۱۹۴۳ به مورد اجرا گذاشته شود ، تصمیماتی را اتخاذ نموده ایم. ما می خواهیم به قید فوریت شما را در جریان تصمیمات خود قرار بدهیم. ما معتقدیم که این عملیات، همراه با حملات وتهاجمات قدرتمند شما، احتمالاً آلمان را در سال ۱۹۴۳ به زانو در خواهد آورد».

در نامه بعدی شما که در تاریخ ۱۲ فوریه سال جاری دریافت گردیده ، شما ضمن اشاره به زمانهای مشخص شده که توسط جنابعالی وپرزیدنت روزولت تعیین گردیده بود، در مورد حمله به غرب اروپا مرقوم داشته اید:

« ما حتی الامکان ، با تلاش وکوشش بسیار آمادگی و تدارکات مربوط به عملیات عبور از کانال را در ماه اوت که درآن نیروهایی از بریتانیا وآمریکا

شرکت خواهند جست، فراهم خواهیم آورد. ساز وبرگ وتجهیزات مربوط به پیاده کردن نیرو در اینجا از عوامل محدود کننده به شمار می آید . چنانچه در نتیجه تغییر هوا و یا سایر عوامل بازدارنده ، عملیات ما معوق بماند ، در آنصورت اجرای برنامه با مشارکت نیروهای قدرتمند تری برای ماه سپتامبر تدارک دیده خواهدشد».

در فوریه ، هنگامی که شما درباره برنامه های خود وتاریخ حمله به غرب اروپا تصمیم گیری می کردید، مشکلات مربوط به این عملیات درمقایسه با زمان فعلی به مراتب بیشتر بوده است واز آن زمان تا به حال آلمانیها تنهابا یک شکست روبرو نبوده اند : آنها یکبار در جنوب توسط نیروهای ما مجبور به عقب نشینی شدند که در آن نبرد تلفات نسبتاً سنگینی را متحمل گردیدند؛ بار دیگر توسط قوای انگلیسی و آمریکایی مغلوب گشته واز شمال آفریقا به بیرون رانده شدند؛ در جنگ زیر دریایی نیز آلمانیها به چنان وضعیت وخیمی دچارشدند که تا آن زمان بی سابقه بوده است. برتری نیروهای انگلیسی وآمریکایی هم بطرز چشم گیری افزایش یافته است. البته ، بدیهی است که آمریکاییها و انگلیسی ها از نظرقدرت هوایی در اروپا بر دشمن مزیت داشته واز نظر نیروی دریایی نیز تواناتر و توانمند تر شده اند.

بنابراین ، شرایط گشایش جبهه دوم در غرب اروپا در طول سال ۱۹٤۳ نه تنها بدتر نشده ، بلکه بر عکس ، به مراتب بهتر ومقتضی تر هم شده است.

باهمه این اوصاف، دولت شوروی قادر به تصور نیست که دولت های بریتانیا و آمریکا تصمیمی را که در آغاز سال جاری به منظور حمله به غرب اروپا در سال ۱۹٤۳ اتخاذ کرده اند ، تغییر پذیر بدانند. بر عکس دولت

شوروی با توجه به مبانی موجود، امیدوار است که این تصمیم مشترک انگلیس و آمریکا از قوه به فعل در آمده وضمن تدارک آمادگیهای لازم، سرانجام جبهه دوم درسال ۱۹۴۳ در غرب اروپا افتتاح گردد.

وقتی که جنابعالی درج می فرمایید « اگر مایکصد هزار نفر انسان را از طریق کانال به حمله مرگبار روانه سازیم، بازهم کمکی عاید روسیه نخواهد شد»، من ناگزیر می شوم مراتب زیر را به اطلاع شما برسانم:

اولاً ، در یادداشت اختصاصی جنابعالی مربوط به ژوئن سال گذشته، شما برای آمادگی وتدارک حمله سخن نه از یکصد هزار نفر ، بلکه از نیروهای انگلیسی وآمریکایی فوق میلیونی ، خاصه برای شروع عملیات ، سخن داشته - اید، ثانیاً، در نامه فوریه جنابعالی که در آن خبر از اقدامهای تدارکاتی گسترده برای حمله به غرب اروپا در ماههای بین اوت وسپتامبر سال جاری درج گردیده بود، ظاهراً اجرای این عملیات نه بوسیله یک نیروی یکصد هزار نفری، بلکه با کمک نیرویی کافی پیش بینی شده بود.

اکنون ، هنگامی که جنابعالی اظهار می دارید:« من نمی توانم تصور کنم که چگونه شکست عظیم بریتانیا وخونریزیهای شدید می تواند به ارتش های شوروی کمک کند»، در نتیجه معلوم نیست که چنین بیانی در رابطه با دولت شوروی خالی از زمینه سازی قبلی نباشد ، زیرا این مسئله با سایر تصمیمات مربوطه ومذکور جنابعالی که در مورد اجرای اقدامها وعملیات پردامنه ومؤثر انگلیسی و آمریکایی نسبت به سازماندهی حمله سال جاری، اعلام گردیده است وذکر اینکه موفقیت کامل این عملیات به اجرای آنها بستگی خواهد داشت، تناقض وتضاد مستقیم دارد.

حال ، من درباره این موضوع که این تصمیم مهمی را که جنابعالی وپرزیدنت روزولت مبتنی بر لغو تصمیمات قبلی خود در رابطه با حمله به غرب اروپا اتخاذ نموده‌اید، بی آنکه در اخذ آن دولت شوروی مشارکتی داشته باشد ویا تلاشی درجهت دعوت از نمایندگان اوبه منظورشرکت در جلسه واشنگتن بعمل آمده باشد ، سخنی نمی گویم، هر چند که جنابعالی از نقش دولت شوروی در جنگ با آلمان و علاقه او به مسائل جبهه دوم که حائز اهمیت است، نمی توانید آگاهی نداشته باشید.

در این زمینه بحثی نیست که دولت شوروی نمی تواند نسبت به نادیده گرفتن منافع حیاتی اتحاد شوروی در جنگ علیه دشمن مشترک سازش داشته باشد.

جنابعالی خاطرنشان ساخته اید که یأس ودلسردی مرا درک می فرمایید. من باید به اطلاع شما برسانم که مسئله بطور ساده در یأس ونا امیدی دولت شوروی نیست، بلکه مسئله مربوط به حفظ اعتماد وباور این دولت نسبت به متفقین وهم پیمانان خود می باشد که زیر آزمایش بزرگ قرار گرفته اند. نباید فراموش کرد که مسئله ، مسئله حفظ و صیانت از جان میلیونها نفر انسان ساکن در مناطق اشغالی در غرب اروپا وروسیه وجلوگیری از کشتار سربازان بیشمار شوروی می باشد که در این میان قربانیان ما در مقایسه با قربانیان نیروهای انگلیسی و آمریکایی رقم بسیار بالاتری را نشان می دهد.

۲۴ ژوئن سال ۱۹۴۳

سند شماره ١٦٦

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۳ ژوئن سال جاری جنابعالی را که در آن خاطرنشان ساخته اید دولت های بریتانیا وایالات متحده آمریکا در حال حاضر قصد شناسایی کمیته سازمان یافته ملّی آزادیبخش فرانسه را ندارند، دریافت داشتم. در مواضع خود، شما به این امر استناد کرده اید که فرماندهی نمی تواند به چگونگی روش و فعالیت های ژنرال دو گل اطمینان کرده ونسبت به ابراز احساسات دوستانه او نسبت به متفقین اعتماد داشته باشد.

اینطور که بنظر ما آمده ، تا امروز دولت بریتانیای کبیر از ژنرال دوگل حمایت بعمل می آورده و این امری بوده کاملاً طبیعی، زیرا از لحظه تسلیم فرانسه، ژنرال دوگل رهبری نیروهای فرانسوی مخالف هیتلر را بعهده داشته و مبارزات میهن پرستان فرانسوی را که در اطراف فرانسه مبارز، به اتحاد وانسجام دست یافته بودند، فرماندهی می کرده است. از نوامبر سال گذشته ، گسترش بعدی حوادث و رویدادها در شمال آفریقا وشرکت قوای انگلیسی و آمریکایی در عملیات نیروهای مسلح فرانسه، نیروهایی که تحت فرماندهی ژنرال« ژیرو» وژنرال دوگل عمل می کردند، شرایط اتحاد وهمبستگی نیروهای این دو ژنرال را فراهم آورد. این ائتلاف را همه کشورهای متفق مفید ولازم دانسته ودراین زمینه هیچگونه شک و شبهه ای هم بوجود نیامد. شناسایی این سازمان تأسیس

یافته منسجم تحت عنوان «کمیته ملی آزادیبخش فرانسه»، در پی همان تلاشها و کوشش هائی صورت گرفته که در این راستا بعمل آمده است. خاصه، پس از آنکه کمیته ملی آزادیبخش فرانسه به رهبری ژیرو ودوگل رسماً از کشورهای متفق تقاضای شناسایی کمیته را می نماید، دولت شوروی چنین می پندارد که عدم شناسایی کمیته ، مفهومی از نظر افکار عمومی فرانسه نخواهد داشت.

دولت شوروی در حال حاضر فاقد اطلاعاتی است که بتواند موضع کنونی دولت بریتانیا را نسبت به کمیته ملی آزادیبخش فرانسه وهمچنین نسبت به ژنرال دوگل مورد تأیید قرار دهد.

اما، از آنجا که دولت بریتانیا خواهان تعویق در به رسمیت شناختن کمیته ملی آزادیبخش فرانسه می باشد واز طریق سفیر خود اطمینان داده است که بدون مشورت وتبادل نظر با دولت شوروی کوچکترین قدمی را در این راه بر نخواهد داشت، بنابراین دولت شوروی آماده استقبال از دولت بریتانیا خواهد بود.

من امیدوار هستم که جنابعالی منافع اتحاد شوروی را درمسائل مربوط به فرانسه مد نظر قرارداده واز ارسال به موقع اخبار واطلاعات لازمه برای ما که جهت اخذ تصمیمات مربوطه ضروری خواهد بود، دریغ نفرمایید.

۲۶ ژوئن سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٦٧

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- نامه مورخ بیست وچهارم جنابعالی رابا تأثر دریافت داشتم. من اطلاعاتی را که درباره برنامه های آینده‌مان برای شما ارسال داشته ام، مبتنی بر مراحل جداگانه وزمان بندی شده ای بوده که بصورت قراردادهای مشاوره ای وکتبی میان ستادهای فرماندهی بریتانیا و آمریکا به امضاء رسیده است. بعلاوه ، من همیشه در روابط خود با جنابعالی صادق وصمیمی بوده ام. هر چند که ما انگلیسی ها تا ۲۲ ژوئن سال ١٩٤١ تنها بودیم. اما به محض حمله هیتلر به روسیه شوروی، با توجه به جنبه ها وعواقب وخیمی که آلمان نازی می توانست برای ما بوجود آورد، معهذا تا آنجا که شرایط وامکانات به ما اجازه می داد، سریعاً برنامه کمک رسانی به اتحاد شوروی را آغاز نمودیم. من اطمینان دارم که برای کمک به شما من آنچه را که از نظر فیزیکی ونیروی انسانی انجامش مقدور بوده، برای شما انجام داده ام. بنابراین من خود را مستوجب سرزنش هایی که شما اکنون در رابطه با متفقین غربی خود ابراز می نمایید. نمی دانم . همچنین برای من این امر مشکل نمی باشد که دلایل و مستندات خود را به اطلاع پارلمان انگلستان وملت برسانم. البته ، درصورتیکه نخواهیم ضرر وزیان ناشی از این امررا بر مناسبات جنگ با دشمن مورد توجه قرار بدهیم.

۲- برنامه ها ونظرات مربوطه ستادهای فرماندهی که من آنها را بصورت مرحله ای زمان بندی می کنم، دائماً تحت تأثیر رویدادها وحوادث دوران جنگ دستخوش تغییر می‌باشد. اولاً، صرفنظر از کل ظرفیت های مربوطه که به طور کامل مورد استفاده قرار گرفته، نقل وانتقال ارتش آمریکا به بریتانیا طبق برنامه ای که در ژوئن سال ۱۹٤۲ تنظیم یافته بود، مقدور نگردید. در آن زمان ما امیدوار بودیم که ۲۷ لشگر آمریکایی بتوانند در آوریل سال ۱۹٤۳ در بریتانیا استقرار یابند، امّا اکنون ماه ژوئن سال ۱۹٤۳ در واقع هنوز فقط یک لشگر در اینجا استقرار یافته وتا ماه اوت نیز تنها ٥ لشگر اعزام خواهند شد. این امربه خاطر احتیاجات و نیازمندیهای جنگ علیه ژاپن، کمبود تناژ ومهمتر از همه ، گسترش لشگر کشی ها در شمال آفریقا بوده که نیروهای عظیمی از نازیها را جذب خود ساخته است. بعلاوه، کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو را که ما می خواستیم در ژانویه سال جاری برای حمله از طریق کانال(۳٦) مورد استفاده قرار بدهیم، تا این لحظه بطور کامل ساخته و آماده نشده اند وکشتی های موجود مخصوص پیاده کردن نیروها نیز اکنون برای برنامه عملیات بزرگی که به زودی در دریای مدیترانه به اجرا درخواهد آمد ، منظور گردیده اند. عدم اطمینان دشمن از اینکه نمی داند ضربه از کجا وارد خواهد آمد و این ضربه دارای چه توان وپتانسیلی است ، بنظر کارشناسان مورد اعتماد من، عاملی است که سومین حمله هیتلر به روسیه، حمله ای گسترده و پردامنه که کل جهات آن ازشش هفته پیش آماده بوده است را به تأخیر انداخته است. چه بسا ممکن است که کشور شما در تابستان امسال هم مورد تهاجم شدید آلمان قرار نگیرد. اگر چنین باشد ، در آنصورت این امر قطعاً آنچه را که

جنابعالی زمانی از آن به عنوان « ضرورت استراتژی» جنگ ما در دریای مدیترانه نام برده اید، تأیید می نماید . با وجود این ، در این رابطه ما باید در انتظار گسترش حوادث آینده باشیم.

۳- بدین ترتیب مسئله تنها درکمبود ذخایر، که مطرح می باشد، ویا در زمینه مشکلات حمله از طریق کانال که بطور دائم جنبه مهمتری پیدا می کند، نیست، بلکه مسئله در اینست که برای ما امکاناتی فراهم آمد که ما توانستیم در اجرای سیاستی مؤثر تر وثمر بخش تر، درصحنه ای دیگر اقدام نماییم وحق و وظیفه ایَجاب می نماید که ما براساس اعتقاداتمان ضمن مطلع ساختن شما از تغییرات حاصله در تصمیمات ونقطه نظراتمان در هریک از مراحل مربوطه که ناشی از ابعاد بسیار گسترده جنگ ورویدادهای آن می باشد، عمل نماییم.

۲۷ ژوئن سال ۱۹٤۳

سند شماره ١٦٨

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- عملیات« اسکیموس» (۳۹)بایستی در آینده بسیار نزدیک آغاز گردد. این عملیات نقل وانتقال پانصد هزار نفر را از طریق دریا به مرحله عمل در خواهد آورد وبدین منظور از ١٦٠٠ فروند کشتی غول پیکر و ۱۲۰۰ فروند کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو استفاده خواهد شد. در محدوده عملیات « اسکیموس» ، دشمن ۳۰۰ هزار نفر نیرو در اختیار دارد. بسیاری از مسائل بستگی به ضربه اول خواهد داشت. به محض دریافت اطلاعات کافی، جنابعالی را در جریان روند رویدادهای جنگ قرار خواهم داد.

۲- همچنین، در مدت ۷۰ روز، یقیناً، ما ۵۰ سفینه زیر دریایی دشمن را غرق ساخته‌ایم.

۳- من امیدوار هستم که در جبهه های شما همه چیز به خوبی جریان داشته باشد، خبرهای منتشره ازسوی آلمان درهم وبرهم وبی سروته بنظر می آید که این موضوع مبین آشفتگی ها است.

۸ ژوئیه سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱٦۹

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

هر دو ارتش انگلیس و آمریکا ظاهراً بطور موفقیت آمیز در حال پیاده شدن در ساحل می باشند. هوا مساعد تر می شود.

۱۰ ژوئیه سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷۰

نامه خصوصی ومحرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

من هم اکنون از جبهه بازگشته وتوفیقی بدست آوردم که نامه مورخ هفتم اوت(٤۲) دولت بریتانیا را مطالعه نمایم.

۱- من با دیداربین رهبران سه دولت که یقیناً امری دلخواه ومطلوب می‌باشد،موافقم. این ملاقات را باید در اولین فرصت ، پس از هماهنگ ساختن مکان وزمان آن با پرزیدنت روزولت، به مرحله عمل در آورد.

درضمن، باید به اطلاع برسانم که درشرایط کنونی حاکم بر جبهه شوروی -آلمان ، متأسفانه من نمی‌توانم محل را ترک کرده و جبهه را حتی برای یک هفته رها سازم. با اینکه ما در این اواخر به کسب موفقیت هایی در جبهه نائل آمده ایم، اما بهر حال ، ازنیروهای شوروی وفرماندهی شوروی خواسته شده

است که بخصوص در موقعیت وشرایط فعلی در ارتباط با عملیات جدید احتمالی دشمن ، تلاش فوق العاده و هوشیاری بیشتری از خود نشان دهند. و دراین رابطه من ناگزیرم که بیش از اوقات معمولی، اغلب به بازدید وسرکشی از نیروها و بخشهای مختلف جبهه هایمان بپردازم. در چنین شرایط مکانی وزمانی برای من مقدور نمی باشد که بتوانم برای دیدار ومذاکره با جنابعالی وپرزیدنت به «اسکاپا — فلوئو» یا نقطه دور دست دیگری عزیمت نمایم.

با وجود این، برای آنکه حل وفصل مسائل مورد علاقه کشورهایمان به آینده موکول نگردد، شایسته است ترتیبی اتخاذشود که نمایندگان مسئول دولت هایمان به ملاقات با یکدیگر بنشینند. البته، مکان وزمان انجام دیدار سران سه کشور رامی توان ضمن هماهنگی، برای آینده بسیار نزدیک تعیین نمود.

ضمناً، سلسله مسائلی که مورد بحث وتبادل نظر قرار خواهند گرفت وهمچنین پیشنهاداتی که مورد طرح وتصویب واقع خواهند شد بایستی از پیش مشخص وتعیین گردند. بدون رعایت جوانب این امر، بعید بنظر می رسد که این ملاقات نتایج محسوس وملموسی را حاصل نماید.

۲- موقع را برای عرض تبریک وشادباش به دولت بریتانیا وقوای انگلیسی و آمریکایی به مناسبت اجرای عملیات بسیار موفقیت آمیز در سیسیل که موجب سقوط موسولینی وشکست باند او گردیده است، مغتنم می شمارم.

۹ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷۱

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱-تلگرام مورخ ۹ آوریل جنابعالی فرصتی فراهم آورد که من بتوانم صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت موفقیت های فوق العاده چشمگیری که اخیراً ارتشهای روسیه در نواحی آریول وبلگراد بدست آورده و راهگشای حملات آینده شما در خط «بیریانسک» و« خارکوف» گردند ، به حضور جنابعالی تقدیم نمایم.

شکست ارتش آلمان در این جبهه ، یک مرحله از راهی است که به پیروزی نهایی ما منجر می شود.

۲-من به منطقه استحکامات دفاعی کبک وارد شده وامروز برای دیدار با پرزیدنت روزولت عازم اقامتگاه خصوصی ایشان خواهم بود. ستادها نیز در اینجا بطور همزمان تشکیل جلسه خواهند داد. پرزیدنت ومن در پایان هفته به آنها ملحق می شویم. من تلگرام جنابعالی درباره ملاقات نمایندگان مسئول ما در آینده نزدیک را که بسیار مورد توجه می باشد، به پرزیدنت نشان خواهم داد.

من کاملاً درک می کنم که شما در این دوره حساس وبحرانی ، بویژه در این زمان که جنابعالی شخصاً عملیات پیروزمندانه ارتش های خود را عهده دار می باشید، قادر به ترک جبهه های جنگ نمی باشید.

۳-از ارسال تبریکاتتان به مناسبت موفقّیت های ما در سیسیل، موفقیت هایی که ما مشترکا جهت گسترش کامل آن تلاش مستمر داشته ، به منظور آنکه در اجرای عملیات«اورلرد»(٤۳) بی هیچ خسارت و آسیب به توفیق نائل آییم، از جنابعالی تشکر می‌کنم. البته ، وضعیت وامور جاری ما در تمامی بخش ها نسبت به سال گذشته که ما درمسکو با هم ملاقات داشته ایم، به مراتب رضایت بخش تر است.

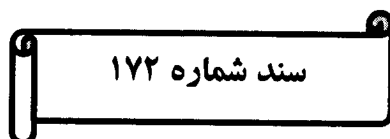
٤- من برای جنابعالی یک دستگاه کوچک استریو سکوپی با تعداد زیادی دیاپوزیتیف عکاسی که نشان دهنده خسارات ناشی از بمبارانهای ما به شهرهای آلمان می باشد، ارسال می دارم. آنها تصاویر را به مراتب جالب وزنده تر از آنچه که بتوان از طریق عکس مشاهده کرد، نشان می دهند. من امیدوار هستم که جنابعالی فرصت آن را داشته باشید که بتوانید نیمساعت از وقت خود را برای دیدن آنها اختصاص دهید. بدین طریق ما اطلاع دقیق یافته ایم که ۸۰٪ از خانه های شهر هامبورگ به ویرانی کشیده شده است. فرارسیدن شب های بلند برای آینده نزدیک ما فعلاً یک مسئله می باشد. بهر حال برلن بازهم مورد خرابیهای بیشتری قرار خواهد گرفت. این امرفقط بستگی به هوا خواهد داشت.

انهدام وویرانی طی چندشب و روز آینده به مراتب شدید تر از آنچه که تا بحال اتفاق افتاده، ادامه خواهد داشت.

۵-در رابطه با جنگ زیر دریایی باید بگویم که ما در طول ماههای مه، ژوئن و ژوئیه تقریباً هر روز یک سفینه ازسفاین زیر دریایی دشمن را منهدم ساخته ایم، درصورتی که تلفات وضایعات ما به مراتب کمتر از آن تعدادی بوده که ما انتظار آنرا داشته ایم. برد کامل ما در قدرت بارگیری تازه بسیار

چشمگیر است. تمام این عوامل موجب تسهیل در ایجاد جبهه های بزرگ ونیرومند انگلیسی- آمریکایی علیه آلمانیها می گردد وهمانطور که من با جنابعالی موافق می باشم، ایجاد این جبهه ها در کوتاه کردن زمان جنگ ضرورت دارد.

۱۲ اوت سال ۱۹۴۳



نامه فوق العاده محرمانه وخصوصی
پرزیدنت روزولت وچرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱۵ اوت سفیر بریتانیا در مادرید اطلاع داد که ژنرال کاستل یانو(٤٤) از طرف بادال‌ئو و با دردست داشتن معرفی نامه ای از جانب وزیر مختار بریتانیا در واتیکان وارد مادرید گردیده است. ژنرال اظهار می دارد که وی به نمایندگی ازطرف بادال‌ئواختیار تام یافته است به اطلاع برساند که ایتالیا درصورتی حاضر به تسلیم بدون قید و شرط خواهد بود که بتواند به متفقین ملحق گردد.

پس از آن وزیر مختار بریتانیا در واتیکان نیز نامه ای از مارشال بادال ئو دریافت می‌دارد که به موجب آن بادال ئوژنرال کاستل یانو را با اختیارات تام به نمایندگی خود بر گزیده است . بدین ترتیب ، این موضوع باید یک پیشنهاد جدی ومحکم باشد.

ما قصد هیچ مذاکره ومعامله پنهانی وپشت پرده ای را با دولت بادال ئو به منظور آنکه ایتالیا را به انتخاب موضع جدید تشویق وترغیب سازیم، نداریم، اما در صورت اقدام به این امر، روند امور جاری ما بطرز چشمگیری تسریع خواهد یافت.

احتمالاً، ما تا پایان این ماه حمله خود به کشور ایتالیا را آغاز خواهیم کرد ویک هفته پس از آن به تهاجمی گسترده ودامنه دار با نام مستعار« آوالانش » (٤٥) اقدام خواهیم نمود.

به احتمال بسیار قوی، مقاومت دولت بادال ئو طولانی نخواهد بود.

آلمانیها در خارج از رم یک لشگر زرهی ویا بیشتر در اختیار دارند که به محض آنکه حدس بزنند دولت با دال ئو قصد فریب آنها را دارد ، در موضعی از قدرت ، بلافاصله این دولت را سرنگون ساخته واز عناصر فاشیستی به ریاست یکی مانند « فارینا چی» یک دولت کوئیسلینگی(کوئیسلینگ لیدر فاشیست های نروژی بوده که درسالهای ۳۳-۱۹۳۱ عهده دار وزارت جنگ می شود و در فوریه سال ۱۹٤۲ پست نخست وزیری دولت نروژ را تصاحب می کند، پس از رهایی نروژ، براساس رای دادگاه این کشور به اعدام محکوم وتیرباران می گردد. نام کوئیسلینگ بعنوان سمبلی از دولت های دیکتاتور شهرت می یابد- مترجم) تشکیل خواهند داد.

یا ممکن است با دال ئو با شکست مواجه گردد که در آنصورت درسراسر ایتالیا هرج ومرج و آشوب بر پا خواهد شد.

با در نظر داشتن اوضاع وشرایط موجود، رؤسای ستاد مشترک(۳۷) دستور العملهای زیررا که از نظر تدابیر دیپلماسی جنگ مورد تأیید پرزیدنت ونخست

وزیر قرار گرفته است ، تهیه وبرای ژنرال آیزنهاور به عنوان فرماندهی کل عملیات ارسال داشته اند:

« رؤسای ستاد مشترک، با تأیید وتصویب پرزیدنت ونخست وزیر ، به شما دستور می دهند که در اسرع وقت دو افسر ستاد یکی آمریکایی ودیگری انگلیسی را به ماموریت لیسبون اعزام نمایید. آنها وظیفه دارند که پس از ورود به آنجا بلافاصله به سفیر بریتانیا مراجعه نمایند. آنها باید اسناد مربوط به شرایط متارکه جنگ را که مورد موافقت قرار گرفته وما آنها را برای شما ارسال داشته ایم ، همراه خود داشته باشند. سفیر بریتانیا در لیسبون براساس دستورالعملهای موجود در نزد خود ترتیب انجام ملاقات با ژنرال «کاستل یانو » را خواهد داد.

افسران ستاد شما در این ملاقات حضور خواهند یافت.

دراین دیدار موارد لازم طبق مندرجات زیر به اطلاع ژنرال کاستل یانو خواهد رسید:

۱- الف- تسلیم بدون قید وشرط ایتالیا طبق شرایطی که در اسناد قید گردیده، این اسناد قطعاً باید به وی تسلیم گردد، انجام خواهد گرفت. (سپس بایستی شرایط مورد توافق متارکه جنگ با ایتالیا که ما آنرا قبلاً برای شما ارسال داشته ایم، در اختیار ژنرال کاستل یانو قرارگیرد وبه او خاطر نشان گردد که این شرایط شامل قراردادهای سیاسی، اقتصادی ویا مالی که بعداً بطور جداگانه تهیه وبه طریقه های دیگری به او تسلیم خواهدشد، نخواهد گردید. (٤٦)

ب- این شرایط ، کمک مجّدانه ایتالیا در جنگ علیه آلمان را لحاظ نمی‌دارد. شرایط به نسبت کمکهای ایتالیا بستگی خواهد داشت و آن بر حسب میزان کمکهای واقعی دولت و ملت ایتالیا به ملل متفق در جنگ علیه آلمان ، درزمان باقیمانده از جنگ، به نفع ایتالیا قابل تغییر خواهد بود. و ملل متفق بدون قید وشرط اعلام می دارند که هر جا که نیروهای ایتالیایی ویا مردم ایتالیا علیه آلمانیها به مبارزه برخیزند ، هر جا که اموال آلمانیها را به ویرانی بکشانند، هر چقدر که از حرکت وپیشروی آنان جلوگیری بعمل آورند، در مقابل از کلیه امکانات وحمایت کامل نیروهای ملل متفق بر خوردار خواهند شد. ضمناً، چنانچه اطلاعات وگزارشهای مربوط به دشمن سریع ومنظم ارسال گردد، بر حسب امکانات ، بمباران هایی که باید توسط متفقین انجام گردد، متوجه نقاطی خواهد شد که برای نقل وانتقال ، پیشروی وهمچنین عملیات نیروهای آلمانی از درجه اهمیت بیشتری بر خوردار خواهد بود.

پ- عملیات جنگ بین کشورهای متفق وایتالیا در روز وساعتی قطع خواهد شد که ژنرال آیزنهاور اعلام خواهد نمود.

(توضیح: ژنرال آیزنهاور باید خبر قطع جنگ را چندساعت قبل از پیاده شدن نیروهای عظیم متفقین در ایتالیا اعلام نماید.)

ت- دولت ایتالیا بایستی مسئولیت اعلان متارکه جنگ را ، بلافاصله پس از ابلاغ ژنرال آیزنهاور نسبت به این متارکه، بر عهده گرفته و از همان ساعت دستور همکاری با متفقین را برای نیروها وملت خود صادر کرده و از آنان بخواهد که علیه آلمانیها به مقابله ومقاومت بپردازند.

(توضیح: همانطور که در ماده ۲ بند پ(٤٧) روشن می باشد به دولت ایتالیا چند ساعت مهلت داده خواهد شد.)

ث- دولت ایتالیا در لحظه اعلان متارکه جنگ باید بلافاصله نسبت به آزادی کلیه اسرای جنگی کشورهای متفق که در معرض خطر اسارت آلمانیها قرار گرفته اند، دستور مقتضی صادر نماید.

ج- دولت ایتالیا در لحظه اعلان متارکه جنگ باید نسبت به اعزام نیروی دریایی ایتالیا و اعزام هر چه بیشتر کشتی های باری به سوی بنادر متفقین دستوراتی صادر کرده و هر چه بیشتر، هواپیماهای جنگنده را به سمت پایگاههای متفقین به پرواز در آورد وتمامی کشتی ها و هواپیماهایی را که در معرض خطر ضبط ومصادره می باشند، نابود سازد.

۲-به ژنرال کاستل یانو باید اطلاع داده شود که درعین حال بادال ئو می تواند بسیاری اقدامهای مشابه دیگر را نیز به همین صورت به انجام رساند ، مشروط برآنکه آنچه را که او در دست تهیه و تدارک دارد، از دید ونظر آلمانیها مخفی وپوشیده باقی بماند. تعین نوع دقیق وحجم عملیات وتدارکات ابتکاری با دال ئو مستقیماً به نظر وصلاحدید وی بستگی خواهد داشت. اما او باید از خط مشی کلی زیر پیروی نماید:

الف- چنانچه درسطح کشور به کلیه مقامهای محلی دستور مقاومت منفی سراسری می دهد، این امرنباید برای آلمانیها روشن وملموس گردد.

ب- اجرای اعمال خرابکارانه وتخریبی جزئی در سطح مملکت از جمله در ارتباطات و فرودگاههایی که مورد استفاده آلمانیها می باشند.

پ- حفظ ومراقبت از اسرای متفقین . چنانچه آلمانیها فشار آورده وخواسته باشند که برای تحویل اسرا به زور توسل یابند، در آنصورت باید اسرا را آزاد سازند.

ت- از کشتی های جنگی ایتالیایی حتی یک فروند هم نباید در اختیار آلمانیها قرار گیرد. تدابیری باید اتخاذ شود که امکان نقل وانتقال همه این کشتی ها به بنادری که ژنرال آیزنهاور نام خواهد برد، میسر گردد و به محض صدور دستور مربوطه از جانب ژنرال، این امر سریعاً به مورد اجرا گذاشته شود.سفینه های زیر دریایی ایتالیا نباید از گشت های عملیاتی وماموریت های جنگی خود فرا خوانده شوند، زیرا که این اقدام مقاصد مشترک ما را برای دشمن فاش خواهد کرد.

ث- هیچیک ازکشتی های باری نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. کشتی‌های باری مستقر در بنادر شمالی باید بر حسب امکانات به بنادری که در قسمت جنوبی خط ونیز- لیورنو قرار دارند انتقال داده شوند. در غیر اینصورت این کشتی ها باید غرق شوند. تمام کشتی هاباید آماده حرکت به سوی بنادری باشند که ژنرال آیزنهاور تعیین خواهد کرد.

ج- به آلمانیها نباید اجازه داده شود که استحکامات دفاع ساحلی ایتالیا را به تصرف خود در آورند .

چ - در لحظه موعودو مقرر دستورات صادره بایدبه نیروهای ایتالیایی مستقر در بالکان به منظور عزیمت آنها به سمت ساحل ابلاغ گردد تا متفقین بتوانند نسبت به انتقال آنان به ایتالیا اقدام نمایند.

۲ـنمایندگان ژنرال ایزنهاور به اتفاق ژنرال کاستل یانو باید در ایجاد یک کانال ارتباطی قابل اطمینان بین ژنرال آیزنهاور وستاد فرماندهی ایتالیا اقدام لازم بعمل آورند».

(در اینجا متن پیام ارسالی برای ژنرال آیزنهاور به پایان می رسد).

با پرداختن به مسئله ای دیگر، به اطلاع می رسانیم که براساس تصمیمات متخذه در «ترایدنت» (٤٨) ، دولت سلطنتی انگلستان بخاطر دریافت« کمربند نجات»(٤٩) از کشور پرتغال به منظور اجرای عملیات دریایی وهوایی وارد مذاکره با این کشور شده است. در رابطه با این موضوع سفیر اعلیحضرت در لیسبون با استناد به قرارداد مربوط به اتحاد بین انگلیس و پرتغا ل که ٦٠٠ سال است بطور مستمر وپیوسته بر طبق آن عمل می شود وهیچگاه از درجه اعتبار ساقط نگردیده، ازکشور پرتغال خواسته است تا امکانات وتسهیلات لازمه را در اختیار ماقرار دهد. دکتر « سالازار»، البته از بیم انتقام آلمانیها که ممکن است منجر به بمبارانهای هوایی شود ونیز از اینکه مبادا مورد حرکت های خصمانه اسپانیائیها قرار گیرد، شدیداً نگران است. و به این علت ما برای کشور پرتغال توپخانه ضد هوایی وهواپیما های شکاری اختصاص داده ایم که در حال حاضر این تجهیزات ارسال ودر راه به سمت این کشور می باشند وما همچنین به اطلاع دکترسالازار رسانده ایم که چنانچه اسپانیا علیه پرتغال دست به حمله بزند، ما به اسپانیا سریعاً اعلان جنگ خواهیم داد وهر کمکی را که بتوانیم، برای کشور پرتغال انجام می دهیم. البته ، ما قرارداد نظامی مشخصی را که مبتنی بر اعزام قوا به آن کشور باشد به امضاء نرسانده ایم، زیرا که ما به احتمالات نه آن ونه این اعتقادی نداریم. اکنون دکتر سالازار موافقت خود را

نسبت به این مسئله که انگلیسی ها، در اوایل اکتبر ، با همکاری پرتغالیها می توانند از « کمربند نجات» استفاده نمایند، اعلام داشته است . به محض استحکام یافتن مواضع ما در آنجا وفراغت دکتر سالازار از نگرانیهای خود،ما نسبت به گسترش امکانات ، از جمله افزایش کشتی وهواپیماهای ایالات متحده پافشاری خواهیم کرد.

داشتن « کمربند نجات» اهمیت فراوانی درجنگ دریایی دارد.

سفینه های زیر دریایی، آتلانتیک شمالی را ترک کرده ودر مسیر جنوب تمرکز یافته اند. در دریائی که از طریق آن کاروان های(۲) کشتی از اواسط ماه مه بدون تلفات در حرکت می باشند، استفاده از «کمربند نجات» برای حملات هوائی بسیار مفید می‌باشد. بعلاوه ، این امر نقل وانتقال هواپیماهای بمب افکن سنگین ایالات متحده آمریکا به اروپا و آفریقا را که کاملاً مورد نظر می باشند، فراهم می آورد. کلیه مطالب فوق دارای ماهیت اجرایی بسیار محرمانه می باشد.

۱۹ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷۳

نامه روزولت رئیس جمهور و چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

آقای چرچیل ومن(۵۰)، در اینجا در کنار همکاران خود می باشیم واحتمالاً طی ۱۰ روز آینده تشکیل جلسه خواهیم داد. ما یکبار دیگر

می خواهیم که توجه جنابعالی را به اهمیت ملاقات سه جانبه میان خود معطوف سازیم. در عین حال، ما از دلایل محکمی که جنابعالی را به حضور در جبهه های جنگ مجبور می سازد، جبهه هایی که وجود شخص شما در آنجا به منزله کسب پیروزی بوده وحائز اهمیت است ، آگاهی کامل داریم.

به اعتقاد ما، نه آستراخان ونه آرخانگل محلهای مناسبی برای برگزاری ملاقاتمان بنظر نمی آیند. اما، ما کاملاً آماده ایم که با افسران مربوطه به «فربنسک» واقع در آلاسکا عزیمت نماییم. ما در آنجا با مشارکت شما می توانیم به طور کامل درباره کلیه امور جاری به بحث وبررسی بپردازیم.

مافعلاً نگران لحظه سرنوشت ساز جنگ می باشیم، لحظه ایکه در نوع خود فقط یکبار فرصت انجام چنین ملاقاتی رابرای ما فراهم می آورد. ما هر دوجانب،آقای چرچیل و من، صمیمانه امیدوار هستیم که جنابعالی یکبار دیگر امکان انجام این دیدار سه جانبه را مورد بررسی قرار دهید.

چنانچه ما نتوانیم نسبت به برگزاری ملاقات بسیار مهم رهبران سه دولت به توافق برسیم، آقای چرچیل ومن با نظر شما در این زمینه که ما ترتیبی اتخاذ نمائیم که در آینده بسیار نزدیک نمایندگان برجسته وخبره ما در امور خارجه به دیدار وگفتگوی با یکدیگر بنشینند ، موافقیم. البته اخذ تصمیم های نهائی بر عهده دولت های مربوطه خواهد بود. اینگونه ملاقات ها دارای جنبه های تحقیقاتی و پژوهشی خواهند بود.

ظرف ۳۸ روز ژنرال آیزنهاور و ژنرال الکساندر سیسیل را به تصرف خود در آوردند.

تعداد مدافعین دولت های محور در مجموع بالغ بر ٤٠٥ هزار نفر: ۳۱۵ هزار نفر ایتالیائی و۹۰ هزار نفر آلمانی بوده اند. ما حمله را با ۱۳ لشگر آمریکائی و انگلیسی آغاز کرده ونزدیک به ۱۸ هزار نفر کشته وزخمی داده ایم. نیروهای دشمن ۳۰ هزار نفر کشته وزخمی بر جای گذاشته اند:

۲۳ هزار نفر آلمانی و ۷ هزار نفر ایتالیائی جمع آوری وشمارش شده اند. ما تعداد ۱۳۰ هزار نفر از سربازان دشمن را نیز به اسارت در آورده ایم.

نیروهای ایتالیائی در سیسیل، به استثنای تعدادی که با لباسهای مبدل به دهات وروستاهای اطراف گریخته اند، بقیه کاملاً نابود شده اند. مقادیر فراوانی غنائم جنگی شامل توپ، هواپیما وانواع سلاح های متفرقه که درهمه جا پراکنده شده بود، به انضمام بیش از ۱۰۰۰ فروند هواپیما که درفرودگاههای مختلف آشیانه داشته اند، بدست آورده‌ایم.

همانطور که در گذشته به اطلاع شما رسانده ایم ، ما بزودی حمله شدید و قدرتمند خود را به کشور ایتالیا آغاز خواهیم کرد.

چرچیل - روزولت

۱۹ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷٤

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیربه فرانکلین روزولت رئیس جمهور و وینستون چرچیل نخست وزیر

۱-نامه شما را پیرامون مذاکره با ایتالیائیها و شرایط جدید متارکه جنگ با ایتالیا را دریافت نمودم . بخاطر اطلاعاتی که ارسال فرموده اید ،از شما تشکر می کنم.

آقای «ایدن» به «سابالیوف» اظهار داشته است که اخبار مربوط به مذاکره با ایتالیا ، در سراسر مسکو پخش گردیده است . اما من باید به استحضار شما برسانم که اظهارات ایدن با واقعیت مطابقت نمی کند،زیرا من نامه شما را با قلم افتادگیهای بسیار و قسمتهائی ناقص دریافت داشته ام (۵۱). بنابر این با توجه به این امر باید بگویم که دولت شوروی از مذاکرات دو جانبه کشورهای انگلیس و آمریکا از یک طرف و ایتالیا از طرف دیگر بی اطلاع بوده است . آقای «کر» اظهار اطمینان می کند که به زودی متن کامل نامه شما را دریافت می دارد، اما اکنون با گذشت سه روز آقای سفیر کرهنوز متن کامل نامه شما را به ما تسلیم نداشته است . برای من روشن نیست که چطور ممکن است در ارسال اخبار و اطلاعاتی به این مهمی تا این اندازه تأخیر به وجود آید.

۲- من فکر می کنم زمان آن رسیده است که ما یک کمیسیون نظامی - سیاسی با شرکت نمایندگان سه کشور ایالات متحده آمریکا،بریتانیای کبیر و

اتحـاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به منظور بررسی مسائل مربوط به مذاکره با دولـت هـای مختلفی که از آلمان جدا می شوند ، تشکیل دهیم. تا امروز اینطور عمـل مـی شده که ایالات متحده آمریکا و انگلیس با یکدیگر بطور جداگانه به توافـق مـی رسـیده انـد و اتحـاد جماهیـر شـوروی سوسیالیستی به عنوان سومین کشـور و ناظـری غیـر فعـال ، فقـط به دریافت اخبار و اطلاعات مربوط به نتایج گفـتگوهای خصوصی دو جانبه آنان دست می یافته است . من باید به استحضار برسـانم کـه از ایـن لحظـه ادامـه چنـین وضـعی غیر قابل تحمل خواهد بود . من ایجـاد چنـین کمیسیونی را پیشنهاد و توصیه می کنم که مکان اولیه این اجلاس در سیسیل تعیین گردد.

۳- در انتظار دریافت متن کامل نامه شما درباره مذاکرات با ایتالیا می باشم.

۲۲ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷۵

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر و روزولت رئیس جمهور

۱-نامـه مشـترک ۱۹ اوت شـما را دریافـت نمـودم . مـن بـا شما و پرزیدنت روزولـت در مـورد اهمیتـی که ملاقات سه جانبه ما می تواند داشته باشد، کاملاً هم عقیده ام . اما ، با وجود این ، از شما خواهش می کنم که شرایط و موقعیت مرا درک بفرمایید ، خاصه در این لحظه که ارتش های ما با عملیات فوق العاده

شدید خود در حال نبرد با نیروهای اصلی و عظیم هیتلر بوده و اینکه هیتلر نه تنها اقدامی نسبت به انتقال لشگری از جبهه های ما به عمل نیاورده است .بلکه بر عکس ، به افزایش نیروهای خود نیز مبادرت کرده و اکنون لشگریان جدید و تازه نفسی را به سوی جبهه های شوروی- آلمان گسیل داشته است . براساس نظریه کلیه همکارانم در چنین شرایطی من نمی توانم بی آنکه عملیات جنگی ما متأثر از آسیب نباشد، جبهه را به قصد نقطه دوری چون فربنسک ترک نمایم، هر چند که در شرایطی غیر از این ما می توانستیم فربنسک را به عنوان مناسب ترین محل برای دیدارمان به شمار آوریم ، همانطور که در گذشته نیز آن را مناسب یافته بودیم.

درباره دیدار و ملاقات نمایندگان دولت های ماکه به طور اختصاصی باید از نمایندگان خبره و مطلع امور خارجه باشند،باید به اطلاعتان برسانم که من با پیشنهاد شما مبنی بر انجام چنین ملاقات مفید و سودمندی که در آینده نزدیک صورت پذیرد موافقم . اما، برای این ملاقات صرفاً نباید جنبه تحقیقاتی و پژوهشی قائل شد، بلکه برای آن باید ویژگی های تجربی و مقدماتی منظور نمود . زیرا پس از این جلسه ، دولت های ما تصمیمات مشخصی را اتخاذ خواهند کرد و با استناد به ماهیت این جلسه خواهد بود که می توان از تأخیر تصمیم گیری های مربوط به مسائل فوری پرهیز به عمل آورد.

بنابر این ، عطف به پیشنهاد قبلی خود لازم می دانم دوباره خاطر نشان سازم که کلیه مسائلی را که نمایندگان سه دولت ما می خواهند مورد بررسی و تبادل نظر قرار دهند و همچنین پیشنهاداتی را که آنان باید درباره آنها به بحث و

گفتگو بپردازند و سپس جهت تصمیم گیری نهایی تقدیم به دولت متبوع خود نمایند، باید از قبل مشخص گردد.

۲- دیروز از آقای «کر» ضمائم الحاقی و اصلاحیه های مربوط به نامه شما و پرزیدنت روزولت را که طی آن شما درباره دستورالعمل هایی که برای ژنرال آیزنهاور در رابطه با شرایط نهایی تسلیم ایتالیا به هنگام مذاکره با ژنرال کاستل یانو ارسال فرموده اید، دریافت نمودم. من و همکارانم معتقدیم که دستور العملی را که شما برای ژنرال آیزنهاور ارسال داشته اید، از آن لحاظ که بر اساس تسلیم بدون قید و شرط ایتالیا تهیه و تنظیم گردیده است، بنابراین نمی تواند موردی را برای مخالفت به وجود آورد.

با این حال، من اطلاعات به دست آمده تا این ساعت را برای شور و قضاوت در زمینه انجام اقدامهای ضروری از جانب متفقین به هنگام مذاکره با ایتالیا را بهیچوجه کافی نمی دانم. این امر ضرورت شرکت نماینده شوروی در مذاکرات و اخذ تصمیم گیری های لازم را مورد تأیید قرار می دهد. بنابر این من فکر می کنم که زمان تشکیل کمیسیون نظامی - سیاسی سه جانبه با شرکت نمایندگان سه کشور که پیرامون آن در نامه ۲۲ اوت خود اشاره داشته ام، فرا رسیده است.

۲۴ اوت سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۷٦

تاریخ دریافت نامه ٢٦ اوت سال ۱۹٤۳

از روزولت و چرچیل به استالین*

درجلسه ای که در «کبک» تشکیل گردید و اکنون به پایان رسید ، ما راجع به عملیات جنگ و اقدامهای مربوطه ای که باید در سال های ۱۹٤۳ و ۱۹٤٤ به مورد اجرا گذاشته شود،تصمیماتی را به شرح زیر اتخاذ نمودیم :

ما از پایگاههای مستقر در بریتانیای کبیر و ایتالیا بمبارانها و حملات هوایی خود علیه آلمان را با ابعاد گسترده ای ادامه خواهیم داد . هدف از این حملات هوایی انهدام نیروی هوایی آلمان ، متلاشی ساختن سیستم های جنگی ، اقتصادی و صنعتی این کشور و آماده سازی تدارکات مربوط به حمله از طریق کانال (٣٦) خواهد بود . در حال حاضر در بریتانیای کبیر تمرکز نیروهای مسلح آمریکایی در مقیاسی بزرگ و وسیع جریان دارد. بدین ترتیب ، لشگریان آمریکایی و انگلیسی به منظور اجرای عملیات لازمه در آن سمت کانال، تجمع خواهند کرد . به محض آنکه در منطقه ، استحکامات سر پل احداث گردد، این استحکامات پیوسته بوسیله نیروهای کمکی آمریکا که در ماه از سه تا پنج لشگر به آن اضافه خواهد شد ، تقویت خواهند یافت. این عملیات در واقع عمده ترین اقدامهای مشترک هوایی و زمینی آمریکا و انگلیس علیه دولت های محور خواهد بود . جنگ در دریای مدیترانه باید با شدت ادامه داشته باشد. اهداف ما در این منطقه ، جداسازی ایتالیا از اتحاد با دولتهای محور ،

اشغال کشور ایتالیا و همچنین تصرف جزیره کرس و جزیره «ساردنی» به عنوان پایگاههای عملیاتی ما علیه آلمان خواهد بود.

عملیات ما در بالکان در چار چوب تأمین پارتیزانهای بالکانی از طریق هوا، دریا و لنگرگاههای کوچکی که مخصوص پیدا کردن نیرو است و همچنین بمباران مناطق استراتژی محدود خواهد بود. در اقیانوس آرام و جنوب شرقی آسیا عملیات ما علیه ژاپن سرعت خواهد گرفت. قصد و هدف ما نابودی ذخائر هوائی و ناوهای دریایی ژاپن، قطع ارتباطات این کشور و تأمین پایگاههایی برای خود خواهد بود که بتوانیم از آنجا خود ژاپن را زیر بمباران های خود درآوریم.

سند شماره ۱۷۷

تاریخ دریافت نامه ۲۹ اوت سال ۱۹٤۳

از نخست وزیر و رئیس جمهور به مارشال استالین

ما اکنون در حال بررسی پیشنهادات شما می باشیم و تقریباً به این اعتقاد دست یافته ایم که برنامه ملاقات نمایندگان وزارت امور خارجه سه کشور و همینطور برنامه تشکیل اجلاس سه جانبه سران، هر یک به نحوی می تواند نظرات سه دولت ما را تأمین نماید. نخست وزیر و من در اوایل هفته آینده دوباره با یکدیگر ملاقات خواهیم داشت و از نوبا جنابعالی تماس تلگرافی برقرار خواهیم ساخت.

سند شماره۱۷۸

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

آیـا جنابعالـی نظر خود را نسبت به حضور نمایندگان کمیته ملی آزادیبخش فرانسـه در کمیسیون مربوط به مذاکره با ایتالیا بیان خواهید فرمود ؟ چنانچه نظر شـما مثبت باشـد ، در آن صـورت مـن ایـن مطلـب را در ایـنجا (۵۲) عـنوان مـی کـنم. البـته ، کمیـته بـرای شـرکت در ایـن جلسـه از اصـول ومبانی معتبری بـرخوردار می باشد، و بدین ترتیب می توان به حضور او در صحنه اهمیت داده و او را شاخص تر مطرح ساخت.

۳۰ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۷۹

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نظـر خـود را نسـبت بـه حضـور نمایندگان کمیته ملّی آزادیبخش فرانسه در کمیسـیون مـربوط بـه مذاکره با ایتالیا بیان می دارم : اگر جنابعالی ضرورت این امـر را صـلاح می دانید، در آن صورت می توانید مراتب را از جانب دو دولت اعلام بفرمائید.

۳۱ اوت سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۸۰

نامه کاملاً محرمانه و خصوصی پرزیدنت روزولت و چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- ما از ژنرال «چ» اطلاعیه ای مبنی بر آمادگی ایتالیائیها و حرکت او برای امضای قرارداد دریافت داشته ایم ، اما ما بطور مشخص نمی دانیم که این اطلاعیه فقط به قرارداد شرایط محدود نظامی که جنابعالی آن را ملاحظه فرموده اید مربوط می شود و یا به قرارداد شرایط کلی و جامعی که شما آمادگی خود را نسبت به امضای آن خاطر نشان کرده اید (۵۳) نیز ارتباط می یابد.

۲- شرایط جنگ در آنجا به صورت همزمان ، هم بحرانی است و هم امیدوار کننده . حمله به قاره تقریباً به زودی آغاز خواهد شد ،حدوداً هفته آینده ، همان زمانی که ضربه شدید تحت نام «آوالانش» (۴۵)فرود خواهد آمد. دولت و ملت ایتالیا به هنگام رهایی از چنگ هیتلر با مشکل روبرو خواهند شد و آنجا است که به اقدامهای شجاعانه تری نیاز است و برای این منظور ایتالیائیها باید آنچه را که در توان دارند در جهت کمک به ژنرال ایزنهاور ارائه نمایند . پذیرش شرایط بوسیله ایتالیائیها، تسهیلات چشمگیری را درامور فراهم خواهد آورد، بدین طریق که ما یک لشگر چترباز را به منظور کمک به آنها و جلوگیری از عملیات آلمانیها که نیروهای زرهی خود را در نزدیکی رم متمرکز ساخته و قصد تشکیل یک حکومت «کوئیسلینگی» احتمالاً به رهبری

فاریناچی را بجای دولت بادال ئو در سر می پرورانند ، به رم اعزام خواهیم داشت . ما اعتقاد داریم که چون در آنجا امور با سرعت قابل ملاحظه ای در حال گسترش است ، بنابر این به ژنرال آیزنهاور باید اختیارات تام داده شود تا او بتواند حل مسائل مربوط به ایتالیائیها را به صرف عدم تطابق میان شرایط کلی و جامع و شرایط مختصر و محدود به بعد موکول ننماید، البته، روشن است که شرایط مختصر و محدود در بطن شرایط کلی استتار یافته و اساس آن بر تسلیم بدون قید و شرط استوار می باشد و اینکه مواد دهگانه شرایط محدود(٥٤) حق هرگونه تعبیر و تفسیری را برای فرماندهی کل قوای متفقین محفوظ داشته است.

۳- بنابر این ، ما گمان می کنیم که جنابعالی موافقت خواهید داشت که ژنرال آیزنهاور به نمایندگی از طرف شما نسبت به امضاء قرارداد مربوط به شرایط محدود اقدام نماید ، البته ، در صورتی که این امر ، به منظور پرهیز از مسافرت های ژنرال «چ» به رم که موجب وقفه و رکود در کارها خواهد شد و عدم اطمینانی که احتمالاً بر عملیات جنگ تأثیر خواهد گذاشت ، ضرورت عینی داشته باشد. بدیهی است که ما بسیار علاقه مندیم که ایتالیائیها بدون چون و چرا در برابر شوروی و همچنین در برابر بریتانیای کبیر و ایالات متحده تسلیم شوند. تاریخ خبر مربوط به تسلیم ، یقیناً با حمله نظامی ما منطبق خواهد شد.

روزولت

چرچیل

سوم سپتامبر سال ١٩٤٣

سند شماره ۱۸۱

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
چرچیل نخست وزیربه مارشال استالین

۱-درباره کمیسیون نظامی:

ما با پرزیدنت روزولت پیشنهاد جنابعالی پیرامون تشکیل کمیسیون نظامی - سیاسی متشکل از نمایندگان سه کشور را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادیم. پرزیدنت شخصاً شرحی از نقطه نظرات خود را برای جنابعالی ارسال خواهند داشت.

۲-اگر قرار باشد که کمیسیون بطور رسمی تشکیل گردد. بنابر این من در ارتباط با تشکیلات و اختیارات مربوطه آن پیشنهاداتی را به شرح زیر به اطلاع شما می رسانم و گمان می کنم که پرزیدنت نیز نسبت به این پیشنهادات ،نظر موافق داشته باشند. البته ، ایشان بطور جداگانه برای جنابعالی یک نامه خصوصی ارسال خواهند داشت.

۳-در رابطه با مکان برگزاری جلسه باید خاطرنشان سازم که چنانچه جنابعالی تصمیم گرفته اید که سیسیل را به عنوان محل برگزاری کمیسیون تعیین نمایید، من موافقم. اما ، من فکر می کنم که تونس و یا الجزایر که مرکز و اقامتگاه اصلی متفقین را تشکیل می دهد برای این منظور مناسب تر باشد. به هر حال آزمایش هر دو محل بی ضرر خواهد بود.

٤-من پیشنهاد می کنم که اعضاء کمیسیون ، از نمایندگان سیاسی منتخب سه دولت تشکیل گردند و هر یک از آنان گزارشات مربوط به کار کمیسیون

را مستقیماً به دولت متبوع خود تقدیم نماید.البته ، کمیسیون نباید، خارج از دستور کار و یا فراتر از آنچه که دولتهای ذینفع تعیین خواهند کرد ،عمل نماید. احتمال دارد که نمایندگان به کمک مشاوران نظامی خود هم نیاز داشته باشند . نمایندگان سیاسی باید توسط دولت های متبوع خود از رویدادهای نظامی و سیاسی که مرتبط با برنامه آنها بوده و روی کار کمیسیون اثر خواهد گذاشت ، اطلاع حاصل نمایند و آنان نیز به نوبه خود وظیفه دارند که دولتهای خود را در جریان اخبار کمیسیون و وقایع محل قرار دهند . آنها می توانند گزارشات خود را برای دولتهای متبوع به صورت اشتراکی تهیه و ارسال نمایند، اما برای اخذ تصمیمات نهایی ، فاقد اختیار خواهند بود. البته ، آنها در امور تصمیمات فرماندهی کل متفقین دخالتی نخواهند کرد.

۵-از اینکه جنابعالی در مورد مشارکت نماینده فرانسه موافقت فرموده اید، خوشحال شدم . من این فکر را به اطلاع پرزیدنت هم که رسانیدم ، بنظرم آمد که ایشان نیز نسبت به این امر ، با رعایت چند قید و شرط ، اظهار تمایل دارند . ما باید به خاطر داشته باشیم که به زودی فرانسوی ها ، احتمالاً ، ده لشگر مجهز و یا بیشتر در اختیار خواهند داشت که یقیناً در عملیات ما مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

٦- در اینجا افراد دیگری نیز حضور دارند ، از جمله : یونانیها و یوگسلاویها که مستقیماً ذینفع می باشند و من پیشنهاد می دهم که ما مقدمات تشریفاتی جذب آنان را نیز به منظور مشاوره و مصلحت اندیشی به هنگام بررسی مسائلی که بطور مستقیم به آنها ارتباط می یابد ، تهیه نمائیم .

۷- تا آنجا که برای من روشن است ، کمیسیون در مرحله اول مسائل مربوط به ایتالیا را صرفاً مورد بررسی قرار خواهد داد . در صورت بروز برخی مسائل دیگر ،تجربه نشان خواهد داد که هر یک از این ارگانها تا چه اندازه می توانند در جهت تطبیق دادن نقطه نظرات و برنامه های ما عاملی فعال و مناسب به شمار آیند.

۸- پرزیدنت برای جنابعالی پیشنهاد دیگری را ارائه می نمایند ، خاصه در این باره که شما تعدادی از افسران خود را به شمار کافی ، به ستاد ژنرال آیزنهاور اعزام بفرمائید. با توجه به این مسئله که این کمیسیون، در صورت تشکیل ، تقریباً همزمان با کنفرانس وزرای امور خارجه افتتاح خواهد گردید ، بنابراین احتمال دارد جنابعالی با این امر موافقت داشته باشید که طرح پرزیدنت مسئله را حل خواهد کرد.

۹- چنانچه نسبت به تشکیل کمیسیون اخذ تصمیم به عمل آید ، موجب امتنان خواهد بود که شما اعلام بفرمایید آیا با پیشنهادات فوق الذکر اینجانب موافقت خواهید فرمود . کمیسیون در صورتیکه تشکیل آن مورد نظر باشد ، کار خود را باید در این ماه آغاز نماید، اما ، جنابعالی تلگرام بعدی مرا که متعاقباً در پی این نامه به حضورتان مخابره خواهد شد ، ملاحظه بفرمائید.

۵ سپتامبر سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۸۲

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
وینستون چرچیل نخست وزیربه مارشال استالین

لطفاً ، آخـرین تلگرامـی را که دقیقاً قبل از این تلگرام به حضورتان مخابره کرده ام، ملاحظه بفرمائید.

محرمانه و خصوصی است .

موضوع : اجرایی .

۱- پـس از تـلاش و کوشـش بسـیار ، دیـروز سـوم سـپتامبر ، شب هنگام، ژنـرال «ک» (٤٤) قـرارداد مـربوط بـه شـرایط مختصـر و محـدود را بـه امضـاء رسـانید. او اکـنون بـه اتفـاق ژنرال آیزنهاور و ژنرال الکساندر در حال بررسی و یافـتن بهترین راه برای به اجرا در آوردن مفاد قرارداد می باشد. البته ، این امر به زودی باعـث بـروز جنگ بین نیروهای ایتالیایی و آلمانی خواهد شد و ما در هر شـرایط در صـدد هسـتیم کـه در حـد تـوانمان ، تا آنجا که مقدور است ، بطور مؤثر و ثمر بخش به ایتالیاییها کمک کنیم . در هفته آینده حوادث داغ و هیجان انگیـزی بـه وقـوع خـواهد پیوسـت . حملـه بـه نـوک چکمه (جنوبی ترین نقطه خاک ایتالیا – مترجم) با موفقیت انجام گردیده و در حال حاضر با شدت ادامه دارد، عملیات «آوالانش» (٤٥) و برنامه چتربازان نیز در شرف وقوع می باشد.

هر چند ، اینطور که من حدس می زنم ، ما در ساحل حوزه عملیاتی «آوالانش» نیروهای عظیمی را پیاده خواهیم کرد ، اما من درباره حوادثی که در رم یا در خاك ایتالیا رخ خواهد داد چیزی را نمی توانم پیش بینی نمایم.

هدف اصلی ما در این صحنه از پیکار ، کشتار آلمانیها و مجبور ساختن ایتالیائیها به نابودی هر چه بیشتر آلمانیها می باشد.

۲-من تا موقعی که این مسئله در این سوی اقیانوس آتلانتیك روشن نگردد، در اینجا حضور خواهم داشت.

صمیمانه تبریکات مرا به مناسبت کسب پیروزیهای جدید و پیشروی در جبهه های اصلی شوروی – آلمان بپذیرید

۵ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۸۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

موضوع: کنفرانس وزرای امور خارجه

۱- از دریافت نامه ۲۵ اوت جنابعالی که طی آن شما موافقت خود را نسبت به دیدار قریب الوقوع خبرگان امور خارجی : نمایندگان شوروی ، ایالات متحده و بریتانیای کبیر،اعلام فرموده اید خوشحالم . اگر چنانچه برای شرکت در کنفرانس آقای مولوتوف اعزام می گردد ، ما نیز آقای ایدن را اعزام خواهیم داشت .

۲- البته ، جلسه حتی با شرکت این اشخاص نیز نمی تواند اختیاراتی را که مختص سران دولت های ذینفع می باشند ، به خود اختصاص دهد.

ما بسیار تمایل داریم که اطلاعاتی درباره خواسته های شما در رابطه با آینده داشته باشیم . ما هم به محض جمع بندی ، نظرات و خواستهای خود را به اطلاع شما خواهیم رساند. پس از این ، دولت ها اخذ تصمیم خواهند نمود و من امیدوار هستم که بتوانیم در مکانی مناسب بطور خصوصی با یکدیگر دیدار و مذاکره داشته باشیم . و اگر لازم باشد من به مسکو سفر خواهم کرد.

۳-نمایندگان سیاسی احتمالاً به کمک مشاوران نظامی نیاز خواهند داشت . بدین منظور ، من آقای « هاستینگس ایس می» افسر کارشناس رسته های عمومی و رئیس دبیرخانه وزارت دفاع را که نماینده اختصاصی اینجانب در کمیته رؤسای ستاد مشترک می باشد. انتخاب خواهم کرد. او در مورد دلایل ، واقعیت ها و ارقام مربوط به امور جنگ که بصورت سؤال مطرح خواهد شد،پاسخ می دهد . من خیال می کنم که ایالات متحده نیز افسری در همین رده از تخصص را اعزام کند . تصور من این است که این اقدامها برای این مرحله از دیدار وزرای امور خارجه کافی باشد.

٤- با وجود این ، چنانچه جنابعالی اظهار تمایل کنید که از جزئیات فنی مسئله نیز اطلاعاتی کسب نمائید،از جمله چرا ما هنوز حمله به فرانسه را از طریق کانال (۳٦)آغاز نکرده ایم و یا چرا ما نمی توانیم حمله را زودتر و یا با نیروئی بیشتر از آنچه که فعلاً پیش بینی شده انجام دهیم، به هر حال من مقدم هیئت فنی جداگانه و مستقلی از ژنرالها و دریاسالاران شما به لندن ،واشنگتن و یا به هر دو این شهرها را گرامی می دارم و ضمن در اختیار گذاشتن

کامل ترین ارقام و آمار مربوط به ذخایر مشترک و برنامه هایمان ، آماده ایم که درباره جزئیات امر نیز با آنان به گفتگو و بحث و بررسی بپردازیم . من در واقع بسیار خوشحال خواهم شد که جنابعالی توضیحاتی را که حق دارید از آنها آگاهی داشته باشید ، کسب بفرمائید.

۵- ما فکر می کنیم که چون بریتانیا در وسط راه قرار گرفته است، بنابراین بهترین محل مناسب برای انجام ملاقات سه جانبه خواهد بود ، هر چند که برنامه دیدار را می توان در خارج از لندن ،که از ارجحّیت بیشتری برخوردار است ، برگزار نمود . من این پیشنهاد را به پرزیدنت ارائه داده ام ، اما ایشان هنوز تصمیم قطعی خود را در این باره اعلام نداشته اند . چنانچه جنابعالی انگلستان را برای برگزاری ملاقاتمان مناسب می دانید ، خوشحال خواهم شد که این پیشنهاد را مورد تأیید قرار دهید.

٦- من امیدوار هستم که ما بتوانیم کنفرانس را برای اوایل ماه اکتبر دایر نماییم.

۵ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۸٤

نامه خصوصی و محرمانه

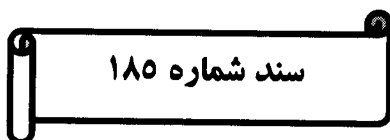
استالین نخست وزیر به فرانکلین روزولت رئیس جمهور و وینستون چرچیل نخست وزیر

نامه مورخ چهارم سپتامبر شما را دریافت داشتم . در پاسخ به سؤال مطروحه در این نامه که آیا دولت شوروی نسبت به امضای قرارداد شرایط مختصر و

محدود متارکه جنگ با ایتالیا به وسیله ژنرال آیز نهاور به نمایندگی از طرف دولت شوروی موافقت دارد یا خیر، باید به استحضار برسانم که در این زمینه باید نامه وزیر امور خارجه شوروی آقای مولوتوف را که به تاریخ دوم سپتامبر سال جاری به نام سفیر کبیر بریتانیای کبیر آقای کر تهیه شده مورد توجه قرار داد.

در این نامه خاطر نشان گردیده است که اختیارات تفویض شده از جانب دولت شوروی به ژنرال آیزنهاور شامل امضاء قرارداد شرایط مختصر و محدود متارکه جنگ به وسیله نامبرده هم می باشد.

۷ سپتامبر سال ۱۹٤۳



سند شماره ۱۸۵

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه های مورخ ۵ سپتامبر شما را دریافت نمودم

۱- همانطورکه این نامه را بطور همزمان برای پرزیدنت روزولت هم ارسال خواهم داشت ، فوری ترین مسئله برای من تشکیل کمیسیون نظامی – سیاسی می باشدکه درباره آن شما را در تاریخ های ۲۲ و ۲٤ اوت مطلع ساخته ام.

پس از دریافت نامه های اخیر شما ، من فکر می کردم که مسئله مربوط به کمیسیون نظامی – سیاسی سه کشور بصورتی مثبت و تأخیر ناپذیر حل شده

است ، اما ملاحظه می شود که حل این مسئله با این همه قید فوریت هنوز لاینحل مانده است.

البته مسئله در رابطه با جزئیات آن نیست که بتوان به سادگی با آن کنار آمد. آنچه که به اعزام افسر شوروی به نزد ژنرال آیزنهاور مربوط می شود ، هیچ گونه ارتباطی با کمیسیون نظامی – سیاسی نداشته و این امر به هیچ روی نمی تواند جایگزین کمیسیونی گردد که باید تابحال کار خود را آغاز کرده باشد، در حالی که از تشکیل آن هنوز خبری در دست نیست.

درباره مسئله مربوط به نماینده فرانسه باید بگویم که من قبلاً نظر خود را در این مورد به استحضار جنابعالی رسانده ام . به علاوه ، چنانچه پرزیدنت نسبت به این امر تردید خاطر دارند ، می توان مسئله مربوط به مشارکت فرانسه را به آینده موکول ساخت .

۲- پیشنهاد جنابعالی در زمینه ملاقات نمایندگان سه دولت برای اوایل ماه اکتبر ، مورد قبول اینجانب می باشد. من مسکو را به عنوان محل برگزاری این ملاقات پیشنهاد می کنم . اکنون باید مسائل و پیشنهادهای مورد علاقه دولت هایمان را مطرح و زمینه ای برای رسیدن به توافق های مقدماتی فراهم آوریم. من مانند گذشته معتقدم که کسب توافق های اولیه امری است ضروری که موفقیت جلسه ای را که در آن تصمیمات آینده دولتها هماهنگی خواهد یافت، فراهم می آورد.

در مورد سایر مسائلی که به سازماندهی جلسه ارتباط خواهد یافت ، من فکر نمی کنم که مشکلی در تجانس و هماهنگی آن به وجود آید .

۳- در رابطه با مسئله دیدار خصوصی بین سران سه دولت ، من نامه ای برای پرزیدنت روزولت ارسال داشته و خاطر نشان ساخته ام که من نیز تلاش می‌نمایم که تا حد امکان در آینده نزدیک چنین ملاقاتی صورت بپذیرد و پیشنهاد ایشان را هم در مورد زمان ملاقات (نوامبر – دسامبر) پذیرفته ام ، اما مطلوب و شایسته آن خواهد بود که محل برگزاری این دیدار را در کشوری تعیین نماییم که هر سه دولت ما در آنجا نمایندگی داشته باشیم ، مانند ایران . ضمناً من تأکید کرده ام که با توجه به جو حاکم در جبهه های شوروی – آلمان و اینکه از هر دو طرف بیش از ۵۰۰ لشگر درگیر این جنگ می باشند و فرماندهی عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم تقریباً همه روزه باید بر اوضاع نظارت و کنترل داشته باشند ، بنابراین یکبار دیگر لازم می آید که زمان دقیق انجام این ملاقات سه جانبه را تعیین نماییم.

٤-به خاطر تبریکاتی که به مناسبت پیروزی ارتش های شوروی ارسال فرموده اید از جنابعالی تشکر می کنم .

تبریکات مرا هم به مناسبت موفقیت های درخشان نیروهای انگلیسی و آمریکایی در ایتالیا بپذیرید . برای شما در انجام برنامه های پیش بینی شده و عملیات آینده آرزوی پیروزی می نمایم.

۸ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۸٦

نامه خصوصی

چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱-اطلاعات بدست آمده از ژنرال آیزنهاور حاکی از آنست که ایتالیائیها شواهدی در دست دارند که چنانچه ایتالیا از دولتهای محور جدا شود ، آلمانیها در جنگ علیه این کشور از گازهای سمی استفاده خواهند کرد.

۲-پرزیدنت و من توافق کرده ایم که ژنرال آیزنهاور باید طی اخطاریه ویژه ای به آلمانیها اعلام نماید که چنانچه آنان به خود اجازه دهند که چنین شیوه ای را در جنگ اعمال نمایند ، آنها خود باید متقابلاً در انتظار دریافت پاسخی تلافی جویانه باشند.

۳-با توجه به فوریت مسئله ، زمانی باقی نمانده بود که بتوان قبلاً با جنابعالی مشاوره بعمل آورد، اما با در نظر گرفتن موضع شما در این زمینه که در حادثه پیشین ابراز شده است ، ما اطمینان داریم که جنابعالی نسبت به این امر موافقت خواهید فرمود.

۸ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۸۷

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۸ سپتامبر جنابعالی را درباره دستور شما و پرزیدنت روزولت به ژنرال آیزنهاور دایر بر دادن اخطار ویژه به آلمانیها که چنانچه آنها به خود اجازه دهند که در جنگ علیه ایتالیا از گازهای سمی استفاده نمایند بایستی در انتظار دریافت پاسخ متقابله باشند، دریافت نمودم.

من نیز به نوبه خود صدور این دستور را صحیح دانسته و هیچ مخالفتی علیه آنچه که جنابعالی و پرزیدنت روزولت در زمینه این فرمان بعمل آورده اید ، ندارم.

۸ سپتامبر سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۸۸

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه

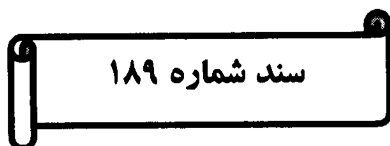
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

در آخرین لحظه ، دولت ایتالیا با تأیید بر اینکه آلمانیها بطور برق آسا وارد رم خواهند شد و دست به تشکیل دولت کوئیسلینگی خواهند زد ، از متارکه جنگ خودداری به عمل آورد. این امر در واقع بسیار طبیعی به نظر می آید. امّا با وجود این، ما حقیقت خبر متارکه جنگ را در ساعت مقرر، یعنی امروز رأس

ساعت ۱۶/۳۰ به وقت گرینویچ اعلام خواهیم کرد و یقیناً عملیات « آوالانش» (۴۵) را هم امشب آغاز خواهیم نمود.

من امیدوار هستم که شما خبر مربوط به دریافت این تلگرام را به من اطلاع بدهید. همچنین خوشحال خواهم شد که شما به من خبر بدهید که چه زمانی می توانید به تلگرامهای من درباره اجلاس وزرای امور خارجه و کمیسیون دریای مدیترانه پاسخ بفرمائید، زیرا تا موقعیکه پرزیدنت و من به اتفاق در اینجا (۵۵) اقامت داریم ،آسانتر می توان به حل کلیه این مسائل اقدام نمود.

۸ سپتامبر سال ۱۹۴۳



سند شماره ۱۸۹

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نهم سپتامبر. نامه مورخ ۸ سپتامبر جنابعالی را دریافت نمودم . اینطور که معلوم است ، روزی که شما این نامه را تهیه می فرمودید ، هنوز نامه مورخ ۸ سپتامبر مرا دریافت نکرده بودید.

من امیدوار هستم که جنابعالی اکنون آن نامه را که حاوی پاسخ من به مسائل مورد علاقه شما در رابطه با ملاقات وزرای امور خارجه سه کشور و کمیسیون سه جانبه می باشد، دریافت کرده باشید.

۹ سپتامبر سال ۱۹۴۳

سند شماره ۱۹۰

نامه خصوصی و محرمانه

وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- نامه مورخ ۸ سپتامبر جنابعالی را دریافت نمودم . پرزیدنت به من اطلاع داده اند که ایشان بطور جداگانه برای شما نامه ای تلگرافی ارسال خواهند داشت . دولت اعلیحضرت نسبت به تشکیل فوری کمیسیون نظامی – سیاسی سه دولت ، در سیسیل یا در الجزایر موافقت دارد . ما موافقیم که در این کمیسیون ،نماینده کمیته ملی آزادیبخش فرانسه به عنوان عضو چهارم کمیسیون شرکت داشته باشد. من خیال می کنم که پرزیدنت روزولت نیز با این امر موافقت خواهند کرد. دولت اعلیحضرت آقای « هارلد مک میلان » نماینده اختصاصی اینجانب در ستاد ژنرال آیزنهاور، مستقر در الجزایر را به عنوان نماینده برمی گزینند.البته ، او با حفظ سمت به انجام وظایف محوله خواهد پرداخت. ایشان عضو پارلمان و وزارت دربار می باشد و نسبت به اوضاع و موقعیت دریای مدیترانه بسیار مطلع و آگاه می باشد. او از اعتماد کامل وزارت امور خارجه برخوردار بوده و برای ملاقات با من دارای مجوز دائمی می باشد.

۲- من قصد انتخاب و گزینش نماینده نظامی ندارم ، زیرا «مک میلان» در تماس و رابطه مستقیم و تنگاتنگ با ستاد مشترک انگلیس و آمریکا می باشد. اما بهرحال، من یک افسر کارشناس و عالیرتبه ستاد را همراه با او مأمور خواهم

کـرد.بـه نظـر من نماینده آمریکا نیز تقریباً دارای چنین شرایطی خواهد بود ، هر چند که من از چگونگی برنامه آمریکاییها بی اطلاع می باشم.

البته ، ما کاملاً واقفیم که نماینده شما به علت دوری مسافت از کشور خود ، احتمالاً به نماینده گی نظامی نیرومندتری نیاز خواهد داشت.

۳- دولـت اعلیحضـرت معـتقد اسـت کـه محدوده وظایف کمیسیون باید به شرح زیر باشد:

همـه اعضـای کمیسیون باید بلادرنگ از سه دولت و کمیته ملی آزادیبخش فرانسـه کلـیه اطلاعات جامع و کامل موجود مربوط به روابط و مناسبات حال و آیـنده ایشـان با دولت ایتالیا و یا با سایر دول دشمن را که ممکن است در آینده شرایطی مشابه شرایط ایتالیا را داشته باشند، دریافت نمایند.

اعضای کمیسیون بایستی بطور پیوسته هر زمانی را که برای بررسی این امور ضـروری تشخیص می دهند ، به بحث و گفتگوی بایکدیگر بنشینند. آنها باید با دولتهای متبوع خود در تماس دائم باشند تا بتوانند پیشنهادها و توصیه های خود را به صورت جمعی و یا انفرادی تقدیم نمایند.

اعضـاء ، دسـتورات مـربوط بـه حفـظ خـط مشی مورد نظر را از دولت های متـبوع خود دریافت خواهند داشت ، اما در عین حال آنان را باید به ابراز ابتکار و خلاقیت های شخصی خود نیز تشویق و ترغیب نمود.

هیچـیک از موارد فوق نباید مانع اخذ تصمیم گیری نهایی و عالیه سه دولت ذینفع گردد.

بحثـی نیسـت که کمیسیون مسائلی را که هنگام اجرای امور مربوطه آشکار خواهد شد، خود راساً حل و فصل خواهد کرد.

در بریتانیای کبیر ، پارلمان بالاترین ارگان ها است و این ارگان هیچگاه نسبت به سلب اختیار از خود رضایت نمی دهد.این موضوع را من به روشنی در تلگرام پیشین خود به استحضار رسانده ام.

٤- در مورد دیدار نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه ، ما تسلیم نظر جنابعالی شده و موافقت می نماییم که محل ملاقات در مسکو برگزار گردد. برای این منظور وزیر امور خارجه ما آقای ایدن اوایل اکتبر عازم آنجا خواهد شد و همکاران مربوطه نیز او را همراهی خواهند کرد.

٥- برنامه کار روز:

دولت اعلیحضرت آمادگی خود برای بررسی هر نوع مسئله ای را با متفقین روسی و آمریکایی خود اعلام می دارد.ما نظرات خود را پس از چند روز به اطلاع شما خواهیم رساند .امّا ، ما بخصوص می خواهیم بدانیم که شما چه مسائل مهم و عمده ای را مد نظر دارید.

٦- به نظر من. دیدار نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه به عنوان یک مقدمه فوق العاده مهم و ضروری که زمینه را برای ملاقات سران سه دولت مهیا می سازد ، ارزیابی می گردد. من راضی و خوشحالم و با آرامش خاطر حس می کنم که چشم انداز خوبی را در پیش داریم ، بخاطر آنکه این ملاقات بین ٥ نوامبر تا ١٥ دسامبر انجام خواهد پذیرفت.چندی قبل من به اطلاع جنابعالی رساندم که بخاطر چنین ملاقاتی من حاضرم در هر زمان ، به هر جا و با هر ریسکی عزیمت نمایم.بنابر این من آماده حرکت به تهران خواهم بود ، در *صورتیکه شما تصور نفرمائید در ایران برای انجام این ملاقات مکان های* مناسب تری هم وجود دارد .من شخصاً قاهره و یا خارطوم را ترجیح می دهم،

اما آقای مارشال استالین ! من تسلیم نظر جنابعالی می باشم . من می خواهم خاطرنشان سازم که به این ملاقات سه جانبه ما که تا این درجه از اهمیت مورد توجه ملت های متفق است نه تنها بهترین و سریعترین طریقه پایان بخشیدن به جنگ بستگی خواهد داشت ، بلکه آن تصمیمات مهم و ارزنده ای که با آینده جهانیان مرتبط و به ملت های انگلستان ، آمریکا و روسیه امکان خدمت به بشریت را برای سالیان متمادی خواهد داد نیز بستگی خواهد داشت.

۷- از جنابعالی به خاطر ارسال تبریکاتتان تشکر می کنم . به نظر می رسد که «بادال ثو» صادقانه عمل کرده است . گزارش می دهند که نیروی دریایی ایتالیا به سمت بنادر ما به حرکت درآمده است . اخبار و گزارش های رسیده از «سالرنو» فعلاً خوب و رضایتبخش است . ما نیروهای قابل ملاحظه ای را در ساحل پیاده کرده و در حال نبرد با آلمانیها می باشیم .

۱۰ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۹۱

تاریخ دریافت نامه ۱۰ سپتامبر سال ۱۹٤۳

از روزولت و چرچیل به استالین *

ما خوشحالیم به اطلاع جنابعالی برسانیم که ژنرال آیزنهاور تسلیم بدون قید و شرط ایتالیا را طبق همان شرایطی که مورد تأیید و قبول ایالات متحده ، جمهوری های شوروی و بریتانیای کبیر قرار گرفته بود، پذیرفت.

قوای متفقین در حوالی ناپل پیاده شده و هم اکنون با نیرو های آلمانی در حال نبرد می باشند . قوای متفقین پیروزی های خوبی را نیز در منتهی الیه جنوب شبه جزیره ایتالیا بدست آورده اند.

سند شماره ۱۹۲

نامه خصوصی و محرمانه استالین نخست وزیر به روزولت رئیس جمهور و چرچیل نخست وزیر

نامه مورخ ۱۰ سپتامبر شما را دریافت داشتم . کسب پیروزی های جدید ، به ویژه پیاده کردن نیروها را در منطقه ناپل به شما تبریک می گویم. تردیدی نیست که پیاده کردن پیروزمندانه قوا در منطقه ناپل و جداسازی ایتالیا از آلمان، ضربه دیگری بر پیکر آلمان هیتلری وارد آورده و عملیات ارتش شوروی در جبهه شوروی – آلمان را بطور قابل ملاحظه ای آسان خواهد کرد.

حمله نیروهای شوروی فعلاً با موفقیت ادامه دارد. من فکر می کنم که ظرف دو الی سه هفته آینده ما باز هم به پیروزیهایی نائل آئیم. ما احتمالاً ، در این چند روزه «نووراسیسک»را به تصرف در خواهیم آورد.

۱۰ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۹۳

نامه خصوصی و محرمانه استالین نخست وزیر به روزولت رئیس جمهور و چرچیل نخست وزیر

۱- مسئله مربوط به کمیسیون سیاسی – نظامی را در واقع می توان حل شده تلقی نمود. قائم مقام ریاست شورای کمیسرهای ملّی و معاون کمیسر ملی امور خارجه «آ. یا. ویشینسکی» که معرف حضورتان می باشد، به عنوان نماینده تام الاختیار کشور شوروی انتخاب شده است. «آ.ی. باگامولوف» سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در لندن به عنوان معاون وی برگزیده شده است. همراه با آنان گروهی از خبرگان سیاسی و نظامی مسئول و تنی چند از کارشناسان فنی نیز به مأموریت اعزام خواهند شد.

من فکر می کنم که آغاز کار کمیسیون سیاسی – نظامی را می توان برای ۲۵ الی ۳۰ سپتامبر تعیین نمود. اینکه کمیسیون کار خود را در الجزایر شروع نماید، مخالفتی نخواهم داشت، مشروط بر آنکه در آینده در صورت اقتضاء شرایط، کمیسیون بتواند محل برگزاری خود را به سیسیل و یا به نقطه دیگری در ایتالیا انتقال دهد.

من در حال مطالعه و بررسی نظرات صحیح نخست وزیر درباره حدود اختیارات و وظایف کمیسیون می باشم ، اما گمان می کنم که ما پس از مدتی با استفاده از اولین تجربه کار کمیسیون بتوانیم محدوده این اختیارات و وظایف را در رابطه با ایتالیا و یا سایر کشورهای مشابه دقیقاً تعیین نماییم.

۲- در رابطـه بـا محـل ملاقـات سـه نمایـنده ما، پیشنهاد می کنم که مکان ملاقـات همـان مسـکو و زمان آن همانطور که پرزیدنت پیشنهاد داده اند چهارم اکتبر در نظر گرفته شود.

من مانند گذشته هنوز معتقدم که بخاطر موفقیت کار این جلسه ، قبلاً باید از پیشـنهادهای دولـت هـای انگلـیس و آمـریکا کـه در جلسه سه جانبه نمایندگان مورد بررسی و تبادل نظر قرار خواهد گرفت، همانطور که در گذشته نیز به آن اشـاره داشـته ام ،کسـب اطـلاع حاصـل نمـود . البـته مـن در ایـن زمیـنه هـیچ محدودیتی را نسبت به برنامه کار روز پیشنهاد نمی نمایم.

۳- در مورد دیدار سران سه دولت باید به استحضارتان برسانم که من نسبت بـه این امر که تهران بعنوان محل ملاقات سران سه دولت تعیین گردد، مخالفتی نـدارم. بـرای مـن تهـران بـه مـراتب مناسـب تـر از مصر خواهد بود، زیرا اتحاد شوروی در مصر هنوز فاقد نمایندگی است.

۱۲ سپتامبر سال۱۹٤۳

سند شماره ۱۹٤

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

حـال کـه موسـولینی بـه وسیله آلمانـیها بعـنوان رئـیس بـه اصـطلاح دولت جمهـوری فاشیسـتی منصوب گردیده است ، مهم می باشد که ما این اقدام آنان را خنثـی سـاخته و تمـام سعی خود را جهت تقویت حکومت پادشاه وبادال ئو ،

که قرارداد متارکه جنگ با ما را به امضاء رسانیده است و از آن لحظه به بعد بر حسب توانایی خود صمیمانه در انجام تعهدات مربوطه تلاش به عمل آورده و بدون تعلل و تسامح بخش اعظمی از نیروهای دریایی خود را در اختیار ما قرار داده اند ، بکار ببریم . به علاوه ، با ملحوظ داشتن محاسبات جنگی ، ما باید در ایتالیا به تجهیز و تمرکز کلیه نیروهایی که خواهان نبرد با آلمانیها و یا حتی المقدور مایل به مقاومت علیه آنان می باشند، مبادرت نماییم . این نیروها اکنون فعالانه در حال مبارزه می باشند.

بنابر این من پیشنهاد و توصیه می نمایم که پادشاه با یک پیام رادیویی ملت ایتالیا را دعوت به وحدت و همبستگی با دولت بادال ئو نموده و قصد و هدف خود مبنی بر تشکیل یک دولت ائتلافی و ضد فاشیستی را بر پایه ای گسترده اعلام نماید، البته بدیهی است که پس از پایان جنگ هیچ عاملی نباید نسبت به تصمیم ملت ایتالیا در زمینه انتخاب و گزینش هرنوع دولت دموکراسی مورد دلخواه او ، ممانعت بعمل آورد.

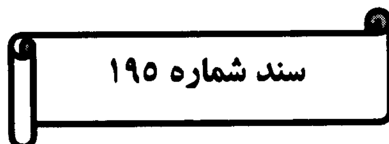
باید همچنین اعلام گردد که به هنگام تهیه قرارداد متارکه جنگ و اجرای آن ، خدمات سودمند ارتش و ملت ایتالیا که علیه دشمن انجام گردیده مدنظر قرار گرفته خواهد شد ، اما با وجود آنکه دولت ایتالیا نسبت به اعلان جنگ علیه آلمان آزاد و خودمختار می باشد ، معهذا این امر ایتالیا را در زمره کشورهای متفق در نخواهد آورد ، بلکه او را فقط به عنوان کشوری جنگنده و مبارز در کنار آنان قرار خواهد داد.

در عین حال من می خواهم که در امضاء قرارداد مربوط به شرایط کلی و جامع متارکه جنگ که هنوز به اجرا در نیامده ، هر چند که موادی از شرایط

آن را در حال حاضر نمی توان از قوه به فعل درآورد،پافشاری نمایم . در عوض به بادال ثو وعده داده خواهد شد که دولت های متفق تصمیم دارند که به محض رهایی او از چنگ دشمن ، سیسیل ، ساردنی و سرزمین تاریخی ایتالیا را زیر نظر کمیسیون نظارت و بازرسی متفقین ، تحت رهبری دولت ایتالیا قرار دهند .

من این پیشنهاد ها را به پرزیدنت روزولت نیز ارائه خواهم داد و در عین حال ، امیدوارم که بتوانم تأیید جنابعالی را در این زمینه داشته باشم . البته ، همانطور که شما استحضار دارید ، این مسئله بنابر شرایط و مقتضیات جنگی ، مسئله ای است بسیار حاد و فوری . برای نمونه ، ایتالیائیها اکنون آلمانیها را از ساردنی بیرون کردند و جزایر و مواضع کلیدی بسیاری وجود دارد که هنوز محفوظ مانده و ما می توانیم آنها را به اختیار خود در آوریم.

۲۱ سپتامبر سال ۱۹٤۳



سند شماره ۱۹۵

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۱ سپتامبر شما را دریافت نمودم.

۱-من با پیشنهاد جنابعالی در رابطه با پیام رادیویی پادشاه ایتالیا خطاب به ملت ایتالیا موافقم . اما من معتقدم ، ضرورت کامل دارد که پادشاه در پیام خود بطور روشن و صریح اعلام نماید که کشورش ایتالیا در برابر بریتانیای کبیر،

ایالات متحده و اتحاد شوروی تسلیم شده و از این پس ایتالیا در کنار بریتانیای کبیر ، ایالات متحده و اتحاد شوروی به جنگ علیه آلمان ادامه خواهد داد.

۲- من به پیشنهاد شما در مورد ضرورت امضاء قرارداد شرایط کلی و جامع متارکه جنگ نیز موافقم. اما درباره قید و شرط مزبور ، دایر بر عدم اجرای بعضی از مواد قرارداد کلی و جامع در حال حاضر ، باید بگویم که من چنین استنباط می کنم که این شرایط اکنون در منطقه به این علت قابل اجرا نمی باشند که منطقه هنوز زیر سلطه آلمانیها قرار دارد . به هر حال ، من می خواهم در این زمینه به دریافت تأییدیه جنابعالی و یا کسب توضیحاتی نائل آیم.

۲۲ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۹٦

تاریخ دریافت نامه ۲٦ سپتامبر ۱۹٤۳

نامه خصوصی
وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

من و آقای ایدن تبریکات ویژه خود را به مناسبت خبر بسیار مسرت بخش مربوط به اسمالنسک تقدیم شما می داریم.

سند شماره ۱۹۷

نامه خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از شما و آقای ایدن به خاطر تبریکاتی که به مناسبت تصرف اسمالنسک ارسال فرموده اید، بسیار تشکر می کنم.

۲۶ سپتامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۱۹۸

تاریخ دریافت نامه ۲۷ سپتامبر سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- من درباره ملاقات سران سه دولت در تهران ، بسیار فکر کرده ام . در این مورد باید اقدامهای مقدماتی قابل اطمینانی نسبت به تأمین امنیت محل که تا حدودی تحت کنترل ضعیف می باشد ، انجام گردد.بنابر این جهت بررسی و صلاحدید جنابعالی پیشنهاد می نمایم که من در زمینه جابجائی و نقل و انتقال و استقرار امنیت و غیره ، اقداماتی را در قاهره بعمل خواهم آورد که البته با توجه به تلاشهای آشکاری که برای مستور نگاهداشتن آنها انجام خواهیم داد ، این

اقدامات مورد توجه دیگران قرار خواهد گرفت . پس از آن ، احتمالاً ، فقط دو یا سه روز قبل از ملاقاتمان ، چند بریگاد انگلیسی و روسی را به اطراف محل مورد نظر در تهران و فرودگاه مربوطه اعزام خواهیم داشت و تا هنگامیکه ما به مباحثات و مذاکرات خود پایان نداده ایم ، این منطقه را بطور مطلق زیر پوشش و حفاظی از ابهام ، سری نگاه خواهیم داشت . ما دولت ایران را در جریان این دیدار قرار نخواهیم داد و قبل از فرارسیدن لحظه موعود ، هیچگونه مقدمه و تدارکی جهت جابجایی و مسافرت خود بعمل نخواهیم آورد . البته ، ضرورت خواهد داشت که ما کلیه اخبار و گزارشهای صادره را تحت کنترل کامل خود داشته باشیم . بدین ترتیب ، ما یک پرده استتار مؤثر بین خود و مطبوعات جهانی و همچنین بین خود و آن افراد نامطلوبی که ما آنطوریکه باید و شاید مورد پسندشان قرار بگیریم ، قرار نگرفته ایم به وجود خواهیم آورد.

۲- من پیشنهاد می کنم که ما در آینده نیز در کلیه مکاتبات و پیام های مربوط به این موضوع ، به جای کلمه «تهران» که باید کاملاً بصورت مَحرمانه باقی بماند ، واژه « قاهره — سه » را مورد استفاده قرار بدهیم ، نام مستعار این عملیات را نیز «هوریکا » که خیال می کنم یک کلمه یونانی است . تعیین می نماییم.

چنانچه جنابعالی دارای نظریات دیگری می باشید ، لطفاً اطلاع بفرمائید تا ما بتوانیم مجموعه این نظریات را برای پرزیدنت روزولت ارسال بداریم . من در این باره هنوز هیچ اطلاعی در اختیار ایشان قرار نداده ام .

سند شماره ۱۹۹

تاریخ دریافت نامه اول اکتبر سال ۱۹۴۳

خصوصی و کاملاً محرمانه

نامه وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- تقاضای شما مبنی بر برقراری مجدد اعزام کاروان ها (۲) به شمال روسیه را (٥٦) دریافت داشتم.من وهمه همکارانم خواهان انجام بیشترین کمک ها به شما و ارتش های دلیری که تحت فرماندهی جنابعالی به مبارزه مشغولند، می باشیم . بنابراین ، من به موارد متناقضی که در گزارش آقای مولوتوف استتار یافته است ، اشاره ای نمی کنم.

از ۲۲ ژوئن سال ۱۹٤۱ ما بطور خستگی ناپذیر ، بدون توجه به فشارهای سنگین و دشواری های ویژه ای که خود متحمل بوده ایم ، همواره به منظور کمک به شما و بخاطر دفاع از کشورتان در مقابله با حملات شدید باندهای هیتلری تلاش داشته ایم ، البته ، ما هم هیچگاه از اعتراف به این امر غفلت نکرده ایم که امتیازات شایانی را که ما بدست آورده ایم در نتیجه پیروزی های بزرگی که شما به ثمر رسانده اید و ضربات مرگباری که شما به ارتش های آلمان وارد آورده اید ، بوده است.

۲-طی چهار روز اخیر ، من و مسئولین رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی، مشترکاً ، روی مسئله مربوط به تهیه و تدوین برنامه های اعزام سری جدید کاروان های کشتی به شمال روسیه مطالعه و بررسی داشته ایم . این امر با مشکلات بسیار پیچیده ای آمیخته است . اولاً ، بخاطر مسائل آتلانتیک ، نبرد

دوباره آغاز شده است. سفینه های زیر دریایی دشمن به کمک مدل جدیدی از اژدرهای آگوستیکی که بطرز مؤثری آزمایش خود را در برابر کشتی های اسکورت ما نشان داده اند ، به خصوص هنگامی که این کشتی ها به تعقیب زیردریایی ها می پردازند، به ما حمله می آورند . ثانیاً ، نیروهای ما در دریای مدیترانه . بواسطه تشکیل یک ارتش تقریباً ۶۰۰ هزار نفری که برای اواخر ماه نوامبر در ایتالیا بوجود خواهد آمد و همچنین از آن جهت که ما می خواهیم از شکست ایتالیا حداکثر استفاده را در جزایر اژه و شبه جزیره بالکان بعمل آوریم، فوق العاده درگیر و گرفتار می باشند . ثالثاً ،ما باید این سهم و وظیفه خود را در جنگ علیه ژاپن اداء نماییم ، زیرا ایالات متحده به انجام این مهم اهمیت فراوان می دهد و چنانچه ما در این زمینه حالت بی تفاوتی نشان دهیم، یقیناً آزردگی و رنجش خاطر ملت آمریکا را فراهم خواهیم آورد.

۳- با توجه به موارد فوق الذکر ، من بسیار شادمان و خوشحالم که به استحضار شما برسانم که ما در ماههای نوامبر ، دسامبر ، ژانویه و فوریه ماهانه کاروانی را تقریباً شامل ۳۵ فروند کشتی بریتانیایی و آمریکایی به شمال روسیه اعزام خواهیم داشت . به منظور تأمین احتیاجات اجرایی و عملیاتی ،می توان کاروان ها را در دو نوبت اعزام نمود. اولین کاروان ، حدوداً ۱۲ نوامبر از بریتانیای کبیر به حرکت درخواهد آمد و پس از ۱۰ روز به شمال روسیه خواهد رسید;کاروان های بعدی با حد فاصل زمانی تقریباً ۲۸ روزه عزیمت خواهند کرد . ما در نظر داریم که در اواخر اکتبر ، کشتی های باری را که در حال حاضر در شمال روسیه لنگر انداخته اند ، تا حد امکان هر چه بیشتر ،

خارج ساخته و سایر کشتی های باقیمانده را نیز به هنگام بازگشت کشتی های اسکورت مخصوص کاروان ها ، خارج نماییم.

٤- البته ، باید خاطر نشان سازم که اعزام کاروان ها هنوز نه قطعیت یافته و نه به صورت موافقتنامه درآمده است ، بلکه اکنون می توان آنرا فقط بعنوان اطلاعیه ای مبنی بر تصمیمی جدی و رسمی به حساب آورد.

براساس این تصمیم من دستور داده ام که اقدامات لازمه را جهت اعزام این چهار کاروان که هر یک مرکب از ۳۵ فروند کشتی خواهد بود ، بعمل آورند.

٥- اما ، وزارت امور خارجه و رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی از من تقاضا کرده اند که توجه جنابعالی را به مشکلاتی که ما در شمال روسیه با آنها روبرو می باشیم ، معطوف نمایم . به این امید که جنابعالی شخصاً با این مشکلات آشنایی حاصل بفرمایید.

٦- چنانچه ما اعزام کاروان ها را از نو آغاز نماییم ، باید پرسنل خود را در شمال روسیه که در اول مارس سال جاری کاهش داشته است ، افزایش دهیم . تعداد نفرات کنونی پرسنل نیروی دریایی ما در شمال روسیه کمتر از آنست که بتواند پاسخگوی نیازهای ضروری ما در حال حاضر باشد ، مضافاً به اینکه ما افرادی را بدون جایگزینی به میهن خود بازگردانده ایم . مقامهای کشوری شما اغلب از امضای ویزاهای اشخاصی که به منظور اعزام به شمال روسیه در نظر گرفته می شوند ، حتی از امضای ویزای آن دسته از افرادی که باید جایگزین کسانی شوند که مدتها قبل می بایست تعویض می شدند ، خودداری بعمل می آورند.

آقای مولوتوف اصرار دارد که دولت پادشاهی انگلستان موافقت نماید که تعداد پرسنل نظامی بریتانیا در شمال روسیه از تعداد پرسنل نظامی شوروی و نمایندگی بازرگانی شما در انگلیس بیشتر نباشد. اولاً، ما در شرایطی نیستیم که بتوانیم این پیشنهاد را بپذیریم، زیرا کار آنها کاملاً متفاوت بوده و اصولاً نمی توان تعداد اشخاص مورد نیاز در عملیات جنگی را با این شیوه غیر عملی تعیین نمود.

ثانیاً، همانطور که ما قبلاً به اطلاع دولت شوروی رسانده ایم، بدیهی است، که ما خود باید درباره تعداد پرسنل لازم جهت اجرای عملیاتی که مسئولیت آن بعهده ما است، قضاوت نماییم بهر حال، آقای ایدن اظهار امیدواری کرده است که نسبت به محدود کردن تعداد نفرات پرسنل و کاهش دادن آنان به حداقل، توجه خاصی معطوف بدارد.

۷- بنابر این من از جنابعالی تقاضا می کنم که نسبت به تحویل فوری ویزای افراد نیروی کمکی ما که در شرایط کنونی شدیداً مورد نیاز می باشند، موافقت بفرمایید، و همچنین در صورت ضرورت، چنانچه در آینده تقاضائی دایر بردریافت ویزا، که بخاطر کمک به شما در شمال روسیه صورت خواهد گرفت، تسلیم حضورتان گردید از انجام آن امتناع نفرمائید. من نظر شما را به این مسئله معطوف می سازم که تقریباً از ۱۷۰ نفر پرسنل نظامی دریایی ما که اکنون در شمال مستقر می باشند، متجاوز از ۱۵۰ نفر آنان می بایستی چند ماه قبل تعویض می شدند، اما به علت عدم تحویل ویزای شوروی، این امر میسر نگردیده است. حال مزاجی و وضعیت جسمانی این افراد که به آب و هوا و سایر شرایط اقلیمی آنجا عادت نکرده اند، به گونه ای است که قطعاً باید بدون

هیچگونه تاخیری آنها را انتقال داده و اشخاص دیگری را جایگزین آنها ساخت.

۸- ما می خواستیم یک گروه پزشکی نسبتاً کوچکی را به آرخانگل اعزام نماییم و مسئولین مربوطه روسی هم موافقت خود را در این زمینه اعلام داشته بودند ، اما برای این گروه هم ویزایی صادر نگردید . من خواهش می کنم به خاطر داشته باشید که در اینجا نیز ممکن است حوادث ناگوار بسیاری رخ دهد.

۹- من همچنین از جنابعالی تقاضا می کنم که به منظور ایجاد تسهیلات و انجام کمک های ضروری به پرسنل نظامی و ملوانان ما که در حال حاضر در شمال روسیه حضور دارند، دستوراتی مقتضی صادر بفرمایید. این اشخاص ، البته ، در جهت منافع مشترک ما در عملیات علیه دشمن فعالیت می کنند و آنها بخصوص برای ارسال تجهیزات متفقین به کشور شما تلاش می نمایند.آنها در مقایسه با افراد دیگری که بطور عادی و معمولی وارد سرزمین روسیه می شوند، من اطمینان دارم و جنابعالی هم قبول بفرمایید که در شرایطی کاملاً متفاوت قرار دارند.

مسئولین شما محدودیت هایی را برای آنها به شرحی که خواهد آمد در نظر گرفته اند که به اعتقاد من این امر در رابطه با افرادی که به وسیله یک کشور متفق اعزام گردیده و عملیاتشان محققاً به نفع اتحاد شوروی است ، شایسته و مناسب به نظر نمی آید.

الف – هیچکس حق پیاده شدن از ناو سلطنتی و یا از کشتی باری بریتانیایی به ساحل را ندارد ، مگر آنکه هربار پس از کنترل مدارک مربوطه و با حضور مأمورین شوروی ، مجوز پیاده شدن به ناوچه شوروی را داشته باشند؛

ب- هیچیک از افراد بدون اطلاع مأمورین شوروی حق جابجایی و انتقال از کشتی جنگی بریتانیایی به کشتی باری بریتانیایی را ندارد. این امر حتی به دریا سالار بریتانیایی نیز که در آنجا به عنوان ارشد حضور یافته است ، ارتباط می یابد؛

پ- از افسران ، درجه داران و پرسنل بریتانیایی خواسته شده است که قبل از پیاده شدن از کشتی به ساحل و یا تغییر مکان از یک اداره بریتانیایی به یک اداره دیگر بریتانیایی که در ساحل واقع شده است ،مجوز مخصوص کسب نمایند ، و دریافت چنین مجوزهایی اغلب با اتلاف وقت فراوان همراه می باشد که خود باعث نقض کارهای اجرایی می گردد؛

ت- بار ، سوغاتی و یا نامه و بسته های پستی که برای این اشخاص اجرایی ارسال می گردد، قابل دریافت نمی باشد، مگر با حضور مأمورین مربوطه شوروی ، و ارسال هر نوع بار و مراسلات پستی نیز احتیاج به رعایت یک سری تشریفات کامل دارد؛

ث- مکاتبات شخصی را سانسور می نمایند ، حال آنکه بنظر ما این سانسور را در رابطه با پرسنل اجرایی مذکور ،مأمورین نظامی بریتانیا باید بعمل آورند؛

۱۰-اعمال چنین محدودیت هایی بر روحیه افسران ، درجه داران و پرسنل ما اثر نامطلوب می گذارد و چنانچه پارلمان بریتانیا از این امر آگاهی حاصل نماید پیامد آن در روابط انگلیس و شوروی انعکاس خواهد یافت که سبب ضرر و زیان فراوان خواهد شد.

این تشریفات ، مشکلاتی را در انجام وظائف سنگین این افراد فراهم آورده که اغلب باعث رکود در اجرای عملیات فوری و حساس می گردد، در انگلستان ، مأمورین شوروی مشمول چنین محدودیت هایی نمی باشند.

۱۱- ما به آقای مولوتوف پیشنهادی ارائه داده ایم که بر اساس آن چنانچه پرسنل نظامی و یا پرسنل کشتی های جنگی و باری ما به نقض قوانین شوروی مبادرت ورزند ، موارد مزبور را جهت تحقیق و بررسی های لازم به مسئولین نظامی بریتانیا ارجاع دهند. موارد تخلف فقط چند مورد بوده است . تردیدی نیست که بخشی از این تخلفات ناشی از شرایط سخت و دشوار خدمت در شمال می باشد.

۱۲- بنابر این من صمیمانه اطمینان دارم که جنابعالی با روحی سرشار از دوستی ، دستوراتی را در جهت منتفی ساختن این مشکلات صادر خواهید فرمود تا ما بتوانیم در حد توانایی مان نسبت به کمک به یکدیگر و پیشبرد کارهای مشترکمان تلاش نماییم.

سند شماره ۲۰۰

نامه خصوصی و محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- دولت سلطنتی انگلستان با پیشنهاد ژنرال آیزنهاور که در ماه اکتبر بوسیله پرزیدنت روزولت برای جنابعالی مخابره گردیده است ، کاملاً موافق می باشد. من امیدوار هستم که شما نیز این پیشنهادها را مورد موافقت قرار بدهید.

۲- ما همچنین امیدوار هستیم که جنابعالی همراه با پرزیدنت و من در بیانیه سه جانبه ای که قرار است بلافاصله پس از اعلان جنگ ایتالیا به آلمان منتشر گردد، شرکت بفرمائید.

۳- متن بیانیه بشرح زیر می باشد :

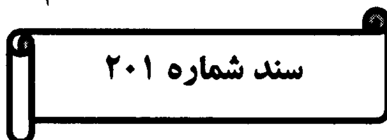
دولت های بریتانیای کبیر ،ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی مواضع دولت پادشاهی ایتالیا را به همانگونه که مارشال «بادال ئو» تصریح نموده است، مورد پذیرش قرار می دهند و با ملت و نیروهای مسلح ایتالیا بعنوان کشوری جنگنده و همرزم علیه آلمان فعالانه همکاری می نمایند. وقایع جنگ و حوادث پس از ۸ سپتامبر و برخورد و درگیریهای شدید آلمانیها با مردم ایتالیا که منجر به اعلان جنگ ایتالیا علیه آلمان گردید، عواملی می باشند که موضع ایتالیا را علیه آلمان عملاً تغییر داده و این کشور را در زمره کشورهای رزمنده و مبارز درآورده است و بر این اساس دولتهای آمریکا ، بریتانیا و شوروی به همکاریهای خود با دولت ایتالیا ادامه خواهند داد.

سه دولت ، تعهد دولت ایتالیا را مبنی بر اینکه پس از بیرون راندن آلمانیها از خاک ایتالیا به اطاعت از اراده ملت ایتالیا عمل خواهد کرد ، معتبر دانسته و بدیهی است که در این رابطه هیچ عاملی نباید به حقوق حقه و مسلم ملت ایتالیا نسبت به تهیه و تدوین قانون اساسی و گزینش نوع حکومت دموکراتیک مورد علاقه خود که در نهایت خواهان استقرار آن می باشد، آسیب وارد آورده و دخالت نماید.

مناسباتی که بر اساس اجرا و ادامه جنگ مشترک دولت ایتالیا و دولت های متفق علیه آلمان پی ریزی شده است ، نمی تواند به تنهایی تأثیری برقرار داد و

شرایط امضاء شده اخیری که همچنان به قوت خود باقی است ، داشته باشد . این شرایط تنها با موافقت دولتهای متفق نسبت به نحوه کمک رسانی دولت ایتالیا به کشورهای متفق قابل تغییر خواهد بود.

دوم اکتبر سال ۱۹٤۳



سند شماره ۲۰۱

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲ اکتبر جنابعالی را دریافت نمودم.

دولت شوروی آماده است که در بیانیه سه جانبه ای که باید بلافاصله پس از اعلان جنگ ایتالیا به آلمان انتشار یابد ، شرکت داشته باشد . متن پیشنهادی شما را مورد قبول می دانم . به نوبه خود پیشنهاد می نمایم که بیانیه مزبور بطور همزمان در لندن ، مسکو و واشنگتن نیز منتشر گردد.

جهت اطلاع جنابعالی به استحضار می رسانم که تلگرام حاوی پیشنهادهای ژنرال آیزنهاور را که پرزیدنت ، طبق مرقومه شما ، در اول ماه اکتبر برای اینجانب ارسال نموده اند ، تا این لحظه دریافت نکرده ام.

دوم اکتبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۰۲

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۷ سپتامبر جنابعالی را پیرامون ملاقات قریب الوقوع سران سه دولت دریافت داشتم . من اعتراضی علیه اقدامهای جنبی و انحرافی شما که قصد انجام آن را در قاهره خواهید داشت ، نمی نمایم. اما،در مورد پیشنهاد جنابعالی مبنی بر اعزام بریگادهای بریتانیایی و روسی به منطقه مورد نظر در « قاهره — سه » که به فاصله چند روز قبل از انجام دیدارمان در این شهر صورت خواهد پذیرفت ، باید بگویم که من اعزام این گروهها را صلاح و لازم نمی دانم ، زیرا این امر احتمالاً ایجاد هیاهو و جنجال خواهد کرد و پرده استتار را کنار خواهد زد . من پیشنهاد می کنم که هر یک از ما چند پلیس مخفی آراسته بعنوان محافظ با خود همراه داشته باشیم. بنظر من همین برای تأمین امنیت ما کافی خواهد بود.

من با سایر پیشنهاداتی که شما درباره نحوه برگزاری دیدارمان ارائه فرموده اید ، مخالفتی ندارم و با اسامی مستعاری که پیشنهاد استفاده از آنها را در مکاتبات و پیامهای متقابله ، در رابطه با این ملاقات ،مطرح ساخته اید، موافقم.

سوم اکتبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۰۳

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

۱- نامه اول اکتبر جنابعالی را درباره تصمیم شما بر اعزام چهار کاروان (۲) در ماههای نوامبر ، دسامبر، ژانویه و فوریه از طریق راه شمال به اتحاد شوروی ، دریافت نمودم . اما، این خبر با اظهارات بعدی جنابعالی دایر بر اینکه تصمیم به اعزام کاروان های کشتی از طریق شمال به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هنوز نه قطعیت یافته و نه بصورت موافقتنامه درآمده است ، منتفی می گردد. این اعلام خبر چنین تفهیم می نماید که بریتانیا بدون توجه به واکنشهای حاصله در ارتش های شوروی مستقر در جبهه . هر لحظه که اراده نماید ، می تواند از انجام تصمیم خود امتناع بعمل آورد.

باید خاطر نشان سازم که طرح مسئله با این شیوه را من نمی توانم بپذیرم . ارسال تجهیزات و سایر محموله های جنگی بوسیله دولت بریتانیا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را نباید خارج از چهار چوب تعهداتی دانست که اجرای آن را دولت بریتانیا براساس موافقتنامه ویژه منعقده بین دولتین در قبال اتحاد شوروی ، کشوری که اکنون بار سنگین و طاقت فرسای جنگ با دشمن مشترک ، جنگ علیه آلمان هیتلری را برای سومین سال متمادی بر دوش می کشد ، تقبل کرده است.

همچنین نباید از نظر دور داشت که راه شمال کوتاهترین راهی است که می توان تجهیزات ارسالی از جانب متفقین را در کمترین زمان ممکنه به جبهه-های شوروی- آلمان حمل نمود و بدون بهره گیری مناسب از این راه ، ارسال محموله ها به اتحاد شوروی در حجم و مقیاس مورد نظر مقدور نخواهد بود. همانطور که قبلاً خاطر نشان ساخته ام و تجربه نیز نشان داده است ، حمل تجهیزات و محموله های جنگی از طریق بنادر ایران به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به هیچوجه پاسخگوی کمبودهایی که در نتیجه عدم ارسال این تجهیزات از راه شمال بوجود می آید . نخواهد بود . البته ، روشن است که به هر تقدیر ارسال و تأمین این تدارکات به حساب ارتش های شوروی منظور خواهد شد. ضمناً . در سال جاری ارسال ساز و برگ های جنگی از طریق شمال در مقایسه با سال گذشته ، چندین برابر کاهش داشته است که این امر اجرای برنامه های تنظیمی و مقرره مربوط به تأمین احتیاجات جنگی را غیر ممکن ساخته و با پروتکل مشترک دو کشور انگلیس و شوروی دایر بر تأمین نیازهای جنگی مغایرت دارد. بنابر این در شرایطی که نیروهای شوروی به منظور تأمین ضروریات جبهه و کسب پیروزی در نبرد علیه قوای عظیم دشمن مشترک در فشار و تنگنای کامل به سر می برد، جایز نیست که تأمین احتیاجات ارتش های شوروی به خواست و مصلحت اندیشی یکجانبه بریتانیا بستگی پیدا کند . طرح مسئله با این نگرش را نمی توان جز خودداری دولت بریتانیا از انجام تعهدات خود چیز دیگری به حساب آورد که این امر به نوبه خود تهدیدی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به شمار خواهد آمد.

۲- درباره اشاره جنابعالی به اینکه گویا در گزارش «و . م . مولوتوف» موارد ضد و نقیضی استتار یافته است ، باید بگویم که من پایه ای برای ایراد چنین تذکری مشاهده نمی کنم . مقررات متقابل و یکسانی که از جانب اتحاد شوروی به منظور حل مسئله ویزاهای مربوط به پرسنل هیات های نظامی (۵۷) پیشنهاد گردیده است ، به اعتقاد من صحیح و در واقع عادلانه می باشد . استناد به اینکه تفاوت در نحوه وظایف و مسئولیت های هیات های نظامی بریتانیا و شوروی،رعایت مقررات مزبور را مستثنی می کند و اینکه تعداد نفرات هیأت های نظامی بریتانیا را تنها دولت بریتانیا باید تعیین نماید، به نظر من کافی و قانع کننده نمی باشد. این موضوع را با ذکر کامل جزئیات ،کمیسر ملی وزارت امور خارجه در یادداشتهای مربوطه به تفصیل شرح داده است .

۳- من ضرورتی به افزایش کارکنان نظامی بریتانیا در شمال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمی بینم ، زیرا در آنجا از وجود بسیاری از آنها استفاده کافی بعمل نمی آید و آنها وقت خود را بیهوده تلف می نمایند و از جانب کشور شوروی هم بارها به این موضوع اشاره شده است . برای نمونه، می توان یکصدو بیست و ششمین پایگاه بندری بریتانیا در آرخانگل را نام برد که نسبت به برچیدن آن ، به علت عدم نیاز ، ما بارها به طرح مسئله پرداختیم تا سرانجام ، به تازگی موافقت طرف بریتانیا را در مورد انحلال و جمع آوری آن دریافت کردیم . متاسفانه ،موارد ملموس و عینی دیگری نیز مشاهده شده که مبین رفتار غیر مجاز برخی از مأمورین نظامی بریتانیایی بوده که تلاش داشته اند از طریق پرداخت رشوه و تطمیع ، تعدادی از اتباع شوروی را به اعمال جاسوسی مجبور

سازند. وقایع مشابه توهین آمیز نسبت به اتباع شوروی، طبیعی است که شرایطی را به بار می آورد که به تیرگی نامطلوب منجر خواهد گردید.

٤- درباره تشریفات و بعضی از محدودیت های جاری در بنادر شمال که جنابعالی به آنها اشاره داشته اید، باید در نظر داشت که در منطقه جنگی،رعایت این چنین تشریفات و محدودیتها متداول و اجتناب ناپذیر است، مضافاً اینکه نباید شرایط جنگی را که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در بطن و متن آن قرار گرفته فراموش کرد. بعلاوه، این مقررات چه برای اتباع بریتانیائی و بطور کلی خارجیان و چه برای اتباع شوروی، بدون استثنا بطور یکسان قابل اجرا می باشد با وجود این، مقامهای دولتی شوروی در این خصوص برای مأمورین نظامی و ملوانان بریتانیایی امتیازات فراوانی قائل شده اند که مراتب در مارس سال جاری به اطلاع سفارت بریتانیا رسانده شده است. بنابر این، اشارات جنابعالی در مورد اعمال تشریفات و محدو دیت های بسیار، از اطلاعات و گزارشهای دقیقی نشأت نگرفته است.

در مورد مسئله سانسور و عطف توجه به مسئولیت کارکنان نظامی بریتانیا باید خاطر نشان سازم که من در شرایط متقابل مخالفتی نخواهم داشت که سانسور مراسلات شخصی مربوط به پرسنل بریتانیا در بنادر شمال رأساً توسط مسئولین بریتانیایی انجام گردد و همچنین تحقیق و بررسی در امور مربوط به تخلفات جزئی افراد نظامی انگلیسی که مستلزم رسیدگی در دادگاه نباشد، بعهده مقامهای نظامی مربوطه قرار گیرد.

سیزدهم اکتبر سال ۱۹۴۳

سند شماره ۲۰٤

تاریخ دریافت نامه ۱۳ اکتبر سال ۱۹٤۳

فوق العاده محرمانه و خصوصی
نامه وینستون چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

لطفاً، مطلبی را که تقریباً با محتوای زیر تهیه خواهد شد، مورد ملاحظه و بررسی قرار داده و اصولاً بفرمائید که آیا این مطلب ارزش و اعتبار آن را خواهد داشت که با امضای سه جانبه ما منتشر شود یا خیر:

«۱- بریتانیای کبیر ، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (اگر در ترتیب نام کشورها از نظر تقدم و تاخر ، ترتیب مناسب تری را پیشنهاد می فرمایید، ما کاملاً آماده ایم که نام کشورمان در پایان آورده شود) از منابع مختلف کسب اطلاع کرده اند که نیروهای مسلح هیتلری هنگامی که ناگزیر به ترک کشورهای تحت اشغال خود می شوند با بیرحمی تمام دست به کشتارهای وحشیانه و اعدامهای دسته جمعی می زنند . سفاکی و سنگدلی حکومت نازی ها پدیده تازه ای نمی باشد و تمام ملت ها و سرزمین هایی که تحت سلطه آنان قرار گرفته اند از شیوه منفور حکومت تروریستی و ارعاب آنان در رنج و عذاب بوده اند . مسئله تازه اینجاست که چون بسیاری از این سرزمین ها اکنون با حمله ارتش های دول آزادیبخش در حال رهایی و آزادی می باشند . لذا هیتلری ها و هون ها (هون – نام و قومی از اقوام زرد پوست وحشی است – مترجم) در عین یأس و سرخوردگی خود ، ضمن عقب نشینی ، اعمال بیرحمانه و جنون آمیز خود را به دو چندان افزایش داده اند

۲- در رابطه با موارد فوق ، سه دولت متفق ضمن دفاع از منافع سی و دو کشور متحد . بدینوسیله رسماً اقدام به اخطار و صدور بیانیه زیر می نمایند:

از لحظه ای که هر یک از دولتهای درگیر در جنگ که ممکن است این دولت در آلمان شکل گرفته باشد، اقدام به اعلان متارکه جنگ می نماید ، کلیه افسران و سربازان آلمانی و اعضاء حزب نازی که به نحوی در عملیات وحشیانه اعم از کشتارها و اعدام های فوق الذکر و یا سایر اقدامهای مشابه مسئولیتی بعهده داشته اند و یا داوطلبانه در اینگونه عملیات شرکت نموده اند ، بایستی به کشوری که در آنجا مرتکب چنین اعمال زشت و نفرت انگیزی شده اند اعزام تا طبق قوانین جاری آن کشور استقلال یافته و آن دولت آزاد و مستقلی که در آنجا تشکیل خواهد شد ، تحت محاکمه و مجازات قانونی قرار گیرند.

بر اساس جزئیات کاملی که از تمامی این کشورها ، بخصوص از مناطق اشغال شده روسیه ، لهستان ، چکسلواکی ، یوگسلاوی و یونان به انضمام کرت و سایر جزایر ، نروژ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، لوکزامبورگ ، فرانسه و ایتالیا بدست آمده ،لیست هائی تهیه خواهد گردید.

بنابر این ، آلمانیهایی که در تیربارانهای گروهی افسران ایتالیایی و یا در اعدام گروگان های فرانسوی ، هلندی ، بلژیکی ،نروژی و یا کشاورزان جزیره کرت شرکت می کنند و یا آن دسته افرادی که در کشتار و نابودی ملت لهستان و مردم مناطق جمهوری های شوروی . که اکنون از وجود دشمن پاکسازی می شوند ، شرکت داشته اند باید بدانند که آنها بدون توجه به مخارج و هزینه های مربوطه ، به محلی که در آنجا دست به جنایت زده اند بازگردانده

خواهند شد و در همان مکان توسط همان ملتی که بر آنها ظلم و بیداد روا داشته اند، محاکمه خواهند شد . باشد تا آنهائی که هنوز دستشان به خون بیگناهی آغشته نشده ، دریابند که به جرگه گناهکاران ملحق نشوند ، زیرا سه دولت متفق یقیناً آنها را در آن سوی دنیا هم که باشند، خواهند یافت و برای محاکمه در دادگاه به شاکیان تسلیم خواهند داشت.

این بیانیه، جنایتکاران اصلی و عمده را که جنایت آنان به محل جغرافیائی خاصّی مربوط نمی شود، شامل نخواهد گردید.

محلّ امضاء

روزولت

استالین

چرچیل».

اگر چیزی به همین مضمون (البته ، من نسبت به تصریح این محتوا اصرار خاصی ندارم) با امضای سران سه دولت انتشار یابد ، به اعتقاد من ، این امر در وجود بعضی از این افراد پست و جانی ، بعلت مشارکت در جنایت ها ، ایجاد ترس و وحشت خواهد کرد، به ویژه اکنون که دریافته اند با شکست روبرو خواهند شد.

برای مثال، ما می دانیم که تهدید به سرکوبی و فشار بر دشمن که در دفاع از لهستانیها بعمل آوردیم باعث گردید که این ملت زیر خشونت و ظلم کمتری قرار بگیرد. تردیدی نیست که استفاده دشمن از سلاحی به نام ترور ، باری اضافه را بر دوش ارتش های ما تحمیل خواهد کرد. اما، شاید وجدان بسیاری از آلمانیها بیدار شود ، اگر بدانند که آنها را باز خواهند گرداند و احتمالاً در

همان محلی که مرتکب اعمال و رفتار بیرحمانه شده اند به محاکمه خواهند کشید . من اصول محاکمه و داوری را موکداً از این جهت توصیه می نمایم که می تواند بر اعمال ترور آمیز دشمن تأثیر بازدارنده داشته باشد . کابینه بریتانیا این اصول و این سیاست را مورد تأیید و تحسین قرار داده است.(۵۸)

سند شماره ۲۰۵

تاریخ دریافت نامه ۱۲ نوامبر سال ۱۹۴۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل نخست وزیربه مارشال استالین

از جنابعالی بخاطر ارسال هدیه بسیار جالب و همچنین الطافی که نسبت به آقای ایدن ابراز فرموده اید ، کمال تشکر را می نمایم . من از اینکه کار کنفرانس (۵۹) تا این اندازه با موفقیت همراه بوده است ، بسیار راضی هستم.

رؤسای ستاد مشترک بریتانیا و آمریکا باید به منظور مطالعه و بررسی دقیق عملیات نیروهای انگلیسی و آمریکایی و همچنین جنگ علیه ژاپن حدود ۲۲ نوامبر در قاهره به مذاکره بپردازند . در حال حاضر ما برنامه های دراز مدتی را علیه ژاپن تدارک دیده ایم . امید است که به هنگام بحث پیرامون مسائل ژاپن ، احتمالاً شخص « چان کای شی»و هیأت نظامی چینی هم حضور داشته باشند.

ما امیدوار هستیم که پس از پایان یافتن این گفتگوهای مربوط به امور داخلی و خاور دور ، ملاقات سران سه دولت تحقق پذیرد . بعلاوه ، همزمان با برگزاری این جلسه ، در نظر است که برای بحث و مشاوره کلی درباره جنگ

و کلیه مسائل مربوط به آن یک کنفرانس سه جانبه هم با شرکت ستادهای شوروی ، آمریکا و بریتانیا که کار خود را تقریباً باید ۲۵ یا ۲٦ نوامبر آغاز نماید، تشکیل گردد. از این روی ، ما امید فراوان داریم که جنابعالی یک هیأت نظامی تام الاختیار در صورت امکان با همراهی آقای مولوتوف را جهت شرکت در این کنفرانس اعزام بفرمایید. تمام این برنامه ها جدا از برنامه ملاقات رهبران سه دولت و به عنوان مکمل آن صورت خواهد گرفت.

از اینکه اطلاع حاصل کردم که پرزیدنت آمادگی پرواز به تهران را دارند ، بسیار خوشحال شدم.من مدتها بود که از ایشان پذیرش این امر را تقاضا کرده بودم . آنچه که در رابطه با این سفر به من مربوط می شود باید بگویم که من از چند ماه پیش همواره آمادگی خویش را نسبت به انجام این دیدار سه جانبه ، به هر نقطه و مکان و در هر ساعت و زمان اعلام داشته ام.

سند شماره ۲۰٦

تاریخ دریافت نامه ۱۲ نوامبر سال ۱۹٤۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه نخست وزیر به مارشال استالین

تلگرام قبلی من هنوز به تأیید پرزیدنت نرسیده است ، اما بر اساس شواهد موجود گمان می کنم که تلگرام مورد تایید قرار خواهد گرفت . اگر حدس من با واقعیت وفق ندهد ، در آنصورت ما باید همه چیز را دوباره از نو آغاز کنیم .

من تردیدی ندارم که می توان راه حل مناسب و رضایتبخشی را پیدا کرد ، ولی بسیار مشکل خواهد بود که بتوان از طریق مکاتبات سه جانبه به حل و فصل مسائل دست یافت ، آن هم در این مقطع از زمان که افراد در دریا و یا در هوا در حال حرکت و ترددند .

سند شماره ۲۰۷

خصوصی و فوق العاده محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

دو نامه جنابعالی را من امروز دریافت داشتم

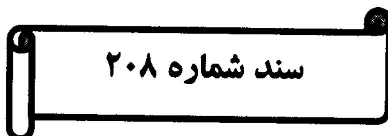
علیرغم آنکه من برای پرزیدنت نوشته ام که «و . م . مولوتوف» برای ۲۲ نوامبر در قاهره حضور خواهد یافت ، باید به اطلاع برسانم که بنابر دلایلی چند که از جنبه های مهمی برخوردار می باشد ، متاسفانه عزیمت مولوتوف به قاهره امکان پذیر نخواهد بود . او می تواند برای اواخر نوامبر در تهران باشد ، او همراه با من به تهران وارد خواهد شد . در این سفر چند تن از نظامیان نیز مرا همراهی خواهند کرد.

البته ، بدیهی است که در تهران ، همانطور که قبلاً پیش بینی شده است ، ملاقات باید تنها بین سران سه دولت انجام گردد. شرکت نمایندگان سایر دولت ها در این نشت ها باید کاملاً حذف گردد.

توفیق شما را در اجلاس با نمایندگان چین درباره حل مسائل خاوردور

خواهانم .

۱۲ نوامبر سال ۱۹٤۳

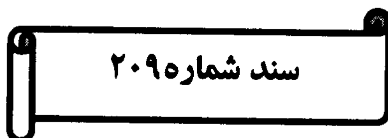


سند شماره ۲۰۸

تاریخ دریافت نامه ۱۵ نوامبر سال ۱۹٤۳

از چرچیل به استالین *

نامه ۱۲ نوامبر جنابعالی را دریافت نمودم . من موقعیت شما را کاملاً درک می کنم و با خواسته های شما بطور کامل موافقم . من در دریا هستم . تبریکات فراوان مرا به مناسبت حملات وقفه ناپذیر و پیروزمندانه بپذیرید.



سند شماره۲۰۹

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱۵ نوامبر پاسخ شما را دریافت نمودم . از ارسال تبریکات جنابعالی به مناسبت حملات نیروهای شوروی که هم اکنون در غرب «کی یف» متحمل فشارهای سنگینی می باشند که معلول گسیل تانکها و قوای تازه نفس آلمانیها به آنجا است ، تشکر می کنم.

۱۷ نوامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۱۰

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- پرزیدنت تلگرامی را که به نام جنابعالی در خصوص ملاقات سه جانبه ما تهیه کرده اند ، به من نشان دادند. من اطلاع دارم که شما سفارت شوروی را جهت استقرار خود و هیئت همراه در نظر گرفته اید. بنابر این ، طبق نظر پرزیدنت ، برای ایشان بهتر خواهد بود که در سفارت بریتانیا که در نزدیکی سفارت شوروی قرار دارد . استقرار داشته باشند. بنابر این . هر دو سفارتخانه بوسیله گاردهای امنیتی تحت محاصره و حفاظت در خواهند آمد.

نامطلوب ترین مسئله برای رهبران ، حرکت در خیابان های تهران خواهد بود که بهتر است محل مناسبی را تعیین و از آن محدوده خارج نگردید.

۱- در این سفر ، وزیر امور خارجه و سفیر بریتانیا مرا همراهی خواهند کرد. علاوه بر آن ، پرزیدنت ومن هر دو ، روسای ستاد مشترکمان را نیز در معیت خود خواهیم داشت . من امیدوار هستم که بتوانیم به اتفاق جنابعالی آنقدر در آنجا اقامت داشته باشیم که حتی الامکان هر چه بیشتر نسبت به انجام مذاکرات خصوصی و تبادل نظرهای مربوطه پیرامون کلیه جهات جنگ توفیق حاصل نماییم.

۲۳ نوامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۱۱

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را از قاهره دریافت داشتم . غروب ۲۸ نوامبر در تهران ، در خدمت شما خواهم بود.

۲۵ نوامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۱۲

تاریخ دریافت نامه ۷ دسامبر سال ۱۹٤۳

محرمانه و خصوصی
از پرزیدنت و نخست وزیر به مارشال استالین

طی کنفرانسی که اکنون در قاهره به پایان رسید ، ما تصمیمات زیر را درباره ادامه جنگ با هیتلر در سال ۱۹٤٤ ، علاوه بر آن توافقاتی که در تهران بطور سه جانبه بعمل آورده ایم ، اتخاذ نمودیم .

به منظور مختل ساختن سیستم های نظامی ، اقتصادی و صنعتی آلمان و انهدام نیروهای هوایی این کشور و تدارک عملیات مربوط به عبور از کانال (۳٦) ، حملات هوایی و بمباران های مربوطه باید از نظر استراتژی در سرلوحه برنامه ها قرار داده شود.

ابعاد و گستره عملیات پیش بینی شده که قرار بود در ماه مارس در خلیج بنگال به مورد اجرا گذاشته شود، بخاطر فراهم آوردن امکانات بیشتر برای پیاده کردن نیرو به منظور اجرای عملیات علیه جنوب فرانسه، محدود می گردد.

به منظور تقویت عملیات قریب الوقوع عبور از کانال ، ما دستوراتی را در زمینه افزایش تولید تجهیزات مربوط به پیاده کردن نیرو ، ضمن استفاده از حداکثر تواناییها و امکانات موجود در ایالات متحده و بریتانیای کبیر ، صادر کرده ایم .

برای این منظور دستور صادر شده است که چند فروند کشتی مخصوص پیاده کردن نیرو نیز از اقیانوس آرام به حرکت درآیند.

سند شماره ۲۱۳

نامه محرمانه و خصوصی استالین نخست وزیر به پرزیدنت روزولت و چرچیل نخست وزیر

بخاطر نامه مشترکی که درباره تصمیمات تکمیلی مربوط به ادامه جنگ علیه آلمان در سال ۱۹٤٤ ارسال فرموده اید ، از شما تشکر می کنم ، درود .

۱۰ دسامبر سال ۱۹٤۳

سند شماره ۲۱۴

تاریخ دریافت نامه ۲۰ دسامبر سال ۱۹۴۳

خصوصی و محرمانه

نامه وینستون چرچیل به مارشال استالین

دوست من ! به مناسبت روز تولدتان صمیمانه به شما تبریک می گویم . باشد که سال آینده ، گسترده ترین مبارزات ما را علیه دشمن گواهی کند.

سند شماره ۲۱۵

تاریخ ارسال نامه ۲۲ دسامبر سال ۱۹۴۳

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

بخاطر تبریک دوستانه ای که به مناسبت روز تولد اینجانب ارسال فرموده اید ، صمیمانه از شما تشکر می کنم .

برای شما از صمیم قلب آرزوی بهبودی هر چه سریعتر و بازیافتن نیرو جهت ایراد ضربه سرنوشت ساز به دشمن را که بسیار ضروری است ، می نمایم.

سند شماره ٢١٦

تاریخ دریافت نامه ٢٦ دسامبر سال ١٩٤٣

خصوصی و محرمانه

نامه چرچیل به مارشال استالین

بخاطر ارسال نامه از شما بسیار تشکر می کنم .

حال من به سرعت رو به بهبودی است و من دوباره به بررسی کامل مسائلی که مربوط به منافع مشترک هر دو کشور است ، پرداخته ام . صمیمانه ترین آرزوهای قلبی خود را برای موفقیت جنابعالی و نیروهای دلاور شما در سال ١٩٤٤ تقدیم می دارم.

سند شماره ٢١٧

تاریخ دریافت نامه ٢٧ دسامبر سال ١٩٤٣

خصوصی و محرمانه

نامه وینستون چرچیل به مارشال استالین

کاروان های (٢) اعزامی از قطب شمال به روسیه ، برای ما پیروزی ارمغان آوردند . دیروز دشمن به کمک سفینه جنگی « شارن گورست» تلاش مذبوحانه ای در مسدود ساختن راه بعمل آورد. فرمانده کل، دریا سالار « فریزر» با ناو جنگی « هرزوگ یورکسکی (سفینه جنگی با گنجایش ۳۵ هزار

تـن) طـی نبـردی کـه بـه بـاز شـدن راه منجر گردید، ابتدا « شارن گورست» را مجبور به عقب نشینی ساخته و سپس آن را غرق می کند.

حال من بهتر شده و برای بهبودی کامل عازم جنوب می باشم.

سند شماره ۲۱۸

نامه مارشال استالین به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی بخاطر ارسال خبر مربوط به « شارن گورست » تشکر می کنم.

تبـریکات خود را به مناسبت ضربه عالی و غرق سفینه جنگی آلمانی « شارن گورسـت » به حضور شخص جنابعالی و همچنین دریا سالار فریزر و ناوی های دلاور « هرزوگ یورکسکی» تقدیم می دارم.

از بهبودی جنابعالی خوشحالم .

دستتان را صمیمانه می فشارم.

۲۷ دسامبر سال ۱۹۴۳

سند شماره ۲۱۹

تاریخ دریافت نامه ۱ ژانویه سال ۱۹٤٤

نامه خصوصی وینستون چرچیل به مارشال استالین

صـمیمانه از شـما سپاسـگزارم . مـن پـیام تبـریک جنابعالی را به دریا سالار فریـزر و افسـران و افراد تحت فرماندهی او ابلاغ خواهم کرد . آنها از ستایش و تحسـینی کـه از جانـب متفقـین شـجاع و نامـدار نسـبت به ایشان ابراز گردیده ،

سپاسگزاری خواهند کرد . من خیلی خوشحالم که شما «کاراستن »را ، که خبر از دست دادن آن را در تهران به من داده بودید ، باز پس گرفته اید.

من آرزو دارم که ما بتوانیم هفته ای یکبار با هم ملاقات داشته باشیم . لطفاً ، مراتب درود و احترام مرا به آقای مولوتوف ابلاغ بفرمائید.

چنانچه جنابعالی نت سرود ملی جدید روسیه شوروی را برای من ارسال بدارید. من تلاش خواهم کرد که سازمان سخن پراکنی و رادیوی بریتانیا در هر زمانی که خبری درباره پیروزی های مهم روسیه بدست می آورد ، بیدرنگ نسبت به پخش سرود ملی شما اقدام نماید.

سند شماره ۲۲۰

نامه خصوصی استالین نخست وزیر
به وینستون چرچیل نخست وزیر

نت سرود ملی جدید شوروی را من با اولین پست برای شما ارسال خواهم داشت .و.م.مولوتوف به خاطر اظهار لطفی که ابراز فرموده اید، مراتب تشکر و سپاس خود را همراه با بهترین آرزوهای قلبی خود تقدیم حضورتان می دارد.

من با جنابعالی نسبت به انجام ملاقات های جداگانه مورد علاقه کاملاً موافقم.

دوم ژانویه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۲۱

تاریخ دریافت نامه ۵ ژانویه سال ۱۹٤٤

خصوصی و فوق محرمانه
نامه وینستون چرچیل به مارشال استالین

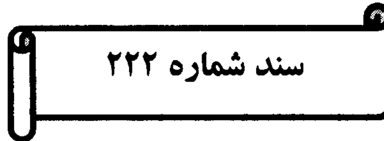
۱- با حملات بسیار کوبنده ای که شما در« ویتبسکی» ، در ناحیه غرب و جنوب غربی «کی یف»بعمل می آورید ، قلب های ما را سرشار از شادی و هیجان می کنید . من امیدوار هستم که تا پایان ماه ، آن برنامه نسبتاً بزرگی را که در اینجا روی آن کار می کنم، به مرحله عمل درآورم ، . ضمناً ، کلیه مقدمات مربوط به عملیات «اولرد» (٤٣) سیر کاملاً طبیعی خود را می گذراند . ژنرال «مونتگمری»اینجا ، سر راه خود . راهی که می رود تا فرماندهی نیروی اعزامی ارتش ها را بعهده بگیرد، توقفی بعمل آورد . طبیعی است که او ابتکارات و تاکتیک های شخصی خود را جهت اجرای جزئیات برنامه پیاده خواهد کرد. او سرشار از شوق و اشتیاق به جنگ با دشمن بوده و به پایان موفقیت آمیز جنگ ایمان کامل دارد.

۲- پرزیدنت « بینش» امروز به منظور دیدار با من به اینجا وارد می شود . او انسان عاقل و دانشمندی است که باید لهستان را به درک موقعیت خود توجیه و هوشیار کند.

۳- من روز به روز احساس بهبودی بیشتری می نمایم . بیوربروک اینجا نزد من می باشد و بی شائبه ترین احترامات خود را به حضور جنابعالی تقدیم

مـی دارد . پسرم « راندولف» همراه با « مکلین» سرفرماندهی هیأت نمایندگی ما بـرای دیـدار بـا تیـتو از چتـر فـرود استـفاده خواهد کرد ، بنابراین من بخوبی در جریان اخبار و اطلاعات قرار خواهم گرفت .

بـه کلـیه افسـران دسـتو العمـل مربوط به همکاری نزدیک و صمیمانه با هر یـک از هـیات هایـی کـه شـما اعـزام خواهـید فـرمود، داده شـده است . بخاطر مسـاعدتی کـه در رابطـه بـا یونانـیان (٦٠) بعمـل آورده ایـد ، از جنابعالی بسیار متشکرم.



سند شماره ۲۲۲

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

۱- نامـه مـورخ ۵ ژانـویه شـما را دریافت نمودم . از خبر ارسالی شما درباره پیشـرفت طبیعـی کلـیه مقـدمات مـربوط بـه عملیات «اولرد»(٤٣) و اینکه در ماه جاری جنابعالی سایر تدابیر مربوطه را اتخاذ خواهید فرمود ، بسیار خرسندم.

۲-حال که جنابعالی به طرح این مسئله پرداخته اید ، ضرورتاً باید بگویم که اگـر خواسـته باشیم بر اساس آخرین بیانیه دولت مهاجر لهستان و سایر اظهارات دولتمـردان لهستانی قضاوت نماییم . اینطور که مشهود است ،پایه ای برای آنکه بـتوان نسبـت بـه هوشـیار کـردن این سردمداران محاسبه ای بعمل آورد، وجود ندارد. این افراد اصلاح پذیر نمی باشند.

۳-لطفاً ، مراتب تشکر و آرزوهای قلبی مرا حضور لرد بیوربروک ابلاغ فرمایید.

٤- حملات ما فعلاً با موفقیت های محدود ادامه دارد ، بویژه در جنوب که آلمانیها در همه جا ، تا آنجا که می توانند سرسختانه مقاومت نشان می دهند .

۷ ژانویه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۲۳

تاریخ دریافت نامه ۱۲ ژانویه سال ١٩٤٤

فوق محرمانه و خصوصی

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

من همراه با هیاتی از ما که قرار است ظرف چند روز آینده با چتر فرود پیاده شوند، نامه ای به شرح زیر برای تیتو ارسال داشته ام ، من متن آن را عیناً جهت اطلاع جنابعالی ارسال می دارم :

«آفریقا ،۸ ژانویه سال ١٩٤٤

آقا!

بخاطر نامه محبت آمیزی که شما در رابطه با پرسش از حال و سلامت اینجانب ارسال داشته اید ، از شخص جنابعالی و ارتش میهن پرست یونان و پارتیزان های یوگسلاوی بسیار متشکرم . من از دوست خود سرگرد « اشکین » اطلاعات جامعی درباره مبارزات دلاورانه شما دریافت داشته ام . من در نهایت صمیمیت همه تلاش خود را در جهت انجام هر نوع کمک به شما ، چه بصورت ارسال محموله از راه دریا و پشتیبانی از طریق هوا و چه بوسیله عملیات

« کوماندوس» (٦١) به منظور حمایت از شما در مبارزات در جزیره ها ، بعمل خواهم آورد . سر فرمانده مکلین دوست و همکار من در مجلس عوام می باشد. او به زودی همراه با پسر من سر گرد راندولف چرچیل که عضو پارلمان نیز می باشد، بحضور جنابعالی در اقامتگاه اصلی خواهند رسید . پیش روی ما یک هدف عمده و اساسی وجود دارد و آن پاکسازی قاره اروپا از لوث وجود نازیهای خبیث و فاشیست های مار صفت می باشد . جنابعالی اطمینان داشته باشید که ما انگلیسی ها هیچ تمایلی به دیکته کردن نوع حکومت آینده شما در یوگسلاوی نداریم . در عین حال ما امیدوار هستیم که همه ما با هم با وحدت و یگانگی هر چه بیشتر ،به منظور پیروزی بر دشمن مشترک همکاری داشته و در آینده هم مسئله مربوط به فرم و شکل اداره کشور بر اساس رأی و اراده ملت حل گردد. من در این باره تصمیم گرفته ام که دولت بریتانیا در آینده هیچ کمک نظامی به میخایلوویچ انجام ندهد، و تنها به شما کمک نماید و اگر دولت پادشاهی یوگسلاوی او را بیش از این در جریان اخبار و رویدادها قرار ندهد. ما بسیار خوشحال خواهیم شد.

پادشاه پیتر دوم هنوز هنگامی که پسر بچه ای بیش نبود از چنگ خیانت بار «رگنت پرنس پاول» رهایی یافت و به عنوان نماینده یوگسلاوی ، بصورت پرنسی جوان و مغموم وارد کشور ما شد ، اگر بریتانیای کبیر از پذیرش او خودداری بعمل می آورد ، یقیناً این رفتار با کیش و آئین شوالیه های آزاده و جوانمرد مغایرت می داشت . ما نمی توانیم همچنین از او بخواهیم که او تمام ارتباطات موجود خود را با کشور خود قطع نماید. بنابر این من امیدوار هستم که شما این موقعیت را درک بفرمایید که بهرحال و در هر شرایط ما به حفظ

مناسبات رسمی خودبا وی ادامه خواهیم داد، ضمن آنکه همزمان با این خط مشی ، هرنوع حمایت امکان پذیر نظامی را هم در قبال شما بعمل خواهیم آورد. من همچنین امیدوار می باشم که هر دو طرف به مناقشات دو جانبه خود خاتمه دهند، زیرا در غیر این صورت این امر فقط به آلمانیها کمک خواهد کرد.

شما باید اطمینان داشته باشید که من با دوستان خود مارشال استالین و پرزیدنت روزولت در ارتباطی بسیار نزدیک و صمیمانه کار می کنم؛ و من از صمیم قلب امیدوار هستم که هیات نظامی ای که از طرف دولت شوروی به اقامتگاه ویژه جنابعالی اعزام خواهد شد نیز در چنین جوی از تفاهم و دوستی به همکاری با هیات های نمایندگی انگلیس و آمریکا که ریاست آنها را مکلین عهده دار می باشد ،بپردازد. لطفاً ، درباره آنچه که فکر می کنید انجام آن برای من میسّر است برایم بنویسید و از طریق سرفرمانده مکلین به من اطلاع دهید ، زیرا من قطعاً تمامی مساعی در حد توان خود را برای انجام آنها بکار خواهم برد.

در انتظار پایان گرفتن رنجهاومصائب شما و رهایی اروپا از ستمکار می باشم.

به من اعتماد بفرمائید.

ارادتمند شما – وینستون چرچیل».

سند شماره ۲۲٤

تاریخ دریافت نامه ۱۲ ژانویه سال ۱۹٤٤

خصوصی و محرمانه
نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

ما پیشروی شگفت انگیز ارتش های شوروی را پیوسته دنبال می کنیم .من نه به عنوان یک کارشناس ، اما فکر می کنم که « ایژمرنیکا» (شهر - مترجم) می تواند از اهمیت بسیار قابل ملاحظه ای برخوردار باشد . اگر ما در تهران دوباره ملاقاتی داشته باشیم ، در آن صورت پشت میز مذاکره من به شما خواهم گفت : « لطفاً در موقع خود به من بفرمائید که ما در چه زمانی بایستی عملیات مربوط به انهدام و ویران سازی برلن را متوقف سازیم ، زیرا در آنجا برای اقامت ارتش های شوروی ما باید جا به اندازه کافی رزرو باقی بگذاریم».

در اینجا تهیه و بررسی تمام نقشه های مربوط به امور ایتالیا بطرز رضایتبخشی به پایان رسیده است .

در پاسخ به اظهار لطفتان ، من هم از دور صمیمانه دستتان را می فشارم.

سند شماره ۲۲۵

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۲ ژانویه شما را دریافت داشتم . ارتش های ما در این اواخر در واقع به موفقیت هایی نائل آمده اند، اما تا برلن هنوز فاصله بسیار است . بعلاوه ، اکنون آلمانیها در حال حمله های متقابل نسبتاً قابل توجهی به خصوص در منطقه شرقی «وینیتسا» می باشند . البته ، این امر ، خطرناک نیست ، اما به هر حال آنها در اینجا به عقب راندن واحدهای پیشرو ما توفیق یافته و موقتاً پیشروی ما را متوقف ساخته اند . بنابر این شما نه تنها نبایستی بمباران های برلن را کاهش داده ، که بر عکس ، باید با تمام نیرو بر شدت آن هم بیفزائید. آلمانیها هنوز این امکان را دارند که قبل از ورود مشترک ما به برلن اماکن مورد نیاز ما و شما را احداث نمایند.

نامه ای را که شما برای تیتو ارسال داشته اید و طی آن او را با حمایت های خود مورد تایید قرار داده اید ، حائز اهمیت خواهد بود.

امیدوارم اقداماتی را که شما و آمریکاییها برای اجرای عملیات «اورلرد»(۴۳) بعمل می آورید با موفقیت ادامه یافته و پیش برود.

۱۴ ژانویه سال ۱۹۴۴

سند شماره ۲۲٦

تاریخ دریافت نامه ۱۵ ژانویه سال ۱۹٤٤

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

نت هایی را که شما در نامه مورخ دوم ژانویه خود وعده کرده بودید ، اکنون دریافت گردید. سرود ملی شما توسط ارکستر سمفونیک کامل سازمان سخن پراکنی و رادیویی بریتانیا ، یکشنبه ساعت ۹ شب قبل از پخش اخبار اجرا خواهد گردید.

سند شماره ۲۲۷

خصوصی و فوق محرمانه

نامه چرچیل به مارشال استالین

من به این نتیجه رسیده ام که کاروان (۲) قطبی تکمیلی مرکب از ۲۰ کشتی عمدتاً آمریکایی را می توان بدون هیچ ضرر و زیانی به عملیات اصلی ما ، حدوداً ۱۵ الی ۱۸ مارس از بریتانیای کبیر به جانب شما اعزام نمود.

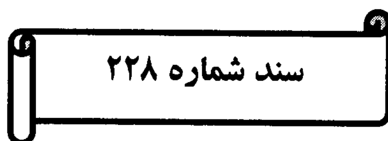
امیدوارم که این اقدام انبساط خاطر جنابعالی را فراهم آورد.

وقتی من از دریا سالار « فریزر» مستقر در کشتی سلطنتی «هرزوک یورکسکی » شنیدم که او قبل از غرق کشتی «شارن گورست» با دریا سالار «گالوفکا» و سایر افسران وناوی های شما در بندرگاه « کولسکی» دیداری گرم

و صمیمانه داشته است ، بسیار شاد و مسرور شدم . او اظهار می دارد که در این ملاقات ، کلیه افراد ابوابجمعی دو نیروی دریایی ما ، در هر درجه و رتبه ، چه احساسات خالص و نیک اندیشانه ای را از خود ابراز داشتند.

خوشحالم از اینکه پیام من به مارشال تیتو مورد پسند جنابعالی قرار گرفته است . ما البته ، بمباران برلن را بطور خستگی ناپذیر ادامه خواهیم داد . در حال حاضر من در دریا هستم ،اما اطمینان داشته باشید که به محض مراجعت به وطن اولین اقدام من تامین موفقیت«اورلرد »(٤٣) خواهد بود.

۱۷ ژانویه سال ۱۹٤٤



نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از خبری که درباره تصمیم خود مبنی بر اعزام یک کاروان (۲) مرکب از ۲۰ فروند کشتی بصورت تکمیلی به اتحاد شوروی در نیمه ماه مارس ، علاوه بر کشتی هایی که قبلاً پیش بینی شده است ، ارسال فرموده اید از جنابعالی تشکر می کنم . این تصمیم برای جبهه های ما بسیار پر ارزش خواهد بود.

۲۰ ژانویه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۲۹

تاریخ دریافت نامه ۲۲ ژانویه سال ۱۹٤٤

خصوصی و کاملاً محرمانه
نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- ما حمله بزرگ خود علیه نیروهای آلمانی را که در حال دفاع از رم می باشند ومن در تهران درباره آن به جنابعالی اطلاع داده بودم ، آغاز نمودیم . وضع هوا و شرایط جوی گویا مساعد می باشد . من امیدوار هستم که به زودی برای شما خبرهای خوش و مسرت بخشی داشته باشم.

۲- من تلگرام مشترک پرزیدنت روزولت و خود را درباره کشتی های ایتالیایی برای شما مخابره خواهم کرد. برای نیل به این مقصود ، ، به امید آنکه پیشنهادهای مربوطه مورد پذیرش جنابعالی قرار گیرند ، من تلاش نسبتاً زیادی بعمل آوردم. چنانچه این پیشنهادها مورد قبول واقع نشد ، در آن صورت شخصاً به این جانب اطلاع بفرمائید، و من بررسی خواهم کرد که آیا می توان پیشنهادهای دیگری را مطرح نمود یا خیر.

۳- درباره مذاکرات خود با لهستانیها من تلگراف جداگانه ای برای جنابعالی مخابره خواهم کرد.

سند شماره ۲۳۰

تاریخ دریافت نامه ۲۳ ژانویه سال ١٩٤٤

کاملاً محرمانه و خصوصی

نامه آقای چرچیل و پرزیدنت روزولت به مارشال استالین

در زمینه تحویل کشتی های ایتالیایی به روسیه شوروی که در کنفرانس مسکو(۵۹)مورد تقاضای دولت شوروی بوده و ما هر دو طرف نسبت به تحویل آنها با شما به توافق رسیده بودیم ، یادداشتی از ستاد مشترک (۳۷) دریافت داشته ایم که مفاد آن را متعاقباً پس از ارسال این تلگرام ، عیناً برای شما مخابره خواهیم کرد.

بر اساس نظریات مندرج دراین یادداشت ، ما فکر می کنیم که از نقطه نظر حفظ منافع سه کشور ، در حال حاضر انجام هر گونه تحویل و تحول نسبت به این کشتی ها و هر نوع اظهار نظر در این باره به ایتالیاییها ، تا زمانی که همکاری آنان جنبه اجرایی دارد ، خطرناک است .

با وجود این ، چنانچه جنابعالی پس از بررسی دقیق جزئیات مسئله اظهار تمایل بفرمایید که ما به عملیات خود در این زمینه ادامه دهیم ، ما می توانیم به منظور عقد موافقتنامه های لازم و ضروری بی آنکه این امر آشکارا مورد توجه نیروی دریایی ایتالیا قرار گیرد با «بادال ئو» بطور محرمانه وارد مذاکره شویم .

اگر از این راه بتوان به توافقی دست یافت ، در آنصورت می توان به او پیشنهاد داد که او با مقامهای نیروی دریایی ایتالیا در زمینه انجام اقداماتی که ضرورت اجرایی پیدا خواهد کرد ، به توافق برسد. این اقدامها شامل بر این خواهد بود که کشتی های ایتالیایی تعیین شده برای تحویل باید راهی بنادر مورد نظر متفقین گردند ، جائی که در آنجا مامورین روسی نسبت به تحویل این کشتی ها اقدام خواهند کرد. سپس مامورین مذکور همرا با این کشتی ها به سوی بنادر شمال روسیه، تنها بنادر باز و آزادی که در آنجا می توان هر نوع تجهیز مجدد مورد نیازی را بعمل آورد ، حرکت خواهند کرد.

اما ، ما به روشنی کامل خطرات ناشی از اجرای این شیوه عمل را که برای شما شرح داده شد ، دریافته ایم و بر این اساس تصمیم گرفته ایم که یکی از دو طریق زیر را که از نقطه نظر نظامی دارای امتیازات بسیاری است ، به حضور شما پیشنهاد نماییم.

اخیراً درایالات متحده کار بازسازی و تجهیز مجدد ناو انگلیسی « رویال ساورین» به پایان رسیده است . این سفینه جنگی به دستگاههای راداری مجهز است که بر انواع تسلیحات کاربرد مؤثر دارد . ایالات متحده هم تقریباً در همین زمان یک ناو جنگی سبک آماده تحویل خواهد داشت.

دولت سلطنتی بریتانیا و دولت ایالات متحده آمریکا به سهم خود ، با کمال میل آماده اند که این کشتیها را در بنادر بریتانیا به مامورین شوروی تحویل داده تا از آنجا به سوی بنادر شمال روسیه اعزام شوند. پس از آن شما می توانید هر نوع تغییراتی را که برای شرایط قطبی لازم و ضروری می دانید روی آنها انجام دهید.

این سفینه ها بطور موقت و بصورت قرض در اختیار روسیه شوروی قرار خواهند گرفت و تا موقعی که نتوان نسبت به تحویل کشتی های ایتالیایی به شما ، بدون ضرر و زیان وارده به عملیات جنگی ما ،اقدامی بعمل آورد، این سفینه ها زیر پرچم شوروی مورد استفاده شما قرار خواهند گرفت.

دولت سلطنتی بریتانیا و دولت ایالات متحده هریک بطور جداگانه به منظور تحویل کشتیهای باری ۲۰ هزار تنی به شوروی در اسرع وقت تدابیری اتخاذ خواهند کرد که تا زمانی که کشتیهای باری ایتالیایی تحویل نگردیده و صدمه و آسیبی هم برای عملیات مهم «اولرد» (٤٣) و «انویل» (٦٢) که قبلاً پیش بینی شده است ، در بر نداشته باشد، این کشتی ها را در اختیار شوروی قرار بدهند.

ارجحیتی که هر یک از این دو راه پیشنهادی در خود مستور دارد آنست که دولت شوروی به مراتب زودتر از آنچه که بتواند کشتیهای ایتالیایی را تحویل گرفته و تجهیز نماید ، می تواند این کشتی ها را برای استفاده در آبهای شمال مورد بهره برداری قرار دهد. بنابر این ، چنانچه تلاش ما در رابطه با ترکها از نتایج مساعد و مطلوبی برخوردار گردد و تنگه ها آزاد اعلام شوند ، این کشتی ها برای انجام عملیات در دریای سیاه آماده خواهند بود . ما امیدوار هستیم که شما یکی از این دو راه پیشنهادی را که به اعتقاد ما از هر جهت نسبت به مورد اول از برتری و امتیاز بیشتری برخوردار است ، با دقت کامل مورد ملاحظه و بررسی قرار بدهید.

چرچیل

روزولت

سند شماره ۲۳۱

تاریخ دریافت نامه ۲۳ ژانویه سال ۱۹٤٤

کاملاً محرمانه و خصوصی است.

نامه آقای چرچیل و پرزیدنت روزولت به مارشال استالین

این نامه در ارتباط و پیرو نامه قبلی ما می باشد.

ستاد مشترک ما(۳۷) توصیه های زیر را همراه با اطلاعاتی تأیید کننده بدین شرح به ما تسلیم داشته است:

الف - با توجه به عملیات قریب الوقوعی که متفقین در پیش دارند ،زمان حال، زمان مناسبی برای تحویل کشتی های به غنیمت گرفته شده ایتالیایی نمی باشد;

ب – در حال حاضر هر نوع دستوری که در رابطه با انتقال این کشتی ها صادر گردد، به منزله حذف ذخایر ایتالیایی مورد نیازی است که اکنون در عملیات جاری خود مورد استفاده قرار می دهیم و همچنین محرومیت از کمکهایی خواهد بود که فعلاً از طریق پایگاههای تعمیراتی ایتالیا در خصوص ما انجام می گردد. این امر می تواند باعث غرق کشتی های نظامی ایتالیا گردیده و ایتالیائیها را از انجام همکاری با ما بر حذر نماید ودر نتیجه عملیات « اولرد» (٤۳) و «انویل» (٦۲) را به مخاطره اندازد;

پ-تحویل کشتی های ایتالیایی را می توان در آینده بسیار نزدیک ، به

محض آنکه عملیات ما انجام این کار را ممکن سازد، بعمل آورد.

چرچیل

روزولت

سند شماره ۲۳۲

تاریخ دریافت نامه ۲٤ ژانویه سال ۱۹٤٤

فوق محرمانه و خصوصی

نامه چرچیل به مارشال استالین

۱- ما بیدرنگ سفیر کلارک کر را به منظور روشن ساختن پاره ای مسائل، هر چند که ظاهراً بی اهمیت به نظر می آیند، به کشور شما بازمی گردانیم، زیرا چه بسا ممکن است که همین مسائل به ظاهر ناچیز برای هر دو طرف ما بصورت مشکلات و مسائلی پیچیده درآیند.

۲-من نمی توانم نسبت به بازتاب بسیار نامطلوبی که در اینجا به علت درج خبر در «پراودا» (٦٣) به وجود آمده، خبری که دولت شوروی آن را بطور رسمی و علنی، با چنین تفصیلی در اختیار این روزنامه قرار داده است، بی تفاوت باقی بمانم. از انعکاس این خبر حتی بهترین دوستان روسیه شوروی در انگلیس بهت زده شده اند. این خبر بیشتر از آن جهت اهانت آمیز است که ما نمی توانیم منشأ اصلی و انگیزه واقعی آن را بشناسیم. یقیناً جنابعالی استحضار دارید که من هیچ گاه در صدد انجام مذاکره جداگانه با آلمانیها

نبوده ام و ما همواره شما را در جریان هر پیشنهادی که آلمانیها به ما داده اند گذاشته ایم، همانطور که شما نیز از هر پیشنهادی که آلمانیها به شما داده اند ، ما را مطلع ساخته اید. ما درباره عقد قرارداد صلح جداگانه با آلمان ،حتی در آن سالی که به تنهایی مبارزه می کردیم و به آسانی می توانستیم به انعقاد چنین صلحی اقدام نموده بی آنکه تلفات و خسارات سنگینی را به ویژه در رابطه با همکاری با شما متوجه امپراتوری بریتانیا سازیم، هیچ اندیشه ای نداشتیم . برای چه حالا باید چنین بیاندیشیم ، بخصوص در شرایطی که امور هر سه کشور با موفقیت به سوی پیروزی در حرکت است ؟ اگر مسئله خاصی به وجود آمده و یا مواردی در جراید انگلیس به چاپ رسیده که باعث رنجش خاطر شما گردیده است ، از چه روی شما نمی توانید تلگرامی برای من ارسال نمایید و یا سفیر خود را برای ملاقات با ما اعزام داشته تا با وی برای حل مسئله به مذاکره بنشینیم ؟ از این طریق می توان هر سوء تفاهمی را منتفی و هر بدگمانی نقش بسته در صفحه خاطر را پاک نمود.

۳- هر روز من مقالات پر طول و تفسیری را از مجله « جنگ و طبقه کارگر» (٦٤) که بنظر می آید دائماً دستگاه اداری ما را در ایتالیا و سیاست ما را نیز در یونان مورد حملات چپ و انتقاد آمیز خود قرار می دهد، دریافت می دارم . با توجه به اینکه شما در کمیسیون مربوط به امور ایتالیا دارای نماینده می باشید ، ما انتظار داشتیم که این گلایه ها را در آنجا مورد بررسی قرار می- دادیم و ضمن گفت و شنود درباره شکوه ها و انتقادات مربوطه ، دولتین نیز صرفاً از طریق تبادل افکار به بیان دیدگاههای خود می پرداختند .از آنجا که در مطبوعات شوروی این حملات بطور آشکارا به چاپ می رسد و انعکاس آن

در روابط خارجی ، درست یا نادرست ، جدا از سیاست شوروی نمی باشد، بنابر این اختلاف سلیقه بین دولتهای ما بصورت یک مسئله مهم پارلمانی در خواهد آمد . من نطق خود را در مجلس عوام تا بدست آوردن نتایج مربوط به نبرد در ایتالیا که بطرز کاملاً رضایتبخشی ادامه دارد، به تعویق انداخته ام ، ولی پس از یک هفته و یا ۱۰ روز من ناگزیربه ایراد سخنرانی در مجلس عوام خواهم بود و الزاماً باید به طرح مسئله ای که در این نامه به آن اشاره داشته ام بپردازم ، زیرا من نمی توانم بخود اجازه دهم که اتهامات و انتقادات منعکس شده را بدون پاسخ باقی گذارم.

٤- من از احساسی که نسبت به حسن روابط دوستانه مان ابراز گردیده و من آنرا از تهران به ارمغان آورده ام و همینطور از پیامی که جنابعالی بوسیله آقای « بینش» برایم ارسال فرموده اید، بسیار خوشحالم و شب و روز تلاش می کنم آنطوری که شما می خواهید و آنطوری که منافع سه کشور ما اقتضاء می کند، کارها بر وفق مراد انجام گردد. من اطمینان دارم که اگر ما با هم باشیم ، قطعاً مشکلاتی بوجود نخواهد آمد . من اکنون همه اوقات خود را صرف ایجاد موفقیت آمیز جبهه دوم و بسط و توسعه آن در ابعادی به مراتب گسترده تر می نمایم . حال آنکه انواع نیش ها و سمپاشی ها کار مرا دچار مشکل می سازند . البته ، ابراز چند کلمه جنابعالی در این رابطه ، یقیناً به کلیه این مسائل خاتمه خواهد بخشید.

ما همیشه به این توافق بوده ایم که مسائل را برای یکدیگر با صراحت باز گو و به نگارش درآوریم ، و من اکنون به انجام آن پرداخته ام . بهر حال ، من امیدوار هستم که جنابعالی پس از ورود « کلارک کر » وی را بحضور پذیرفته

و به او اجازه فرمایید که او اوضاع و شرایط را آنطوری که باید بین متفقین برقرار باشد، نه تنها فقط بخاطر آنکه ما در این جنگ با هم متحد می باشیم ، بلکه از آن جهت که ما با هم دارای قرارداد همکاری و پیوند ۲۰ ساله می باشیم، مشروحاً به استحضار جنابعالی برساند .

۵- من هنوز امکان ارسال تلگراف درباره مذاکره با لهستانیها را بدست نیاورده ام ، زیرا در مورد مسئله به این پراهمیتی من باید از مواضع ایالات متحده آمریکا نیز آگاهی داشته باشم . البته، امیدوار هستم که پس از چند روز بتوانم در این رابطه پیامی به حضورتان مخابره نمایم.

٦- سر فرمانده « مکلین » و پسرم « راندولف» بطور موفقیت آمیز با چتر به محل استقرار ستاد فرماندهی تیتو فرود آمدند.

سند شماره ۲۳۳

خصوصی و محرمانه

ازاستالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر و فرانکلین روزولت رئیس جمهور

۲۳ ژانویه من دو نامه مشترکی را که درباره تحویل کشتی های ایتالیایی به اتحاد شوروی ، به منظور استفاده ما ، به امضاء شما آقای نخست وزیر و شما آقای رئیس جمهور رسیده است ،دریافت داشتم.

باید بگویم که در تهران ، پس از آنکه پاسخ مثبت شما را نسبت به سؤال مطروحه خود درباره تحویل کشتی های ایتالیایی به اتحاد شوروی ، تا پایان

ژانویه سال ۱۹٤٤ ، شنیدم ، من دیگر این مسئله را حل شده تلقی کرده و فکری درباره امکان هیچگونه تجدید نظری نسبت به تصمیمی که به توافق و تصویب سه جانبه ما رسیده بود ، نداشتم . مضافاً اینکه ما در آن هنگام مقرر نمودیم که این مسئله در طول ماههای دسامبر و ژانویه در رابطه با ایتالیاییها هم باید بطور کامل حل گردد. اما حالا مشاهده می شود که مسئله بصورت دیگری در آمده و حتی در این مورد با ایتالیاییها هم هیچ گونه سخنی گفته نشده است.

با وجود این ، برای آنکه حلّ مسئله به این مهمی را که در مبارزه مشترکمان علیه آلمان از اهمیت بالایی برخوردار است به بعد موکول ننمائیم ، دولت شوروی آماده پذیرش پیشنهاد شما مبنی بر اعزام سفینه جنگی انگلیسی «رویال ساورین » و ناو آمریکایی از بنادر انگلیس به سوی اتحاد شوروی می باشد؛ بدیهی است که این کشتی ها تا تحویل کشتی های مربوطه ایتالیایی مورد بهره برداری موقت فرماندهی نیروی دریایی شوروی قرار خواهند گرفت . به همین تعداد و نسبت نیز ما آماده دریافت کشتی های باری ۲۰ هزار تنی نیروهای ایالات متحده آمریکا و انگلیس می باشیم ؛ البته ، این کشتی ها تا قبل از تحویل و واگذاری کشتی های باری ایتالیایی هم حجم ، مورد استفاده نیروهای دریایی شوروی واقع خواهند شد . مهم این است که حالا در این کار وقفه ای حاصل نگردد و کلیه کشتی های مذکور دست کم در ماه فوریه به ما تحویل شوند.

ضمناً شما در جوابیه خود در مورد تحویل هشت فروند کشتی اژدر افکن ایتالیایی و چهار سفینه زیر دریایی به اتحاد جماهیر شوروی که شما آقای نخست وزیر و شما آقای رئیس جمهور شخصاً موافقت خود را در تهران نسبت

بـه واگـذاری آنهـا تـا اواخـر ژانـویه اعلام فرموده بودید، کوچکترین اشاره ای نکـرده ایـد . بعـلاوه ،مسـئله اصـلی بـرای اتحـاد شـوروی ، مسـئله سـفینه هـای اژدرافکـن و زیـر دریایـی مـی باشـد که بدون تحویل آنها ، تحویل یک کشتی جنگـی و یـک رزم ناوفاقـد اهمیت خـواهد بود. شما خود استحضار دارید که کشـتی هـای جنگـی و رزم ناوهـا بـدون حمایـت سـفینه های اژدرافکن قدرتی نخواهـند داشـت . از آنجا که کل نیروی دریایی ایتالیا در اختیار شما می باشد ، در نتیجه اجـرای تصـمیم مـتخذه در تهـران دایـر بـر تحـویل ۸ فـروند کشـتی اژدرافکن و ٤ سفینه زیر دریائی ایتالیایی به اتحاد شوروی و بهره برداری از آنها قائـدتاً نـباید مسـئله ای را فـراهم آورد . مـن مـوافقم کـه بـه جایِ ناوشکن ها و زیردریایـی هـا ی ایتالیایی ، به همین تعداد ناوشکن و زیردریایی آمریکایی و یا انگلیسـی در اختیار اتحاد شوروی قرار داده شود تا مورد استفاده قرار گیرد. در ایـن شـرایط ،مسـئله واگـذاری ناوشکن ها و زیردریایی ها نه تنها نباید به عهده تعویـق سـپرده شود ، بلکه این مسئله باید همزمان با تحویل کشتی های جنگی و رزم ناو ، همانطور که این امر در مذاکرات سه جانبه تهران مقرر شده است،حل گردد.

۲۹ژانویه سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٣٤

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ٢٤ ژانویه جنابعالی را دریافت نمودم.

به علت بار بسیار سنگین امور جبهه ،در پاسخگویی به نامه شما قدری تأخیر حاصل گردید.

در مورد خبر مندرج در «پراودا» (٦٣) باید بگوییم که این خبر را نباید مورد اهمیت فراوان قرار داد . زیرا قاعده ای وجود ندارد که بتوان روزنامه ای را که براساس حقوق خود به درج اخبار مربوط به شایعاتی که از منابع معتبر خبری کسب کرده است ، مورد اعتراض قرارداد . ما روسها ،می توانم بگویم که هیچگاه در چنین مواردی بکار مطبوعات بریتانیا دخالت نکرده ایم ، هر چند که با نمونه های بسیار فراوانی از این قبیل روبرو بوده و هستیم . فقط گاهی اوقات پاره ای از اخبار را که در جراید انگلیس به چاپ رسیده و شایسته تکذیب بوده ، خبرگزاری ما «تاس» مورد تکذیب قرار داده است .

در واقع اگر خواسته باشیم که ماهیت مسئله را مورد بررسی قرار بدهیم ، من نمی توانم باجنابعالی در این زمینه توافق داشته باشم که انگلستان در موقع خود می توانسته قرارداد صلح جداگانه با آلمان را به آسانی ، بی آنکه تلفات و خسارات مهمی را متوجه امپراتوری بریتانیا سازد به امضاء برساند و لذا این قرارداد را به خاطر همکاری با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به امضاء نرسانده است . من خیال می کنم که این مطلب براساس احساسات و هیجان بیان گردیده است ، زیرا من بیانات شما و سایر جنبه های مربوطه را بخاطر دارم . برای نمونه ، من آن دوران سخت و دشواری را که انگلستان می گذرانید به یاد دارم ، قبل از آنکه اتحاد شوروی درگیر جنگ با آلمان شود ، شما این احتمال را امکان پذیر دانسته که چه بسا بریتانیای کبیر ناگزیر به نقل و انتقال به کانادا گردد و از ماوراء اقیانوس به مبارزه علیه آلمان بپردازد . از طرفی ، شما اعتراف کرده اید که این اتحاد شوروی بوده است که با گسترش مبارزات خود علیه هیتلر ، خطری که بریتانیای کبیر را از جانب آلمانیها به مخاطره انداخته بود ، برطرف ساخته است. با همه این اوصاف ، اگر فرض را بر این بگذاریم که انگلستان می توانست بدون اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جنگ را اداره کند . در آن صورت این فرضیه را باید دست کم در مورد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم صادق دانست . البته ، من نمی خواستم که درباره این مسائل سخنی گفته باشم ، ولی ناگزیر به اشاره سخن و یادآوری حقایق شدم .

درباره مجله ، جنگ و طبقه کارگر ،(٦٤) تنها می توانم بگویم که این مجله ، یک مجلّه سند یکائی است و دولت هیچ مسئولیتی در قبال مقالات مندرج در آن را ندارد . در عین حال ، این مجله نیز مانند سایر مجلات ما به اصل و اساس کلی : تقویت و استحکام بخشیدن به دوستی متفقین معتقد است و قصد خطا گرفتن ندارد ، بلکه انتقادات دوستانه بجا می آورد.

مانند جنابعالی ، ملاقات در تهران و کار مشترکمان بر من نیز اثر خوبی گذاشته است .

البته ، پس از ورود آقای کرمن با او ملاقات خواهم داشت .

۲۹ ژانویه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۳۵

تاریخ دریافت نامه اول فوریه سال ۱۹٤٤

کاملاً محرمانه و خصوصی

نامه چرچیل به مارشال استالین

۱- پنجشنبه گذشته ، من به اتفاق وزیر امور خارجه که نمایندگی کابینه نظامی را نیز عهده دار می باشد ، با نمایندگان دولت لهستان در لندن ملاقات نمودم . در این دیدار ، من به آنها اطلاع دادم کا تامین امنیت مرزهای روسیه در مقابل خطرات ناشی از سوی آلمان ، مسئله ای است که برای دولت سلطنتی حائز اهمیت است و ما یقیناً اتحاد شوروی را در کلیه تصمیماتی که ضرورت اجرای آنها را برای نیل به این هدف لازم تشخیص دهیم، مورد پشتیبانی قرار خواهیم داد.

من خاطر نشان ساختم که روسیه دوبار مورد حمله بسیار شدید آلمانیها قرار گرفته و هر بار متحمل خونریزی های فراوان و خرابی های عظیمی شده است و از آنکه پس از جنگ جهانی اول استقلال ملی و موجودیت لهستان شکل گرفته ، حالا سیاست متفقین بزرگ بر اینست که پس از پایان جنگ،لهستان را نو بصورت کشوری مستقل در آورند . در این ملاقات من اظهار داشتم که ما به رغم آنکه به خاطر لهستان وارد این جنگ شده ایم ،اما این امر بخاطر خط معینی از مرز نبوده ، بلکه صرفاً به خاطر موجودیت لهستانی قدرتمند ، آزاد و مستقل بوده است که این موضوع را مارشال استالین بنابر

اظهـارات شخصـی خـود مـورد تأیـید قـرار داده انـد . بعـلاوه ، با توجه به اینکه بریتانیای کبیر در هر شرایط ،تا زمانی که سرنوشت آلمان مشخص نشده است ، بطور مستمر به نبرد خود ادامه خواهد داد، لذا رهایی لهستان از زیر یوغ آلمان ، عمدتاً ، توسط ارتش های روسیه که با نثار قربانیان بی شمار خود بهای سنگینی را پـرداخت مـی کنـند، صـورت خـواهد پذیـرفت . بنابـر ایـن متفقین حق خود دانسـته که از لهستان بخواهند تا نسبت به تعیین مرزهای آینده خود بطور مؤثری طبق نظر آنان عمل نماید.

۲- سـپس مـن اعـلام داشـتم کـه بر اساس آنچه که در تهران انجام گردیده اسـت ، من معتقدم که دولت شوروی موافقت خواهد داشت که مرزهای شرقی لهسـتان ، در صـورت بحـث و بررسـی مسـائل نـژاد شناسـی ، بـا خـط مـرزی « کـروزن»(٦٥)مطابقـت داشـته باشـد و بـه آنـان توصیه کردم که مرز کرزون را بعنوان محور اصلی مذاکرات خود منظورنمایند . البته، درباره جبرانی که در این زمیـنه در شـمال و غـرب لهسـتان بـه نفـع ایـن کشـور بعمـل آورده خـواهد شد،سـخنانی را بـیان نمـودم . حـد مرز شمالی ، «پروس» شرقی خواهد بود و در ایـن رابطـه مـن مسـئله بـندر کنیگسـبرگ را مطـرح نساختم . در مرز غربی آنها دارای امنـیت خواهـند بـود و بـه مـنظور اشـغال آلمـان ، بـه آنهـا تـا مـرز «ادر» مساعدت خواهد شد.

مـن بـه آنهـا گفـته ام کـه در صـورت رهایـی آنـان از چنگ آلمانیها که به کمـک قـوای متفقـین انجام خواهد شد، آنها خود باید در برابر تجاوزات آلمان کـه قهـراً متوجه شرق خواهد شد ، عهده دار وظیفه شده و به حفظ و صیانت از حـدود و ثغـور خـود بپـردازند . تـوجه نمایندگان لهستانی را به این امر معطوف

داشتم که برای انجام این وظیفه ، آنها به دوستی با روسیه که به حمایت از آنان برخاسته ، نیاز خواهند داشت و اینطور که من فکر می کنم ، سه دولت بزرگ پشتیبانی از آنان را در مقابل تهاجمات جدید آلمان ضمانت خواهند کرد. بریتانیای کبیر آماده انجام چنین تضمینی خواهد بود، مشروط بر اینکه روسیه شوروی ، متفق او موافقت خود را نسبت به اجرای این امر اعلام نماید.

من نمی توانم نحوه عملکرد ایالات متحده را در این زمینه پیش بینی نمایم ، اما به نظر می رسد که سه دولت نیرومند مشترکاً در برابر کلیه کسانی که قصد به مخاطره افکندن صلح جهانی را داشته باشند ، دست کم تا چندین سال متوالی پس از اتمام جنگ ، ایستادگی خواهند کرد.

در این ملاقات من به آنها توضیح دادم که براساس مطالعات لازمی که صورت خواهد گرفت ، تعهدی منوط بر موافقت و قبول مرزکرزون از دولت لهستان گرفته نخواهد شد، مگر در قبال حذف قسمتی از مرز مورد نظر که طبیعتاً طبق موافقتنامه ای که تنظیم خواهد یافت ، در مقابل آن ، جبران رضایتبخشی در شمال و یا در غرب ، همانطور که در بالا به آن اشاره شد، برای آن منظور گردد.

۳- در پایان به آنها اظهار نمودم که چنانچه سیاست روسها در این راستایی که من تشریح کرده ام ، منطبق گردد و گسترش یابد ، در آنصورت من از دولت لهستان بر اساس همین پایه و محور قاطعانه تقاضای عقد قرارداد خواهم کرد ، و دولت سلطنتی انگلستان توصیه خواهد کرد که کنفرانس صلح و یا کنفرانس هایی که به حل مسائل مربوط به تشکیل و سازماندهی اروپای پس از نابودی هیتلریسم خواهد پرداخت ، این مسئله را نیز مورد تصویب قرار دهند و

هیچگونه ادعای ارضی لهستان را که در خارج از متن قرارداد مربوطه خواهد بود، مورد پشتیبانی قرار ندهند . اگر وزرای لهستانی متفاعد شوند که بر این پایه می توان به موافقتنامه هایی دست یافت ، در آنصورت وظیفه آنها به موقع خود نه تنها تأئید آن موافقتنامه ها خواهد بود، بلکه مردانه باید ملت خود را در جریان امر قرار دهند، حتی اگر این اقدام منجر به سقوط قطعی آنان بوسیله عناصر افراطی گردد.

٤-وزرای لهستانی تمایلی به نادیده گرفتن دور نمائی که بدین ترتیب در برابرشان ترسیم گردید، از خود ابراز نداشتند ، اما به منظور مطالعه و در میان نهادن مسئله با سایر همکاران خود تقاضای مهلت کرده و در رابطه با موضوع نیز یک سری مسائلی را که به نظر می آید هیچیک از آنها مغایر با جنبه های عمومی پیشنهادهائی که من به آنها ارائه داده ام نمی باشد، مطرح ساختند. از جمله ، آنها می خواهند اطمینان بدست آورند که لهستانی که در مرزهای جدید مشخص خواهد شد، لهستانی آزاد و مستقل باشد و به منظور اجتناب از انتقام آلمانیها می خواهند که از دولت های بزرگ تضمین مؤثر دریافت نمایند و همچنین خواستار کمک دولتهای نیرومند در بیرون راندن آلمانیها از سرزمین های جدیدی می باشد که به لهستان اختصاص خواهد یافت و ضمناً در مناطقی که قرار است ضمینه خاک روسیه شوروی گردد. آنها می خواهند که مساعدت های لازم نسبت به آن دسته از لهستانیهایی که خواهان عزیمت به محل اقامت جدید خود می باشند . بعمل آید . آنها این مسئله را نیز مورد سؤال دارند که چنانچه نیروهای در حال حمله شوروی منطقه قابل ملاحظه ای از لهستان واقع در بخش غربی خط کرزون را به اشغال خود در آورند ، در

آنصورت چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود . آیا به آنان امکان بازگشت و تشکیل دولتی به مراتب قدرتمند مبتنی بر اراده ملت داده خواهد شد و آیا به آنان اجازه داده خواهد شد که در مناطق آزادشده ،مانند دولت هایی که کشورشان در معرض حمله قرار گرفته است . نسبت به اداره امور خود به کسب خودمختاری نائل آیند ؟ آنها از جمله ، نگرانی شدیدی نسبت به مسئله مربوط به روابط میان جنبش های زیرزمینی لهستان و قوای مهاجم شوروی ابراز می دارند ، البته با توجه به اینکه خواسته اصلی آنان کمک به بیرون راندن آلمانیها می باشد . در رابطه با این جنبش های زیرزمینی مسائلی مطرح می باشد که برای تلاشها و عملیات نظامی مشترک ما اهمیت فراوان دارد.

۵- ما برای انطباق عملیاتمان در مناطق مورد نظری که به آزادسازی آنها نیز اعتقاد داریم ، اهمیت شایانی قائلیم . سیاستی را که ما در ایتالیا دنبال می کنیم برای شما روشن می باشد . در این زمینه ، ما شما را کاملاً در جریان سیاست ها و خط مشی های خود قرار داده ایم و امیدوار هستم که این شیوه را در رابطه با فرانسه و سایر کشورهائی که رهایی آنها نیز مورد انتظار ما است ، اعمال داریم. ما اعتقاد داریم که اینگونه روش های همسو و هماهنگ نقش مؤثری در امور ملت های متحد ، چه در زمان حال و چه در زمان آینده خواهد داشت.

۶- حصول سریع به توافق کلی در امر مرزهای جدید دولت لهستان از آن نظر دارای اهمیت فوق العاده می باشد که می تواند راهگشای حل رضایتبخش این دو مسئله بسیار مهم باشد.

۷- البته ، با وجودی که همه اذعان دارند که روسیه شوروی حق شناسایی و یا عدم شناسایی هر دولت خارجی را دارا می باشد ، آیا جنابعالی تصدیق

نمی فرمایید که توصیه های مربوط به تعویض و تغییر اعضای یک دولت خارجی،علیرغم اظهاراتی که شما و من ابراز داشته ایم ، نوعی دخالت در حاکمیت داخلی آن دولت خارجی محسوب می گردد؟

من می توانم خاطر نشان سازم که دولت سلطنتی انگلستان عدم دخالت در امور دولتها را کاملاً مورد حمایت خود قرار می دهد.

۸- من اکنون درباره این مطلب که بیان کننده سیاست جاری دولت اعلیحضرت نسبت به این مسئله پیچیده روز می باشد، اطلاعاتی را به استحضار دوست و رفیق خود مارشال استالین می رسانم . من صمیمانه آرزو می کنم که این نقشه ها مفید و سودمند واقع شوند،من همیشه امیدوار بودم که بحث و مذاکره درباره مسائل مربوط به مرزها را تا پایان جنگ ، تا موقعی که فاتحین در کنار هم پشت میز گرد ننشسته اند به بعد موکول نماییم . خطراتی که دولت اعلیحضرت را مجبور به دوری از این اصل ساخته ، بزرگ و اجتناب نا پذیر است.

همانطور که ما اساساً امیدوار می باشیم ، چنانچه پیشروی موفقیت آمیز نیروهای شوروی ادامه یابد و قسمت اعظم خاک لهستان از وجود اشغالگران آلمانی پاک گردد، در آن صورت برقراری روابط حسنه بین اتحاد شوروی و هر قدرتی که بتواند به نام لهستان سخن گوید، یقیناً ، از ضروریات مهم خواهد بود. تشکیل یک دولت لهستانی دیگر در ورشو، غیر از آنچه که ما تابحال آن را به رسمیت شناخته ایم ،علاوه بر ایجاد نگرانی در لهستان،بریتانیای کبیر و ایالات متحده را نیز در برابر مسئله ای قرار خواهد داد که به توافق های کامل

موجود بین سه دولت بزرگ که سرنوشت صلح آینده به آنها بستگی خواهد داشت ، لطمه می زند.

۹-من می خو اهم توضیح دهم که این نامه نباید به منزله دخالت در روابط دو جانبه اتحاد شوروی و دولت لهستان به حساب آید.این نامه اطلاعیه ای است که جنبه کلی مواضع دولت سلطنتی بریتانیای کبیر را نسبت به مسئله ای که او را فوق العاده نگران ساخته است ،بیان می دارد .

۱۰-من شخصاً می خواستم از جنابعالی کسب اطلاع نمایم که شما چه تدابیری را در جهت کمک به همه ما برای حل این مسئله مهم اندیشه و اتخاذ می فرمایید.به هر تقدیر ،جنابعالی می توانیدروی خدمات خالصانه ما، ازآن جهت که مفید و ارزشمند می باشند ،حساب بفرمایید.

۱۱-من رونوشت این نامه را با تقاضایی دال برفوق محرمانه بودن کامل آن برای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ارسال خواهم داشت.

سند شماره ۲۳٦

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به وینستون چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را درباره مسئله لهستان از آقای کر که در این چند روزه وارد مسکو شده و من با وی مذاکرات سودمندی را بعمل آورده ام ،دریافت نمودم.

من می بینم که جنابعالی نسبت به مسئله مربوط به مناسبات شوروی و لهستان توجه خاصی معطوف می فرمایید.ما این بذل عنایت و مساعی شما را بسیار گرامی می داریم.

به اعتقاد من ،اولین مسئله ای که باید اکنون به حل کامل آن پرداخته شود،مسئله مربوط به مرز شوروی و لهستان می باشد.البته،جنابعالی درست خاطر نشان فرموده اید که لهستان در این زمینه باید از دیدگاههای متفقین پیروی نماید.درباره آنچه که به دولت شوروی مربوط می شود ،باید بگویم که این دولت بطور واضح و آشکار نظر خود را پیرامون مسئله مرزی بیان داشته است.ما اعلام کرده ایم که مرز سال ۱۹۳۹ را مرزی ثابت و تغییر ناپذیر نمی شناسیم و با خط«کرزون» (٦٥) موافقت داریم و با این شیوه موثر گذشت بسیار بزرگی را نسبت به لهستانیها نشان داده ایم.اما،دولت لهستان از پاسخگویی به پیشنهادما درزمینه پذیرش خط کرزون خودداری کرده و در نطق ها و سخنرانیها ی رسمی خود اعلام می داردکه مرزی راکه برطبق قرارداد ریگا (٦٦) بر ما تحمیل گردیده،بعنوان مرزی ثابت و همیشگی می پذیرد.از نامه جنابعالی چنین استنباط می شود که دولت لهستان حاضر به قبول خط مرزی کرزون می باشد،اما همانطور که پیدا است،لهستانیها در هیچ جا سخنی در این باره اظهار نداشته اند.

من فکر می کنم که دولت لهستان باید در بیانیه ای بطور رسمی اعلام نماید که خط مرزی مندرج در قرارداد ریگا تغییر یافته و خط کرزون بعنوان خط جدید مرزی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و لهستان تعیین گردیده است .دولت لهستان باید تغییر مرز را رسماً اعلام نماید،همانطور که دولت

شوروی به این امر اقدام ورزیده و بطور رسمی اعلام داشته است که خط مرزی سال ۱۹۳۹ تغییر یافته و مرز مشترک شوروی و لهستان خط کرزون می باشد.

درباره اظهارات جنابعالی خطاب به لهستانیها مبنی بر آنکه لهستان می تواند بطور قابل ملاحظه ای مرزهای خود را در غرب و شمال گسترش دهد ،باید بگویم همان طور که جنابعالی استحضار دارید ،مابا این امر موافق می باشیم،درصورتی که در آ ن یک اصلاحیه انجام گردد.راجع به این اصلاحیه،من در تهران مطالبی را به اطلاع شما و پرزیدنت روزولت رسانده ام.ما مدعی می باشیم که بخش شمال خاوری پروس شرقی،به انضمام بندر «کنیگسبرگ»،بندری که غیر قابل انجماد و یخبندان می باشد باید به اتحاد شوروی تعلق داشته باشد .این بخش،تنها بخش ناچیزی از خاک آلمان می باشد که ما به آن نظر داریم.بدون تامین دست کم این خواسته اتحاد شوروی،چشم پوشی و گذشت اتحاد شوروی نسبت به شناسایی خط کرزون که قبلاً اعلام گردیده است ،همانطور که من در تهران به اطلاع شما رساندم،دارای هیچ اعتباری نخواهد بود .

و اما درباره خود کابینه دولت لهستان .من فکر می کنم که برای جنابعالی روشن است که ما دیگر نمی توانیم با دولت کنونی لهستان روابط مجددی برقرار نماییم.در واقع همین طور است.برقرای تازه مناسبات با دولتی که هیچ اطمینانی نمی توان به آن داشت که فردا دوباره به علت یک توطئه دیگر فاشیستی،مانند «واقعه کاتینا»(٦٧)،از نو ما را به قطع روابط با خود مجبور نسازد،دارای ارزشی نخواهد بود.دولت لهستان در تمام دوره اخیر ،هر جا که ساسنکوفسکی سخنی داشته است،از سخن پراکنی خصمانه علیه اتحاد شوروی

خودداری بعمل نیاورده است. نطق های شدید الحن و خصومت آمیز سفرای لهستان در مکزیک و کاناداو صحبت های ژنرال اندرس در خاور نزدیک علیه اتحاد شوروی،دشمنی های بی حدوپایان جراید غیر قانونی لهستان در مناطق تحت اشغال آلمانیها در رابطه با اتحاد شوروی؛کشتار و نابودی پارتیزان های لهستانی به پاخاسته علیه اشغالگران هیتلری بنا به دستور دولت لهستان و نمونه های بیشماری از این گونه اعمال فوق فاشیستی دولت لهستان بر همه روشن و آشکار می باشد.در چنین شرایطی،بدون تغییرات اساسی در کابینه دولت لهستان ،نمی توان هیچ چیز خوبی را انتظار داشت .فقط با اخراج عناصر دو آتشه فاشیستی امپریالیستی از کابینه و ترمیم آن بوسیله اشخاصی که دارای افکار و عقاید دموکراسی می باشند می توان به ایجاد شرایطی مطلوب جهت استقرار مناسبات حسنه دو جانبه شوروی و لهستان و همینطور حل مسئله مربوط به مرز مشترک دو کشور و بالمأل ،احیاءلهستانی مقتدر و آزاد و دولتی مستقل امیدوار بود.ایجاد چنین بهبودی در ترکیب دولت لهستان را قبل از هر کس، خود لهستانیها ،خاصه توده عظیم ملت لهستان خواستار می باشند.بجا است خاطر نشان سازم که در ماه مه سال گذشته جنابعالی در باره امکان تغییر و بهبود کابینه دولت لهستان و اینکه شما در این زمینه مساعدت هایی را بعمل خواهید آورد،مطالبی را برای من ارسال داشتید .در آن موقع شما این امر را مداخله در حاکمیت و امور داخلی لهستان به حساب نیاوردید.

درباره مسائلی که وزرای لهستانی مطرح ساخته اند و جنابعالی آنها را در بند ٤ نامه خود منعکس فرموده اید،من فکر می کنم که مشکلی نباشد که

مذاکراتی را در این مورد داشته باشیم.

٤ فوریه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۳۷

تاریخ دریافت نامه ٢٤فوریه سال١٩٤٤

فوق العاده محرمانه و خصوصی.

نامه مشترک و اختصاصی

پرزیدنت روزولت و آقای چرچیل به مارشال استالین

دریافت نامه شما را درباره تحویل کشتی های ایتالیایی به روسیه شوروی تأیید می نمائیم.

ما قصد داریم تحویل کشتی هایی را که در مورد آنهادر تهران به توافق رسیده ایم، هرچه زودتر،بی آنکه موقعیت عملیات «انویل»(٦٢) و «اورلرد» (٤٣) را در معرض ریسک و خطر قرار بدهیم ،به مرحله عمل درآوریم،عملیاتی که همه ما پذیرفته ایم که در مساعی مشترکمان به منظور نیل به پیروزی سریع بر آلمان برای آن باید اولویت ویژه ای قائل باشیم.

حتی فکر ابطال تصمیماتی که در تهران در زمینه تحویل کشتی ها اتخاذ نموده ایم،متصور نمی باشد.سفینه جنگی بریتانیایی و رزم نا و آمریکایی بدون هیچ وقفه ای به زودی به سوی شما رهسپارخواهند شد و سریعا اقداماتی جهت

اعـزام ۸ فـروند کشـتی اژدرافکـن از ناوهای نیروی دریایی بریتانیا بعمل خواهد آمد .بریتانیای کبیر ٤فروند سفینه زیر دریایی را نیز به منظور استفاده موقت شما اعـزام خـواهد داشـت.مـا گمـان مـی کنـیم،عدم رضایتی که در حال حاضر در نیـروی دریایـی ایتالیا بوجود آمده ،حاصل آن اقدامی است که شما استفاده غیر ضـروری از نیـرو هـا را موفقـیت آمیز دانسته و این امر در چشم انداز پیروزی ما در فرانسه اثر نامطلوب خواهد گذاشت.

۷فوریه سال۱۹٤٤

سند شماره ۲۳۸

تاریخ دریافت نامه ۹فوریه سال ۱۹٤٤

خصوصی و فوق محرمانه.

نامه وینستون چرچیل به مارشال استالین

۱-بخاطـر تلگـرام مشـروحی کـه دربـاره امـور لهستان مخابره فرموده اید،از جنابعالـی بسـیار تشـکر مـی کـنم .آقـای ایـدن و مـن روز یکشـنبه را بـه انجـام مذاکراتی طو لانی با لهسانیها گذرانده و اکنون نیز بطور فشرده به گفتگوهای

خود با آنها ادامه می دهیم.ظرف دو الی سه روز آینده،شما را در جریان ادامه کار مان قرار خواهم داد.

۲-رویدادهای اخیر در جبهه شما،تاثیر عمیقی بر روحیه مشاوران نظامی من گذاشته است.به همین مناسبت تبریکات صمیمانه خود را تقدیمتان می دارم.

۳-نبرد در ایتالیا در آن مقیاسی که من محاسبه کرده و امیدوار بودم،گسترش نیافت.علیرغم آنکه پیاده کردن نیروها به نحوی شگفت آور انجام گردید،ولی واقعه غیر منتظره ای رخ داد که برتری و توفق ما را زایل ساخت،و اکنون صحبت از نبردی سخت در میان است . با این همه ،دشمن مجددا پنج لشگر را به منطقه جنوبی رم گسیل داده است و ما فعلا با ۱۷ لشگر در حال مبارزه شدید می باشیم.ما به پایان رضایتبخش این پیکار امید فراوان داریم و بهرحال از این لحظه به بعد از جوشش و تپش حاکم بر جبهه جنگ چیزی کاسته نخواهد شد.

٤-فرصتی بدست آمد تا با رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی بریتانیا و اداره امور کشتیرانی نظامی آمریکا در زمینه اعزام مجدد یک کاروان (۲) بصورت تکمیلی به سوی شمال روسیه،به توافق برسیم،من امیدوار هستم که تعداد کشتی ها ی اعزامی در واقع به ۱۸ یا ۲۰فروند برسد،البته،همه این کشتی ها تقریبا آمریکایی خواهند بود.گرچه این امر افزایش مقدار محموله هایی را که طبق پروتکل (٦٨) پیش بینی گردیده شامل نخواهد شد،اما آنها از راه شمال،راهی که بنظر من جنابعالی همواره آن را در مقاسیه با راه از خلیج فارس برتر دانسته ،زودتر خواهند رسید.کاروان کشتی های قطب شمال به خوبی

موفق به عبور گردیدند،و دفعه گذشته نیز ناوهای اسکورت ما،آنطور که شایسته است،ضربه خوبی را به سفینه های زیر دریایی دشمن وارد آوردند.

با تقدیم بهترین آرزوهای قلبی

سند شماره ۲۳۹

به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی!

من،متن و نت سرود دولت شوروی را که جنابعالی براساس تقاضای اینجانب وعده ارسال آن را فرموده بودید از سفیر شوروی دریافت نمودم.

موزیک مهیج این سرود ،چندین بار توسط سازمان سخن پراکنی رادیوی بریتانیا پخش شد و در آینده نیز به افتخار پیروزیها ی روسیه باز هم پخش خواهد گردید.بنابراین،من تردیدی ندارم که ملت بریتانیا به زودی این سرود را خیلی خوب یاد خواهد گرفت.من به داشتن نسخه ای از این سرود افتخار می کنم.

ارادتمند شما

وینستون چرچیل

۱۰فوریه سال۱۹٤٤

سند شماره ۲٤۰

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه شما را در تاریخ ۹ فوریه دریافت نمودم.

از ارسال تبریکاتتان تشکر می کنم .نیروهای ما هنوز به پیشروی خود در برخی از بخش های جبهه ادامه می دهند،اما آلمانیها هم حملات متقابله و مقاوم خود را قطع نمی کنند.

از اطلاعات و اخباری که درباره ایتالیا ارسال فرموده اید ،آگاه شدم.امیدوار هستم که در آینده نزدیک امور متفقین بر وفق مراد آید.

دولت شوروی از مخابره خبر مربوط به اعزام مجدد یک کاروان (۲)که در ماه مارس بطور تکمیلی به سوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روانه خواهد گردیداز جنابعالی تشکر می کند.

بهترین آرزوهای قلبی مرا بپذیرید.

۱۱فوریه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲٤۱

تاریخ دریافت نامه ۱۹فوریه سال ۱۹٤٤

کاملا محرمانه و خصوصی

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-ما با لهستانیها بطور یکسره و بلاانقطاع به بحث و مذاکره پرداختیم و خوشحالم به استحضار جنابعالی برسانم که بالاخره ما به نتایجی چند نائل آمدیم.من امیدوار هستم که ظرف دو روز آینده برای شما تلگرامی را همراه با پیشنهادهایی جهت ملاحظه و بررسی ارسال نمایم.من باید نظر جنابعالی را قبلا به این مسئله معطوف سازم که این پیشنهادها احتمالا شامل تغییراتی در کابینه دولت لهستان نیز خواهد بود.

۲- آقای ایدن و من خوشحالیم از اینکه شما محاصره جنوب را در هم شکسته و از بین بردید.ما نبرد سخت و بی امانی را در جبهه ایتالیا می گذرانیم و اطمینان دارم که در پایان،نتیجه خوبی را بدست خواهیم آورد.ضمنا، کلیه مقدمات مربوط به عملیات «اورلرد»(٤۳)بخوبی در حال پیشرفت است.

سند شماره ۲۴۲

تاریخ دریافت نامه ۲۷فوریه سال ۱۹٤٤

نامه کاملا محرمانه و خصوصی
آقای وینستون چرچیل به مارشال استالین

۱-تلگرام بعدی را که برای جنابعالی مخابره خواهم کرد،با مشورت کامل نخست وزیر و وزیر امور خارجه لهستان تهیه و مورد موافقت آنان قرار گرفته است.من امید فراوان دارم که این تلگرام وسیله ای برای نیل به یک موافقتنامه اجرایی میان لهستان و روسیه شوروی در زمان جنگ باشد و همچنین پایه و اساسی برای صلح مستمر و دوستی بین دو کشور در زمینه استقرار صلح در اروپا گردد.

۲-من رونوشت تلگرام مذکور را برای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ارسال خواهم داشت.

۳-آقای ایدن و من بهترین آرزوها ی خود را تقدیم حضور جنابعالی می داریم.

لندن-۲۰فوریه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۴۳

تاریخ دریافت نامه ۲۷ فوریه سال ١٩٤٤

نامه فوق العاده محرمانه و خصوصی
آقای وینستون چرچیل به مارشال استالین

وزیر امور خارجه ومن گفتگوهای طولانی و متعددی را با نخست وزیر و وزیر امور خارجه لهستان بعمل آوردیم.من درصدد تکرار همه دلایل و براهینی که در طول این مذاکرات مورد استناد و استفاده قرار گرفته نمی باشم،اما سعی خواهم کرد که فقط آنچه را که به اعتقاد من ،چکیده این دور از مذاکرات و در واقع بیانگر موضع دولت لهستان می باشد،به اطلاع جنابعالی برسانم.

دولت لهستان آماده است اعلام نماید که اکنون با توجه به مقتضیات روز،خط «ریگا»(٦٩)منطبق با قرارداد گذشته نمی باشدو این دولت آمادگی دارد با مشارکت ما،مسئله مرز جدید بین لهستان و اتحاد شوروی و همینطور مسئله مربوط به مرزهای آینده لهستان در شمال و غرب را با دولت شوروی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده مناسبات عمومی مورد بحث و مذاکره قرار دهد.البته،از آنجا که افزایش سرزمین و امتیازاتی را که لهستان باید در قبال پذیرش خط کرزون(٦٥)در مرزهای شمالی و غربی خود بدست آورد،در حال حاضر نمی توان آشکارا و یا دقیقا تعیین نمود،بنابراین،بدیهی است که دولت لهستان نمی تواند طی یک بیانیه علنی و فوری نسبت به عقب نشینی خود تا خط کرزون،همانطور که در بالا به آن اشاره شده است،اعلام آمادگی

نماید،زیرا انتشار چنین موافقتنامه ای گذشته از آنکه جنبه کاملاً یکطرفه ای خواهد داشت،بی اعتباری سریع دولت لهستان را نیز از جانب توده های عظیم ملی مقیم در خارج و همچنین جنبش های زیر زمینی لهستان که این دولت با آنها در تماس و ارتباط می باشد،فراهم خواهد آورد.بنابراین ،واضح و روشن است که پیمان ارضی لهستان و شوروی که بخشی موثردر رفع اختلافات ارضی عمومی اروپا به شمار خواهدآمد،تنها موقعی می تواند رسماًمورد توافق و تصویب قرار گیردکه دولت های فاتح جهت بررسی شرایط متارکه جنگ و استقرار صلح، پشت یک میز به مذاکره بنشینند.

بنابراین دلایل،تازمانیکه دولت لهستان به میهن خود باز نگرددو امکان مشورت و صلاحدید با ملت لهستان را به دست نیاورد،یقیناً،بطور رسمی نمی-تواند حتی یک وجب از خاک خود را ،خاکی که تا این لحظه آن را متعلق به خود دانسته و در آن زندگی می کرده ،رها نماید. اما اگر دولت شوروی در زمینه مراجعت دولت لهستان به مناطق آزاد شده معاضدت فوری بعمل آورد و به نسبت پیشروی نیروهای خود،ضمن مشاوره با متفقین بریتانیایی و آمریکایی،گاه به گاه با دولت لهستان در مورد ایجاد سازمانهای اداری-کشوری آن دولت در مناطق تعیین شده توافق نظر حاصل نماید،در مبارزات فعالانه ای که با همکاری قوای شوروی علیه آلمان بعمل خواهد آمد،محققاًتسهیلات قابل ملاحظه ای فراهم آورده خواهد شد.این تشریفات در مجموع مطابق با همان تشریفاتی خواهد بودکه باید در سایر کشورها نیز به نسبت رهایی آنها به جا آورده شود.

طبیعی است که دولت لهستان بسیار تمایل دارد که «ویلنو»و«لووف»شهرهایی که در آنجا لهستانیها ی بیشماری متمرکز می باشند نیز از جمله مناطقی باشند که جزوتشکیلات کشوری لهستان منظور خواهند شد و محدوده از شرق تا حد فاصل خط مربوطه هم ضمن برخورداری از مساعدت نمایندگان ملل متحد،زیر نظر مقامهای نظامی شوروی اداره گردد.

دولت لهستان خاطر نشان می سازد که او به این ترتیب از نظر فیزیکی بهترین امکانات را برای جذب کلیه لهستانیهای کار آمد جهت شرکت در فعالیت ها و عملیات جنگی در اختیار خواهد داشت.

من به آنها گفته ام و آنها نیز به وضوح دریافته اندکه شما «ویلنو»و«لووف» را تحت حاکمیت دولت لهستان قرار نخواهید دادو با این امر موافق نمی باشید.از طرفی،من می خواهم فرصتی بدست آورم تا آنان را متقاعد سازم به اینکه حداقل سرزمینی که باید تحت حاکمیت اداری لهستان قرار گیرد،کل خاک لهستان ،از خط کرزون به سمت غرب خواهد بود.

طی مذاکراتی که درباره مرزهای پیش بینی شده ،مندرج در بخش دو این تلگرام بعمل آمد،دولت لهستان به لحاظ داشتن جنبه های اختلاطی و آمیزشی جمعیت های شرق لهستان،مرزی را مورد قبول و تایید قرار خواهد داد که حداکثر موارد همگونی و تجانس مردمان نواحی مرزی دو طرف را تامین نموده و مبادله اشخاص را با توجه به مشکلاتی که در این زمینه برای آنان فراهم خواهد آمد،به حداقل خود کاهش دهد.

من شخصاًتردیدی ندارم،خاصه با توجه به تدابیر فوری و اجرایی مورد پیش بینی دولت لهستان مندرج در بخش سه این نامه ،که مذاکرات مربوط به تعیین

مرزهای آینده لهستان و شوروی ناگزیر به نتایجی که مورد دلخواه شما خواهد بودمنتج خواهد گردید،اما به نظر من در شرایط کنونی بیان کردن این مطلب بطور آشکارا ضروری و مطلوب نمی باشد.

درباره جنگ با آلمان که دولت لهستان با تمامی توان و قدرت رزمی خود خواهان ادامه آن می باشد باید بگویم که دولت لهستان اذعان دارد که با توجه به پیشروی نیروهای رهایی بخش به سمت خاک لهستان و بیرون راندن اشغالگران آلمانی از این کشور،انعقاد قرارداد اجرایی با دولت شوروی از ضروریات مبرم است.

دولت لهستان اظهار اطمینان کامل می کند که او هیچگاه به جنبش های زیر زمینی دستور حمله به «پارتیزانها» را صادر نکرده است.برعکس،دولت لهستان پس از مشورت با رهبران جنبش های زیرزمینی و این اشخاص،به کلیه نیروهای مسلح لهستانی و به همه افرادی که آماده مبارزه با متجاوزین و ستمکاران هیتلری می باشند،دستوری به شرح زیر صادر کرده است:

پس از ورود ارتش روسیه به هر نقطه از خاک لهستان ،جنبش های زیرزمینی موظف به معرفی خود بوده و بایستی خواسته های فرماندهان شوروی را،حتی اگر روابط و مناسباتی نیز بین لهستان و شوروی برقرار نگردیده باشد،تامین نمایند.فرمانده نظامی لهستانی محل همراه با نماینده جنبش های زیرزمینی محل بایستی با فرمانده قوای شوروی که وارد آن منطقه گردیده اند ملاقات و اعلام نمایندکه آنها طبق دستور دولت لهستان که به آن وفادار می باشند،آماده همکاری با قوای روسیه و هماهنگ ساختن عملیات خود با عملیات آنان در جنگ علیه دشمن مشترک می باشند.

این دستور که هنوز هم معتبر و به قوه خود باقی است،نه تنها به نظر من ،که اطمینان دارم به نظر جنابعالی نیز.فوق العاده مهم و دارای اهمیت فراوان می باشد.

در تاریخ ششم فوریه من برای اولین بار به دولت لهستان اطلاع دادم که دولت شوروی خواهان تعیین خط مرزی در شرق پروس بوده به نحوی که کنیگسبرگ نیز جزو خاک روسیه منظور گردد. این خبر برای دولت لهستان که مشاهده می کند در این تصمیم،کاهش قابل ملاحظه ای در ابعاد و جنبه های اقتصادی مربوطه در آن قسمت از خاک آلمان که می بایست بعنوان عوض و جبران ضمیمه خاک لهستان می شده بوجود آمده، بصورت ضربه در آمد.اما من در این باره اظهار داشتم که این خواسته و ادعایی که از جانب دولت روسیه مطرح گردیده است .از نظر دولت سلطنتی انگلستان امری منصفانه می باشد.من ضمن تشریح این جنگ علیه تجاوزات آلمان ،به همان صورتی که برایم ملموس است،به عنوان یک واحد جدایی ناپذیر از جنگ سی ساله ای که از سال ۱۹۱٤ آغاز گردیده است ،آقای میکولایچیک را به یاد آن واقعیت انداختم که خاک منطقه شرق پروس با خون روسی گلگون گشته و برای نیل به هدف مشترک خونهای فراوانی جاری گردیده است .پس از آنکه در اوت سال ۱۹۱٤ قوای روسی حملات خود را در آنجا آغاز کرده و در نبردهای حوالی گومبی نن و همینطور در سایر نبردها پیروزیهایی را بدست آوردندو تهاجماتی را نیز با استفاده از تجهیزات ویژه خود به انجام رسانده که منجر به باز گرداندن دو سپاه نظامی آلمان از پاریس که به آنجا یورش برده بودند گردید،روسها توانستند در پیروزی «مارن»نقشی کاملاً اساسی ایفا

نمایند.عدم ناکامی در محدوده «تانن برگ»به هیچ وجه نمی تواند اهمیت این همه پیروزیهای بزرگ را خنثی کرده و از درجه اعتبار ساقط نماید. بنابراین به نظر من روسها در این خطه از خاک آلمان دارای ادعای تاریخی و مستدل می باشند.

درباره آنچه به کابینه دولت لهستان ارتباط می یابد،باید بگویم که دولت لهستان نمی تواند هیچگونه حقی را برای دخالت خارجیان مجاز بداند.اما،این دولت می تواند به دولت شوروی اطمینان دهد که در موقع برقراری مناسبات دیپلماسی با دولت شوروی او تنها اشخاصی را در کابینه خود عضو خواهد کرد که در زمینه های همکاری با اتحاد شوروی سرشار از عزم راسخ باشند.من براین عقیده ام که چنانچه اینگونه تغییرات سیر طبیعی خود را طی کند و این امر براساس مطالعات و بررسی های آینده لهستانیها و بر طبق تامین منافع آنها صورت پذیرد،نتایج به مراتب بهتری حاصل خواهد شد. در باره زمان تجدید برقراری مناسبات رسمی بین دو کشور باید خاطر نشان سازم که به نظر من اگر این امر تا آزاد سازی ورشو به تعویق سپرده شودمناسب تر خواهد بود،زیرا در آن موقع تجدید سازماندهی کابینه دولت لهستان امری کاملاًطبیعی جلوه خواهد کردکه ناشی از شرایط این رویداد افتخار آمیز به حساب خواهد آمد.

اگر در موافقتنامه ای که موارد فوق را شامل خواهد شد،دولت شوروی و دولت سلطنتی انگلستان مشترکاًنسبت به یکدیگر و نسبت به لهستان تعهد نمایند که اولاً،حاکمیت،استقلال و تمامیت ارضی لهستان جدید و از نو بپا خاسته را به رسمیت شناخته و حقوق دیگری را بدون دخالت در امور داخلی او محترم دانسته،ثانیاً ،تمام مساعی خود را در جهت تدارک و ضمیمه سازی شهر آزاد «

دانزیک»، «اپیلن»، «سلیزیا»، پروس شرقی بطرف غرب و جنوب از خطی که منشعب از «کنیگسبرگ» می باشد،و آن قسمت از منطقه که به «ادر» منتهی شده و دولت لهستان پذیرش آن را مناسب می داند به کشور لهستان بکاربرده،ثالثاً ،نقل مکان جمعیت های آلمانی از سرزمین لهستان و همین طور نقل و انتقال جمعیت های آلمانی را از مناطق آلمانی که می بایست جزو خاک لهستان منظور گردد، بعمل آورده و رابعاً، انجام تشریفات مربوط به مبادله افراد بین لهستان و اتحاد شوروی و همچنین تشریفات مربوط به بازگشت اتباع این دولتها را به میهن خود مورد موافقت قرار بدهند،در آنصورت کلیه این موارد با آن اظهارات اطمینان بخشی که جنابعالی به اینجانب وعده فرموده اید مطابقت خواهد داشت.تمام تعهدات مربوطه لهستان،اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر به یکدیگر را به نظر من باید بطریقی تهیه و تنظیم نمودکه بتوان آنها را بصورت سند آورده و یا بوسیله نامه مستند نمود.

من به وزرای لهستانی اطلاع داده ام که چنانچه پیمان نامه ای که در حال حاضر تهیه گردیده ،ضمن تبادل تلگرام به مرحله عمل درآید و کلیه جوانب مربوطه براساس مفاد آن به اجرا درآید، دولت سلطنتی انگلستان این پیمان نامه را در کنفرانسی که پس از پیروزی بر هیتلر تشکیل خواهد شد،مورد حمایت خود قرار خواهد دادو این دولت همچنین آماده می باشد که تا آنجا که به توان

او بستگی خواهد داشت اجرای این پیمان نامه را برای سالیان بعد نیز ضمانت نماید.

لندن-۲۰فوریه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲٤٤

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۹فوریه جنابعالی را دریافت داشتم.از اطلاعاتی که ارسال فرموده اید تشکر می کنم .

ضمناً،خاطر نشان می سازم که تا این لحظه هنوز در باره هشت کشتی اژدر افکن انگلیسی- آمریکایی و سایر کشتی هایی که قرار بود برای استفاده موقت در اختیار اتحاد شوروی قرار داده شود، بجای تحویل ناوهای جنگی و کشتی های باری ایتالیایی به اتحاد شوروی که در تهران ،جنابعالی ،پرزیدنت و اینجانب مشترکاًاخذ تصمیم نموده بودیم،پاسخی دریافت نداشته ام . وقفه ای به این طولانی در رابطه با این قضیه برای من نامفهوم است .در انتظار دریافت پاسخ نامه ۲۹ ژانویه خود می باشم.

۲۱فوریه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲٤٥

فوق العاده محرمانه و خصوصی.

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

موضوع :درباره کشتی های ایتالیایی.

هفتم فوریه نامه ای با امضای پرزیدنت و خود برای جنابعالی ارسال داشتم،نامه ای هم بطور خصوصی برای سفیر کلارک کر نوشتم که او می بایست مفاد آن را شخصاً بعرض جنابعالی می رساند.مسئله اینجا است که من از ذخایر بریتانیا ۸ ناوشکن و ٤ سفینه زیر دریایی و همچنین یک سفینه جنگی و تعدادی کشتی های باری ۲۰ هزار تنی برای شما در نظر گرفته‌ام.ایالات متحده نیز یک سفینه و تعدادی کشتی باری ۲۰ هزار تنی برای شما اختصاص داده است . من متعجبم که چطور از جنابعالی نامه ای دال بر تایید این خبر دریافت نداشته ام ،در حالیکه امیدوار بودم که شما از آن همه تلاشی که من در این زمینه بعمل آورده ام،اظهار رضایت خواهید کرد. کسب اطلاع شد که آقای کلارک کر،سفیر،می خواسته است که این نامه را شخصاًبه شما تقدیم دارد که جنابعالی در جبهه حضور داشته اید.من در این باره تلگرامی برای سفیر مخابره کرده ام که او مسئله را برای جنابعالی روشن سازد.در تهیه و تدارک کشتی ها هیچگونه تاخیری رخ نداده است.

۲۲فوریه سال۱۹٤٤

سند شماره ٢٤٦

تاریخ دریافت نامه ۲۳فوریه سال ١٩٤٤

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

به مناسبت بیست و ششمین سالروز تاسیس ارتش سرخ و کسب پیروزیهای افتخار آفرین،صمیمانه ترین احساسات قلبی خود را به حضور جنابعالی و سربازان این ارتش تقدیم می دارم.این سربازان با الهام از رهبری خردمندانه جنابعالی و عشق به سرزمین روسیه و با ایمان به توانایی و قاطعیت فرماندهان خود به سوی پیروزی پیش خواهند رفت و از این راه به صلحی افتخار آفرین و شرافتمندانه دست خواهند یافت.

سند شماره ٢٤٧

محرمانه و خصوصی

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر و روزولت رئیس جمهور

دو نامه شما ،از جمله نامه مورخ ۷ فوریه شما را درباره کشتی های ایتالیائی در تاریخ ٢٤ فوریه دریافت داشتم. در این رابطه،نامه آقای کر خطاب به و.م.مولوتوف (۷۰)رانیز مطالعه کردم.

از جنابعالی و آقای رئیس جمهور بخاطر خبر مربوط به اجرای تصمیمات مربوط به تحویل ۸ ناوشکن ،٤زیر دریایی و همچنین یک کشتی جنگی و چند

کشتی باری ۲۰ هزار تنی بریتانیایی و یک فروند رزم ناو و تعدادی کشتی باری بیست هزار تنی آمریکایی به اتحاد شوروی برای استفاده موقت تشکر می کنم.

از آنجا که آقای کر خاطر نشان ساخته است که این ناوشکن ها از نوع قدیمی و کارکرده می باشند،بنابراین درمن نگرانیهایی در زمینه کیفیت و عملکرد رزمی این ناو شکن ها بوجود آمده است.

در عین حال به نظر می آید که چنانچه نیروهای دریایی انگلیس و آمریکا دست کم نیمی از این ۸ ناوشکن را از مدل جدید،نه از مدل قدیم ،تحویل نمایند،با مشکل چندانی روبرو نخواهند شد .

بهرحال من امیدوار هستم که جنابعالی و رئیس جمهور راهی را جستجو فرمایید که حداقل ٤ فروند از این ناوشکن ها از نوع مدرن باشند،زیرا بواسطه عملیات جنگی ،تعداد قابل ملاحظه ای از ناو شکن ها ی ما بوسیله آلمان و ایتالیا نابود گردیده است. بنابراین جبران بخش کوچکی از این تلفات برای ما حائز اهمیت خواهد بود.

۲٦فوریه سال١٩٤٤

سند شماره ۲۴۸

تاریخ ارسال نامه ۲۹ فوریه سال ۱۹٤٤

نامه مارشال استالین به آقای چرچیل نخست وزیر

لطفاًمراتب تشکر و سپاس من و نیروهای مسلح اتحاد شوروی را بخاطر تبریکاتی که به مناسبت بیست و ششمین سالروز تأسیس ارتش سرخ ارسال فرموده اید و همچنین بخاطر ارج و منزلت والایی که به پاس کسب پیروزیهای ارتش سرخ در جنگ علیه دشمن مشترکمان ،آلمان هیتلری،برای این ارتش قائل شده اید،بپذیرید.

سند شماره ۲٤۹

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

هردو نامه مورخ ۲۰فوریه جنابعالی در مورد مسئله لهستان را ۲۷ فوریه از آقای کر دریافت داشتم.

پس از مطالعه متن مشروح و جامع مذاکرات جنابعالی با رجال دولت مهاجر لهستان،من برای چندمین بار مجدداًبه این نتیجه رسیدم که این افراد قادر به برقراری مناسبات عادی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمی باشند. فقط کافی است به این مسئله اشاره کنم که آنها نه تنها قصد شناسایی خط کرزون (٦٥)را نداشته ، که نسبت به شهرهای «لووف» و «ویلنو» نیز ادعای ارضی

دارند.اما اینکه سعی شود اداره بعضی از مناطق شوروی را تحت کنترل خارجیان درآورد،باید خاطر نشان سازم که با چنین نیاتی ما نمی توانیم به بحث و گفتگو بنشینیم، زیرا حتی طرح چنین مسئله نیز به منزله اهانت به اتحاد شوروی است.

من برای پرزیدنت روزولت نوشته ام که زمان برای حل مسئله مربوط به روابط شوروی و لهستان هنوز نرسیده است.یک بار دیگر باید صحّت این نتیجه گیری را ارزیابی نمود.

۳مارس سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۵۰

فوق العاده محرمانه و خصوصی

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-از جنابعالی بخاطر ارسال نامه ۳ مارس ،درباره مسئله لهستان تشکر می کنم.

۲-من برای لهستانیها تشریح کردم که آنها به هیچیک از شهرها نه«لووف»ونه«ویلنو» دست نخواهند یافت و استناد به این شهرها همانطور که از نامه اینجانب مشهود بوده ،فقط به منزله پیشنهاد مبتنی برنحوه اجرای عملیات در رابطه با این مناطق بوده که به زعم لهستانیها،آنها بتوانند جهت نیل به هدف مشترکمان ما را یاری دهند.البته،نه لهستانیها و نه اینجانب ،هیچیک چنین قصدی نداشته ایم که پیشنهادهای مربوطه اهانت به حساب آورده شود .

امّا با وجود این، چنانچه جنابعالی تصوّر می فرمائید که این پیشنهادها ایجاد مشکل و مانع می نماید،من از شما تقاضا می کنم بر آن پیشنهادها خط بطلان کشیده و آن جملات را از نامه من حذف بفرمایید.

۳-پیشنهادهایی را که من طبق قراربا لهستانیها به شما ارائه داده ام عملاًبه تصرف خط کرزون (٦٥)بوسیله روسیه ،پس از پیروزی قوای شما بر آن ،جامه واقعیت خواهد پوشاندو من به اطلاع شما رسانده ام که در صورت حل مسئله،همانطوریکه شما و ما در مذاکراتمان خاطر نشان ساخته ایم،دولت سلطنتی بریتانیا یقیناًاین تصمیم را در آینده ،در کنفرانس متارکه جنگ و یا در کنفرانس صلح مورد پشتیبانی خود قرار خواهد داد.من تردیدی ندارم که این پیشنهاد دقیقاًمورد تأیید و حمایت ایالات متحده آمریکا نیز قرار خواهد گرفت. بنابراین ،به محض آنکه شما خط کرزون را به تصرف خود در آوردید، در واقع با موافقت لهستانیها و خیر اندیشی متفقین غربی خود در شرایطی همراه با نظم و ترتیب عمومی ،آن خط را متعلق به خود خواهید ساخت.

٤-قدرت می تواند خیلی چیزها را به تسخیر خود درآورد،اما قدرتی که از حسن نیت توده جهانیان برخوردار باشد به یقین می تواند پیروزیهای به مراتب بیشتری به دست آورد.من صمیمانه امیدوار هستم که شما راه را برای انعقاد موافقتنامه اجرایی با لهستانیها که می توانند به هنگام جنگ کمک های ارزنده ای برای نیل به هدف مشترکمان ارائه نمایندو در شرایط عقد قراردادصلح نیز همه گونه امکانات لازم را برای شما فراهم آورند،کاملا مسدود نفرمایید.

اگر در واقع نتوان پیمانی را به امضا رسانید و شما هم مطلقاًنتوانید مناسباتی را با دولت لهستان ،دولت متحدی که بخاطر او ما به هیتلر اعلان جنگ داده و بالمال شناسائی اورا ادامه خواهیم داد،برقرار سازید،من بسیار متاسف و آزرده خاطر خواهم شد.کابینه نظامی از من تقاضا کرده است که به استحضار جنابعالی برسانم که او هم در این تاثر و تاسف شریک و سهیم خواهد بود .تنها آرامش خاطرما در این خواهد بود که ما تمام آنچه را که به ما بستگی داشته و بایستی انجام می دادیم،انجام دادیم.

۵-شما به سفیر کلارک کر اظهار داشته اید که بیم آن می رود که احتمالاًمسئله لهستان در روابط فیمابین جنابعالی و من ایجاد شکاف نماید.من با تمام توان سعی خواهم کرد که از این امر جلو گیری به عمل آورم.همه امید و باور من در جهان آینده مبتنی بر دوستی و همکاری بین کشورهای دموکراتیک غربی با روسیه شوروی می باشد.

لندن-۷مارس سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۵۱

خصوصی و کاملاً محرمانه.

تاریخ دریافت نامه ۹ مارس سال ۱۹٤٤

نامه آقای چرچیل و پرزیدنت روزولت به مارشال استالین

گرچه نخست وزیر به سفیر کلارک کر مأموریت داده بودند که به استحضار جنابعالی برساند که ناوشکن هایی که ما بطور موقت در اختیار شما

قرار خواهیم داد قدیمی و کار کرده می باشند ، اما این امر صرفاًبخاطر ابراز صداقت کامل ما بوده است.در واقع این کشتی ها،کشتی های خوب و سالمی هستند که برای اسکورت کردن بسیار مناسب می باشند.در تمام نیروی دریایی ایتالیا فقط ۷ فروند ناوشکن اسکورت وجود دارد،بقیه ناوشکن ها و اژدر افکن ها اغلب قدیمی و کارکرده می باشند.بعلاوه،هنگامی که ما ناوشکن ها ی ایتالیایی را تحویل بگیریم،به هیچ وجه نمی توان آنها را بدون انجام تعمیرات،تغییرات و اصلاحات مقدماتی لازم که مستلزم اتلاف وقت فراوان خواهد بود،در شمال مورد استفاده قرار داد.

بنابراین ما فکر می کنیم که ۸ ناوشکن اسکورتی که توسط دولت بریتانیا به شما اختصاص داده شده است، سریع ترین و مناسب ترین نوع کمک رسانی به شما خواهد بود. از اینکه نخست وزیر در حال حاضر نمی توانند تعدادی ناو شکن جدید به شما تحویل نمایند،متاسف می باشند.دو هفته پیش ،ایشان دو ناوشکن از دست دادند که یکی از آنها در دفاع از کاروان(۲)اعزامی به سمت روسیه از دست رفته است .از طرفی ،تنها برای پیاده کردن نیرو در سواحل مربوطه،به منظور مقابله و از کار انداختن آتشبارهای ساحلی که جزئی از عملیات «اورلرد»(۴۳)خواهد بود،ایشان باید دست کم ۴۲ناوشکن رادر عملیات شرکت دهند که احتمالاًتعداد قابل ملاحظه ای از آنها غرق خواهند شد.هریک از این مدل کشتی های موجود در انگلستان در راستای تامین منافع مشترکمان باید مورد حداکثر استفاده قرار گیرد.نقل و انتقالات نیروی دریایی ژاپن به سنگاپورموقعیت جدیدی را برای هر دو طرف ما در اقیانوس هند بوجود آورده است.نبرد در منطقه استحکاماتی سر پل واقع در«آنتسی یو»و

بطور کلی در تمام مناطق دریای مدیترانه به شدت ادامه دارد.کاروان های عظیم کشتی همراه با نیروهای ارتش آزاد یبخش ایالات متحده آمریکا راه عبور دشمن را در اقیانوس آتلانتیک مسدود ساخته اند .تا آخرین لحظه قبل از آغاز عملیات «اورلرد» ،اعزام کاروان های کشتی به روسیه با مشایعت ناوشکن های اسکورت بسیار قدرتمند ادامه خواهد داشت.و سرانجام سخن از عملیات «اورلرد»مطرح می باشد.

امور جاری مربوط به پرزیدنت متشنج است ،و در حال حاضر و خامت اوضاع به واسطه ابعاد وسیع و شدت عملیات در اقیانوس آرام بالا گرفته است .

تصمیم مشترک ما تحویل کشتی ها ی ایتالیایی به شما است که ما موافقت خود را نسبت به این امر در مسکو و تهران اعلام داشته ایم و این تصمیمی است تغییر ناپذیر،و ما این مسئله را در موقع تکمیل اعضای کابینه دولت ایتالیا و پرداختن وزرای جدید به انجام وظائف خود رسماًدر برابر دولت ایتالیا مطرح خواهیم کرد.

هیچ تردیدی نیست که ما دارای این حق می باشیم که بتوانیم هردستوری را برای نیروهای دریایی ایتالیا صادر نماییم،اما صحبت اینجا است که ما باید این حق را به نحوی مورد استفاده قراردهیم که حتی-الامکان کمترین لطمه را متوجه منافع مشترکمان سازیم.

ضمناً، طبق قرارداد موجود، کلیه کشتی های ذکر شده به منظور بهره گیری موقت شما در حال آماده شدن جهت تحویل می باشند.

روزولت

چرچیل

سند شماره ۲۵۲

تاریخ دریافت نامه ۱۰مارس سال ۱۹٤٤

خصوصی و فوق العاده محرمانه.

نامه چرچیل به مارشال استالین

قطعاً خوشحال خواهید شد به آگاهی شما برسانم که آخرین کاروانی(۲) که بسوی روسیه اعزام شده بود،با موفقیّت به مقصد رسید.اسکورت مربوطه در مسیر خود چهار فروند از سفینه های زیر دریایی دشمن را که کاروان را مورد حمله های خود قرار داده بودند،غرق ساخته است.

سند شماره ۲۵۳

نامه خصوصی ومحرمانه

آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

بخاطر ارسال خبر مربوط به آخرین کاروانی(۲)که محموله های لازم را به اتحاد شوروی رسانده است از جنابعالی تشکر می کنم.از طریق تلگرام جنابعالی بامسرت کامل اطلاع یافتم که کاروان کشتی ها در راه خود چهار فروند از زیر دریایی های دشمن راغرق کرده است.

۱۳مارس سال ۱۹٤٤

سند شماره ٢٥٤

نامه محرمانه و خصوصی
آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه ۷ مارس جنابعالی را درباره مسئله لهستان در تاریخ ۱۲ مارس از آقای کر دریافت نمودم.

از جنابعالی بخاطر روشنگری هایی که در این نامه بعمل آورده اید، سپاسگزارم.

با توجه به این مسئله که مکاتبات بین ما بصورت محرمانه و خصوصی است،ولی اکنون مدتی است که مفاد نامه هایی راکه برای جنابعالی ارسال می دارم در مطبوعات انگلیس مشاهده می نمایم،آن هم با چه تحریفات کاملی که امکان تکذیب آن برای من میسر نمی باشد.من این امر را افشای اسرار می دانم.این موضوع مشکلات و معضلاتی را برای من بوجود می آورد که من نتوانم آزادانه به بیان نظرات خود بپردازم.امیدوارم که مرا درک فرموده باشید.

١٦مارس سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۵۵

نامه محرمانه و خصوصی استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر و روزولت رئیس جمهور

نامه شما را درباره تحویل ۸ ناوشکن که توسط دولت بریتانیا برای اتحاد شوروی در نظر گرفته شده است دریافت کردم.من این امر را می پذیرم که این ناوشکن ها برای اسکورت کشتی ها بسیار سودمند خواهند بود ،اما ،یقیناًشما استحضار داریدکه اتحاد شوروی برای سایر عملیات رزمی خود نیز به ناوشکن های مناسبی نیاز دارد.

اینکه متفقین در امر صدور دستور برای نیروی دریایی ایتالیا دارای اختیاراتی می باشند،امری است بدیهی و بسیار مسلم ،و این مسئله و از جمله مسئله تحویل کشتی های ایتالیایی به اتحاد شوروی را باید به دولت ایتالیا تفهیم نمود.

۱۷مارس سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٥٦

خصوصی و محرمانه .

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

در پاسخ به تلگرام ١٦ مارس شما ،به اطلاع جنابعالی می رسانم:

۱-اولاً،یکبار دیگر مراتب تبریک و تهنیت خود را به مناسبت کسب پیروزیهای چشمگیر ارتش های شما و همچنین اتخاذ تدابیر و سیاست های بسیار ملایمی که نسبت به فنلاندیها اعمال فرموده اید به حضورتان تقدیم می دارم .من فکر می کنم که متوقف ساختن ۹ لشگر آلمانی در فنلاند،نگرانیهایی را برای فنلاندیها فراهم آورده است بطوریکه آنها بیم آن دارند که این ۹ لشگر آلمانی بتوانند خود ایشان را زیر نظر درآورند.از شما بسیار متشکرم که ما را در جریان کلیه عملیات خود در این منطقه قرار می دهید.

۲-درباره مسئله مربوط به لهستانیها باید بگویم که من در مورد افشای نامه های محرمانه جنابعالی بهیچوجه گناهی ندارم .آن اطلاعات بوسیله سفارت شوروی در لندن در اختیار خبرنگار آمریکایی «هرالدتربیون»و خبرنگار«تایمز»لندن قرار داده شده است .آقای «گوسف»سفیر اتحاد شوروی در لندن شخصاً آن اطلاعات را به خبر نگار «تایمز»تسلیم داشته است.

۳-من باید در آینده بسیار نزدیک ،گزارش مربوط به مسئله لهستان را به اطلاع مجلس عوام برسانم.

این موجب خواهد گردید که من در مجلس لزوماًبه استحضار نمایندگان برسانم تلاشهایی که در جهت دستیابی به موافقتنامه و عقد قرارداد دوجانبه شوروی و لهستان بعمل آمد ،با شکست روبرو گردیده است و ما شنا سایی دولت لهستان را که با او از لحظه حمله آلمان به خاک لهستان در سال ۱۹۳۹ دارای مناسبات دائم بوده ایم،ادامه خواهیم دادو اکنون نیز معتقدیم که کلیه مسائل مربوط به تغییرات ارضی باید تا متارکه جنگ و یا تا تشکیل کنفرانس

صلح دولت های فاتح به بعد موکول گردد و علاوه برآن ،ما مطلقاًنمی توانیم هیچگونه تحویل و واگذاری ارضی را که بر اساس زور اعمال می گردد،به رسمیت بشناسیم.

٤-من رونوشت این تلگرام را برای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ارسال خواهم داشت .من خیلی تمایل داشتم که می توانستم . بخاطر حفظ منافع مشترکمان ،فقط اخبار خوش و مسرت بخش را برای ایشان مخابره می کردم.

٥-در پایان اجازه بفرمایید از صمیم قلب مراتب امیدواری خود را نسبت به این قضیه اعلام نمایم که ناکامی حاصله فیمابین در رابطه با مسئله لهستان،کوچکترین تاثیری برهمکاریهای مشترک ما در سایر زمینه ها ،زمینه هائی که تنها در سایه حفظ وحدت و یگانگی می توانیم به اهداف واحد و مشترکمان دست یابیم،نخواهد داشت.

لندن-۲۱مارس سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۵۷

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

در این اواخر من دو نامه از جنابعالی در ارتباط با مسئله لهستان دریافت داشته و بیانیه ای را هم که طبق دستور جنابعالی بوسیله آقای کر در رابطه با همان مسئله (۷۱)تسلیم و.م.مولوتوف گردیده بود ،مطالعه کردم.

از آنجا که امور جبهه اغلب مرا از مسائل و برنامه های غیر جنگی دور می سازد، لذا من نتوانستم پاسخ نامه های شما را به موقع تهیه نمایم.بهرحال فرصت را غنیمت دانسته و به استحضار جنابعالی می رسانم:

کاملاًروشن است که نامه های شما به ویژه بیانیه «کر»سرشار از تهدید نسبت به اتحاد شوروی می باشد .من می خواهم توجه جنابعالی را به این جنبه از شرایط و اوضاع معطوف سازم که شیوه تهدید در مناسبات متقابل بین کشور های متفق نه تنها شیوه ای درست و صحیح به نظر نمی آید،که برعکس نامطلوب و زیان بار هم می باشد.چرا که این سبک برداشت چه بسا که ممکن است نتایج معکوسی را به بار آورد.

مجاهدات اتحاد شوروی در امر دفاع و استقرار خط کرزون (٦٥)را شما در یکی از نامه های خود به منزله سیاست زورو قوه قهریه به حساب آورده اید.این به آن معنا است که شما اکنون در غیر قانونی شمردن خط کرزون و ناعادلانه جلوه دادن مبارزات ما در این زمینه ،تلاش بعمل می آورید.و من مطلقاً نمی توانم با چنین موضعی موافقت داشته باشم. من باید به یاد و خاطر جنابعالی بیاورم که در تهران شما، پرزیدنت و من نسبت به قانونی بودن خط کرزون به توافق رسیده بودیم .موضع دولت شوروی نسبت به این مسئله را جنابعالی در آن زمان کاملاًصحیح و اصولی دانسته و حتی نمایندگان دولت مهاجر لهستان را در صورت عدم پذیرش خط کرزون ، مجنون و دیوانه لقب دادید.اما اکنون موضع کاملاً معکوسی را اختیار کرده اید.

آیا این به آن معنا نیست که شما آنچه را که ما در تهران مورد موافقت قرار داده ایم حالا دیگر به رسمیت نمی شناسید و خواهان نقض عهدنامه تهران

می باشید؟ تردیدی ندارم که چنانچه جنابعالی مانند گذشته قاطعانه به حفظ مواضع ابراز شده در تهران ادامه می دادید،یقیناً تا این لحظه اختلاف با دولت مهاجر لهستان به صفحه فراموشی سپرده می شد.درباره آنچه که به من و دولت شوروی مربوط می شود،باید بگویم که ما به ایستادگی در مواضع بیان شده خود در تهران ادامه خواهیم داد و فکر نمی کنم که تغییری در مواضع خود بوجود آوریم،زیرا معتقدیم که اجرای خط کرزون مبین اعمال سیاست زور نبوده ،بلکه تجلی گاه احیای حقوق قانونی اتحاد شوروی به آن زمین هایی است که حتی در سال ۱۹۱۹ ،کرزون و شورای عالی دولتهای متحده هم آن را جزو خاك لهستان نمی شناختند.

جنابعالی در نامه ۷ مارس خود اظهار می فرمایید که مسئله مربوط به مرز شوروی- لهستان را باید تا تشکیل کنفرانس متار که جنگ به تعویق انداخت.من خیال می کنم که در اینجا برای ما یک سوءتفاهم پیش آمده است. اتحاد شوروی با لهستان جنگ نمی کند وقصد جنگ با این کشور را هم ندارد. اتحاد شوروی هیچگونه اختلافی با ملت لهستان ندارد و خود را متحد لهستان و ملت آن می داند. و به همین جهت است که اتحاد شوروی در راه نجات و رهایی لهستان از زیر یوغ و ستم آلمان ،ایثار خون می کند. بنابراین شگفت آور است که سخن از متارکه جنگ بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و لهستان به میان آورده شود .اما،دولت شوروی با دولت مهاجر لهستان که حافظ منافع لهستان و ناطق خواسته های این ملت نمی باشد اختلاف دارد. اعجاب انگیزتر آنکه خواسته باشیم دولتی را که از لهستان منفصل گردیده و در لندن به عنوان دولتی مهاجر اقامت گزیده،با لهستان پیوند داده و آنها را همبسته

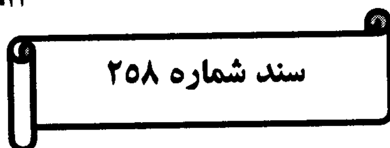
بدانیم. برای من بسی دشوار است که حتی بتوانم دولت مهاجر لهستان را با دولت مهاجر یوگسلاوی مقاسیه نمایم،ویا بعضی از ژنرال های دولت مهاجر لهستان را با ژنرال میخایلویچ صربی مورد سنجش قرار دهم.

شما در نامه ۲۱ مارس خود خاطر نشان ساخته اید که قصد سخنرانی در مجلس عوام را داشته و طی گزارشی به نمایندگان اعلام خواهید کرد که کلیه مسائل مربوط به تغییرات ارضی باید تا متارکه جنگ و یا تا تشکیل کنفرانس صلح دولتهای فاتح به بعد موکول گرددو تا آن موقع شما نمی توانید هیچگونه تحویل و واگذاری ارضی را که براساس زور انجام می پذیرد به رسمیت بشناسید.من از این مطلب چنین استنباط می کنم که شما اتحاد شوروی را به عنوان یک دشمن ضد خلقی در برابر لهستان قرار داده اید و در واقع جنبه آزادیخواهانه جنگ اتحاد شوروی علیه تجاوزات آلمان را نفی و انکار می فرمایید.این امر مانند آن است که تلاش شود چیزی به اتحاد شوروی نسبت داده شود که عملاًودر حقیقت وجود خارجی نداردو بدین طریق خواسته باشید که از او سلب اعتبار نمایید.شک ندارم که ملت های اتحاد شوروی و افکار عمومی جهانیان نطق جنابعالی را به عنوان توهینی ناروا در حق اتحاد شوروی تلقی خواهند کرد.

البته،جنابعالی آزاد و مختارید که هر نطقی را که می خواهید ،در مجلس عوام ایراد بفرمایید.این بستگی به نظر و اراده شما دارد،اما اگر جنابعالی چنین نطقی را ایراد بفرمایید، من معتقد خواهم شد که شما نسبت به اتحاد شوروی غیر منصفانه و خارج از دوستی و تفاهم عمل کرده اید.

جنابعالی در نامه خود اظهار امیدواری می فرمایید که ناکامی در مسئله لهستان تاثیری بر همکاری های ما در سایر زمینه ها نخواهد گذاشت .آنچه که مربوط به شخص من می شود این است که باید به استحضار برسانم من به همکاری نزدیک با شما ادامه داده و بر این امر پافشاری خواهم کرد،اما بیم آن دارم که چنانچه این شیوه تهدید و سلب اعتبار در آینده ادامه پیدا کند،برهمکاری های ما اثر نامطلوب بگذارد.

۲۳مارس سال ۱۹٤٤



سند شماره ۲۵۸

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

من درباره خبر ارسالی جنابعالی در رابطه با افشای مکاتباتی که بین من و شما انجام گردیده و گناه این افشاگری به سفارت شوروی در لندن و به شخص سفیر «ف.ت.گوسف»نسبت داده شده بود ،تحقیقات دقیقی را بعمل آوردم.بررسی ها نشان می دهد که در این زمینه نه سفارتخانه و نه شخص سفیر مطلقاگناهی نداشته و آنها حتی فاقد بعضی از اسناد و مدارکی بوده اند که مفاد آنها در روزنامه های انگلیسی به چاپ رسیده است .بنابراین افشاگری از جانب شوروی نبوده،بلکه از جانب انگلستان به عمل آمده است .«گوسف»برای اثبات این حقیقت که او و همکارانش کوچکترین دخالت و مشارکتی در امر افشای متون مکاتبات ما را نداشته است،آماده انجام هر نوع تحقیق و بررسی

می باشد.من فکر می کنم که جنابعالی را نسبت به «گوسف»و سفارت شوروی دچار اشتباه ساخته اند.

۲۵مارس سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۵۹

خصوصی و فوق محرمانه.

نامه آقای چرچیل و پرزیدنت روزولت به مارشال استالین

۱-در رابطه با مذاکرات ما در تهران ،نقل و انتقالات کلی و عمومی حدوداً در تاریخ «آر»که درباره آن اخیراً ژنرال «دین» و ژنرال «بارروز»مأموریت یافته اند که ستاد فرماندهی کل شوروی (۷۲)را مطلع سازند، از طریق دریا به عمل خواهد آمد.ما با استفاده از حداکثر توان رزمی خود وارد عمل خواهیم شد .

۲-تقریباً در اواسط ماه مه ، ما با بهره گیری از حداکثر نیروهایمان حمله به ایتالیا را آغاز خواهیم کرد

۳-از زمان ملاقات ما در تهران ،ارتش های شما یک سری موفقیت های تازه و درخشانی را در جهت نیل به اهداف مشترکمان بدست آورده اند.حتی آن ماهی را که جنابعالی تصور می فرمودیدکه آنها قادر به انجام عملیات فعالانه نخواهند بود ،آنها به این پیروزیهای بزرگ و چشمگیر دست یافتند .ما بهترین آرزوهای قلبی خود را تقدیم شما داشته و اعتقاد داریم که ارتش های

شما و ما با عملکردهای واحد و هماهنگ و بر اساس پیمان مشترکمان در تهران، هیتلریان را در هم خواهند شکست.

روزولت

چرچیل

۱۸ آوریل سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲٦۰

محرمانه و خصوصی از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر و روزولت رئیس جمهور

نامه ۱۸ آوریل شما را دریافت داشتم .دولت شوروی به خاطر کسب خبر مربوط به نقل و انتقالاتی که در موعد مقرر از طریق دریا به عمل خواهد آمد و درباره آن ژنرال «دین»و ژنرال «بارروز» ستاد کل فرماندهی (۷۲)ما را مطلع ساخته اند و این امر که شما با استفاده از حداکثر قوای خود وارد عمل خواهید شد ،مراتب رضایت خود را به حضور شما تقدیم می دارد.من به پیروزی در این عملیات اطمینان دارم .

من به موفقیت عملیات پیش بینی شده شما در ایتالیا هم امیدار می باشم.

همانطور که در تهران توافق کرده ایم ،ارتش سرخ در تاریخ تعیین شده حمله تازه خود را به منظور پشتیبانی کامل از عملیات انگلیسی –آمریکایی آغاز خواهد کرد.

لطفاًمراتب تشکر مرا به خاطر آرزو هایی که در رابطه با پیروزیهای ارتش سرخ ابراز فرموده اید ،بپذیرید. در این مورد که ارتشهای شما و ما با حمایت از یکدیگر،هیتلری ها را در هم خواهند شکست و رسالت تاریخی خود را به انجام خواهند رساند،من با شما موافقم.

۲۲آوریل سال۱۹٤٤

سند شماره ۲٦۱

خصوصی و محرمانه .
نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-پاییز سال گذشته دستوراتی را به منظور اعزام یک سری کاروان (۲) به سمت بنادر شمالی شما ،شامل چهار کاروان و هر کاروان متشکل از ۳۵ کشتی بریتانیایی و آمریکایی ،صادر نمودم که پس از آن نیز توانستم به این برنامه مقدماتی مجدداً دو نیمه کاروان هریک شامل ۲۰ فروند کشتی اضافه نمایم که بدین ترتیب تعداد کشتی های اعزامی مجموعاًبالغ بر ۱۸۰فروند گردید و همان طور که انتظار می رفت آنها باید یک میلیون تن بار خالص را انتقال می دادند.اعزام کشتی های این دوره اکنون به پایان رسیده و من خوشحالم که ثمره کوشش ها و تلاشهایی را که در این زمینه به انجام رسانده ایم،به اطلاع جنابعالی برسانم.

۲-نیروی دریایی سلطنتی به استثنای کشتی های ناجی ،۱۹۱ فروند کشتی به سوی بنادر شمالی شما اعزام داشته که از این تعداد ٤۹ فروند بریتانیایی،۱۱۸

فروند آمریکایی حاوی محموله های خشک ،یک کشتی مجهز به جرثقیل به منظور تخلیه بارها ،۵کشتی حاوی محموله های جنگی آمریکایی و ۱۸ کشتی مخصوص حمل مواد سوختی بوده است .بارهای ارسال شده بطور خالص به شرح زیر می باشد:

	برحسب تن
محموله های بریتانیایی	۲۳۲۶۰۰
محموله های آمریکایی	۸۳۰۵۰۰
بنزین هواپیما ،نفت سفید و نفت کوره	۱۷۱۵۰۰
محموله های جنگی ایالات متحده	۲۵۰۰۰
جمع	۱/۲۵۹/۶۰۰ تن

۳–با توجه به حمله های شدیدی که دشمن بیدار وزیرک ما به عمل آورده،معهذا نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا توانسته است کلیه کشتی ها را،به استثنای سه فروند ،به طور موفقیت آمیز به بنادر شما برساند. در این جا من خوشحالم که به آگاهی جنابعالی برسانم که تلفات ما فقط شامل دو فروند کشتی ناو شکن و یک فروند هواپیمای شکاری بوده که ضمن عملیات تدافعی خوب خود موجبات انهدام کشتی «شارن گورست»،هشت سفینه زیر دریایی و پنج فروند هواپیمای دشمن را فراهم آوردند.ما در این منطقه همچنین خسارات سنگینی به کشتی «تیر پتز»وارد آوردیم.

٤–انجام کل این مرحله موفقیت بزرگی محسوب می گرددو قلب من بیشتر از آن جهت سرشار از شادی و نشاط می باشد که این سلاحها هنگامی در اختیار ارتش های دلیر شما قرار گرفته است که آنان در حال کسب پیروزیهای

بزرگ می باشند.به محض پایان یافتن دوره بحرانی «اورلرد»(٤٣)،من نسبت به تهیه برنامه های بعدی در زمینه تامین نیازمندی های شما اقدام خواهم کرد.من اکنون دستور بررسی این کار و گذاشتن قرار با شما را در مورد اعزام کاروان بعدی ،البته در صورتی که شرایط و جریان جنگ امکان انجام آن را به ما بدهد صادر کرده ام .در نبرد «اورلرد»،من در واقع تلفات بسیار سنگینی را پیش بینی می کنم ،زیرا ناوهای ما با آتشبارهای ساحلی دشمن مبارزه ای طو لانی در پیش خواهند داشت و همه کشتی های ما در نتیجه مین گذاریهای گسترده دشمن با خطرات بسیار شدیدی روبرو خواهند بود. ما تصور می کنیم که سفینه های زیر دریایی و نیروی هوایی دشمن را تا اندازه ای به طور موفقیت آمیز از سر راه خود برداشته ایم،اما خطر اژدر افکن های نسبتاً بزرگ مدل «ئی» دشمن که بسیار سریع عمل می کنند،در موقع شب ما را مورد تهدید قرار خواهند داد.من وظیفه خود می دانم که از طرف آقای لیتل تن وزیر تولیدات،که بطور ویژه ای سرپرستی ارسال این محموله ها را از طریق «آرکتیک»به عهده داشته است ،این واقعیت را به اطلاع جنابعالی برسانم که پیروزیهای ما خارج از حد انتظار بوده است.

با تقدیم بهترین آرزوها

سوم مه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲٦۲

نامه محرمانه و خصوصی

آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه سوم مه جنابعالی را دریافت نمودم. سازماندهی کاروان هائی (۲)که محموله های مربوطه را به بنادر شمال شوروی رسانده اند ،در واقع در خور تقدیر و تحسین است . از جنابعالی به خاطر بذل توجه خاصی که نسبت به این امر معطوف فرموده اید،تشکر می کنم .آیا اگر دولت شوروی به آقای «لیتل تن»که در این امر شایستگی قابل ستایشی از خود ابراز داشته است. نشان شوروی اعطا نماید. جنابعالی مخالف نخواهید بود؟

ما با کمال اشتیاق از سایر اشخاصی هم که در سازماندهی و هدایت این کاروان ها نقشی عمده داشته اند ،تقدیر خواهیم کرد.

من با مسرت و خوشحالی، از نامه شما اطلاع یافتم که جنابعالی دستور بررسی مسئله مربوط به اعزام کاروان های بعدی را نیز که احتیاج مبرم ما به آنها هنوز بسیار شدید است ،صادر فرموده اید.

من درک می کنم که جنابعالی اکنون تا چه اندازه نسبت به «اورلرد» (٤۳)که یقیناًمستلزم صرف نیروی فراوانی خواهد بود ،عطف توجه عنایت می فرمایید ،اما این امر قطعاًنتایج بسیار مثبت و نیکوئی را در روند کلی جریان جنگ به بار خواهد آورد.

باتقدیم بهترین آرزوها

هشتم مه سال ۱۹٤٤

سند شماره ٢٦٣

تاریخ دریافت نامه ١٤مه سال ١٩٤٤

نامه مشترک پرزیدنت روزولت و چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

برای بکار گیری حداکثر نیرو در حمله از طریق در یا علیه شمال فرانسه،مابخشی از تجهیزات مربوط به پیاده کردن نیروها را از دریای مدیترانه به انگلیس انتقال دادیم .این امر و همچنین ضرورت استفاده از نیروهای زمینی ما در دریای مدیترانه در نبرد کنونی در ایتالیا،حمله به دریای مدیترانه فرانسه و انجام عملیات «اورلرد»(٤٣)را بطور هم زمان غیر ممکن می سازد.

ما اقدام به چنین حمله ای را برای زمانی دیرتر در نظر گرفته ایم تا بتوانیم از ایالات متحده آمریکا مقداری تجهیزات کمکی مربوط به پیاده کردن نیروها را به منظور استفاده در دریای مدیترانه دریافت نماییم برای آنکه تعداد بیشتری از نیروهای آلمانی را از شمال فرانسه و جبهه شرق به انحراف بکشیم،ما در ایتالیا حمله علیه آلمانیها را سریعاًو در گسترده ترین ابعاد آغاز خواهیم کرد و در عین حال ،تهدید علیه سواحل دریای مدیترانه فرانسه را نیز بطور همزمان ادامه خواهیم داد.

روزولت

چرچیل

سند شماره ٢٦٤

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر و آقای روزولت رئیس جمهور

نامه مشترک شما را دریافت نمودم . برای شما روشن تر است که نیروهای خود را چگونه و با چه ترتیبی تقسیم و سازمان دهی فرمایید.البته، عمده و مهم آن است که موفقیت کامل عملیات «اورلرد»(٤٣)تامین گردد. ضمناً،من به موفقیت حملات آغاز شده علیه آلمانیها در ایتالیا اطمینان دارم.

۱۵ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٦٥

خصوصی و فوق محرمانه

نامه آقای وینستون چرچیل به مارشال استالین

۱-از جنابعالی بخاطر ارسال نامه مورخ ۸ مه بسیار تشکر می کنم. آقای «لیتل تن»دریافت نشان شوروی را از افتخارات خود به شمار خواهد آورد، و من با کمال اشتیاق از پادشاه در خواست خواهم کرد که اجازه پذیرش نشان شوروی را به آقای «لیتل تن » صادر نمایند . یک یا دو نفر دیگر نیز مطرح می باشند که در این زمینه فعالیت های بسیار موفقیت آمیزی از خود نشان داده اند و با توجه به پیشنهاد جنابعالی می خواهم که این موضوع را در مقایسه

با گذشته ، با دقت نظر بیشتری مورد مطالعه و بررسی قرار دهم . به من اجازه بفرمایید که در این رابطه مجدداً تلگرامی را برای شما مخابره نمایم.

۲-نبرد در ایتالیا به طرز کاملاً پیروزمندانه ای گسترش یافته است . لهستانیها شجاعانه می جنگیدند ، اما از مواضعی که به سمت شمال از کاسینو به تصرف خود در آورده بودند با تحمل تلفاتی سنگین به عقب رانده شدند.

آنها چندین هزار نفر کشته برجای گذاشته اند ،با وجود این، آنها دوباره دست به حمله مجدد زده و موفقیت هایی کسب کرده اند. فرانسوی ها هم شایستگی های بسیاری از خود نشان داده اند . ژنرال«الکساندر» فرماندهی پیکار را با قاطیعت به عهده داشته و فتح «کاسینو» پاداش این مبارزه می باشد. تا تاریخ ۱۷ مه تلفات ما نزدیک به ۱۳ هزار نفر بوده است . ما ۷ هزار نفر از آلمانیها را به اسارت گرفته و تعداد بیشماری از آنها را به هلاکت رسانده ایم .حالا ما به استحکامات «آدولف هیتلر» نزدیک می شویم و امید وار هستیم که بتوانیم با تمامی نیرو و توان خود در شکستن این خط توفیق حاصل نماییم.

۳-تصمیم گرفته شده است که حمله قریب الوقوع مستقیم از ناحیه استحکاماتی سر پل «آنتسی یو» را تا زمانی که در نبرد اصلی ، مناسبترین لحظه برای اجرای این حمله فراهم نیامده باشد به تاخیر اندازیم. اما، ما بزودی باید از آنجا ضربه خوبی فرود آوریم .

٤-من امیدوار هستم که این ارتش ۱۷ یا ۱۸ لشگری آلمان که تاکنون ٥ یا ٦ لشگر از آن متلاشی گردیده است ، پس از پایان این نبرد در وضعیت بسیار اسفناکی قرار گیرد.

این امر به ما امکان خواهد داد که فوراً عملیات ترکیبی نیروهای زمینی و دریایی خود را که تمام سواحل خلیج های «گنوئز» و « لیونسک » را مورد تهدید و خطر قرار خواهند داد ، سازماندهی نماییم.هنوز با قاطیعت نمی توان مشخص نمود که ضربه را دقیقاً از کجا باید وارد آورد.به منظور اجرای این هدف ، آمریکاییها با ارسال تجهییزات کمکی مربوط به پیاده کردن نیرو ،ما را مورد حمایت خود قرار داده اند.من امیدوارم که به زودی بتوانیم ۳۰ تا ۳۵ لشگر از لشگرهای آلمانی را از «اورلرد» (٤۳)جدا ساخته و به این صحنه از جنگ بکشانیم.

٥-همانطور که جنابعالی کاملاً آگاه می باشید . این امر تمام فکر و اندیشه ما را به خود مشغول داشته است .وجود همه فرماندهان سرشار از اطمینان و وجود همه سپاهیان سرشار از غیرت است .

٦-من از وزارت امور خارجه خواسته ام تلگرامی را که برای تیتو (۷۳) مخابره کرده ام ، به منظور آگاهی جنابعالی از چگونگی موضع ما ، از طریق آقای مولوتوف تقدیم حضور شما نماید . پسرم راندولف که شما با او در تهران آشنا شده اید ، در معیت مارشال تیتو می باشد. او درباره عالیترین روابط و مناسبات موجود بین هیئت های شوروی و هیئت های ما مطالب بسیاری نوشته است ، باشد که این روابط در آینده با همین روح و آهنگ ادامه داشته باشد .

۱۹ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٦٦

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه مورخ ۱۹ مه شما را دریافت داشتم .

بنابراین ، من در انتظار دریافت اطلاع قطعی جنابعالی چه در مورد آقای «لیتل تن» و چه در مورد سایر کاندیداهای کسب نشان از شوروی خواهم بود.

گسترش موفقیت آمیز حمله قوای متفقین در ایتالیا به فرماندهی ژنرال الکساندر را به جنابعالی تبریک می گویم . حالا حائز اهمیت است که عملیات جنگی متفقین علیه قوای آلمانی در ایتالیا بتواند در واقع نیروی قابل ملاحظه ای از آلمانیها را از «اورلرد»(٤٣) جدا ساخته و به انحراف بکشاند .

من با تلگرامی که جنابعالی برای مارشال تیتو ارسال داشته بودید آشنا شدم.من نیز مناسبات خوبی را که بین هیئت های ما در یوگسلاوی به وجود آمده تحسین نموده و امیدوار هستم که این مناسبات در آینده هم به همین صورت ادامه یابد .

۲۲ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٦٧

تاریخ دریافت نامه ٢٤ مه سال ١٩٤٤

کاملاً محرمانه.

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- نبرد در ایتالیا با شدت تمام ادامه دارد. در شب ۲۳ ماه مه به اتفاق هم (بریتانیائیها و فرانسویها) حمله را در جبهه اصلی آغاز کردیم، نیروهای قابل ملاحظه‌ای از آمریکائیها نیز برای حمله به خطوط ارتباطی از «آنتسی‌یو» اعزام گردیدند. دشمن، هنگ دویست و هفتاد و هشتم از لشگر پیاده نظام و همچنین لشگرهای زرهی بیست و نهم و نودم خود را از منطقه شمالی رم به عقب کشیده است. اینطور که ستادهای آمریکایی فکر می‌کنند که هیتلر به واسطه وجود پوشش‌های قوی و نیرومند پشت جبهه، به هیچوجه عقب نشینی نخواهند کرد، اما از قراین پیداست که او لجوجانه تصمیم گرفته است که جنگ را به انتهای جنوبی رم بکشاند. اگر ارتش «کسیل‌رینگ» با شکست روبرو شود و بخشی از آن ارتش در آنجا از هم پاشیده شود، در آنصورت این امر برای ما شرایط مساعد و مطلوبی را در آینده بوجود خواهد آورد. لشگر «هرمان هرینگ» که بخشی از نیروهای ذخیره ویژه هیتلر را تشکیل می‌دهد، ممکن است که علیه ما به جنگ فراخوانده شود. اگر چنین باشد، نتیجتاً همه این جریان در جهت کمک به عملیات «اورلرد»(٤٣) خواهد بود. ابعاد جنگ را

بایستی از زوایای بسیار مهم آن مورد بررسی و ارزیابی قرار داد؛ نیروهای مسلح ما دارای برتری آنچنان قابل ملاحظه‌ای بر نیروهای دشمن نمی‌باشند.

۲- من امیدوارم که برای شما برنامه جدیدی در زمینه اعزام کاروان‌های(۲) قطب شمال تهیه و تنظیم نمایم، اما قبلاً باید اطلاع حاصل نمایم که در بخش دریایی عملیات «اورلرد» ما چند فروند ناوشکن و رزم‌ناو از دست داده‌ایم. من واحدهای متعددی از نیروهای بریتانیایی و آمریکایی را مورد بازدید قرار دادم، همه آنها سرشار از اشتیاق ورود به جنگ و مبارزه با دشمن می‌باشند؛ انواع مختلف وسایل و تجهیزات شناور نیز آماده شده است که در صورت ضرورت می‌توان تعداد زیادی سرباز و وسایط نقلیه را به طور همزمان در ساحل مربوطه پیاده کرد که با آتش نیرو و قدرت بی مانند خود به دفاع از دریا بپردازند. ما ۱۱ هزار فروند هواپیما را برای خط اول درنظر گرفته‌ایم که تمامی آنها برای همان روز موعود آماده شرکت در جنگ خواهند بود.

۳- برای شما در اجرای عملیات بزرگی که در دست تهیه دارید آرزوی موفقیت می‌نمایم. من هنوز بازپس گیری «ادسا» و «سواستوپول» را به جنابعالی تبریک نگفته‌ام. فرصت را غنیمت دانسته تبریکات خود را به این مناسبت تقدیم حضورتان می‌دارم.

سند شماره ۲٦٨

خصوصی و محرمانه

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

به خاطر اخبار مربوط به نبرد در ایتالیا که طی آخرین نامه خود ارسال فرموده‌اید از جنابعالی تشکر می‌کنم. ما همه با شادی و هیجان موفقیت‌های شما را دنبال می‌کنیم.

اخبار و اطلاعات مربوط به ابعاد وسیع تدارکات وآمادگیهای‌های لازمه برای اجرای عملیات «اورلرد»(٤٣) ما را کاملاً امیدوار می‌سازد.خاصّه آنکه قوای بریتانیایی و آمریکایی سرشار از اینهمه قاطعیت می باشند.

آمادگی شما را نسبت به تهیه و تنظیم برنامه جدید اعزام کاروان های (۲) قطب شمال که پس از چندی انجام خواهد شد ، تحسین می نمایم.

از جنابعالی به خاطر ارسال تبریک تشکر می‌کنم. ما با تلاشی بسیار خود را برای انجام عملیات بزرگ و گسترده تازه آماده می‌سازیم.

۲٦ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ٢٦٩

فوق محرمانه

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- بخاطر ارسال تلگرامتان از شما بسیار متشکرم. نبرد در ایتالیا با موفقیت در حال گسترش است و من امید فراوان دارم که ما بتوانیم بخشی از قوای دشمن را از هم جدا سازیم. مسئله رم برای ما یک مسئله جنبی است.

هدف اصلی ما در واقع شرکت دادن هر چه بیشتر آلمانیها در این پیکار و به هلاکت رساندن آنها است.

پس از پیروزی در این پیکار، ما بلافاصله کلیه نیروهای مسلح خود در دریای مدیترانه را جهت اجرای هر چه بهتر عملیات مشترک نیروهای زمینی و دریایی خود، برای کمک به عملیات «اورلرد»(٤٣) اختصاص خواهیم داد.

۲- در اینجا همه چیز در «اورلرد» تمرکز یافته و همه آنچه را که در توان انسانی است به نمایش در خواهد آمد و یاماباتهور شکوفایی آن را نشان خواهیم داد.

٢٨ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۷۰

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی به خاطر ارسال آخرین خبر مربوط به جنگ در ایتالیا تشکر می کنم.

ما هم در اینجا به پایان پیروزمندانه آن، که بی تردید، تسهیلاتی را در تلاشهای مربوط به اجرای عملیات «اورلرد» (٤٣)فراهم خواهد آورد، امیدوار می‌باشیم.

برای شما کسب پیروزی‌های بعدی را آرزو می‌نماییم.

۳۰ مه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۷۱

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- جنابعالی به یقین از شنیدن خبر مربوط به حمله متفقین به رم شادمان شده‌اید. قطع و جدا سازی هر چه بیشتر لشگریان دشمن از یکدیگر، همان چیزی است که ما همیشه آنرا از مهمترین‌ها دانسته ایم. ژنرال الکساندر اکنون در حال اعزام چند واحد زرهی قدرتمند به شمال «ترن» می‌باشد، آنها باید تمامی لشگریانی را که هیتلر برای جنگ به جنوب رم گسیل داشته است، به

محاصره خود درآورند. با وجودی که عملیات مشترك نیروهای زمینی و دریایی در پیاده کردن نیرو در «آنتسی یو» و «نتتوتو» آنطوری که ما به هنگام برنامه‌ریزی پیش‌بینی کرده بودیم، نتایج نسبتاً سریعی نصیب ما نساخت، البته با توجه به این که این عملیات از نظر استراتژی دارای مانوری صحیح بوده است، اما بهر حال ثمرات خود را بارور ساخت. اولاً، این عملیات ۱۰ لشگر دشمن را از محل‌های زیر به عقب گسیل داشته است:

از فرانسه یک لشگر، از منطقه رن یک لشگر، از یوگسلاوی و ایسترا چهار لشگر، از دانمارك یک لشگر و از شمال ایتالیا سه لشگر.

ثانیاً، یک جنگ تدافعی را باعث گردید که در آن هرچند ما نزدیک به ۲۵ هزار نفر را از دست دادیم، اما در عوض آلمانیها عقب رانده شدند و بخش عظیمی از نیروی انسانی لشگریان آنان از دور خارج گردید، ضمناً تلفات دشمن تقریباً بالغ بر ۳۰ هزار نفر می‌باشد. و بالاخره، نیروهای پیاده شده در «آنتسی‌یو» مأموریتی را که در آغاز برایشان طراحی شده بود، در مقیاسی به مراتب وسیع‌تر به انجام رساندند. ژنرال الکساندر در حال حاضر تمام تلاش و مساعی خود را در جهت به دام انداختن لشگریانی که در قسمت جنوبی رم مستقر می‌باشند، بکار می‌برد. بعضی از آنها ضمن بجا گذاشتن مقادیر قابل توجهی از سلاحهای سنگین خود، به کوهها گریخته‌اند، اما ما امیدوار هستیم که اسرای بیشمار و غنایم فراوانی را بدست آوریم. به محض پایان گرفتن این مرحله از عملیات، ما تصمیم خواهیم گرفت که به چه طریق بهتر می‌توان از ارتشهای خود در ایتالیا، به منظور پشتیبانی از عملیات اصلی ، استفاده بعمل آورد. بریتانیائیها ، آمریکائیها، فرانسویان آزاد و لهستانیها در حمله‌های جبهه‌ای

خود نیروهای آلمانی را که در برابر آنها به مقاومت برخاسته بودند تار و مار کرده و یا به هلاکت رسانده اند و به زودی ما از امکاناتی که در اختیار و پیش روی خواهیم داشت، ناگزیر به یک انتخاب مهم خواهیم بود.

۲- من در حال حاضر پس از اقامتی دو روزه در مقر اصلی ژنرال آیزنهاور، محلی که در آنجا ناظر بر سوار شدن سپاهیان به کشتی‌ها بودم، مراجعت نمودم. در اینجا مهمترین مسئله برای ما بدست آوردن هوای مساعد و مطلوب می‌باشد که از مجموعه عواملی گوناگون چون جذرومد، موج، مه و ابر تشکیل می‌گردد که تعیین کننده وضعیت هوا خواهد بود و توانایی ما در استفاده کامل از نیروهای عظیم زمینی و دریایی خود بستگی به این عوامل خواهد داشت. ژنرال آیزنهاور با کمال تأسف ناگزیر گردید که عملیات مربوطه را برای یک شب به تأخیر موکول سازد، اما پیش‌بینی وضع هوا بطرز کاملاً رضایتبخشی تغییر یافت و ما امشب عملیات خود را آغاز خواهیم کرد. ما از پنج هزار فروند کشتی استفاده بعمل خواهیم آورد و ۱۱ هزار فروند هواپیمای کاملاً آماده در اختیار داریم.

۵ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۷۲

نامه استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

پیروزی بزرگ قوای انگلیس و آمریکا را در فتح رم به جنابعالی تبریک می گویم.

این خبر در اتحاد شوروی با مسرت و شادمانی کامل روبرو گردیده است.

۵ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۷۳

نامه خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

همـه چیـز بـه خوبی آغاز شد. مین‌ها، موانع و آتشبارهای ساحلی بطور قابل ملاحظـه‌ای از سـر راه بـر چـیده شـدند. پـیاده کـردن نیـرو از طـریق هـوا کاملاً موفقـیت آمیـز و در ابعادی گسترده انجام گردید. پیاده کردن نیروهای زمینی با سـرعت در حـال افـزایش است و اکنون در ساحل تعداد زیادی تانک و توپ و خودرو استقرار یافته است.

وضع هوا نسبتاً خوب است و بهتر از این نیز پیش‌بینی می‌شود.

٦ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۷٤

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

خبـر مـربوط به شروع موفقیت‌آمیز عملیات «اورلرد»(٤۳) را دریافت نمودم. ایـن پـیام بـه همـه مـا شـادی و نشـاط بخشیده و ما را نسبت به پیروزیهای آینده امیدوار ساخته است.

حمله تابستانی نیروهای شوروی که براساس توافق کنفرانس تهران سازمان یافته است، برای اواسط ژوئن در یکی از مهمترین بخشهای جبهه آغاز خواهد شد. در این عملیات تعرضی، حمله عمومی و همه جانبه نیروهای شوروی بصورت مرحله‌ای و بطریقه مشارکت مستمر و پیگیر ارتشها و یکان‌های مختلف انجام خواهد شد. در اواخر ژوئن و در طول ژوئیه، عملیات تعرضی از حالت مرحله‌ای خارج و به صورت حمله‌های کلی و مشترك قوای شوروی در خواهد آمد.

وظیفه خود می‌دانم که جنابعالی را به موقع در جریان این عملیات تهاجمی قرار دهم.

٦ ژوئن سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۷۵

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
وینستون چرچیل به مارشال استالین

۱- از ارسال پیام تبریك جنابعالی به مناسبت فتح رم تشکر می کنم. من از نتایج عملیات «اورلرد»(٤٣) که تا ظهر امروز ۷ ژوئن بدست من رسیده است، بسیار رضایت دارم. فقط در یکی از مناطق ساحلی، جائی که آمریکاییها پیاده شدند اشکال مهمی پیش آمد که در حال حاضر این اشکال نیز برطرف گردیده است. در جناح‌های پشت جبهه دشمن، بیست هزار نفر از نفرات نیروی هوایی بطور موفقیت آمیز به زمین فرود آمده که در هر فرصت مقتضی تماسهایی را با

قوای آمریکایی و بریتانیایی که از طریق دریا پیاده شده‌اند، برقرار می‌سازند. ما با تلفاتی نه چندان سنگین موفق به عبور شدیم. ما تلفات خود را نزدیک به ۱۰ هزار نفر پیش‌بینی کرده بودیم.

ما امیدوار هستیم که تا غروب آفتاب علاوه بر نیروهای قابل ملاحظه زرهی (تانک‌ها) که توسط کشتی‌های مخصوص در ساحل پیاده شده‌اند و یا بصورت شناور خود را به ساحل رسانده‌اند، بیش از ۲۵۰ هزار نفر رزمنده در ساحل داشته باشیم. در خصوص این مدل از تانک‌های شناور، ما ضایعات نسبتاً فراوانی داشته‌ایم، بویژه در جبهه آمریکا که بسیاری از این تانک‌های شناور را امواج دریا واژگون ساخته است. حالا ما باید در انتظار حمله شدید طرف مقابل باشیم، البته، ما از لحاظ نیروی زرهی دارای امتیاز برتر می‌باشیم، همچنین، در هر پروازی که در آسمان صاف و بی‌ابر انجام گردد ما برتری مطلق خود را حفظ خواهیم کرد.

۲- دیشب در منطقه «کان»، در پاسی از شب گذشته بین نیروهای زرهی تازه پیاده شده ما در ساحل و پنجاه دستگاه تانک از لشگر بیست و یکم زرهی دشمن نبردی در گرفت که در نتیجه دشمن ناگزیر به ترک میدان مبارزه گردید. اکنون لشگر هفتم زرهی بریتانیا در حال ورود به میدان نبرد می‌باشد، این لشگر در طول چند روز آینده باید برتری ما را حفظ نماید. مسئله اینجاست آنها در هفته آینده چه تعداد نیرویی را علیه ما بسیج خواهند کرد .هوا در منطقه کانال(۳٦)، اینطور که پیداست ، مانعی در ادامه پیاده کردن نیروهای ما بوجود نخواهد آورد. در واقع وضع هوا نسبت به گذشته مساعدتر بنظر می‌آید. تمامی

فرماندهان در حقیقت بیشتر از آن جهت راضی بنظر می‌آیند که ملاحظه کرده‌اند در جریان پیاده کردن نیرو، کارها بهتر ار آنچه که انتظار می‌رفته، پیشرفت داشته است.

۳- فوق محرمانه. ما در نظر گرفته‌ایم که در سواحل خلیج پهناور مشرف به دهانه سن، سریعاً نسبت به مونتاژ دوبندر اقدام نماییم. در گذشته، در این منطقه هیچ چیزی شبیه بندر مشاهده نشده است.

کشتی‌های بزرگ اقیانوسی امکان تخلیه بار خواهند یافت و از طریق بار اندازهای متعدد بندر تدارکات لازمه جهت تأمین نیروهای ما که در حال مبارزه می‌باشند، بعمل خواهد آمد.

این اقدام برای دشمن، یک اقدام کاملاً غیر منتظره خواهد بود. این امر به ما همچنین اجازه خواهد داد که بدون توجه به وضعیت هوا، به میزان بسیار قابل ملاحظه‌ای به کار ذخیره سازی بپردازیم.

ما امیدوار هستیم که به زودی بتوانیم در حین عملیات، «شربور» را به تصرف خود درآوریم.

٤- از طرفی، دشمن با عجله و بطرزی مؤثر به تمرکز نیروهای خود خواهد پرداخت، نبرد شدت خواهد گرفت و ابعاد گسترده‌تری را بخود اختصاص خواهد داد. ما مانند گذشته امیدوار هستیم که بتوانیم برای تاریخ «د+۳۰»(٧٤)حدود۲۵ لشگر را با کلیه متعلقات و ملزومات و نیروهای کمکی مربوطه وارد پیکار نماییم، در ضمن هر دو جناح جبهه متکی به دریا خواهند بود و جبهه دست کم سه بندر خوب و مناسب را در اختیار خواهد داشت: شربور و دو بندری که مونتاژ خواهیم کرد.

تدارکات این جبهه دائماً تأمین خواهد شد و ابعاد آن نیز پیوسته گسترده خواهد گردید و در عین حال ما امیدوار هستیم که به زودی شبه جزیره «برست» را نیز به آن ضمیمه سازیم. اما، تمامی این اقدامات و محاسبات به حوادث جنگ بستگی خواهد داشت که همه آنها برای شما (مارشال استالین) به خوبی روشن می‌باشد.

۵- ما امیدوار هستیم که پیاده شدن موفقیت‌آمیز نیروها، فتح رم که آثار این پیروزی را باید بر جداسازی لشگریان هون‌ها نیز اضافه نمود، در مجموع توانسته باشند که سربازان سلحشور شما را پس از تحمل آنهمه فشار که در خارج از مرزهای شما هیچکس آن را به اندازه من با چنین درک عمیقی احساس نکرده است، شاد و خوشحال سازند.

۶- من، پس از تهیه و تنظیم مطالب فوق، نامه جنابعالی را که شما درباره آغاز پیروزمندانه عملیات «اورلرد» و حمله‌های تابستانی قوای شوروی اشاره فرموده‌اید، دریافت نمودم. از این لحاظ من صمیمانه از شما تشکر می‌کنم. من امیدوار هستم که شما نسبت به این مسئله توجه بفرمایید که براساس اعتماد کامل به جنابعالی، به ملت شما و نیروهای شما ما هیچگاه سؤالی را در برابر شما مطرح نساخته‌ایم.

۷ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۷٦

نامه محرمانه و خصوصی

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۷ ژوئن جنابعالی را در مورد گسترش پیروزمندانه عملیات «اورلرد» (٤٣)دریافت داشتم. ما همه به شما و نیروهای دلیر بریتانیایی و آمریکایی تبریک و تهنیت می‌گوییم و برای شما صمیمانه آرزوی موفقیت‌های بعدی را می‌نماییم.

تدارک و آمادگی‌های مربوط به حمله تابستانی قوای شوروی در حال پایان یافتن است. فردا، دهم ژوئن اولین مرحله از حمله‌های تابستانی ما در جبهه لنینگراد آغاز خواهد شد.

۹ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۷۷

فوق محرمانه

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- من از دریافت نامه جنابعالی، که مفاد آن را به اطلاع ژنرال آیزنهاور رسانده‌ام، بسیار خوشحال شدم. تمام جهان می‌تواند بازتاب مذاکرات و برنامه‌های مدون در تهران را در حملات هماهنگ ما علیه دشمن مشترکمان

مشاهده نماید. باشد که نیکبختی و پیروزیهای همه جانبه نصیب ارتشهای شوروی گردد.

۲- تا امشب، دهم ژوئن، ما بایدنزدیک به ٤٠٠ هزار نفر را همراه با نیروهای عظیم و قدرتمند خود پیاده کرده باشیم و به سرعت به جمع آوری و ذخیره سازی توپخانه‌ها و کامیون‌های باری پرداخته باشیم. ما سه بندر ماهیگیری نسبتاً بزرگ را بطور غیر منتظره که می‌توانند محموله‌های ما را عبور دهند، کشف کرده‌ایم. بعلاوه، کار ساختمانی و مونتاژ دو بندر بزرگ نیز با موفقیت در حال پیشرفت است. طبق گزارشهای رسیده نبرد در جبهه‌ها بطور رضایتبخش ادامه دارد. ما فکر می‌کنیم که رومل مقادیری از ذخایر استراتژی خود را در حملات متقابله تاکتیکی صرف امور ناچیز و بی اهمیت کرده است. در حال حاضر کلیه حملات دفع شده است. ما باید در آینده نزدیک در انتظار عکس العمل استراتژی دشمن باشیم.

۳- ژنرال الکساندر در مسیر شمال در حال تعقیب باقیمانده ارتش شکست خورده کسّل رینگ می‌باشد. آنها احتمالاً در منطقه «ریمینی-پیزا»، جایی که در آنجا اقدامهایی بعمل آمده است، توقف خواهند کرد. ژنرال الکساندر گزارش می‌دهد که توان رزمی بیست لشگر آلمانی بسیار کاهش یافته است. شش یا هفت لشگری که در مسیر شمال در حال عقب نشینی می‌باشند، زیر چتر قوای پشت جبهه و بخش‌های ویران شده قرار دارند. ژنرال ضمن تعقیب آنها، به پاکسازی منطقه نیز ادامه می‌دهد.

۱۰ ژوئن سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۷۸

تاریخ دریافت نامه ۱۱ ژوئن سال ۱۹٤٤

فوق محرمانه

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

من از حادثه‌ای که برای مارشال بادال‌ئو(۷۵) پیش آمده است بسیار متحیرم. به نظر من، ما تنها شخص صلاحیت داری را که با او رابطه و کار داشته‌ایم و او می‌توانست بهتر از هر شخص دیگری برای ما مفید و مؤثر واقع شود، از دست دادیم. اکنون خیل سیاست پیشه گان سالخورده و حریص سعی در طرح دعاوی ایتالیا خواهند کرد و می‌توانند برای ما بیشترین ناراحتی‌ها را بوجود آورند. اگر جنابعالی از چگونگی برخورد خود با این مسئله مرا آگاه بفرمایید، کمک بسیار بزرگی در حق من بعمل آورده‌اید.

سند شماره ۲۷۹

نامه محرمانه و خصوصی

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱- نامه جنابعالی در خصوص خروج بادال ئو از کابینه را دریافت داشتم. رفتن بادال‌ئو برای من هم غیر منتظره بود. من فکر می کردم که عزل بادال‌ئو و انتصاب بونومی با موافقت انگلیسی‌ها و آمریکاییها صورت پذیرفته است، اما از نامه شما پیداست که این تغییر و تحول بدون اطلاع متفقین انجام شده است.

احتمال دارد که برخی از محافل ایتالیایی درصدد می‌باشند که تلاشهایی را در جهت تغییر شرایط متارکه جنگ به منظور حفظ منابع خود بعمل آورند. بهر حال، اگر اوضاع و شرایط آینده به شما و آمریکاییها نشان داد که در ایتالیا به جای دولت بونومی باید دولت دیگری براریکه قدرت نشیند، در آن صورت شما می‌توانید روی این مسئله که از جانب شوروی نسبت به این امر ممانعتی بعمل نخواهد آمد، حساب بفرمایید.

۲- نامه ۱۰ ژوئن جنابعالی را نیز دریافت نمودم. از ارسال خبر مربوطه سپاسگزارم. از قرار معلوم، پیاده کردن نیروها که در مقیاسی بزرگ طراحی و پیش‌بینی شده بود، با موفقیت کامل به اجرا درآمده است. من و همه همکارانم باید اعتراف کنیم که تاریخ جنگ‌های جهانی تا بحال اجرای چنین عملیاتی را چه از نظر ابعاد و گستردگی هدف و چه از نظر مهارت و کارآیی به خود ندیده است. همانطور که اطلاع دارید، ناپلئون در زمان خود با نقشه خود برای عبور از تنگه مانش مفتضحانه با شکست روبرو گردید. هیتلر هیستریک که دو سال رجزخوانی می‌کرد که عبور از مانش را به مرحله عمل در خواهد آورد، حتی نتوانست نوک سوزنی نقشه تهدید آمیز خود را پیاده نماید. تنها متفقین ما توفیق یافته‌اند که با نقشه فوق العاده خود عبور از تنگه مانش را با افتخار به اجرا در آورند. تاریخ از این اقدام به عنوان یک پیروزی فوق تصور نام خواهد برد.

۱۱ ژوئن سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۸۰

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- نامه ۱۱ ژوئن جنابعالی برای من و همه اعضاءکابینه، که متن آنرا برایشان قرائت کرده‌ام، شادی و مسرت کامل به ارمغان آورده است.

بند اول نامه شما با آنچه که پرزیدنت روزولت تأیید کرده‌اند، مطابقت می‌نماید. البته، مسئله باید توسط کمیسیون مشاوره مشترک مورد بحث و بررسی قرار گرفته شود، سپس، مسئله تقدیم سه دولت خواهد شد تا ایشان درباره مناسبات خود با دولت جدید ایتالیا به مشورت بپردازند. ضمناً ، بادال‌ئو که از قرار معلوم مناسبات کاملاً دوستانه خود را با بونومی حفظ کرده است، فعالیتهای خود را برای مدتی ادامه خواهد داد.

۲- روز دوشنبه ، من بخش بریتانیائی جبهه را مورد بازدید قرار دادم، که ممکن است جنابعالی از طریق جراید اطلاع حاصل فرموده باشید، مبارزه بدون وقفه ادامه دارد. در حالیکه ما در جبهه دارای چهارده لشگر می‌باشیم که حدوداً هفتاد مایل را زیر پوشش گرفته‌اند، در مقابل، دشمن دارای سی لشگر می‌باشد که برخلاف لشگریان ما، از توان رزمی و قدرت نظامی چندانی برخوردار نمی‌باشند. دشمن با شتاب نیروهای کمکی خود را از پشت جبهه فراخوانده است، اما ما فکر می‌کنیم که ما از طریق دریا به مراتب زودتر از آنها به تجهیزات و نیروهای کمکی خود دسترسی خواهیم یافت. شهر کشتی‌ها که در

امتداد ساحل به فاصله تقریباً ۵۰ مایلی کشیده شده و ظاهراً از خطرات حمله هوایی و سفینه‌های زیر دریایی دشمن که در نزدیکی آن استقرار یافته مصون می‌باشد منظره بسیار زیبا و جالبی را بخود اختصاص داده است. ما امیدوار هستیم که «کان» را به محاصره خود در آورده و احتمالاً تعدادی را هم در آنجا به اسارت درآوریم. دو روز پیش شمار اسرای دشمن بالغ بر سیزده هزار نفر بود که این رقم تا این لحظه نسبت به آمار کلیه تلفاتی که ما داده‌ایم ، اعم از کشته و یا مجروح ، دارای افزایش است. بنابراین می‌توان اعلام نمود که تعداد تلفات دشمن در مقایسه با تلفات ما، با توجه به اینکه ما دائماً در حال حمله بوده‌ایم، تقریباً دو برابر می‌باشد. پیشروی ما در روز گذشته ، با وجودیکه مقاومت دشمن به واسطه استفاده از ذخایر استراتژی پیوسته در حال تأمین شدت یافته بود، بسیار رضایتبخش بود. من احتمال زیاد می‌دهم که ما دامنه نبرد را به آن سطحی برسانیم که در ژوئن و ژوئیه هر یک از طرفین حدود یک میلیون نفر از قوای خود را در آن شرکت دهد. ما برآورد کرده‌ایم که تا اواسط ماه اوت تعداد نفرات ما در آنجا به دو میلیون نفر خواهد رسید.

۳- موفقیت شما را در «کارلیا» صمیمانه آرزو می‌نمایم.

۱٤ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸۱

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ١٤ ژوئن شما را دریافت داشتم.

پیشنهاد جنابعالی را درباره بررسی مقدماتی مسئله مربوط به دولت جدید ایتالیا در شورای مشورتی امور ایتالیا و ارجاع بعدی مسئله به سه دولت ما به منظور دستیابی به یک نظریه واحد و مشترک، صحیح و منطقی می‌دانم.

من با اشتیاق فراوان در جریان اخبار مربوط به سیر عملیات جنگ در جبهه شمال فرانسه قرار گرفتم. موفقیت کامل شما را در محاصره «کان» و گسترش عملیات آینده در نرماندی آرزو می‌نمایم. از این که خواهان پیروزی ما در حملاتمان می‌باشید، از جنابعالی تشکر می‌کنم. عملیات ما طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده گسترش و توسعه می‌یابد و برای تمامی جبهه‌های مشترکمان دارای اهمیت فراوان خواهد بود.

۱۵ ژوئن سال١٩٤٤

سند شماره ۲۸۲

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱–من امیدوار هستم که ما برای دهم اوت اعزام کاروان‌های(۲) شمالی را به روسیه مجدداً از نو آغاز کنیم . در این باره من برای پرزیدنت روزولت نوشته‌ام و ایشان نیز با این امر کاملاً موافق می‌باشند.

امید است که در آینده نزدیک بتوانیم حدود سی کشتی باری را که دو سوم از آنها آمریکایی خواهند بود ، بارگیری و اعزام نمائیم. مکاتبات رسمی از طریق کانالهای متداول انجام خواهد شد.

۲– در رابطه با تلگرام ۱۵ ژوئن جنابعالی درباره ایتالیا باید خاطر نشان سازم که جنابعالی احتمالاً تلگرام شماره ۲۸۵ مورخ ١٤ ژوئن وزارت امور خارجه را که بعنوان کمیسر عالی در ناپل مخابره گردیده و رونوشت آن نیز تحت شماره ۱۷۹٦ (٧٦) به مسکو ارسال شده است، مورد ملاحظه قرار داده‌اید. من از جنابعالی به خاطر برخوردی که نسبت به این وضعیت که به طور غیر منتظره اتفاق افتاده، نشان داده‌اید بسیار متشکرم. اکنون باید به اطلاع جنابعالی برسانم که اینجانب پس از کسب خبر از رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و همچنین از نمایندگان خود در محل، به این اعتقاد دست یافتم که ابقای مجدد بادالئو غیر ممکن خواهد بود و او خود معتقد است که موضوع تمام

شده می‌باشد. بادال‌ئو برای ما شایسته خدمت کرد. من حالا موافقم که این مسائل را ما باید از آن جهت در شورای مشورتی امور ایتالیا مورد بررسی قرار بدهیم که سه دولت ما بتوانند نظرات خود را نسبت به این امر به طور همزمان اعلام نمایند .مهم آنست که به دولت جدید ایتالیا چگونگی تعهداتی را که از دولت قبل به ارث برده است دقیقاً تفهیم نماییم.

۳- نبرد در نرماندی اکنون بطور کامل در یک جبهه به طول تا هفتاد مایل گسترش یافته و دامنه و شدت آن پیوسته رو به افزایش است . در اوضاع و شرایط کنونی، توسعه و گستردگی جنگ را در منطقه قبل از هر چیز باید از نقطه نظر شدت عملیات و حرارت و جوشش آن مورد ارزیابی قرار داد نه آنکه از نظر ابعاد و مساحت زمینی که جنگ در آن انجام می‌شود. تلفات ما نزدیک به سی هزار نفر است و ما قطعاً تلفات بیشتری به دشمن وارد آورده‌ایم. سه روز پیش ما سیزده هزار نفر اسیر جنگی در اختیار داشته‌ایم و از آن زمان نیز تعداد بسیار زیادی را به اسارت گرفته‌ایم. ما در ساحل تقریباً دارای ۵۵۰ هزار نفر سپاهی می‌باشیم که آنها ۲۰ لشگر به انضمام چند واحد و غیره را تشکیل می‌دهند. دشمن دارای ۱۶ لشگر می‌باشد که در مقایسه با ما از توان رزمی کمتری برخوردار می‌باشد. من اکنون با ژنرال مارشال از ارتش ایالات متحده جلسه‌ای داشتم که او درباره وضعیت کارها و امور جاری جبهه به من اظهار داشت که وی اطمینان کامل دارد که در قدرت رزمی دشمن برای انجام یک حمله بزرگ متقابل، دست کم تا چند روز آینده، کاهش قابل ملاحظه‌ای به

چشم می‌خورد ، زیرا رومل ذخایر استراتژی خود را قبل از موعد در جهت پشتیبانی از خط اول بکار برده است.

٤-هیتلر استفاده از سلاح‌های سری و محرمانه را علیه لندن آغاز کرده است.

ما شب پرجوش و خروشی را گذراندیم. ما فکر می کنیم که با او می‌توانیم مبارزه کنیم . من در این اوقات پر از حوادث بزرگ، آرزوی خوب خود را تقدیمتان می‌دارم.

۱۷ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸۳

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱- از شما بخاطر ارسال خبر مربوط به تصمیم گیری جنابعالی و پرزیدنت روزولت درباره اعزام مجدد کاروان‌های (۲) شمال به سوی اتحاد شوروی که برای دهم اوت در نظر گرفته شده است تشکر می کنم. این امر برای ما کمک بزرگی محسوب خواهد شد.

راجع به امور ایتالیا باید خاطر نشان سازم که احتمالاً قطعنامه شورای مشورتی(۷۷) درباره دولت جدید ایتالیا برای جنابعالی روشن می‌باشد. دولت شوروی هیچگونه مخالفتی با این قطعنامه ندارد.

روند پیروزمندانه عملیات اجرایی نیروهای بریتانیایی و آمریکایی در نرماندی که در حال حاضر با چنین شدت و گستره‌ای در جریان است، موجبات شادی و نشاط کامل همه ما را فراهم آورده است. برای قوای شما صمیمانه آرزوی پیروزی‌های بعدی را می‌نمایم.

۲- حداکثر پس از یک هفته، دومین مرحله از حمله تابستانی نیروهای شوروی آغاز خواهد شد. در این حمله ۱۳۰ لشگر به انضمام چند لشگر زرهی شرکت خواهند داشت. من و همکارانم به کسب یک پیروزی مهم معتقد می‌باشیم. امیدوارم که تهاجم ما بتواند در پیشبرد عملیات قوای متفقین در فرانسه و ایتالیا کمکی مؤثر بعمل آورد.

۲۱ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸٤

نامه خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

۱- خبر مندرج در تلگرام مورخ ۲۱ ژوئن جنابعالی مرا بسیار دلگرم و امیدوار ساخت. ما اکنون از اولین نتایج عملیات بسیار خوب و فوق العاده شما مسرور و شادمانیم و به گسترش جبهه‌های فعال خود علیه دشمن، با تمامی امکاناتی که در ید و قدرت انسانی است، ادامه خواهیم داد و برای آنکه این مبارزه نهایت ثمر بخشی را شکوفا سازد، ما از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

۲- آمریکاییها امیدوار می‌باشند که پس از چند روز شربور را به تصرف درآورند. سقوط شربور به زودی باعث اختصاص سه لشگر آمریکایی برای تقویت حمله ما در خط جنوب خواهد شد و ما احتمالاً در شربور ۲۵ هزار نفر اسیر جنگی را به دام خواهیم انداخت.

۳- ما با سه الی چهار روز طوفانی که در ماه ژوئن کاملاً غیر عادی می‌باشد، روبرو شدیم . این امر در افزودگی نیروهای ما ایجاد وقفه نمود و خسارات سنگینی نیز به ساختمان بنادری که مونتاژ آنها هنوز به پایان نرسیده، وارد آورد. ما اقداماتی را جهت تعمیر و تقویت آنها بعمل آورده‌ایم. راه‌هایی که از دو بندر در حال ساخت و مونتاژ به عمق منطقهٔ منتهی می‌شوند، اکنون به کمک بولدوزرها و نصب شبکه‌های فولادی با شتاب کامل در دست احداث می‌باشند. بنابراین ، به انضمام شربور پایگاه عظیمی تأسیس خواهد شد که از آنجا ارتش‌های بسیار بزرگ می‌توانند بدون توجه به وضعیت هوا، نسبت به تأمین احتیاجات جنگی خود اقدام نمایند.

٤- ما در جبهه بریتانیا، جایی که از پنج لشگر زرهی آلمان چهار لشگر آن بکار گرفته شده بود، جنگ سخت و شدیدی را پشت سر گذاشتیم. حمله جدید بریتانیا در آنجا، بعلت بدی هوا که مانع از تجهیز کامل چند لشگر ما شده بود، برای چند روز به تعویق افتاد. حمله ما فردا آغاز خواهد شد.

۵- پیشروی در ایتالیا با سرعت زیاد ادامه دارد و ما امیدوار هستیم که در ماه ژوئن فلورانس را به تصرف در آورده و در اواسط و یا اواخر ماه ژوئیه با خط ریمینی-پیزا پیوند حاصل نماییم. من درباره امکانات مختلف استراتژی که در رابطه با این عملیات بدست خواهیم آورد، برای جنابعالی تلگرامی را مخابره

خواهم کرد. به اعتقاد من ، قاعده کلی و عمده‌ای را که ما باید مورد توجه قرار بدهیم، اینست که بتوانیم بطور دائم و مستمر و حتی الامکان هرچه بیشتر نفرات هیتلری را به مبارزه در بازترین و مؤثرترین جبهه‌های خود جذب نماییم. ما تنها با شیوه مبارزاتی پیگیر و سرسختانه می‌توانیم بخشی از فشار وارده بر شما را کاهش دهیم.

٦- جنابعالی آسوده خاطر باشید و توجهی به مهملاتی که آلمانیها درباره نتایج بمباران‌های خود به راه انداخته‌اند، نفرمایید. بمب‌ها تأثیر ملموسی بر تولیدات و زندگی لندن نداشته‌اند. در مدت هفت روزی که بمباران‌ها ادامه داشته است ، شمار قربانیان ما بین ده تا پانزده هزار نفر بوده است. خیابانها و پارك‌ها مانند گذشته مملو از جمعیتی است که در پرتو آفتاب اوقات فراغت خود از ساعات کار را به گردش و تفریح می‌گذرانند. پارلمان نیز در موقع خطر و وضعیت قرمز جلسات خود را ادامه می‌دهد. اگر سلاحهای موشکی تکمیل گردند، خطرناکتر خواهند شد . ملت ما سرافراز است که در مقیاسی قابل ملاحظه در خطراتی که سربازان ما و سربازان شما ، سربازانی که در بریتانیا مردم شیفته آنها می‌باشند، را مورد تهدید قرار می‌دهد، شریك و سهیم می‌باشد.

باشد که پیروزی قرین حمله جدیدتان شود.

۲۵ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸۵

خصوصی است.

به آقای چرچیل نخست وزیر

تبریکات صمیمانه مرا به مناسبت رهایی شهر شربور از چنگ اشغالگران آلمانی بپذیرید. به مناسبت این پیروزی درخشان به نیروهای دلاور بریتانیا و آمریکا درود می گویم.

ژوزف استالین

۲۷ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸٦

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۵ ژوئن جنابعالی را دریافت نمودم.

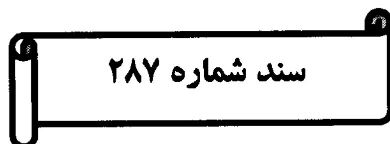
در همان موقعی که نیروهای متفقین در رهایی شربور توفیق بدست آوردند، در نرماندی هم با تلاشی مجدانه به کسب یک پیروزی بزرگ دیگر نائل آمدند. به نیروهای دلیر بریتانیایی و آمریکایی که با موفقیت‌های فزاینده خود روزبروز بر دامنه عملیات خویش، چه در شمال فرانسه و چه در ایتالیا می‌افزایند، تبریک می گویم.

اگـر گسـتره عملـيات جـنگ در شـمال فرانسـه دارای تـوان بیشـتری گـردد و هیتلـر را در معـرض خطـر شـدیدتری قـرار دهـد، در آنصـورت گسـترش موفقـیت آمیـز حمـلات متفقـین در ایتالـیا نیـز در خـور هـر نـوع تـوجه و تحسـینی قـرار خـواهد گـرفت. بـرای شـما پیـروزیهای بیشـتری را آرزو می‌نمایم.

در رابطـه بـا حملـه مـا، بایـد بـه اطـلاع جنابعالـی برسـانم کـه مـا به آلمانیها فرصـت نفـس کشـیدن نخواهـیم داد و ضـمن تقـویت قـدرت تهاجمـی خـود بـه ارتـش‌هـای آلمـان، بـه گسـترش عملـیات تعرضـی خـود ادامـه خواهـیم داد. قاعـدتاً ، شـما بـا مـن موافـق مـی‌باشـید کـه ایـن امـر بـرای نـیل بـه هـدف مشترکمان لازم و ضروری است.

درباره بمـباران‌هـای هوایـی هیتلر، باید اذعان داشت که این شیوه، همانطور کـه روشن است، نمی‌تواند تأثیر مهمی نه بر عملیات نرماندی و نه بر مردم لندن که شهامت آنان بر همه آشکار است، داشته باشد.

۲۷ ژوئن سال ۱۹٤٤



نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

در پاسـخ بـه نامه ۲۷ ژوئن جنابعالی به استحضار می‌رسانم که تبریکات شما بـه مناسـبت آزادسـازی شربور و درود شما به نیروهای آمریکایی و بریتانیایی به مناسبت این پیروزی فوق العاده پر اهمیت ، موجب مباهات ما است.

۲۹ ژوئن سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۸۸

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- نامه ۲۷ ژوئن جنابعالی به ما امید و دلگرمی فراوان داده و وجود همه ما را سرشار از شادی و نشاط ساخته است. من این نامه را برای پرزیدنت ارسال خواهم داشت و اطمینان دارم که ایشان نیز مانند من شاد و خرسند خواهند شد.

۲- حالا زمان آن رسیده است که من به اطلاع شما برسانم که حملات کوبنده و بی‌امان ارتش‌های روسیه که توانشان پیوسته در حال افزایش است و بنظر می‌آید که در حال شکست و نابودی ارتش‌های آلمانی مستقر بین کشور شما تاورشو و سپس تا برلین می‌باشند، تا چه اندازه بر روحیه تمامی ما در انگلستان اثر عمیق می‌گذارد. هر یک از پیروزیهائی را که شما بدست می‌آورید، ما در اینجا آن را با دقت و توجهی خاص دنبال می‌کنیم.

من کاملاً آگاهی دارم که کلیه این حملات جزو دومین مرحله از همان عملیاتی است که جنابعالی مذاکرات مربوط به آنها را در تهران به عمل آورده‌اید . در ضمن، شما در اولین مرحله از عملیات تهاجمی خود توانستید «سواستوپول»، «ادسا» و «کریمه» را باز پس گرفته و پیشتازان شما نیز «کارپات»، «سرت»، «پروت» را هم به تصرف خود درآوردند.

۳- در نرماندی جنگ به شدت ادامه دارد. هوا در ماه ژوئن بسیار نامساعد بود. در سواحل ما نه تنها طوفانهای بدی برپا شده بود که در سالهای گذشته در

چنین موقعی از تابستان هیچگاه سابقه نداشته است، بلکه ابرهای بسیار تیره نیز مزید بر علت گردیده بود.

این امر امکان بهره گیری کامل از برتری هوایی را از ما سلب کرده و شرایط دسترسی به لندن را برای هواپیماهای بمب افکن دشمن فراهم آورده بود.

اما من امیدوار هستم که در ماه ژوئیه وضع هوا مساعدتر گردد. ضمناً در حال حاضر نبرد سخت و خشونت‌آمیز ، به سود ما جریان دارد، البته با وجودی که هشت لشگر زرهی علیه بریتانیا در حال جنگ می‌باشد، ولی برتری ما از لحاظ تانک قابل ملاحظه است. ما در ساحل بیش از ۷۵۰ هزار نفر بطور مساوی بریتانیایی و آمریکایی در اختیار داریم.

دشمن به آتش کشیده شده و تمام جبهه را خون فراگرفته است و من با شما موافقم که نبرد را باید تا پایان به همین صورت ادامه داد.

اول ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۸۹

تاریخ دریافت نامه ۳ ژوئیه سال ١٩٤٤

نامه خصوصی چرچیل به مارشال استالین

عکس ارسالی فوق العاده جالب جنابعالی را با نوشته‌ای بر آن که بطور مؤثری بر لطف آن افزوده است، دریافت نمودم. از شما بسیار متشکرم.

سند شماره ۲۹۰

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه اول ژوئیه شما را دریافت داشتم.

مراتب تشکر و امتنان خود را به مناسبت ارزش والایی که برای پیروزیهای ارتش سرخ قائل شده‌اید، ارتشی که در حال اجرای دومین مرحله از حملات تابستانی خود می‌باشد، به حضورتان تقدیم می‌دارم.

ما همه اطمینان داریم که دشواریهای موقت موجود در نرماندی که جنابعالی به آنها اشاره فرموده‌اید، نمی‌توانند برای نیروهای بریتانیایی و آمریکای در بهره‌گیری کامل از برتری هوایی و زرهی آنها بر دشمن عاملی بازدارنده به حساب آیند، بطوریکه آنها نتوانند به گسترش عملیات تعرضی آینده خود ادامه داده و پیروزیهای جدیدی را کسب نمایند.

درود و سپاس همه ما را همراه با بهترین آرزوهای قلبی بپذیرید.

٤ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۹۱

نامه خصوصی و محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

با مسرت و خرسندی کامل خبر مربوط به پیروزیهای افتخار آفرین شما در تصرف مینسک و پیشروی قابل ملاحظه ارتش‌های شکست‌ناپذیر روسیه را در جبهه‌های عظیم نبرد دریافت داشتم.

۵ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۹۲

خصوصی از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از احساسات گرمی که در خصوص تصرف مینسک، که توسط قوای شوروی بعمل آمده، ابراز فرموده‌اید، از جنابعالی تشکر می کنم.

۷ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۹۳

خصوصی از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

تبـریکات خود را به مناسبت پیروزیهای جدید و افتخار آفرینی که نیروهای بریتانیایی در آزادسازی شهر «کان» بدست آورده‌اند، تقدیم حضورتان می‌دارم.

۱۱ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۲۹٤

تاریخ دریافت نامه ۷ ژوئیه سال ۱۹٤٤

نامه خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- چـند هفته پیش آقای ایدن پیشنهادی مبنی بر اینکه دولت شوروی ابتکار عمـل در رومانی و بریتانیائیها ابتکار عمل در یونان را بدست داشته باشند، تسلیم سفیر شما نمود.

پیشـنهاد صـرفاً به منظور کسب توافقی اجرایی بوده که در صورت امکان از تـبادل تلگـرامهای سـه جانـبه‌ای که باعث کندی و پیچیدگی کارها و به تبع آن سستی عملیات مربوطه می‌گردد، پرهیز نمود.

بعد از آن، آقای مولوتوف خیلی بجا و به موقع پیشنهاد کردند که اینجانب مراتب را به اطلاع دولت ایالات متحده برسانم و من هم این موضوع را به آگاهی دولت ایالات متحده رسانده و پیوسته در پی مسئله بودم تا اینکه پس از مدتها بحث و مذاکره ، سرانجام پرزیدنت موافقت کردند که این امر برای مدت سه ماه بطور آزمایشی به مورد اجرا گذاشته شود.

این ماهها ، ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر می‌باشند که می‌توانند ماههای بسیار مهم و پر اهمیتی باشند.

اما، حالا می‌بینیم که جنابعالی اشکالاتی را در این کار ملاحظه می‌فرمائید. من می‌خواهم سئوال کنم که آیا جنابعالی موافق نیستید که این برنامه برای مدت سه ماه بصورت آزمایشی به اجرا درآید؟ هیچکس نمی‌تواند بگوید که این برنامه به آینده اروپا آسیب خواهد رساند و یا اروپا را تجزیه خواهد کرد.

اما، ما می‌توانیم سیاست روشنی را در هر یک از این دو صحنه اعمال کرده و آنچه را که انجام می‌دهیم به آگاهی دیگران برسانیم. با وجود این، چنانچه جنابعالی به من اطلاع بفرمایید که اجرای این برنامه مفید و امیدوارکننده نخواهد بود، من فرمایش جنابعالی را سوء تعبیر نخواهم کرد.

۲- مسئله دیگری نیز وجود دارد که می‌خواهم آن را برای شما مطرح سازم. ترکیه آماده است که با دولتهای محور فوراً قطع رابطه نماید.

من با جنابعالی موافقم که ترکیه باید اعلان جنگ دهد، اما من بیم آن دارم که اگر ما بخواهیم که ترکیه اعلان جنگ دهد، در آن صورت این کشور با تکیه بر ما، محققاً به منظور دفاع از شهرهای خود هواپیماهایی را از ما درخواست خواهد کرد که در شرایط کنونی اختصاص و یا اعزام این نوع

هواپیماها به آنجا برای ما مشکل خواهد بود، او همچنین خواهان انجام عملیات مشترک جنگی در بلغارستان و دریای اژه خواهد بود که در حال حاضر برای اجرای این گونه عملیات هم ما تجهیزاتی در اختیار نداریم.

علاوه بر همه این مسائل ، ترکیه مجدداً انواع سلاح‌هایی را از ما تقاضا خواهد کرد که ما قادر به تأمین آنها نخواهیم بود، زیرا ذخایری را که ما در آغاز سال برای این کشور در نظر گرفته بودیم، برای امور دیگر به مصرف رسانده‌ایم.

بنابراین ، به اعتقاد من صحیح‌تر آنست که قطع مناسبات او با آلمان را ما بعنوان اولین ودیعه مورد پذیرش قرار دهیم. سپس ما خود می‌توانیم محموله‌هایی را برای دفاع ترکیه از حمله‌های هوایی و انتقام جویانه آلمان، به آن کشور ارسال نماییم و طبیعتاً ، اقدامی را که ما بصورت اشتراکی انجام خواهیم داد، می‌تواند عاملی برای مشارکت و ورود ترکیه به جنگ محسوب گردد. اتحاد با ترکها برای آلمانیها در جنگ گذشته بسیار مفیدو ارزشمند بود و این یک حقیقت است که اگر ترکیه به قطع مناسبات خود با آلمان مبادرت نماید، این امر به منزله یک حلقه از مصیبت و ماتم خواهد بود، که به گردن آلمانیها انداخته خواهد شد و بنظر می‌آید که حالا بهترین موقع مناسب برای به صدادر آوردن ناقوس عزا است.

۳- درباره این مسائل،من فقط نظرشخصی خود را برای جنابعالی بیان نمودم، نظری که آقای ایدن نیزآقای مولوتوف را در جریان آن قرارخواهد داد.

٤- ما در نرماندی نزدیک به یک میلیون و ۵۰ هزار نفر سرباز، به انضمام انبوه عظیمی سلاح و تجهیزات جنگی در اختیار داریم که روزانه بطور کمکی حدود ۲۵ هزار نفر رزمنده نیز به این تعداد افزوده می گردد.

نبرد بسیار شدید است و ما و آمریکاییها در پیکاری که قبل از این نبرد جریان داشته، ٦٤ هزار نفر تلفات داشته‌ایم . البته درباره تلفات این نبرد تازه هنوز گزارشی به ما نرسیده است.

کلیه آمار و ارقام نشان می‌دهد که دشمن نیز تلفاتی دست کم به اندازه ما داشته است، مضافاً آنکه، ما ۵۱ هزار نفر را هم به اسارت گرفته‌ایم.

با توجه به اینکه حمله را ما آغاز کرده‌ایم و از طریق دریا نیز به پیاده کردن نیروها مبادرت نموده‌ایم، من خیال می کنم که دشمن بسیار مضطرب و آشفته خاطر است. گسترش جبهه ادامه خواهد یافت و نبرد و مبارزه ، بدون وقفه جریان خواهد داشت.

۵- الکساندر هم در ایتالیا دشمن را سرسختانه تحت فشار قرار داده است. او امیدوار است که از خط پیزا-ریمینی عبور کرده و تا دره رودخانه «پو» پیشروی نماید.

بدین ترتیب، او یا اینکه چند لشگر آلمانی دیگر را به سوی خود خواهد کشید و یا از نظر سوق الجیشی به موقعیت های خوب و مناسبی دست خواهد یافت.

٦- لندنیها با مقاومت و پایداری، بمباران‌های هوایی را که تا بحال حدود ۲۲ هزار نفر قربانی گرفته است، تحمل کرده و گویا این بمباران‌ها برای آنها بصورت یک پدیده همیشگی درآمده است.

۷- یکبار دیگر نفوذ و پیشروی غرور آفرین شما را در منطقه «ویلنو» تبریک می‌گویم.

سند شماره ۲۹۵

نامه خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱- اخبار تأیید شده‌ای را دریافت داشته‌ایم که مدتها است آلمانیها از یک مرکز آزمایشی در «دبیتسا» واقع در لهستان اقدام به آزمایش راکت‌های پرنده نموده‌اند. براساس گزارشهای رسیده، خرج گلوله هر یک از این راکت‌ها از ماده منفجره‌ای به وزن تقریبی دوازده هزار پوند تشکیل شده و اقدامهای دفاعی و متقابل ما در برابر این راکت‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای بستگی به اطلاعاتی خواهد داشت که ما بتوانیم قبل از استفاده و بهره‌گیری دشمن از آنها علیه خود، بدست آوریم. دبیتسا در سر راه نیروهای فاتح و مهاجم شما قرار گرفته و به احتمال قریب به یقین شما ظرف چند روز آینده این مرکز را به تصرف خود در خواهید آورد.

۲- با وجودیکه آلمانیها ، به احتمال قوی، تا آنجا که بتوانند به انهدام تجهیزات موجود در دبیتسا و یا خارج ساختن آنها از آنجا اقدام خواهند کرد، اما هنگامی که این منطقه در اختیار روسها قرار بگیرد،

یقیناً می‌توان اطلاعات فراوانی را بدست آورد . از جمله، ما می‌خواهیم بدانیم که چگونه و با چه سیستمی موشک‌ها رها می‌شوند، زیرا این امر امکان ساخت ایستگاههای پرتاب موشک را برای ما فراهم خواهد آورد.

۳- بنابراین، آقای مارشال استالین! من ممنون شما خواهم شد اگر نسبت به حفظ و حراست از دستگاهها و تجهیزات این مرکز در دبیتسا که پس از تصرف منطقه در اختیار شما قرار خواهد گرفت، دستورهای مقتضی صادر فرموده و سپس به منظور بازدید و مطالعه کارشناسان و متخصصین ما از این مرکز آزمایشی، امکاناتی را در اختیار ما قرار دهید.

۱۳ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۹٦

نامه خصوصی چرچیل به مارشال استالین

از جنابعالی بخاطر ارسال پیام تبریکتان بسیار تشکر می کنم. من رونوشت آن را به ژنرال مونتگمری تسلیم داشته و خاطر نشان ساختم که او می‌تواند مفاد آن را به سپاهیان خود ابلاغ نماید.

۱۳ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۹۷

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۲ ژوئیه جنابعالی را دریافت نمودم.

۱- من در اینجا به تکرار آنچه که در مورد مسئله مربوط به رومانی و یونان در مکاتبات بین سفیر ما در لندن و آقای ایدن انعکاس داشته و مفاد آن نیز برای شما روشن می‌باشد، ضرورتی احساس نمی‌کنم. اما برای من آشکار شده که در این مسئله ابهاماتی برای دولت آمریکا پدید آمده که بهتر است پس از اینکه ما پاسخ آمریکا را در جواب سئوال خود دریافت نمودیم، به این مسئله بپردازیم . من به محض مشخص شدن توضیحات دولت آمریکا، بلافاصله برای جنابعالی درباره این مسئله نامه‌ای بصورت پیرو و تکمیلی خواهم نوشت.

۲- مسئله مربوط به ترکیه را باید از دیدگاه آن حقایقی مورد بررسی قرار داد که جریان آن برای دولت‌های بریتانیای کبیر ، اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا به خوبی واضح می‌باشد و زمان آن مربوط به مذاکرات با دولت ترکیه در اواخر سال گذشته می‌شود. البته جنابعالی بخاطر دارید که در ماههای نوامبر و دسامبر سال ۱۹٤٤ چگونه دولتهای سه کشور ما مصرانه پیشنهاد ورود به جنگ علیه آلمان هیتلری را به طرفداری از متفقین به دولت ترکیه ارائه نمود و از این پیشنهاد نتیجه‌ای حاصل نگردید. همانطور که شما اطلاع دارید، در ماههای مه و ژوئن سال جاری نیز بنا به ابتکار دولت ترکیه ، ما از نو وارد مذاکره با این دولت شدیم و دوباره همان پیشنهادی را که سه دولت متفق در پایان سال گذشته عنوان کرده بود، مطرح ساختیم. اما طرح مجدد پیشنهاد باز هم نتیجه‌ای حاصل نداد. درباره آنچه که مربوط به تدابیر و اقدامات نیم بند و ناپایدار ترکیه می‌شود، باید بگویم که من در حال حاضر در آن سودی برای

متفقین مترتب نمی‌بینم. با توجه به موضع گیری مبهم و نامشخص و طفره جویانه دولت ترکیه نسبت به آلمان، بهتر است که ترکیه را آسوده گذاشته و بدون وارد آوردن فشار تازه بر این کشور، او را به میل و اراده خود آزاد گذاریم.

البته ، این امر مبین این خواهد بود که پس از پایان جنگ ، خواسته‌های کشور ترکیه در زمینه کسب حقوق ویژه بعنوان کشوری که از جنگ با آلمان احتراز داشته، فاقد اعتبار خواهد شد.

۳- ما تقاضای شما را در رابطه با مرکز آزمایشی در دبیتسا که در نامه مورخ ۱۳ ژوئیه خود عنوان فرموده‌اید به اجرا در خواهیم آورد، در صورتی که این ایستگاه را به تصرف خود درآوریم. من خواهش می‌کنم که جنابعالی مشخصاً تعیین بفرمایید کدام دبیتسا مورد نظر شما می‌باشد، زیرا اینطور که گزارش می‌دهند، در لهستان چندین مرکز آزمایشی تحت همین نام وجود دارد.

٤- از اطلاعاتی که درباره موقعیت در نرماندی و ایتالیا و همچنین از تبریکاتی که به مناسبت نفوذ و پیشروی ما در منطقه ویلنو ارسال فرموده‌اید، از جنابعالی تشکر می‌کنم.

۱۵ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۹۸

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- در رابطه با تلگرام مورخ ۱۵ ژوئیه جنابعالی در خصوص مرکز آزمایشی در دبیتسا، اطلاعات رسمی زیر را که کشور بریتانیا درباره محّل استقرار ایستگاه مذکور تهیه کرده است، به استحضار شما می‌رسانم.

۲- منطقه مورد نظر ما، جایی که در آنجا آزمایش پرتاب موشک‌های بزرگ انجام می‌گردد، واقع در شمال شرقی دبیتسا یا دبیتسه روی خط آهن اصلی بین «کراکوف» و «لووف» می‌باشد که مدار ۵۰ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و نصف النهار ۲۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی از آن می‌گذرد. سطح منطقه آزمایش تقریباً ۱۰ مایل در سه و نیم مایل و بین نقاط زیر قرار گرفته است:

الف- ۵۰ درجه و ۷ دقیقه شمالی، ۲۱ درجه و ۲۷ دقیقه شرقی

ب- ۵۰ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی، ۲۱ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی

پ- ۵۰ درجه و ۱۱ دقیقه شمالی، ۲۱ درجه و ۳۹ دقیقه شرقی

ت-۵۰ درجه و ٤ دقیقه شمالی، ۲۱ درجه و ۳۲ دقیقه شرقی

۳- احتمالاً آنها دارای هزار موشک از این مدل هر یک با وزن حدود پنج تن می‌باشند. اگر این امر حقیقت داشته باشد، مسئله برای لندن بسیار مهم و حیاتی خواهد شد. در حال حاضر با توجه به اینکه تعداد کشته‌ها و زخمی‌های ما نزدیک به سی هزار نفر می‌باشد، معهذا مردم مقاومت بسیار خوبی از خود نشان می‌دهند. پارلمان می‌خواهد که من اعضای آن را به این امر متقاعد سازم که همه امور با قدرت کامل انجام می گردد. بنابراین شما به ما کمک خواهید کرد اگر بتوانید اطلاعاتی را درباره مرکز آزمایشی مزبور در اختیار ما قرار داده و ضمناً به ما اعلام بفرمایید که یکی از افراد ما می‌تواند برای آشنایی با آن مرکز به آنجا اعزام گردد. ما از موشکی که به سوئد پرتاب شده و منفجر نگردیده اطلاعات بسیاری بدست آورده‌ایم، اما ادامه تحقیقات در لهستان ، اطلاعات ما را قطعاً کامل‌تر و پربهاتر می کند. موشک پرتاب شده به سوئد دارای یک دستگاه رادیویی مخصوص به خود می‌باشد که ما بویژه خواهان دریافت آن می‌باشیم، هرچند که این دستگاه ظاهراً بصورت جزئی بسیار بی‌اهمیت بنظر می‌آید.

چنانچه جنابعالی بین افسران خود و ژنرال «بارروز» و ژنرال «دین» ایجاد ارتباط فرموده و به افسران خود دستور انجام کمک و مساعدت به این ژنرال ها را صادر بفرمایید، در آن صورت برای جنابعالی دیگر در این زمینه هیچ مزاحمتی فراهم نخواهد شد.

٤- بدون تردید، وقتی جنابعالی از پیشروی نیروهای عظیم متشکل از هفتصد یا هشتصد دستگاه تانک و دسته‌های مکانیزه بسیار عالی و توپخانه مجهز ما در جلگه‌های نرماندی و استقرار آنان در پشت جبهه دشمن و همینطور از وخامت

فوق العاده شدیدی که بواسطه نبرد روزهای متوالی ما در خطوط جبهه دشمن بوجود آمده آگاهی حاصل بفرمایید ، قطعاً خوشحال خواهید شد.

بر این اساس، من به رویدادها خیلی خوشبینانه نگاه می کنم و امیدوار می‌باشم که جبهه دشمن را کلاً در هم خواهیم شکست. با وجود این، در جنگ کنونی همه دچار یأس و ناامیدی شده بودند؛ بهر حال آنچه را که من قصد بیان آن را دارم ، امیدوار هستم که به زودی با اخباری خوش به اطلاعتان برسانم. من فردا عازم نرماندی خواهم بود با این نیت که چند روزی را در آنجا بگذرانَم.

۱۹ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۲۹۹

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- در تلگرام ۸ ماه مه خود جنابعالی نسبت به اهداء نشان لیاقت به اشخاص و افسرانی که در سازماندهی کاروان‌های (۲)قطب شمال تلاشی مجدانه بعمل آورده‌اند، اشاره داشته‌اید. من مدتها برای آن نامه پاسخی تهیه نکرده بودم، زیرا در این رابطه باید تحقیقاتی را به انجام می‌رساندم. من اکنون توصیه می‌نمایم که جنابعالی لرد بیوربروک را هم به همان نشانی که برای آقای «لیتل تن» در نظر گرفته‌اید، سرافراز بفرمایید. او اولین کسی بود که ضرورت سازماندهی کاروان‌های کشتی را خاطر نشان ساخت ، بویژه آنکه، صرفاً در اثر مساعی و

فعالیت‌های وی بود که از اتلاف چند ماه صرف وقت اضافی جلوگیری بعمل آمد. او در همان ابتدا به همراهی هیأتی به حضور شما معرفی گردید و من اطمینان دارم که لرد بیوربروک از دریافت نشان روسی بسیار خرسند خواهد شد. بهر حال، هر دو نفر این آقایان وزراء از دریافت مدال روسی مباهات خواهند کرد.

اشخاص دیگری هم در رده‌های پایین‌تر قرار دارند که خدمات مفید و سودمندی انجام داده‌اند، البته، اگر جنابعالی در شرایطی نمی‌باشید که افراد با درجات پایین را هم به نشان سرافراز فرمایید، من در رابطه با آنان از محبت و حسن نیت شما سوء استفاده نخواهم کرد. معمولاً این اشخاص فعالیتهای چشمگیری از خود نشان می‌دهند، اما اغلب به چشم نمی‌آیند. ما در سیستم اهدای نشان‌های خود دارای انواع متعدد جوایز مشابه می‌باشیم که آنها را با شیوه‌ای دلپسند اهدا می‌نماییم. بهر حال من می‌توانم حتی نام خانوادگی این اشخاص را هم در اختیار شما قرار بدهم.

۲- اولین کاروان از دوره جدید، در ماه اوت به حرکت در خواهد آمد. پس از آن در نظر دارم که اعزام عادی کاروان‌ها را بدون وقفه، در صورتیکه استفاده از ناوشکن‌ها در جایی دیگر با ذکر دلایل کافی ضروری تشخیص داده نشود، از سر آغاز نماییم. البته، من فکر نمی‌کنم که چنین اتفاقی رخ بدهد. ما به زودی می‌توانیم امکان استفاده از مسیرهای کوتاه را هم بدست آوریم.

۳- من از انتشار هر نوع اعلامیه مربوط به لهستان پرهیز می‌نمایم، زیرا اعتقاد و باور دارم که چنانچه جنبش زیرزمینی لهستان در واقع ضربات نیرومند و قابل اطمینانی را به آلمانیها وارد آورد، جنابعالی به ایجاد رابطه دوستی با این جنبش

اقدام خواهید فرمود. من امیدوارم که چنانچه «میکولایچیک» از شما تقاضای ویزا نماید، شما با مسافرت او به نزد خود موافقت بفرمایید.

٤- تمام جهان از حملات سازمان یافته‌ای که بطور همزمان و یکباره از سه جهت مختلف علیه آلمان بعمل آمده به هیجان آمده است.

امیدوار هستم که جنابعالی ، پرزیدنت روزولت و من بتوانیم قبل از فرا رسیدن زمستان در محل مزبور و یا در مکانی دیگر به دیدار هم نائل آییم . این دیدار را باید بخاطر مردمان تیره‌بخت و سیه روزی که در همه جا پراکنده می‌باشند، ترتیب داد.

۲۰ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۰۰

نامه محرمانه و خصوصی

آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

در رابطه با آخرین نامه جنابعالی ، من دستورهای لازمه را در مورد مرکز آزمایشی «دبیتسا» صادر نمودم. در رابطه با این مسئله ، ژنرال «اسلاوین» نماینده ستاد کل تماس‌های لازم را با ژنرال «بارروز» و ژنرال «دین» برقرار خواهد کرد. برای من مفهوم است که چرا دولت بریتانیا تا این اندازه نسبت به این مسئله توجه جدی معطوف می‌دارد . بنابراین من به جنابعالی قول می‌دهم که به منظور انجام کلیه امور مربوطه بر اساس خواسته شما و مطابق با امکانات ما ، این کار را خود شخصاً زیر نظر داشته باشم.

با خرسندی بسیار از نامه شما اطلاع یافتم که نیروهای شما در نرماندی به پشت جبهه آلمانیها رسیده‌اند. کسب پیروزیهای بعدی را برای شما آرزو می‌نمایم.

۲۲ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۰۱

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۰ ژوئیه شما را دریافت نمودم. اکنون فقط درباره مسئله لهستان برای شما می‌نویسم.

رویدادها در جبهه ما با آهنگی بسیار تند پیش می‌روند، «لوبلین» یکی از شهرهای بزرگ لهستان امروز به تصرف نیروهای ما که به پیشروی خود ادامه می‌دهند، درآمد.

در این شرایط، مسئله اجرایی مربوط به اداره سرزمین لهستان برای ما مطرح گردیده است. ما تمایلی به اداره امور سرزمین لهستان نداشته و نخواهیم داشت، زیرا ما نمی‌خواهیم در امور داخلی لهستان مداخله نماییم. این امر را خود لهستانیها باید انجام دهند. بنابراین، ما معتقدیم که باید با کمیته ملی رهایی بخش لهستان که اخیراً بوسیله شورای ملی لهستان تشکیل یافته است، تماس برقرار سازیم. شورای ملی لهستان همان شورایی است که در اواخر سال گذشته در ورشو با شرکت

نمایندگان احزاب و گروههای دموکراتیک اعلام موجودیت کرد و قاعدتاً سفیر شما در مسکو بایستی جنابعالی را از کم و کیف وجودی آن مطلع ساخته باشد. کمیته ملی رهایی بخش لهستان مصمم به اداره امور سرزمین لهستان بوده و من امیدوار هستم که این امر در آینده تحقق یابد. در لهستان ما قدرت دیگری را که دارای توان تشکیلاتی باشد و بتواند لهستان را سازماندهی نماید، پیدا نکرده‌ایم.

بدین ترتیب ، سازمان‌های به اصطلاح زیر زمینی که توسط دولت لهستانیٔ مستقر در لندن هدایت می‌شوند، موقتی و ناپایدار و از داشتن پایگاههای مردمی محروم و بی‌بهره می‌باشند. البته ، کمیته لهستان را من نمی‌توانم بعنوان دولت لهستان به حساب آورم، اما احتمال دارد که این کمیته در آینده بتواند در تشکیل دولت موقت لهستان که منسجم از نیروهای دموکراتیک خواهد بود همانند هسته مرکزی نقش اساسی داشته باشد.

درباره میکولایچیک باید به استحضار جنابعالی برسانم که البته، من از پذیرش او خودداری نخواهم کرد. اما اگر میکولایچیک به کمیته ملی رهایی بخش لهستان که نسبت به او نظر خیر خواهانه دارد مراجعه نماید، بهتر است.

۲۳ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۰۲

نامه خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

۱- از ارسال تلگرام ۲۲ ژوئیه جنابعالی در رابطه با مسئله «دبیتسا» از شما متشکرم. من بسیار خوشحالم که جنابعالی شخصاً نسبت به این مسئله توجه خاصی خواهید فرمود.

۲- قطعاً جنابعالی تا این لحظه تلگرام پیشنهادی پرزیدنت روزولت را نسبت به انجام یک ملاقات مجدد سه جانبه حدوداً برای هفته دوم ماه سپتامبر در شمال اسکاتلند، دریافت داشته‌اید. من ضرورتی در بیان این مطلب مشاهده نمی‌کنم که بگویم دولت سلطنتی انگلستان و اینجانب شخصاً تا چه اندازه صمیمانه امیدوار می‌باشیم که جنابعالی بتوانید به محل مورد ملاقات عزیمت بفرمایید. من با مشکلات شما بخوبی آشنا هستم و خوب می‌دانم که مسافرت‌های شما تا چه اندازه بستگی به وضعیت جبهه‌ها خواهد داشت ، اما من از شما تقاضا می‌کنم، خاصه به این مسئله توجه بفرمائید که دیدار سه جانبه ما منشاء آثار و امتیازات فراوانی خواهد بود و تسهیلات بسیاری را در کلیه امور جاری فراهم خواهد آورد، همان طور که این امر پس از کنفرانس تهران مسبوق به سابقه بوده است. ما معتقدیم که بهترین محل برای ملاقات ما «اینورگوردن» خواهد بود که هر یک از ما می‌تواند به طور مستقل در یک ناو مجهّز استقرار داشته و یا محلی را در ساحل انتخاب کرده و تمامی امور را در

آنجا بعمل آوریم و یا اینکه مکانی را که از تلفیق هر دو مورد باشد مد نظر قرار دهیم.

تمامی تدابیر و اقدامات ضروری مربوطه را به منظور رعایت جوانب محرمانه کار و حفظ امنیت محل می‌توان به طور دلخواه و به راحتی به اجرا درآورد. در ماه سپتامبر در شمال و شمال غربی اسکاتلند هوا معمولاً بسیار خوب و بهتر از هر موقعی می‌باشد. البته، در این زمینه من نمی‌توانم هیچ تضمینی بدهم. در ضمن، من در حال فراهم آوردن مقدمات حرکت خود و پرزیدنت می‌باشم، زیرا ایشان مرا در جریان تصمیم و انجام سفر خود قرار داده‌اند. لطفاً مرا از نظریات و پیشنهادهای خود آگاه بفرمایید.

۳- من پس از یک سفر سه روزه در نرماندی، هم اکنون مراجعت نمودم. حملات ما، آنطور که امیدوار بودیم با سرعت و قدرت آنچنانی انجام نگردید، زیرا هوا غالباً امکان استفاده از نیروی هوائی برتر ما را سلب کرده و اجرای عملیات ما را جداً مختل ساخته بود.

با فرا رسیدن اولین روز خوب و مساعد نبرد جدید ما آغاز خواهد شد، و من امیدوار هستم که این حمله ، فردا ۲۵ ژوئیه آغاز گردد. از زمان پیاده کردن نیروها تا این لحظه ما ۱۱۰ هزار نفر تلفات داشته‌ایم و طبق محاسبات ما دشمن دست کم ۱٦۰ هزار نفر تلفات داشته و ٦۰ هزار نفر هم به اسارت در آمده‌اند. ما در ساحل بیش از یک میلیون و ٤۰۰ هزار نفر نیرو پیاده کرده‌ایم.

در ماه ژوئن توفانی شدید یکی از بنادر ساخته شده ما را از هم متلاشی ساخت، اما ما به کمک بندر باقیمانده روزانه تا ۱۱ هزار تن محموله تخلیه می‌کردیم. کار این بندر، تجسمی از یک منظره زیبا و رؤیایی است. ما این بندر

را با تمام تجهیزاتی که در اختیار داریم، تقویت خواهیم کرد به طوری که بتواند چون کوه در مقابل گردباد و توفان‌های زمستانی ایستادگی نماید. آمریکائیها با سرعت در حال بازسازی و توسعه بندر «شربور» می‌باشندو این بندر قدرت تناژ قابل ملاحظه‌ای را دارا خواهد بود.

مشخص شد که آن شش بندر کوچك را به خوبی می‌توان مورد استفاده قرار داد و خود «کان» نیز، هنگامی که دشمن به حد کافی از آنجا دور شده و به سمت شرق به عقب رانده شود، به صورت بندری درخواهد آمد که با ظرفیت شش هزار تن آماده بهره‌برداری خواهد شد.

٤- قطعاً جنابعالی تا به حال اطلاع حاصل فرموده‌اید که عملیات «انویل» (٦٢) ۱۵ اوت آغاز می‌شود. ما نیروهای کمکی خود را از تمام بخش‌های دریای مدیترانه فراخوانده و در این جا متمرکز ساخته‌ایم تا بتوانیم حملات الکساندر را از طریق کوههای «آپنین» به طرف پایین دره رودخانه «پو» مورد حمایت خود قرار دهیم. او حملات خود را علیه تقریباً ۲۷ لشگر آلمانی که عده سربازان بسیاری از آنها کمتر از حد متعارف می‌باشد، به اجرا در خواهد آورد. الکساندر نزدیک به ٢٤ لشگر اعزامی از هفت کشور را در اختیار و تحت فرماندهی دارد. او امیدوار است که قبل از فرارسیدن زمستان «تریست» را فتح نماید. او با دست راست خود به ژنرال تیتو که ما با تمام امکاناتمان به او یاری می‌رسانیم، دست خواهد داد.

٥- در پایان ، اجازه بفرمایید به خاطر حمله‌های توصیف ناپذیر ارتشهای شوروی و همچنین کسب پیروزیهای بسیار مهم ، صمیمانه‌ترین تبریکات خود

را به حضور جنابعالی تقدیم نمایم.

۲٤ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۰۳

نامه فوری، خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

۱- آقای میکولایچیک در رابطه با فرازی که در قسمت آخر نامه مورخ ۲۳ ژوئیه جنابعالی درج گردیده است، فردا شب حرکت خواهد کرد. او آقای «رومر» و «گرابسکی» را با خود همراه خواهد داشت. دولت سلطنتی انگلستان نسبت به تأمین وسیله نقلیه وی تا تهران و یا تا مسکو در صورت نیاز اقدام خواهد کرد. او خواهان انجام مذاکرات جامع و دوستانه با شخص جنابعالی می‌باشد. آقای میکولایچیک از حمایت کامل و همه جانبه کلیه همکاران خود در دولت لهستان، که البته ما شناسایی این دولت را همچنان ادامه خواهیم داد، برخوردار می‌باشد.

۲- آرزوی قلبی ما در اینست که تمام لهستانیها در امر بیرون راندن آلمانیها از کشور خود و ساختن لهستانی آزاد، نیرومند و مستقل متحد و متفق گردند و به همان گونه‌ای که شما آن را به عنوان یکی از اهداف خود اعلام کرده‌اید، با روسیه همکاریهای دوستانه برقرار سازند.

۳- من رئیس جمهور ایالات متحده را از مضمون تلگرامی که شما برای من مخابره کرده بودید ، مطلع ساخته و رونوشتی از آن را نیز برای ایشان ارسال داشتم. ایشان یقیناً با جنابعالی تماس خواهند گرفت .

۲۵ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۰٤

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۱- در زمینه اعطای نشان، علاوه بر آقای «لیتل تن» ، به لرد «بیوربورک» که خدمات بسیار ارزنده‌ای در سازماندهی موفقیت آمیز کاروان‌ها(۲) بعمل آورده و در واقع لیاقت و شایستگی دریافت نشان عالی را دارا می‌باشند، من با جنابعالی کاملاً موافقم. دولت شوروی مراتب حمایت خود را نسبت به اعطای نشان درجه یک «سوورف» به لرد بیوربروک و آقای لیتل تن در برابر شورای عالی اعلام خواهد داشت. دولت شوروی همچنین نسبت به اهدای جوایز به اشخاص با رده‌های پایین‌تر که در سازماندهی و هدایت کاروان‌های کشتی ابراز شایستگی کرده، با جنابعالی هم عقیده است و برای این منظور یکصد و بیست نشان و پنجاه مدال در نظر گرفته است. اطلاعیه قطعی در این رابطه متعاقباً از طریق کانال دیپلماسی اعلام خواهد شد.

۲- از نامه شما با خوشحالی کسب اطلاع کردم که در ماه اوت کاروانی را به سمت شوروی اعزام خواهید داشت و متعاقب آن همانطور که خاطر نشان

ساخته‌اید، سیکل جدید کاروانها که در حقیقت نیاز مبرمی به آنها احساس می‌شود، به حرکت در خواهد آمد.

۳- در رابطه با ملاقات سه جانبه جنابعالی ، پرزیدنت روزولت و اینجانب که در نامه ۲٤ ژوئیه خود به آن اشاره فرموده‌اید ، باید به اطلاع شما برسانم که من نیز چنین دیداری را دلخواه و مطلوب می‌دانم، اما در این بحبوحه که ارتش‌های شوروی در جبهه‌ای با اینهمه گسترد گی و وسعت به نبرد مشغولند و پیوسته بر دامنه تهاجمات خود می‌افزایند، از انجام سفر به خارج از اتحاد شوروی محروم بوده و نمی‌توانم پست فرماندهی ارتشها را برای لحظه‌ای ترک نمایم. براساس نظریه همه همکارانم این امر مطلقاً امکان پذیر نخواهد بود.

٤- جنابعالی درباره انجام یک حمله جدید در نرماندی که از پیش تعیین گردیده است، اعلام خبر نموده‌اید.اگر این حمله گسترش یابد، نقش فوق العاده‌ای در ایجاد شرایطی برای آلمان ایفا خواهد کرد که در نتیجه آن هیتلر در وضعیت بسیار پیچیده‌ای قرار خواهد گرفت.

٥- موفقیت عملیات «انویل»(٦٢) شکست هیتلر را تسریع خواهد کرد و بهر حال برای او موانع و مشکلات غیر قابل حلی را موجب خواهد گردید . من امیدوار هستم که شما در این هدف نیز ، همچون برنامه حمله و نفوذ به نرماندی ، پیروزی چشمگیری را بدست آورید.

از تبریکات دوستانه‌ای که به مناسبت پیروزی ارتش‌های شوروی ارسال فرموده‌اید ، از جنابعالی تشکر می کنم.

٢٦ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۰۵

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- آقـای میکولایچیک به اتفاق همکاران خود عزیمت نمودند. من اطمینان دارم کـه آقـای میکولایچیک صـمیمانه مـی‌خـواهد کـه بـه برقـراری اتحـاد و همبسـتگی بـین همـه لهسـتانیها ، بـه اعـتقاد مـن بـر اسـاس آنچـه که جنابعالی ، اینجانب و پـرزیدنت بـه توافـق رسـیده‌ایـم، کـمـک نمایـد. مـن فکـر مـی کـنم، لهسـتانیهایی کـه مـتمایل بـه داشتن روابط دوستانه با روسیه می‌باشند، باید با آن لهسـتانیهایی کـه خـواهان برقـراری دوسـتی بـا بـریتانیا و ایـالات متحده هستند، ائـتلاف حاصـل نمایـند تـا بتوانـند در آیـنده، لهسـتانی قدرتمند ، آزاد و مستقل بوجـود آورده و همسـایه خوبی برای روسیه بوده و حائل محکم و استواری بین کشـور شـما و آلمان متجاوز فراهم آورند. ما هر سه نفر باید به طریقه‌ای شایسته نسبت به حائل‌های دیگری نیز تلاش به عمل آوریم.

۲- جای بسی تأسف و حتی بد اقبالی خواهد بود که کشورهای دمکراتیک غربـی در شـرایطی قرار گیرند که یک ارگان از لهستانیها را مورد شناسایی قرار داده و شـما ارگـان دیگـری را بـه رسمیت بشناسید. این امر باعث بروز اختلاف همیشـگی خـواهد شـد و چـه بسـا موانع و مشکلاتی را برای امور عالیه‌ای که ما ناگزیـر بـه اجـرای آن در سراسر جهان خواهیم بود، فراهم آورد. بنابراین من از جنابعالـی خـواهش مـی کـنم کـه ایـن چند سطر را با همان روح و احساس بیان

شده، روح و احساسی از دوستی خالصانه ، روح و احساسی از اتحاد بیست ساله ما بپذیرید.

۲۷ ژوئیه سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۰٦

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

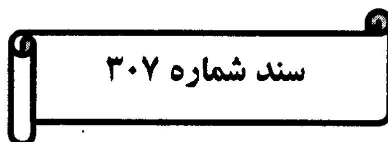
نامه‌های ۲۵ و ۲۷ ژوئیه جنابعالی را در خصوص عزیمت میکولایچیک دریافت نمودم. نسبت به آقای میکولایچیک و همراهان او به هنگام ورود به مسکو مساعدت‌های لازم بعمل خواهد آمد.

شما با نقطه نظرات ما در مورد مسئله لهستان که همسایه ما می‌باشد و رابطه با او برای اتحاد شوروی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است آشنایی دارید. ما به کمیته ملی متشکل از نیروهای دموکراتی که در خاک لهستان تأسیس یافته درود می‌گوئیم و من خیال می‌کنم که تشکیل این کمیته برای اتحاد لهستانیهایی که خواهان استقرار مناسبات دوستانه با بریتانیای کبیر ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا بوده و همچنین برای طرد آن عناصر لهستانی مخالفی که قادر به همکاری و همبستگی با نیروهای دموکراتیک نبوده، زیر بنای خوبی می‌باشد.

اهمیت مسئله لهستان در رابطه با هدف مشترک متفقین برای من روشن است و بر همین اساس من آماده کمک به همه لهستانیها و میانجیگری بین آنها

در جهت نیل به کسب توافقی مطلوب می‌باشم. نیروهای شوروی هر نوع اقدامی را در حد توان خود برای تسریع در امر رهایی لهستان از اشغالگران آلمانی و کمک به ملت لهستان در راه برقراری مجدد آزادی و شکوفائی میهنشان بعمل آورده و بعمل خواهند آورد.

۲۸ ژوئیه سال ۱۹٤٤



نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- از خبری که در بند اول از نامه شما درباره اعطای نشان درج گردیده و همینطور از احساس بزرگ منشانه‌ای که در خصوص اشخاص با رده‌های پایین ابراز داشته‌اید، از جنابعالی بسیار متشکرم. همانطور که خاطر نشان ساخته‌اید انجام تشریفات مربوطه از طریق کانال دیپلماسی انجام خواهد شد. ما با دقیق‌ترین شیوه‌های خود آن دسته از افرادی را که باید به نشان لیاقت آراسته شوند، انتخاب و معرفی خواهیم کرد.

۲- مطلب زیر به هیچوجه ارتباطی به امور اینجانب ندارد . اما با وجود این، جنابعالی یقیناً به خاطر دارید که «هاری هپکینس» با حالی ناخوش با هواپیما وارد کشور شما شد(۷۸) و البته ، او با خستگی مفرط به انگلستان مراجعت نمود. بدون شک، در آن کشتی‌های باری بسیار متعددی که آنها برای شما

اعـزام داشـته‌انـد، تعدادی آمریکایی همراه بوده که جا دارد جنابعالی به آنها نیز که کارشان خوب و رضایتبخش بوده است، بذل توجه بفرمایید.

۳- مـن بایـد بـا تأسـف فـراوان، در عـین حـال بـا درک عمـیق ، آنچـه را کـه جنابعالـی در مـورد ملاقـات آیـنده‌مـان بـیان فـرموده‌ایـد، بپذیـرم. مـن خـیال مـی‌کـنم کـه شـما در ایـن بـاره پـرزیدنت را نیـز در جـریان قـرار داده‌اید.

٤- پیروزیهای شما روزبروز درخشنده‌تر می‌باشند.

با اهدای آرزوهای خوب

۲۹ ژوئیه سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۰۸

نامه محرمانه و خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

در زمیـنه اعطـای نشـان بـه اشـخاص ممـتازی کـه در سـازماندهی و هدایت کـاروان‌هـا(۲) فعالـیت داشـته‌انـد، بدیهی است که آمریکاییان را نیز از نظر دور نداشته‌ایم. از جنابعالی به خاطر توصیه دوستانه‌ای که فرموده‌اید ، تشکر می‌کنم.

دربـاره عـدم امکـان ملاقـات مـا در زمـان کنونـی بـا جنابعالـی و پـرزیدنت روزولـت ، مـن در همـان موقـع ضمن تشریح علل و عوامل موجود پرزیدنت را در جریان امر قرار دادم.

سپاس مرا بخاطر ابراز آرزوهای خوب خود بپذیرید.

اول اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۰۹

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

در نامه ۲۲ ژوئیه خود جنابعالی با عنایتی خاص به من اطلاع دادید که در رابطه با مرکز آزمایشی دبیتسا دستورهای لازم را صادر فرموده‌اید.

گروه کارشناسان بریتانیایی چند روز است که در تهران برای دریافت ویزای ورود به اتحاد شوروی در انتظار به سر می‌برند، با این که در ۲۸ ژوئیه به سفیر انگلستان آقای کلارک کر مأموریت داده شده بود که او از دولت شوروی تقاضا نماید که آن دولت طی دستوری به عنوان نمایندگی شوروی در تهران، خواستار صدور ویزای مربوطه باشد. جنابعالی از روی حسن نیت به من اظهار فرموده‌اید که مسئولیت نظارت برای اجرای این کار را خود شخصاً بعهده خواهید گرفت. بنابراین، آیا من می‌توانم از جنابعالی تقاضا کنم که نسبت به حرکت سریع کارشناسان ما در ادامه راه خود دستورهایی مقتضی صادر بفرمائید؟

۳ اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۱۰

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۳ اوت جنابعالی درباره مرکز آزمایشی را دریافت نمودم.

به سفیر شوروی در تهران دستور داده شد که فوراً نسبت به صدور ویزای ورود کارشناسان بریتانیایی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اقدام نماید.

٤ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۱۱

نامه فوری، محرمانه و خصوصی

آقای چرچیل به مارشال استالین

بر اساس تقاضای فوری ارتش زیر زمینی لهستان ما حدود شصت تن تجهیزات و مهمات را،بستگی به وضعیت هوا خواهد داشت، در منطقه جنوب غربی ورشو باراندازی خواهیم کرد، جائیکه طبق گزارشهای رسیده لهستانیها علیه آلمانیها به قیام برخاسته و نبرد سختی را می‌گذرانند. آنها همچنین اعلام می‌دارند که از نیروهای روسی که بنظر می‌آید کاملاً در نزدیکی آنها استقرار یافته‌اند، تقاضای کمک کرده‌اند. یک و یک دوم لشگر از نیروهای آلمانی به آنان یورش آورده‌اند. این امر می‌تواند در جهت کمک به عملیات شما مؤثر

واقع شود.

٤ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۱۲

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- در پاسخ به سئوال اینجانب، من هم اکنون یادداشتی از لرد اول رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی دریافت نمودم که در پی خواهد آمد. با توجه به تعداد بسیار زیاد نفرات نیروهای آلمانی در فنلاند و کشورهای مشرف به دریای بالتیک که شما در آنجا راه را بر آنها بسته‌اید، به نظرم آمد که احتمالاً جنابعالی خواهان این امر خواهید بود که چند فروند از سفینه‌های زیر دریایی ما برای کمک به شما در جهت انهدام کشتی‌های آلمانی در دریای بالتیک شرکت جسته و هیتلری‌ها را محاصره نمایند.

۲- اگر جنابعالی احساس می‌فرمایید که این طرح می‌تواند مفید واقع شود، در آن صورت به من اطلاع دهید تا ما فوراً وارد عمل شویم . از طرفی، چنانچه فکر می‌کنید که این پروژه سودمند نخواهد شد. یا اینکه مناسب نمی‌باشد و یا بنظر می‌آید که زمان آن گذشته است، بی‌هیچ تردیدی نظر خود را نسبت به این برنامه بیان بفرمائید.

۳- آغاز یادداشت:

« اگر چنانچه روسها بتوانند کانال دریای سفید و دریای بالتیک را باز کنند، اعزام تا شش سفینه زیردریایی به سمت هر یک از بنادر دریای بالتیک امکان پذیر خواهد بود. گزارشهای رسیده حاکی است که روسها تا ماه سپتامبر ، به علت خسارات سنگینی که آلمانیها قبل از خروج خود در ماه ژوئن به تأسیسات کانال وارد ساخته‌اند ، قادر به باز کردن کانال نخواهند بود. کانال تا قبل از اکتبر غیر قابل کشتی‌رانی خواهد بود، و عبور کشتی‌ها اغلب تا ۱٤ روز بطول می‌انجامد. سفینه‌های زیر دریایی حداکثر تا ماه دسامبر می‌توانند در دریای بالتیک به فعالیت بپردازند، قبل از آنکه یخبندان مانع از حرکت آنها گردد.

ما یک فروند کشتی زیر دریایی مدل «اس» و سه فروند زیر دریایی مدل «یو» را موقتاً در اختیار روسها قرار داده‌ایم که آنها خود می‌توانند نسبت به انتقال این سفینه‌ها به دریای بالتیک اقدام نمایند.

هر یک از سفینه‌های زیر دریایی اعزامی باید به منظور عبور از کانال بار خود را سبک نماید، ضمناً قطعات یدکی و نیروی محرکه رزرو را باید بطور جداگانه ارسال نمود». **پایان یادداشت.**

٤ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۱۳

محرمانه و خصوصی
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را درباره ورشو دریافت داشتم.

فکر می‌کنم اطلاعاتی را که درباره لهستانیها به حضورتان گزارش کرده‌اند بسیار مبالغه‌آمیز و دور از باور است. بر این اساس اینطور استنباط می‌شود که گویا لهستانیهای مهاجر تصرف «ویلنو» را به کمک بخشهایی از قشون منطقه‌ای به خود اختصاص داده و حتی در این مورد از طریق رادیو هم اعلامیه منتشر ساخته‌اند. این امر بهیچوجه نمی‌تواند با واقعیت مطابقت داشته باشد. قشون منطقه‌ای لهستانیها از چند دسته تشکیل شده که به غلط نام لشگر بر آن نهاده‌اند. آنها نه توپخانه دارند، نه نیروی هوایی دارند و نه دارای تانک می‌باشند. من گمان نمی‌کنم که چنین دسته‌هایی بتوانند ورشو را که آلمانیها برای دفاع از آن چهار لشگر زرهی، از جمله لشگر هرمان – هرینگ را بسیج نموده‌اند، به تصرف در آورند.

۵ اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۱٤

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

در باره اعزام شش فروند سفینه زیردریایی انگلیسی به دریای بالتیک باید مطلب زیر را به استحضار جنابعالی برسانم : کانال دریای سفید و دریای بالتیک به وسیله آلمانیها شدیداً آسیب دیده و استفاده از آن در سال جاری مطلقاً امکان پذیر نخواهد بود.

اگر سفینه‌های زیر دریایی انگلیسی بتوانند از طریق اسکاگراک- کاتگات به دریای بالتیک راه یابند، همانطور که این برنامه را در جنگ جهانی گذشته پیاده کردند، در آن صورت این امر یک اقدام عالی به شمار خواهد آمد و ضربه دیگری بر پیکر آلمانیها فرود خواهند آورد.

۵ اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۱۵

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

می‌خواهم جنابعالی را در جریان ملاقات با میکولایچیک، گرابسکی و رومر قرار دهم. گفتگو با میکولایچیک مرا متقاعد ساخت که او در امور لهستان از اطلاعاتی کافی برخوردار نمی‌باشد. در عین حال این تأثیر هم در من

بوجود آمده که میکولایچیک مخالف با یافتن راهی به سوی متحد ساختن لهستانیها نمی‌باشد.

بی‌آنکه ضرورتی در تحمیل تصمیم به خصوصی بر لهستانیها احساس نمایم، به میکولایچیک پیشنهاد نمودم که او و همکارانش ضمن ملاقات با نمایندگان کمیته ملی رهایی بخش لهستان خود به اتفاق، مسائل دوجانبه را و قبل از هر چیز به قید فوریت مسئله مربوط به اتحاد و همبستگی همه نیروهای دموکراتیک لهستان را در مناطق آزاد شده لهستان، مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند. ملاقات‌ها انجام گردید و من در جریان مذاکرات هر یک از طرفین قرار گرفتم.

هیئت نمایندگی کمیته ملی، پذیرش قانون اساسی سال ۱۹۲۱ را به عنوان پایه و اساس فعالیت‌های دولت لهستان مورد پیشنهاد قرار داده است که در صورت موافقت با این امر ، چهار کرسی وزارت برای گروه میکولایچیک ، از جمله پست نخست وزیری برای میکولایچیک در نظر گرفته شده است. اما میکولایچیک این پیشنهاد را مورد موافقت قرار نداده است.

متأسفانه این ملاقاتها هنوز به نتایج مطلوبی منتج نگردیده است. اما به هر حال این دیدارها منشاء آثار مثبتی می‌باشد، زیرا هم برای میکولایچیک و هم برای «موراوسکی» و «بروت» که به تازگی از ورشو آمده‌اند ، این امکان بوجود آمد که هریک از آنها نقطه نظرات خود را به اطلاع طرف دیگر برساند، خاصه آنکه چه کمیته ملی لهستان و چه میکولایچیک هر یک به نسبت یافتن امکاناتی عملی در زمینه همکاریهای مشترک اظهار علاقه می‌نماید.

این امر را می‌توان به عنوان اولین مرحله از مناسبات بین کمیته لهستان و میکولایچیک و همکاران او تلقی نمود. امیدوار خواهیم بود که در آینده کارها روند بهتری داشته باشند.

۸ اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۱٦

نامه خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- از ارسال تلگرام ۸ اوت جنابعالی درباره لهستانیها بسیار ممنون و سپاسگزارم. من خیلی خوشحالم که جنابعالی طرفین را به هم نزدیک کرده‌اید. بدون شک ، در جهت نیل به هدف مشترکمان گامی به پیش برداشته شده است. من هم مانند شما امیدوار هستم که در آینده کارها بهتر انجام شوند.

۲- خلبانان لهستانی دیشب کوشش تازه‌ای برای ارسال بازهم مقادیر دیگری مهمات به شهر ورشو بعمل آوردند. گزارشهای رسیده حاکی از آن است که مهمات به مقصد رسیده است. من از این خبر بسیار خوشحال شدم که شنیدم شما هم خود تجهیزاتی را به آنجا ارسال میفرمایید.

هر کاری را که شما انجام دهید ، دوستان بریتانیائی و متفقین شما صمیمانه به آن بها می‌دهند.

۳- من می‌خواهم اخبار خوشی را درباره مبارزه در غرب به اطلاعتان برسانم. دشمن با پنج لشگر زرهی خود ضربه بسیار دقیقی را به منظور تصرف

«آورانش» واقع بین شربور و شبه جزیره «برتان» وارد آورده است. اما آمریکاییها سخت و پایدار در حال مقاومتند. در اثر بمبارانهای متراکم و متمرکزی که ما در این صحنه از نبرد بعمل آورده‌ایم، احتمالاً بیش از یک سوم از نیروهای زرهی دشمن را از کار انداخته‌ایم.

البته، ما نمی‌خواهیم که دشمن این منطقه را خیلی زود ترک نماید، زیرا آمریکاییها با قوای قدرتمند خود که در اطراف جناح چپ آلمانیها در حال انجام عملیات می‌باشند، تصمیم دارند که از طریق «آلان سن» و «آرژانتان» عبور کرده و به بریتانیاییها ، کانادائیها و لهستانیهایی که از سمت کان به سمت فالز در حال حمله می‌باشند ملحق گردند.

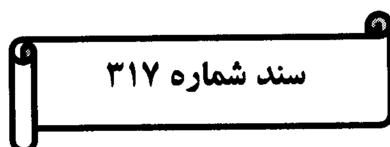
ژنرال مونتگمری امیدوار است که ما بتوانیم نیروهای عمده آلمانی را محاصره نمائیم. اگر ما فقط به محاصره بخشی از نیروهای آلمانی توفیق حاصل نمائیم و تعداد باقیمانده بسیاری از آنان قادر به شکستن خط محاصره شوند؛ همان‌طور که این امر غالباً اتفاق می‌افتد، به هر حال ما امکان در بن‌بست قرار دادن آنها را در «سن»خواهیم داشت، جایی که تمام پلها به وسیله نیروی هوایی ما منهدم گردیده و خواهد گردید.

بدین ترتیب، امید به کسب یک پیروزی درخشان، دور از ذهن نخواهد بود. در فرانسه جمعاً یک میلیون نفر آمریکایی و ۷۵۰ هزار نفر بریتانیایی ، کانادایی، و قوای متفقین استقرار یافته‌اند. بخشی از بریگادهای هلندی و بلژیکی هم پیاده شده‌اند. من اطمینان دارم که جنابعالی برای ما آرزوی پیروزی خواهید فرمود.

٤- من عصر امروز برای مدت کوتاهی که طی آن باید با تیتو دیدار نمایم، به منطقه دریای مدیترانه، عزیمت خواهم کرد. اطلاعات مربوط به ملاقاتمان را برای جنابعالی ارسال خواهم داشت.

با اهدای بهترین آرزوهای خوب برای پیروزیهای آینده شما.

۱۰ اوت سال ١٩٤٤



نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

تلگرام تأثرانگیز لهستانیها را که از ورشو ارسال گردیده مبنی بر اینکه آنها پس از گذشت ۱۰ روز هنوز در حال مبارزه با نیروهای عظیم آلمانی بوده، نیروهایی که اکنون شهر را به سه بخش عمده تقسیم کرده‌اند، مطالعه نمودم. آنها عاجزانه تقاضای دریافت مسلسل و مهمات کرده‌اند.

نظر به بعد مسافت بسیار زیاد از ایتالیا ، آیا شما می‌توانید بازهم به آنها کمک بفرمائید.

۱۲ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۱۸

نامه خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من مسئله مربوط به عبور سفینه‌های زیر دریایی کشورمان رااز طریق اسکاگراک –کاتگات به دریای بالتیک بررسی نمودم، اما به من گزارش می‌دهند که به علت مین گذاریهای فراوان و گسترده‌ای که چه بوسیله ما و چه بوسیله دشمن انجام گرفته است و همینطور وجود موانع شبکه‌ای، اجرای این پیشنهاد عملی نخواهد بود.

من بسیار متأسفم که کانال آسیب دیده است. ما می‌خواستیم به شما کمک کنیم.

۱۲ اوت سال ١٩٤٤

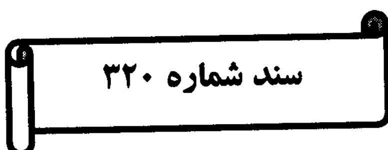
سند شماره ۳۱۹

محرمانه و خصوصی
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

با اشتیاق فراوان اخبار مربوط به وضعیت جبهه در شمال فرانسه و نقشه محاصره و انهدام نیروهای عمده آلمانی را مطالعه نمودم.در اجرای این نقشه برای شما آرزوی موفقیت کامل می‌نمایم.

از اینکه برای ما آرزوی پیروزی داشته و همینطور بخاطر اطلاعاتی که درباره ملاقات قریب الوقوع خود با مارشال تیتو ارسال خواهید فرمود، از جنابعالی تشکر می کنم.

۱٤ اوت سال ۱۹٤٤



سند شماره ۳۲۰

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه

چرچیل به مارشال استالین

۱- من در طول دو روز گذشته با مارشال تیتو و نخست وزیر یوگسلاوی چند ملاقات انجام دادم.

در این ملاقاتها من به هر دو رهبر یوگسلاوی اظهار داشتم که ما فکر می کردیم که آنها نیروهای خود را صرفاً به آن منظور متحد خواهند ساخت که ملت یوگسلاوی را بصورت ملتی یکپارچه و منسجم در جنگ علیه آلمانیها بسیج نمایند. هدف ما کمک به ایجاد یک یوگسلاوی پایدار و مستقل می‌باشد و تشکیل یک دولت ائتلافی و همبسته می‌تواند گامی در جهت نیل به این مقصود باشد.

۲- هر دو رهبر درباره یک سری مسائل اجرایی به توافقی رضایتبخش دست یافته‌اند. آنها موافقت کرده‌اند که اکنون تمام نیروهای دریایی یوگسلاوی را در نبرد علیه آلمان بصورت ارگانی واحد و متشکل زیر یک پرچم مشترک درآورند. موافقتنامه بین نخست وزیر یوگسلاوی و مارشال تیتو

این امکـان را خواهد داد که ما با اطمینان بیشتری نسبت به افزایش محموله‌های جنگی و ارسال آنها برای نیروهای مسلح یوگسلاوی اقدام نماییم.

۳- آنهـا بـین خـود قـرار گذاشـته‌انـد کـه پـس از چند روز بیانیه‌ای را بطور همـزمان انتشـار دهـند کـه بـه اعـتقاد مـن، ایـن امر می‌تواند ضمن کاهش دادن مناقشات و مبارزات داخلی، تحکیم و تقویت نیروهای جنگی یوگسلاوی را نیز فـراهم آورد. امـروز آنها عازم «ویس» خواهند شد تا در آنجا به ادامه مذاکرات خود بپردازند.

٤- من پرزیدنت روزولت را در جریان نتایج این دیدارها خواهم گذاشت.

١٤ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۲۱

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

۱- من پس از مذاکره با آقای میکولایچیک ، به فرمانده ارتش سرخ دستور دادم که تجهیزاتی را به طرز موثر در منطقه ورشو پیاده نماید. یک چترباز نیز به عـنوان مأمـور رابـط بـه زمـین فـرود آمد که براساس گزارش فرماندهی بدست آلمانیها کشته شد و نتوانست به انجام مأموریت خود بپردازد.

بعـدها پـس از آشـنایی بیشـتر بـا امـور ورشـو، من اطمینان یافتم که عملیات ورشـو یک ماجرای نسنجیده و وحشتناکی بوده که به قیمت از دست رفتن جان عـده بیشـماری از مـردم آنجـا تمـام شده است. اگر قبل از آغاز عملیات ورشو،

فرماندهی شوروی در جریان امر قرار می گرفت و یا لهستانیها با فرماندهی ما تماس لازمه را برقرار می‌ساختند، هیچگاه چنین واقعه‌ای رخ نمی‌داد.

با توجه به وضعیت بوجود آمده، فرماندهی شوروی به این نتیجه رسیده است که باید خود را از ماجرای ورشو کنار بکشد، زیرا نمی‌تواند نه بطور مستقیم و نه به طور غیر مستقیم مسئولیتی را در قبال عملیات ورشو بر عهده بگیرد.

۲- خبر مربوط به ملاقات با مارشال تیتو و «شوباشیچ» نخست وزیر یوگسلاوی را دریافت نمودم. به خاطر ارسال خبر از شما تشکر می کنم.

۳- از پیاده شدن موفقیت آمیز قوای متفقین در جنوب فرانسه بسیار خوشحالم برای شما از صمیم قلب آرزوی پیروزی می‌نمایم.

۱٦اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۲۲

نامه فوری و بسیار محرمانه

پرزیدنت روزولت و آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- ما در این باره فکر می کنیم که در حقیقت اگر در ورشو افراد ضد نازی از بین بروند، افکار عمومی جهان چه واکنشی را نشان خواهد داد. ما گمان می کنیم که هر سه نفر ما باید هر اقدامی را که در جهت نجات جان هرچه بیشتر پارتیزانهای مستقر در آنجا می‌باشد، به انجام رساند.

ما امیدوار هستیم که جنابعالی حتی الامکان تجهیزات و تسلیحات قابل توجهی را برای لهستانیهای میهن پرست به ورشو ارسال بفرمائید.در غیر این صورت آیا شما موافقت می‌نمایید که در اجرای خیلی فوری این امر به هواپیماهای ما کمک کنید؟ ما امیدوار می‌باشیم که جنابعالی این مسئله را مورد تأیید قرار بدهید. در این میان، زمان نقش بسیار مهمی را بازی می کند.

روزولت

چرچیل

۲۰ اوت سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۲۳

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر و آقای روزولت رئیس جمهور

نامه شما و آقای روزولت را درباره ورشو دریافت نمودم. حالا می‌خواهم نظر خود را بیان نمایم.

دیر یا زود حقیقت مربوط به باند جنایتکارانی که به خاطر تصاحب قدرت، ماجرای ورشو را آفریده‌اند، بر همه آشکار خواهد شد.این افراد از خوش‌باوری شهروندان ورشوی استفاده کرده و تعداد بی‌شماری از مردم تقریباً بی‌دفاع و بی‌اسلحه را در مقابل توپ و تانک و نیروی هوایی آلمانیها قرار داده‌اند.

شرایطی بوجود آمده که لهستانیها از گذشت ایام هیچ بهره‌ای جهت آزاد سازی ورشو نصیب خود نمی‌سازند و این تنها هیتلری‌ها هستند که هر روز اهالی ورشو را مورد کشتارهای بیرحمانه و غیر انسانی خود قرار می‌دهند.

از لحاظ نقطه نظر نظامی هم، این شرایط که باعث شده آلمانیها ورشو را به مراتب بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند، بهیچوجه، نه برای ارتش سرخ و نه برای لهستانیها ، مناسب نمی‌باشد.

ضمناً، قوای شوروی که اخیراً با تحرّکات تازه و قابل ملاحظه آلمانیها به قصد رویارویی و حمله علیه خود روبرو شده است، تمام مساعی خویش را در جهت شکست تهاجم هیتلری ها بعمل می‌آورد تا به یک حمله جدید گسترده در حوالی ورشو دست یابد.

شکی نیست که ارتش سرخ برای درهم شکستن آلمانیها در اطراف ورشو و آزاد سازی ورشو برای لهستانیها، از انجام هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد. این بهترین و مؤثرترین کمک اجرایی به لهستانیهای ضد نازی به شمار می‌آید.

۲۲ اوت سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۲٤

محرمانه و خصوصی

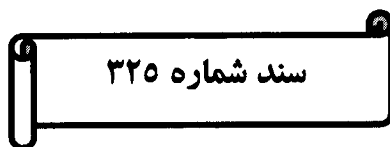
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

صبح امروز بیست و چهارم ماه اوت ، اسکادرانی متشکل از یک فروند سفینه جنگی و هشت فروند کشتی اژدرافکن که بوسیله بریتانیای کبیر

اختصاص به اتحاد شوروی یافته بود، از انگلستان به بندر شوروی که معرف حضورتان می‌باشد، وارد گردید.

اجازه بفرمایید صمیمانه‌ترین تشکرات خود و دولت شوروی را بخاطر کمک ارزنده‌ای که نسبت به نیروهای مسلح اتحاد شوروی انجام داده‌اید، به حضور جنابعالی و دولت بریتانیای کبیر تقدیم نمایم.

۲٤ اوت سال ۱۹٤٤



سند شماره ۳۲۵

نامه خصوصی و محرمانه

دولت ایالات متحده و دولت اعلیحضرت به مارشال استالین

ما در جلسه‌ای که در کبک تشکیل یافته بود و هم اکنون به پایان رسیده، تصمیماتی را درباره عملیات جنگی به شرح زیر اتخاذ نمودیم:

۱- اروپای شمال غربی.

به منظور انهدام نیروهای مسلح آلمانی و نفوذ به قلب آلمان، ما تصمیم گرفته‌ایم که با سرعت به جلو پیشروی نماییم. بهترین شرایط برای شکست دادن دشمن در غرب، وارد آوردن ضربات به «روهر» و «سارآر» می‌باشد، زیرا دشمن، باقیمانده نیروهای خود را برای دفاع اساسی از این دو منطقه مهم در آنجا متمرکز خواهد ساخت. خط شمالی جاده نسبت به خط جنوبی آن از امتیاز بیشتری برخوردار است و ما قبل از فرارسیدن هوای نامساعد ، قطعاً باید

بنادر شمالی از جمله بندر رتردام و بندر آنت‌ورپن را بازگشائی کنیم. بنابراین تلاش عمده ما در جناح چپ متمرکز خواهد شد.

۲- ایتالیا.

عملیات کنونی ما در ایتالیا به این پایان خواهد یافت که:

الف- یا نیروهای «کسل رینگ» از هم پاشیده و در هم شکسته خواهند شد که در آن صورت امکان گروه بندی سریع و مجدد نیروها فراهم آورده خواهد شد و ما تعقیب دشمن را در مسیر گذرگاه «لیوبلسکا» ادامه خواهیم داد ؛

ب- یا کسل رینگ به عقب نشینی موفق خواهد شد که در آن شرایط ما در سال جاری باید فقط به پاکسازی دشت «لومباردا» بسنده کنیم.

سیر و روند مبارزه، عملیات آینده ما را تعیین خواهد کرد. نقشه‌های عملیات مشترک نیروهای زمینی و دریایی در دست تهیه است که چنانچه شرایط حاکم در شبه جزیره «ایسترا» اقتضاء نماید، به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۳- ایتالیا.

ما عملیات هوایی خود و عملیات از نوع کاماندوس (٦١)را ادامه خواهیم داد.

٤- ژاپن.

با توجه به هدف نهایی ما که حمله و نفوذ به کشور مستعمره دار ژاپن می‌باشد، ما درباره عملیاتی که در آینده برای تقویت حمله‌هایمان به ژاپنی‌ها در تمامی سطوح جنگ صورت خواهد پذیرفت، اتفاق نظر یافته‌ایم.

۵. بـرنامه‌هـای انـتقال سـریع نیـروها بـه صـحنه اقـیانوس آرام، پـس از شکست آلمان ، هماهنگ شده می‌باشد.

روزولت

چرچیل

۱۹ سپتامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٢٦

نامه خصوصی، محرمانه و کاملاً موثق
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- مـن وقتی که از سفیرمان آقای «کلارک کر» شنیدم که جنابعالی عملیات بـریتانیائیها و آمـریکاییها را در فرانسـه تـا چـه انـدازه مورد تقدیر و ستایش قرار داده‌ایـد، بسیار شاد و خوشحال شدم. ما این سخنان را که از زبان رهبر ارتشهای قهـرمان روسـیه بـیان گـردیده اسـت، بسـیار گرامـی مـی‌داریـم. مـن با اغتنام از فرصـت، فـردا در مجلـس عـوام آنچـه را که در گذشته درباره این موضوع بیان داشـته‌ام، بـدین مضـمون کـه ارتشهای روسیه موتور ماشین جنگی آلمانیها را از کـار انداخته و اکنون نیز در جبهه‌های خود به مقابله با بخش عظیمی از نیروهای دشمن پرداخته‌اند، تکرار خواهم کرد.

۲- مـن پـس از انجـام مذاکراتـی طولانـی بـا پرزیدنت روزولت، هم اکنون مـراجعت نمـودم و مـی‌توانم جنابعالی را به این اعتقاد خودمان مطمئن سازم که تمـام جهان نسبت به موافقتنامه سه کشور بریتانیا ، ایالات متحده آمریکا و اتحاد

جماهیر شوروی سوسیالیستی چشم امید بسته است. از اینکه اطلاع بدست آوردم که اخیراً به علت کسالتی که برای شما پیش آمده پزشکان معالج ، مخالف با مسافرت‌های طولانی شما با هواپیما می‌باشند، بسیار ناراحت شدم. پرزیدنت معتقد است که «گاآگا» مکان خوب و مناسبی برای انجام ملاقاتمان خواهد بود. ما این محل را هنوز به تصرف خود در نیاورده‌ایم، اما احتمالاً سیر و جریان جنگ ، شرایط حاکم در سواحل بالتیک را حتی قبل از فرارسیدن عید میلاد مسیح طوری تغییر خواهد داد که سفر جنابعالی خسته کننده و یا مشکل به نظر نخواهد آمد. به هر حال تا ایجاد چنین برنامه‌هایی ، ما مبارزات بسیار سختی را در پیش خواهیم داشت.

۳- کاملاً موثق است : پرزیدنت تصمیم دارند که به زودی پس از انتخابات ریاست جمهوری، اعم از پیروزی و یا شکست، ابتدا از انگلستان و سپس از فرانسه و همچنین از بلژیک ، لوکزامبورک وهلند دیدن بعمل آورند.بر اساس اطلاعاتی که من در دست دارم، به نظر می‌آید که ایشان در این انتخابات پیروز خواهند شد.

٤- پس از شکست و نابودی ارتش آلمان، من صمیمانه خواهان مشارکت کشور شوراها در جنگ با ژاپن می‌باشم، همانطور که جنابعالی وعده آن را در تهران داده‌اید، می‌دانم که پرزیدنت نیز بر این نظر می‌باشند. گشایش جبهه جنگ روسیه علیه ژاپن آنان را ، به ویژه در آسمان، تبدیل به زغال و خاکستر خواهد کرد و در نتیجه به شکست ژاپنی ها سرعت قابل ملاحظه‌ای خواهد بخشید.

پس از مطالعه اوضاع داخلی ژاپن و آگاهی از آن احساس عدم اطمینانی که ملت ژاپن را دچار رنج و عذاب ساخته است، من معتقد شدم که به محض شکست نازیها، به راحتی می‌توان به طور سه جانبه و به نام سه دولت بزرگ ژاپن را به تسلیم دعوت نمود. البته، ما باید مشترکاً تمام جوانب این برنامه را دقیقاً مورد بررسی قرار بدهیم. اگر من بتوانم فرصتی بدست آورم که در اکتبر مسافرتی به مسکو داشته باشم ، خوشحال خواهم شد. چنانچه من نتوانم به انجام این سفر بپردازم، در آن صورت ایدن به جای من آماده انجام آن خواهدبود. ضمناً بهترین آرزوهای قلبی خود را حضور جنابعالی و آقای مولوتوف اهدا می‌نمایم.

۲۷ سپتامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۲۷

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه شما و پرزیدنت روزولت را درباره جلسه برگزار شده در کبک و اطلاعات مربوط به نقشه‌های جنگی آینده شما دریافت نمودم. از اخباری که ارسال فرموده‌اید روشن است که نیروهای مسلح آمریکایی و بریتانیائی اجرای چه وظایف و برنامه‌های مهمی را در پیش خواهند داشت. اجازه بفرمایید برای شما و نیروهای مسلح شما آرزوی موفقیت نمایم.

در حال حاضر قوای شوروی مشغول نابودی گروهی از نیروهای آلمانی که بر جناح راست ما واقع در سواحل دریای بالتیک سایه انداخته‌اند، می‌باشند. بدون از بین بردن این بخش از نیروهای دشمن، نفوذ و پیشروی ما به عمق شرق آلمان امکان پذیر نخواهد بود. بعلاوه، ، نیروهای ما به زودی دو برنامه پیاده خواهند کرد: خارج کردن مجارستان از جنگ ، و سنجیدن قدرت دفاعی آلمانیها در جبهه شرق که بوسیله تهاجم نیروهای ما و باایراد یک ضربه انجام خواهد شد که در صورت مساعد بودن شرایط، اقدام به درهم شکستن آنها خواهند کرد.

۲۹ سپتامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۲۸

محرمانه و خصوصی

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه مورخ ۲۷ سپتامبر شما را دریافت داشتم.

من با اظهار اطمینان جنابعالی مبنی بر اینکه توافقنامه پایدار بین سه دولت پیشاهنگ ضامنی معتبر برای جهان آینده و تامین کننده آرزوهای خوب همه ملتهای صلح دوست خواهد بود، هم عقیده می‌باشم. پیگیری دولت‌های ما از این سیاستی که در این نبرد بزرگ بدان دست یافته‌ایم، به اعقاد من. در دوران پس از جنگ از اهمیت ویژه و مهمی برخوردار خواهد بود.

البته ، من مشتاقانه خواهان ملاقات با جنابعالی و پرزیدنت می‌باشم و از نقطه نظر منافع امور مشترکمان اهمیت بسیار فراوانی برای این ملاقات قائل هستم، اما باید خاطر نشان سازم که پزشکان مسافرت های طولانی را برای من مجاز ندانسته و من تا مدتی ملزم به رعایت این امر می‌باشم.

اظهار تمایل جنابعالی را در خصوص سفر به مسکو در ماه اکتبر صمیمانه گرامی می‌دارم. ما مسائل جنگ و سایر مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند مورد بحث و گفتگو قرار خواهیم داد. چنانچه برای جنابعالی در سفر به مسکو اشکالی بوجود آید، در آنصورت بدیهی است که ما با آمادگی آقای ایدن را پذیرا خواهیم بود.

خبر ارسالی جنابعالی درباره برنامه‌های سفر پرزیدنت به اروپا برای من بسیار جالب توجه می‌باشد. من هم به موفقیّت ایشان در انتخابات آینده اطمینان دارم.

درباره مسائل مربوط به ژاپن باید به اطلاع برسانم که مواضع ما همان مواضعی است که در تهران مشخص گردیده است.

من و مولوتوف بهترین‌ها را برای شما آرزو می‌نمائیم.

۳۰ سپتامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۲۹

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

افراد شما شدیداً نگران مسیری می‌باشند که حرکت از طریق آن را به من پیشنهاد داده‌اند. پرواز در ارتفاع بیش از هشت هزار پا برای من مناسب نمی‌باشد، هرچند که در صورت ضرورت برای مدت تقریباً تا یک ساعت مجاز به پرواز در چنین ارتفاعی خواهم بود. ما گمان می کنیم که پرواز از طریق دریای اژه و دریای سیاه خطرات کمتری داشته باشد. بهرحال در مجموع، من معتقد شده‌ام که این راه بهترین مسیر می‌باشد و چندان هم مخاطره آمیز نخواهد بود.

به لحاظ آنکه برای سوختگیری در صورت نیاز، ما می‌توانیم بطور امن و بدون خطر در «سیمفراپل» و یا در هر میدانچه فرودی که محل آن را شما در هر نقطه‌ای از ساحل تعیین خواهید کرد به زمین بنشینیم، بنابراین همان خدمات و امکاناتی که در محل موجود می‌باشد، برای من کافی و رضایتبخش خواهدبود. در هواپیمای من همه احتیاجات ضروری یافت می شود. مهم آنست که ما بتوانیم از پیش هواپیمایی را برای هماهنگی با افراد شما به منظور تعیین علائم فرودگاهی و دستور العملهای مربوط به پرواز و فرود خود اعزام بداریم. تقاضا می کنم در این زمینه دستورهای مقتضی صادر بفرمایید.

من اکنون لذت سفر تازه به مسکو را در شرایطی به مراتب بهتر از اوت سال ۱۹۴۲ احساس می‌نمایم.

٤ اکتبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۳۰

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه چهارم اکتبر جنابعالی را دریافت داشتم.

شرایط نشستن به فرودگاه «سارابوز» واقع در نزدیکی سیمفراپل تأمین گردیده است. هواپیمای خبری مورد نظر را به این فرودگاه اعزام بفرمایید.

۵ اکتبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۳۱

نامه مارشال استالین و چرچیل نخست وزیر به پرزیدنت روزولت

۱- ما در گفتگوئی غیر رسمی اوضاع را تا آنجا که به ما ربط می‌یابد بطور مقدماتی مورد بحث و بررسی قرار داده و برنامه ملاقات‌هایمان را نیز چه با پروتکل و چه به صور دیگر تهیه و تنظیم نمودیم. ما از آقایان میکولایچیک، رومر و گرابسکی دعوت بعمل آوردیم که به منظور انجام مذاکرات آینده با ما و کمیته ملی لهستان فوراً حرکت نمایند. ما مقرر داشتیم که در گفتگوهای خود

مسائل مربوط به دامبارتن-اکس را مطرح نساخته و تنها موقعی به این مسائل بپردازیم که هر سه نفر ما بتوانیم با هم دیداری سه جانبه داشته باشیم.

ما باید این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که چگونه می‌توان سیاست مربوط به روابط در کشورهای بالکان، مجارستان و ترکیه را با بهترین شیوه هماهنگ نمود. ما توافق کرده‌ایم که در کلیه ملاقات هائی که مسائل مهم و اساسی مطرح خواهد شد، آقای هاریمن به عنوان ناظر حضور یابد و در ملاقات‌هایی که مسائل نظامی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، ژنرال «دین» نیز حضور داشته باشند. ما در زمینه ایجاد تماس‌های فنی میان افسران بلند پایه خود با ژنرال دین در رابطه با بررسی مسائل نظامی که در هر یک از ملاقاتهای آینده ما ضرورت داشته باشد و همچنین در مورد دیدارهای مشترک دو وزیر امور خارجه با آقای هاریمن موافقت بعمل آورده‌ایم.

ما شخصاً جنابعالی را در جریان کامل کلیه امور مربوطه و روند پیشرفت آنها قرار خواهیم داد.

۲- فرصت را مغتنم شمرده بهترین آرزوهای قلبی و تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت ابراز رشادت نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و در رابطه با فرماندهی ژنرال آیزنهاور در جنگ غرب به حضورتان تقدیم می‌داریم.

چرچیل

استالین

۱۰ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳۲

به مارشال استالین

فوق محرمانه

مارشال استالین گرامی !

من پیشنهاد می‌کنم که چناچه برای جنابعالی مناسب می‌باشد، مذاکرات مربوط به امور جنگ را برای شنبه چهاردهم اکتبر ساعت ۱۰ شب تعیین نماییم. ایدن و من همراه با فیلدمارشال بروک و دو افسر از وزارت دفاع : ژنرال «ایس می» و سرتیپ «جاکوب»، در صورت موافقت جنابعالی در کاخ کرملین حضور بهم خواهیم رساند. من به آورل هاریمن پیشنهاد خواهم کرد که او نیز به همراه ژنرال دین حضور داشته باشد. فیلدمارشال بروک آماده است که از روی نقشه موقعیت جبهه غرب را ترسیم نموده و برنامه‌هایی را که ما و آمریکاییها در آنجا تدارک دیده‌ایم، تشریح نماید، او به مراتب جامع‌تر از آنچه که رئیس جمهور و من توانسته‌ایم به وسیله نامه مشترک خود از کبک جنابعالی را در جریان اخبار قرار دهیم ، در جریان رویدادها قرار خواهد داد. او سپس درباره اوضاع حاکم در ایتالیا و ارتباط آن با حمله ارتش های مستقر در جنوب شما به غرب توضیح خواهد داد. او یا من با کمال میل به هر سئوالی که جنابعالی یا افسران شما ، در صورت تمایل ، مطرح بفرمایید پاسخ خواهیم گفت. ما نیز خوشحال خواهیم شد که به هر خبری که جنابعالی ، بنابر میل خود درباره نقشه‌های آینده‌تان در جبهه شرق، بیان بفرمایید، که یقیناً برای حمله‌های انگلیسی و

آمریکایی چه در غرب و چه در جنوب، منشاء آثار فراوانی خواهد بود، گوش فرا دهیم.

پس از پایان مذاکرات مربوط به امور اروپا ، فیلد مارشال بروک به اختصار درباره لشگر کشی‌های ما در برمه علیه ژاپنی‌ها و نقشه‌ها و اهداف ما در آنجا سخن خواهد گفت و آقای هاریمن بسیار مشتاق می‌باشد که پس از آن، ژنرال دین درباره سیر و روند عملیات متفقین و برنامه‌های آنان در اقیانوس آرام شرحی را به استحضار جنابعالی برساند و خاطر نشان سازد که انجام چه نوع کمک‌هایی از جانب شما سودمندتر واقع خواهد شد.

ما می‌خواهیم به همه آنچه را که جنابعالی می‌توانید درباره جابجایی نیروهای شوروی در خاور دور و یا سایر اقدامات خود در آنجا، پس از تسلیم بدون قید و شرط ارتش‌های آلمان و یا کاهش یافتن آنها به دستجات ساده و پارتیزانی ، اشاره بفرمایید گوش فرا داده و توجه نماییم. من تبادل نظر مقدماتی درباره این مسائل را بسیار مهم می‌دانم.

آقای هاریمن اکنون در کنار من حضور داشته و با مفاد این نامه‌ای که به شرح فوق به نگارش در آمده است، موافقت دارند.

دوست صمیمی و مورد اعتماد شما

وینستون چرچیل

مسکو - ۱۲ اکتبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۳۳

به آقای چرچیل نخست وزیر

آقای چرچیل گرامی !

نامه ۱۲ اکتبر شما را که طی آن جنابعالی انجام مذاکرات مربوط به جنگ را در تاریخ چهاردهم اکتبر ساعت ۱۰ شب پیشنهاد فرموده اید، دریافت نمودم. من با پیشنهاد جنابعالی و برنامه جلسه که شما آن را تنظیم فرموده اید، موافقم. محل انجام مذاکرات را در دفتر مولوتوف، کاخ کرملین پیشنهاد می نمایم.

با تقدیم احترامات بی شائبه

ژوزف استالین

۱۲ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳٤

به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی !

جنابعالی احتمالاً تلگرام هایی را که ما در تابستان پیرامون سفر کارشناسان بریتانیایی به مرکز آزمایشهای موشکی آلمان در دبیتسا واقع در لهستان مبادله کرده ایم و جنابعالی نیز در این زمینه مساعدت های لازمه را مبذول فرموده اید، به خاطر دارید.

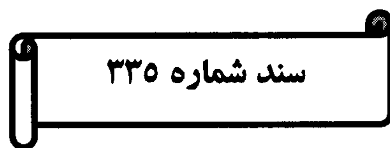
اکنون اطلاع حاصل گردید که کارشناسان ما با اطلاعات ذیقیمتی که تکمیل کننده پاره ای از نارساییهای تخصصی ما در رشته موشک های دور پرواز می باشد، به انگلستان مراجعت کرده اند.

مراتب سپاس مرا به خاطر سازماندهی بسیار خوبی که در امر مسافرت هیأت کارشناسان ما به عمل آمده و همینطور به خاطر کمک مقام های شوروی نسبت به آن هیأت بپذیرید.

با تقدیم احترامات فائقه

وینستون چرچیل شما

۱۶ اکتبر سال ۱۹٤٤



به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی !

من پس از بازگشت، این تلگرام ها را(۷۹) ملاحظه نمودم که چنانچه جنابعالی این اخبار را از منابع دیگری کسب نکرده باشید، آگاهی از آنها برای شما جالب خواهد بود. لطفاً نگران بازپس فرستادن آنها نباشید، زیرا رو نوشت

آنها نزد ما موجود است.

با تقدیم احترامات بی شائبه

وینستون چرچیل شما

مسکو ۱٦ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳٦

به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی!

ما با میکولایچیک دور بعدی مذاکرات را ادامه داده و به موفقیتهایی دست یافتیم. من بیشتر از هر موقع دیگری به علاقمندی او نسبت به یافتن تفاهم متقابل با جنابعالی و کمیته ملی، بدون توجه به مشکلات بلاشبهه ای که پیش روی وی قرار گرفته است، معتقد شدم. میکولایچیک بسیار مشتاق می باشد که با جنابعالی بطور خصوصی ملاقات نماید تا از چگونگی برنامه های فعلی خود شما را مستحضر ساخته و به کسب رهنمود هایی نائل آید. گفتگوهایی که من با او پس از دیدار با شما داشته ام، مرا ملزم می سازد که نسبت به انجام تقاضای او در زمینه ملاقات اختصاصی با جنابعالی حمایت کاملاً بی دریغ خود را آشکارا بیان نمایم.

من لذت مذاکراتی را که امشب پیرامون تجزیه آلمان در پیش خواهیم داشت، کاملاً احساس می کنم. من خیال می کنم که دیروز جنابعالی موافقت فرمودید، اینطور که به نظر می آید، که ما اکنون می توانیم نظریات خود را به

روشنی و با دقت نظر کامل بیان داشته و به طبقه بندی پیشنهاد های خود بپردازیم که البته امکان این امر در تهران، بر خلاف امروز که تا پیروزی هنوز فاصله ای بسیار دور داشتیم، میسر نبوده است.

در پایان اجازه بفرمایید خاطر جنابعالی را به این واقعیت معطوف سازم که برای من موجب بسی خوشحالی است که ما مسائل مشکل مربوط به سیاست دولت را که اغلب به طرز اجتناب ناپذیری به صورت مسائلی حاد و پیچیده ظاهر می شده، در نهایت بی تکلفی و تفاهم متقابل مورد مذاکره قرار داده ایم.

دخترم سارا شیفته هدیه بسیار عالی مادموازل استالین خواهد شد و آن را بین عزیزترین و گران بها ترین اشیاء خود حفظ خواهد کرد.

با تقدیم احترامات بی شائبه و آرزوهای نیک

دوست و رفیق همرزم شما

وینستون چرچیل

مسکو ۱۷ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳۷

به آقای وینستون چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر

مسکو.

آقای چرچیل گرامی!

در روز عزیمت خود از مسکو از جنابعالی تقاضا می کنم که به رسم یادبود از اقامت خود در پایتخت شوروی، هدایای ناقابلی را که برای بانو چرچیل

«سکاندار در زورق» و برای جنابعالی « شکارچی با کمان در نبرد با خرس » در نظر گرفته شده است، بپذیرید.

یک بار دیگر برای جنابعالی تندرستی و روحیه ای شاد آرزو می کنم.

ژوزف استالین

۱۹ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳۸

به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی !

من اکنون دو مجسمه بسیار زیبایی را که جنابعالی به من و همسرم به عنوان سوغات و یادبود از سفر فراموش نشدنی ما به مسکو، اهدا فرموده اید، دریافت داشتم. ما آنها را جزو دوست داشتنی ترین اشیاء خود محفوظ خواهیم داشت. در این سفر من به کارهای زیادی مشغول بوده و علاوه بر آن، همه روزه نامه های هوایی فراوانی را دریافت می کرده که خود مستلزم اخذ تصمیمات و رسیدگی به امور داخلی کشورمان بوده است . در نتیجه من در شرایطی نبوده ام که بتوانم از مسکو و آثار تاریخی آن دیدن نمایم. اما با همه این برنامه ها و اشتغالات، رویهمرفته این دیدار، از ابتدا تا انتها به خاطر پذیرایی های بسیار گرمی که از من به عمل آمده و خاصه به خاطر مذاکرات بسیار سودمند و دلپذیری که با جنابعالی داشته ام، برای من نشاط و انبساط خاطر واقعی فراهم آورده است.

آرزوهـای من نسبت به اتحاد آینده ملت های ما هیچگاه تا این اندازه اینقدر بـزرگ نـبوده اسـت. مـن بـرای جنابعالـی طول عمری آرزو می کنم که بتوانید آنچـه را کـه در اثـر ایـن جنگ به ویرانی و خرابی کشیده شده است، بازسازی کـرده و سراسـر روسـیه را از دوره طوفان زده خارج و به سوی روزهای خوش آفتابی رهبری فرمایید.

دوست و رفیق همرزم شما

وینستون چرچیل

مسکو، ۱۹ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۳۹

تاریخ دریافت نامه ۲۱ اکتبر سال ۱۹٤٤

نامه خصوصی چرچیل به مارشال استالین

آقـای ایـدن و مـن سرشـار از بنیه و روحیه ای تازه به خاطر مذاکراتی که با شما مارشال استالین و همکاران جنابعالی انجام داده ایم، اتحاد شوروی را ترک گفتیم. این دیدار فراموش نشدنی در مسکو نشان داد که در مذاکرات صمیمانه و صادقانه ما هیچ مسئله ای نیست که به هنگام ملاقات های حضوری ما لاینحل باقی بماند. در موقع دیدار ما، مهمان نوازی معروف روسها فراتر از آنچه که بود تجلـی یافـت. چـه در مسـکو و چـه در کریمه، هر جا که ما ساعات دلپذیری را گذرانـدیم، بهتـرین مـراقبت هـای ویـژه بـه مـنظور تأمـین رفـاه و آسایش من و همـراهانم بعمـل آمد. من از جنابعالی و از همه کسانی که در امر این مراقبت ها

و توجهات خاص عهده دار مسئولیت بوده اند، بسیار تشکر می کنم. امیدوار خواهیم بود که به زودی در آینده دوباره دیداری داشته باشیم.

سند شماره ۳٤۰

تاریخ دریافت نامه ۲٤ اکتبر سال ۱۹٤٤

نامه خصوصی و محرمانه چرچیل به مارشال استالین

در مسکو جنابعالی عنوان فرمودید که من به شما خبر بدهم که آیا ما می توانیم در شمال نروژ برای شما کمکهایی را به انجام رسانیم. به من گزارش می دهند که به زودی یک گروه ویژه شامل دویست نفر نروژی اعزام خواهد شد. از شما تقاضا می کنم در صورت نیاز مرا در جریان سایر احتیاجات خود قرار دهید تا من بیدرنگ مشخص نمایم که آیا می توان نسبت به تأمین آنها اقدام به عمل آورد یا خیر و چنانچه پاسخ مثبت است تا چه اندازه.

با اهدای درود صمیمانه و آرزوهای خوب

سند شماره ۳٤۱

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲٤ اکتبر شما را که در آن جنابعالی درباره تصمیم نروژی ها به اعزام یک گروه ویژه دویست نفری نروژی به شمال نروژ اطلاع فرموده اید، دریافت نمودم. باید خاطر نشان سازم که سفیر نروژ در مسکو مولوتوف را در جریان

انجام کمکها و اقدام های به مراتب گسترده تری از جانب نروژیها علیه آلمانیها قرار داده بود.

چنانچه شما بتوانید اقداماتی را علیه آلمانیها در نروژ در زمینه عملیات دریایی به عمل آورید، یقیناً این امر از اهمیت مثبتی بر خوردار خواهد بود.

بازگشت موفقیت آمیز جنابعالی را به لندن تبریک گفته و بهترین آرزوهای خوب خود را تقدیم حضورتان می دارم.

۲٤ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٤۲

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

تازه پس از ورود به لندن دریافتم که صنایع دستی روسیه، اهدائیه های جنابعالی به من و اعضای هیئت همراهم تا چه اندازه با ارزش و گرانبهاست. لطفاً مراتب سپاس و تشکر همه اشخاصی را که با امتنان به دریافت این هدایا،نشانی جدید از مهمان نوازی های روسی ، نائل آمده اند، بپذیرید.

۲۹ اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره۳٤۳

نامه خصوصی و محرمانه چرچیل به مارشال استالین

۱ـ به من گزارش می دهند که سفیر نروژ در مسکو و آقای مولوتوف با هم درباره شمار نفرات گروه ویژه نظامی نروژی که باید به تعداد ۱۲۰ نفر از

انگلستان اعزام شوند و سپس با بررسی مقام های نظامی نروژی در انگلستان این تعداد تا ۲۳۰ نفر افزایش یابد، مذاکره کرده و به توافق رسیده اند.

این گروه هم اکنون از طریق دریا اعزام گردیده است.

۲ـ من باید خاطر نشان سازم که تعداد نفرات نیروهای نروژی در انگلستان بسیار ناچیز است. در اینجا فقط سه گروهان کوهستانی ۲۰۰ نفره، یک گروهان چتر باز و یک گروهان آتشبار صحرایی که هر یک شامل ۱۷۰ نفر می باشند، استقرار یافته اند. بنابراین، گروه ویژه ای که در حال حاضر به سمت «مورمانسک» به حرکت در آمده است، یک سوم از کل نیروهای پیاده مستقر در انگلستان را شامل می گردد. دولت نروژ تا این لحظه بر این نیّت می باشد که باقیمانده نیروهای خود را در انگلستان حفظ نماید، از آن جهت که آنان بتوانند به هنگام عقب نشینی آلمانیها، با قوای ما به نروژ مراجعت نمایند. اما چنانچه جنابعالی ترجیح می دهید که بخشی از این نیروها برای همکاری با ارتش سرخ به آنجا اعزام شوند، در آن صورت من در این باره با نخست وزیر نروژ مذاکره خواهم کرد.

۳ـ در باره آنچه که به عملیات جنگی دریایی مربوط می شود، باید به استحضار جنابعالی برسانم که نیروی دریایی ما بطور دائم و پیوسته انواع تهاجمات گوناگون را علیه کشتیهای دشمن که به سمت شمال نروژ و بالعکس در حرکت می باشند، به عمل آورده و در این راستا موفقیت های قابل توجهی نیز کسب کرده است. چنانچه شما از خط مشی کلّی عملیات دریایی پیش بینی شده خود مرا آگاه بفرمایید، من خوشحال خواهم شد که این مسئله را که در

آینده چه کمکهایی را می توان در جنگ دریایی، مستقیماً برای شما به عمل آورد، مورد بررسی قرار دهم.

۳۱اکتبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٤٤

نامه خصوصی و محرمانه چرچیل به مارشال استالین

۱-پیشروی شما را به سمت بوداپست تبریک می گویم.

۲- ما اکنون راههای دستیابی به « آنت ورپن» را به طرزی مؤثر تحت کنترل خود در آورده و امیدواریم که کشتی های ساحلی بتوانند پس از ده روز و ناوهای اقیانوسی پس از سه الی چهار هفته موفّق به عبور گردند. این امر مسئله حمله به آلمان را از جناح شمالی حل خواهد کرد. در بلژیک و هلند نبردهای سختی جریان دارد که تنها ارتش بیست و یکم بریتانیا از زمان تصرف بروکسل بیش از ٤۰ هزار نفر از پرسنل بریتانیایی و نیروهای تحت فرماندهی خود را از دست داده است. هنگامی که ما سنگرهای متعدد و بنادر تحت محاصره را که هنوز در حال مقاومتند، به انهدام و نابودی در آوریم، به اندازه ای اسیر خواهیم گرفت که شمار آنان به مراتب بیشتر و بزرگتر از این رقم باشد.

۳- تمام مقدمات مربوط به انجام حمله ای بزرگ ، به هنگام تنفس در جبهه انگلیس و آمریکا، فراهم آمده است.

٤- بارانهای شدید سیل آسا تعداد بسیاری از پل های ما را در جبهه از بین برده است و در حال حاضر کلیه نقل و انتقالات ما متوقف گردیده است.

٥- درباره یوگسلاوی باید بگویم که من در انتظار بازگشت دکتر «شوباشیچ» و نتیجه گزارشهای وی به پادشاه پیتر می باشم. من بسیار خوشحالم از اینکه اخبار و اطلاعاتی را که او تا این لحظه کسب کرده، توانسته است بر پادشاه پیتر اثر خوبی داشته باشد. ماکلین، فرمانده بریگاد اکنون در کنار من می باشد و خبر می دهد که در ستاد کل فرماندهی پارتیزانها، از زمانی که آشکار گردیده که روسیه و بریتانیا دارای فعالیت های مشترک می باشند، وضعیت به میزان قابل توجهی بهتر شده است.

٦- هر چند که من هیچ خبری را درباره لهستان به اطلاع جنابعالی نرسانده ام، اما اطمینان داشته باشید که در این زمینه کوتاهی به عمل نیامده است. در حال حاضر همه آنها هنوز مشغول مذاکره با دولت ایالات متحده آمریکا می باشند و من از چگونگی پاسخی که دریافت خواهم داشت بی اطلاع می باشم. با وجود این فرصت را غنیمت دانسته، به جنابعالی اطمینان می دهم که من در همان موضعی قرار دارم که به هنگام خداحافظی با شما قرار داشته ام و دولت اعلیحضرت در هر یک از کنفرانس های مربوط به متارکه جنگ یا کنفرانس صلح به حمایت از ادّعاهای شوروی نسبت به خطّی که ما با هم به توافق رسیده ایم بر خواهد خاست. پایان انتخابات در ایالات متحده موجب آرامش عمیق خاطر ما خواهد شد.

با اهدای آرزوهای خوب

۵ نوامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٤٥

تاریخ دریافت نامه ٦ نوامبر سال ١٩٤٤

نامه نخست وزیر به مارشال استالین

با مسرتی کامل تبریکات خود را به مناسبت سالگرد تأسیس دولت شوروی به حضور جنابعالی تقدیم داشته، برای کشور شما و شخص جنابعالی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ آرزوی موفقیت های بسیار دارم و دعا می کنم که اتحاد بین انگلستان و شوروی برای هر دو کشور ما، برای ملل متحد و برای همه جهان منشاء آثار خیر و برکت باشد.

سند شماره ٣٤٦

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۳۱ اکتبر جنابعالی را دریافت نمودم.

بنا به درخواست دولت نروژ و در رابطه با نامه قبل شما، من برای مقامهای نظامی شوروی دستوری مبنی بر پذیرش گروه نظامی نروژی، اعزامی از انگلستان به مورمانسک و انتقال آن گروه به سرزمین های آزاد شده نروژ، جایی که تحت رهبری مشترک فرماندهان شوروی قرار خواهد گرفت، صادر کرده ام.

آنچه که به سایر گروههای نظامی نروژی مربوط می شود، امری است که به اعتقاد من تصمیم گیری درباره آنها بعهده دولت نروژ خواهد بود.

من پیشنهاد مشخصی در خصوص مشارکت نیروی دریایی بریتانیا در امر آزاد سازی نروژ ندارم. برای این منظور، هرگونه اقدامی که از جانب شما اتخاذ گردد، موجب تقدیر و امتنان خواهد بود.

۷ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٤۷

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

بخاطر ارسال نامه ۵ اکتبر شما از جنابعالی تشکر می کنم.

از طریق نامه جنابعالی با خوشحالی اطلاع حاصل نمودم که راههای نفوذ به چنین بندر مهمی چون «آنت ورپن»تحت کنترل کامل شما در آمده است. من امیدوار هستم تدابیری را که شما برای حمله جدید اتخاذ کرده اید، قرین موفقیت باشد و در آینده نزدیك قوای انگلیسی و آمریکایی بتوانند دوباره ضربه قدرتمندی بر آلمانیها وارد آورند.

درباره یوگسلاوی من هم دارای خبرهایی می باشم که مبین پیشرفت اوضاع در جهت مطلوب به سود متفقین می باشد. دکتر شوباشیچ به منظور ارائه اطلاعاتی از نتایج آخرین ملاقاتهای خود با مارشال تیتو عازم مسکو می باشد.

به نظر من می توان به زودی نسبت به تشکیل یک دولت متحد یوگسلاوی اظهار امیدواری کرد.

درباره امور لهستان باید اذعان داشت که آقای میکولایچیک اوقات گرانبهای فراوانی را از دست می دهد که باعث کاهش یافتن شانس او خواهد شد.

از پیام تبریکی که به مناسبت پیشروی نیروهای شوروی به سمت بوداپست ارسال فرموده اید، از جنابعالی تشکر می کنم. قوای ما در مجارستان به پیش می روند، ولی در مسیر خود، آنها ناگزیر به برچیدن موانع بسیاری می باشند.

در رابطه با ۳۲ لشگر باقیمانده آلمانی در لیتوانی باید بگویم که ما تمامی قوا و امکانات ضروری را به منظور تسریع در نابودی آنها به کار گرفته ایم. در چند روز اخیر باران و مه عملیات ما را در این منطقه شدیداً دچار وقفه ساخته است. اما در عین حال، این وضعیت فرصتی فراهم آورد که ما بتوانیم به تقویت تدارکاتمان به منظور اجرای عملیات قاطعی که در پیش داریم، بپردازیم.

حالا دیگر می توان تأئید کرد که پرزیدنت روزولت در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شده و به موفقیت بزرگی نائل آمده است.

در اتحاد شوروی این امر برای ما به صورت یک پیروزی مشترک جدید تلقی خواهد گردید.

۹ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۴۸

نامه خصوصی چرچیل به مارشال استالین

هواپیماهای بمب افکن نیروی هوایی سلطنتی «تیرپتز» را غرق کردند. اجازه بفرمایید به میمنت این پیروزی با هم به شادی و سرور بپردازیم.

در اینجا همه چیز به خوبی انجام گردید و آن عملیات بزرگی که در آخرین تلگرام خود به آن اشاره کرده بودم به سرعت در حال گسترش است.

امشب، من در ابتدا به ستاد کل فرماندهی فرانسه و سپس به ستاد کل فرماندهی ایالات متحده رهسپار خواهم شد.

با اهدای آرزوهای خوب

پاریس ۱۲ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٤۹

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

مژده مربوط به غرق «تیرپتز» توسط هواپیماهای بریتانیایی ما را فوق العاده خوشحال ساخت.

خلبانان بریتانیایی به حق می توانند به این اقدام خود مباهات نمایند.

در اجرای عملیات بزرگی که آغاز آن را خبر داده اید، برای شما آرزوی

پیروزی می نمایم.

با تقدیم بهترین شادباش ها

۱۳ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۵۰

تاریخ ارسال نامه ۱٦ نوامبر سال ۱۹٤٤

به نخست وزیر بریتانیای کبیر آقای چرچیل

به خاطر تبریکات و آرزوهای خوبی که به مناسبت سالگرد تأسیس دولت شوروی برای کشور اتحاد شوروی مخابره فرموده اید، از جنابعالی تشکر می کنم. اطمینان دارم که اتحاد قوی و ناگسستنی کشورهای ما سبب پیروزی بر دشمن مشترک و استقرار صلح پایدار در سراسر جهان خواهد بود.

ژوزف استالین

سند شماره ۳۵۱

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ جنابعالی بدون شک خواهان کسب اطلاعاتی درباره سفر ما به پاریس می باشید. در میدان های الیزه حدود نیم میلیون نفر مرا مورد استقبال بسیار پر شکوه خود قرار دادند، در ستاد فرماندهی نهضت مقاومت، مستقر در هتل

« دویل » نیز پذیرایی گرمی از من بعمل آمد. من مناسبات شخصی و دوستانه خود را با دوگل نیز دوباره برقرار ساختم.

۲ـ من کسب اطلاع کرده ام که مطبوعات فرانسه و سایر منابع خبری به درج و نشر اخباری پرداخته اند که ما در پاریس در زمینه کلیه مسائل مربوطه اخذ تصمیم به عمل آورده ایم. جنابعالی اطمینان داشته باشید که ما مسائل مهم را صرفاً بر پایه ای مورد بحث و گفتگو قرار داده ایم که تمامی آنها را بایستی جهت ملاحظه و بررسی به سه دولت بزرگ تقدیم نماییم.

پس از صرف صبحانه در ساعت ۱۱، ایدن و من مذاکرات دو ساعته ای را با دوگل و دو سه تن از اطرافیان وی بعمل آوردیم. دوگل سری مسائلی را مطرح ساخت که نشان می داد فرانسویان تا چه اندازه به طور ناچیز در جریان تصمیم گیریها و رویدادها قرار گرفته اند. او برای هشت لشگر مجدداً تقاضای دریافت مهمات و تجهیزات کاملاً مدرن نموده است که برای تأمین آنها فقط می توان به کمک آمریکاییها اقدام به عمل آورد.

بیهوده نیست که قرارگاه فرماندهی کل نیروهای اعزامی متفقین تأیید کرده است که این لشگریان برای شرکت در سرکوب آلمانیها در میدان نبرد دارای آمادگی نمی باشند و تأکید دارد که مهمات و تسلیحات مورد نیاز نیروهای مسلح فعالی را که باید در مبارزات زمستانی و بهاره به پیروزی دست یابند، بایستی تأمین نمود. من این دیدگاه را مورد تأیید قرار داده ام.

۳ـ در عین حال، من تمایل آنان را به پذیرش مسئولیت های چند بخش دیگر از جبهه و شرکت هر چه گسترده تر آنها در جنگ و یا در قسمت باقیمانده از آن را درک می کنم و این احساس وجود دارد که ممکن است

جـنگ طولانـی تـر شـود و نـتوان بعـنوان بـه اصطلاح فاتحی که نجنگیده وارد آلمان گردید.

مـن فکر می کنم که این مسئله احساسات را به هر حال باید مورد توجه قرار داد. بـرای فرانسـه، مهم داشتن ارتشی آماده برای انجام آن وظایفی است که در واقع، به عهده خواهد گرفت، از جمله، اولاً تعهدات او در قبال حمایت از صلح و نظـم خطـوط پشـت جـبهه نیـروهای مادر فرانسه، ثانیاً، در آینده کمک در به اطاعت در آوردن برخی از بخش های آلمان.

٤ـ در این مسئله ثانویه، آنها شدیداً پافشاری می نمایند که مشارکت آنان در اشـغال آلمان تنها نباید به عنوان شرکت کننده ای که از فرماندهی کل بریتانیا و یـا متفقـین پیـروی می نمایند، تلقی گردد، بلکه باید به عنوان یک قدرت اشغال کننده که از فرماندهی کل فرانسه دستور می گیرد به حساب آورده شود.

مـن توافـق ضـمنی خـود را بـا ایـن موضـوع اعـلام کـرده و مصـرانه از آنها خواسـتم کـه تـرکیب و نـوع آن ارتشـی را کـه بـرای این هدف مفید تشخیص مـی دهـند، بعـبارت دیگـر، ارتشـی را کـه از هـر نظر دارای وجه تمایز کامل با ارتشـی باشـد که تنها برای تشکیل یک لشگر شکل می گیرد و بتواند در میدان نبرد مقاومت یک ارتش مجهز و ورزیده امروزی را در هم بشکند، مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

ایـن نظـریه مـورد تـوجه و قـبول آنـان قـرار گـرفت، اما با وجود این آنها به عقیده خویش پایدار ایستاده اند.

۵ــ مـن خبـر مربوط به خبرگزاری رویتر را که بی شک بطور غیر رسمی از پـاریس دریافـت داشـته اسـت، پیـرامون ایـن مطلب که توافق گردیده بعضی از

مناطق از قبیل رور، بخشهای رن و غیره که توسط پادگانهای قوای فرانسه به اشغال در خواهند آمد به فرانسه واگذار گردد، مطالعه کردم.

این خبر با واقعیت مطابقت نمی کند و واضح است که هیچ چیز مشابه این نیز نمی تواند در این مسئله بدون موافقت پرزیدنت روزولت و جنابعالی مورد حل و فصل و تصمیم گیری قرار گیرد.

آنچه را که من در این رابطه به دوگل اظهار داشته ام بدین صورت است که ما آلمان را به منطقه های روسی، بریتانیایی و آمریکایی تقسیم کرده ایم، روشن تر آنکه، شرق به روسیه، شمال به انگلستان و جنوب به ایالات متحده آمریکا تعلق خواهد داشت. سپس من از طرف دولت اعلیحضرت طی سخنانی اعلام داشتم که البته، ما ترجیح خواهیم داد که فرانسویان آن بخشی را به تصرف خود درآورند که مطابق با امکاناتشان خواهد بود، اما به هر حال تصمیم گیری درباره کلیه این امور و مسائل باید در پشت میز مشترک متفقین بعمل آید.

من نامه ای با همین مضمون نیز برای پرزیدنت مخابره خواهم کرد. ما هیچ مسئله ای را بطور نهائی حل و فصل نکرده و هیچ قراردادی را بطور مشخص به امضاء نرسانده ایم.

۶ـ اما بدیهی است، مسائلی وجود دارد که آنها را باید در سطحی به مراتب بالاتر از سطح فرماندهان عالی مورد حل و فصل قرار داد، زیرا بدون حل این مسائل و اخذ تصمیمات مربوطه نمی توان هیچ دستورالعملی را برای فرماندهان عالی صادر نمودو به نظر می آید که این امر نیاز به انجام یک ملاقات بین ما سه طرف و فرانسویان را در آینده بسیار نزدیک تقویت نماید.

البته، در این صورت فرانسویان فقط در بحث و بررسی چند مسئله ذیربط مشارکت خواهند کرد و نقشی در مذاکرات مربوط به سایر امور را نخواهند داشت.

۷ــ در مجموع من احساس کردم که با دولتی منسجم که بر پایگاهی گسترده اتکاء داشته و خیلی زود به قدرت رسیده است، روبرو می باشم ، بعلاوه، من معتقدم که سنجیده نخواهد بود که ما در این برهه سخت و بحرانی از زمان، پشِ روی فرانسویان دست به اقداماتی بزنیم که موجبات تضعیف این دولت را فراهم آوریم. من ثبات این دولت را با اطمینان لمس کرده ام و فکر می کنم که ما با خیالی آسوده می توانیم آنان را بیشتر در جریان کارهای خود قرار دهیم.

١٦ نوامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۵۲

خصوصی و محرمانه

ازاستالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

به خاطر ارسال اخبار مربوط به مذاکرات با دوگل از جنابعالی تشکر می کنم . من آن اطلاعات را با علاقه مورد مطالعه قرار دادم و هیچگونه مخالفتی با پیشنهاد جنابعالی مبنی بر انجام یک ملاقات امکان پذیر بین ما سه طرف و فرانسویان نداشته، ولی ابتدا ما باید زمان و مکان این ملاقات را بطور قطعی تعیین نماییم.

ژنرال دوگل اخیراً اظهار تمایل خود را نسبت به انجام سفری به مسکو به منظور تماس با رهبران اتحاد شوروی اعلام داشته است. فرانسویان تا پایان این ماه وارد مسکو خواهند شد. آنها برای ما هنوز رئوس مسائلی را که مورد بحث و مذاکره قرار خواهند داد، مطرح نکرده اند. به هر حال پس از گفتگو با دوگل من جنابعالی را از کم و کیف مذاکراتمان مطلع خواهم ساخت.

۲۰ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۵۳

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

امروز دکتر « شوباشیچ » پس از اقامتی کوتاه در مسکو، این شهر را ترک خواهد گفت. من با او و همچنین با «کاردل» قائم مقام کمیته ملی و « سیمیچ » سفیر یوگسلاوی مذاکراتی را به انجام رساندم. در این مذاکرات روشن شد توافقی را که مارشال تیتو و شوباشیچ بمنظور تشکیل یک دولت واحد یوگسلاوی به عمل آورده اند، می تواند برای یوگسلاوی مفید واقع شود و نباید اجرای آن را به تعویق انداخت. جنابعالی قطعاً اطلاعاتی را درباره این موافقتنامه بدست آورده اید و من امیدوار هستم که جنابعالی به ویژه پس از گفتگو با شوباشیچ که اکنون در حال بازگشت به لندن می باشد، موافقت خود را نسبت به آن اعلام بفرمایید. اکنون که بلگراد در حال رهایی از دست آلمانیها می باشد و یوگسلاوی ها، اعمّ از قومیت های صرب، کروات، اسلاو وغیره

آماده اتحاد و همکاری مشترک می باشند، یقیناً حمایت های دولتهای ما از این نیروهای متحد چند ملیتی یوگسلاوی ضربه جدیدی بر پیکر هیتلری ها وارد خواهد آورد و کمک فراوانی در راستای نیل به هدف مشترک متفقین خواهد کرد.

۲٤ نوامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٥٤

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ــ درباره نامه ۲۰ نوامبر جنابعالی باید خاطر نشان سازم که من خوشحالم از اینکه دوگل به ملاقات جنابعالی خواهد آمد و امیدوار هستم که شما همه مسائل را مورد بحث و مذاکره قرار دهید. در مطبوعات صحبتهایی راجع به بلوک غرب مطرح گردیده است. من در این باره هنوز فکری نکرده ام. قبل از هر چیز من امید به آن دارم که قرارداد ما در زمینه اتحاد و همکاری نزدیک با ایالات متحده، حامی و تکیه گاه یک سازمان بین المللی باشد که تأمین صلح و حمایت از آن را در جهان رنجدیده بر عهده خواهد داشت. تنها پس از تأسیس یک چنین سازمان بین المللی و پیروی و اطاعت از آن خواهد بود که می توان اتحادیّه های اروپایی را به منظور ایجاد و برقراری دوستی های صمیمانه تر تشکیل داده و نسبت به این مسائل هم ما هیچ سری را از شما پوشیده نخواهیم داشت، ضمن آنکه ما اطمینان کامل داریم که شما هم نسبت به آنچه که فکر می کنید و به آنچه که نیازمندید ما را در جریان خواهید گذاشت.

۲ــ نبرد در غرب حالت بیرحمانه ای به خود گرفته است، پستی و فرومایگی وحشتناک است. برخورد اصلی در محور «اکس ـ لا ـ شاپل» و کلن جریان دارد. این نبرد تاکنون به هیچ روی به نفع ما شکل نگرفته است، هر چند که آیزنهاور هنوز دارای ذخیره های قابل ملاحظه ای می باشد که بتواند آنها را برای شرکت در این نبرد گسیل نماید. قوای مونتگمری در شمال غربی روی به سمت شمال آورده و آلمانیها را در خطّ بخش هلندی رودخانه «ماآس» متوقف ساخته است. این رودخانه به ما امکان صرفه جویی نیرو در این جبهه را می دهد. ما در شرق آهسته، اما پیوسته در حال پیشروی بوده و دشمن را با مجاهدات پیگیر خود به بند کشیده ایم. تصرف متنر و عقب راندن دشمن در مسیر رن را باید به عنوان یک پیروزی بسیار عالی به آمریکاییها تبریک گفت. در جنوب، فرانسویها پیروزیهای درخشانی را بدست آورده اند، از جمله پس از کسب موفقیت در جبهه پر دامنه رن، به تصرف استراسبورگ توفیق یافته اند، ضمناً این سربازان جوان فرانسوی که در سنین از ۱۸ تا ۲۱ سال قرار دارند شایستگی آن را دارند که احتمالاً به افتخار پاکسازی فرانسه نائل آیند. من در باره ژنرال «دلاتر دتاسین سی» نظر بسیار خوبی دارم. دوگل و من به آنجا رهسپار شدیم تا آغاز این نبرد را از جایگاهی مناسب مشاهده نماییم. اما شب هنگام برفی به ارتفاع یک پا به زمین نشست و این نبرد برای مدت سه روز به تعویق افتاد.

۳ــ پس از یک هفته الی ده روز احتمالاً معلوم خواهد شد که آیا ارتشهای آلمانی مستقر در ناحیه غرب رودخانه رن با شکست قطعی مواجه خواهند شد یا خیر.

چنانچه آری، در آن صورت ما پیکار را بدون توجه به وضعیت هوا ادامه خواهیم داد. در غیر این صورت، احتمالاً در دوره سرمای سخت زمستانی وقفه کوتاهی خواهیم داشت و پس از آن دوباره لازم می آید که ما با حمله ای عظیم مقاومت سازمان یافته آلمانیها را در غرب درهم فرو ریزیم.

٤ـ آیا جنابعالی فکر می کنید که زمستان سخت خواهد شد و آیا این امر برای استراتژی شما مفید خواهد بود؟ سخنرانی اخیر جنابعالی فوق العاده مورد پسند ما قرار گرفت. تقاضا می کنم در صورت بروز هر نوع اشکالی، مرا مطلع فرمایید تا ما بتوانیم مساعی خود را در رفع آنها بکار برده و با نیرومند ترین قدرتها، نازیسم را در منگنه ای که هر لحظه بیشتر در حال تنگ شدن می باشد، بفشاریم.

۲۵ نوامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۵۵

تاریخ ارسال نامه ۲۹ نوامبر سال ۱۹٤٤

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

روز تولد جنابعالی را صمیمانه تبریک می گویم. برای جنابعالی از صمیم قلب آرزوی سلامتی، شادابی و نشاط برای عمری طولانی در جهت نیل به امور مشترکمان می نمایم.

سند شماره ۳٥٦

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی ما از من تقاضا کرده است که در مورد انجام کاری نه چندان بزرگ، اما مهم، از جنابعالی استمداد بخواهم. نیروی دریایی شوروی به رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی ما اطلاع داده است که در سفینه زیر دریایی به غنیمت گرفته شده در تالین دو اژدر صوتی آلمانی مدل « تی ـ ۵ » بدست آمده است.

این نوع اژدر تنها اژدر معروف و منحصر به فردی است که بر اساس اصول و امواج صوتی هدایت می شود و بطور مؤثر نه فقط علیه کشتی های تجاری، که علیه ناوهای اسکورت نیز عمل می نماید.

با وجودیکه این اژدر هنوز در مقیاس وسیعی مورد استفاده قرار نگرفته است، معهذا تا این لحظه به کمک آن ٢٤ فروند ناو اسکورت بریتانیایی، از جمله ۵ فروند کشتی از کشتی هایی که به صورت کاروان(۲)عازم شمال روسیه بوده اند، غرق شده و یا آسیب دیده اند.

۲ـ متخصصین ما دستگاه مخصوصی اختراع کرده اند که می تواند در مقابله با این اژدرها به دفاع پردازد. این دستگاهها اکنون روی ناوشکن های بریتانیایی که در حال حاضر مورد استفاده نیروی دریایی شوروی می باشند، نصب شده است. با وجود این، مطالعه روی نمونه اژدر «تی ـ ۵» برای کسب اطلاعات بیشتر به منظور انجام اقدامات دفاعی و متقابله بسیار سودمند خواهد بود.

دریا سالار آرچر از مقامات نیروی دریایی شوروی تقاضا کرده است که بیدرنگ یکی از دو اژدر را به منظور مطالعه و انجام آزمایشهای عملی و اجرایی در بریتانیای کبیر، در اختیار وی قرار دهند. به من گزارش داده اند که علیرغم آنکه مقامات نیروی دریایی شوروی انجام چنین تقاضایی را خارج از امکان ندانسته اند، معهذا مسئله هنوز تحت بررسی است.

۳ـ من اطمینان دارم که چنانچه در این باره خاطر نشان سازم که طی ماههای گذشته دشمن خود را برای آغاز یک حمله زیر دریایی تازه در ابعادی گسترده که قرار است بوسیله سفینه های زیر دریایی جدید و فوق العاده تیز رو خود به اجرا در آورد، آماده ساخته است، یقیناً جنابعالی آن کمک بزرگی را که نیروی دریایی شوروی می تواند با ارسال فوری یکی از این اژدرها به بریتانیای کبیر در حق نیروی دریایی سلطنتی بعمل آورد، مورد تأیید و موافقت قرار خواهید داد. این امر باعث افزایش مشکلات عدیده و گوناگونی برای هر دو جبهه ما در جنگ، در زمینه انتقال نیروهای ایالات متحده و تأمین تدارکات لازمه از طریق اقیانوس، خواهد شد. ما لزوم و ضرورت دریافت یکی از اژدرهای تی ـ ۵ را به اندازه ای فوری می دانیم که به خاطر آن آماده ایم یک فروند هواپیمای بریتانیایی را به هر نقطه ای که شما تعیین بفرمایید، اعزام نمائیم.

٤ـ بنابراین من از جنابعالی خواهش می کنم که نسبت به این مسئله مهم، به خصوص بیشتر از آن سبب که ممکن است آلمانی ها نقشه های این اژدر را در اختیار نیروی دریایی ژاپن قرار داده باشند، بذل توجه بفرمائید.

رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی ما با خوشنودی کلیه نتایج تحقیقاتی و آزمایشگاهی خود بر روی این اژدر را و همچنین نتیجه ساخت هر

دستگاه دفاعی جدید دیگری را که در آینده طراحی نماید، در اختیار نیروی دریایی شوروی قرار خواهد داد.

۳۰ نوامبر سال ۱۹۴۴

سند شماره ۳۵۷

نامه فوری، خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ ما از وقوع حادثه ناگوار ۷ نوامبر که در اثر اشتباه نیروی هوایی متفقین (۸۰) در یوگسلاوی جان عده ای از افراد ارزنده روسی از دست رفته است، بسیار متأسفیم. به منظور اجتناب از تکرار احتمالی چنین حوادثی، در حال حاضر ستاد فرماندهی مشترک(۳۷) عملیات نیروهای مسلح انگلیسی - آمریکایی را در جبهه وسیعی از منطقه واقع بین خط ممتد از سارایوو و «پریلپ» که در مسیر جنوب شرقی کشیده شده است و مرز جنوبی یوگسلاوی با یونان، محدود کرده است. این محدودیت، عملیات مؤثری را که ما تا به حال علیه راههای گریز و عقب نشینی آلمانی ها از یوگسلاوی انجام داده ایم، عملاً بی نتیجه ساخته است و محققاً تعداد بیشماری از آلمانیها بی آنکه تلفاتی متحمل شوند، امکان خروج از مسیر شمال را بدست خواهند آورد. این شرایط فقط به سود دشمن مشترک ما می باشد.

۲ـ به منظور تفویض آزادی و اختیارات بیشتر به نیروهای مسلح متفقین در عملیات علیه آلمانها، همزمان با کاهش امکان وقوع حوادث فاجعه آمیز،

هیئت های نظامی بریتانیایی و آمریکایی به اتفاق ستاد فرماندهی شما در مسکو در حال بررسی و تبادل نظر پیرامون مسئله مربوط به مرز تعیین شده منطقه مزبور می باشند تا مشخص سازند که آیا در آن محدوده می توان به حملات هوایی اقدام نمود. این مرز جدید با علایم زمینی به خوبی مشخص شده و ضمن آنکه امنیت نیروهای مسلح روسی را تأمین می نماید، امکان حملات هوایی به خطوط ارتباطی و جاده هایی را که دشمن از آنها به عنوان راههای عقب نشینی استفاده خواهد کرد، فراهم خواهد آورد.

۳ــ من اطمینان دارم که شما نسبت به محدود کردن عملیات ما علیه دشمنی که در حال عقب نشینی می باشد، بخصوص در شرایطی که این عملیات را می توان بدون به مخاطره انداختن نیروهای مسلح خودی به انجام رسانید، تمایلی نشان نخواهید داد و امیدوار هستم که جنابعالی به ستاد فرماندهی شوروی دستور بفرمایید که نسبت به پذیرش این مرز جدید که جنبه موقت خواهد داشت و آنطوریکه به من اطمینان داده اند، امنیت نیروهای مسلح روسی را نیز تأمین خواهد کرد.، موافقت بعمل آورد.

٤ــ من مجدداً درباره اقدامات پیوسته تر و رضایت بخشی که ارتباط بین نیروهای مسلح انگلیسی ـ آمریکایی و روسی را در بالکان تأمین خواهد کرد و در واقع از اهمیت بسیار بالائی برخوردار خواهد بود، برای جنابعالی تلگرام ارسال خواهم داشت، البته در صورتی که ما بخواهیم بطور همزمان ضمن وارد آوردن حداکثر ضایعات به دشمن از احتمال حملات هوایی به نیروهای مسلح

دوست پرهیز نماییم.

اول دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۵۸

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

درباره آنچه که به بلوک غرب مربوط می شود، باید بگویم که من در این مورد هنوز اطلاعات کافی دریافت نکرده ام. گزارشهای روزنامه ها هم ضد و نقیض می باشد. از وعده ای که در مورد ارسال اطلاعات مربوط به پیشرفت این مسئله ابراز فرموده اید، از جنابعالی تشکر می کنم و به نوبه خود آماده ام که متقابلاً به همان گونه عمل نمایم.

من با علاقه اخباری را که جنابعالی پیرامون عملیات جنگی در غرب ارسال داشته اید، مطالعه نمودم. هوا در واقع اکنون برای گسترش عملیات مربوطه شدیداً ایجاد مزاحمت می نماید.

من حسن استفاده از توصیه خوب شما را فراموش نخواهم کرد و چنانچه خبری بویژه در خور توجه داشته باشم، جنابعالی را مستحضر خواهم ساخت.

اول دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۵۹

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

از پیام بسیار محبت بار جنابعالی به مناسبت روز تولد خود که سال گذشته آن را در کنار جنابعالی و رئیس جمهور ایالات متحده برگزار نمودم،صمیمانه تشکر می کنم. ما از آن هنگام به پیروزیهای چشمگیری نائل آمده و می توانیم امیدوار باشیم که چنانچه مساعی خود را با شتابی کامل و توان و پشتکاری بیشتر ادامه دهیم، شکست و نابودی قطعی هیتلریسم را در سال آینده شاهد خواهیم بود. من به علاقه ای که جنابعالی در پیام خود مبنی بر ادامه دوستی و مناسبات خصوصی ما، نه تنها در شرایط پر مخاطره جنگ، بلکه در آینده پس از حل مسائل صلح نیز ابراز فرموده اید، درود و سپاس ویژه می گویم.

۲ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٦۰

کاملاً محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

بر اساس کلیه اطلاعات رسیده ، دوگل و دوستان فرانسوی وی پس از ورود به اتحاد شوروی دو مسئله را مطرح خواهند کرد:

۱ــ عقد قرارداد فیمابین فرانسه و شوروی در زمینه کمکهای متقابل، مشابه قرارداد انگلیس و شوروی که مخالفت با این امر برای ما مشکل خواهد بود . اما

من تمایل دارم که نظر جنابعالی را درباره این مسئله جویا شوم . خواهش می کنم توصیه ها و پیشنهادهای خود را در این زمینه بیان بفرمایید.

۲ــ احتمالاً ،دوگل مسئله مربوط به تغییر مرز شرقی فرانسه ، به انضمام گسترش مرز فرانسه را تا سواحل چپ رودخانه«رن» مطرح خواهد کرد. از طرفی روشن است که طرح ایجاد ایالت« رن ـ وست فالن» که اداره آن تحت کنترل و نظارت بین المللی (۸۱)در خواهد آمد ، نیز جزو برنامه او می باشد. در این کنترل، احتمالاً مشارکت فرانسه هم پیش بینی خواهد شد . بدین ترتیب، پیشنهاد فرانسویان نسبت به تغییر مرز فرانسه تا سواحل «رن» با طرح تشکیل ایالت «رن» تحت اداره وکنترل بین المللی متقارن خواهد بود .

تقاضا می کنم در خصوص این مسئله هم اظهار نظر بفرمائید.

مشابه همین نامه را من برای پرزیدنت ارسال داشته ام.

۲ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٦۱

نامه فوری ، خصوصی وکاملاً محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ــ من از جنابعالی خواهش می کنم تلگرام ضمیمه این نامه را که برای ژنرال دین و سایر اشخاص ذیربط (۸۲)ارسال گردیده است ، به ویژه بندهای ۱ و۲ آن را شخصاً مطالعه بفرمایید . بد خواهد شد اگر ما بگذاریم این ستون های قوای هیتلری که می توانیم در آن جاده های کوهستانی مقادیر قابل ملاحظه ای

بمب بر سرشان فرو ریزیم، جان سالم به در ببرند. بنابراین از جنابعالی تقاضا می کنم مرزهای مناطق زیر پوشش بمباران های ما را گسترش دهید . مرزهای جدید به ما امکان اجرای عملیات هوایی شدید را خواهد داد ، حملاتی که حتی دشمن در حال فرار و عقب نشینی را نابود خواهد کرد. تقاضا می کنم هم اکنون این امکان را برای ما مهیا آورید.

۲ـ اما بهتر از هر چیز ، ایجاد رابطه معقول و دوستانه بین ستادهای جبهه ای ما می باشد. هر یک از واحدهای دشمن که از دست ما بگریزد، بعدها هر دو جانب ما را در شرایطی سخت و بحرانی استقبال خواهد کرد . اجازه بفرمایید حالا که می توانیم ، به آنها ضربه بزنیم. ما امیدوار هستیم افراد شما درک نمایند که ما در آینده باید براساس آنچه که در بندهای ۳و٤ تلگرام ضمیمه قید گردیده است ، عمل نماییم. من فکر می کنم که برای صرفه جویی در وقت، جنابعالی قبل از آنکه هرگونه نوشته و یادداشتی را دوباره بعنوان اینجانب و یا سایرین ارسال بفرمایید ، دستورات مقتضی را برای سازمانهای ذیربط صادر و یا پاسخهای مربوطه را برای آنان ارسال بفرمائید.

با اهدای بهترین آرزوها

۲ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۶۲

نامه خصوصی و فوق محرمانه
چرچیل نخست وزیر به مارشال استالین

۱ــ من با آقای میکو لایچیک ملاقاتی داشتم که طی آن وی علت استعفای خود را برای من روشن ساخت. مختصر آنکه، اوضاع و شرایط به نحوی بوده که او نمی توانسته است نسبت به حمایت گروههای متنفّذ کابینه خود از سیاست مورد نظر اعتماد داشته باشد، در نتیجه در چنین وضعی او در موقعیتی نبوده که بتواند براساس مذاکراتی که بین ما به هنگام ملاقات اخیرمان در مسکو بعمل آمده است، قراردادی را به امضاء برساند.

۲ــ اکنون تلاشهایی در جهت تشکیل یک دولت دیگر لهستانی در شرف انجام است که آقای میکولاچیک، آقای رومر و سفیر راچینسکی از عضویت در آن احتراز می جویند. تغییر نخست وزیران به مناسبات رسمی بین دولتها لطمه ای وارد نخواهد آورد. سعی دولت اعلیحضرت در استقرار مجدد لهستانی نیرومند و مستقل که مناسبات دوستانه ای با روسیه داشته باشد، بدون تغییر، مانند گذشته به قوت خود باقی است. ما باید با دولت لهستان، در زمینه مسائل عملی، بخصوص در امر مسئله مربوط به اداره نیروهای مسلح قابل ملاحظه لهستانی که متجاوز از ۸۰ هزار نفر رزمنده ویژه می باشند و تحت فرماندهی اجرایی ما قرار گرفته اند، کار و ارتباط داشته باشیم. این سپاهیان، اکنون دارای نقش بارزی در فعالیتهای جنگی کشورهای متحد در ایتالیا، هلند و سایر نقاط

می باشند. مناسبات ما با هر دولت جدید لهستانی بایستی بنابراین پایه محترمانه باشد، گرچه آن دولت سرد به نظر آید. البته ما نمی توانیم با این دولت دارای همان روابط نزدیک و سرشار از اعتماد و اطمینانی باشیم که با آقای میکولایچیک ، یا قبل از وی با مرحوم ژنرال سیکورسکی داشته ایم، اما ما تمام تلاش خود را در آن سمت و سویی بکار خواهیم برد که فعالیتهای این دولت آسیبی به اتحاد و یگانگی متفقین وارد نیاورد.

۳ــ پیش بینی می کنند که چنین دولتی ، حتی به هنگام تشکیل نیز چند صباحی بیش دوام نخواهد آورد . در واقع پس از گفتگو با آقای میکولایچیک من تعجبی نخواهم کرد که او را دوباره با پرستیژی بیشتر و اختیاراتی وسیعتر به عنوان مجری برنامه ای که بین ما در مسکو مورد بحث و مذاکره قرار گرفته است ، برسریر قدرت مشاهده نمایم. این استنتاج و آینده نگری بیشتر از آن جهت مورد طبع و نظر است که آقای میکولایچیک با استعفای خود قاطعانه نشان داد که او و یارانش از مدافعین ایجاد مناسبات خوب بین لهستان و روسیه می باشند.

٤ــ بنابراین من امیدوار هستم که جنابعالی موافقت بفرمایید که ما از نفوذ مؤثر خود بر لهستانیهای مقیم در اینجا و لوبلین در زمینه خنثی سازی اقدامات هریک از طرفین که ایجاد تشنج می نماید و بالمآل مسئله میکولایچیک را پیچیده تر می سازد ، مسئله ای که من امیدوار هستم بزودی او حل مجدد آن را به عهده بگیرد، استفاده نماییم. او سرشار از احساس خوش بینی است و مانند گذشته به حل رضایتبخش مسئله بسیار علاقه مند می باشد . من دلیلی برای عدم

خروج او از این بحران نمی بینم که او نتواند بعنوان یک رجل به مراتب مؤثرتر و قدرتمندتر از گذشته، در احیای لهستان فعالیت نماید.

۳ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٦۳

فوری.

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

باتوجه به قرار داد فیمابین در زمینه اعمال سیاستی مشترک در مناسبات با یوگسلاوی ، من رونوشت تلگرامی را که با کمال تأسف ناگزیر به مخابره آن برای مارشال تیتو(۸۳) شده ام، برای جنابعالی ارسال می دارم. بسیار خوشحال خواهم شد که درباره آن از نظر شما آگاهی داشته باشم.

۳ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳٦٤

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

ملاقات با ژنرال دوگل فرصتی جهت تبادل نظر دوستانه درباره مسائل مربوط به مناسبات بین فرانسه و شوروی فراهم آورد. در موقع مذاکره، همانطور که پیش بینی کرده بودم ، ژنرال دوگل به طرح دو مسئله اساسی پرداخت :

مسئله مربوط به مرز فرانسه تا رودخانه رن و عقد قرارداد در زمینه کمکهای متقابل بین فرانسه و شوروی ، مشابه قرارداد انگلیس و شوروی .

در مورد مرز فرانسه تا رودخانه رن، من اظهار داشتم که این مسئله را نمی توان بدون اطلاع و موافقت متحدین اصلی ما که نیروهایشان در خاك فرانسه در حال مبارزات رهایی بخش علیه آلمانیها می باشند، حل نمود. من سختی و پیچیدگی این مسئله را خاطر نشان ساخته ام.

درباره پیشنهاد مربوط به انعقاد قرارداد بین فرانسه و شوروی در زمینه کمکهای متقابل، من به ضرورت مطالعه و بررسی همه جانبه این مسئله و مشخص ساختن جنبه حقوقی این قرارداد ، از جمله اینکه در شرایط فعلی چه شخصی در فرانسه چنین موافقتنامه ای را امضا خواهد کرد، اشاره داشته ام.

بدین ترتیب، فرانسویان باید برای ما نکاتی را روشن سازند که تا این لحظه هنوز برای ما روشن نکرده اند.

با ارسال این خبر ، از پاسخ و توصیه هایی که در این زمینه التفات خواهید فرمود، از جنابعالی تشکر می کنم .

مشابه همین نامه را من برای پرزیدنت ارسال داشته ام.

بهترین آرزوهای خود را تقدیمتان می دارم.

۳ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ٣٦٥

نامه فوری، خصوصی و بسیار محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ عطف به تلگرام جنابعالی درباره ملاقات با ژنرال دوگل و دو مسئله پیشنهادی وی، باید خاطرنشان سازم که ما هیچ مخالفتی با امضای قرارداد مربوط به کمکهای متقابله فرانسه و شوروی، مشابه با قرارداد انگلیس و شوروی نداریم. بلکه برعکس ، دولت اعلیحضرت معاهده را مطلوب دانسته و آن را بعنوان حلقه ای تکمیلی بین همه ما تلقی می نماید.

در حقیقت ما فکر می کنیم که احتمالاً بهتر بود اگر ما موافقتنامه سه جانبه ای را بین سه کشور خود به امضا می رساندیم که قرارداد انگلیس و شوروی را نیز طی انجام اصلاحاتی در متن خود قرار می داد. در این صورت تعهدات هر یک از ما به گونه ای یکسان و هماهنگ در می آمد. خواهش می کنم به من اطلاع دهید که آیااین فکر مورد پسندتان می باشد. من امیدوار هستم که این ایده مورد طبع و نظر جنابعالی واقع گردد. البته ، هر دو جانب ما بایستی ایالت متحده را از این قضیه آگاه سازیم.

۲ـ حل مسئله مربوط به انتقال مرز شرقی فرانسه تا سواحل چپ رودخانه رن و یا شقّ مربوط به ایجاد ایالت« رن ـ وست فال» تحت کنترل بین المللی ، همراه با سایر راه حل ها را باید تا تشکیل کنفرانس جهانی به تعویق انداخت.

البته دلیلی وجود ندارد که ما نتوانیم بر مبنای آن، به هنگام دیدار سران سه دولت ، به حل و نتیجه گیری بهتر این مسائل ، بیش از آنچه که تابحال انجام داده ایم ، نزدیکتر شویم . همانطور که جنابعالی استحضار دارید، پرزیدنت عقیده دارند که ژنرال دوگل الزاماً نباید در ملاقات سه جانبه ما شرکت داشته باشد. اما من امیدوار می باشم که بتوان این امر را به گونه ای تغییر داد که او بتواند با قدری تأخیر ، بخصوص هنگامی که تصمیمات مربوط به فرانسه مورد بحث و تبادل نظر قرار می گیرد، در جلسه مشارکت نماید.

۳ـ بعلاوه، آیا مطلوب خواهد بود که به کمیسیون مشورتی اروپا که در لندن تشکیل خواهد شد و فرانسه هم عضو آن می باشد، مسئله ای مربوط به همه ما را به منظور مطالعه و بررسی ارجاع داد، بی آنکه آن مسئله به نحوی با رؤسای دولتها ارتباط پیدا نکند ؟

٤- من پرزیدنت را در جریا ن این امر قرار خواهم داد.

۵ دسامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٦٦

خصوصی ومحرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

پاسخ نامه خود درباره قرارداد فرانسه و شوروی و مرز فرانسه در رن را دریافت نمودم. از توصیه ای که فرموده اید، تشکر می کنم.

ما تا قبل از دریافت جواب جنابعالی ، مذاکره با فرانسویان را درباره قرارداد مربوطه آغاز کرده بودیم. پیشنهاد جنابعالی را، دال بر برتری موافقتنامه سه جانبه انگلیس و فرانسه و شوروی با لحاظ داشتن اصلاحیه هایی در متن آن بر موافقتنامه دو جانبه انگلیس و شوروی ، من و همکارانم مورد تأیید قرار دادیم. ما عقد چنین موافقتنامه سه جانبه ای را به دوگل پیشنهاد داده ایم، اما از او هنوز جوابی دریافت نداشته ایم .

من در پاسخگویی به دیگر نامه های شما تأخیر کرده ام. امیدوار هستم که به زودی پاسخ آنها را تهیه نمایم .

۷ دسامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٦٧

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه شما را در خصوص آقای میکولایچیک دریافت نمودم.

در طول مدتی که از آخرین ملاقات من با آقای میکولایچیک در مسکو می گذرد، روشن شده است که او نه تنها توانایی های لازم در امر کمک به حل مسائل لهستان را ندارد، که برعکس در این زمینه دارای نقش منفی هم می باشد. معلوم شده است که مذاکرات وی با کمیته ملی لهستان فقط به منزله سرپوش نهادن بر کار عناصری بوده که از پشت سر او علیه افسران شوروی و بطور کلی علیه افراد شوروی در خاک لهستان دست به اعمال جنایتکارانه

تروریستی زده اند . ما با چنین شرایطی نمی توانیم سازش داشته باشیم. ما نمی توانیم تحمل کنیم که عده ای تروریست که مشوقین آنها مهاجرین لهستانی بودند، افراد ما را در لهستان به قتل برسانند و علیه نیروهای شوروی که در حال نجات لهستان می باشند، دست به مبارزه جنایتکارانه بزنند. ما در این افراد ، متحدین دشمن مشترک خود را مشاهده می کنیم و مکاتبه های رادیویی با آقای میکولایچیک را که از جاسوسان مهاجر لهستانی ، توقیف شده در خاک لهستان، بدست آورده ایم ، نه تنها پرده از نقشه های پلید آنان برمیدارند، بلکه بر شخص آقای میکولاچیک و افراد او نیز سایه رسوایی می اندازند.

حالا دیگر تعویض و جابجایی وزارتی در دولت مهاجر لهستان مورد توجه جدی ما نمی باشد. تمام در جازدن این افراد مولود جدایی و دور افتادن آنها از پایگاههای ملی و عدم ارتباط آنها با ملت لهستان می باشد.

در عین حال ، کمیته ملی رهایی بخش لهستان در داخل کشور موفقیت های چشمگیری در تحکیم و تقویت سازمانهای ملی و دموکراتیک ، اجرای واقعی اصلاحات ارضی به سود کشاورزان و گسترش واحدهای ارتش لهستان به دست آورده و در پیشگاه ملت لهستان از اعتبار قابل اطمینانی برخوردار می باشد.

من معتقدم که وظیفه ما اکنون حمایت از کمیته ملی لهستان در لوبلین و پشتیبانی از کلیه کسانی است که مایل و مستعد به همکاری با آن می باشند. این امر برای متفقین که تسریع در شکست آلمانها را هدف قرار داده اند ،

دارای اهمیت ویژه ای می باشد.

۸ دسامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٦٨

خصوصی ومحرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

هر دو نامه مورخ ۲ دسامبر جنابعالی را دریافت نمودم. البته ، در عملیات خود علیه آلمانیها در یوگسلاوی ما باید هماهنگی و ثمر بخشی کامل را تأمین نماییم.

در مورد دریافت پیشنهاد ۲۹ نوامبر رؤسای ستادهای مشترک در زمینه تعیین مرز جدید عملیات نیروهای هوایی شوروی و متفقین در یوگسلاوی،گزارشهای لازم را به من تسلیم داشته اند. همانطور که ، احتمالاً ، اطلاع یافته اید ستاد کل فرماندهی مادر تاریخ ۳ دسامبر موافقت خود را نسبت به تعیین این مرز روی خط « سارایوو» ، « ماکرو» ، « ساکالاتس» ، « بابرون» ، « اوواتس» ، «پری یپوله» ، « سی ینیتسا » ، « پچ» از طریق پریلپ تا مرز جنوبی یوگسلاوی و سپس در امتداد مرز جنوبی بلغارستان با توجه به اینکه پچ و پریلپ در منطقه عملیاتی نیروی هوایی شوروی باقی خواهند ماند، اعلام داشته است.خیال می کنم که این مرز بتواند پاسخگوی نیازهای شما باشد.

من امیدوار هستم که نمایندگان نظامی ما بتوانند سایر این قبیل مسائل را بین

خود حل و فصل نمایند .

۸دسامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ٣٦٩

نامه خصوصی ومحرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ به خاطر ارسال هر دو تلگرام ۸ دسامبر شما که ما آنها را دقیقاً مورد مطالعه قرار خواهیم داد، از جنابعالی بسیار تشکر می کنم . ما باید اوضاع را طوری مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم که چنانچه حوادث جنبی از پیشرفت نه چندان مطابق با میل ما برخوردار گردید، روابط همیشگی و نیکخواهانه ما دچار تیرگی نگردد . پس از مشاوره با وزیر امور خارجه ، من برای جنابعالی درباره امور لهستان مجدداً تلگرامی مخابره خواهم کرد .

۲ـ به من گزارش می دهند که کارشناسان نظامی ما در حال تعیین خطوط منطقه بمبارانی می باشند.

پس از چند روز ، من دوباره برای جنابعالی مطلب خواهم نوشت. صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت پیروزی های ارتش شما در جنوب به حضورتان تقدیم می دارم.

۱۰ دسامبر سال ١٩٤٤

سند شماره ۳۷۰

خصوصی و محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

من ژنرال دوگل را در جریان نظر جنابعالی پیرامون برتری موافقتنامه سه جانبه انگلیس و فرانسه و شوروی در زمینه کمکهای متقابله قرار داده ام و عقیده خود را نسبت به پذیرش پیشنهاد شما بیان داشتم. اما ژنرال دوگل نسبت به انعقاد موافقتنامه دوجانبه فرانسه و شوروی تأکید و پافشاری می نماید و معتقد است که امضای قرارداد سه جانبه، به لحاظ نیاز به آمادگی بیشتر، به مرحله بعد مؤکول گردد.

مقارن با این مذاکرات، ما نامه ای از پرزیدنت دریافت داشتیم که ایشان طی آن عدم مخالفت خود را نسبت به عقد قرارداد دو جانبه بین فرانسه و شوروی اعلام کرده بودند. در نتیجه ما در خصوص انعقاد قرارداد دو جانبه موافقت بعمل آورده و امروز آن را به امضا رساندیم. متن قرارداد پس از ورود ژنرال دوگل به پاریس انتشار خواهد یافت.

من گمان می کنم که ملاقات با ژنرال دوگل منشأ آثار مثبتی بوده است که نه تنها سبب تحکیم روابط بین شوروی و فرانسه خواهد گردید، که ودیعه ای

در جهت نیل به هدف مشترک متفقین نیز خواهد بود .

۱۰ دسامبر سال ۱۹۴٤

سند شماره ۳۷۱

خصوصی و محرمانه
از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

۱ـ نامه جنابعالی را همراه با رونوشت نامه ای که برای مارشال تیتو ارسال فرموده اید، در یافت نمودم .

قبل از اظهار نظر پیرامون مسائلی که شما در نامه خود برای مارشال تیتو مطرح نموده اید، من علاقه مندم که دیدگاه شخصی مارشال تیتو را نسبت به این مسائل جویا شوم. من بیانات جنابعالی را مبنی بر اینکه دولتهای شوروی و بریتانیا در مسکو نسبت به اجرای سیاستی مشترک ، تا جایی که این امر مقدور باشد، در رابطه با یوگسلاوی به توافق رسیده اند، تأیید می نمایم. امیدوار هستم که شما بتوانید با مارشال تیتو به توافق رسیده و از موافقتنامه حاصله(۸٤) بین او و آقای شوباشیچ حمایت نمائید.

۲ـ نامه شما را درباره اژدر مدل تی ـ ۵ آلمانی دریافت نمودم. در واقع ، توسط ناوهای شوروی دو اژدر صوتی آلمانی به تصرف درآمده است که در حال حاضر متخصصین ما آنها را تحت مطالعه و بررسی خود قرار داده اند و ما اکنون متأسفانه نمی توانیم هیچ یک از آنها را به انگلستان ارسال نمائیم، زیرا هر دوی آنها در اثر انفجار آسیب دیده اند در نتیجه ما برای مطالعه و انجام

آزمایشهای لازمه خود ناگزیر به تعویض قطعات آسیب دیده یکی با دیگری می باشیم، در غیر این صورت انجام هیچ گونه مطالعه و آزمایشی بر روی این اژدر امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین دو امکان وجود دارد : یا نقشه ها و یادداشتهایی که بر اساس تحقیق و مطالعه برروی اژدر به دست می آید ، بیدرنگ برای هیئت نظامی بریتانیا ارسال گردد و متعاقباً ، پس از پایان آزمایشهای مربوطه، اژدر نیز در اختیار رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی بریتانیا قرار گیرد، یا کارشناسان بریتانیایی فوراً به اتحاد شوروی عزیمت نموده و در محل ، ضمن مطالعه و بازرسی قطعات و اجزای اژدر ، اقدام به عکس و نقشه برداری از آن نمایند . ما آماده ایم که هر یک از دو امکان فوق را در اختیار شما قرار دهیم.

۱٤ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۷۲

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به آقای استالین

به خاطر ارسال نامه مورخ چهاردهم جنابعالی در رابطه با امور یوگسلاوی از شما بسیار تشکر می کنم. من پاسخ آخرین نامه خود را هنوز از مارشال تیتو دریافت نداشته ام. به محض دریافت آن، بلافاصله جنابعالی را در جریان قرار خواهم داد.

دکتر شوباشیچ اطلاع می دهد که جنابعالی، وی و نماینده مارشال تیتو را که با او همراه بوده است متقاعد ساخته اید که دولتهای شوروی وبریتانیا در مناسبات با یوگسلاوی سیاست مشترکی را دنبال می کنند.

من اطمینان دارم که این امر در جهت حصول به یک موافقتنامه رضایتبخش بین مارشال تیتو و دولت یوگسلاوی بسیار مؤثر خواهد بود.

آقای ایدن با دکتر شوباشیچ ملاقاتی بعمل آورده است که طی آن دکتر درباره موافقتنامه (۸٤) حاصله بین خود و مارشال تیتو توضیحات جامعی را به اطلاع وی رسانیده است . اگر این موافقتنامه را با آن ضمائم و متمّماتی که مارشال تیتو به هنگام بازگشت دکتر شوباشیچ از مسکو به بلگراد مورد تأئید و موافقت قرار داه است تلفیق نماییم ، به نظر می آید که در کل بتوان آن را بعنوان پایه ای مطلوب و رضایتبخش برای ایجاد یک یوگسلاوی فدرال و نوین منظور نمود ، جایی که در آن تمام یوگسلاو های وفادار به حکومت وقت بتوانند به ایفای نقش خود بپردازند. من اطمینان کامل دارم که جنابعالی با این امر موافقت می فرمایید که مسئله مهم آن است که ملت یوگسلاوی در مجموع ، چه در زمینه مسئله پادشاهی و چه زمینه تدوین قانون اساسی حکومت فدرال نوین ، به محض اقتضای شرایط، از آزادی کامل برخوردار باشد. درسایه حسن نیت و رعایت قانون در بین یوگسلاوها، به نظر می رسد که موافقتنامه تیتو ـ شوباشیچ امکان اخذ تصمیم به طریقه آزاد راتأمین نماید.

در این هفته آقای ایدن ومن به منظور مذاکره درباره کلیات این مسئله ، با پادشاه دیدار خواهیم داشت و من البته نتیجه را به اطلاع جنابعالی خواهم رساند.

ضمناً ، کلیه این مسائل را من برای دولت ایالات متحده تشریح خواهم کرد، به امید آنکه بتوانم آن دولت را به حمایت از همان خطی که مورد تأیید ما است ، متقاعد سازم.

۱۹ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۷۳

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

من دیشب برای دومین بار فیلم « کوتوزوف» را که جنابعالی آن را به من هدیه فرموده اید ، نگاه کردم. باراول، هنگامی که این فیلم را نگاه می کردم، شادی و هیجان عمیقی مرا فراگرفته بود ، اما از آن روی که فیلم به زبان روسی بود من نتوانستم مفهوم دقیق تمام عملیات و صحنه ها را درک نمایم. من دیشب این فیلم را با رونویس انگلیسی که تمام فیلم را مفهوم ساخته بود ، مشاهده کردم و باید به جنابعالی بگویم که به عقیده من این فیلم یکی از باشکوه ترین فیلم هایی بوده است که من تاکنون دیده ام . تا به حال هیچگاه مبارزه دو جناح به این روشنی نشان داده نشده است. تا بحال هیچگاه کادر فیلم به این واضحی اعتقاد و وفاداری فرماندهان و سربازان را با این درجه از عمق و اهمیت

مجسم نکرده است. تا این لحظه، هیچوقت از طریق این نوع هنر ، سربازان و ملت روسیه این چنین افتخار آمیز به ملت بریتانیا معرفی نشده بودند.این چنین فیلمبرداری یی که سرشار و مشحون از این همه هنر بوده باشد، هیچگاه من ندیده ام.

چنانچه صلاح و شایسته بدانید که به نحوی مراتب شادی و سپاس مرا به کسانی که روی این اثر والای اخلاقی کار کرده و این فیلم هنری را ساخته اند ابلاغ بفرمایید ، من از شما ممنون خواهم شد . و فعلاً به این مناسبت به شما تبریک می گویم.

فکر کردن درباره این موضوع برای من جالب است که ما در آن جنگ و مبارزه مرگبار با هم بودیم، همینطور که در این جنگ سی ساله در کنار هم می باشیم. من خیال نمی کنم که شما این فیلم را به دوگل نشان داده باشید و گمان نمی کنم هنگامی که او به منظور عقد قرارداد، مشابه آنچه که بین شما و او و آنچه که بین ما و شما به امضا رسیده است، به اینجا مسافرت نماید ما فیلم « لیدی هامیلتون »(۸۵) را برای او به معرض نمایش بگذاریم.

بادرود

۱۹ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۷٤

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت روز تولد جنابعالی به حضورتان تقدیم می دارم. من معتقدم که وجود شما برای همه جهان و تقویت دائم رشته هائی که هر دو کشور ما را بهم پیوند می دهد، بسیار ارزشمند است. بنابراین هنگامی که من به مناسبت روز تولد جنابعالی آرزوهای خوب خود را بیان می کنم، این بمنزله یک تعارف و عبارت فریبنده نیست.

۲۰ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۷۵

نامه خصوصی و محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

ضمن پاسخگویی به نامه جنابعالی در رابطه با اژدر آلمانی ، باید به اطلاع شما برسانم که من کاملاً درک می کنم که ارسال فوری یکی از این اژدرها به انگلستان برای شما امکان پذیر نمی باشد. بنابراین من شق دوم از پیشنهاد شما را ترجیح می دهم، به عبارتی، کارشناسان بریتانیایی به منظور بررسی و مطالعه اژدر درمحل مربوطه، به اتحاد شوروی عزیمت نمایند. به من اطلاع داده اند که نیروی دریایی شوروی در نظر دارد که در اوایل ژانویه آزمایشهای خود را به انجام رساند و رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی بریتانیا معتقد است که

بسیار مناسب می باشد اگر افسری از رکن اطلاعات نیروی دریایی ما در معیت کاروان(۲) بعدی اعزام می گردید تا بتواند همزمان با شروع آزمایشهای مربوطه در آنجا حضور داشته باشد.

من از جنابعالی بخاطر کمکهایی که در این زمینه مبذول خواهید فرمود، بسیار سپاسگزارم و از رکن اطلاعات و عملیات نیروی دریایی مان می خواهم که از طریق هیئت نمایندگی بریتانیا توافق های لازمه را در مورد جزئیات امر بعمل آورد .

۲۳ دسامبر سال ۱۹٤٤

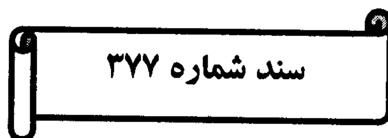
سند شماره ۳۷٦

نامه فوری،خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من موقعیت در غرب را نامطلوب نمی دانم، اما به خوبی روشن است که آیزنهاور بدون اطلاع از چگونگی نقشه های شما قادر به حل مسائل خود نمی‌باشد. هنگام مذاکره و تبادل نظر با پرزیدنت روزولت، ایشان پیشنهادی مبنی بر اعزام یک افسر کاملاً ذیصلاح را از طرف ستاد به سوی شما ارائه دادند، منظور از این اعزام ، آشنایی با نظریات شما است که در امر فرماندهی برای ما ضرورت خواهد داشت . آگاهی از برنامه ها و از زمانبندی اجرای عملیات شما، بدون شک، برای ما بسیار مهم خواهد بود. اطمینان ما از حملاتی که ارتش روسیه انجام می دهد، به گونه ای است که ما هیچگاه از پیش سئوالی

را در برابر شما مطرح نساخته ایم و حالا هم معتقدیم که به پاسخی مطلوب و آرام بخش دست خواهیم یافت ; اما باتوجه به حفظ و رعایت جوانب محرمانه کار اعتقاد داریم که جنابعالی اظهار تمایل خواهید فرمود که قبل از آنکه این اطلاعات را از طریقه های دیگری برای ما ارسال بفرمایید ، ابتدا افسر کاملاً مورد اعتماد را در جریان اطلاعات مزبور قرار دهید.

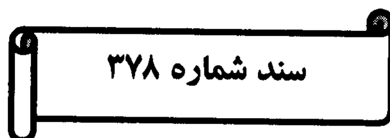
۲٤ دسامبر سال ۱۹٤٤



نامه خصوصی
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

از جنابعالی به خاطر تبریکات و آرزوهای خوبی که به مناسبت روز تولد اینجانب ابراز فرموده اید تشکر می کنم. فرمایشهای دوستانه جنابعالی همواره برای من بسیار گرانبها بوده است.

۲۵ دسامبر سال ۱۹٤٤



خصوصی از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

بدیهی است که من امضای قرارداد بین انگلیس و فرانسه را تبریک خواهم گفت.

من تحسین جنابعالی را درباره فیلم سینمایی « کوتوزوف» بسیار گرامی می‌دارم و فراموش نخواهم کرد که ارزیابی جنابعالی را در خصوص این فیلم به اطلاع کسانی که به تهیه و ساخت آن پرداخته اند ، برسانم .

بهترین آرزوهای خوب خودرا تقدیمتان می دارم.

۲۵ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۷۹

خصوصی و محرمانه
از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را در مورد عزیمت افسری ذیصلاح از سوی ژنرال آیزنهاور به مسکو دریافت نمودم .

من پرزیدنت را در جریان موافقت خود در این زمینه که آماده ام با افسر مذکور تبادل اطلاعات نمایم، قرارداده ام.

۲۵ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۸۰

خصوصی و محرمانه

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

من نامه جنابعالی را با این مضمون که شما ترجیح داده اید، کارشناسان بریتانیایی را به منظور مطالعه و بررسی اژدر آلمانی در محل، به اتحاد شوروی اعزام بفرمایید، دریافت نمودم.

در رابط با این مسئله، دستورات لازم جهت مقامهای نظامی مربوطه شوروی صادر گردیده است.

۲۷ دسامبر سال ۱۹٤٤

سند شماره ۳۸۱

خصوصی و محرمانه

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

۱ـ قطعاً جنابعالی آگاهی یافته اید که شورای ملی لهستان در لوبلین نسبت به تغییر کمیته ملی رهایی بخش لهستان به دولت موقت ملی جمهوری لهستان اخذ تصمیم نموده و مراتب را منتشر ساخته است. مناسبت ما با کمیته ملی لهستان که به اعتقاد ما این کمیته اکنون در لهستان از اعتبار فراوانی برخوردار بوده و بیان کننده اراده ملت لهستان است، برای شما بخوبی روشن می باشد .

تبدیل کمیته ملی لهستان به دولت موقت لهستان برای ما کاملاً مفهوم است ، بخصوص پس از آنکه میکولایچیک از هیئت دولت مهاجر لهستان بیرون رفت و آن دولت را از هویت خارج ساخت. من خیال می کنم که لهستان را نباید بدون دولت گذاشت. در رابطه با این مسئله ، دولت شوروی موافقت خود را نسبت به شناسایی دولت موقت لهستان اعلام داشته است.

من بسیار متأسفم که نتوانستم جنابعالی را به صحت موضع گیری دولت شوروی در ارتباط با مسئله لهستان کاملاً متقاعد سازم. اما من هنوز امیدوار هستم که رویدادهای آینده نشان دهد که شناسایی ما از دولت لهستان در لوبلین پاسخگوی منافع مشترک متفقین بوده و در تسریع شکست آلمان کمک خواهد کرد.

جهت استحضار جنابعالی ، دو نامه ای را که برای پرزیدنت درباره مسئله لهستان مخابره کرده ام، ضمیمه می نمایم.

۲ــ من اطلاع یافتم که پرزیدنت با جنابعالی در زمینه انجام یک ملاقات سه جانبه فیمابین ما ، در اواخر این ماه یا در اوایل فوریه، موافقت کرده اند. من خوشحال خواهم شد که شما و پرزیدنت را در منطقه ای از کشورمان ملاقات نمایم و به موفقیت این دیدار و کار مشترکمان هم امیدوار می باشم.

فرصت را مغتنم شمرده،سال نو را به جنابعالی تبریک گفته وبرایتان پیروزی

و سلامتی کامل آرزو می نمایم

۳ ژانویه سال ۱۹٤٥

خصوصی و محرمانه از استالین نخست وزیر به فرانکلین روزولت رئیس جمهور

نامه جنابعالی را درباره امور لهستان در تاریخ ۲۰ دسامبر دریافت نمودم.

در خصوص آنچه که به اطلاعیه مورخ ۱۸ دسامبر آقای «استتی نوس»(۸٦) ارتباط می یابد ، باید به اطلاع برسانم که من ترجیح می دهم که دیدگاههای خود در این زمینه را به هنگام ملاقات اختصاصی یمان بیان نمایم . به هر حال ، اکنون در لهستان رویدادها بطرز چشمگیری به مراتب بیش از آنچه که در اظهارات آقای استتی نوس انعکاس یافته ، فراتر رفته است.

وقایع متعددی که پس از آخرین دیدار آقای میکولایچیک از مسکو روی داده است ، از جمله نامه های دولت میکولایچیک به اداره رادیو که توسط افراد ما از تروریست های توقیف شده در لهستان که نقش جاسوسان مخفی دولت مهاجر لهستان را بازی می کرده اند بدست آمده است ، در نهایت روشنی ثابت می کند که مذاکرات آقای میکولایچیک با کمیته ملّی لهستان به منزله پوششی برای آن عناصری بوده است که از پشت سر میکولایچیک علیه افسران و سربازان روسی در خاک لهستان دست به اعمال جنایتکارانه تروریستی زده اند . ما نمی توانیم تحمل کنیم که تروریست های تحریک شده بوسیله مهاجران لهستانی ، سربازان و افسران ارتش سرخ را به هلاکت برسانند و علیه نیروهای شوروی که در حال نجات لهستان می باشند ، دست به مبارزه

جنایتکارانه بزنند و مستقیماً به دشمنان ما که عملاً بصورت متحدان آنها درآمده‌اند ، کمک نمایند . تعویض میکولایچیک با « آرتسی شوسکی» و کلاً جابجایی وزراء در دولت مهاجر لهستان اوضاع را به مراتب وخیم تر ساخته و اختلاف های عمیقی را بین لهستان ودولت مهاجر بوجود آورده است.

در این میان ، کمیته ملی لهستان در تحکیم دولت لهستان و دستگاه حکومت دولتی مستقر در خاک لهستان ، در گسترش و تقویت نیروهای لهستان ، در اجرای عملی اقدامهای مهم دولتی که در مرحله اول می توان اصلاحات ارضی به سود کشاورزان را نام برد ، به موفقیت های مهمی دست یافته است . تمام این عوامل سبب تمرکز یافتن نیروهای دموکراتیک لهستان و افزایش سریع اعتبار کمیته ملّی در میان توده های عظیم ملّی لهستان در داخل کشور و محافل گسترده اجتماعی لهستان در خارج از کشور گردیده است .

به اعتقاد من ، ما اکنون باید تمایل به آن داشته باشیم که از کمیته ملی لهستان و از تمام کسانی که علاقه و استعداد همکاری با این کمیته را دارا می‌باشند پشتیبانی بعمل آوریم ، زیرا که این امر بخصوص برای متفقین و برای حل مسئله عمومی ما که تسریع در شکست آلمان هیتلری است ، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد . برای اتحاد شوروی که بخاطر رهائی لهستان از اشغالگران آلمانی تمام سختی ها و مصائب مبارزه را تحمل می نماید ، در شرایط کنونی ، مسئله مناسبات متقابل با لهستان ، مسئله برقراری رابطه دائم و نزدیک و دوستانه با حکومتی است که توسط ملت لهستان در خاک لهستان بوجود آمده و اکنون به قدرت و استحکامی رسیده که توانسته است برای خود قوایی تشکیل دهد که بتواند همراه با ارتش سرخ علیه آلمانیها به مبارزه برخیزد.

من صراحتاً باید بگویم که چنانچه کمیته ملی رهایی بخش لهستان به دولت موقت لهستان تبدیل گردد ، در آنصورت با توجه به اظهارات فوق ، دولت شوروی دلیلی برای به تعویق سپردن مسئله شناسایی آن دولت در دست نخواهد داشت . باید در نظر گرفته شود که در تحکیم و تقویت لهستان متحد و دموکراتیک ، اتحاد شوروی بیش از هر دولت دیگری ابراز علاقه نشان می‌دهد، البته این تنها نه از آن جهت است که اتحاد شوروی بار سنگین مشکلات مبارزه در راه آزادی و نجات لهستان را بر دوش دارد ، بلکه از آن جهت است که اتحاد شوروی با لهستان دارای مرزهای مشترک می باشد و مسئله لهستان از مسئله امنیت اتحاد شوروی جدا نمی باشد . همچنین باید اضافه نمایم که پیروزی های ارتش سرخ در لهستان در مبارزه با آلمانیها از بسیاری جهات به داشتن پشت جبهه ای آرام و مطمئن بستگی دارد که کمیته ملی لهستان این شرایط را بطور کامل و دقیق رعایت می کند ، حال آنکه دولت مهاجر و جاسوسان مخفی او با اعمال و اقدامات تروریستی خود خطر یک جنگ داخلی در لهستان و در پشت جبهه ارتش سرخ را فراهم می سازند که باعث عدم موفقیت این ارتش خواهد شد.

ازطرفی . در صورت ایجاد شرایط مقتضی در لهستان موردی برای ادامه سیاست حمایت از دولت مهاجری که تمام اعتبار خود را نزد مردم لهستان از دست داده و خطر بروز جنگ داخلی در لهستان و در پشت جبهه ارتش سرخ را تقویت می نماید و از این طریق منافع مشترک ما را در مبارزات پیروزمندانه علیه آلمانیها دچار خلل می سازد، باقی نخواهد ماند.

من خیال می کنم که برای کار مشترک ما طبیعی ، عادلانه و سودمند خواهد بود ، اگر دولت های کشورهای متفق اکنون به عنوان اولین گام مبادرت به تبادل نماینده با کمیته ملی لهستان نمایند و پس از مدتی ، بعد از انتقال کمیته ملی به دولت موقت لهستان ، آن را به عنوان دولت قانونی لهستان مورد شناسایی قرار دهند. در غیر این صورت نگران از آن می باشم که اعتماد ملت لهستان نسبت به دولتهای متفق احتمالاً تضعیف گردد . من فکر می کنم که ما نباید ملت لهستان را به بیان این مطلب که ما منافع لهستان را قربانی منافع عده ای مهاجر لهستانی لندن نشین کرده ایم ، تشویق و ترغیب نماییم .

۲۷ دسامبر سال ١٩٤٤

خصوصی و محرمانه
از آقای استالین نخست وزیر به آقای روزولت رئیس جمهور

نامه ۳۱ دسامبر جنابعالی را دریافت نمودم.

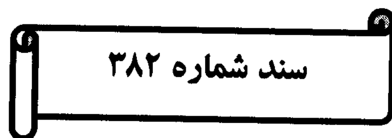
من بسیار متاسفم که نتوانستم جنابعالی را در صحت موضع گیری دولت شوروی نسبت به مسئله لهستان متقاعد سازم. به هر حال ، من امیدوار هستم که حوادث آینده این باور و اطمینان را به شما بدهد که کمیته ملی لهستان همواره در امر مبارزه علیه آلمان هیتلری کمک های مهّمی را نسبت به متفقین و از جمله به ارتش سرخ انجام داده و می دهد ، در حالی که دولت مهاجر مستقر در لندن سعی در انحراف و از هم پاشیدگی این مبارزه را داشته و از این طریق به آلمانیها مساعدت می نماید.

البته ، پیشنهاد جنابعالی مبنی بر تعویق شناسایی دولت موقت لهستان برای مدت یک ماه توسط اتحاد شوروی ، برای من کاملاً روشن است ، اما در اینجا شرایط به گونه ای شکل گرفته است که مرا در برابر انجام خواسته جنابعالی فاقد قدرت ساخته است.

مسئله در اینست که ۲۷ دسامبر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در پاسخ به پرسش مربوط به لهستانیها اطلاع داده است که به محض تشکیل دولت موقت لهستان ، شورای عالی آن را به رسمیت خواهد شناخت . این شرایط مرا در انجام خواسته شما ناتوان کرده است.

اجازه بفرمائید سال نو را به حضور جنابعالی تبریک گفته و برای جنابعالی آرزوی تندرستی و پیروزی نمایم.

اول ژانویه سال ۱۹٤۵



نامه خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- این نامه در پاسخ به نامه خصوصی و محرمانه مورخ ۳ ژانویه سال ۱۹٤۵ جنابعالی می باشد.

از مخابره رونوشت دو نامه ارسالی برای رئیس جمهور آمریکا پیرامون مسئله لهستان از جنابعالی تشکر می کنم.

البته ، من و همکارانم در کابینه نظامی از شرایط بوجود آمده که معلول رویدادهاست ،متأثر می باشیم . من به روشنی دریافته ام که بهترین ها آنست که ما با هم دیداری سه جانبه داشته باشیم که طی آن بتوانیم کلیه این امور را نه تنها بعنوان مسائل تفکیکی ، بلکه بعنوان مسائل ذیربط با اوضاع عمومی بین‌المللی ،چه در رابطه با جنگ و چه در رابطه با نیل به صلح ، مورد بحث و بررسی قرار دهیم . ضمناً ، مواضع ما همانطور که برای جنابعالی روشن می‌باشد،تغییری نیافته است.

۲-من در انتظار این مهمترین دیدارها می باشم و خرسندم از اینکه رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا آماده انجام این مسافرت می باشند. ما قرارگذاشته ایم چنانچه شما موافقت بفرمائید کلمه «آرگوناوت»(۸۷) را بعنوان کلمه رمز برگزینیم و امیدوارم که افراد شما هر خبری را که مسئولین مربوطه در مورد بررسی اقدامهای مقدماتی این سفر مبادله می کنند، با استفاده از این علامت رمز مورد عملکرد قرار دهند.

۳-من اکنون پس از بازدیدهای جداگانه از ستاد ژنرال آیزنهاور و ستاد فیلد مارشال مونتگمری ، مراجعت نمودم . نبرد در بلژیک حالت بسیار سخت و شدیدی را به خود گرفته است . لکن معتقدند که ما بر اوضاع مسلط می باشیم. حمله انحرافی آلمانیها در الزاس مشکلاتی را در رابطه با فرانسویان بوجود آورده و آلمانیها قصد دارند که نیروهای آمریکایی را متوقف سازند . من مانند گذشته ، هنوز بر این عقیده می باشم که نفرات و سلاح ارتش های متفقین با همکاری و همیاری نیروی هوایی ، روندداشت » (فیلد مارشال روندداشتت فرمانده کل قوای آلمانی در غرب – مترجم)را با همه اقدامهای شجاعانه خود

و تشکیلات خوبی که به منظور شکست جبهه ما سازماندهی کرده است ، اجباراً دچار تأسف خواهند کرد و احتمالاً بندر «آنت ورپن» را که اکنون از اهمیت مهم حیاتی برخوردار است ، فتح خواهند کرد.

٤- به مناسبت سال نو ، من هم متقابلاً آرزوهای قلبی خود را تقدیم حضورتان می دارم.باشد که سال جدید به رنج و عذاب ملت های بزرگی که ما برایشان خدمت می کنیم خاتمه داده و برای ایشان صلحی پایدار به ارمغان آورد که ضمانت مشترک ما قوام بخش آن باشد.

۵ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۸۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه

چرچیل به مارشال استالین

در غرب مبارزات بسیار شدیدی در جریان است که هر لحظه از جانب فرماندهی کل امکان اخذ تصمیماتی مهم پیش بینی می شود.

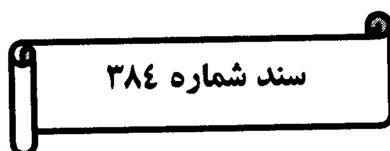
جنابعالی بنابر تجارب شخصی خود نیک می دانید که هنگامی که برای مدتی ابتکار عمل از دست خارج می شود و سپس لازم می آید که از جبهه ای بسیار وسیع و گسترده دفاع بعمل آید ، شرایط تا چه اندازه هیجان زا و اضطراب آور می شود.

برای ژنرال آیزنهاور بسیار ضروری و پراهمیت است که در نقشه و خطوط کلی بدانند که شما چه راه و طریقی را برای اجرا پیشنهاد می فرمایید ، زیرا که این امر بطور یقین در کلیه تصمیمات مهم او و ما انعکاس پیدا خواهد کرد.

بنابر گزارشهای رسیده ، فرستاده ویژه محرمانه ما «تدر» ، مارشال کلّ نیروی هوایی ، دیشب به علت بدی هوا در قاهره توقف کرده است. سفر وی ، بی آنکه علت تأخیر آن به شما بستگی داشته باشد، بسیار طولانی شده است . چنانچه او هنوز به حضور جنابعالی نائل نیامده است ، ممنون شما خواهم شد اگر به من اطلاع بفرمایید که آیا ما می توانیم نسبت به انجام یک حمله بزرگ روسی در جبهه ویسلا و یا در جبهه‌ای دیگر ، در ژانویه و یا موعد دیگری که احتمالاً جنابعالی به آن اشاره خواهید فرمود ، چشم امید داشته باشیم ؟ من این خبر بسیار محرمانه را بجز برای فیلد مارشال بروک و ژنرال آیزنهاور ، آن هم در صورت حفظ آن بعنوان یک راز بسیار محرمانه ، برای هیچ شخص دیگری فاش نخواهم کرد.

من این امر را فوری می دانم .

۶ ژانویه سال ۱۹۴۵



خصوصی و فوق العاده محرمانه

ازآقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

۷ ژانویه، شب هنگام، نامه ۶ ژانویه سال ۱۹۴۵ جنابعالی را دریافت نمودم.

متأسفانه، آقای تدر، مارشال کل نیروی هوایی هنوز وارد مسکو نگردیده است.

استفاده از توپخانه و نیروی هوایی برتر ما علیه آلمانیها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این زمینه ، وجود هوای صاف و روشن برای نیروی هوایی و مه نبودن هوا در سطح پایین که برای توپخانه در موقع نشانه روی آتش ایجاد مزاحمت می کند، از شرایط لازم می باشد. ما برای حمله در حال آمادگی می‌باشیم، اما در حال حاضر برای اجرای این حمله، هوا مساعد نمی باشد. با وجود این ،با در نظر گرفتن موقعیت متفقین ما در جبهه غرب، ستاد عالی فرماندهی کل تصمیم گرفته است که این آمادگی رابا سرعتی بیشتر به پایان رسانده و بدون توجه به وضعیت هوا عملیات تهاجمی گسترده ای را علیه آلمانیها در تمامی سطح جبهه مرکزی که موعد آن دیرتر از نیمه دوم ماه ژانویه نخواهد بود، به مرحله عمل درآورد .

تردیدی نداشته باشید که ما آنچه را که مقدور باشد برای کمک به نیروهای افتخار آفرین متفقین مان انجام خواهیم داد.

۷ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۸۵

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ــ من از جنابعالی به خاطر نامه هیجان انگیزی که مخابره فرموده اید، بسیار سپاسگزارم. من آن را برای ژنرال آیزنهاور، فقط جهت اطلاع شخصی وی ارسال نمودم. پیروزی کامل قرین اقدامات جوانمردانه شما باد!

۲ــ نبرد در غرب چندان بد هم پیش نمی رود. احتمال زیاد دارد که این هون ها با تلفات بسیار سنگینی از جایگاههای خود به بیرون ریخته شوند. این پیکار را عمدتاً آمریکاییها اداره می کنند و با وجودی که نیروهای آنان متحمل تلفات فراوانی شده اند، ولی عالی مبارزه می کنند. ما وآمریکائیان تمام آنچه را که در امکان داریم، صرف مبارزه می کنیم. مژده ای را که جنابعالی به من داده‌اید، باعث دلگرمی و امیدواری فراوان ژنرال آیزنهاور خواهد شد، زیرا این خبر مسرت بخش به او اطمینان می دهد که آلمانیها ناگزیر خواهند بود که ذخیره‌های خود را بین دو جبهه سوزان و مشتعل تقسیم نمایند. در نبرد غرب، بنابر اظهار ژنرال هایی که فرماندهی آن را عهده دار می باشند، وقفه ایجاد نخواهد شد.

۹ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۸٦

خصوصی و محرمانه

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

من موافقم که کلمه "آرگوناوت" ،(۸۷)همانطور که جنابعالی در نامه پنجم ژانویه خود پیشنهاد فرموده اید، به عنوان کلمه رمز در همه مکاتبات و اطلاعات مربوط به ملاقاتمان مورد استفاده قرار گیرد.

در رابطه با پیشنهاد دریافتی از سوی پرزیدنت، از شما تقاضا می کنم موافقت بفرمایید که بتوان محل ملاقات را در یالتا و تاریخ برگزاری آن را دوم فوریه تعیین نمود.

۱۰ ژانویه سال ۱۹٤٥

سند شماره ۳۸۷

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-آقای ایدن و من چندین بار به منظور متقاعد ساختن پادشاه پیتر سعی وافر بعمل آوردیم.لکن او جوان خودکامه ای است که فکر می کند موافقتنامه تیتو - شوباشیچ(٨٤) برای وی به منزله کناره گیری واقعی از سلطنت است. اعلامیه ای که اکنون توسط او انتشار یافته است،(۸۸) بدون مشورت با ما و حتی علیرغم توصیه ها و رهنمود های ما صورت گرفته است. او تصور می کند

که چنانچه خود را در طول چند سال آینده از کلیه رویدادهایی که در یوگسلاوی به وقوع خواهد پیوست کنار بکشد، در آن صورت سپیده دم زندگانی او طلوع خواهد کرد. به اعتقاد من ، او نسبت به جنابعالی احساس علاقه و شیفتگی بیشتری دارد تا نسبت به هر یک از ما.

۲-من پیشنهاد می کنم که ما اکنون موافقتنامه تیتو- شوباشیچ را بدون در نظر گرفتن نظریه های پادشاه پیتر دوم به مورد اجرا در آوریم. اعلامیه او بدون مشورت با هیچ نخست وزیری صادر گردیده است و از آن جهت که او بعنوان پادشاه حکومت مشروطه سخن گفته است، طبیعتاً اعلامیه او را نباید به منزله یک سند دولتی تلقی نمود.

این به آن معنا است که ما فکر و اندیشه مربوط به شناسایی دولت مارشال تیتو را تحت ریاست نیابت سلطنت به عنوان دولت پادشاهی یوگسلاوی و اعزام سفیر به بلگراد و متقابلاً پذیرش سفیر از آن کشور را تأیید می نماییم. من امیدوار هستم که جنابعالی تا آن موقعی که ملت یوگسلاوی هنوز به طور آزاد و خود مختار به تجلی اراده خود نپرداخته است، این امر را بعنوان راه حلی مناسب جهت خارج شدن از وضعیت پیچیده موجود مورد پذیرش قرار بدهید.

۳-البته، قبل از آنکه درباره این مسئله ما بتوانیم به اظهار نظر قطعی بپردازیم، ایالات متحده را باید از موضوع با خبر سازیم، زیرا چنانچه آنها از این امر بی‌اطلاع باقی بمانند، بسیار آزرده خاطر خواهند شد. البته، ما به هیچ وجه وظیفه نداریم که با تصمیم آنان موافقت نماییم. من قبل از آنکه برای مارشال تیتو خبری را مخابره نمایم، برای جنابعالی تلگرام ارسال خواهم کرد، البته، از

مارشـال تیـتو خـواهم خواست که برای دریافت اطلاعیه ای که پس از مشورت با دولت شوروی برای او ارسال خواهم داشت، در انتظار باقی بماند.

۱۱ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۸۸

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

در پاسخ به تلگرام ۱۰ ژانویه جنابعالی.

اُکِی.(۸۹)

با اهدای بهترین آرزوها.

۱۲ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۸۹

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامـه شما را در باره مسئله یو گسلاوی دریافت نمودم. به خاطر ارسال خبر از جنابعالی تشکر می کنم.

بـا پیشـنهاد شـما مبنـی بـر بـه اجرا در آوردن موافقتنامه تیتو- شوباشیچ (۸٤) مـوافقم. امـا، در عـین حـال، مـا مشکلات احتمالی این کار را نیز از پیش خاطر نشان می سازیم. امیدوارم که جنابعالی تا این لحظه پرزیدنت را با اطلاع

ساخته باشید.

۱۳ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۹۰

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- از لحظه ارسال تلگرام ۱۱ ژانویه این جانب برای جنابعالی درباره یوگسلاوی، تحولی تازه به این شرح رخ داده است که آقای شوباشیچ با اتکاء بر این اساس که پادشاه پیتر در اصل موافقتنامه(۸٤) را مورد پذیرش قرار داده است، سعی در روشنگری این مطلب دارد که آیا می توان راهی را برای نادیده گرفتن اعتراضات پادشاه جستجو نمود. بدون تردید، ما باید، پیش از پرداختن به هر عملی، فرصت انجام این مهم را برای آقای شوباشیچ فراهم آوریم شاید که او خود بتواند به حل این معضل فائق آید.

۲-پادشاه پیتر توصیه آقای ایدن را مورد توجه قرار داده و دست کم در زمینه این مسئله مهم نشان داد که او در واقع بانیابت سلطنت هیچ مخالفتی ندارد، بلکه فقط نسبت به فرم و قالبی که نیابت سلطنت در آن پیشنهاد و گنجانیده شده معترض است. این نشان می دهد که اختلاف نظر بین شوباشیچ و پادشاه، احتمالاً لاینحل باقی نخواهد ماند.

۳-من جنابعالی را از نتایج حاصله، هر چه سریعتر، با اطلاع خواهم ساخت.

۱٤ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۹۱

خصوصی و کاملاً محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

من امروز با مارشال تدر و ژنرال های همراه او ملاقات داشتم. به نظر می رسد که تبادل اطلاعات دو جانبه به اندازه کافی جامع باشد که مارشال تدر بتواند آنها را به حضور جنابعالی گزارش نماید. باید بگویم که مذاکره با مارشال تدر برای من بسیار جالب و ثمر بخش بوده است.

بدون توجه به وضعیت نامساعد هوای جوی، حمله نیروهای شوروی طبق برنامه پیش بینی شده پیش می رود. تمام نیروهای مستقر در سراسر جبهه مرکزی از کارپات تا دریای بالتیک وارد عمل شده اند. آلمانیها بطور جنون آمیزی مقاومت نشان می دهند، اما آنها مجبور به عقب نشینی خواهند شد. من امیدوار هستم که این وضعیت، انجام حمله ای را که ژنرال آیزنهاور در جبهه غرب در نظر گرفته است، تسهیل و تسریع نماید.

۱۵ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۹۲

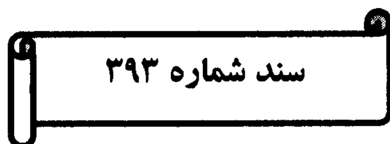
خصوصی و محرمانه

از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه ۱٤ ژانویه شما را درباره مسئله یوگسلاوی دریافت کردم.

باید خاطر نشان سازم که من علتی برای به تعویق انداختن اجرای تصمیمی که راجع به آن در نامه گذشته به استحضار جنابعالی رسانده ام، مشاهده نمی نمایم. به اعتقاد من، زمان را نباید از دست داد و نبایستی کارها را زیر آزمایشی برد که با انواع رشته ها بسته شده است.

۱۶ ژانویه سال ۱۹٤٥



سند شماره ۳۹۳

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

موضوع درباره یوگسلاوی است.

نامه ۱۳ ژانویه شما را در پاسخ به نامه ۱۱ ژانویه خود دریافت نمودم. از جنابعالی بسیار متشکرم. من در تاریخ چهاردهم نامه ای برای جنابعالی ارسال داشتم که حالا مورد زیر را نیز به آن اضافه می نمایم:

بنابه پیشنهاد ما، اکنون پادشاه پیتر به اتفاق دکتر شوباشیچ در حال بحث و بررسی پیرامون یافتن راه حلی برای پذیرش موافقتنامه تیتو — شوباشیچ (۸٤) می‌باشند.

من فکر می کنم که ما باید برای آنها مهلت بیشتری قائل شویم تا آنها بتوانند بین خود به توافق برسند.

۱۶ ژانویه سال ۱۹٤٥

سند شماره ۳۹٤

تاریخ دریافت نامه ۱۷ ژانویه سال ۱۹٤۵

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی !

سفیر اسپانیا در لندن، اخیراً نامه ای را که درباره مناسبات بین انگلیس و اسپانیا از ژنرال فرانکو دریافت کرده، برای من ارسال داشته است.

من به گونه ای به ژنرال فرانکو پاسخ گفته ام که این امر، پس از ارزیابی دقیق کابینه نظامی ما، مورد تأیید کامل کابینه قرار گرفته است.

من و همکارانم فکر می کنیم که مطالعه این نامه ها مورد توجه جنابعالی واقع خواهد شد، بخصوص آنکه در آنها سخن از دوستی بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به میان آمده است، بنابراین من این دو نامه را جهت اطلاع شما ضمیمه می نمایم.(۹۰)

ارادتمند شما ـ وینستون چرچیل

سند شماره ۳۹۵

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من از شما به خاطر ارسال نامه بسیار تشکر می کنم و چقدر خوشحالم که تدر ، مارشال نیروی هوایی ما تا این اندازه بر روحیه جنابعالی اثر مطلوب گذاشته است.

به نام دولت اعلیحضرت و از صمیم قلب مراتب قدردانی و تبریکات خود را به مناسبت حمله عظیمی که در جبهه شرق آغاز کرده اید، به حضورتان تقدیم می دارم.

حالا بدون شک، نقشه های ژنرال آیزنهاور که تا چه اندازه اجرای آنها به علت تهاجم بازدارنده « رونداشتت » معوق مانده بود، برای شما روشن شده است. من اطمینان دارم که در سراسر جبهه های ما نبرد بدون وقفه ادامه خواهد داشت.

ارتش بیست و یکم بریتانیا تحت فرماندهی فیلد مارشال مونتگمری امروز در منطقه جنوبی رئور ماندحمله خود را آغاز نمود.

۱۷ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۹٦

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

از ارسال نامه ١٦ ژانویه شما در خصوص مسئله یوگسلاوی تشکر می کنم.

در عین حال خوشحال خواهم شد اگر جنابعالی موافقت بفرمایید که ما به مدت چند روز هیچگونه اقدامی در این زمینه به عمل نیاوریم.

دکتر شوباشیچ و کابینه او تمام تلاش خود را جهت آگاه ساختن پادشاه پیتر نسبت به درک وظایف مشروطه وی بکار می برند تا بدین ترتیب، اصولاً، موافقتنامه (٨٤)را به همان شکلی که می باشد حفظ نمایند.اگر آنها به این امر توفیق یابند، یقیناً این مسئله کار ما و اطمینان دارم که کار آمریکاییها را نیز آسان خواهد کرد. من با شما در زمینه سرعت بخشیدن به اجرای این کار موافقم و در همین راستا عمل می کنم.

۱۷ ژانویه سال ١٩٤٥

سند شماره ۳۹۷

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من پیشنهاد می کنم که به نمایندگان مطبوعات اجازه ورود به « آرگوناوت »(۸۷) داده نشود، اما هر یک از ما می تواند به منظور انجام کارهای

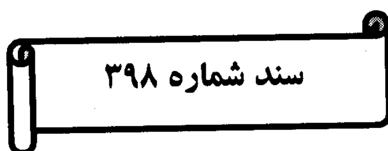
عکاسی و فیلمبرداری حداکثر سه الی چهار نفر را در لباس عکاسان نظامی همراه خود داشته باشد.

عکس ها و فیلم ها در موقعی باید انتشار یابد که ما این امر را لازم تشخیص دهیم.لطفاً، به من اطلاع بفرمایید که آیا جنابعالی با این پیشنهاد موافقید؟

البته، ما یک یا چند اعلامیه معمولی را که مورد موافقت قرار گرفته خواهد شد، منتشر خواهیم ساخت.

من تلگرام مشابهی را نیز برای پرزیدنت روزولت مخابره خواهم کرد.

۲۱ ژانویه سال ۱۹٤۵



خصوصی و محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

تلگرام ۲۱ ژانویه شما را دریافت کردم.

با پیشنهاد جنابعالی دایر بر عدم حضور نمایندگان مطبوعات در آرگوناوت (۸۷) موافقم و با این امر که از جانب هر یک از طرفین چند نفر عکاس اجازه حضور داشته باشند، مخالفتی ندارم.

چنین جوابی را هم در پاسخ به پرسش پرزیدنت، برای ایشان مخابره کرده ام.

۲۳ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۳۹۹

نامه خصوصی و محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

پادشاه پیتر بی آنکه ما را از قصد خود آگاه سازد دیشب شوباشیچ و کابینه او را بر کنار کرد.

ما به دکتر شوباشیچ اطلاع خواهیم داد که اقدام پادشاه در عزم و تصمیم دولت سلطنتی انگلستان در به اجرا در آوردن موافقتنامه تیتو-شوباشیچ(۸٤) تأثیری نخواهد داشت و بر این اساس ما آماده انتقال او و دولت وی به بلگراد می باشیم.

من پیشنهاد می کنم که اکنون جا دارد سه دولت بزرگ نسبت به تحقق بخشیدن موافقتنامه تیتو – شوباشیچ اخذ تصمیم نموده و به تیتو اطلاع داده شود که چنانچه او با شوباشیچ و دولت وی دربه اجرا در آوردن موافقتنامه مزبور به توافق برسند، سه دولت بزرگ، دولت متحد و مؤتلفی را که بر طبق موافقتنامه مذکور تشکیل خواهد شد، به رسمیت خواهند شناخت و با حضور شورای نیابت سلطنت اقدام به تعیین سفیر خواهند نمود. من همچنین پیشنهاد می دهم که قبل از تشکیل این دولت ائتلافی، هر دولتی که به تنهایی توسط پادشاه پیتر تعیین خواهد شد و یا به تنهایی بوسیله شخص مارشال تیتو اعلام موجودیت خواهد کرد، به رسمیت شناخته نشود.

من این پیشنهاد را به دولت ایالات متحده نیز تسلیم خواهم کرد و امیدوارم که شما آن را از طرف خود مورد موافقت قرار دهید.ضمناً ، به محض

مشخص شدن عکس العمل و واکنش آمریکاییها نسبت به این قضیه، من جنابعالی را در جریان امر قرار خواهم داد تا بتوانیم نسبت به انجام عملیات همزمان، هماهنگی بعمل آوریم.

۲۳ ژانویه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٠٠

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۳ ژانویه شما را درباره یوگسلاوی دریافت کردم.

با این مسئله که موافقتنامه تیتو – شوباشیچ،(۸٤) همانطور که این امر بین آنها مقرر گردیده است، باید بی هیچ وقفه ای به مورد اجرا گذاشته شود و سه دولت بزرگ آن دولت ائتلافی را به رسمیت بشناسند موافقم و فکر می کنم که هیچگونه قید و شرطی را نباید برای اجرای این برنامه مشخص نمود.

۲۵ ژانویه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٠١

نامه محرمانه و خصوصی چرچیل به مارشال استالین

ما فکر می کنیم که چنانچه دکتر شوباشیچ با پادشاه به توافق رضایتبخشی دست نیابد، در آن صورت او و کابینه وی، اعم از اینکه برکنار شده باشند یا خیر، می بایست حتی الامکان هفته آینده به بلگراد عزیمت نمایند و به اتفاق

مارشال تیتو نسبت به تأسیس شورای امور سلطنت اقدام به عمل آورده و تحت نظارت این شورا و به نام دولت پادشاهی یوگسلاوی توافقنامه تیتو ـ شوباشیچ (۸٤)را بدون توجه به این مطلب که پادشاه چه خواهد گفت، به اجرا درآورند. من امیدوارم که ما در آتیه نزدیک بتوانیم حوادث بعدی و یا جزئیات امر را مورد بحث و گفتگو قرار دهیم. در عین حال، ما تلاش خواهیم کرد که موافقت دولت ایالات متحده را نسبت به این مسئله کسب نماییم و چه بسا ممکن است جنابعالی هم خود به مذاکره با آمریکاییها اظهار تمایل نشان بدهید.

ما شیفته پیروزیهای افتخار آفرین شما و مجذوب قدرت پرتوان شما در مقابله با دشمن مشترک شده ایم. صمیمانه ترین تشکرات و تبریکات ما را به مناسبت عملیات دلاورانه تاریخی بپذیرید.

۲۷ ژانویه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۰۲

نامه خصوصی، بسیار محرمانه و فوری
آقای چرچیل به مارشال استالین

از آنجا که پرزیدنت تا قبل از دوم فوریه وارد جزیره مالت نخواهند شد، بنابراین ما نمی توانیم زودتر از سوم فوریه در یالتا حضور بهم رسانیم. با وجود این، به محض آنکه بتوان زمان دقیق تری را مشخص کرد، من مجدداً برای جنابعالی تلگرام ارسال خواهم داشت. البته، حرکت ما به وضعیت هوا بستگی خواهد داشت.

ما با هواپیماهای جداگانه پرواز خواهیم کرد، و هر یک از ما را چند فروند هواپیما همراهی خواهد کرد.

تمتع از ملاقات با جنابعالی را از حالا احساس می نمایم.

اول فوریه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۰۳

خصوصی و کاملاً محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را دریافت نمودم.

من و همکارانم در محل ملاقات حضور یافته ایم.

اول فوریه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۰٤

نامه محرمانه و خیلی فوری

آقای چرچیل به مارشال استالین

زمان ورود به ساکی سوم فوریه ساعت ۱۲ به وقت مسکو پیش بینی شده است. ما صبحانه را در هواپیما، قبل از نشستن به زمین، صرف خواهیم کرد.

مسیر به سوی یالتا را با اتومبیل ادامه خواهیم داد.

سوم فوریه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٠٥

محرمانه

به مارشال استالین

مارشال استالین گرامی !

من هم اکنون مدارک زیر را برای جنابعالی ارسال می دارم:

۱-آخرین اخبار رسیده از لندن پیرامون نبرد در جبهه غرب ،(۹۱).

۲-یادداشت های مربوط به تشریح وضعیت یونان براساس آخرین اطلاعات بدست آمده (۹۲).

من امیدوارم هستم که این اسناد بتوانند مورد توجّه جنابعالی واقع شوند.

ارادتمند شما

وینستون چرچیل

کاخ وارونتس ۹ فوریه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٠٦

تاریخ دریافت نامه ۱۸ فوریه سال ١٩٤٥

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

به نام دولت اعلیحضرت، تشکرات قلبی خود را به خاطر مهمان نوازی ها و پذیراییهای گرم و دوستانه ای که در کنفرانس کریمه نسبت به هیئت بریتانیایی ابراز فرموده اید، تقدیم حضورتان می دارم. هنر بزرگ سازماندهی و

ابتکارات عملی که در پرتو آنها کنفرانس در چنین محیطی مناسب و دلپذیر برگزار گردید ، اثر عمیقی بر روحیه ما به جا نهاده که ما آن را بعنوان بهترین خاطره خویش هیچگاه از یاد نخواهیم برد.

بعلاوه، من باید مراتب تشکر و قدردانی شخصی خود را نیز بر آن بیافزایم. هیچیک از دیدارهای پیشین ما به این روشنی آن نتایجی را که می‌توان به هنگام ملاقات سران سه دولت بدست آورد، که با عزمی راسخ و شجاعانه مسائل را مطرح ساخته و به حل آن پرداخت، از خود نشان نداده است. جنابعالی خود بیان کرده اید که چنانچه در مبارزه علیه دشمن مشترک رشته های دوستی و مودت وجود نمی داشت، انجام کارهای لازم و ضروری به مراتب دشوارتر می گردید. من قاطعانه تصمیم دارم که پس از پیروزی، مانند پرزیدنت و جنابعالی که به آن اطمینان دارم ، هیچ خللی را نسبت به رشته های دوستی و همکاری هایمان که این چنین عمیق و پایدار ریشه دوانیده است، جایز نشمارم. من دعا می کنم که به جنابعالی عمری طولانی عطا گردد تا شما بتوانید کشور خود را که توانسته تحت فرماندهی جنابعالی همه عظمت خود را نشان دهد، رهبری فرمایید. بهترین آرزوها و تشکرات قلبی خود را تقدیمتان می دارم.

۱۷ فوریه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۰۷

خصوصی از استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه۱۸فوریه جنابعالی رادریافت کردم.بسیارخوشحال وخرسندم که جنابعالی نسبت به برنامه های انجام شده درکریمه اظهاررضایت می فرمائید.

۲۰فوریه سال۱۹٤۵

سند شماره ٤۰۸

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

باتأثروتأسف خبرمربوط به درگذشت ژنرال«چرنیاکووسکی»راکه دراثرجراحات وارده درنبرد،جان خودراازدست داده است مطالعه کردم.قریحه وفعالیت این افسرشجاع وبرجسته همواره باعث ایجاد هیجان وشگفتی فراوان دردولت اعلیحضرت وارتش بریتانیابوده است.

۲۰فوریه سال۱۹٤۵

سند شماره ۴۰۹

نامه خصوصی

استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

لطفاً،مراتب تشکرمرابخاطرابرازحسّ همدردی به مناسبت درگذشت یکی ازبهترین سرداران ارتش سرخ،ارتشبد«ئی.د.چرنیاکووسکی»بپذیرید.

۲۱فوریه سال۱۹۴۵

سند شماره ۴۱۰

تاریخ دریافت نامه۲۳فوریه سال۱۹۴۵

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

ارتش سرخ درحالی تأسیس بیست وهفتمین سالگردخودراجشن می گیردکه باپیروزیهای خویش موجب شادی ووجدفراوان متفقین خودرافراهم آورده وسرنوشت آلمان جنگ طلب راتعیین کرده است.نسل های آینده نیز،بی‌شک،به دین خودنسبت به ارتش سرخ اعتراف خواهندکرد.همچنان که ماشاهدین عینی این پیروزیهای عظیم،دارای این احساس می باشیم.

من ازشمافرمانده نامی این ارتش بزرگ تقاضامی کنم که امروز،درآستانه پیروزی نهایی مراتب درودو تهنیت مرابه این ارتش ابلاغ بفرمایید.

سند شماره ٤١١

تاریخ ارسال نامه۲۷فوریه سال۱۹٤٥

نامه خصوصی استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

لطفاً،مراتب تشکروقدردانی مراباپاس ارزیابی ذیقیمتی که نسبت به نقش ارتش سرخ درشکست نیروهای مسلح آلمان فرموده اید،بپذیرید.

درودوتهنیت جنابعالی راباکمال اشتیاق دربیست وهفتمین سالگردتأسیس ارتش سرخ به اطلاع این ارتش خواهم رساند.

سند شماره ٤١٢

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

هم اکنون هدیه أی راکه ازصنایع دستی روسیه می باشدوجنابعالی آن رابوسیله کشتی ماکه ازسواستوپول مراجعت می کرده برای اینجانب ارسال فرموده اید،دریافت داشتم.

بهترین سپاس قلبی مرا بخاطراعطای این هدیه بسیارارزنده پذیراباشید.این هدیه به قدری به من شادی ونشاط بخشیده است که تقریباًبه اندازه همان مراتب سپاس وتشکرات من بخاطرابرازاحساسات نیک جنابعالی است،همان احساساتی که شمارابه ارسال این هدیه برانگیخته است.

۹مارس سال۱۹٤٥

سند شماره ٤١٣

نامه کاملاًمحرمانه وخصوصی
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱_آقای ایدن نامه ای راکه درباره اسرای جنگی ما(۹۳)که اکنون ارتشهای شمادرحال نجات آنان می باشندوهمین طوردرباره موافقتنامه ای(٩٤) که دریالتا درخصوص این اسرابه امضارسیده،برای آقای مولوتوف ارسال داشته است،به من نشان داد.مابی اندازه نگران این وضعیتی می باشیم که درنامه مذکور به آن اشاره شده است.هیچ مسئله ای رانمی توان یافت که بیش ازمسئله اسرای ماکه دراختیارآلمانیها قراردارندومسئله نجات فوری آنان اززندان وبازگشت آنهابه وطن تااین اندازه ازحساسیت ملت بریتانیا برخورداباشد.من بسیارممنون خواهم شداگرجنابعالی خودشخصاًاین مسئله را مورد بررسی قراربدهید،زیرامن اطمینان دارم آنچه که درخصوص افرادمابه جنابعالی بستگی پیدامی کند،جنابعالی آن را باعلاقه انجام خواهیدداد،همانطورکه من به شمااطمینان می دهم هرکمکی راکه مابتوانیم نسبت به افرادشماانجام دهیم به محض آنکه آنهادرامتدادرن تحت کنترل مادرآیند،انجام خواهیم داد.

۲_حمله ای راکه بریتانیائیها وکاناداٸیهادر۸فوریه شروع کردندبرای ما به قیمت ازدست رفتن جان حدود۱۶هزارنفرتمام شد.ما امیدواربودیم که ارتشهای نهم ویکم آمریکاتقریباً۱۰فوریه حملات خودرادرجناح راست ویادرجناح جنوبی ماآغازنمایند،اما به علت طغیان آب که درنتیجه آن دشمن به بازکردن

سدها مبادرت ورزید،حمله وپیشروی ازنظرفیزیکی برای هیچیك ازدو ارتش آمریکا،قبل ازفروکش کردن طغیان آب،امکان پذیرنشد.این امرارتشهای مارادرشمال ناگزیرنمودکه حملات خودراطی ۱۵روزدرشرایط محلی فوق العاده سخت وباتلاقی ادامه دهند تانیروهای ایالات متحده بتوانندبه حملاتی مهم اقدام نمایندوماکاملاًموافقیم که وقفه درحمله آمریکائیهاموجّه بوده است،امااین تأخیردرواقع بخش عمده ای ازواحدهای منتخب باقیمانده ارتش های آلمان رابه جانب ما،به سمت سواحل غربی رودخانه رن گسیل داشت.

هنگامی که درروزهای اول ماه مارس ارتشهای نهم،یکم وسوم آمریکاواردعملیات شدند،بنابراظهارات آیزنهاور،محلهای آسیب پذیردشمن درنواحی باقیمانده ازجبهه به شدت تقویت شده بود.با وجوداین،نتایجی که بوسیله عملیات این سه ارتش آمریکایی بدست آمده،بسیارفراترازانتظارات بوده وبه کمك عملیات دلیرانه ودرخشان آنها،هم اکنون دفاع دشمن درغرب رودخانه رن به کلی درهم شکسته شده ومادرشمال،سرانجام مسافت قابل ملاحظه أی را به تصرف خوددرآوردیم.میدان نبرد،حالا برای مرحله بعدی عملیات آماده می باشدومن برای نظارت برعملیات این مرحله عازم قرارگاه مونتگمری می باشم.ارتش کانادا،ارتش دوم بریتانیاوارتش نهم آمریکاتحت فرماندهی اوقرارخواهندداشت ومن امیدوارمی باشم که به زودی اخبارخوشی رابه اطلاع شمابرسانم.من خیلی خوشحالم که درپروس شرقی شاهد حمله های شمابه این نازی های چلمن فریب خورده درحال کاهش می‌باشم.بنظرمی آیدکه پس ازتصرف سراسری شمال آلمان والحاق ارتشهای روسیه به ما،هیتلرطی نبردی سخت وخونین درجنوب آلمان واتریش،حتی الامکان ضمن تماس

ازطریق آلپ باارتش های مستقرخوددرشمال ایتالیا،تلاش درادامه جنگ داشته باشد.این فکرراپیکارهای سخت و بیرحمانه دربوداپست واکنون درکناردریاچه بالـتون وهمین طورسایرجابجایی هاوتدارکات وشواهدموجودتقویت می نمایند. درعین حال،من درانتظارعملیات سرنوشت سازدرغرب ودرشمال می باشم وبدون شک،شمانیز به زودی حرکت درشرق راآغازخواهید کرد.کلیه مطالب مندرج دربند۲این نامه،صرفاًجهت اطلاع خصوصی شخص جنابعالی می باشد.

۳ــ گویااززمانی که مادریالتاازیکدیگرجداشده ایم،مشکلات نسبتاًفراوانی بوجودآمده است،امامن اطمینان دارم که چنانچه مابتوانیم مجدداًدیداری داشته باشیم،تمامی این مشکلات برطرف خواهندشد.

۲۱مارس سال۱۹٤۵

سند شماره ٤١٤

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه های شمارادریافت کردم.

درباره اسرای جنگی بریتانیابایدخاطرنشان سازم که علتی وجودنداردکه شمادرموردآنان نگرانی خاطرداشته باشید.آنهادرمقایسه بااسرای جنگی شوروی که دراردوگاههای انگلیسی بسربرده ودرمواقعی تحت فشاروحتی شکنجه قرارداشته اند،دربهترین شرایط می باشند.بعلاوه،اسرای شما حالا دیگردراردوگاههای ما نمی باشند،بلکه آنهادرراه به سوی «اُدسّا»به منظوربازگشت به وطن می باشند.

ازجنابعالی بخاطرارسال اطلاعات مربوط به وضعیت درجبهه غرب تشکر می کنم.من به قریحه وقدرت فرماندهی فیلدمارشال مونتگمری باوردارم.

۲۳مارس سال۱۹٤٥

سند شماره ٤١٥

نامه خصوصی وفوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من درقرارگاه فرماندهی فیلدمارشال مونتگمری می باشم.اواکنون فرمان آغاز حمله اصلی رادرجبهه وسیعی ازمنطقه«وِزلْ»بااستفاده ازسپاه پیاده شده هوایی ونزدیک به ۲۰۰۰قبضه توپ به منظورعبورازرودخانه رن صادرکرد.

امیدوارهستیم که طی امشب وفردابه عبورازرودخانه توفیق حاصل نموده واستحکامات خودرادرسرپل هابه پاسازیم.به محض آنکه عبورازرودخانه میسر گردد،نیروهای بسیارزیادذخیره زرهی آماده گسترش دامنه پیروزی می باشند.

فردامن برای جنابعالی مجدداًیک تلگرام ارسال خواهم داشت.فیلدمارشال مونتگمری ازمن می خواهدکه دروداورابه حضورتان ابلاغ دارم.

۲٤ مارس سال۱۹٤٥

سند شماره ٤١٦

تاریخ دریافت نامه اول آوریل سال١٩٤٥

نامه خصوصی وفوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـمن امیدوارم که جنابعالی تااین لحظه نامه رئیس جمهورایالات متحده راکه قبل ازارسال،ایشان لطف کرده وآن رابه من نشان داده اند،دریافت کرده باشید.من وظیفه خودمی دانم که ازطرف دولت اعلیحضرت به جنابعالی اطمینان دهم کابینه نظامی تمایل داردمن به اطلاع شمابرسانم که این نامه رئیس جمهوررابطورکامل مورد تأییدقرار داده وبامفادآن کاملاًموافق می باشیم.

۲ـدویاسه مسئله مطرح می باشدکه من مایلم بطورویژه آنهاراموردتوجه قراربدهم.اولاً،ما فکر نمی کنیم که درمذاکرات مسکو(۹۵)ازماهیّت ودربعضی مواردحتی ازفکروایده موافقتنامه یالتاپیروی بعمل آمده باشد.ماهیچگاه گمان نمی کردیم کمیسیونی راکه ماهرسه طرف با آن همه آمادگی وصف ناپذیربرگزارکرده ایم،نتواندکارخودرابراساس گذشت وسازش متقابل،سریع وساده به انجام برساند.البته،مادرآن زمان خیال می کردیم که حالا دیگریک دولت لهستان«جدید»و«ازنوسازمان یافته»تشکیل خواهدشدوتوسط کشورهای متحدموردشناسایی قرارخواهدگرفت.این امرسندی است ازاراده وکارآیی مادرزمینه همکاری مشترک بخاطرآینده که به همه جهان ارائه خواهدگردید.که برای نیل به آن هنوزهم دیرنیست.

۳_درکمیسیون توافق شده بود که برای تأسیس یک دولت جدیدونوسازمان یافته بایستی ازافرادسرشناس ونامدارلهستانی چه ازداخل لهستان وچه ازخارج آن،البته نه قطعاًبه منظورعضویت دردولت،بلکه فقط به منظورانجام مشاوره ساده وصمیمانه ،دعوت بعمل آورده شود.حتی این اقدام مقدماتی رانیز،بعلت حق وتوداشتن دولتهای شوروی یالوبلین نسبت به هرموافقتنامه ویاحتی صلاحدیدی که موردتأیید این دولتین نباشد،نمی توان بعمل آورد.

مابهیچوجه نمی توانیم بااین امرموافقت داشته باشیم که یکی ازماسه طرف بتواندبرای خودچنین حق وتویی قائل باشد.بهترین نمونه روشن وآشکاردراستفاده ازاین وتورامی توان درموردآقای میکولایچیک نام بردکه اودرجوامع بریتانیاوآمریکابعنوان رجلی برجسته ازلهستان که درخارج ازمرزهای آن بسرمی برد،شناخته شده است.

٤_ماباتعجب وتأسف اطلاع یافته ایم که پیشنهادآقای مولوتوف مبنی براینکه به نُظاروهیئت های نمایندگی اجازه بازدیدازلهستان داده شودنیزکه بنابر ابتکار شخصی وی ارائه گردیده،پس گرفته شده است.بنابراین ما ازکنترل براطلاعاتی که اغلب دارای جنبه های کاملاً غیر مطلوب بوده وتقریباًهمه روزه توسط دولت لهستان درلندن برای ماارسال می شده،محروم شده‌ایم.مانمی‌فهمیم برای چه درلهستان شرایط بایداینچنین اسرارآمیز درآید.ماکلیه امکانات لازم رابه منظوراعزام هیئت هاویااشخاص منفرد به هرنقطه ازمناطقی که تحت اشغال نظامی مادرآمده دراختیاردولت شوروی قرارداده ایم واین امردربعضی مواردمورداستفاده ارگانهای شوروی قرار گرفته است ومسافرتهایی نیزکه باعث

جلب رضایت طرفین بوده،بعمل آمده است.ماتقاضا می کنیم که دراین اموراصول وقواعدمتقابله رعایت گرددتابتوان درزمینه همکاریهای درازمدت ومستمرفیمابین،پایه های محکم واستواری رابنا نهاد.

۵ـپرزیدنت نامه مبادله شده بین جنابعالی وخودرادرباره اینکه آقای مولوتوف درشرایطی نمی باشدکه بتوانددرکنفرانس سانفرانسیسکو(۹٦)شرکت نماید،به من نشان داده اند.ماامیدواربودیم که حضورسه وزیرامورخارجه درآنجابتواندبسیاری ازمشکلاتی راکه همچون طوفان به ما حمله می آورد واززمان پس از ملاقات سعادت بارواميدبخش مادریالتا بوجودآمده،برطرف سازد.باوجوداین،مابهیچوجه اهمیت آن نظریاتی راکه جنبه دولتی داشته وآقای مولوتوف را به اقامت درروسیه مجبور می سازد،موردتردید قرارنمی دهیم.

٦ـمانندپرزیدنت،من نیز ازآخرین فرازنامه جنابعالی خطاب به ایشان شگفت زده شدم.آنچه راکه ایشان درموردملت آمریکااظهارمی دارند،به ملت بریتانیاوتمام ملتهای کشورهای دوست بریتانیانیزارتباط می یابد.مضافاً اینکه،مشاورین کنونی اعلیحضرت تمام پستها ومناسب راصرفاًبنابر رأی پارلمانی که براساس انتخابات عمومی برگزیده شده است،احراز می نمایند.اگرتقدیر این باشدکه تلاشهای مادرزمینه دستیابی به موافقتنامه مربوط به لهستان باشکست وناکامی مواجه گردد،درآنصورت من ناگزیر خواهم بودکه دربرابر پارلمان ،به هنگام تشکیل آن پس از تعطیلات جشنهای مذهبی بهار،به این امراعتراف نمایم.هیچ کس به اندازه من بااین همه اعتقادواشتیاق ازامورروسیه دفاع نکرده است.من اولین کسی بودم که در۲۲ ژوئن سال ۱۹٤۱صدای خودرابه گوش جهانیان رساندم.ازآن زمان که من به

جهان حیرت زده صحت خط کرزون(٦٥) رابعنوان مرز روسیه درغرب اعلام داشته ام،بیش ازیکسال می گذردواکنون این مرزراهم پارلمان بریتانیاوهم رئیس جمهورایالات متحده پذیرفته اند.من بعنوان دوست صمیمی روسیه،به منظور نیل به موافقتنامه ای پایدار بادموکراسی های غربی درخصوص لهستان شخصاًروی به جانب جنابعالی وهمکاران شماآورده وتقاضا می کنم حالا که ما دست دوستی خودرادرزمینه اداره آینده جهان دراز نموده ایم،آن راز خوددورنسازید.

۳۱ مارس سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤١٧

نامه خصوصی وکاملاًمحرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ ــ پرزیدنت نامه های مبادله شده بین جنابعالی وخود درموردتماس برقرار شده درسوئیس بین یک افسربریتانیایی ویک افسرآمریکایی ازقرارگاه فیلدمارشال الکساندرباژنرال آلمانی به نام فامیل«ولف»پیرامون تسلیم احتمالی ارتش کسل رینگ درشمال ایتالیا را برای من ارسال داشته اند.بنابراین من به جا می دانم که شرح دقیقی ازحقایق مربوط به برخورددولت اعلیحضرت رابااین قضیه به اطلاع جنابعالی برسانم.

به محض آنکه مادرباره این تماس اطلاع حاصل نمودیم بلافاصله درتاریخ ۱۲مارس دولت شوروی راازموضوع مطلع ساختیم،ضمناًماودولت ایالات

متحده هم تمامی آنچه راکه اتفاق افتاده بود،شرافتمندانه به استحضار جنابعالی رساندیم.تمام رویدادهای حاصله درسوئیس که از آنهانامبرده شده ویا درباره آنهاسخن به میان آمده است،صرفاًبه آن منظورانجام گردیده که اختیارات فرستاده آلمانی موردسنجش وارزیابی قرارگیردوترتیب انجام ملاقات بین نماینده تام الاختیارکسل رینگ وفیلدمارشال الکساندردرقرارگاه وی ویا درمحل مناسب دیگری درشمال ایتالیا داده شود.درسوئیس هیچگونه مذاکره‌ای حتی درباره تسلیم نظامی ارتش کسل رینگ انجام نگردید.مهمتر آنکه درنیات ماکه منزه ازچنین غبارننگ وشرمساری است ،آنطورکه گمان برده شده ودرنامه جنابعالی برای پرزیدنت بیان گردیده است،هیچگونه تبانی وزدوبندسیاسی-نظامی بعمل نیامده است.

۲-ازنمایندگان شماجهت شرکت درملاقاتی که ما سعی دربرقراری آن درایتالیا داشته ایم فوراًدعوت بعمل آورده شد.چنانچه این ملاقات انجام می گردیدویااگرنمایندگان شمادرآن شرکت می کردند،درآنصورت آنهاخودهرواژه وهرکلمه ای راکه به تلفظ درمی آمد،می شنیدند.

۳-ما معتقدیم که فیلدمارشال الکساندردرجبهه خوددرایتالیا نسبت به پذیرش تسلیم ارتش آلمانی متشکل از۲۵لشگر، و مذاکره بافرستادگان تام‌الاختیارآلمانی پیرامون مسائل مربوط به تسلیم وشرایط آن دارای اختیارات تام می باشد.ضمناً،مابه ویژه دعوت ازنمایندگان شمارابرای شرکت درجلسه مذاکرات کاملاً نظامی ، درصورت تشکیل آن درقرارگاه وی،پیش بینی کرده بودیم.امادرواقع ازتماس های حاصله درسوئیس هیچ نتیجه أی حاصل نگردید.افسران ما بدون کسب موفقیتی درامرسازماندهی ملاقات مربوطه

بافرستادگان کسل رینگ درایتالیا،ازسوئیس مراجعت نمودند.درباره کلیه این وقایع ،دولت شوروی بطورکامل وجزء به جزء بوسیله فیلدمارشال الکساندرویابوسیله کلارک کروهمینطورازطریق کانالهای مربوط به ایالات متحده بااطلاع شده است.من تکرار می کنم که ما هیچگونه مذاکره ای را درسوئیس اعم ازرسمی ویا غیررسمی انجام نداده وحتی به آن نیز نپرداخته ایم.

٤_اما،احتمال دارد که تمام این تقاضاهایی راکه ژنرال ولف آلمانی برای مذاکره باما عنوان کرده است،یکی ازآن دسیسه هایی باشدکه دشمن به منظور ایجادتفرقه وعدم اعتمادبین متفقین به آن تشبث یافته است.فیلدمارشال الکساندراین نکته رابخصوص درتلگرام ارسالی ۱۱مارس خودخاطرنشان ساخته است.اودراین تلگرام یادآورشده است:«خواهش می کنم توجه بفرمایید که دو شخص هدایت کننده ازاعضای«اس.اس»وازافراد«هیملر»می باشند(درآلمان فاشیستی«اس.اس»یک سازمان نظامی منسجم،مستقل وممتازی بوده که برای حزب سیاسی نازی نقش سلاح برنده راایفامی کرده است.هسته مرکزی«اس.اس»راسرویس امنیتی آن تشکیل می داده که در سال ۱۹۳۱ توسط«هیملر»یکی ازبنیانگزاران ترازاول ترورهای ضدفاشیستی وهدریخ به منظورجاسوسی ازاعضای سازمان اس اس وحزب نازی بوجودمی آید.پس از تسلیم فاشیست ها در آلمان،هیملر باخودکشی به زندگی خودخاتمه می دهد_مترجم)که من به آنهاشدیداًمظنون می باشم».رونوشت این تلگرام درتاریخ۱۲مارس برای سفیربریتانیادرمسکوبه منظورتقدیم به دولت شوروی (۹۷)ارسال گردیده است.اگر آلمانیها قصد سمپاشی بین ما راداشته اند،بنابراین آنها بطورموقت به این مقصوددست یافته اند.

۵ـ آقای ایدن درنامه ۲۱مارس (۹۸)خودازآقای کلارک کرمی خواهد که وضعیت کارهارابرای آقای مولوتوف تشریح نماید.درپاسخی که وی درتاریخ ۲۲مارس از آقای مولوتوف دریافت می دارد،عبارت زیر درج گردیده است:

«دولت شوروی دراین کارسوءتفاهم نمی بیند،بلکه چیزی بدترازآن مشاهده می کند».دراین پاسخ،دررابطه بااین امرنیزاظهارعدم رضایت شده است:«دربرن درعرض دوهفته،درغیاب اتحاد شوروی که فشاراصلی جنگ علیه آلمان رامتحمل می باشد،مذاکراتی بین نمایندگان فرماندهی نظامی آلمان ازیک سوونمایندگان فرماندهی انگلیس وآمریکاازسویی دیگرجریان می‌یابد».بخاطرحفظ منافع وروابط انگلیس وروسیه،دولت اعلیحضرت تصمیم گرفت که به این اتهام فوق العاده اهانت آمیزوبی اساس پاسخی ندهدوبی تفاوت ازکنار آن گذر نماید.این همان انگیزه ای است که جنابعالی درنامه خودخطاب به پرزیدنت از آن بعنوان «سکوت انگلیسی ها»نام برده اید.ما فکر کردیم که سکوت بهتر از پاسخگویی به نامه ای است که فرستنده آن آقای مولوتوف می باشد.بهرحال اطمینان داشته باشید که ما از این نامه بخاطر آنکه آقای مولوتوف چنین رفتاری را به ما نسبت داده است،متعجب و توهین شده می باشیم.اما،با وجود این،این امر در دستورهایی که ما برای فیلد مارشال الکساندر صادر کرده ایم،بهیچوجه انعکاسی نداشته و وی کماکان جنابعالی را در جریان کامل رویدادها قرار خواهد داد.

۶ـ این موضوع هم عاری از حقیقت است که ابتکار عمل در این قضیه،آنطور که شما برای پرزیدنت اظهار فرموده اید،کاملا در دست انگلیسی ها بوده است.در واقع خبر مربوط به اینکه ژنرال ولف آلمانی می خواهد در

سوئیس تماس برقرار سازد را یک ارگان آمریکایی به اطلاع فیلد مارشال الکساندر رسانده است.

۷_ بین تماس در برن یا نقطه ای دیگر و شکست کامل قوای آلمانی در جبهه غرب،هیچ رابطه ای وجود ندارد.در حقیقت آنها با مقاومتی سخت مبارزه کرده و از آغاز حمله ما،ازفوریه لغایت ۲۸مارس،متجاوزاز۸۷هزارنفربه نیروهای ماوآمریکاییهاتلفات واردآورده اند.امابااین حال،ماباداشتن عده نیروی زمینی بیشترونیروهای هوایی انگلیسی-آمریکایی واقعاًقدرتمندتری که تنهادرماه مارس بیش از ۲۰۰هزارتن بمب درآلمان فروریخته،ارتشهای آلمانی رادرغرب بطورکامل متلاشی ساختیم.آن واقعیت هم که آنهادرغرب باعده نیروهای زمینی بیشتروبرتری روبرو شده اند،جداازارتباط باحملات عالی ونیروی ارتش های شوروی نمی باشد.

۸_دررابطه باتهمت هائی که شمادرنامه سوم آوریل خودبرای پرزیدنت عنوان ساخته اید،بطوری که دولت اعلیحضرت رانیزلکه دارمی‌سازد،بایدبگویم که من وهمکارانم باآخرین عبارت پاسخ پرزیدنت اتفاق نظرداریم.

۵آوریل سال۱۹٤۵

سند شماره ٤١٨

خصوصی ومحرمانه
ازاستالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه اول آوریل جنابعالی رادرباره مسئله لهستان دریافت کردم.من دراین باره طی نامه ای که برای پرزیدنت و نیزبرای شماارسال خواهم داشت،به تمامی مسائل مهمی که ذیربط باکار کمیسیون مسکو درخصوص لهستان (۹۵)می‌باشد،پاسخ خواهم داد.اما درموردسایرمسائلی که شمادرنامه خودمطرح ساخته‌اید،مطالب زیررابه اطلاع جنابعالی می رسانم:

۱ـسفرای انگلیس وآمریکا،اعضای کمیسیون مسکو،نمی خواهند دولت موقت لهستان رابه حساب آورندوبرای شورومشورت اصراربه دعوت ازرجالی ازلهستان رادارندکه نحوه رفتارآنهانسبت به تصمیمات کنفرانس کریمه درخصوص لهستان ونسبت به اتحادشوروی موردتوجه نمی باشد.برای مثال،آنهادردعوت اجباری ازمیکولایچیک به مسکوجهت انجام مشاوره پافشاری نشان می دهندوحتی این امررابصورت اولتیماتوم مطرح ساخته اند،بی آنکه توجه داشته باشندکه میکولایچیک آشکاراعلیه تصمیماتی که درکنفرانس کریمه درباره لهستان بعمل آمده،مخالفت کرده است.باوجوداین،چنانچه جنابعالی ضروری بدانید،آماده ام که بردولت موقت لهستان اعمال نفوذکرده تاآن دولت ازمخالفت خودنسبت به دعوت ازمیکولایچیک صرفنظر نماید،البته درصورتیکه میکولایچیک طی اعلامیه ای

علنی تصمیمات کنفرانس کریمه درباره لهستان راموردپذیرش قراردهدواعلام نمایدکه اوازبرقراری مناسبات دوستانه بین لهستان واتحادشوروی پشتیبانی بعمل خواهدآورد.

۲_جنابعالی تعجب می فرمایید که چراصحنه رویدادهای جنگی لهستان بایدازرمزواسرارپوشیده باشد.درواقع دراینجاهیچ رازی نهفته نیست.شماآن شرایط رامطمح نظرقرارنمی دهیدکه اعزام ناظران بریتانیایی ویاسایرنظار خارجی رابه لهستان،لهستانیهابه منزله توهین واهانت به ارزشهای ملی خودبه حساب می آورند،مضافاًاینکه اگراین امرراهم موردتوجه قراربدهیم که دولت موقت لهستان مناسبات کنونی دولت بریتانیارانسبت به خودنامطلوب می‌داند.درباره آنچه که به دولت شوروی مربوط می شود،باید بگویم که این دولت نمی تواندنظرمنفی دولت موقت لهستان رانسبت به اعزام ناظران خارجی به لهستان نادیده بگیرد.بعلاوه ،برای شماروشن است که دولت موقت لهستان درمناسباتی غیرازاین حالت،دررابطه باخود،مانعی درزمینه ورودنمایندگان سایردولت ها به لهستان ایجاد نکرده وهیچگونه محظوری رابرای آنان قائل نشده،همانطوریکه این امر،برای نمونه،درموردنمایندگان دولت های چکسلواکی،یوگسلاوی وسایرین اجرامی گردد.

۳_من بابانو چرچیل مذاکرات خوبی رابعمل آوردم.ایشان بانفوذکلام خودتأثیرفراوانی برمن گذاشته اند.بانوچرچیل هدیه ای راازطرف جنابعالی به من اهداء کردندکه اجازه بفرماییدبخاطرارسال این هدیه ازشماصمیمانه تشکرکنم.

۷آوریل سال ۱۹٤۵

خصوصی ومحرمانه ازآقای استالین نخست وزیر به آقای روزولت رئیس جمهور

دررابطه بانامه اول آوریل جنابعالی لازم می دانم که نکات وملاحظات زیررادرباره مسئله لهستان به استحضارتان برسانم.

امورمربوط به مسئله لهستان،درحقیقت،به بن بست رسیده است.علت راکجامی توان یافت؟

علتِ درآن است که سفرای ایالات متحده آمریکاوانگلیس،اعضای کمیسیون مسکو،ازدستورالعملهای کنفرانس کریمه دوری جسته ومواد و تبصره‌هایی رابه تصمیمات کمیسیون اضافه کرده اندکه دردستورکارکنفرانس کریمه پیش بینی نشده بوده است.

ازجمله:

الف_درکنفرانس کریمه ماهرسه جانب،دولت موقت لهستان رابه عنوان دولت فعال کنونی درلهستان که می بایست تجدیدسازمان یافته وبصورت هسته مرکزی دولت جدیدومتحد ملی درآید،موردبررسی قرارداديم.حال آنکه سفیران ایالات متحده آمریکاوانگلیس درمسکوازقبول این دستورخودداری کرده،وجوددولت موقت لهستان رابی اهمیت دانسته وبهایی به آن نمی‌دهندوتنهادربهترین شرایط،بین منفردین ازلهستان وازلندن ودولت موقت لهستان علامت تساوی قرارمی دهند.آنهاعقیده دارندکه تجدیدسازمان دادن به دولت موقت لهستان به معنای انحلال آن وتشکیل دولتی کاملاًجدیدمی‌باشد.دراین زمینه کاربجایی رسیده که آقای هاریمن درکمیسیون

مسکواظهارداشته است که احتمال داردهیچیک ازاعضای دولت موقت درکابینه دولت وحدت ملی لهستان راه پیدانکنند.

مفهوم است که چنین برداشتی ازسفرای آمریکاوانگلیس نمی تواندخشم ونفرت دولت موقت لهستان رابرنیانگیزد.آنچه که به اتحاد شوروی مربوط می‌شود،بایداذعان داشت که اتحادشوروی قطعاً نمی تواندباچنین تعبیری موافقت داشته باشد،زیرااین مسئله نقض صریح وآشکارتصمیمات کنفرانس کریمه رانشان می دهد.

ب_درکنفرانس کریمه ماهرسه طرف به این نتیجه دست یافتیم که برای شورومشاوره می بایستی پنج نفراز لهستان وسه نفر ازلندن ،نه بیشتر ،گردهم جمع آیند.سفرای ایالات متحده آمریکاوانگلیس ازاین موضع خارج شده ومی‌خواهندکه به هرعضوکمیسیون مسکو اختیارداده شودکه بدون محدودیت نسبت به دعوت ازافرادی که ازلهستان وازلندن فراخوانده می شوند،اقدام بعمل آید.

روشن است که دولت شوروی نمی تواندنسبت به این امرموافقت نشان دهد،زیرادعوت ازاشخاص بایدبراساس تصمیمات کنفرانس کریمه ویاطبق رأی جمعی کمیسیونی که در واقع کمیسیون باشد،نه توسط اعضای جداگانه کمیسیون،صورت پذیرد.درخواست به منظوردعوت ازاشخاص بیشماربرای شورونظرخواهی باآنچه که درکنفرانس کریمه تنظیم یافته،تناقض دارد.

پ_دولت شوروی براساس مفادتصمیمات کنفرانس کریمه براین اعتقاداست که برای مشاوره بایدازلهستانیهای رجلی دعوت بعمل آیدکه اولاً تصمیمات کنفرانس،ازجمله تصمیم مربوط به خط کرزون (٦٥)راموردپذیرش

قرارداده،ثانیاًدرامراستقرارمناسبات دوستانه بین لهستان واتحادشوروی سعی وتلاش بعمل آورند.دولت شوروی دراین زمینه اصراروپافشاری دارد،زیرابرای نجات لهستان،ازنیروهای شوروی خونهای فراوانی ریخته شده واین واقعیت که طی ۳۰سال اخیرخاک لهستان دوباربرای حمله به روسیه مورداستفاده دشمن قرارگرفته است،بنابراین،کلیه این عوامل دولت شوروی راملزم وموظف می‌داردکه نسبت به ایجادمناسبات دوستانه بین اتحادشوروی ولهستان تلاش نماید.

سفیران ایالات متحده آمریکاوانگلیس درمسکواین مواردرا مّد نظر قرار نداده و بدون توجه به مواضع رجال لهستانی نسبت به تصمیمات کنفرانس کریمه واتحادشوروی،بمنظورنظرخواهی ازآنان،سعی دردعوت ازآنان می‌نمایند.

بنظرمن اینهادلایلی هستندکه مانع ازحل مسئله لهستان براساس توافق متقابل می باشند.

به منظوررهایی ازاین بن بست ورسیدن به تصمیمی هماهنگ،به اعتقاد من بایستی اقدامات زیررابه مرحله عمل درآورد:

۱- مقررداشت که تجدیدسازماندهی دولت موقت لهستان به معنای انحلال آن نمی باشد،بلکه دقیقاً به معنای بازسازی آن بطریقه گسترش می باشدکه درعین حال دولت موقت لهستان بایدهسته مرکزی آینده دولت وحدت ملی لهستان راتشکیل دهد.

۲- موادو تصمیمات کنفرانس کریمه راموردملاحظه وتوجه قرارداده وبه دعوت از هشت رجل لهستانی که بایستی پنج نفراز لهستان وسه نفرازلندن فراخوانده شوند،بسنده نمود.

۳- مقررداشت که درهرشرایط بایدبانمایندگان دولت موقت لهستان مشاوره بعمل آورده شودومشورت باآنها بایددر اولین مرحله صورت پذیرد.زیرااولاً،دولت موقت لهستان درمقایسه باآن منفردینی که ازلندن ولهستان دعوت خواهندشدازنیروی بسیارقدرتمندتری برخوردارمی‌باشد،ثانیاً،نفوذعمیقی که دولت موقت لهستان برمردم این کشورداراست درهیچ سطح ومعیاری قابل قیاس بانفوذمنفردین نمی باشد.

من توجه جنابعالی راخاصه به این ماده معطوف می سازم،زیرابعقیده من اتخاذهرنوع تصمیم دیگری،احتمالأدرلهستان به منزله اهانت به ملت لهستان وتلاش درجهت تشکیل وتحمیل دولتی خواهدبودکه افکارعمومی مردم لهستان راملحوظ نداشته است.

٤- ازلهستان ولندن تنهاازاشخاصی جهت مشاوره دعوت بعمل آورده شودکه تصمیمات کنفرانس کریمه را درباره لهستان موردپذیرش قرارداده ودرامربرقراری مناسبات دوستانه بین لهستان واتحادشوروی سعی واهتمام داشته باشند.

۵-بازسازی دولت موقت لهستان راباتعویض وجابجایی بعضی از وزرای کنونی دولت موقت باوزرای جدیدی که درسلک رجال لهستانی بوده ودارای عضویت دردولت موقت نمی باشند،به انجام رساند.

درموردتناسب تعدادوزرای قدیم وجدیددرکابینه دولت وحدت ملی لهستان بایدبگویم که دراینجا می توان تقریباً همان نسبتی راکه درمورددولت یوگسلاوی رعایت شده،به اجرادرآورد.من فکر می کنم که بادرنظرگرفتن نکات وملاحظات فوق الذکرورعایت آنها،احتمالاً،بتوان درزمانی کوتاه نسبت به حل رضایتبخش مسئله لهستان توفیق حاصل نمود.

۷آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤١٩

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه ٥آوریل جنابعالی رادریافت نمودم.درنامه۷آوریل خودبرای پرزیدنت که رونوشت آن رانیزبرای شماارسال خواهم داشت،من به کلیه مسائل اصلی مطرح شده درنامه جنابعالی پیرامون مذاکرات درسوئیس پاسخ گفته ام.درباره سایر مسائل مندرج درنوشته شمالازم می دانم که مطالب زیررابه اطلاع جنابعالی برسانم:

۱ــ نه من،نه مولوتوف قصد«لکه دارکردن»هیچ شخصی رانداشته ایم.مسئله درتمایل به«لکه دارکردن»نیست،بلکه مسئله دراینست که درذهن مانقطه نظرات متفاوتی نسبت به وظایف و حقوق متفقین پدید آمده است.ازنامه من به پرزیدنت،جنابعالی استنباط خواهیدفرمودکه نقطه نظرروسیه نسبت به این مسئله صحیح می باشد،زیراکه این نظریه،حقوق هریک ازمتفقین راتضمین کرده وامکان هرنوع سمپاشی درمیان ماراازدشمن سلب می نماید.

۲ـنامه های من خصوصی وکاملاًمحرمانه است واین امر امکان می دهد که بتوان مطالب راروشن وصریح بیان نمود.خاصیت مکاتبات محرمانه دراینست.اما،اگر قرار باشد که جنابعالی هریک ازاظهارات صریح مرابه منزله اهانت تلقی بفرمائید،درآنصورت انجام مکاتبات مابسیار مشکل خواهدشد.به جنابعالی اطمینان می دهم که من قصدتوهین به کسی رانه داشته ونه دارم.

۷آوریل سال ۱۹٤۵

خصوصی ومحرمانه

ازآقای استالین نخست وزیربه آقای روزولت رئیس جمهور

نامه ۵آوریل جنابعالی رادریافت کردم.

۱ـدرنامه۳آوریل اینجانب سخنی ازشرافت وصداقت به میان آورده نشده است.من هیچگاه به شرافت وصداقت جنابعالی شك نکرده ام،همانطورکه در شرافت وصداقت آقای چرچیل نیز تردیدی به خودراه نداده ام.سخن من دراین است که درجریان مکاتبات بین مااختلاف سلیقه بوجودآمده است،بدینصورت که یک متفق انجام امری رانسبت به متفق دیگربرای خودمجازمی داند،اما انجام همان امررانسبت به خودنبایدمجازبداند.ماروسهافکر می کنیم که دروضعیت کنونی جبهه ها،درشرایطی که دشمن دربرابر تسلیم اجتناب ناپذیرقرارگرفته است،درهرملاقاتی که بین نمایندگان یکی از متفقین با آلمانیها در زمینه گفتگو درباره مسائل مربوط به تسلیم به عمل می آید ،شرکت نمایندگان متفق دیگرنیزبایددراین ملاقات الزام داشته باشد.درهر صورت،انجام این کاربه ویژه هنگامی که یک متفق نسبت به مشارکت درچنین دیداری اظهارعلاقه نشان

می‌دهد،بدون قید وشرط ضروری است.آمریکاییها وانگلیسی ها در حالی که نقطه نظرروسها راخطا ونادرست می دانند،خودبه طرزدیگری فکرمی کنند.بااتکاءبراین عقیده،آنهاحق شرکت روسهادرملاقات باآلمانیها رادرسوئیس نادیده انگاشتند.من برای جنابعالی نوشته بودم وتکرارآن رازائدنمی دانم،روسهادرصورت برخوردباچنین وضعیت مشابهی بهیچوجه حق مشارکت آمریکاییهاوانگلیسی ها رادراین دیدارنادیده نمی گرفتند.من نقطه نظرروسیه راتنهانقطه نظرصحیح دانسته ومی دانم،زیرااین دیدگاه احتمال بروزهرنوع سوءظن وبدگمانی رامنتفی ساخته وبه دشمن امکان واجازه پاشیدن بذر بی اعتمادی و ناباوری رادرمیان ما نخواهدداد.

۲ـمشکل می توان این مسئله را مورد قبول دانست که عدم ایستادگی ومقاومت از جانب آلمانیها درجبهه غرب تنها به آن علت بوده است که آنان با شکست مواجه شده اند.آلمانیها در جبهه شرق دارای ۱۴۷ لشگرمی باشند.آنها می توانستند بدون لطمه وآسیب به برنامه های خود۱۵الی ۲۰ لشگرراازآنجابرداشته وآنها راجهت کمک به نیروهای خودبه جبهه غرب انتقال دهند.اما آلمانیهااین نقل وانتقال را نه انجام داده ونه انجام می دهند.آنها نبرد با روسها را به خاطریک مرکزنه چندان معروف زملیانیتسادرچکسلواکی که این مرکزبرای آنها همانقدرموردنیازاست که کیسه آب جوش براي مرده،بصورت وحشیانه ای ادامه می دهند،درحالیکه شهرهای مهمی چون اسنابروک،مان هیم وکاسل واقع درقلب آلمان رابی هیچ مقاومتی تسلیم می نمایند.قبول بفرمائید که این رفتار آلمانیهاچیزی بالاترازرفتارعجیب وابهام آمیزدارد.

۳_آنچه که به مأموران اطلاعاتی و گزارشگران مامربوط می شود،باید به جنابعالی اطمینان دهم که آنها افراد شرافتمندوفروتنی هستندکه وظایف خودرابانظم ودقت انجام می دهندوقصدتوهین به هیچکسی راندارند.

این افراد بارهادرعمل بوسیله ماموردکنترل وآزمایش قرارگرفته اند. شما خود قضاوت بفرمائید.درفوریه امسال ژنرال مارشال یک سری اطلاعات مهم رادراختیار ستادکل فرماندهی نیروهای شوروی قرارمی دهد،جائی که ستاد کل بر اساس این اطلاعات موجودبه اطلاع روسهامی رساندکه درماه مارس آلمانیهادرجبهه شرق به دو حمله متقابل مهم دست خواهند زد:یکی از پامرانیابه ترن و دیگری ازمنطقه موراوسکااستراوا به لدز.

اما درعمل روشن شدکه تدارکات حمله فراهم آمد ، ولی برنامه حمله درمناطق فوق الذکر پیاده نگردید،بلکه درمنطقه کاملاًمتفاوت دیگری،یعنی دقیقاًدرمنطقه دریای«بالتون»درجنوب غربی بوداپست به مورداجراگذاشته شد.ازقرارمعلوم،اکنون دراین منطقه آلمانیهاتا۳۵ لشگر ،از جمله ۱۱ لشگرزرهی گردهم جمع آورده اند.

درطول جنگ این یکی ازعمده ترین ضرباتی بوده که باچنین تمرکزوسیعی ازنیروهای زرهی به اجرادرآمده است.مارشال تالبوخین موفق شدکه ازاین فاجعه جان سالم بدرببردوآلمانیها راتارومارنماید،واین به خاطرآن بودکه مأموران اطلاعاتی و گزارشگران ما،البته با قدری تأخیر،اماصحیح،نقشه این حمله مهم آلمانیهارافاش ساخته وبیدرنگ آن رابه اطلاع مارشال تالبوخین رسانده بودند.بدین ترتیب،من یکباردیگرامکان یافتم که دردقت ونظم وآگاهی مأموران اطلاعاتی و گزارشگران شوروی کسب اطمینان نمایم.

برای آشنایی بیشترجنابعالی بااین مسئله،نامه ارتشبدآنتونوف رئیس ستادکل فرماندهی ارتش سرخ راکه به عنوان تیمسارسرتیپ دین نوشته شده است،ضمیمه می نمایم.

۷آوریل سال۱۹٤۵

رونوشت . محرمانه. ریاست هیئت نمایندگی نظامی ایالات متحده آمریکا دراتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی تیمسارسرتیپ ژان دین

تیمسارمحترم دین!

ازجنابعالی تقاضا دارم مراتب زیررابه تیمسارمارشال اطلاع بفرمایید:

۲۰فوریه سال جاری،من خبری راازژنرال مارشال،ازطریق جنابعالی دریافت داشتم که آلمانیهادرجبهه شرق به منظورایرادضربه متقابله دست به تشکیل وسازماندهی دوگروه زده اند:یکی درپامرانیا برای حمله به ترن ودیگری درمنطقه وین،موراوسکااستراوا برای حمله به سمت لدز.ضمناً گروه جنوبی باید ارتش ششم زرهی «اس اس» راهم واردعمل نماید.مشابه همین خبرراهم من در ۱۲فوریه ازسرهنگ برینک مان رئیس دایره جنگ هیئت نمایندگی نظامی انگلیس دریافت کرده بودم.

من ازژنرال مارشال به پاس اطلاعاتی که صمیمانه برای کمک به اهداف مشترک ماارسال داشته اند،کمال تشکروامتنان رادارم.

درعین حال من وظیفه خودمی دانم که به اطلاع ژنرال مارشال برسانم که درطول ماه مارس سیرعملیات نبرددرجبهه شرق،اطلاعاتی راکه ایشان مخابره

کرده بودند موردتأیید قرارنداد،زیراروندپیکارهانشان دادکه آرایش اصلی قوای آلمانی که شامل ارتش ششم زرهی «اس اس» نیز بوده است،نه درپامرانیاونه درمنطقه موراوسکا-استراوا،بلکه درمنطقه دریاچه بالتون صورت گرفته است،جائی که آلمانیهاازآنجابه منظورحمله به دونای وعبورازناحیه جنوبی بوداپست واردصحنه شدند.این حقیقت نشان می دهدکه اطلاعاتی راکه ژنرال مارشال مورداستفاده خودقرارداده اندمطابقتی باسیرواقعی رویدادهای جبهه شرق درماه مارس نداشته است.

بعیدبه نظر نمی آیدکه بعضی ازمنابع این خبرچنین هدفی رادنبال کرده‌اندکه فرماندهی انگلیس وآمریکاوفرماندهی شوروی رادچارگمراهی ساخته وتوجه فرماندهی شوروی راازمنطقه جبهه شرق که عملیات تهاجمی بوسیله آلمانیها درآنجاتدارک دیده می شده،به انحراف بکشانند.

صرفنظرازمراتب فوق الذکر،من ازژنرال مارشال تقاضامی کنم،درصورت امکان،ارسال اطلاعات مربوط به دشمن رابرای اینجانب ادامه دهند.

من این موضوع رااستثنائاً ازآنجهت وظیفه خوددانستم که به اطلاع ژنرال مارشال برسانم که ایشان بتوانندااستنتاجات مربوطه رانسبت به منبع این خبرکسب نمایند.

لطفاًمراتب احترام وحق شناسی مرابه حضورژنرال مارشال ابلاغ بفرمائید.

باتقدیم احترام

رئیس ستادکل فرماندهی ارتش سرخ-ارتشبدآنتونوف

۳۰ مارس سال ۱۹۴۵

سند شماره ٤٢٠

نامه خصوصی ومحرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱_نامه۷آوریل شمارادریافت نمودم.

بخاطرلحن آرام بخش این پیام ازجنابعالی تشکرکرده وامیدوارم که اکنون دیگربتوان سوءتفاهم مربوط به مسئله«کراس ورد»(۹۹)رامنتفی شده تلقی نمود.

۲_من ازدرگذشت پرزیدنت روزولت که درطول پنج سال ونیم اخیرباایشان دارای مناسبات شخصی بسیاردوستانه ای بوده ام،عمیقانه متأثر واندوهگین می باشم.این واقعه تأثرانگیزیکباردیگراهمیت آن حقیقت راکه جنابعالی ومن درعرصه پدیده های بی پایان لطف ومهربانی وخاطرات دلپذیر،حتی درشرایط آنهمه مخاطرات وسختی هایی که موفق به محو آنها شده ایم،تا چه اندازه بایکدیگرصمیمی وهمبسته می باشیم،موردتأکیدقرار می دهد.

۳_من از فرصت استفاده کرده وبه پاس تمام محبت هایی که شما به هنگام اقامت همسرم درمسکووهمچنین بخاطر تمام آن مراقبتهاوتوجهاتی که درامر مسافرت های ایشان درروسیه مبذول فرموده اید،ازجنابعالی تشکرمی کنم.مااهدای نشان کارپرچم سرخ رابه ایشان که به مناسبت انجام خدمات او بخاطر آرامش دادن به عذاب هاورنج های سنگین مبارزان مجروح ارتش سرخ قهرمان صورت پذیرفته است،افتخاری بزرگ می دانیم.مقدارپولی راکه ایشان جمع آوری واهدا نموده اند،شایدرقم قابل ملاحظه ای نباشد،اما این

عطیه‌آمیزه ای ازعلاقه و دوستی نه تنها ثروتمندان،بلکه عمدتاًتهیدستانی است که مغروروسرفراز از آن بوده اندکه همه هفته سهمی ازمستمری خودراپرداخت می کرده اند.آینده تمام جهان به دوستی توده ملت های ما،به تفاهم متقابل دولتهای ماوبه احترام متقابل ارتش های مابستگی دارد.

۱٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٢١

نامه خصوصی ومحرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

لحظه افتخارآفرین بهم پیوستگی نیروهای شماومادرآلمان تسخیرشده بسرعت نزدیک می شود.من اطمینان دارم که اگراین واقعه طی پیامی کوتاه بوسیله جنابعالی،پرزیدنت ترومن واینجانب ازطریق رسانه رادیویی اعلام گردد،یقیناًاثرشادی بخش وهیجان زایی رابرملت های مابجاخواهدگذاشت.لطفاً،به من اطلاع بفرمایید که آیاجنابعالی بااین پیشنهادموافق می باشید.

مشابه این نامه راهم من برای پرزیدنت ترومن ارسال خواهم داشت.

۱٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٢٢

نامه خصوصی ومحرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

من درنامه۲۲مارس خود(۱۰۰)اظهارامیدواری کرده بودم که جنابعالی وپرزیدنت روزولت به اتفاق مادرصدوراخطاریه ای برای آلمانیها پیرامون امنیت اسرای جنگی متفقین که دراختیارآنهامی باشند،مشارکت خواهیدفرمود.پرزیدنت روزولت موافقت خودرادراین رابطه مشروط برموافقت شمادانسته بودند.مشاوران نظامی من معتقدندکه امکان داردبه زودی انجام این اخطار ضرورت پیداکند.بنابراین من امیدوارهستم که جنابعالی بتوانیددرمدتی کوتاه پاسخ خودرادراین زمینه برای من ارسال بفرمائید.

۱٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٢٣

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه های ۱٤آوریل شمارادریافت کردم.

۱ــ من باجنابعالی موافق می باشم وبی مناسبت هم نخواهدبودکه ازجانب شما،پرزیدنت ومن پیام های کوتاهی هم به سپاهیانی که درانتظار پیوستن نیروهای ما می باشند داده شود،البته منوط برآنکه پرزیدنت ترومن دراین زمینه مخالفتی نداشته باشند.ضمناً،روزایراداین پیام راهم بایدتعیین نمود.

۲_همچنین موافقم که اخطاریه مشترکی هم ازجانب سه دولت درباره امنیت اسرای جنگی که دراختیاردولت هیتلری می باشند،انتشارداده شود.من نسبت به متن اخطاریه ای که تهیه فرموده اید،(۱۰۰)مخالفتی ندارم.لطفاً،اطلاع بفرمائیدکه آیااین اخطاریه احتیاج به امضاءهم خواهدداشت یاخیر.همچنین،روز وساعت انتشارآن رانیزاطلاع بفرمائید.

۱٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٢٤

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی رابه مناسبت درگذشت پرزیدنت روزولت دریافت نمودم.

پرزیدنت فرانکلین روزولت راملت شوروی درعرصه همکاریهایِ بین سه دولت مابه عنوان رجلی سیاستمداروبرجسته ومدافعی پایداروخلل ناپذیرمی‌شناسد.

ملت شوروی مناسبات دوستانه پرزیدنت روزولت رانسبت به اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی همواره به صورتی شایسته ارج خواهدنهادوآن راهمیشه بیادخواهدداشت.

درباره آنچه که شخصاًبه اینجانب ارتباط می یابد،بایدبگویم که من سنگینی غم ازدست دادن دوست مشترکمان،این انسان بزرگ رابسیارعمیق احساس

می کنم.

۱۵آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤۲٥

نامه خصوصی وفوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

آقای میکولایچیک امروزبه دیدارمن آمدوپس ازانجام مذاکره،اطلاعیه زیرراتهیه وتنظیم کرده ومایل به آشکار ساختن فوری آن می باشد.من امیدوار هستم که جنابعالی باتوجه به تلگرام خصوصی۷آوریل خودبرای اینجانب،این اطلاعیه رامفیدارزیابی بفرمائید.

۱ـمن معتقدم که دوستی نزدیک وپایدارباروسیه درچارچوب دوستی گسترده‌تر باکشورهای متحد به منزله زیربنای اصلی سیاست آینده لهستان می‌باشد.

۲ـبه منظورپایان بخشیدن به هرگونه تردیدنسبت به مواضع اینجانب،من می‌خواهم اعلام بدارم که من باتصمیمات کنفرانس کریمه دررابطه باآینده لهستان،وضعیت حاکمیت مستقل آن وتشکیل دولت موقت که معرف دولت وحدت ملی خواهدبود،موافقم.

۳ـمن تصمیم اتخاذشده درکریمه رادرباره اجلاس رجال ورهبران لهستان به منظورتشکیل دولت وحدت ملی که حتی الامکان بطور واقعی و گسترده

بیانگرخواست ملت لهستان باشدومورد شناسایی سه دولت بزرگ قرار گیرد،مورد تأییدوحمایت خودقرارمی دهم.

۱۵آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٢٦

نامه خصوصی ومحرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱_خیلی خوشحالم که جنابعالی نسبت به ایرادسه پیام رادیویی موافقت خودرااعلام فرمودید.چقدرخوب می شداگرابتدا آنهاراروی نوارضبط می کردیم وسپس در روزی که موردتوافقمان باشد،درزمانی بسیارمناسب به ترتیب همراه باترجمه مربوطه به پخش هریک ازآنهامی پرداختیم.من به پرزیدنت پیشنهادمی دهم که اول ایشان پیام خودراایرادنمایند،سپس جنابعالی وبعدهم اینجانب که پیام رابه پایان خواهم برد.من متن آنچه راکه خودقصدبیان آن رادارم،برای جنابعالی ارسال خواهم داشت.

۲_درموردداخطاریه نیز بایدبگویم که البته هرسه نفر مابایدآنراامضاء کرده وبرای زمانی معین آماده ابلاغ سازیم.من به آقای ایدن مأموریت خواهم دادکه دراین باره باآقای استتی نوس وهمینطورامیدوارم با آقای مولوتوف درواشنگتن (۱۰۱)مذاکره نماید.

۳_من بی صبرانه درانتظارملاقات آینده سه وزیرامورخارجه درواشنگتن

می باشم.

۱٦آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٢٧

تاریخ ارسال نامه۱۸آوریل سال۱۹٤٥

خصوصی ومحرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

تلگرام۱٦آوریل شمارادرباره پیام به نیروهاواخطاریه مشترک دریافت نمودم.من باپیشنهادجنابعالی درموردترتیب پیام رادیویی مخالفتی ندارم.

درمورداخطاریه به آلمانیها دررابطه با امنیت اسرای جنگی،البته مامی توانیم به «و.م.مولوتوف»،آقای«ایدن»و آقای «استتی نوس»مأموریت بدهیم که درواشنگتن بایکدیگربه مذاکره بنشینند.

سند شماره ٤٢٨

تاریخ ارسال نامه۱۸آوریل سال۱۹٤٥

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

۱٦آوریل نامه شماراهمراه باشرح اطلاعیه میکولایچیک دریافت داشتم.بخاطرارسال خبرازجنابعالی تشکرمی کنم.

اطلاعیه میکولایچیک مسلماً گام بلندی به پیش می باشد،اما معلوم نیست که آیا میکولایچیک آن بخش ازتصمیمات کنفرانس کریمه راکه به مرزهای شرقی لهستان مربوط می شودنیزمی پذیرد.خوب می شداگراولاً،متن کامل اطلاعیه میکولایچیک رادریافت می داشتیم،ثانیاً،توضیحی ازمیکولایچیک رادراین باره می خواستیم که آیاوی آن قسمت ازتصمیمات کنفرانس کریمه درموردلهستان راکه به مرزهای شرقی لهستان مربوط می شودهم موردپذیرش قرار میدهدیاخیر.

سند شماره ٤٢٩

نامه خصوصی ومحرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

نامه١٦آوریل اینجانب مبتنی برمتن کامل اطلاعیه آقای میکولایچیک بوده است.

از لحظه دریافت نامه جنابعالی ،اخباروا‌طلاعات کاملاًروشن ومعلوم مرا بطورکامل برآن متقاعدساخته است که آقای میکولایچیک تصمیمات کریمه راتماماًبه انضمام آن بخش که به مرزهای شرقی لهستان ارتباط می‌یابد،موردپذیرش قرارمی دهد.اگرمن به حقیقت این امراطمینان نمی یافتم،خیال نمی کنم که به ارسال اطلاعیه وی اقدام می نمودم.

١٨آوریل سال١٩٤٥

سند شماره ٤٣٠

تاریخ دریافت نامه۱۸آوریل سال۱۹٤٥

خصوصی ومحرمانه ازنخست وزیرورئیس جمهور

مااین نامه رادرپاسخ به نامه۷آوریل جنابعالی درباره مذاکرات مربوط به لهستان،به منظورروشنگری بیشترموضوع،برای شماارسال می داریم تادررابطه باموضع مانسبت به مسئله لهستان جایی برای سوءتفاهم باقی نماند.

دولتهای بریتانیاوایالات متحده باصمیمانه ترین روشها سعی کرده اند که دربرخوردبامسئله لهستان به گونه ای اساسی وعادلانه عمل نمایندودرآینده هم به همین نحوعمل خواهند کرد. قبل ازدرج پیشنهادهای مشخص وعملی خودبرای جنابعالی که موضوع این نامه می باشد،البته لازم می دانیم که اثرمطلقاً نادرستی راکه ازقرارمعلوم به هنگام مذاکرات سفرای ما،براساس اشارات مستقیم شما،نسبت به موضع دولت های بریتانیا وایالات متحده درخاطرجنابعالی نقش بسته است،پاک سازیم.

تأییدجنابعالی براینکه دولت فعلی روی کاردرورشو،درموقع مذاکرات مذکورتااندازه ای موردبی اعتنایی قرارگرفته است،کاملاًغیرمنتظره می باشد.نه نیت ما ونه موضع ماهیچگاه این چنین نبوده است.برای شماآن واقعیت بایدروشن باشدکه سفیران مادرمسکوبدون هیچ قیدو شرطی موافقت کردند که اسامی سه رهبردولت لهستان درورشو بایددرلیست لهستانیهایی که برای مشاوره باکمیسیون لهستان(۹۵) به مسکودعوت می شوند،منظورگردد.ماهیچگاه این

موضوع راکه ازمیان سه گروهی که بایستی دولت موقت جدیدوحدت ملی راتشکیل دهند،خاصه اینکه نمایندگان دولت کنونی ورشوبایدبدون چون وچراایفاگرنقش برجسته ای باشندنفی نکرده ایم،همین طوربی انصافی خواهدبوداگرگفته شودکه سفیران مابه منظوردعوت ازلهستانیهای بیشمارونامحدود،خواهان اختیارشده اند.اختیارات کمیسیون دایربرپیشنهادوموافقت درزمینه دعوت ازنمایندگان مختلف لهستانی به مسکو،چه ازخارج وچه درداخل لهستان به منظورمشاوره رانبایدبه این معناومفهوم تعبیروتفسیر کرد.درواقع پرزیدنت روزولت درنامه اول آوریل خودبه خصوص خاطرنشان ساخته اندکه «به منظورتسهیل درنیل به موافقتنامه،کمیسیون می تواندقبل ازهرچیزبطورنسبتاًمحدود،عده ای نماینده ازرجال لهستانی راکه بتوانندسایرکاندیداهارا جهت بررسی کمیسیون پیشنهادنمایند، برگزینند».

درحقیقت مسئله موردبحث ماینست که آیا دولت ورشو حق داردکه نسبت به کاندیداهای منفردجهت شرکت درمشاوره وتودهدیاخیر.به اعتقادما،چنین تعبیری رانمی توان ازتصمیمات کریمه استخراج نمود.بنظرمی آیدکه شمابه طرف همان موضع مقدماتی هیئت شوروی که درکریمه برای خودقائل بوده است وبعدبصورت موافقتنامه تغییرشکل یافت،بازگشته اید.ماقاطعانه این مسئله رادرنظرداریم که اکنون فقط درباره آن گروهی ازلهستانیها سخن می گوییم که بایدجهت شرکت درمشاوره،به مسکودعوت شوند.

جنابعالی اظهارتمایل نسبت به دعوت ازهشت لهستانی (پنج نفرازلهستان وسه نفرازلندن)جهت شرکت دراین جلسات مقدماتی رابه خاطرمی آورید

وشمادرنامه خودبه نخست وزیرخاطرنشان ساخته ایدکه میکولایچیک درصورتی می تواند موردپذیرش واقع شودکه اوطی اطلاعیه ای حمایت خودرااز تصمیمات کریمه اعلام نماید.

بنابراین ماتوجه شمارابه پیشنهادهای زیرمعطوف داشته تابه منظوراجتناب ازهرگونه فاجعه وعواقب بیشمارناشی ازآن،باتلاشهای خودبه حل مسئله لهستان فائق آییم.ماامیدوارهستیم که جنابعالی دقیق ترین وجدی ترین توجهات خودرانسبت به این پیشنهادها معطوف بفرمایید.

۱ـبه نمایندگان مادرکمیسیون مأموریت داده شودکه بیدرنگ ازرجال لهستانی نامبرده زیردعوت بعمل آورده شودکه به منظورشرکت درمشاوره،به مسکوعزیمت نمایند:بروت،اسوبکا،موراوسکی،رولیا،ژیمرسکی،اسقف ساپگا،یکی ازلیدرهای حزب سیاسی بدون وابستگی به دولت کنونی لهستان (چنانچه اشخاص زیر مورد قبول شما باشند ، مورد قبول مانیزخواهندبود:ویتوس،ژولاوسکی،هاتسینسکی،یاسوکوویچ)،وازلندن: میکولایچیک،گرابسکم واستانچیک.

۲ـبه محض آنکه کمیسیون دعوتنامه های حضوردرجلسه را ارسال نماید،نمایندگان دولت ورشو،درصورت تمایل ،می توانندجزواولین نفرات درجلسه شرکت نمایند.

۳ـمقررگردد که هریک ازاین رجال لهستانی که برای مشاوره دعوت می‌شوند، می توانند اسامی عده معدودی ازسایررجال لهستانی ،اعم ازداخل ویاخارج ازلهستان رابه کمیسیون پیشنهاد نمایندکه آنها بتوانند جزواعضای

جلسه منظور گردیده وازاین روی ،همه گروههای مهم لهستانی بتواننداین امکان راداشته باشند که دربحث ومذاکره شرکت جویند.

٤_ماخیال نمی کنیم که بتوانیم تاقبل ازتشکیل جلسه رجال لهستانی درمورد تعیین ترکیب دولت جدیدوحدت ملی باهیچ فرمولی موافقت داشته باشیم ومابه هیچ عنوان درصدیوگسلاوی(۱۰۲) رادرلهستان نمی پذیریم.

ماازجنابعالی تقاضا می کنیم که یکباردیگرنامه های اول آوریل آمریکاوانگلیس رادقیقاً مطالعه بفرمایید،زیرااین نامه ها دیدگاههای ماراکه هنوزبه قوه خودباقی است وماموظف به متابعت ازآنهامی باشیم،باعمق بیشتری تشریح کرده اند.

سند شماره ٤٣١

نامه خصوصی ومحرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

ازآن روی که ماهرسه طرف قرارگذاشته ایم که به هنگام بهم پیوستگی نیروهای مسلحمان درآلمان اقدام به انتشارپیام رادیویی نمائیم،بنابراین انجام مراسم زیرراپیشنهاد می نمایم.

لازم می آیدکه هریک ازدولتین ازطریق رادیو به پخش هرسه پیام بپردازد.مابایدپیامهای ضبط شده را ازطریق هوایی ارسال وبایکدیگرمبادله نماییم.پیام اینجانب بشرح زیرخواهدبود:

آغاز:«پس از لشگرکشی های مکرر،تلاشهای سخت وطاقت فرسا،نبردهای مخاطره آمیزفراوان وکسب پیروزی درخشکی واقیانوسهاارتشهای متفقین بزرگ آلمان رابرش داده وبهم پیوستند.اکنون وظیفه آنها درهم شکستن تمام

بقایای مقاومت نظامی هیتلری،محو ونابودی حکومت نازیهاوفتح وپیروزی بردولت هیتلری می باشد.برای این منظور نیروهای عظیمی استقراریافته‌اندومابا پیروزمندی ودرشرایطی سرشارازدوستی وصداقت بایکدیگر پیوندیافته وبااراده ای راسخ به هدفمان خواهیم رسیدو وظیفه خودراانجام خواهیم داد.همه نشانه ها به سوی دشمن».پایان.

من پس ازضبط پیام خودبلافاصله آن راباهواپیما برای شماارسال خواهم داشت.مناسب می بوداگرجنابعالی می توانستیدپیام ضبط شده خودرا هرچه سریعتر برای اینجانب ارسال می فرمودیدومتن آن راهم مقدمتاًبطورتلگرافی مخابره می داشتیدتامابا مفادآن آشنامی شدیم.درموردنحوه ترتیب اجرای این تشریفات بایدبگویم که من پس ازبحث وبررسی به این نتیجه رسیدم که اگرهریک ازما ازطریق ایستگاه های رادیویی خودابتدا به پخش پیام شخصی خوداقدام نماییم،مطلوب ترخواهدبود.

به نظر می رسدکه بهترومناسب ترازهمه آنست که به مسئولین مراکز فرستنده رادیویی هرکشور امکان داده شودکه آنان خودزمان دقیق پخش پیام رادیویی راکه ازنظر شنونده مناسب ترمی دانند،تعیین نمایند.البته مسئولین این مراکز موظف خواهند بودکه تا زمانی که بطوررسمی نسبت به اتصال وبهم پیوستگی قطعی ارتشهای روسی وانگلیسی وآمریکائی اعلام خبر نشده است،ازپخش پیام رادیویی خودداری نمایند.بسیارجالب می شداگراین اعلام رسمی می توانست درهرسه کشوربطورهمزمان ودریک لحظه انجام می گرفت.ضمناً،آیا جنابعالی باهمزمان کردن اطلاعیه خوددرخصوص این واقعه بااطلاعیه مشابهی که ازجانب ژنرال آیزنهاور صادرخواهدشدموافقت

میفرمایید؟اگر آری،درآنصـورت مـن ازاو تقاضـاخواهم کـردکه بـرای ایـن منظورباجنابعالی تماس برقرارسازد.

مشابه همین تلگرام را من برای پرزیدنت ترومن ارسال خواهم داشت.

۱۹آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٣٢

نامه خصوصی و محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

سـه عـبارت پایانی تلگرام ۱۹آوریل اینجانب تاآنجاکه به من ربط می یابدبه آن معنانیسـت کـه به مناسبت این واقعه اطلاعیه دیگری دروزن وردیف این پیام رادیویـی،علاوه بـر آنچـه کـه موردنظرسـران سـه دولـت مـی باشـد،برای نیروهاصـادرگردد.ایـن آخـرین عـبارت فقط به اعلام خبردرموردواقعیت انجام بهـم پیوسـتگی نیروها مربوط می شودکه درباره آن طبق روال همیشگی اعلامیه صادرخواهدشد.

۲۰آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٣٣

خصوصی ومحرمانه

ازاستالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۹آوریل جنابعالی رادرباره پیام به نیروهادریافت نمودم.باانجام مراسمی که تشریح فرموده اید،موافقم.

پیام اینجانب به شرح زیر خواهدبود:

«ارتشهای پیروزمنددولتهای متفق که درحال جنگ آزادیبخش دراروپا می‌باشند،نیروهای آلمان راشکست داده ودرخاک آلمان بهم پیوستند.

هدف ووظیفه ماست که دشمن راشکست داده واورا مجبورساخته که اسلحه های خودرابه زمین گذاشته وبدون قیدوشرط تسلیم گردد.انجام این هدف ووظیفه راارتش سرخ دربرابر ملت خودوهمه ملت های آزادیخواه جهان تا به انتهادنبال خواهد کرد.

مابه نیروهای دلاورمتفقین خودکه اکنون دوش بدوش قوای شوروی درخاک آلمان استقرار یافته وباعزمی راسخ وخلل ناپذیر تابه پایان به وظیفه خودعمل خواهند کرد،درود می گوئیم».

این پیام روی صفحه ضبط خواهدشدوبیدرنگ برای جنابعالی ارسال خواهدگردید.

من مخالف آن نیستم که به مسئولین مراکز فرستنده رادیویی هرکشورامکان داده شودزمان دقیق پخش پیامهای رادیویی ماراتعیین نموده وبه محض اعلام رسمی خبربهم پیوستن ارتشهای شوروی وانگلیسی وآمریکایی،اقدام به پخش

آن نمایند.نسبت به تطبیق دادن اطلاعیه مربوط به واقعیت بهم پیوستن نیروها،بااطلاعیه مشابه ژنرال آیزنهاورنیزاعتراضی ندارم.

پیشنهادجنابعالی مبنی براینکه پخش پیام هریک ازما ازطریق ایستگاههای رادیویی کشورخوددراولویت باشد،موردپذیرش است.

۲۰آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٣٤

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

پرزیدنت ترومن به من اطلاع می دهندکه ایرادپیام رادیویی درباره بهم پیوستگی ارتش‌ها برای ایشان مقدور نمی باشد. بنابراین رئیس جمهورپیشنهادمی کند که پیام ایشان تحت عنوان اطلاعیه ای که دراختیارمطبوعات ورادیو قرار گرفته خواهد شد،درروزوساعت مقرربه نام ایشان پخش گردد.

من پیشنهاددادم که دستورالعملهای مربوط به تماس با مقام های نظامی شوروی ویافتن زمان مناسب برای انتشار اطلاعیه هارادراختیارژنرال آیزنهاورقراردهند.

پیام ضبط شده من باهواپیمابرای جنابعالی ارسال خواهد شد.

۲۱آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٣٥

نامه خصوصی نخست وزیربه مارشال استالین

ازجنابعالی بخاطرارسال تلگرام ۲۰آوریل درباره بهم پیوستن نیروهای مسلحمان تشکرمی کنم.من با پیشنهادپرزیدنت ترومن درباره اینکه پخش اطلاعیه باید بطورهمزمان درهرسه پایتخت رأس ساعت۱۲ظهر به وقت واشنگتن صورت پذیرد،روزآن بعداً تعیین خواهدشد،موافقم،وچنانچه از جانب شمادراین زمینه اعتراضی نباشد،ما می توانیم مقدمات مربوطه رافراهم آوریم.

۲۲آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٣٦

نامه خصوصی

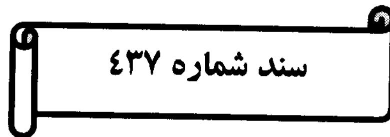
آقای چرچیل به مارشال استالین

مندرجات زیراطلاعیه آقای میکولایچیک می باشدکه درروزنامه وی انتشاریافته است.

درمطلبی که اودرآخرین عبارت خود،درپاسخ به سؤالی که جنابعالی ازمن فرموده بودیدآورده است دیگرجای هیچ شکّی باقی نمی ماند که او به ویژه خط کرزون(٦٥) را به انضمام تسلیم «لووف»به کشور شوراها،پذیرفته است.من امیدوارهستم که این امررضایت شمارافراهم آورد.

«بنابه درخواست روسیه ،سه دولت بزرگ نظر خودرا نسبت به استقراروشناسایی مرز شرقی لهستان برمبنای خط کرزون بااصلاحیه هائی جزئی وامکان پذیراعلام داشته اند.نظرشخص من اینست که دست کم لووف ومنطقه نفتی بایدپشت مرز لهستان باقی بمانند.زیراباتوجه به اینکه اولاً،خواست مطلق طرف شوروی دراین زمینه مطرح می باشد،ثانیاً،موجودیت دوملت مادرکنارهم بستگی به اجرای این شرط پیدا می کند،بنابراین مالهستانیها موظف به پرسش ازخودمی باشیم که آیامابه نام به اصطلاح تمامیت ارضی جمهوری خودبایدآن رامردود دانسته وتمام منافع حیاتی کشورخودرادرمعرض خطرقراردهیم؟پاسخ به این سؤال باید«نه»باشد».

۲۲آوریل سال۱۹٤٥



سند شماره ٤۳۷

ازاستالین به چرچیل*

درتاریخ ۲۱آوریل نامه جنابعالی رادرباره نحوه انتشارپیام رادیویی آقای ترومن رئیس جمهوردریافت داشتم.بخاطر ارسال خبرازشماتشکر می کنم.

همانطورکه ما قرارگذاشته ایم ،پیام ضبط شده اینجانب ازراه هوایی،به هنگام مراجعت«مسکیتو» (۱۰۳)برای شماارسال خواهدشد.

۲۳آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ۴۳۸

ازاستالین به چرچیل*

۲۲آوریل نامه جنابعالی رادرباره زمان اعلام بهم پیوستگی ارتشهای مادرآلمان،دریافت نمودم.

من باپیشنهادپرزیدنت ترومن مبنی براینکه اعلام مربوط به بهم پیوستن قشونهای مابایستی درسه پایتخت همزمان رأس ساعت ۱۲بوقت واشنگتن پخش گردد،مخالفتی ندارم.

مشابه همین نامه رامن برای ترومن ارسال خواهم داشت.

۲۳آوریل سال۱۹٤۵

سند شماره ٤۳۹

ازاستالین به چرچیل*

نامه مشترک مورخ۱۸آوریل شماو آقای ترومن رئیس جمهوررادریافت داشتم.

۱ــازاین نامه روشن می شودکه شمادولت موقت لهستان رانه بعنوان هسته مرکزی دولت وحدت ملی آینده لهستان ،بلکه فقط بعنوان یکی ازگروههایی که باهریک ازسایرگروههای لهستانی برابری دارد،ارزیابی می فرمایید.چنین درک وبرداشتی ازموقعیت دولت موقت لهستان واین حالت نگرش نسبت به آن

رامشکل بتوان با تصمیمات کنفرانس کریمه درباره لهستان مطابق وموافق دانست.

درکنفرانس کریمه ماهرسه طرف،ازجمله پرزیدنت روزولت ،تأکید برآن داشتیم که دولت موقت لهستان بعنوان دولتی روی کاروفعال درلهستان که ازاعتمادوحمایت اکثریت ملت لهستان برخوردار می باشد،بایستی بصورت هسته مرکزی درآیدوبه عبارت دیگر،بخش اصلی وعمده دولت وحدت ملی تازه سازمان یافته راتشکیل دهد.

گویا شما با چنین برداشتی از مسئله موافق نمی باشید .شما در حالی که نمونه یوگسلاوی (۱۰۲)را که می تواند الگوئی برای لهستان بشمار آید مردود دانسته ،تأیید می فرمائید که دولت موقت لهستان نیز نمی تواند به عنوان اساس و هسته مرکزی دولت وحدت ملّی آینده بشمار آید.

۲- آن شرایط را هم باید در نظر داشت که لهستان با اتحاد شوروی هم مرز می باشد، موردی که نمی توان آن را برای بریتانیای کبیر و ایالات متحده آمریکا هم در نظر گرفت.

مسئله لهستان برای امنیت اتحاد شوروی به همان اندازه مهم و پراهمیت است که مسئله بلژیک و یونان برای امنیت بریتانیای کبیر.

گویا شما موافق این نمی باشید که اتحاد شوروی حق داردتلاش نمایدکه درلهستان دولتی روی کارباشدکه با اتحادشوروی مناسبات دوستانه داشته باشد،ازطرفی ،دولت شوروی نمی تواند با موجودیت دولتی درلهستان موافقت نماید که بااودارای روابط خصمانه باشد.افزون برهمه اینها،درلهستان آن خونهای فراوانی که ازمردم شوروی بخاطر آزادی لهستان ریخته شده

است،مارابرای رسیدن به این مقصودموظف می سازد.من نمی دانم که دریونان آیا واقعاً دولت مردمی بوجودآمده است ویا دربلژیک حقیقتاًدولت دموکراسی ایجادگردیده است.موقعی که درآنجا این دولتهاتشکیل می شدند،ازاتحاد شوروی سؤالی بعمل نیآمد.دولت شوروی هم مدعی دخالت دراین امرنشد،زیرا که این دولت براهمیت ونقش کامل بلژیک ویونان درامنیت بریتانیای کبیرآگاه می باشد.

معلوم نیست که چرا به هنگام بحث ومذاکراه پیرامون مسئله لهستان نمی‌خواهندعلائق اتحادشوروی راهم ازنقطه نظرامنیت درنظر داشته باشند.

۳ـ بایدبه آن شرایط غیرعادی که دودولت ایالات متحده وبریتانیای کبیر ازپیش درمورد مسئله لهستان سازش می کنند،جایی که درآن اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی قبل ازهرکس وبیش ازهرکس درمسئله ذینفع می باشدونمایندگان این کشوررادروضعیتی غیرقابل تحمل قرار می دهند،ضمن آنکه سعی دردیکته کردن خواسته های خودنیز می نمایند،اعتراف بعمل آورد.

بایداذعان داشت که این وضعیت نمی تواند به حل رضایتبخش مسئله لهستان کمک کند.

٤ـمن ازجنابعالی بخاطرلطفی که نسبت به ارسال متن اطلاعیه میکولایچیک درباره مرزهای شرقی لهستان بعمل آورده اید،بسیار متشکرم.من آماده ام که به دولت موقت لهستان توصیه نمایم که آن دولت اطلاعیه میکولایچیک رادرنظر داشته وازمخالفت های خودعلیه دعوت ازمیکولایچیک به منظور مشاوره درباره مسائل مربوط به دولت لهستان چشم پوشی نماید.

تمام قضایا اکنون دراین است که تناسب یوگسلاوی بعنوان الگو و نمونه ای برای لهستان موردپذیرش قرار گیرد.به اعتقادمن ،اگراین مسئله موردقبول واقع شود،امورلهستان می تواندبه پیشرفتهایی نائل آید.

۲٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٤٠

نامه خصوصی ومحرمانه
نخست وزیربه مارشال استالین

من نامه پرزیدنت درباره لهستان راکه بمنظورارائه به شماتسلیم آقای مولوتوف گردیده بود،ازنظرگذراندم ودرارتباط بااهمیت ویژه آن به مشاوره باکابینه نظامی خودنشستم.اکنون وظیفه خودمی دانم به استحضارجنابعالی برسانم که مامفادنامه مزبورپرزیدنت را بطورکامل موردپشتیبانی خودقرارمی‌دهیم.من صمیمانه آرزو می کنم که بتوان راههایی رابرای رفع مشکلات مهم،که درصورت ادامه آنهاساعات خوش پیروزی به تلخی کشیده خواهدشد،جستجونمود.

۲٤آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٤١

نامه خصوصی ومحرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

بخاطرارسال دونامه۲۳آوریل جنابعالی که بموقع بدست من رسید،ازشماتشکرمی کنم.همچنین بخاطردرودی که شماازطرف ارتشهای شجاع خودخطاب به ارتشهای دموکرات غرب که اکنون بانیروهای شماپیوستگی یافته اند ارسال فرموده اید،ازجنابعالی تشکرمی کنم .من به شمااطمینان می دهم که ماهم متقابلاً به درودهاپاسخ خواهیم گفت.

۲۵آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٤٢

نامه خصوصی وفوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

تلگرامی راکه بلافاصله پس ازاین نامه برایتان ارسال خواهم داشت ، هم اکنون ازوزیرمختاربریتانیادرسوئد دریافت داشته ام.رئیس جمهور ایالات متحده هم ازاین موضوع بااطلاع می باشند.تا آنجاکه این مسئله به دولت اعلیحضرت ربط می یابد،لذا جز تسلیم بدون قیدوشرط بطورهمزمان دربرابر سه دولت بزرگ،هیچ مذاکره ای نمی توانذوجودداشته باشد.ما معتقدیم که به هیملربایدابلاغ شودکه نظامیان نیروهای مسلح آلمان اعم ازانفرادی ویا اجتماعی

بایستی درهر جا که قراردارندخودرادرمحل به نیروهای متفقین ویانمایندگان آنهاتسلیم نمایند.تاموقعی که این امرصورت نپذیرد،حملات متفقین ازهر سوودرتمام صحنه های عملیات جنگ ودرهرکجا که هنوز مقاومتی نشان داده می شود،باقدرت کامل ادامه خواهدداشت.

هیچ چیزی درتلگرام فوق الذکرنبایددرانتشارپیام های مربوط به بهم پیوستگی نیروهایمان اثر بگذارد.

۲۵آوریل سال۱۹٤٥

سند شماره ٤٤٣

تاریخ دریافت نامه۲۵آوریل سال۱۹٤٥

نامه کاملاً محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

تلگرام مورخ ۲۵آوریل که به شرح زیر خواهد آمد، از وزیر مختاربریتانیا در استکهلم دریافت گردیده است:

فوق العاده محرمانه:

۱_وزیرامورخارجه سوئدازمن وهمکارآمریکاییم تقاضا کردکه درساعت ۲۳بیست وچهارم آوریل بااوملاقات بعمل آوریم.دراین دیدارآقای باخمان و«گراف برنادوت»ازصلیب سرخ سوئد نیز حضورداشتند.

۲_برنادوت امشب ازآلمان ازطریق دانمارک،مراجعت کرده است.هیملرکه درجبهه شرق مستقر می باشد،ازبرنادوت خواسته بوده است که او خودرا بمنظوردیدارباوی بیدرنگ ازفلنسبورگ،جایی که برنادوت طبق دستورصلیب

سرخ به انجام وظیفه مشغول بوده است،به شمال آلمان برساند.برنادوت لوبک راپیشنهادمی کند،محلی که ملاقات درآنجادرساعت۱بامداد۲۴آوریل انجام می گیرد.باوجوداینکه هیملرخسته بوده واعتراف داشته که پایان کارآلمان فرارسیده است،معهذااوهنوزروحیه خودراحفظ کرده وازعقل واندیشه کافی برای بحث ومذاکره برخوردار بوده است.

۳- در این ملاقات، هیملر اظهار می دارد که هیتلر آنچنان سخت بیمار است که احتمالاً اکنون یا مرده یا به هر حال ظرف دو روز آینده خواهد مرد. ژنرال اشلنبرگ از قرارگاه کل هیملر به برنادوت خبر داده است که این مرض خونریزی مغزی است.

۴- هیملر خاطر نشان ساخته است که تا موقعیکه هیتلر زنده می باشد، او، هیملر، قادر به انجام هیچ اقدامی در زمینه پیشنهاد های دریافتی نخواهد بود، اما نظر به اینکه هیتلر اکنون در شرف مرگ است، بنابراین او دارای همه گونه اختیارات تام می باشد. سپس هیملر از برنادوت تقاضا کرده است که او به اطلاع دولت سوئد برساند که او خواهان آن می باشد که دولت سوئد تدابیر و اقداماتی را در زمینه ترتیب انجام یک ملاقات فیمابین او (هیملر) و ژنرال آیزنهاور به منظور تسلیم تمامی جبهه های غرب بعمل آورد.

برنادوت متذکر می شود که چنانچه هیملر بتواند بطور معمولی به نیروهای خود دستور تسلیم صادر نماید، در آن صورت انجام چنین ملاقاتی ضرورت نخواهد داشت.

در این دیدار، برنادوت خاطر نشان می سازد که چنانچه حکم تسلیم در سراسر نروژ و دانمارک تعمیم نیابد، او نسبت به ابلاغ تقاضای هیملر به دولت

سوئد اظهار تمایلی نشان نخواهد داد. برنادوت تأکید می نماید که اگر این امر واقع شود، بدیهی است که در آن صورت این ملاقات مفهوم مشخصی خواهد داشت،و در زمینه این چنین مسائل فنی قراردادهای ویژه منعقد خواهد شد و آلمانیها نیز در هر جا و در نزد هر کسی که باشند، ملزم به بر زمین نهادن اسلحه‌های خود خواهند شد. هیملر پاسخ می دهد که او آماده صدور دستور برای نیروهای مستقر خود در دانمارک و بلژیک جهت تسلیم به نیروهای بریتانیایی ، آمریکایی و یا سوئدی می باشد.

۵- هیملر امیدوار بوده است که بتواند مقاومت در جبهه شرق را دست کم تا مدتی ادامه دهد ، اما برنادوت به او می گوید که امکان این امر بعید به نظر می آید و متفقین با چنین مقاومتی موافقت نخواهند کرد. از جمله، هیملر یادآوری می نماید که او اطمینان دارد که برای نجات غیر نظامیان، متفقین غربی زودتر از روسها وارد مک لنبورگ خواهند شد. ژنرال «اشلنبرگ» در حال حاضر در فلنسبورگ، در نزدیکی مرز دانمارک بسر می برد و درحالیکه با بیصبری در انتظار کسب خبر می باشد، می تواند هر نوع پیامی را در اسرع وقت به اطلاع هیملر برساند.

برنادوت توجه ما را به این مسئله معطوف می دارد که چنانچه واکنشی از طرف متفقین نشان داده نشود، در آنصورت این امر احتمالاً باعث مصیبت های بی مورد فراوان و از دست دادن جان انسانهای بیشماری خواهد شد.

۶- وزیر امور خارجه توضیح داده است که به نظر او این خبر به اندازه ای مهم و تازه است که او وظیفه خود دانسته بیدرنگ وزیر مختار آمریکا و همینطور اینجانب را در متن آن قرار دهد. همکار آمریکایی من و اینجانب

خاطر نشان ساختیم که در حال حاضر عدم تمایل هیملر نسبت به صدور فرمان تسلیم در جبهه شرق مانند همان تلاش اخیری است که به منظور نفاق افکنی بین متفقین غربی و روسیه بعمل آمده است. بنابراین، واضح است که نازی ها باید در برابر کلیه متفقین بطور همزمان تسلیم گردند. وزیر امور خارجه و آقای باخمان ضمن اعتراف به اینکه این موضوع را نمی توان مورد استثناء قرار داد، متذکر گردیدند که واقعیت امر اینست که چنانچه فرمانده نازی ها برای کلیه نیروهای مستقر خود در جبهه غرب، نروژ و دانمارک دستور تسلیم صادر نماید، در حقیقت این امر برای تمام متفقین، از جمله روسیه سود و امتیاز فراوانی دربر خواهد داشت و در واقع این اقدام موجب تسلیم فوری همه نیروهای دشمن خواهد شد. به هر حال، وزیر امور خارجه پیشنهاد نمود که اطلاعات مربوط به برنادوت باید به اطلاع دولت های بریتانیای کبیر و ایالات متحده، تا آنجا که این مسئله به دولت سوئد بستگی دارد ، رسانده شود و در آن صورت آنها خود اختیار تام خواهند داشت که این اخبار را به اطلاع دولت شوروی برسانند یا خیر، زیرا دولت سوئد به هیچ وجه نمی خواهد وسیله ای باشد که از آن به عنوان نفاق افکنی و سمپاشی استفاده کنند و همینطور نمی خواهد که او را به عنوان چنین ابزاری مورد ارزیابی قرار دهند. تنها عاملی که بر اساس آن دولت سوئد نتوانست خود مستقیماً دولت شوروی را در جریان این اخبار و اطلاعات قرار دهد، آنست که هیملر مقید ساخته بود که این موضوع باید فقط برای متفقین غربی فاش و آشکار گردد.

۷- همکار آمریکایی من ، عین این تلگرام را برای دولت متبوع خود ارسال خواهد داشت.

سند شماره ٤٤٤

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

به خاطر ارسال خبر ۲۵ آوریل شما درباره قصد هیملر به تسلیم در جبهه غرب، از جنابعالی تشکر می کنم.

من پیشنهاد وارائه طریق جنابعالی را به هیملر در مورد تسلیم بدون قید و شرط آلمانیها در تمامی جبهه ها ، از جمله در جبهه شوروی ، تنها راه درست می دانم. با توجه به شناختی که از جنابعالی دارم،شک نداشتم که جنابعالی به همین صورت عمل خواهید فرمود.

تقاضا می کنم که بر اساس ماهیت پیشنهاد خود عمل فرمایید. ارتش سرخ هم در جهت منافع هدف مشترکمان ، برلن را زیر فشار قرار خواهد داد.

به استحضار شما می رسانم که من پاسخ مشابهی نیز برای پرزیدنت ترومن که چنین پرسشی را از من کرده بودند، ارسال داشته ام.

۲۵ آوریل سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٤٥

تاریخ دریافت نامه ٢٦ آوریل سال ١٩٤٥

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-این نامه درباره «کراس ورد»(۹۹) می باشد. مأمورین مخفی آلمانی که یک زمانی در گذشته تمام مناسبات خود را با آنها قطع کرده بودیم، اکنون دوباره وارد دریاچه لزرن شده اند. آنها اعلام کرده اند که اختیار و مأموریت یافته اندتسلیم ارتش در ایتالیا را به مرحله عمل در آوردند. بنابراین به فیلدمارشال الکساندر اطلاع داده شده است که او می تواند برای این مأمورین اجازه ورود به قرارگاه نیروهای مسلح متفقین در ایتالیا را صادر نماید. این ملاقات را آنها به راحتی می توانند انجام دهند، در صورتی که وارد فرانسه شوند و ما آنها را از آنجا با هواپیمای خود به سمت ایتالیا به پرواز درآوریم. آیا جنابعالی اظهار لطف می فرمایید که نمایندگان روسیه را فوراً به قرارگاه فیلد مارشال الکساندر اعزام نمایید؟

فیلد مارشال الکساندر می تواند تسلیم بدون قید وشرط نیروهای قابل ملاحظه دشمن را که در جبهه او مستقر می باشند بپذیرد، البته حل کلیه مسائل سیاسی به عهده سه دولت باقی خواهد ماند.

۲-جنابعالی ملاحظه می فرمایید که در تلگرامهای مربوط به پیشنهاد های هیملر دائر بر تسلیم در غرب و در شمال که من آنها را چند ساعت پیش برای شما مخابره کرده ام، سخنی درباره تسلیم در ایتالیا مطرح نشده است. ما در

ایتالیا خونهای فراوانی داده ایم و اسارت ارتشهای آلمان در جنوب آلپ پاداشی است که برای قلب ملت بریتانیا که ایالات متحده هم با او در همه چیز: هم تلفات و هم خطرها سهیم بوده است، عزیز و گرانبها است.

۳- تمام مندرجات فوق صرفاً برای اطلاع شخص جنابعالی است. ستاد فرماندهی ما به ستاد فرماندهی آمریکا اطلاع داده است که ترتیبی به عمل آورده شود تا ستاد فرماندهی مشترک انگلیس و آمریکا طی صدور دستوری برای فیلد مارشال الکساندر، با همان ماهیت، از او بخواهد که او فرماندهی عالی شما را از طریق هیئت های نمایندگی انگلیس و آمریکا در مسکو در جریان کامل امور قرار دهد.

سند شماره ٤٤٦

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

۲۶ آوریل نامه جنابعالی را در خصوص «کراس ورد» (۹۹)دریافت نمودم. از شما به خاطر ارسال خبر تشکر می کنم.

از جانب خود به اطلاع می رسانم که فرماندهی نظامی شوروی تیمسار سرتیپ کیسلنکو نماینده کنونی دولت شوروی در شورای مشورتی امور ایتالیا را برای شرکت در مذاکرات مربوط به تسلیم نیروهای آلمانی مستقر در شمال ایتالیا که در قرارگاه کل فیلد مارشال الکساندر انجام خواهد گردید، تعیین

کرده است.

۲۶ آوریل سال ۱۹۴۵

سند شماره ۴۴۷

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- در پاسخ به تلگرام مورخ ۲۵ آوریل جنابعالی به اطلاع می رسانم که من بسیار خوشحالم از اینکه جنابعالی تردیدی نداشته که من نسبت به کشور با فر و شکوه شما و نسبت به شخص جنابعالی همواره چگونه رفتاری داشته و خواهم داشت. دولتهای بریتانیا و آمریکا با اعتماد و اطمینان به روش و رفتار خود در این زمینه، فعالیت های خود را در سمت و سویی که مورد تأیید جنابعالی است گسترده خواهند کرد و ما هر سه جانب بطور کامل به مبادله اطلاعات متقابل ادامه خواهیم داد.

۲- کارزیر چندان چشمگیر نمی باشد ، امّا انجام آن سودمند خواهد بود.

ارتشهای ما به زودی در جبهه ای پهناور با یکدیگر تماس بر قرار خواهند کرد. ما باید هر چه سریعتر نسبت به ایجاد یک راه ارتباطی هوایی خوب، حتی‌الامکان هر چه وسیع تر، اقدام به عمل آورده تا بتوانیم همه روزه پیام های خود را از طریق آن مبادله نموده و تسهیلاتی در امر انجام تماسهای شخصی‌مان فراهم آوریم. من از ژنرال آیزنهاور تقاضا کرده ام که از جانب خود تدابیری

جهت ایجاد این راه هوایی اتخاذ نماید.

۲۷ آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٤٨

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- ارتش های انگلیس و آمریکا به زودی با نیروهای مسلح شوروی در آلمان به هم پیوسته خواهند شد و پایان قریب الوقوع مقاومت آلمان ایجاب می کند که ایالات متحده، بریتانیای کبیر و اتحاد شوروی تشریفات دقیق تصرف مناطقی را که در آلمان و اتریش بوسیله نیروهای مسلح آنان به اشغال در خواهد آمد، تعیین نمایند.

۲- هدف مستقیم ما شکست قطعی ارتش آلمان می باشد.در طول این دوره مرزهای بین نیروهای مسلح سه کشور متفق در میدان نبرد باید توسط فرماندهان مربوطه تعیین گردیده و بر اساس ملاحظات و نیازهای واقعی مشخص گردد.احتمال دارد که ظرف این مدت قوای ما بطور اجتناب ناپذیر در منطقه‌هایی که در خارج از مرزهای نهایی تحت اشغال خواهد بود، استقرار یابند.

۳- پس از پایان نبرد، وظیفه بعدی ما تشکیل کمیسیون های نظارت و بازرسی متفقین در برلن و وین ، انتقال و جابجایی جدید نیروهای مسلح متفقین و تصرف مناطق مربوطه اشغالی بوسیله نیروهایمان خواهد بود. تقسیم و

مرزبندی منطقه ها در آلمان انجام گردیده است ،(۱۰٤) فقط لازم می باشد که ما در موقع ملاقات آینده مان در وین(۱۰۵) که بنابر پیشنهاد ارائه شده جنابعالی تشکیل خواهد گردید، سریعاً نسبت به مرزبندی مناطق اشغالی در اتریش به توافق برسیم.

٤- اکنون روشن می باشد که هیچگونه سند امضاء شده ای درباره تسلیم وجود نخواهد داشت. در این شرایط دولتها باید نسبت به تشکیل فوری کمیسیون های نظارت وبازرسی متفقین اخذ تصمیم بعمل آورده و بررسی اقدامات جداگانه درباره انتقال نیروهای مسلح به نواحی اشغالی مورد توافق را به این کمیسیون ها ارجاع نمایند.

٥- به منظور رفع نیازهایی که مولود شرایط حاکم در جبهه خواهد بود ودرباره آن در بند ۲ این نامه سخن گفته شده است ، به عبارت دیگر ، بمنظور انجام اقدامات فوری موقتی که بنابر موقعیت میدان جنگ پدید خواهد آمد و ضرورت اجرایی پیدا خواهد کرد وهمینطور جهت تعیین منطقه های تاکتیکی، دستور العملهای زیر در اختیار ژنرال آیزنهاور قرارداده شده است :

« الف- به منظور اجتناب از سردرگمی بین دو ارتش و پیشگیری از عبور هریک از آنها از مرزهای منطقه هایی که توسط ارتش دیگر به تصرف درآمده است، در هر زمان و در هر مکان که دو ارتش با یکدیگر روبرو می شوند ، بستگی به نقل وانتقال به سوی پشت جبهه ویا به سوی جناح هایی دارد که طبق نظر فرماندهان محلی هر یک از طرفین برای درهم شکستن مقاومت های باقیمانده ضروری است ، موظف به توقف می باشند.

ب- در رابطه با نقل وانتقالات نیروهای مسلح ، پس از متوقف شدن عملیات جنگ در هر منطقه ، نیروهای شما بایستی برحسب نیازهای جنگی ، بدون توجه به مرزهای منطقه ها ، استقرار حاصل نمایند. برخلاف جابجایی های محلّی که طبق دستورهای اجرایی و اداری جهت انجام پاره ای نقل وانتقالات اساسی صورت می گیرد ، نیروهای شما بایستی تا آنجا که فوریت شرایط اجازه می دهد ، قبلا به کسب مصوبات ستاد فرماندهی مشترک (۳۷) نائل آیند ».

٦- آیا جنابعالی لطف می فرمایید که دستورهای مشابهی را برای فرماندهان مستقر خود در منطقه عملیات جنگی صادر بفرمائید؟

٧- من این نامه را در دو نسخه همزمان برای جنابعالی و پرزیدنت ترومن ارسال می دارم.

۲۷ آوریل سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٤٩

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

پیرو نامه خصوصی ۲۷ آوریل خود به اطلاع جنابعالی می رسانم :

در صورت نبود سند امضاء شده در زمینه تسلیم دشمن ، چهار دولت باید بیانیه ای را که حاوی شکست وتسلیم بدون قید وشرط آلمان می باشد منتشر ساخته و حکومت عالیه در آلمان را عهده دار شوند. طرح متن چنین بیانیه ای

اکنون تحت بررسی کمیسیون مشورتی اروپا می باشد ومن از جنابعالی تقاضا می کنم که طی صدور دستوری فوری برای نماینده خود در کمیسیون مذکور مقرر بفرمایید که نسبت به تهیه متن نهایی مربوطه تسریع بعمل آورد.

۲۸ آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٥٠

نامه خصوصی و فوق محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-از جنابعالی بخاطر ارسال پیام ۲٤ آوریل تشکر می کنم . من از سوء تفاهمی که بین ما در رابطه با موافقتنامه کریمه در خصوص لهستان پدید آمده بسیار متاسفم . البته من به آن امید به یالتا عزیمت کردم که دولتهای لهستان اعم از مقیم در لندن ویا لوبلین برکنار شوند و دولت جدیدی با عضویت لهستانیهای نیک نفس و خیر اندیش ، منتخب از اعضای دولت آقای بروت که دارای موقعیت ممتاز و برجسته ای می باشند ، تشکیل گردد. اما چون این طرح مورد پسند جنابعالی واقع نگردید ، بنابراین ما با آمریکاییها توافق حاصل کرده ایم که دولت بروت را نباید از کار برکنار کرد ، بلکه باید آنرا به دولتی «جدید» و از نو سازمان یافته ای بدل ساخت که بر پایه های وسیع تری از دموکراسی استوار بوده و رجال لهستانی دموکراتی چه از خود لهستان و چه از خارج در آن عضویت داشته باشند ». با چنین قصد ونیتی آقای مولوتوف و دو سفیر می بایستی به اتفاق یکدیگر در مسکو(۹۵) می نشستند و از طریق مشاوره با

اعضـای دولـت مـوقت روی کـار وسایر رجال لهستانی دموکرات اعم از داخل لهستان ویا از خارج ، نسبت به تشکیل چنین دولتی تلاش بعمل می آوردند.

۲- سـپس کمیسیون می بایست نسبت به انتخاب آن لهستانیهایی که ملزم به مشـارکت در مشاوره می باشند ، اقدام بعمل می آورد . ما در هر مورد جداگانه بـرای یافـتن اشـخاص نمایـنده تـلاش کـرده و در ایـن مسئله دقت فراوان بعمل آورده ایـم تـا دسـت کـم افرادی را که بنظر ما نمی توانند در برقراری مناسبات دوستانه با روسیه کوشش بعمل آورند ، مورد گزینش قرار ندهیم .

از لهسـتانیهایی که اکنون در دولت لهستانی مقیم در لندن عضویت دارند ما فقـط سه شخص واجد شرایط از جمله میکو لایچیک ، استانچیک و گرابسکی را که با دولت لهستانی مقیم در لندن به مخالفت برخاسته بودند انتخاب کردیم، بـه ایـن علـت کـه چون اولاً ، نظر سایر اعضای این دولت نسبت به روسیه مورد پسـند ایشـان قرار نگرفته بود و ثانیاً ، دولت مذکور مرز شرقی را که جنابعالی و ایـنجانب مـدتها در بـاره آن به مذاکره پرداخته بودیم و من بدون درنظر گرفتن دولـت شـوروی بعـنوان اولـین نفـر پذیـرش این مرز را به انضمام جبرانهایی در غرب و شمال به منزله اقدامی عادلانه به اطلاع همه جهانیان رسانده بودم ، مورد پذیرش و شناسایی قرار نداده بود .

ایـن حقـیقت دارد کـه میکولایچـیک در آن زمـان هـنوز امیدهایـی بـرای تصـاحب شـهر لـووف در سـر می پروراند ، اما همانطور که استحضار دارید او اکنون بطور علنی و آشکار نسبت به این ادعای خود انصراف داده است .

۳- اشـخاص کاندیـدی که باید از لهستان و خارج از آن دعوت می شدند ، بـر معیارهای حسـن نیـت نسـبت به انجام کار به توسط ما و آمریکائیها پیشنهاد

شده اند. اولین مسئله ای که مورد گله و شکایت انگلیسی ها واقع شده ، اینست که پس از ۹ هفته بحث و بررسی در کمیسیون مسکو و بعد از تبادل تلگرامهای متعدد میان سه دولت ما ، کوچکترین گشایش و پیشرفتی در امور مربوطه حاصل نگردیده است و چون آقای مولوتوف امتناع داشته که نظر خود را نسبت به لهستانیهای مورد پیشنهاد ما بطور قاطع و صریح اعلام نماید، بنابراین به هیچ یک از آنان حتی اجازه حضور در پشت میز گردهم برای مباحثات مقدماتی داده نشده است . تقاضا می کنم به این امر توجه بفرمایید که این اسامی بدان منظور داده نشده اند که حتما بایستی جزو اعضای کابینه دولت لهستانی از نو سازمان یافته در آیند، بلکه خیلی ساده تر ، آنها فقط بعنوان کسانی معرفی شده اند که باید در مذاکرات پشت میز گردی که طبق بیانیه کریمه پیش بینی گردیده است ، شرکت جویند و در نتیجه همین مذاکرات است که دولت واحد موقت ، بصورت تبلوری از قشرهای اصلی جامعه لهستان در خواهد آمد و بر اساس دوستی و مودت آماده همکاری با دولت شوروی خواهد بود و این دولت همچنین از جنبه و شرایطی برخوردار خواهد شد که می تواند مورد شناسایی ما و همه جهانیان قرار گیرد . خواسته و نیت ما این بوده و می باشد . دولت موقت سپس ، طبق تصمیم مشترک ما در کریمه ، می بایست مسئولیت انجام انتخابات « آزاد را هر چه زودتر و بدون ایجاد هیچ مانعی بر اساس حق انتخابات عمومی، ضمن اخذ رای بصورت مخفی » که در آن « کلیه احزاب دموکرات و ضد نازی بتوانند حق شرکت داشته و نامزدهای خود را معرفی نمایند »، بعهده می گرفت . اما افسوس که به هیچ یک از این دو مورد فرصتی برای حرکت داده نشد.

٤- در بند یک نامه خود ، جنابعالی درباره پذیرش « سابقه و الگوی یوگسلاوی(۱۰۲) بعنوان نمونه برای لهستان » ذکر سخن داشته اید . شما همیشه اظهار علاقه فرموده اید که تلگرامهای ما باید صمیمانه و صریح باشد و من اکنون باید بیدرنگ به شما بگویم که این دو مورد از یکدیگر کاملا جدا می باشند. در مورد لهستان سه دولت بر آن توافق داشته اند که ما چه تدابیر و اقداماتی را برای تشکیل دولت جدید بعمل آوریم . این امر باید ضمن تشکیل کمیسیون و انجام مشاوره بین نمایندگان دولت بروت و رجال دموکرات لهستانی چه از داخل و چه از خارج لهستان تحقق می یافت . حال آنکه در مورد یوگسلاوی هیچ گونه وجه اشتراکی با این قضیه وجود نداشته است . پس از آنکه نماینده شما در کمیسیون مسکو شروع مذاکرات پیش بینی شده در توافقنامه ما را در خصوص لهستان بصورت غیر ممکن درآورد ، بنظر می آید که اکنون جنابعالی پیشنهاد انصراف از تشریفات توافق یافته را عنوان می فرمائید . بدین ترتیب ، ما انگلیسی ها معتقدیم که پس از گذشت مدت مدیدی ، نه تنها مطلقا کوچکترین حرکت و پیشرفتی در جهت تشکیل دولتی « جدید » و « از نو سازمان یافته » لهستانی بوجود نیامده ، که برعکس در فاصله همین مدت زمان دولت شوروی قرار داد بیست ساله ای را با دولت موقت بروت در لهستان به امضاء رسانده است ،در حالیکه این دولت هنوز کما- فی السابق ، نه « جدید » و نه « از نو سازمان یافته » می باشد . ما احساس می کنیم که شرایط را دقیقا به ما دیکته کرده اند و ما را در این مسئله که به حل دوستانه و رفاقت آمیز آن در کریمه صادقانه باور داشته ایم ، در بن بست قرار داده اند .

۵- من همچنین باید بگویم که سیر و روند حوادث در یوگسلاوی آنچنان بوده است که من رابطه متقابل بین منافع کشورهایمان را به نسبت پنجاه به پنجاه احساس نمی کنم . مارشال تیتو بصورت قدرتمندترین دیکتاتورها درآمده است . او اظهار داشته است که در درجه اول به دولت شوروی وفادار می باشد . با وجودی که او به اعضای دولت سلطنتی یوگسلاوی اجازه ورود به دولت خود را داده است ، معهذا عده آنها تنها شش در مقابل بیست و پنج می باشد که آنها نیز شخصا توسط وی انتخاب شده اند.

در ما این احساس بوجود آمده که در زمینه مسائل عمده سیاسی با آنها مشورتی بعمل نمی آید و این طلیعه آغاز ایجاد یک سیستم تک حزبی است . با وجود این ،من هیچ نوع شکایت و یا تفسیری را نسبت به هیچ یک از آن موارد از خود ابراز نداشته و چه در یالتا و چه در سایر جلسات نسبت به تصمیماتی که در یوگسلاوی اتخاذ گردیده ، با سکوت و خاموشی موافقت خود را اعلام داشته ام . من حالا هم نسبت به هر اقدامی که از جانب شما در یوگسلاوی بعمل می آید ،بدون توجه به خطراتی که متوجه من می باشد ، اظهار شکوه و نارضایتی نمی کنم و امیدوارم که همه چیز بخوبی بگذرد و یوگسلاو ها را بصورت ملتی آزاد ، مترقی و کامیاب که نسبت به روسیه و ما دارای مناسبات دوستانه ای باشند ، در آورد .

٦- اما با این حال ما نمی توانیم « نمونه یوگسلاوی » را بعنوان شاخص راهنما نسبت به آنچه که در لهستان باید حادث شود ، مورد ملاک قرار دهیم . نه ما و نه آمریکائیها هیچگونه منافع نظامی و یا بخصوصی را در لهستان نداریم . تمام آن تلاشهایی را که ما در زمینه مسائل مادی بعمل می آوریم باید بطریقی

مناسب بین دولتهای دوست مورد بررسی قرار داده شود . همه ما در اینجا مات و متحیر از آن شده ایم که شما فکر کرده اید ما میخواهیم روی تشکیل یک دولت لهستانی که نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارای مناسبات خصمانه باشد ، کار کنیم . این امر با سیاست ما تضاد مطلق دارد . آخر، لهستان کشوری است که انگلیسی ها بخاطر آن در سال ۱۹۳۹ وارد جنگ با آلمان شده اند .

رفتار نازی ها نسبت به لهستان برای ما تجسمی از پستی و شهوت رذیلانه هیتلری در امر کشور گشایی و بردگی بوده است و تجاوز هیتلر به لهستان جرقه‌ای بود که به انفجار منجر گردید.

ملت بریتانیا نه بر مبنای محاسبات که گاهی اینچنین فکر می کنند ، بلکه بر اساس احساسات بجوش آمده و غلیان یافته وارد جنگ شده است .ملت بریتانیا دارای احساسی بوده است که این احساس سال به سال رشد کرده ، بطوریکه ، هنگامیکه هیتلر با تمام نیات و سوء قصدهای خود جنگ را تدارک می دید و کشور ما و آزادیهایی را که ما در اروپا به آن بسیار اهمیت می دهیم ، دچار مخاطره ساخته بود و هنگامی که هیتلر پس از موافقتنامه مونیخ با آن همه فضاحت و شرمساری قول و تعهد خود را در رابطه با چکسلواکی نقض می کند، معهذا چمبرلن صلحدوست (چمبرلن در سالهای ۴۰- ۱۹۳۷ پست نخست وزیری بریتانیا و رهبری حزب محافظه کار انگلستان را عهده دار بوده است.درسال ۱۹۳۸ او به اتفاق هیتلرو موسولینی موافقتنامه مونیخ را به امضاء می‌رساند – مترجم) تضمین ها و تعهداتی را از جانب کشور ما علیه هیتلر در جهت کمک به لهستان متقبل می گردد . موقعیکه تجاوز هیتلر به لهستان ، انجام

آن ضمانت ها و تعهدات را فراهم می آورد ، تمام ملت ما با توجه به عدم آمادگی ، به طور یکپارچه علیه هیتلر وارد جنگ می شود. در قلب مردم انگلستان ، آتش افروخته شده بود مانند همان آتشی که قلب ملت شما را به هنگام دفاع جوانمردانه از کشور خود در برابر تهاجمات خائنانه و بی رحمانه آلمانیها فرا گرفته بود ، حملاتی که زمانی تقریبا به صورت کمر شکن در آمده بود. این آتش مانند گذشته ، در حالیکه دامنه آن تقریبا تمام طبقات و احزاب اینجا و جزایر و کشور های مستعمره ای بریتانیا را احاطه کرده است ، هنوز شعله ور است و آنها هیچگاه فکر نخواهند کرد که این جنگ عادلانه به پایان رسیده است، مگر آنکه در رابطه با لهستان مفاهیم حاکمیت ، استقلال و آزادی به معنای وسیع کلمه بر مبنای دوستی با روسیه به صورتی منصفانه جامه عمل به خود بپوشاند . در این باره من خیال می کنم که ما در یالتا به توافق رسیده باشیم.

۷ – در راستای این احساس عمیق نسبت به مراقبت از حقوق لهستان که به اعتقاد من دست کم به همین شدت در همه جا ، در ایالات متحده و در جهانی که به زبان انگلیسی صحبت می کنند گسترش یافته است ، اشتیاق شدید و وافر به دوستی با جمهوری قدرتمند روسیه شوروی هم در شرایط مساوی و محترمانه و همکاری با شما برای سالیان متمادی و درخشان به وجود آمده است که صرفنظر از سیستم های حکومتی و فکری متفاوت ما ، این امر می تواند فقط به یاری سه دولت ما برای تمام جهان تعمیم یابد . من که بخاطر این وحدت و یانگی در طول سالها که تعهد مسئولیت سنگین را برعهده داشته ، کار کرده‌ام،در آینده هم با بهره گیری از تمام امکانات تحت اختیار، البته با همین

روش ادامه کار خواهم داد . از جمله می توانم به جنابعالی اطمینان دهم که ما در بریتانیای کبیر سعی در تشکیل دولتی لهستانی که در رابطه با روسیه دارای مناسبات غیر دوستانه ای باشد بعمل نخواهیم آورد و چنین دولتی را تحمل نخواهیم کرد . اما در عین حال ، ما هم نمی توانیم دولتی لهستانی را که در واقع با آنچه که در بیانیه مشترك ما قید و در یالتا مورد تصویب قرار گرفت ، مطابقتی نداشته باشد ، علیرغم احترام عمیقی که نسبت به حقوق شخصی به همانگونه ای که این امر در دنیای غرب مفهوم گردیده قائل می باشیم ، مورد شناسایی قرار دهیم .

۸- در مورد استناد جنابعالی به یونان و بلژیك ، باید بگویم که من نظر شما را در خصوص آنچه که در این باره ابراز شده ، می پذیرم ، اما در آن موقع ما بایستی با نیروهای بزرگ و مسلح خود برای سرکوبی حمله ا. آ. ام — الاس علیه مرکز دولت آتن (۱۰٦)مداخله می کردیم . ما کرارا خاطر نشان ساخته ایم که منافع شما در رومانی و بلغارستان عمدتاً باید تامین گردد . اما ، با وجود این، ما که نمی توانیم بطور کامل از این کشورها خارج شویم و ما نمی خواهیم که در آنجا طرز برخورد اتباع شما نسبت به ما با آن حالت احترام آمیز ومحبت باری که جنابعالی همواره نسبت به ماشاغلین پست های بالا معمول می فرمائید تفاوت داشته باشد . در یونان ما تنها درپی یافتن دوستی با آنها هستیم ، دوستی‌ئی که سالیان متمادی ما را بهم پیوند داده است ، ما فقط خواهان استقلال و حفظ تمامیت ارضی این کشور می باشیم با این همه ، ما قصد نداریم که در زمینه تعیین نوع سیستم حکومتی این کشور که پادشاهی باشد یا جمهوری ، تصمیم گیری بعمل آوریم . تنها سیاست ما در یونان بازگشت و

استقرار هر چه سریعتر وضعیت به حالت عادی و انجام انتخابات آزاد و عادلانه می باشد که من امیدوار می باشم ظرف چهار یا پنج ماه آینده به مورد اجرا گذاشته شود . این انتخابات ابتدا باید نوع رژیم و سپس قانون اساسی را تعیین و مشخص سازد . باید اراده ملت که در شرایطی آزاد ، ضمن تأمین حق انتخابات همگانی ، ابراز می گردد ، عامل تعیین کننده باشد . این اعتقاد اساسی ما می باشد اگر یونانیها جمهوری را خواستند ، در آنصورت تاثیری بر روابط ما با آنها نخواهد گذاشت . ما از نفوذ خود بر دولت یونان استفاده کرده و از او خواسته ایم که از نمایندگان روسی دعوت بعمل آورد تا ایشان خود حوادث و رویدادهای جاری در یونان را آزادانه مورد ملاحظه قرار دهند و من اینطور امیدوار می باشم که در انتخابات بایستی نمایندگان تام الاختیار روسی ، آمریکایی و بریتانیایی نظارت الزامی داشته باشند تا بتوانند در سراسر کشور ، در امر جزئیات مربوط به انتخابات در بین کلیه احزاب مبارز نسبت به عدم تهدید و ارعاب و یا سایر نقض آزادیهای ملت اطمینان بدست آورند . پس از انجام این امور ، شاید بتوان کار ما را در یونان پایان یافته تلقی نمود .

۹- درباره بلژیک باید خاطر نشان سازم که ما هیچ شرطی را مطرح نخواهیم کرد ، هر چند طبیعی است که چنانچه این کشور دست به احداث پایگاهی به منظور پرتاب موشک و یا غیره علیه ما بزند ، اسباب نگرانی ما را فراهم خواهد آورد ، و ما امیدوار هستیم که بلژیکی ها هر نوع حکومتی را که بر اساس رای ملت برای خود انتخاب می کنند، به سیستم دفاع مشترک که هدف آن دفع حملات آلمان در غرب می باشد ، ملحق شوند .

بلژیک نیز مانند لهستان صحنه جنگ و کانال ارتباطی است و هر یک از ما باید به قدرت این عوامل که بدون آنها ارتش های بزرگ قادر به انجام عملیات نخواهند بود ، اعتراف داشته باشیم.

۱۰- درباره بند سوم نامه جنابعالی باید به اطلاع برسانم که کاملا صحیح می‌باشد ، ما و آمریکائیها در خصوص لهستان به خط مشی مشخصی از عملیات دست یافته ایم . البته ، این امر ناشی از آنست که بین ما بطور طبیعی نسبت به این مسئله توافق نظر حاصل شده و ما هر دو طرف صمیمانه معتقدیم که تا آنجا که این سخن به بعد از کنفرانس کریمه ارتباط می یابد ، به اندازه کافی با ما بدرفتاری شده است . بدون شک ، وقتی این امور را با نگاهی مخالف مورد بررسی قرار می دهند ، بدیهی است که آنها بصورت دیگری جلوه می یابند . با وجود این،ما کاملا موافق با این امر می باشیم که تعهداتی را که ما در قبال حاکمیت ، آزادی و استقلال لهستان داده ایم به منظور آنکه این کشور دارای دولتی باشد که در میان لهستانیها بطور کامل و بارز تجسمی از کلیه عناصر دموکراتیک داشته باشد ، برای ما به منزله وظیفه و امری وجدانی است . من فکر نمی کنم که لااقل شانس ناچیزی در تغییر مواضع دو دولت ما وجود داشته باشد و هنگامیکه بین ما توافقی صورت می گیرد ، ما بطور علنی موظف به بیان آن می باشیم . آخر ما با شما ضمن اعلام موافقت خود در امر پذیرش مرز مشترک لهستان - روسیه و بخصوص نسبت به خط کرزون(٦٥) و تسلیم شهر لووف به روسیه که بنا به ابتکار من در آغاز سال ۱۹٤٤ انجام گردیده ، به میزان قابل ملاحظه ای همبسته و همراه شده ایم . ما فکر می کنیم که در رابطه با آن بخش از سیاستی که شما آن را به موازات ما اعلام داشته اید ، خاصه نسبت به

حاکمیت ، استقلال و آزادی لهستان در شرایطی که این کشور با روسیه دارای مناسبات دوستانه باشد ، باید از ما استقبال بعمل آورید . بنابراین ، دولت اعلیحضرت تشکیل دولتی به سبک و سیاق یوگسلاوی را که در آن در ازای هر چهار نماینده از دولت موقت کنونی ورشو فقط یک نماینده از سایر عناصر دموکراتیک عضویت داشته باشند ، مجاز نمی داند . در دولت باید تعادل بطور مناسب برقرار و پست های حساس بطور متناسب تقسیم گردد . و این نتیجه باید حاصل گردد ، همانطوریکه ما در کریمه از راه بحث و بررسی این مسئله توسط نمایندگان راستین عناصر مختلف لهستانی که بهیچوجه مخالفتی با روسها ندارند ، به توافق رسیده ایم .

۱۱– در حال حاضر ، مشکلاتی نیز بواسطه انواع شایعاتی که از لهستان انتشار می یابد و درباره آنها آقای مولوتوف علیرغم استعلام های مکرر ما ، مطلقا هیچگونه اطلاعی را در اختیار ما قرار نمی دهند ، بوجود آمده است . بسیاری از اعضای پارلمان با شوق و حرارت به این شایعات گوش فرا می دهند و هر لحظه ممکن است که درباره آنها در پارلمان و یا در مطبوعات مسائل جنجال برانگیزی مطرح شود ، برخلاف آنچه که من این چنین اعمال را محکوم می نمایم . برای نمونه ، صحبت هایی راجع به ۱۵ نفر لهستانی ، اینطور که ذکر می کنند ، در بین می باشد که بیش از چهار هفته قبل جهت انجام مذاکره ، با مقامات روسی ملاقات داشته اند ، همچنین درباره آقای ویتوس که در مورد او شایعات مشابه ، اما تازه تری بر سر زبانهاست . اطلاعات فراوانی نیز در مورد تبعیدها و غیره رایج می باشد . من چطور می توانم این شایعات را تکذیب کنم ، در حالیکه شما هیچگونه اطلاعی را در اختیار من قرار نمی دهید

و نه به من و نه به آمریکاییها اجازه اعزام مامور به لهستان داده نمی شود که لااقل خود بتوانیم به واقعیات امر آگاهی یابیم . حتی یک بخش از مناطق اشغالی و یا آزاد شده بوسیله ما یافت نمی شود که شما نتوانید آزادانه هیئت‌های نمایندگی خود را به آنجا اعزام نمایید ، مردم نمی توانند بفهمند که چرا شما نسبت به دیدارهای مشابه هیئت های نمایندگی بریتانیا از سرزمینهای آزاد شده بوسیله نیروهای شما ، مخالفت بعمل می آورید.

۱۲- چشم انداز آینده آنچنان آرام بخش نخواهد بود ، وقتیکه شما و کشورهایی که بر آنها حکومت می کنید همراه با احزاب متعدد کمونیستی سایر کشورها در یک طرف ، و ملت های انگلیسی زبان و متحدین و یا مستعمره های آنان در طرفی دیگر جمع می آیند . کاملا روشن است که قهر و مناقشه بین آنان جهان را به بخشهایی تقسیم خواهد کرد و همه ما ، ما سران هر یک از این کشورها که به نحوی با این امر بستگی و مناسبت داریم در مقابل تاریخ شرمسار خواهیم بود . فقط ورود به مرحله طولانی بدگمانی ، تهمت ، اتهامات متقابله ، جبهه گیریهای سیاسی با خط مشی های گوناگون در برابر یکدیگر خود به تنهایی مصیبتی است که اجرای نیات بزرگ و عالیه ای را که باید در جهت تامین رفاه توده های ملت های سراسر جهان بکار برده شود ، که نیل به آنها تنها در سایه وحدت و یگانگی ما سه طرف تحقق خواهد یافت ، دچار مشکل خواهد کرد . من امیدوار هستم که در این اظهاراتی که از اعماق قلب و روح من نشأت گرفته است ، هیچ واژه و عبارتی یافت نشود که ناگهان باعث رنجش خاطر جنابعالی را فراهم آورد . اگر اینطورمی باشد ، مرا آگاه بفرمایید . اما ، استالین ! دوست من ، از شما تقاضا می کنم . انشعاباتی را که در

خصـوص مسـائل مطرح می گردند ، که چه بسا ممکن است از نظر شما اهمیت چندانـی نداشـته باشند ، مورد کم توجهی و بی مقداری قرار ندهید ، زیرا آن ها برای ما جهان بینی ملت های دموکراتیک انگلیسی زبان را نشان می دهند.

۲۸ آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٥١

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

مـن هـم اکـنون تلگرامـی از فـیلد مارشـال الکساندر دریافت داشتم که خبر مـی دهـد پـس از ملاقاتـی کـه بـا حضور افسران شما برگزار گردیده ، آلمانیها شـرایط اعلام شده مربوط به تسلیم بدون قید و شرط را پذیرفته و مهمترین ماده هـای مـربوط بـه تسـلیم را ، ضـمن تقاضـا نسـبت بـه تعیـین روز و سـاعت پایان عملیات جنگ ، برای ژنرال فون فیتینگوف ارسال خواهند داشت . بنابراین بنظر مـی آیـد کـه تمـام نیـروهای آلمانـی مسـتقر در مـنطقه از آلپ تا جنوب تقریبا بلافاصله تسلیم گردند .

۲۹ آوریل سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٥٢

نامه خصوصی و محرمانه
مارشال استالین به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۸ آوریل جنابعالی را دریافت کردم .

من با پیشنهاد شما مبنی بر انتشار بیانیه مشترک چهار دولت که شکست و تسلیم بدون قید و شرط آلمان را در برداشته باشد ، چنانچه در آلمان حکومت مرکزی فعال و منسجمی وجود نداشته باشد ، موافقم .

به نماینده شوروی در کمیسیون مشورتی اروپا دستور داده شده است که در مقدمه بیانیه ای که طرح آن توسط هیئت بریتانیایی پیشنهاد گردیده ، متممی که اصل تسلیم بدون قید و شرط نیروهای مسلح آلمان را تثبیت نماید ، اضافه کند .

۳۰ آوریل سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٥٣

نامه خصوصی و کاملا محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- من امروز خبر زیر را از فیلد مارشال الکساندر دریافت نمودم . ما به اتفاق هم باید از این تسلیم کلی و بزرگ شاد و خرسند باشیم .

« سرهنگ دوم فون اشوینیتس به نمایندگی ازطرف ژنرال فون فیتینگوف فرمانده کل آلمان درجنوب غربی ، فرمانده عالی نیروهای اس –اس و سازمان

پلیس و سرگرد ورنر به نمایندگی از طرف ژنرال ولف نماینده کل تام الاختیار ارتش آلمان در ایتالیا و فرماندهی نیروهای اس .اس امروز ۲۹ آوریل ساعت ۱٤ به وقت بریتانیا شرایط تسلیم را به امضاء رساندند. منطقه تحت فرماندهی فون فیتینگوف و ولف شامل تمام ایتالیا (بجز بخشهای ونیز - جولیا از شرق رودخانه ایزانتسو) فورالبرگ ، تیرول ، ایالت زالتسبورگ و قسمتی از کارین‌تیا می باشد .

عملیات جنگی باید در روز دوم ماه مه راس ساعت ۱۲ بوقت متوسط گرینویچ متوقف گردد.

در موقع تشریفات مربوط با امضاء ، فون اشوینیتس خاطر نشان ساخت که وی در بعضی موارد بیش از اختیاراتی که فون فیتینگوف به او تفویض نموده ، عمل کرده است ، اما من خیال نمی کنم که این امر تاثیری در نتایج کلی داشته باشد .

فون اشوینیتس و ورنر اکنون از طریق سوئیس در حال بازگشت به سمت ستاد فرماندهی فون فیتینگوف واقع در بالتسانو می باشند . آنها باید تا فردا ۳۰ آوریل در ستاد حضور یابند . پس از حضور آنها در محل ، بین ستاد فرماندهی ما و ستاد فرماندهی فون فیتینگوف ارتباط رادیویی مستقیم برقرار خواهد شد . ژنرال کسیلنکو و یک افسر دیگر روسی در این مراسم حضور یافته بودند . مهم اینست که قبل از اجرای شرایط ، دراین باره هیچگونه خبری مطلقا انتشار نیابد »

.

۲- پرزیدنت ترومن پیشنهاد کرده اند که اولین خبر مربوط به تسلیم را فیلدمارشال الکساندر به اطلاع برساند. من دستورهای لازم را مادامیکه افسران شما در آنجا حضور داشتند، برای فیلد مارشال الکساندر صادر کردم.

۳۰ آوریل سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۵٤

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۷ آوریل جنابعالی را در خصوص تشریفات مربوط به اشغال آلمان و اتریش توسط ارتش سرخ و نیروهای مسلح انگلیسی - آمریکایی دریافت داشتم.

از جانب خود باید بگویم که فرماندهی کل شوروی طی دستوری مقرر داشته است که به هنگام دیدار نیروهای شوروی با نیروهای متفقین، فرماندهی شوروی باید فورا با فرماندهی نیروهای آمریکایی یا انگلیسی تماس حاصل کرده و آنان بر اساس مذاکره و توافق بین خود لازم می آید:

۱-خط مرزبندی تاکتیکی موقت را مشخص نموده و

۲-اقداماتی در جهت سرکوبی هر نوع مقاومت از جانب نیروهای آلمانی در محدوده های خطوط موقت مرزبندی شده مربوطه بعمل آورند.

۲ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٥٥

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه های ۲۹ و ۳۰ آوریل جنابعالی درباره تسلیم بدون قید و شرط آلمانیها در ایتالیا را دریافت نمودم .

بخاطر ارسال خبر از شما تشکر می کنم . من مخالفتی ندارم که اولین اطلاعیه مربوط به تسلیم آلمانیها در ایتالیا را فیلد مارشال الکساندر اعلام نماید .

۲ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٥٦

نامه خصوصی و محرمانه آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۸ آوریل جنابعالی را پیرامون مسئله لهستان دریافت نمودم.

باید بگویم که من نمی توانم با دلائل و براهینی که شما به منظور حقانیّت موضع خود ابراز فرموده اید موافقت نمایم.

۱-پیشنهاد مربوط به پذیرش الگوی یوگسلاوی (۱۰۲)به عنوان نمونه برای لهستان را شما می خواهید تحت انصراف از انجام تشریفاتی که بین ما و شما در خصوص تشکیل دولت وحدت ملّی لهستان به توافق رسیده است مورد بررسی قرار دهید.با این امر نمی توان موافقت بعمل آورد.

نمونه یوگسلاوی به اعتقاد من،قبل از هر چیز از آن جهت دارای اهمیّت است که مناسب ترین راه و واقعی ترین حل مسئله مربوط به تشکیل دولتی جدید و واحد را نشان می دهد، به اینصورت که برای این منظور ارگانی دولتی که در کشور مجری حکومت دولتی است،به عنوان پایه و زیر بنا تعیین و مشخص می گردد.

کاملا روشن است که تا زمانیکه دولت موقت کنونی روی کار در لهستان را که متکی بر حمایت و اعتماد اکثریت ملت لهستان می باشد بعنوان پایه و اساس دولت وحدت ملی آینده مورد شناسایی قرار ندهیم ، حل موفقیت آمیز مسئله ای که توسط کنفرانس کریمه پیش روی ما نهاده شده است ، امکان پذیر نخواهد بود .

۲- من موافقت با نظریه های شما را درباره یونان ، در آن قسمت از نامه که جنابعالی کنترل و نظارت بر انتخابات این کشور را بوسیله سه دولت پیشنهاد فرموده اید ، امکان پذیر نمی دانم . چنین نظارت بر ملت کشوری متفق را نمی توان جز اهانت نسبت به این ملت و دخالت علنی در امور داخلی آنان چیز دیگری بحساب آورد .این کنترل درمورد کشورهای وابسته ای که بعدها به آلمان اعلان جنگ داده و به جرگه متفقین پیوسته اند ، امری است بی فایده و غیر ضروری ، همانطور که برای نمونه، تجربه برگزاری انتخابات در فنلاند ، جائی که انتخابات بدون دخالت بیگانگان انجام گردید و نتایج مثبتی ببار آورد، این موضوع را ثابت کرده است .

ملاحظات جنابعالی درباره بلژیک و لهستان دایر بر اینکه آنها صحنه های جنگ و راههای ارتباطی هستند کاملا عادلانه می باشد . در مورد لهستان باید

خاطر نشان سازم که یکی از ویژگی های این کشور اینست که با اتحاد شوروی همسایه می باشد و شرایط ایجاب می کند که دولت آینده لهستان در عمل نسبت به برقراری مناسبات دوستانه بین لهستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تلاش نماید ، این امر به سود همه ملتهای آزادیخواه نیز خواهد بود. این شرایط بر سودمندی الگوی یوگسلاوی هم دلالت دارد . کشورهای هم پیمان و متفق به دوستی استوار و ثابت بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و لهستان علاقه دارند . بنابراین ما نمی توانیم تنها به آن رضایت دهیم که در امر تشکیل دولت آینده لهستان اشخاصی جذب گردند که طبق اظهارات جنابعالی « مخالف روسها نبوده » و یا بنا بر عقیده شما « اشخاصی که در رابطه با روسیه دارای مناسبات غیر دوستانه ای می باشند » از مشارکت محروم گردند . هیچیک از این معیارها نمی تواند رضایت ما را فراهم آورد . ما در این زمینه پافشاری کرده و اصرار خواهیم داشت که برای مشاوره در امر تشکیل دولت آینده لهستان فقط کسانی باید عضو گردند که در عمل ، رفتار دوستانه خود را نسبت به اتحاد شوروی ثابت کرده باشند و بطور شرافتمندانه و صمیمانه آماده همکاری با دولت شوروی باشند .

۳- من باید بویژه روی بند ۱۱ نامه جنابعالی که درباره مشکلات و سختی‌هایی که در نتیجه شایعات مربوط به بازداشت ۱۵ نفر لهستانی ، تبعیدها و غیره سخن داشته است تکیه نمایم .

در این مورد می توانم به اطلاع جنابعالی برسانم که گروه لهستانی مورد نظر شما نه از ۱۵ نفر ، بلکه از ۱۶ نفر تشکیل یافته است . این گروه را ژنرال معروف لهستانی « اکولیتسکی» رهبری می کند. راجع به این ژنرال لهستانی که

همراه با ۱۵ لهستانی «مفقود الاثر» دیگر «ناپدید» شده است ، خبر گزاریهای انگلستان بواسطه زشتی و ناپسندی ویژه موضوع ، تعمداً سکوت اختیار کرده‌اند. اما ، ما در این باره سکوت اختیار نمی کنیم. این گروه ١٦ نفری به ریاست ژنرال اکولیتسکی ، توسط مقامهای نظامی جبهه شوروی توقیف شده و اکنون در مسکو تحت بازجویی می باشند. گروه ژنرال اکولیتسکی و در درجه نخست شخص ژنرال اکولیتسکی متهم به تدارک و ارتکاب اعمال خرابکارانه در پشت جبهه ارتش سرخ بوده که در نتیجه آن بیش از یکصد تن از مبارزان و افسران ارتش سرخ جان خود را از دست داده اند . این گروه همچنین به داشتن ایستگاههای فرستنده رادیویی مخفی در پشت جبهه نیروهای ما که منع قانونی دارد ، متهم می باشند . همه و یا تعدادی از آنها براساس نتایج بازجویی از ایشان به دادگاه تحویل داده خواهند شد. ارتش سرخ در مقابل عناصر خرابکار و متخلف اینچنین مجبور به دفاع از نواحی و پشت جبهه های خود می باشد.

خبرگزاریهای انگلستان شایعاتی را درباره قتل و یا تیرباران لهستانیها در سدلتس انتشار داده اند. این خبر سخن پراکنی های انگلستان از ابتدا تا انتها ساختگی بوده و گویا توسط جاسوسان آرتی سی شوسکی در اختیار آنان گذارده شده است .

٤-اینطور که از نامه جنابعالی مفهوم می باشد ، شما موافق نیستید که دولت موقت لهستان را بعنوان پایه و اساس دولت وحدت ملی آینده به حساب آورید و موافق نیستید که به او در دولت آینده ، آن جایی را اختصاص دهید که باید طبق حق‌خود به آن دست‌یابد.صراحتاً باید بگوییم که این موضع امکان دستیابی

به حل هماهنگ مسئله لهستان را فراهم نمی آورد.

٤ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٥٧

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ پرزیدنت ترومن به من اطلاع داده اند که ایشان طی ارسال پیامی برای جنابعالی، از شما تقاضا کرده اند که ما انتشار اطلاعیه های خود را در رابطه با روز پیروزی در اروپا همزمان سازیم . من بطور کامل با این امر موافقم .

۲ـ بهترین زمان مناسب برای من نیم روز خواهد بود و پخش اطلاعیه اینجانب درباره پیروزی بر آلمان فقط سه الی چهار دقیقه بطول خواهد انجامید. با در نظر گرفتن فصل تابستان در بریتانیا، این موقع برابر با یک بعدازظهر بوقت شما خواهد بود. اما این مستلزم آن است که پیام پرزیدنت ترومن در ساعت ٦ بامداد بوقت واشنگتن پخش گردد که بعید بنظر می آید که این ساعت برای پرزیدنت و ملت ایالات متحده مناسب باشد. بنابراین من پیشنهاد می کنم که با نظر آمریکا موافقت داشته و من ساعت سه بعدازظهر به وقت تابستانی بریتانیا را تعیین می نمایم که برابر با چهار بعدازظهر به وقت کنونی شما می باشد . این امر به پرزیدنت امکان خواهد داد که اطلاعیه خود را در ساعت ۹ صبح به وقت واشنگتن به آگاهی برسانند.

۳ـ لطفاً دراین باره، حتی الامکان هرچه سریعتر ، به پرزیدنت و به من اطلاع بفرمایید که آیا جنابعالی با این پیشنهاد موافقت می فرمایید یا خیر .

۵ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۵۸

نامه خصوصی و محرمانه

استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر بریتانیای کبیر

نامه ۵ مه جنابعالی را در خصوص زمان اعلام روز پیروزی در اروپا ، ٦ مه دریافت داشتم.

من با پیشنهاد جنابعالی دایر بر پخش اعلامیه در ساعت ۳ بعد ازظهر به وقت تابستانی بریتانیا که مطابق با ساعت ٤ بعدازظهر به وقت مسکو می باشد، مخالفتی ندارم. آقای ترومن رئیس جمهور را نیز من دراین باره مطلع ساخته ام.

٦ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۵۹

نامه خصوصی و محرمانه

چرچیل به مارشال استالین

پرزیدنت نسبت به پخش اعلامیه مربوط به روز پیروزی در اروپا از طریق رادیو در ساعت ۹ صبح به وقت واشنگتن که برابر است با ساعت ۳ بعدازظهر به وقت لندن و ٤ بعدازظهر به وقت مسکو موافقند. این لحظه برای هر سه طرف ما

یکی از همـان لحظاتی است که به خاطر آن زمین گرد است. من امیدوار هستم کـه جنابعالـی در مورد موافقت خود رئیس جمهور و اینجانب را تلگرافی مطلع فرمایید.

روز تعیین شده سه شنبه ۸ مه می باشد، اما من عقیده دارم که روز دوشنبه ۷ مه را تعیین نماییم تا بتوان آن را به روز سه شنبه و یا چهارشنبه ۹ مه نیز موکول نمود.

۷ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٦٠

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

هیئت نمایندگی نظامی ما ، احتمالاً ، تلگرام ۷ مه ژنرال آیزنهاور را به استحضار جنابعالی رسانده است. ژنرال آیزنهاور معتقد است که خبر مربوط به تسلیم آلمان را غیر ممکن است که بتوان تا سه شنبه بطور محرمانه مسکوت گذاشت. دستورهای مربوط به نیروهای آلمانی بصورت علنی و آشکارا صادر خواهد شد و از نظر فیزیکی جلوگیری از انتشار این خبر تازه غیر ممکن خواهد بود. در چنین شرایطی او مصرانه تقاضا دارد که اطلاعیه دولتین حتی الامکان هرچه زودتر اعلام گردد. من این تغییر را اجتناب ناپذیر می دانم. بنابراین پیشنهاد می کنم که اطلاعیه ، امروز دوشنبه ساعت ٦ بعدازظهر به وقت لندن که همزمان با ۷ بعدازظهر به وقت مسکو و ۱۲ ظهر به وقت واشنگتن خواهد بود ، پخش گردد.

من صمیمانه امیدوار هستم که این ترتیب مشکلی برای جنابعالی فراهم نیاورد. من از ژنرال آیزنهاور کسب خبر کرده ام که او برنامه خود را با برنامه شما طوری تطبیق خواهد داد که امضای رسمی موافقتنامه ای که امروز در ساعت ۱ و ٤٥ دقیقه بامداد انجام گردیده ، روز سه شنبه در برلن بعمل آورده شود.

۷مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٦١

نامه خصوصی و محرمانه چرچیل به مارشال استالین

با توجه به مشکل انطباق زمان پیش از انتشار اطلاعیه ، با کمال تأسف من تصمیم گرفتم که پخش اطلاعیه رادیویی خود را تا همان زمانی که در ابتدا تعیین گردیده بود، یعنی تا فردا سه شنبه ساعت ۳ بعدازظهر که مطابق با ساعت ٤ بعدازظهر به وقت مسکو خواهد بود، به تعویق سپارم.

اطلاعیه ای در اختیار مطبوعات قرار داده شده است که به موجب آن به آگاهی عموم خواهد رسید که فردا چه ساعتی اطلاعیه پخش خواهد شد و خاطر نشان می گردد که فردا ، سه شنبه در اروپا روز پیروزی و روز جشن و سرور خواهد بود.این امر از آن جهت ضرورت داشته است که باید به توده های زحمتکش مردم ارج و بها داده شود.

پرزیدنت ترومن را من از این امر مطلع ساخته ام.

۷ مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٦٢

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

پیامهای ۷ مه جنابعالی را پیرامون اطلاعیه مربوط به تسلیم آلمانیها دریافت نمودم.

فرماندهی عالی ارتش سرخ به این مسئله اطمینان ندارد که نیروهای آلمانی دستور فرماندهی کل آلمان را در زمینه تسلیم بدون قید و شرط در جبهه شرق به اجرا در آورند.بنابراین ما نگران آن می باشیم که چنانچه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره تسلیم آلمانیها امروز اعلام خبر نماید، با وضع نامناسبی روبرو گردد و افکار عمومی مردم اتحاد جماهیر شوروی نیز به گمراهی کشیده شود . باید در نظر داشت که مقاومت قوای آلمانی در جبهه شرق کاهش نیافته و بنابر گفتار رادیوهای اشغالی ، گروه قابل ملاحظه ای از نیروهای آلمانی در مورد قصد و نیات خود مبنی بر ادامه مقاومت و ایستادگی ، مستقیماً اطلاعیه صادر کرده و از فرمان دونتز مبتنی بر تسلیم اطاعت نمی کنند.

بنابراین فرماندهی نیروهای شوروی می خواهد تا زمانی که تسلیم قوای آلمانی به اجرا در نیامده است، منتظر باقی بماند. و بدین ترتیب، اطلاعیه دولتها را پیرامون تسلیم آلمانیها تا تاریخ ۹مه ساعت ۷ بامداد به وقت مسکو به تعویق موکول نماید.

۷ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٦٣

نامه خصوصی و کاملاً محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

من هم اکنون نامه جنابعالی را دریافت داشتم و نامه ژنرال آنتونوف به ژنرال آیزنهاور را نیز مطالعه کردم که طی آن پیشنهاد شده است اطلاعیه مربوط به تسلیم آلمانیها به تاریخ ۹مه سال ۱۹٤٥ موکول گردد. برای من امکان پذیر نمی باشد که اطلاعیه خود را به مدت ٢٤ ساعت ، آنطوریکه جنابعالی پیشنهاد فرموده اید، به تعویق موکول نمایم. بعلاوه، پارلمان خواهان کسب اطلاعاتی درباره امضای پروتکل دیروز در ریمس (شهری در شمال شرقی فرانسه ـ مترجم) (۱۰۷) و تصویب رسمی این پروتکل در برلن که برای امروز در نظر گرفته شده است ، می باشد. من با ژنرال آیزنهاور تلفنی صحبت کرده ام و او مرا در تصمیم خود مطمئن ساخته است که با تمام قوای مسلح خود علیه گروههای خیال بافی از دشمن که قصد تمرّد و سرپیچی از دستورهای دولت متبوع و فرماندهی عالی خود را داشته باشند، اقدام قاطعانه بعمل خواهد آورد. البته این امر به همه نیروهای مسلح بریتانیایی و قوای مسلّح آمریکایی تحت فرمان ژنرال آیزنهاور ارتباط می یابد. من در اطلاعیه خود توضیح خواهم دادکه در برخی از بخشها هنوز مقاومتهایی بطور پراکنده به چشم می خورد. البته، اگر ما مسافت عظیم جبهه و گستردگی آن را و همینطور وضعیت آشفته و بی سامان دولت آلمان را مورد توجه قرار دهیم، این امر

تعجب آور نخواهد بود. من خیال می کنم که پرزیدنت ترومن اطلاعیه خود را امروز ساعت ۹ صبح به وقت واشنگتن انتشار خواهند داد و من امیدوار می باشم که جنابعالی نیز براساس ملاحظات مربوطه بتوانید اطلاعیه خود را همانطور که قبلاً پیش بینی شده است ، منتشر بفرمائید.

۸ مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٦٤

تاریخ دریافت نامه ۹ مه سال ۱۹٤٥

از نخست وزیر به مارشال استالین
پیام ملت بریتانیا به ارتش سرخ و ملت روسیه

من صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت پیروزیهای درخشانی که شما با بیرون راندن اشغالگران غاصب از سرزمین خود و شکست ستمگران نازی بدست آورده اید، تقدیم حضورتان می دارم. من ایمان راسخ دارم که آینده بشریت به دوستی و تفاهم متقابل بین ملتهای بریتانیا و روسیه بستگی خواهد داشت. ما امروز در اینجا، در میهن جزیره ای خود، دائم به شما فکر می کنیم و از اعماق قلبمان برای شما صمیمانه آرزوی خوشبختی و سعادت می نماییم. ما می خواهیم که پس از آن همه قربانی و رنجهایی که به اتفاق در آن درّه تیره و تار دیده و از آن گذشته ایم و اینک با دوستی خالص و صمیمانه و علائق متقابل بهم پیوند یافته ایم بتوانیم در پرتو خورشید درخشنده و تابناک صلح پیروزمندانه ، ادامه راه دهیم.

من از همسرم تقاضا می کنم که این واژه های دوستی ، مودّت و شادی و هیجان را به حضور همه شما ابلاغ نماید.

سند شماره ٤٦٥

از آقای استالین به آقای چرچیل نخست وزیر
پیام ملتهای اتحاد جماهیر شوروی به نیروهای مسلح و ملتهای بریتانیای کبیر

شخصاً به شما نیروهای شجاع مسلّح بریتانیا و تمامی ملت بریتانیا درود می‌گویم و این پیروزی بزرگ را بر دشمن مشترک ، امپریالیسم آلمان صمیمانه به شما تبریک می گویم. این پیروز ی تاریخی، مبارزه مشترک ارتشهای شوروی، بریتانیا و آمریکا را بخاطر آزادی اروپا به پایان رساند.

من نسبت به موفقیت های آینده و گسترش سعادت بار مناسبات دوستانه بین کشورهایمان در دوران پس از جنگ ، که پایه های آن طی این جنگ بنا نهاده شده است، اطمینان دارم.

من از سفیر کشورمان در لندن خواسته ام که به مناسبت کسب این پیروزی بزرگ تبریکات و شادباش های مرا همراه با بهترین آرزوهایم تقدیم حضور همه شما نماید.

۱۰ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٦٦

نامه محرمانه وخصوصی
آقای چرچیل به مارشال استالین

نامه ۲ مه جنابعالی را در خصوص انجام اقدامهای مربوطه در آلمان و اتریش ، به هنگام تماس و دیدار بین ارتش هایمان ، دریافت نمودم. من خوشحالم که جنابعالی دستورهای لازمه را برای فرماندهان شوروی صادر فرموده اید، این خبر جهت اطلاع ژنرال آیزنهاور و فیلد مارشال الکساندر ارسال گردید.

۱۲ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٦٧

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ــ متأسفانه باید بگویم که در ایالت ونیز ـ جولیای ایتالیا وضعیّت حادّی بوجود آمده است.

۲ــ همواره مورد تأیید بوده است که آینده این ایالت را که ایتالیا پس از جنگ گذشته آن را به تصرف خود درآورده، بایستی به هنگام برقراری صلح تعیین نمود، زیرا اکثریت مردم این ایالت را، باستثنای تعداد کمی ایتالیایی، یوگسلاوها تشکیل می دهند. قبل از استقرار صلح، تنها اقدام صحیح و قابل

پذیرش آن می باشد که این ایالت را تحت فرماندهی نظامی فیلد مارشال الکساندر که آن را اشغال خواهد کرد و به نام دولتهای متفق به اداره امور آن خواهد پرداخت، قرار دهیم.

۳ـ امّا پیش از اجرای این مقصود، قوای منظم یوگسلاوی وارد ایالت مزبور شده و نه تنها مناطق روستایی را، جائی که در آنجا پارتیزانهای یوگسلاوی عملیاتی را به اجرا درآورده بودند اشغال می کنند، بلکه به شهرهای پولا، تریِسْت ، گاریزیا، و مان فالکن که اهالی آنجا را ایتالیایی ها تشکیل می دهند نیز وارد می شوند.

نیروهای مسلّح الکساندر که از سمت غرب حمله کرده بوده اند، تقریباً در همان زمان تریست را متصرف شده و تسلیم پادگان های مستقر در تریست و سایر نقاط مربوطه را می پذیرند.

٤ـ پس از این واقعه، فیلد مارشال الکساندربه مارشال تیتو پیشنهاد می دهد که او نیروهای یوگسلاوی و واحدهای اداری را از بخش غربی ایالت خارج سازد تا فیلد مارشال الکساندر بتواند نسبت به کنترل خطوط راههای ارتباطی شوسه و راه آهن بین تریست و اتریش اقدام بعمل آورد. این پیشنهاد بصورت تقاضایی کاملاً محترمانه و متواضعانه مطرح می گردد. فیلد مارشال امور فرماندهی این بخش غربی از ایالت و از جمله شهر تریست را بصورت اشتراکی پیشنهاد می نماید، البته کاملاً روشن است که این اقدام صرفاً و استثنائاً بخاطر مصالح جنگی اتخاذ گردیده و بهیچوجه ضرر و زیانی به حل نهایی مسئله مربوط به ایالت که بنظر دولت اعلیحضرت می بایست تا کنفرانس صلح به تعویق سپرده شود، وارد نمی سازد.

۵ــ فیلد مارشال الکساندر رئیس ستاد خود را برای ملاقات با مارشال تیتو به منظور مذاکره پیرامون این پیشنهاد به بلگراد اعزام می دارد، اما متأسفانه مارشال تیتو این پیشنهاد را نپذیرفته و به جای آن نسبت به تقویت و گسترش اداره امور نظامی خود تا رودخانه ایزانْتسو اصرار و پافشاری می کند، ضمن آنکه به فیلدمارشال الکساندر پیشنهادی مبنی بر سازماندهی و ایجاد خطوط ارتباطی از طریق تریست با اتریش را ارائه می دهد .

٦ــ دولت سلطنتی انگلستان نمی تواند با چنین اقدامی موافقت داشته باشد. اشغال این ایالت توسط یوگسلاوی و اداره امور آن بوسیله یوگسلاوها مغایر با اصلی است که ما در رعایت آن تلاش مستمر داشته ایم، زیرا که سرنشت ایالت نبایستی با تشبّث به قوّه قهریه و استقرار یکجانبه حاکمیت به طریقه اشغال نظامی تعیین گردد.

۷ــ همانطور که جنابعالی اطلاع دارید، فیلد مارشال الکساندر فرماندهی نیروهای بریتانیایی و آمریکایی را عهده دار می باشد، بنابراین او هم از جانب دولت بریتانیا و هم از جانب دولت ایالات متحده سخن می گوید. باتوجه به احراز موضع غیر قابل پذیرش مارشال تیتو، فیلد مارشال اکنون این مسئله را تحت بررسی این دو دولت قرار داده است.

۸ــ دولت های بریتانیا و آمریکا پس از بررسی و مطالعه دقیق وضعیت و مسئله ای که برای آنان مطرح گردیده است، نسبت به صدور اطلاعیه زیر جهت دولت یوگسلاوی اخذ تصمیم نموده اند:

« مسئله مربوط به ونیز ـ جولیا تنها یکی از بیشمار مسائل ارضی در اروپا می باشد که در هنگام استقرار صلح عمومی باید مورد حل و فصل قرار گیرد.

فکر و اندیشه حل مسائل از طریق قوه قهریه و اعلان یکطرفه حاکمیت از طریق اشغال، شیوه ای است که دشمن از آن استفاده کرد و دکترین او توسط دولتهای متفق شرکت کننده در این جنگ با چنین عاقبت هولناک و مصیبت باری قاطعانه و رسماً مردود شناخته شد. تفاهم و توافق همکاری با یکدیگر به منظور یافتن راههای منطقی و منصفانه برای حل و فصل ادعاهای ارضی باید اصل وقاعده عمده ای باشد که به خاطر آن ملت های کشورهای متفق به منظور دست یافتن به صلحی عادلانه و پایدار قربانیان فراوانی داده اند. این یکی از مهمترین مسائلی است که نمایندگان آنها با توجه به تحسین افکار عمومی جهانیان جهت ایجاد سیستم امنیت بین المللی روی آن کار می کنند.

نقشه اداره نظامی ونیز ـ جولیا بطور مشترک دقیقاً به منظور نیل به حل مسالمت آمیز و پایدار مسئله أی طرح ریزی شده است که پیچیدگی استثنائی آن مورد قبول همه می باشد. این طرح جهت رعایت حفظ منافع کلیه ملت های ذینفع اختصاص یافته است . اجرای آن ، ضمن آنکه حل مسائل آینده نیروهای نظامی دولتهای متفق را در خاک دشمن تضمین می نماید، کوچکترین لطمه و آسیبی به خواسته ها و ادعاهای یوگسلاوی در شرایط نظم و استقرار نهایی وارد نخواهد آورد.

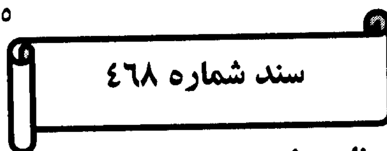
با لحاظ داشتن این خط مشی و با توجه به آنکه دولت یوگسلاوی در مجموع با طرحهایی که در این زمینه پیشنهاد گردیده موافقت داشته است، دولت من از من خواسته است به استحضار جنابعالی برسانم که او انتظار دارد که دولت یوگسلاوی نسبت به نظارت فرماندهی عالی مشترک متفقین مستقر در دریای مدیترانه بر عملیات جنگی این ایالت شامل : تریست، گاریزیا، مان

فالکن و پولا؛ خط ارتباطی از طریق گاریزیا و مان فالکن به اتریش و همچنین نظارت بر منطقه ای که در مسیر شرقی این خط قرار دارد، بیدرنگ موافقت بعمل آورد تا بتوان اجرای کنترل اداره امور مربوطه را به انجام رساند و همینطور انتظار دارد که دولت یوگسلاوی طی صدور دستوراتیَ مقتضی برای نیروهای مسلح یوگسلاوی مستقر در این منطقه بر لزوم همکاری آنان با فرماندهان متفقین نسبت به ایجاد مرکز تشکیلاتی نظامی در این منطقه تحت فرماندهی متفقین تأکید نماید.

از من خواسته شده است که هرچه زودتر به اطلاع دولت خود برسانم که آیا دولت یوگسلاوی آماده می باشد که به قید فوریت با موارد فوق موافقت بعمل آورد.»

۹ـ با توجه به اهمیت مسائل مطروحه، من لازم می دانم که جنابعالی را حتی الامکان هرچه سریعتر نسبت به اقدام دولتهای بریتانیا و آمریکا، که اجرای آن را به واسطه مواضع احرازی دولت و ارتش یوگسلاوی در ونیز ـ جولیا ضروری تشخیص داده اند، با اطلاع نمایم.

۱۵ مه سال ۱۹٤٥



نامه خصوصی و محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

۱ـ من تعجب می کنم از اینکه ، با توجه به این امر که جنابعالی در تاریخ ۱۳ آوریل از آقای هاریمن دعوت بعمل آورده اید، معهذا دولت شوروی از

صدور مجوز برای نمایندگان متفقین به منظور بازدید آنان از وین خودداری بعمل می آورد. آن واقعیتی را که آقای ویشینسکی در نامه خود به کاردار سفارت بریتانیا مورد توجه قرار داده است، با این مضمون که مناطق اشغالی در آلمان و در برلن قبل از آنکه نیروهای متفقین وارد خاک آلمان شوند بوسیله کمیسیون مشورتی اروپا بصورت سه جانبه مشخص گردیده است ، به اعتقاد من رابطه ای با خودداری دولت شوروی از صدور مجوز برای دیدار نمایندگان متفقین خود از وین، شهری که توسط نیروهای مسلح شوروی آزاد شده پیدا نمی کند. من میل ندارم آنطور که آقای ویشینسکی تصور کرده است، حل نهایی مسئله مربوط به منطقه ها را از کمیسیون مشورتی اروپا به وین انتقال دهیم. اما، این مورد که آشکار گردید هنگامی که بخشی از منطقه مورد نظر شوروی تخریب گردیده ، نماینده شوروی در کمیسون مشورتی اروپا اصلاحاتی را در پیشنهادهای اختصاصی خود جهت ارائه به کمیسیون بعمل آورده است، مرا مجبور می سازد که فکر کنم همه ما حق استفاده کامل از امکانات محلی را برای مطالعه و شناسایی عوامل سودمند بر ارائه پیشنهادهای اختصاصی خود به کمیسیون دارا می باشیم.

۲ـ به منظور ایجاد تسهیلات در انعقاد فوری موافقتنامه ها در کمیسیون مشورتی اروپا که اطمینان دارم جنابعالی نیز مانند من آن را دلخواه می دانید، تقاضا می کنم دستورهای لازمه را برای مارشال تالبوخین صادر بفرمایید تا نمایندگان متفقین بتوانند فوراً به وین پرواز نمایند.

۱۷ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٦٩

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۷ مه جنابعالی در مورد عزیمت نمایندگان متفقین به وین در رابطه با تعیین مناطق اشغال شده در وین را دریافت نمودم.

دولت شوروی معتقد است که تعیین مناطق اشغالی در وین، همانطور که ما با جنابعالی و پرزیدنت روزولت دراین باره مذاکره داشته ایم ، همانند بررسی سایر مسائلی که به وضعیت اتریش بستگی پیدا می کند، در زمره اختیارات کمیسیون مشورتی اروپا می باشد. بنابراین دولت شوروی نمی توانسته با عزیمت نمایندگان نظامی متفقین به وین جهت تعیین مناطق اشغالی و حل سایر مسائلی که به وضعیت اتریش ارتباط می یافته، موافقت نماید. این نقطه نظر در حال حاضر هم مورد تأیید ما می باشد . اینطور که از نامه ۱۷ مه جنابعالی استنباط می شود ، شما هم ارجاع حل مسئله مربوط به منطقه ها را به وین امکان پذیر نمی دانید. بدین ترتیب، از آنجا که ما نسبت به این موضوع دارای نقطه نظرات مشترک می باشیم، بنابراین باید تصور کرد که مسئله مربوط به مناطق اشغالی در اتریش و وین در آینده نزدیک توسط کمیسون مشورتی اروپا حل خواهد شد.

آنچه که به مسافرت نمایندگان بریتانیایی به وین به منظور آشنایی آنها با موقعیت محل و تهیه پیشنهادهای مربوط به مناطق اشغال شده در وین مربوط می شود، باید بگوییم که دولت شوروی با انجام این سفر مخالفتی ابراز نمی-

دارد. در این زمینه بطور همزمان دستورهای لازمه برای مارشال تالبو خین صادر خواهد شد. ضمناً نمایندگان نظامی بریتانیا می توانند برای اواخر مه یا اوائل ژوئن به وین عزیمت نمایند، پس از بازگشت مارشال تالبو خین به وین، زیرا او اکنون عازم مسکو می باشد.

۱۸ مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٧٠

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

با توجه به اینکه نامه خبری ۱۵ مه جنابعالی نیازی به پاسخگویی اینجانب نداشته است، اما از آنجا که من برای پرزیدنت ترومن در پاسخ به نامه ایشان درباره مسئله یوگسلاوی یک نامه جوابیه ارسال داشته ام، بنابراین بی مناسبت نمی دانم که متن نامه خود را جهت استحضار جنابعالی نیز ارسال نمایم.

۲۲ مه سال ۱۹٤٥

خصوصی و محرمانه

از آقای استالین نخست وزیر به آقای ترومن رئیس جمهور

نامه جنابعالی را درباره مسئله مربوط به منطقه ایسترا- تریست در تاریخ ۲۱ مه دریافت کردم. چندی پیش هم متن خبری را که جنابعالی توسط سفیر آمریکا در بلگراد پیرامون همین مسئله (۱۰۸)برای دولت یوگسلاوی ارسال

فرموده بودید، از طریق آقای کنان دریافت داشته بودم . از جنابعالی به خاطر ارسال این خبر تشکر می کنم.

اما درباره ماهیت مسئله باید مطالب زیر را به اطلاع شما برسانم : به عقیده من، نظر شما مبنی بر اینکه این مسئله اصولی است و در رابطه با منطقه ایسترا- تریست نباید هیچگونه حرکت و اقدامی را که مغایر با رعایت کامل ادعاهای قانونی یوگسلاوها است مجاز دانست و اینکه نیروهای مسلح یوگسلاوی در هدف مشترک متفقین در مبارزه علیه آلمان هیتلری سهیم بوده اند ، کاملاً صحیح می باشد. البته، بدیهی است که آینده این منطقه را که اکثر جمعیت آن را یوگسلاوها تشکیل می دهند، باید در موقع استقرار صلح تعیین نمود. اما، در حال حاضر ، مسئله اشغال نظامی این منطقه بطور موقت مطرح می باشد. در این رابطه ، به اعتقاد من، باید آن حقیقت را در نظر داشت که در واقع این نیروهای منظم و منسجم یوگسلاوی بودند که موفق به بیرون راندن اشغالگران آلمانی از منطقه ایسترا- تریست شدند و از این طریق خدمت مهم و ارزنده ای در امور مشترک متفقین انجام دادند. با لحاظ داشتن این وضعیت ، منصفانه نیست که ارتش یوگسلاوی و ملت یوگسلاوی را سزاوار رنجش دانسته و یوگسلاوی را از حق اشغال منطقه ای که ملت یوگسلاوی در مبارزه بخاطر حقوق ملی یوگسلاوی و بخاطر هدف مشترک کشورهای متفق، با تحمل آنهمه قربانی، از دشمن بازپس گرفته است، محروم نمود.

من خیال می کنم که حل صحیح این مسئله بدین گونه می باشد که در منطقه ایسترا- تریست، نیروهای یوگسلاوی و تشکیلات اداری مربوطه یوگسلاوی را که اکنون در حال فعالیت می باشند به همین وضعیت در محل

باقی نهاد . در عین حال در منطقه از طرف فرماندهی عالی متفقین هم بطور همزمان نظارت های لازمه بعمل آید و براساس توافق متقابل بین فیلد مارشال الکساندر و مارشال تیتو، خطوط حد فاصل نیز علامت گذاری و مشخص گردد. در صورت پذیرش این پیشنهاد ، مسئله مربوط به اداره امور منطقه ایسترا- تریست هم بطور صحیحی حل خواهد شد.

نظر به اینکه اکثریت مردم این منطقه را یوگسلاوها تشکیل می دهند و در اینجا، در موقع اشغال آلمانیها نیز سازمان اداره محلی یوگسلاوی دارای تشکیلاتی بوده که درحال حاضرهم مورد اعتماد اهالی بومی می باشد ، بنابراین الزاماً باید به وضعیت و شرایط بوجود آمده بها داده شود. دستگاه اداری غیر نظامی یوگسلاوی در منطقه اکنون تابع فرماندهی نظامی یوگسلاوی است و مسئله مربوط به اداره امور این منطقه بطور شایسته حل شده می باشد .

من امیدوار هستم که سوء تفاهمات مربوط به وضعیت ناحیه ایسترا- تریست که بین دولتین ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر از یک طرف و دولت یوگسلاوی از طرفی دیگر بوجود آمده است، منتفی شده و کل مسئله به خوبی حل گردد.

۲۲ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٧١

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

از دریافت نامه ۱۸ مه جنابعالی خوشحال شدم. دستورهای مربوطه از طریق فیلد مارشال الکساندر که از راههای معمولی با مارشال تالبوخین تماس برقرار خواهد کرد، به نمایندگان نظامی ما ابلاغ خواهد شد. من همانطور که در نامه ۱۷ مه خود اطلاع داده ام، تمایل ندارم که حل نهایی مسئله مربوط به منطقه ها را از کمیسیون مشورتی اروپا به وین ارجاع نمایم.

۲۲ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٧٢

خصوصی و محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

طبق اطلاعات فرماندهی نیروی دریایی شوروی ، آلمان براساس صورت جلسه تسلیم، کلیه ناوگانهای جنگی و تجارتی خود را در اختیار انگلیسی ها و آمریکائیها قرار داده است. باید به اطلاع برسانم که آلمانیها ضمن اعزام تمام ناوهای خود برای تسلیم و واگذاری به نیروهای مسلح انگلیسی و آمریکایی ، حتی از تسلیم یک فروند سفینه جنگی و یا تجاری هم به نیروهای مسلح شوروی خودداری بعمل آورده اند.

در این شرایط، طبیعی است که مسئله مربوط به اختصاص سهم اتحاد شوروی از سفینه های جنگی و تجاری آلمان طبق همان نسبت و ضابطه ای که در موقع تقسیم ناوهای ایتالیا مسبوق به سابقه است، مطرح می باشد. دولت شوروی معتقد است که بر پایه ای استوار و عادلانه می تواند دست کم نسبت به اختصاص یک سوم از ناوگانهای جنگی و تجاری آلمان برای خود محاسبه داشته باشد . من همچنین معتقدم که ضرورت دارد برای آشنایی نمایندگان نیروی دریایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با صورت کلیه ناوهای جنگی و تجاری مورد تسلیم آلمانیها و همینطور به منظور اطلاع از وضعیت موجود ناوهای تسلیم شده، امکاناتی در اختیار آنان قرار داده شود.

برای این منظور ،فرماندهی نیروی دریایی شوروی از طرف خود دریاسالار لوچنکو را به همراهی گروهی همکار معرفی می نماید.

من یک نسخه از این نامه را برای پرزیدنت ترومن ارسال خواهم داشت.

۲۳ مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٧٣

نامه آقای چرچیل به مارشال استالین

بخاطر ارسال رونوشت نامه خطاب به پرزیدنت ترومن درباره مسئله یوگسلاوی از جنابعالی تشکر می کنم.

۲٤ مه سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٧٤

نامه محرمانه و خصوصی
آقای چرچیل به مارشال استالین

از جنابعالی بخاطر ارسال تلگرام ۲۳ مه شما تشکر می کنم. بنظر من، این مسائل باید موضوع مذاکرات کلی و جامعی باشد که بین ما و پرزیدنت ترومن هرچه زودتر بایستی انجام پذیرد. از اینکه جنابعالی نظر خود را بموقع به من اطلاع دادید، تشکر می کنم.

٢٦ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٧٥

خصوصی و محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

آقای هپکینس پس از ورود به مسکو مسئله مربوط به دیدار سه جانبه ما را از طرف پرزیدنت ترومن، در آینده نزدیک، مطرح نمود.

من فکر می کنم که انجام این ملاقات ضروری می باشد و بهتر از همه آنست که این دیدار را در حوالی برلن برگزار نمائیم. احتمالاً این یک حرکت صحیح و سیاسی خواهد بود.

جنابعالی که مخالف نخواهید بود ؟

٢٧ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٧٦

نامه خصوصی و محرمانه
استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

بیش از ۸ ماه می گذرد که رومانی و بلغارستان با آلمان هیتلری قطع رابطه کرده و با دولتهای متفق قرارداد متارکه جنگ را به امضا رسانده و ضمن در اختیار ما قرار دادن نیروهای مسلح خود، به حمایت از متفقین وارد جنگ علیه آلمان شدند.

بدین ترتیب آنها دین خود را در امر شکست هیتلریسم بجا آورده و به پایان موفقیت آمیز جنگ در اروپا کمک کردند. در این رابطه دولت شوروی اکنون بجا می داند که با دولتهای رومانی و بلغارستان روابط دیپلماسی برقرار ساخته وبا آنان اقدام به مبادله سفیر نماید.

دولت شوروی همچنین به موقع و مناسب می داند که با فنلاند هم که شرایط موافقتنامه متارکه جنگ را رعایت کرده و در راه تحکیم پایه های دموکراسی حرکت داشته است ، روابط دیپلماسی برقرار نماید.

من خیال می کنم که احتمالاً پس از چندی نسبت به مجارستان هم چنین تصمیم مشابهی اتخاذ خواهد شد.

من رونوشت این نامه را بطور همزمان برای پرزیدنت نیز ارسال می دارم.

۲۷ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٧٧

خصوصی و فوق محرمانه

از آقای چرچیل برای مارشال استالین

در پاسخ به نامه ۲۷ مه جنابعالی به اطلاع می رسانم :

۱ـ من بسیار خوشحال خواهم شد که با شما و پرزیدنت ترومن در آینده ای بسیار نزدیک در آنجایی که از برلن باقیمانده است، ملاقات داشته باشم.

امیدوارم که این دیدار حدوداً در اواسط ماه ژوئن انجام پذیرد .

۲ـ من رونوشت این تلگرام را برای پرزیدنت ترومن که درباره طرح این مسئله در مذاکرات جنابعالی با آقای هپکینس ، به من اطلاع داده بودند ، ارسال داشته ام.

بهترین آرزوهای خوب خود را تقدیمتان می دارم . من بسیار مشتاقم که هرچه زودتر با جنابعالی دیدار نمایم.

۲۹ مه سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٧٨

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۹ مه جنابعالی را دریافت کردم.

چند ساعت پس از دریافت نامه شما ، آقای هپکینس نزد من آمد و اطلاع داد که پرزیدنت ترومن مناسبترین زمان ملاقات سه جانبه را ۱۵ ژوئیه می دانند. اگر جنابعالی هم با این زمان موافقید، من هم موافقم.

بهترین آرزوها را برای شما دارم.

۳۰ مه سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۷۹

نامه خصوصی و محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

من از سفر به برلن به همراه هیئت بریتانیایی خوشحال خواهم شد ، اما معتقدم که ۱۵ ژوئیه ، تکرار می کنم ، ژوئیه ماه پس از ژوئن ، برای حل مسائل فوری که نیاز بیشتری به توجه مشترك ما خواهد داشت ، زمان بسیار دیری است و اگر ما اجازه دهیم که نیازهای شخصی و یا ملی ما در برگزاری ملاقاتی زودتر ایجاد مانع نمایند ، در آنصورت ما به امیدها و وحدت تمام جهان لطمه وارد خواهیم آورد . با وجودی که من اکنون در اینجا در حال مبارزه سخت قبل از انتخاباتی خود که به شدت به اوج رسیده می‌باشم ، لذا من نمی توانم وظایف خود را در اینجا با ملاقات سه جانبه ای که در پیش داریم ، مقایسه نمایم . من ۱۵ ژوئن ، تکرار می کنم ژوئن ماه قبل از ژوئیه را پیشنهاد می کنم و چنانچه انجام این امر در چنین موقعی مقدور نمی باشد ، پس چرا اول ، دوم و یا سوم ژوئیه نباشد ؟

من رونوشت این نامه را برای پرزیدنت ترومن نیز ارسال داشتم.

۱ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٨٠

محرمانه و خصوصی

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

در رابطه با نامه جنابعالی در زمینه اظهار تمایل شما نسبت به تغییر زمان ملاقات سه جانبه به تاریخ قبل از ۱۵ ژوئیه ، یکبار دیگر باید خاطر نشان سازم که تاریخ ۱۵ ژوئیه توسط پرزیدنت ترومن تعیین گردیده است و من با این تاریخ موافقت کرده ام . از آنجا که در حال حاضر درباره این مسئله مکاتباتی بین جنابعالی و پرزیدنت در جریان می باشد ، بنابر این من از ارائه هر گونه پیشنهاد تازه ای در مورد تاریخ دیدارمان خودداری می نمایم.

٥ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٨١

نامه خصوصی و فوق محرمانه

چرچیل به مارشال استالین

از جنابعالی بخاطر ارسال نامه ٥ ژوئن تشکر می کنم . من به پرزیدنت ترومن اطلاع دادم که اینجانب هم با تاریخی که شما و ایشان تعیین فرموده اید، یعنی با ۱۵ ژوئیه موافقم .

٦ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ۴۸۲

نامه محرمانه و خصوصی
چرچیل به مارشال استالین

۱- بخاطر ارسال نامه ۲۷ مه جنابعالی در این زمینه که بنظر شما اکنون زمان برقراری مجدد مناسبات دیپلماسی با رومانی ، بلغارستان و فنلاند فرا رسیده است و چنین تصمیم مشابهی نیز احتمالاً در آینده نزدیک درباره مجارستان اتخاذ خواهد شد ، از شما تشکر می کنم .

۲- ما خود ، مسئله مربوط به روابط آینده مان را با این دولتها مورد مطالعه و بررسی قرار داده و امیدوار می‌باشیم که خیلی زود پیشنهادهای جامعی را بحضور شما و دولت ایالات متحده ارائه نماییم . من امیدوار هستم که ما بتوانیم به هنگام ملاقات آینده قریب الوقوع مان این مسائل را مورد بحث و مذاکره قرار دهیم.

۱۰ ژوئن سال ۱۹٤۵

سند شماره ۴۸۳

خصوصی و محرمانه
از آقای استالین نخست وزیر به آقای چرچیل نخست وزیر

از شما بخاطر ارسال نامه ۱۰ ژوئن در رابطه با برقراری دوباره مناسبات دیپلماسی با رومانی ، بلغارستان ، فنلاند و همینطور با مجارستان تشکر می کنم.

من می دانم که جنابعالی در آینده نزدیک پیشنهادهای خود را در مورد این مسئله ارسال خواهید فرمود.

با وجود این من فکر می کنم که بیش از این نبایستی استقرار روابط دیپلماسی با رومانی و بلغارستان را که همراه با نیروهای شوروی در شکست دادن آلمان هیتلری کمک و مساعی بعمل آورده اند ، به آینده موکول نمود . همچنین دلیلی در بین نمی باشد که تجدید مناسبات دیپلماسی با فنلاند که شرایط متارکه جنگ را پذیرفته است ، به تاخیر سپرده شود . نسبت به مجارستان می توان این برنامه را قدری به تعویق انداخت.

۱٤ ژوئن سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٨٤

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه

چرچیل به مارشال استالین

۱- نظر به اینکه جلسه مشورتی ما ۱۵ ژوئیه در برلن آغاز خواهد شد و تشکیل این جلسه قبل از اعلام نتایج انتخابات در انگلستان خواهد بود ، بنابر این من شایسته می دانم که آقای «اتلی» رهبر رسمی حزب مخالف را به منظور تأمین تسلسل و ادامه سیاست بریتانیا با خود همراه داشته باشم . درباره قصد و نیّت خود ، من پرزیدنت ترومن را تا همین حدّ در جریان قرار داده ام.

۲- من مشتاقانه در انتظار دیدار تازه با جنابعالی می باشم.

۱٤ ژوئن سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤٨٥

نامه خصوصی و بسیار محرمانه
چرچیل به مارشال استالین

من پیشنهاد می کنم که برای کنفرانس قریب الوقوعی که در برلن تشکیل خواهد شد، ما از کلمه قراردادی «ترمینال» استفاده نماییم. آیا جنابعالی موافقید؟

۱۵ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٨٦

خصوصی و محرمانه
از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۵ ژوئن جنابعالی را دریافت داشتم. با پیشنهاد شما درباره «ترمینال» (۱۰۹) موافقم.

۱۵ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٨٧

نامه محرمانه و خصوصی
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱_من رونوشت نامه ١٤ ژوئن پرزیدنت ترومن خطاب به جنابعالی را در مورد انتقال کلیه نیروهای آمریکایی به منطقه تحت اشغال آنها که طبق توافق بین فرماندهان مربوطه(۱۱۰) از ۲۱ ژوئن آغاز خواهد شد،مطالعه کردم.

۲- من نیز آماده ام که به فیلد مارشال مونتگمری دستوراتی مبنی بر مذاکره وی با همکاران خود درباره اقدامات ضروری مشابه به منظور انتقال نیروهای بریتانیایی به منطقهٔ آنها در آلمان،استقرار همزمانی پادگانهای متفقین در برلن بزرگ و تأمین آزادی نقل و انتقال نیروهای بریتانیایی بین برلن و منطقهٔ بریتانیایی از طریق هوا ،راه آهن و شوسه صادر نمایم.

۳-من آنچه را که پرزیدنت ترو من درباره اتریش بیان داشته اند،کاملاً تأیید می نمایم.از جمله،من امیدوار هستم که جنابعالی دستور بفرمایید قوای روسی در همان روزی که نقل و انتقالات نیروها در آلمان شروع می شود،خروج از آن بخش از اتریش را که طبق موافقتنامه اصولی بدست آمده در کمیسیون مشورتی اروپا بایستی جزو منطقه بریتانیا محسوب گردد،آغاز نمایند.

۱۵ ژوئن سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٨٨

فوق محرمانه و اعتماد آمیز

نامهٔ خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

۱-به هنگام تشکیل جلسات ما که از ۱۵ ژوئیه آغاز خواهد شد،پادشاه ژرژ در سفر به کشورهای فرانسه وآلمان،ضمن بازدید از نیروهای خود ،احتمالاًاز قرارگاه آمریکاییها هم دیدن به عمل خواهند آورد.ایشان بسیار تمایل دارند که با جنابعالی و بعضی از ژنرالهای شوروی ملاقات داشته باشند و به همین خاطر پادشاه می خواهند که در یکی از روزهایی که ما همه به اتفاق در برلن جمع خواهیم آمد،به آنجا حرکت نمایند.البته،ایشان مشارکتی در امور اجرایی جلسات نخواهند داشت و در منطقهٔ مربوط به بریتانیا اقامت خواهند کرد. پادشاه بسیار خوشحال خواهند شد که جنابعالی ایشان را برای صرف صبحانه به قرارگاه شوروی نزد خود دعوت بفرمایید.شب هنگام ایشان در منطقهٔ مربوط به بریتانیاضیافت شام خواهند داد که در آن از جنابعالی و سایر رجال شوروی و همینطور از پرزیدنت ترومن و اعضای هیئت همراه ایشان دعوت به عمل خواهند آورد.و چنانچه پرزیدنت ترومن اظهار تمایل نمایند،پادشاه صبحانه روز بعد را نزد ایشان صرف خواهند کرد .سپس ایشان به بازدید از نیروهای بریتانیا ادامه خواهند داد.پادشاه به هنگام اقامت خود در برلن ، بدون تردید،نسبت به اهدای نشانهای بریتانیایی به فرماندهان بریتانیایی ،روسی و آمریکایی که نامزدی آنها طبق روال معمول مورد توافق قرار خواهد گرفت،اظهار علاقه

خواهند کرد. به هر حال من امیدوار هستم که این دیدار بتواند به عنوان رویدادی نیک و خجسته تجلی یابد و در سایر زمینه ها نیز منشأ اثر گردد.

۲-من هم اکنون تلگرامی با همین محتوا برای پرزیدنت ترومن مخابره خواهم کرد.از جنابعالی خواهش می کنم به من بفرمایید که در این باره شما چه فکر می کنید،زیرا من باید مراتب را به استحضار اعلیحضرت برسانم.

۱۵ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤٨٩

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را درباره انتقال نیروهای متفقین به مناطق مربوطه در آلمان (۱۱۱)و اتریش دریافت داشتم.

متأسفانه باید بگویم که آغاز حرکت نیروهای بریتانیایی و آمریکایی به سوی منطقه های مربوط به خود و ورود قوای بریتانیایی و آمریکایی به برلن (۱۱۲) در تاریخ ۲۱ ژوئن با اشکال مواجه خواهد شد، زیرا از ۱۹ ژوئن مارشال«ژوکف»و کلیه فرماندهان نیروهای ما به منظور شرکت در اجلاسیه شورای عالی و نیز برای سازماندهی و شرکت در سان و رژه روز ۲٤ ژوئن به مسکو دعوت شده اند.آنها فقط برای روزهای بین ۲۸ الی ۳۰ ژوئن قادر به مراجعت به برلن خواهند بود. همچنین باید در نظر داشت که در برلن کارهای مربوط به مین برداری هنوز پایان نیافته و جمع آوری مین ها احتمالاً تا اواخر ژوئن به طول خواهد انجامید.

درباره اتریش هم باید آنچه را که در بالا در خصوص احضار فرماندهان شوروی به مسکو و زمان باز گشت آنان به وین اظهار داشته ام،تکرار نمایم.به علاوه،ضروری است که در چند روز آینده نزدیک ،کمیسیون مشورتی اروپا کار مربوط به تعیین مناطق اشغالی اتریش و وین را که تا این لحظه هنوز به اتمام نرسانده،به پایان رساند.

با توجه به مندرجات فوق ،من پیشنهاد می کنم که آغاز حرکت،انتقال و جابجایی نیروهای مربوطه در منطقه های مورد نظر ،چه در آلمان و چه در اتریش را به اول ژوئیه موکول سازیم.

افزون بر آن ،حالا باید چه در آلمان و چه در اتریش،منطقه های اشغال شده توسط نیروهای فرانسوی هم تعیین گردد.

ما کلیه تدابیر و اقدامات لازمه را در آلمان و اتریش طبق برنامه ذکر شده در بالا به مورد اجرا خواهیم گذاشت.

من تمام این مطالب را برای پرزیدنت ترومن نیز نوشته ام.

۱۷ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹۰

نامه خصوصی و فوق العاده محرمانه
آقای چرچیل به مارشال استالین

۱- بسیار مهم می باشد که محل دقیق کنفرانس آینده هر چه سریعتر تعیین گردد،زیرا کارهای مقدماتی فراوانی باید به مرحله عمل در آورده شود.

۲- البته ،من معتقدم و اطمینان دارم جنابعالی هم موافق می باشید که در شرایط کنونی هر یک از هیئت های روسی ،آمریکایی و بریتانیایی باید برای خود دارای منطقه ای جدا گانه و اختصاصی باشد که خود نسبت به تهیه جا،خوراک،ترانسپورت ،حفاظت،ارتباطات و غیره اقدام نماید.من پیشنهاد می کنم که به طور تکمیلی ، محل چهارمی هم برای تشکیل جلسات سه هیئت در نظر گرفته شود تا آنها بتوانند در آنجا دور هم جمع آیند.بسیار ارزنده می شد،اگر دولت شوروی اقداماتی را نسبت به ایجاد چنین مکانی به منظور انجام ملاقات های عمومی و مشترک به عمل می آورد.

۳- پرزیدنت ترومن با پیشنهاد فوق کاملاً موافق هستند.

٤- در رابطه با این موضوع،من خوشحال خواهم شد اگر جنابعالی هر چه زود تر اطلاعاتی را درباره منطقه ای که به منظور تشکیل جلسات کنفرانس آینده در حوالی برلن انتخاب خواهید فرمود و همین طور در باره بخشهای کاملاً تفکیکی واقع در این منطقه که برای هیئت های جداگانه شوروی،آمریکا و بریتانیا اختصاص داده خواهد شد،در اختیار اینجانب قرار دهید. پس از دریافت پاسخ جنابعالی،من بلافاصله به فیلد مارشال مونتگمری دستور خواهم داد که نسبت به اعزام گروه هایی پیشتاز برای تهیه کلیه تدارکات مربوط به هیئت بریتانیایی و مشورت با مارشال ژوکف و ژنرال آیز نهاور،اقدام به عمل آورد.

۵- من امیدوار هستم این حقیقت مطمح نظر باشد که ما برای رفع احتیاجات خود به فرودگاهی نیاز خواهیم داشت که در نزدیکی محل استقرار هیئت ما

قرار داشته باشد.در صورت مناسب بودن این امر ،ما می توانیم به اتفاق آمریکایی ها از آن فرودگاه به طور اشتراکی استفاده نماییم.

۱۷ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره٤۹۱

خصوصی ومحرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ١٤ ژوئن شما را در یافت کردم.

موضوعی را که جنابعالی عنوان فرموده و معتقدید که بر اساس آن باید آقای اتلی را جزو اعضای هیئت بریتانیایی منظور نمود،کاملاًمفهوم است.

۱۸ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹۲

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۱۷ ژوئن شما را دریافت نمودم.

۱-هیئت ها می توانند به همان گونه ای که جنابعالی در نامه خود پیشنهاد فرموده اید،استقرار داشته باشند،همانطوریکه آنها در کریمه استقرار یافته بودند.هر هیئت جای مشخص و منظم مربوط به خود را طبق نظر ریاست هیئت اختیار خواهد کرد. منطقه استقرار هر سه هیئت در بابلسبرگ،در جنوب شرقی

پوتسدام خواهد بود.محل چهارمی که برای جلسات مشترک در نظر گرفته شده است،کاخ پرنس بزرگ آلمانی در پوتسدام می باشد.

۲-مارشال ژوکف در تاریخ ۲۸ ژوئن در برلن خواهد بود.تا آن زمان بایستی گروههای پیشتاز مونتگمری و آیزنهاور را برای بازدید و تحویل محل‌ها در بابلسبرگ،اعزام نمود.گروههای پیشتاز مونتگمری و آیزنهاور می توانند کلیه اطلاعات و توضیحات لازم و مربوط به محل ها را در همانجا از ژنرال کروگلف که در یالتا معرف حضور افراد شما بوده است،کسب نمایند.

۳-در نزدیکی قرارگاه هیئت های ما در منطقه ،در محله کلادی فرودگاه خوبی قرار دارد که می توان در آنجا به زمین نشست.

۱۸ ژوئن سال ۱۹٤۵

سند شماره ٤۹۳

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیربه چرچیل نخست وزیر

با توجه به اینکه دولت یوگسلاوی پیشنهاد دولتهای آمریکاوبریتانیا را در مورد منطقه ایسترا-تریست پذیرفته است،از قرار معلوم ، مذاکرات در تریست به بن بست رسیده است.این امر عمدتاً ناشی از آن می شود که نمایندگان فرماندهی متفقین در دریای مدیترانه نمی خواهند حتی به کمترین خواسته های یوگسلاوها که خدمات آزاد سازی این منطقه از اشغالگران آلمانی به آنها تعلق دارد،جایی که جمعیت یوگسلاوها در آنجا از اکثریت بر خوردار

می باشند،اهمیت بدهند.چنین وضعی را نباید از نقطه نظر متفقین رضایتبخش دانست.

بی آنکه تمایلی به تیره کردن مناسبات داشته باشم،من تا به حال در مکاتبات خود هیچ اشاره ای به رفتار فیلد مارشال الکساندر نکرده ام،اما اکنون لازم می دانم خاطر نشان سازم که نباید رضایت داده شود که فیلد مارشال الکساندر در مذاکرات مربوطه خود ،آن لحن متکبرانه ای را که گهگاه در مورد یوگسلاوها بکار می برد،مورد استفاده قرار دهد.مطلقاًنمی توان پذیرفت که فیلد مارشال الکساندر در محیطی رسمی و عمومی بتواند مارشال تیتو را با هیتلر و موسولینی مقایسه نماید.این قیاس منصفانه نیست و اهانت به کشور یوگسلاوی است.

برای دولت شوروی آن لحن تهدید آمیز اطلاعیه نمایندگان انگلیس و آمریکا هم که در ۲ ژوئن برای دولت یوگسلاوی صادر کرده اند،غیر منتظره می باشد.چگونه می توان با چنین شیوه هایی به کسب نتایج مثبت و پایدار امیدوار بود؟

تمامی این موارد مرا ناگزیر می سازد که توجه شما را به وضعیت بوجود آمده معطوف نمایم.من مانند گذشته امیدوار هستم که در زمینه تریست-ایسترا،خاصه با عطف توجه به آن شرایط که یوگسلاوها در مسئله اصلی به استقبال متفقین آمده اند،منافع یوگسلاوی تأمین گردد.

۲۱ ژوئن سال ۱۹۴۵

سند شماره ٤٩٤

نامه خصوصی و محرمانه و کاملاً اعتماد آمیز آقای چرچیل به مارشال استالین

من دیروز یکبار دیگر با پادشاه گفتگو داشتم.در این گفتگو کارل اظهار داشتند که احتمالاً بهتر می بود اگر ایشان روز مقرر به برلن عزیمت می کردندو طی تشریفاتی ساده،ضیافت صبحانه ای را به افتخار جنابعالی ،پرزیدنت ترومن و سایر میهمان های مربوطه بر پا می ساختند.بنظرم آمد که احتمالاً این برنامه بیشتر مورد توجه شما قرار خواهد گرفت.خواهش می کنم دقیقاً به من اطلاع بفرمایید که جنابعالی چه فکر می کنیدو اطمینان داشته باشید که در این زمینه هیچ رنجش خاطری بوجود نخواهد آمد.

۲۲ ژوئن سال ١٩٤٥

سند شماره ٤٩٥

نامه خصوصی و محرمانه آقای چرچیل به مارشال استالین

من پیشنهاد می کنم که مانند کنفرانس کریمه،این بار هم به نمایندگان مطبوعات اجازه ورود به «ترمینال»(۱۰۹)داده نشود،اما عکاسان اجازه حضور در آنجا را داشته باشند.

من چنین تلگرامی را هم برای پرزیدنت ترومن مخابره کردم.
۲۳ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹٦

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۲۲ ژوئن جنابعالی را پیرامون بازدید کارل از برلن ،مانند نامه قبلی شما در این خصوص،دریافت نمودم.

در برنامه من دیدار با شاه پیش بینی نشده است،بلکه فقط اجلاس سه جانبه- ای که ما از پیش با جنابعالی و پرزیدنت ترومن درباره آن به تبادل نامه پرداخته ایم،در نظر می باشد.اما،چنانچه جنابعالی لازم می دانید که من چنین ملاقاتی را انجام دهم،در آنصورت من با برنامه شما مخالفتی ندارم.

۲۳ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹۷

نامه محرمانه و خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

از شما به خاطر ارسال نامه ۲۱ ژوئن بسیار تشکر می کنم.من امیدوار هستم حالا که خوشبختانه کارها در بلگراد سیر عادی خود را باز یافته است،ما می توانیم در برلن اوضاع را مشترکاًمورد بحث و بررسی قرار دهیم.با وجودیکه من اطاعیه فیلد مارشال الکساندر را تا قبل از انتشار آن ندیده بودم،اما می توانم

به جنابعالی اطمینان بدهم که رفتار او نسبت به روسیه و مارشال تیتو بسیار خوب است. من مطمئن می باشم که مارشال تالبوخین این مسئله را مورد تأیید قرار می دهد.

۲٤ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹۸

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

من با پیشنهادی که جنابعالی در نامه ۲۳ ژوئن خود مطرح فرموده اید،موافقم.

۲۷ ژوئن سال ۱۹٤٥

سند شماره ٤۹۹

نامه خصوصی و محرمانه

آقای چرچیل به مارشال استالین

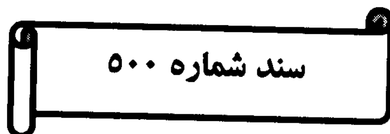
سپاس فراوان خود را به خاطر ارسال تلگرام بسیار محبت آمیز جنابعالی در رابطه با پیشنهاد مربوط به بازدید کارل از برلن به هنگام گردهمایی ما در آنجا،تقدیم حضورتان می دارم.

من از جوابی که جنابعالی ارسال فرموده اید،بسیار ممنوعم.اما در حال حاضر کارل انجام مسافرت به آلمان را مقدور نمی دانند،زیرا برای نشست و

اجلاس سه جانبه ما در آنجا به تعداد کثیری مأمور سری امنیتی و همچنین افسران سرویس ویژه نیاز خواهد بود.

اکنون،ایشان به من اطلاع داده اند که از الستر دیدن خواهند کرد.بنابراین من باید از جنابعالی بخاطر آنکه دو بار به طرح این مسئله پرداخته و پاسخ ۲۳ ژوئن مربوطه شما را دریافت داشته ام،پوزش خواهی نمایم.

اول ژوئیه سال ۱۹٤۵



سند شماره ۵۰۰

نامه خصوصی

آقای چرچیل به استالین نخست وزیر

چون همه ما توافق کرده ایم که به نمایندگان مطبوعات اجازه حضور در «ترمینال»(۱۰۹)داده نشود،بنابراین من معتقدم که صلاح و شایسته می باشد که در این زمینه از قبل اطلاعیه أی بطور علنی صادر گردد.

این امر از اعزام نمایندگان برجسته مطبوعات به برلن و روبرویی آنها با درهای بسته جلوگیری بعمل خواهد آورد.

من پیشنهاد می کنم که هر یک از ما اعلام نماییم که در ترمینال به ارباب جراید اجازه حضور داده نخواهد شد و کلیه مسائلی که در ترمینال مورد حل و فصل قرار خواهد گرفت،پیوسته بصورت اعلامیه های رسمی انتشار خواهد یافت.

مشابه این تلگرام را من برای پرزیدنت ترومن ارسال خواهم داشت.

۴ ژوئیه سال ۱۹۴۵

سند شماره ۵۰۱

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه جنابعالی را درباره تریست –ایسترا و یوگسلاوی دریافت داشتم.من در این زمینه که این مسئله را در موقع ملاقات آینده مان در آلمان مورد بحث و بررسی قرار دهیم،مخالفتی ندارم.

۶ ژوئیه سال ۱۹۴۵

سند شماره ۵۰۲

خصوصی و محرمانه

از استالین نخست وزیر به چرچیل نخست وزیر

نامه ۴ ژوئیه شما را دریافت کردم.

با پیشنهاد شما درباره اینکه از پیش به اطلاع نمایندگان مطبوعات رسانده شود که به آنان اجازه حضور در «ترمینال»(۱۰۹)داده نخواهد شد،موافقم.

۶ ژوئیه سال ۱۹۴۵

سند شماره ۵۰۳

نامه خصوصی و محرمانه
آقای چرچیل به استالین نخست وزیر

من از پرزیدنت اطلاع حاصل کردم که ایشان بر اساس توافق بین ما امروزاعلام خواهند داشت که به اربابان جراید اجازه حضور در «ترمینال» (۱۰۹) داده نخواهدشدوکلیه آنچه که در ترمینال موردبررسی قرار خواهد گرفت،طی اعلامیه های رسمی متناوباًانتشار خواهدیافت.

پرزیدنت به من گفته اندکه چنین پیامی را نیز ایشان برای شما ارسال خواهندداشت.

با توجه به موافقت جنابعالی،ما امروز اطلاعیه مشابهی را در لندن انتشار خواهیم داد.

۶ ژوئیه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۵۰٤

تاریخ دریافت نامه ۱۲ ژوئیه سال ۱۹٤۵

نامه خصوصی آقای چرچیل به مارشال استالین

همراه با این نامه ،نامه «ریبن تروپ»نیز که بعنوان من وآقای ایدن(۱۱۳) ارسال گردیده،ضمیمه می باشد.من فکر می کنم که مفاد آن برای جنابعالی هر

چند که بسیار طولانی و ملال آور است،اما تا اندازه ای جالب توجه خواهد بود.

سند شماره ۵۰۵

تاریخ دریافت نامه ۲۷ ژوئیه سال ۱۹٤۵

نامه خصوصی آقای اتلی به استالین فرمانده کل قوا

در رابطه با استعفای آقای چرچیل ،اعلیحضرت کارل مرا مأمور تشکیل کابینه نمودند.

من اطمینان دارم که برای جنابعالی روشن می باشد که در رابطه با حل مسائل فوری و بلا تأخیری که پیش روی اینجانب نهاده شده است،من نمی‌توانم برای شرکت در جلسه مشترکی که در ساعت ۵ جمعه ۲۷ ژوئیه تعیین گردیده است،به موقع در پوتسدام حضور یابم.من خیال می کنم که بتوانم قبل از جلسه ای که بعدازظهر روز شنبه ۲۸ ژوئیه تشکیل خواهد شد،وارد پوتسدام گردم و بسیار متشکر خواهم شد که در این زمینه بتوان اقداماتی را موقتاًبعمل آورد،البته در صورتی که این امر بتواند نظر جنابعالی را تأمین نماید . مراتب تأسف عمیق خود را به واسطه ناراحتی های ناشی از این تأخیر ابراز می دارم.

سند شماره ۵۰۶

خصوصی و محرمانه

از استالین فرمانده کل قوابه آقای کلمنت اتلی

۲۷ ژوئیه نامه جنابعالی را دریافت کردم.من با پیشنهاد شما نسبت به تشکیل جلسه مشترک ما برای روز شنبه ۲۸ ژوئیه در هر ساعتی که جنابعالی تعیین بفرمایید،مخالفتی نخواهم داشت.

۲۷ ژوئیه سال ۱۹٤۵

سند شماره ۵۰۷

به استالین فرمانده کل قوا

فرماندهی محترم کل قوا!

جنابعالی با اظهار محبت امروز به من اطلاع دادیدکه درامر خروج فوری چند بانوی جوان تبعه شوروی که ظرف سه الی چهار سال اخیر به عقدو ازدواج با افسران وسربازان نیروهای مسلح بریتانیایی و تعدادی از اشخاص کشوری بریتانیا که در اتحاد شوروی به انجام وظیفه مشغول بوده،درآمده‌اند،کمک و مساعدت خواهید فرمود.

من می خواهم از جنابعالی صمیمانه تشکر کرده وضمن استفاده از این فرصت مقتضی ،به استحضارتان برسانم که شما تقریباًبه بیست زوج جوان خوشبختی اهداء می فرمائید.

من پیشنهاد می کنم که چنانچه جنابعالی اعتراضی نسبت به این مسئله ابراز نمی فرمایید مذاکره درباره تشریفات مربوط به ترک تابعیت این عده را به آقای آرچیبالد کلارک کر وآقای مولوتف،پس از بازگشت آنها به مسکو،محول بفرمایید.

ارادتمندشما_کلمنت اتلی_برلن،اول اوت سال ۱۹٤۵

سند شماره ۵۰۸

خصوصی ومحرمانه

از آقای استالین نخست وزیربه آقای اتلی نخست وزیر

نامه اول اوت جنابعالی را دریافت داشتم.من با این موضوع که سفیربریتانیا در مسکوبه اتفاق و.م.مولوتوف مسئله مربوط به عزیمت بانوان تبعه شوروی به بریتانیای کبیر را،که در دوران جنگ به عقدوازدواج اتباع بریتانیایی درآمده‌اندمورد بحث ومذاکره قرار دهند،اعتراضی ندارم.

۷ اوت سال ۱۹٤۵

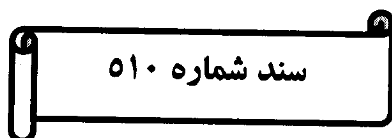
سند شماره ۵۰۹

نامه خصوصی آقای اتلی به آقای استالین فرمانده کل قوا

تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت فرا رسیدن صلح و پیروزی کامل ارتشهای متفق ما بر آخرین دولت غاصب و متجاوزتقدیم حضورتان می دارم.

اکنون در مقابل ما آینده و چشم اندازی پدید آمده که می توان به ایجاد محیطی تازه در میان ملت ها مبادرت بورزیم و سوءظن و ترس ناشی از جنگ را منتفی ساخته و به جای آنها اعتمادوهمکاری را که بدون آنها امیدبه صلح ناچیز خواهد بود،جایگزین سازیم.من قلباًامیدوارهستم که آن دوستی، مودت و تفاهم متقابلی که بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و بریتانیای کبیردرزمان جنگ بوجودآمده است،حفظ گرددودرسالهای بازسازی،باز هم بیشتر تقویت یابد وقراردادمشترک ما به عنوان زیربنای همکاریهای نزدیک وپایداربین مامحسوب گردد.

۱۷ اوت سال ۱۹٤۵



ازآقای استالین فرمانده کل قوا به آقای اتلی نخست وزیر

از جنابعالی بخاطرتبریک وتهنیت دوستانه ای که به مناسبت پیروزی برژاپن ارسال فرموده اید،تشکر کرده ومن هم به نوبه خود این پیروزی را به جنابعالی تبریک وشادباش می گویم.جنگ علیه آلمان وژاپن واهداف مشترک ما در مبارزه با متجاوزین،اتحاد شوروی وبریتانیای کبیر را به یکدیگر نزدیک ساخته و همکاریهای ما را برای سالیان متمادی که پایه و اساس آن بر قرارداد مشترک کنونی فیمابین استوار یافته،تحکیم بخشیده است.

من اطمینان می دهم که این همکاریهایی که در جنگ و در مخاطرات جنگ به تجربه درآمده است،در سالهای پس از جنگ نیز در جهت خیرونیکبختی ملت های ما تقویت خواهد شد.

۲۰ اوت سال ۱۹٤٥

سند شماره ٥١١

نامه فوری،خصوصی و کاملاًمحرمانه
آقای اتلی به استالین نخست وزیر

۱ــ دیروز در خصوص مسئله مربوط به ترکیب شورای وزیران امور خارجه درامور تهیه قراردادهای صلح،اختلاف نظربوجودآمد.بحث بر روی مسئله تعبیروتفسیرپروتکل برلن تمرکزیافته است.

۲ــ آقای بوین خاطرنشان می سازدکه تصمیم مربوط به تشکیل شورای وزیران امور خارجه بریتانیای کبیر،اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی،چین،فرانسه وایالات متحده آمریکابه منظور انجام کارهای ضروری مقدماتی درزمینه تهیه قراردادهای صلح[بندهای الف والف(۱)بخش اول پروتکل کنفرانس برلن] ،شرط اصلی و عامل تعیین کننده می باشدوبدین ترتیب شورابه طورکامل اجرای کلیه وظایف محوله راپاسخگوخواهدبود .

بنابراین او نسبت به صحت ودرستی تصمیم زیرکه در۱۱ سپتامبربه وسیله شورااتخاذگردیده است،پافشاری می نماید:

«مقرر گردید که تمامی پنج عضوشورابایدحق حضوردرهمه جلسات راداشته ودر کلیه بحث هاومذاکرات شرکت نمایند،امادرامورمسائلی که به استقرارصلح بستگی می یابد،آن اعضایی ازشوراکه دولت هایشان شرایط مربوط به تسلیم راامضاءنکرده اند،حق رأی دادن نخواهندداشت».

۳_من با آقای ایدن که اظهار می دارد درک وبرداشت اوازکنفرانس پوتسدام چنین است که شورامی تواند تشریفات خاص مربوط به خودراوضع نموده ودر چهارچوب شرایط دقیق موافقتنامه پوتسدام نیزمحدودنگردد ،به گفتگونشستم.

٤_آقای مولوتوف معتقداست که تصمیم شورای ۱۱ سپتامبرناقض موافقتنامه پوتسدام می باشدوبایستی تغییر یابدودر آینده برای تنظیم واجرای کارهای مربوط به قراردادهای صلح،شورا بایدتنهااز وزرای امورخارجه کشورهایی تشکیل گرددکه موافقتنامه مربوط به متارکه جنگ رابه امضاءرسانیده اند وهنگامی که ایالات متحده آمریکادر ترکیب شورا حضور می یابدوسخن از فنلاندمطرح می گردد،چین بهیچ وجه نبایددرشوراحضورداشته باشدوفرانسه نیزدر هیچیک از مذاکرات مربوط به قراردادها،باستثنای مذاکرات ذیربط باایتالیا،نبایستی مشارکت نماید.این امر پاسخگوی درک واقعی من واهداف تصمیم متخذه در پوتسدام نمی باشد.

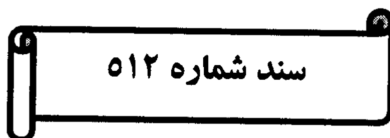
۵_تصمیم ۱۱ سپتامبرشورا،توسط پنج وزیرامورخارجه شرکت کننده درآن که آقای مولوتوف هم جزوآنان بوده،اتخاذگردیده است وبانقطه نظررئیس دپارتمان دولتی ایالات متحده و وزیرامورخارجه بریتانیای کبیر که آن راشرافتمندانه موردتأییدقرارداده اند،مطابقت می نماید.به اعتقادمن ،شورابه

طوریقین حق پذیرش قطعنامه فوق الذکرراداشته است[به بندالف،چهار(ب)بخش دوم ازپروتکل برلن مراجعه فرمایید].بعلاوه نباید فکرکردکه این قطعنامه درمواردی باتصمیم پوتسدام مغایرت پیدا می کند،زیرامحدودیت درامررای گیری درواقع مبین آن است که شورابه هنگام اخذ تصمیمات دارای همان ترکیبی خواهدبودکه برای این منظورپیش بینی گردیده است.بدان خاطرکه این مسئله به من ارجاع گردیده است،بنابراین من می خواهم که آن را قدری بازتر مطرح نمایم.

تصمیم ۱۱ سپتامبرپس از بحث ومذاکرات فراوان به اتفاق آراموردتصویب قرارگرفته است،ومن تشکیل شورایی راکه تصمیمات متخذه رااینگونه زیرسؤال ببردوتلاش درتغییرآنهاداشته باشدوبه تبع آن نتایجی راکه وزیرامورخارجه بریتانیا باعملکردصادقانه خودوباموافقت سایروزرای امورخارجه بدست آورده است مردودواعلام نماید،با نگرانی عمیق ارزیابی می کنم.من بیم آن دارم که این امرجنبه کار رابه سمت وسویی کاملاًنامطلوب سوق دهدوحتی ارزش شورای وزرای امورخارجه کشورهارادگرگون ساخته وباعث پیچیدگی کارشوراگردد.ومن تردیددارم که بتوان توافق واحدومتفق آرای شورارانسبت به تغییردرتصمیم پیشین خودبدست آورد،مضافاًآنکه هر گونه تلاش واقدامی دراین راه آشکارابه منزله اهانتی بزرگ به فرانسه وچین خواهدبوداین امردرانگلستان برای جامعه وپارلمانی که ماشرافتمندانه به آنهااعلام کرده ایم که شورا،به عنوان شورای پنج نفره عمل خواهدکرد،یقیناًعاری از مفهوم خواهدبودوبه سادگی مورد قبول واقع نخواهدشد.آقای مولوتوف دلیل می آوردکه پیشنهاداوکارشورارابطورقابل ملاحظه ای تسریع خواهدکرد.

حتی اگراین طورهم باشد،که درطول مذاکرات این موضوع بهیچوجه ثابت نشده است،معهذااین امرمسلماًنمی تواندضرروزیان ناشی ازاین اهانت رانسبت به همکاری هماهنگ و متناسب جبران نماید.بنظرمن،موفقیت کنفرانس فعلی وآینده شوراو،در ماهیت،ایمان واعتقادبه صلح عادلانه در معرض خطر می باشد.بنابراین من صمیمانه امیدوارمی باشم که جنابعالی ضمن موافقت،به هیئت خوددستورفرمائیدکه تصمیم متخذه ۱۱ سپتامبررامورد پشتیبانی وعملکردقراردهد.مادرنهایت،تلاش در استقرارصلح داریم که این مهمترازمسئله تشریفات است.

۲۳ سپتامبر سال ۱۹٤٥



سند شماره ۵۱۲

تاریخ ارسال نامه ۲٤ سپتامبرسال ۱۹٤٥

نامه خصوصی ومحرمانه
آقای استالین نخست وزیربه آقای اتلی نخست وزیر

نامه جنابعالی راپیرامون اختلاف نظردرباره شورای وزیران دریافت داشتم. موضع و.م.مولوتوف دراین مسئله براساس ضرورت اجرای دقیق تصمیم کنفرانس برلن که به روشنی دربند۳ (ب)قطعنامه مربوط به شورای وزیران منعکس گردیده است، تعیین می گردد. تصمیم ۱۱ سپتامبر شورای وزیران با قطعنامه مزبورکنفرانس برلن مغایرت داردوبنابراین نمی تواندموردتأییدقراربگیرد.

ازاین رو،سخن درباره تشریفات کارشورای وزیران نمی باشد،بلکه صحبت راجع به این مسئله می باشد که آیاشورای وزرای امورخارجه حق تغییر آن بندهاویاسایرموادی ازقطعنامه های کنفرانس برلن رادارامی باشند.من فکرمی کنم که اگرماحتی برای یک لحظه شورای وزیران امورخارجه رامجازبه دخل وتصرف ویاتغییراین قطعنامه هابدانیم،قطعنامه های کنفرانس برلن راازدرجه اعتبارساقط خواهیم کرد.

من معتقدم که تصحیح اشتباه مجازتحت نام ترمیم تصمیم کنفرانس برلن،همان چیزی که و.م.مولوتوف نسبت به آن پافشاری می نماید،نمی تواند نسبت به کنفرانس وشورای وزراواکنشی منفی داشته باشدونمی تواندبرای کسی به منزله اهانت تلقی گردد.

سند شماره ۵۱۳

تاریخ دریافت نامه ۳۰ اکتبرسال۱۹٤٥

نامه خصوصی آقای اتلی به استالین فرمانده کل قوا

۱ـمی خواهم به اطلاع جنابعالی برسانم که من به زودی درواشنگتن طی ملاقاتی که باپرزیدنت ترومن بعمل خواهم آورد،مسائلی راکه دررابطه باگشایش مرکزانرژی اتمی بوجودآمده است،به اتفاق ایشان و نخست وزیرکاناداموردبحث وگفتگوقرارخواهیم داد.

۲ـمن امیدوارهستم که جنابعالی ضمن بهره گیری ازاوقات فراغت ازکار،بتوانیدبه استراحتی کوتاه بپردازید.

سند شماره ٥١٤

تاریخ دریافت نامه ٦ نوامبرسال ١٩٤٥

نامه آقای اتلی به استالین فرمانده کل قوا

صمیمانه ترین تبریکات وشادباشهای خودرابه مناسبت سالگردتأسیس دولت شوروی به حضورجنابعالی تقدیم می دارم.باشدکه اتحادشوروی به رهبری جنابعالی طی سالیان متمادی همواره به رشدوشکوفایی دست یابدوباشدکه دوستی بین ملت های ماکه اساس آن برپیروزی ما،براتحادمیان انگلیس وشوروی وبرعضویت مشترک ما درسازمان ملل متحد استوار می باشددرسالهای آینده صلح وآشتی بازهم بیشترتقویت یابد.

سند شماره ٥١٥

خصوصی ومحرمانه

ازآقای استالین فرمانده کل قوابه آقای اتلی نخست وزیر

نامه جنابعالی رادرباره ملاقات شماباپرزیدنت ترومن دریافت کردم.ازشمابخاطرارسال نامه متشکرم.

۸ نوامبرسال ١٩٤٥

سند شماره ٥١٦

تاریخ ارسال نامه ۱۵ نوامبرسال ۱۹٤٥

ازآقای استالین فرمانده کل قوای اتحاد جماهیر شوروی به آقای اتلی نخست وزیربریتانیای کبیر.

بخاطرتبریکاتی که به مناسبت بیست وهشتمین سالگردبنیانگذاری دولت شوروی ارسال فرموده اید،ازجنابعالی تشکرمی کنم.

توضیحات

(در انتهای هر توضیح ،شماره سند مربوطه درج گردیده است)



۱- ۱۲ ژوئیه سال۱۹٤۱ بین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان به جای بیانیه مورد نظر انگلیس و شوروی ،قرارداد مربوطه به عملیات مشترک در جنگ علیه آلمان به امضا رسید.سند شماره ۲

۲-کاروان کشتی های باری تحت اسکورت کشتی های جنگی .سندهای شماره:

۸۸- ۸۵-۷۷-۷۱-۷۰- ٦۷-٦٤-٦۰-٥۹-٥۸-٥٦-٥۰-٤٦-٤٤-٤۳-۱۷-۷-٤
۲۰۳- ۱۹۹-۱۷۲- ۱٦۰-۱٥۸- ۱٤٥-۱٤۳- ۱۳۹ -۱۳۸ - ۱۳٦ -۹۹-۹۷ - ۸۹
۲۸۲- ۲٦۸-۲٦۷- ۲٦۲- ۲٦۱-۲٥۳-۲٥۲-۲٥۱-۲٤۰-۲۳۸-۲۲۸-۲۲۷-۲۱۷
۳۷٥-۳٥٦-۳۰۸-۳۰٤-۲۹۹-۲۸۳

۳-نامسوس شهری ساحلی در نروژ می باشد که موقع حمله آلمان به نروژ در آوریل سال ۱۹٤۰،نیروهای انگلیسی در آنجا پیاده شدند.درتاریخ ۲ الی ۳ مه سال ۱۹٤۰ بواسطه حملات نیروهای مسلح آلمانی، انگلیسی ها مجبور به تخلیه شهر نامسوس شدند.سند شماره ٤

٤-پس از حمله ایتالیا به یونان نیروهای انگلیسی در نوامبر سال ۱۹٤۰ در جزیره یونانی کرت پیاده شدند.۲۰مه سال ۱۹٤۱ نیروهای مسلح آلمانی عملیات مربوط به اشغال جزیره کرت را آغاز کرده و تا ۳۱ مه تمام جزیره را به تصرف خود در آورند.سند شماره ٤

٥-در ژوئن سال ۱۹٤۱ هاری هپکینس بعنوان نماینده ویژه فرانکلین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از مسکو دیدن بعمل آوردو مورد پذیرش ژوزف استالین قرار گرفت . سند شماره ۸

٦-دولت انگلستان بعدها نقطه نظر خود را درباره مسئله مربوط به ورود نیروها ی انگلیسی و شوروی به تهران تغییر داد.سپتامبر سال ۱۹٤۱ دولت

انگلستان دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را از تصمیم خود مبنی برانتقال سریع نیروها به تهران و اینکه آن دولت دستور العملهای مربوطه را برای فرماندهی نیروهای انگلیسی در ایران ارسال داشته است مطلع ساخت.دولت انگلیس از دولت شوروی درخواست کرد که این دولت نیز دستور العمل های مشابهی را برای فرماندهی نیروهای شوروی در ایران صادر نماید. در نتیجه این برنامه ریزی دولت انگلستان ،در سپتامبر سال ۱۹٤۱ نیروهای انگلیسی و شوروی وارد تهران شدند.سند شماره ۹

۷-۲۳اوت سال ۱۹٤۱ تویوتا وزیر خارجه ژاپن طی بیانیه ای به اطلاع سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در توکیو می رساند که حمل کالاهای خریداری شده توسط اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایالات متحده آمریکا ،از ایالات متحده به ولادی واستوک که در مجاورت خاك ژاپن قرار گرفته است وضعیت دشواری را به واسطه مناسبات این کشور با آلمان و ایتالیا برای ژاپن فراهم خواهد آورد.تویوتا اظهار می دارد با وجود آنکه دولت ژاپن ضمن حمایت و پشتیبانی از قرارداد بی طرفی در جنگ ،خواهان اجتناب از گسترش بلایای جنگ در آسیای شرقی می باشد،معهذا بسته به آنکه آلمان و ایتالیا حمل این کالا را چگونه تعبیر و تفسیر خواهند کرد ،ژاپن مشکل بتواند موضع کنونی خود را برای درازمدت حفظ نماید.

سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ژاپن در پاسخ به این بیانیه در تاریخ ۲٦ اوت سال ۱۹٤۱ جوابی به شرح زیر ارسال می دارد:

«دولت شوروی علتی برای نگرانی ژاپن در این زمینه مشاهده نمی نماید که کالاهای خریداری شده توسط اتحاد جماهیر شوروی در ایالات متحده آمریکا از قبیل نفت و بنزین که شما آقای وزیر آنها را مورد اشاره قرار داده اید ،از طریق راههای بازرگانی معمولی ،از جمله از طریق بنادر خاور دور شوروی به

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارسال گردد.همانطور که اگر ژاپن نسبت به رفع نیازهای خود اقدام به حمل هر نوع کالا از سایر کشورها نماید ،دولت شوروی هیچ موردی برای تشویش و نگرانی خود نمی یابد.دولت شوروی در رابطه با این موضوع لازم می داند اعلام نماید که تلاش به منظور ممانعت از انجام مناسبات تجاری معمولی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا از طریق بنادر خاور دور شوروی را این دولت نمی تواند جز رفتا ر و روشی غیر دوستانه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی چیز دیگری به حساب آورد.

بعلاوه ،دولت شوروی تائید می نماید که کالاهای خریداری شده این کشور در ایالات متحده آمریکا ،قبل از هر چیز به نیازهای افزایش یافته در غرب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در رابطه با جنگ تدافعی تحمیلی به اتحاد شوروی و همچنین جهت مصارف جاری امور اقتصادی در خاور دور اختصاص یافته است».سند شماره ۹

۸-منظور ملاقات چرچیل با روزولت در اقیانوس اتلانتیک در اوت سال ۱۹٤۱ می باشد .سند شماره ۹

۹-مقصود قانون به اصطلاح «لندلیز»می باشد که کنگره ایالات متحده آمریکا در ۱۱ مارس سال ۱۹٤۱ به تصویب رسانده است . به موجب این قانون دولت ایالات متحده آمریکا می تواند انواع کالا، تجهیزات و موادی را که برای دفاع سایر دولت ها مورد نیاز می باشد به عنوان قرض ویا اجاره در اختیار آنان قرار دهدمشروط بر آنکه بنا به تشخیص رئیس جمهور ،دفاع این دولت ها از خود برای دفاع ایالات متحده آمریکا هم دارای اهمیت حیاتی باشد.سندهای شماره ۱۱،۱٤

۱۰- منظور کنفرانس نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، انگلستان وایالات متحده آمریکا در مورد مسائل مربوط به حمل وتحویل دو جانبه محموله های جنگی می باشد که از تاریخ ۲۹سپتامبر لغایت ۱اکتبر سال ۱۹٤۱در مسکو برگزار گردید.سند شماره ۱٦

۱۱-«هر که چیزی را زودتر دهد ،دوبرابر می دهد» از کلمات قصار کشور های لاتین زبان .سند شماره ۱۷

۱۲-قرارداد مربوط به اتحاد بین ایران ،انگلستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که در تاریخ ۲۹ژانویه سال ۱۹٤۲به امضا رسید. سند شماره ۱۸

۱۳-کریپس سفیر انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در نامه ۵ژانویه سال ۱۹٤۲ خود خطاب به ویشینسکی قائم مقام وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار می دارد که در نامه چرچیل ،منظور مقاله زاسلاوسکی «شیوه های پتینوسکی در جزایر فیلیپین»می باشد.

این مقاله در ۳۰ دسامبر سال ۱۹٤۱(نه در ۳۱دسامبر،آنطور که در نامه چرچیل آمده است) در روزنامه «پراودا» منتشر گردیده است . سند شماره ۲۸

۱٤- مقصود طرح موافقتنامه مربوط به شناسایی مرزهای غربی اتحاد شوروی بوسیله انگلستان در خاتمه جنگ می باشد ،مرزی که پیش از حمله آلمان هیتلری به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، یعنی قبل از تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹٤۱ وجود داشته است . سند شماره ۳۵

۱۵-منظور آرچی بالد کلارک کر می باشد . سند شماره ۳۷

۱٦- منظور طرح قراردادهای نظامی و سیاسی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان می باشد .

مذاکرات مربوط به انعقاد این پیمانها (نظامی در زمینه اتحاد و کمکهای متقابله در زمان جنگ و سیاسی در زمینه همکاریهای پس از جنگ) در دسامبر سال ۱۹٤۱ بهنگام اقامت ایدن در مسکو آغاز گردید . پس از ترک ایدن ، مذاکرات در لندن میان نمایندگان دولت انگلیس و سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در انگلستان ادامه یافت. سند شماره ٤٠

۱۷- بنظر می آید که سخن درباره نامه (به سند شماره ٤٠ مراجعه فرمایید) ۲۲ آوریل سال ۱۹٤۲ آقای استالین می باشد. سند شماره ٤١

۱۸- نامه مورد نظر ، نامه ۹ مه سال ۱۹٤۲ چرچیل می باشد (به سند شماره ٤٤ مراجعه فرمایید) که استالین آنرا در تاریخ ۱۱ مه سال ۱۹٤۲دریافت داشته است . سند های شماره ٤٨ ، ٤٦

۱۹- منظور طرح موافقتنامه مربوط به شناسائی مرزهای غربی (به توضیح شماره ۱٤ مراجعه فرمائید) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوسیله انگلستان می باشد . سند شماره ٤٧

۲۰- صحبت درباره قرارداد بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان در زمینه اتحاد در جنگ علیه آلمان هیتلری و هم پیمانان او در اروپا و همکاری و کمکهای متقابله پس از جنگ می باشد که در ۲٦ مه سال ۱۹٤۲ به امضا رسیده است.

امضای این قرارداد اختتام مذاکراتی است که به هنگام اقامت ایدن در مسکو در دسامبر سال ۱۹٤۲ آغاز شده بود، ضمناً ، در موقع انجام مذاکرات ابتدا بحث بر این بود که انعقاد دو قرارداد : قرارداد مربوط به اتحاد و کمک‌های متقابله در جنگ و قرارداد مربوط به همکاری های ویژه پس از جنگ به امضا برسد. اما در دور بعدی مذاکرات تصمیم بر این اتخاذ گردید

که یک قرارداد تلفیقی و مشترک از تعهدات مربوط به زمان جنگ و تعهدات مربوط به زمان پس از پایان جنگ به امضا برسد. سندهای شماره ۵۱، ۵۰

۲۱- موضوع درباره نیروهای دولت مهاجر لهستان می باشد که در سالهای ٤٢ - ١٩٤١ در خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سازمان یافته اند. سند شماره ٥٦

۲۲- منظور اعلامیه مشترک انگلستان ـ شوروی در مورد بازدید وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از لندن می باشد که در ۱۲ ژوئن سال ١٩٤٢ انتشار یافته است. سند شماره ۵۷

۲۳- اولین حروف نام و نام خانوادگی وینستون چرچیل می باشد. سندهای شماره ٦٦، ٦٤

٢٤- «مشعل »علامت شرطی و قراردادی عملیات مربوط به پیاده کردن نیروهای مسلح آمریکایی و انگلیسی در شمال آفریقا می باشد که در نوامبر سال ١٩٤٢ به مرحله عمل در آمد.سندهای شماره :

٦٦-٦٧-٧٠-٧١-٧٤-٧٧-٨٠-٨١-٨٤-٨٥-٨٨ -١٢٣

۲۵- جزایر کانال (کانال مانش)، بعبارت دیگر، جزایر نرماندی که در نزدیکی سواحل فرانسه قرار گرفته و متعلق به انگلستان می باشد.جزایر کانال از ۳۰ ژوئن الی ۱ ژوئیه سال ١٩٤٠ تحت اشغال هیتلری ها درآمد.سند شماره ٦٦

٢٦- بند ۵ یادداشت مزبور به شرح زیر است:

« ما خود را برای پیاده کردن نیرو در قاره برای اوت یا سپتامبر سال ١٩٤١ آماده می سازیم. همانطور که قبلاً شرح داده شده است عامل اصلی و مهمی که ابعاد نیروهای قابل پیاده را تعیین می نماید ،وجود تجهیزات ویژه مربوط به پیاده کردن نیروها است. امّا، به هر حال روشن است، چنانچه ما خواسته باشیم

که به هر قیمتی که شده اقداماتی را به انجام رسانده و عملیاتی را به مرحله عمل در آوریم که منجر به فاجعه گردد و باعث ناکامی ما و شادی دشمن بشود ، در آنصورت این امر نه برای روسها و نه برای متفقین در مجموع سودی حاصل نخواهد داشت . پیش بینی این امر هم امکان پذیر نخواهد بود که خاطر نشان گردد آیا شرایط به گونه ای شکل خواهد گرفت که بتوان این عملیات را به هنگام فرارسیدن موعد مقرر به اجرا درآورد . بنابر این ما نمی توانیم در این زمینه هیچ وعده ای بدهیم . اما در صورتیکه اجرای عملیات مزبور عاقلانه و اساسی بنظر آید ،یقیناً ما نسبت به انجام نقشه های خود هیچ تردیدی به خود راه نخواهیم داد».

تعهدات مربوط به گشایش جبهه دوم نیز در بند ۸ این یادداشت که در نامه چرچیل به آن اشاره نشده است منعکس می باشد.مفاد بند ۸ حاکی است :

«سرانجام ،مهمترین نتیجه کلی آنست که ما حداکثر تلاش خود را در سازماندهی و تدارک حمله نیروهای انگلیسی و آمریکائی به قاره اروپا برای سال ۱۹٤۳ در مقیاس و ابعادی گسترده متمرکز سازیم .

ما هیچگونه محدودیتی در ابعاد و اهداف این لشگر کشی ها که در آغاز تعداد آنها متجاوز از یک میلیون نفر قوای انگلیسی و آمریکایی خواهد بود و با حمایت و پشتیبانی نیروی هوایی مربوطه عمل خواهند کرد، قائل نخواهیم شد».
سند شماره ٦٦

۲۷– «پتک آهنگری» علامت شرطی و قراردادی عملیات نیروهای مسلح آمریکایی و انگلیسی در منطقه پا – د- کاله می باشد که اجرای آن برای سال ۱۹٤۲ تعیین گردیده است . سند شماره ٦٦

۲۸- «اسپیت فایر» نوعی هواپیمای شکاری انگلیسی است . سندهای شماره:

۷۹، ۷۷، ۷۵، ۷۰

۲۹- علامت شرطی و قراردادی کاروان کشتی های حامل محموله های جنگی برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است . سندهای شماره ۷٤، ۷۲

۳۰- منظور چرچیل نامه ای است که به شرح زیر برای استالین نوشته و این نامه را به همراه نامه ای که کریپس سفیر انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی برای ویشینسکی قائم مقام وزیر امور خارجه شوروی نوشته بود و وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی آنرا در تاریخ ۱۹ آوریل سال ۱۹٤۱ دریافت داشته است .

« من از مأمور مورد اطمینان خود خبر موثقی بدین مضمون دریافت داشته‌ام که آلمانی ها پس از آنکه مصمم گردیدند یوگسلاوی را به دام خود اندازند، بعبارتی،پس از ۲۰ مارس، نقل و انتقال سه لشگر از پنج لشگر زرهی مستقر خود در رومانی را به بخش جنوبی لهستان آغاز کردند .اما در آن لحظه ای که آنها از انقلاب صرب ها اطلاع بدست آوردند ،برنامه این جابجایی را تغییر دادند. جنابعالی خود به آسانی می توانید اهمیت این گونه عملیات را ارزیابی بفرمائید،سند شماره ۷٤

۳۱- آئراکبرا نوعی هواپیمای شکاری آمریکایی است . سندهای شماره :

۱٦۰، ۱٤۳،۷۵،۷٤

۳۲- در تاریخ ٦ اکتبر سال ۱۹٤۲ در واشنگتن نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ،ایالات متحده آمریکا و انگلستان پروتکل مربوط به

ارسال تجهیزات،مهمات و مواد خام از ایالات متحده آمریکا و انگلستان به اتحاد شوروی را به امضا رساندند . سند شماره ۷۷

۳۳- منظور اشغال آن بخش از فرانسه توسط قوای آلمانی است که بر اساس موافقتنامه مربوط به متارکه جنگ بین فرانسه و آلمان در تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹٤۰ به امضا رسیده و نباید تحت تصرف آلمان قرار گیرد.

در نوامبر سال ۱۹٤۲ نیروهای آلمانی از خط فاصل عبور کرده و تمام فرانسه را ، به استثنای نوار طولی مرز فرانسه - ایتالیا که بوسیله قوای ایتالیائی به تصرف درآمده بود،به اشغال خود درآوردند . سند شماره ۸۵

۳٤-مقصود نیروی دریائی فرانسه می باشد که در تولن استقرار دارد . سند شماره ۸۵

۳۵-کنفرانس بین چرچیل نخست وزیر انگلستان و ساراجغلو نخست وزیر ترکیه که در ۳۱-۳۰ ژانویه سال ۱۹٤۳ در آدان ترکیه برگزار گردید .سندهای شماره۱۱۵، ۱۰۹

۳٦-کانال نامی است که در انگلستان برای نشان دادن تنگه مانش بکار برده می شود.سندهای شماره :

۲۷۵، ۲۱۲، ۱۸۳، ۱۷٦، ۱٦۷، ۱٦۵، ۱٦۳ ، ضمیمه ۱٦۲ ، ۱۲۹، ۱۲۳، ۱۱۲

۳۷-منظور ستاد مشترك انگلیس و آمریکا است که در ٦ فوریه سال ۱۹٤۲ در واشنگتن برای رسیدگی به امور مربوط به همکاریهای نظامی بین انگلیس و امریکا بوجود آمد .نمایندگان نیرو های مسلح ایالات متحده آمریکا و انگلیس از اعضای این ستاد بودند: سندهای شماره :

٤٤۸، ۳۵۷ ، ۲۳۱، ۲۳۰، ۱۷۲، ۱۱۲

۳۸- مفاد اسناد مزبور به شرح زیر می باشد:

۱- «خلاصه اظهارات چرچیل نخست وزیر که در کنفرانس آدان برای اطلاع عصمت اینونو رئیس جمهور و هیئت ترکیه بیان گردیده است».

در این سند چرچیل خاطر نشان می سازد که روزولت و او خواهان قدرتمند شدن ترکیه و برقراری روابط نزدیک آن کشور با انگلستان و ایالات متحده آمریکا می باشد. این امر بنابه نظر چرچیل از ضرورت ویژه ای برخوردار می‌باشد ،زیرا «نیاز آلمان به نفت و تلاش او جهت دسترسی به شرق محسوس بوده » و اینکه در جزایر بالکان ممکن است که «وضعیت هرج و مرج» بوجود آمده و «دولت ترکیه را برای دفاع از منافع میهنی خود ناگزیر به دخالت در آن امور سازد».

چرچیل همچنین متذکر می گردد که ژوزف استالین «صمیمانه می خواهد شاهد ترکیه ای باشد که خوب مسلح شده و بخوبی بتواند در مقابل تجاوزات بیگانه از خود دفاع نماید».

چرچیل می نویسد انگلستان و ایالات متحده آمریکا آماده انجام کمک به ترکیه،چه در زمینه ارسال مقادیر قابل ملاحظه ای تجهیزات و کالا های جنگی و چه در زمینه ارسال انواع توپهای ضد هوایی و اسلحه های ضد تانک به این کشور می باشند.چرچیل اظهار می دارد که در آینده از جانب سپاه لهستان و برخی از واحدهای ارتشهای نهم و دهم انگلستان نیز کمکهایی در مورد ترکیه بعمل خواهد آمد.

۲-« نتایج حاصله از کنفرانس انگلیس و ترکیه که در ۳۱-۳۰ ژانویه سال ۱۹۴۳ در آدان برگزار شده است».

در این سند قید می گردد که ترکیه صورت تسلیحات و مهمات مورد نیاز به منظور تجهیز نیرو های مسلح خود را به انگلستان تسلیم نماید تا مورد مطالعه و بررسی انگلیسی ها قرار گیرد.

انگلیسی ها امکان تحویل و واگذاری کشتی های انگلیسی به ترکها را نیز برای حمل محموله به ترکیه تحت بررسی قرار خواهند داد.در سند خاطر نشان می شود که به منظور تشکیل جلسات و گرد همایی با ستاد کل ارتش ترکیه،افسران ستا د ارتش انگلیس رهسپار آنکارا خواهند شد و انگلستان متعهد می‌گردد که در آموزشگاههای نظامی و واحدهای نظامی خود تعدادی از نظامیان ترکیه را تحت تعلیم قرار دهد.

۳- « یادداشت مربوط به امنیت پس از جنگ ».

در این سند چرچیل درباره برنامه های اجلاس کنفرانس صلح در اروپا ،در اقیانوس آرام تا پیش از پایان جنگ، درباره دوره طولانی بازسازی پس از جنگ و راجع به تشکیل سازمان بین الملل به منظور حفظ و صیانت از صلح سخن به میان می آورد. بنابر ایده چرچیل شعبه ای از این سازمان به عنوان «وسیله ای برای اداره امور اروپا »بوجود خواهد آمد .

چرچیل می نویسد که چنین وسیله ای هم در خاور دور ایجاد خواهد گردید. ضمناً به نظر چرچیل «دولت های فاتح قصد دارند که تجهیزات و تسلیحات خود ،بویژ ه متعلقات مربوط به نیروی هوائی خود را بطور کامل حفظ نمایند » .

چرچیل ذکر می کند که انگلستان از طرف خود کلیه امکانات مربوطه را جهت اتحاد و ائتلاف به منظور مقاومت در مقابل هر گونه عمل تجاوز کارانه‌ای از جانب هر یک از دولتها به عمل خواهد آورد و اینطور که پیش بینی می‌شود ایالات متحده آمریکا و انگلستان با یکدیگر همکاری

خواهند داشت و «حتی این امکان وجود خواهد داشت که آنها بخاطر جمعیت بی شمار و قدرت خود جهان را رهبری نمایند».

چرچیل تاکید می نماید که در جهان پس از جنگ ،ترکیه « باثبات ترین امنیت ها را برای خود تامین خواهد کرد ، در صورتی که بعنوان متفق مبارز و فاتح جایی را در کنار انگلستان ، ایالات متحده آمریکا و روسیه برای خود باز بنماید».

در ادامه چرچیل می نویسد که ترکیه باید بطور روشن و مشخص جزو دولتهای متفق درآمده و به عنوان کشوری متفق و همرزم به مبارزه کامل بپردازد. سند شماره ۱۱۷

۳۹-«اسکیموس» علامت شرطی و قراردادی عملیات مربوط به پیاده کردن نیروهای متفقین در سیسیل می باشدکه در ژوئیه سال ۱۹۴۳ به مورد اجرا گذاشته شد.سندهای شماره:

۱۶۸ ، ۱٦٤، ۱۵۸،۱۳۹ ، ۱۳٦، ۱۲۹

٤۰-«هاری کین» نوعی هواپیمای شکاری انگلیسی ،«کیتی گااوک» نوعی هواپیمای شکاری آمریکائی است.سندهای شماره ۱٦۰ ، ۱٤۳

٤۱-منظور «کمک های مالی به روسیه » می باشد که توسط سازمان صلیب سرخ انگلستان، که در اکتبر سال ۱۹٤۱ تحت ریاست همسر آقای چرچیل تاسیس یافته ،بعمل آمده است .سند شماره ۱٤٤

٤۲-منظور نامه ۷ اوت سال ۱۹٤۳ دولت انگلستان به ژوزف استالین به شرح زیر می باشد:

«۱-در نتیجه گسترش موفقیت آمیز عملیات مشترک انگلیس و آمریکا علیه ایتالیا، دولت اعلیحضرت و دولت ایالات متحده آمریکا همانطور که در

ماه مه مقرر گردیده بود،ضرورت یافتند که مذاکرات اخیر و اشنگتن را به منظور نیل به موافقتنامه ای در زمینه عملیات خود در صحنه دریای مدیترانه ، همزمان با تسریع در امر تدارکات مربوط به پیاده کردن طرح «اورلرد» (علامت شرطی و قراردادی مربوط به عملیات عظیم عبور از کانال در سال ۱۹٤٤ می باشد)و همینطور به منظور تعیین و مشخص ساختن ارتباط کلیه این عملیات با جنگ در اقیانوس های آرام و هند ،از سر آغاز نمایند.

۲-بعلاوه ،تمام نقشه های جنگی انگلیس و آمریکا که برای دراز مدت علیه ژاپن،پس از شکست هیتلر در اروپا ، محاسبه شده است ، در طول چند ماه توسط ستاد مشترک انگلیس و آمریکا مورد مطالعه و بررسی مستمر قرار گرفته است .

کار این ارگان مشترک اکنون به آن مرحله رسیده است که باید مورد بررسی ستادهای متفقین و همینطور پرزیدنت و نخست وزیر قرار گیرد .

این برنامه دارای آنچنان ابعاد گسترده ای می باشد که برای انجام آن باید حتی الامکان همه چیز را مورد پیش بینی و برنامه ریزی قرار داد.بنابراین نخست وزیر امیدوار هستند که در معیت رؤسای ستادهای کل بتوانند ظرف چند روز آینده دوباره با پرزیدنت روزولت و مشاورین ایشان دیدن بعمل آورند. دولت اتحاد جماهیر شوروی را در جریان وقایع و کلیه تصمیمات مربوط به صحنه اروپا قرار خواهند داد، صحنه ای که در رابطه با آن هدف عالی و تغییر ناپذیر ما در آن می باشد که نبرد علیه دشمن را در وسیعترین مقیاسها ،حتی الامکان هرچه سریعتر و هرچه پر توان تر آغاز نماییم.

۳-نخست وزیر مانند گذشته به امکان انجام ملاقات فوری سران سه دولت امیدوار می باشند .ایشان اطلا ع یافته اند که مارشال استالین در شرایطی نمی باشند که بتوانند برای ملاقات تنها با پرزیدنت روزولت که پیشنهاد آن را

شخص پرزیدنت ارائه داده اند و چرچیل نخست وزیر آن دیدار را مورد تایید و تحسین قرار خواهند داد، روسیه را ترک گویند.

پیشنهاد اختصاصی پر زیدنت مبنی بر انجام ملاقات سه جانبه هم نتوانست مورد پذیرش قرار گیرد.

نخست وزیر همانند گذشته معتقد می باشند که اسکا پافلوئو بهترین مکان برای کلیه شرکت کنندگان خواهد بود ،و ایشان از نو آمادگی خود را برای عزیمت به هر نقطه ای که مارشال استالین و پرزیدنت روزولت مناسب باشد اعلام می دارند.با توجه به اینکه امکان برقراری ملاقات سه جانبه فیمابین هنوز حاصل نیامده است ،معهذا پیشروی عملیات جنگی کشورهای متفق در تمامی جبهه ها با موفقیت ادامه دارد. اما به هر حال ، نتایج بسیار سودمند و قابل ملاحظه ای را می توان در اثر تبادل نظر میان رهبران سه کشور بدست آورد و نخست وزیر مانند گذشته امیدوار هستند که این هدف مطلوب بتواند منتج به نتیجه گردد.سند شماره ۱۷۰

٤۳–« اورلرد» (واژه انگلیسی به معنای ارباب بزرگ است)علامت شرطی و قراردادی مربوط به عبور از تنگه مانش و حمله به فرانسه می باشد که در ژوئن سال ۱۹٤٤ توسط نیرو های متفقین به مرحله اجرا در آمد . سندهای شماره :

۱۷۱ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ،۲۲٥، ۲۲۷ ، ۲۳۰ ، ۲۳۱ ، ۲۳۷ ، ۲٤۱ ،۲٥۱ ،۲٦۲،۲٦۱

۲٦۳ ، ۲٦٤ ، ۲٦٥ ، ۲٦٦ ، ۲٦۷ ، ۲٦۸ ، ۲٦۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷٤ . ۲۷٥ ، ۲۷٦

٤٤–منظور ،ژنرال ایتالیایی کاستل یانو می باشد که بنا به دستور بادال ئو«شرایط مختصر و محدود » مربوط به تسلیم ایتالیا را در تاریخ ۳ سپتامبر سال ۱۹٤۳ به امضا رسانید .سندهای شماره ۱۸۲ ، ۱۷۲

۴۵-«آوالانش» (واژه انگلیسی به معنا ی بهمن و معنی مجازی سیل) علامت شرطی و قراردادی عملیات مربوط به حمله قوای متفقین به ایتالیا در منطقه ناپل می باشد که در سپتامبر سال ۱۹۴۳ به اجرا در آمد . سندهای شماره : ۱۸۸، ۱۸۲ ، ۱۸۰ ، ۱۷۲

۴۶-متن نامه ۱۹ اوت سال ۱۹۴۳ روزولت و چرچیل به استالین همراه با توضیح کر،سفیر انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی ،به شرح زیر به کمیساریای ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی تسلیم گردیده است :

«شرایط متارکه جنگ که در بند ۱ (الف)آورده شده است ، همان شرایطی می باشد که من درباره آن در نامه ۳ اوت خود به شما اطلا ع داده ام . آن شرایطی که باید در آینده ارائه گردد، با شرایط سیاسی ، اقتصادی و مالی که آقای ایدن در تاریخ ۳۰ ژوئیه تسلیم آقای سابالیوف کرده است مطابقت خواهد داشت .کر».

در نامه ۳ اوت سال ۱۹۴۳ ، کر «شرایط مختصر و محدود» تسلیم ایتالیا را اطلاع می دهد . سندی که حاوی « شرایط کلّی » تسلیم ایتالیا بوده است ، در تاریخ ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۴۳ از طریق سفارت اتحاد جماهیر شوروی در لندن به دولت شوروی تحویل می گردد.(این سند را ایدن به آ.آ سابالیوف کاردار سفارت اتحاد جماهیر شوروی در لندن تحویل می دهد).

۳۱ ژوئیه سال ۱۹۴۳ کمیسر ملی امور خارجه اتحا د جماهیر شوروی به سفیر انگلستان اطلاع می دهد که دولت شوروی مخالفتی با این شرایط نداشته و این دولت به کاردار سفارت اتحاد شوروی در لندن دستور داده است که در این باره ایدن را مطلع نماید.سند شماره ۱۷۲

۴۷–به همین صورت در سند اصلی آمده است .به نظر میرسد که باید به بند ۱(پ) استناد گردد. سند شماره ۱۷۲

۴۸–« ترایدنت »(واژه انگلیسی است به معنای کوه آتش فشان روشن یا داس سه دندانه) علامت شرطی و قراردادی مربوط به ملاقات روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا با چرچیل نخست وزیر انگلستان می باشد که در مه سال ۱۹۴۳ در واشنگتن برگزار گردید.سند شماره ۱۷۲

۴۹–«کمر بند نجات »علامت شرطی وقراردادی مربوط به جزایر آزرس می باشد که به پرتغال تعلق دارد.سند شماره ۱۷۲

۵۰–منظور کبک می باشد .سند شماره ۱۷۳

۵۱–منظور ،نامه مشترک ۱۹اوت سال ۱۹۴۳روزولت وچرچیل می باشد.(به سند شماره ۱۷۲ مراجعه فرمایید)که در تاریخ ۲۰اوت سال ۱۹۴۳ توسط کر سفیر انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی همراه با پاره ای از قلم افتادگیها برای کمیساریای ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارسال گردیده است.متمّمات و اصلاحات مربوط به متن نامه در تاریخ ۲۲اوت برای کمیساریای ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی ارسال گردیده است.متن کامل نامه در سند شماره ۱۷۲ درج گردیده است.سند شماره ۱۷۴

۵۲–منظور ،جلسه چرچیل باروزولت می باشد که در همان زمان در کبک جریان داشته است .سند شماره ۱۷۸

۵۳–منظور ،«شرایط مختصر ومحدود »تسلیم ایتالیا و«شرایط کلی »ویا به عبارتی دیگر «شرایط جامع »تسلیم ایتالیا می باشد.

«شرایط مختصر ومحدود »تسلیم ایتالیا از ۱۱ماده که در اصل به کلیه مسائل نظامی ارتباط می یابدتشکیل یافته است.۳اوت سال ۱۹۴۳کر سفیر انگلستان در

اتحاد جماهیر شوروی متن«شرایط مختصر ومحدود »را به اطلاع دولت شوروی می رساندوخاطر نشان می سازد که «شرایط مختصر ومحدود »از آن لحاظ برای ژنرال ایزنهاور نیز ارسال گردیده است که احتمال دارد دولت ایتالیا همراه با تقاضای مربوط به متارکه جنگ مستقیماًبه او مراجعه نماید.

۲۶اوت سال ۱۹٤۳سفرای انگلیس وایالات متحده آمریکا متن کامل «شرایط جامع»تسلیم ایتالیارا که از ٤٤ماده تشکیل یافته ونه تنها جنبه های نظامی،که شرایط سیاسی،اقتصادی ومالی مربوط به تسلیم ایتالیا را هم شامل می گردیده ،به کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی تسلیم می دارند.

۲۷اوت سال ۱۹٤۳کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به اطلاع سفیران انگلیس وایالات متحده آمریکا می رساند که دولت شوروی با «شرایط جامع»تسلیم ایتالیا موافقت داشته وبه ژنرال آیزنهاور اختیار می دهد که این شرایط را از طرف دولت شوروی به امضا برساند.

۱سپتامبر سال ۱۹٤۳سفیر انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی به کمیسر ملی امور خارجه اتحاد شوروی اطلاع می دهد که «شرایط مختصر ومحدود»که ماده الحاقی ۱۲به شرح:«سایر شرایطی که دارای جنبه های سیاسی ،اقتصادی ومالی بوده و ایتالیا موظف به موافقت با آنها می باشد،در آینده تحویل خواهد شد»نیز به آن اضافه گردیده ،به اطلاع دولت ایتالیا رسانده شده است.

در این رابطه سفیر خاطر نشان می سازد که دولت ایتالیا می تواند نماینده تام الاختیاری را صرفاً به منظور امضای «شرایط مختصر و محدود »اعزام نماید.او تقاضا کرده است که در این زمینه اطلاع داده شود که آیا موافقت دولت شوروی مبنی برامضای «شرایط جامع » تسلیم ایتالیا ،به منزله موافقت با امضای «شرایط مختصر و محدود » هم خواهد بود .

۲ سپتامبر سال ۱۹٤۳ دولت شوروی به این سوال پاسخ مثبت می دهد.

۳سپتامبر سال ۱۹٤۳ در سیسیل ،«شرایط مختصر و محدود » توسط کاستل یانو (از ایتالیا)و ژنرال بیدل اسمیت به نمایندگی از طرف دولتهای متفق به امضا می رسد.

«شرایط جامع » تسلیم ایتالیا در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹٤۳ در جزیره مالت بوسیله با دال ئو (از ایتالیا)و آیزنهاور به نمایندگی از جانب دول متفق به امضا می رسد . سند شماره ۱۸۰

٥٤-ماده ۱۰ «شرایط مختصر و محدود»تسلیم ایتالیا به شرح زیر می باشد:

«فرمانده کل نیرو های مسلح متفقین نسبت به اخذ هرگونه تصمیمی که بنا به عقیده او برای دفاع از منافع نیروهای مسلح متفقین و یا برای اداره جنگ ضروری تشخیص داده شود دارای اختیارات تام می باشد و دولت ایتالیا موظف است که هر نوع اقدام و عملیات اداری، سازمانی و یا غیره ای را که فرمانده کل خواستار اجرای آن می باشد،از جمله ایجاد مرکز فرماندهی نظامی متفقین در مناطقی از خاک ایتالیا که طبق رای فرماندهی کل انجام آن از نظر نظامی برای دولتهای متفّق ثمر بخش خواهد بود ،به اجرا درآورد».سند شماره ۱۸۰

٥٥-منظور ،واشنگتن می باشد. سند شماره ۱۸۸

٥٦- سخن درباره یادداشتی است که کمیسر ملی امورخارجه اتحاد جماهیرشوروی در تاریخ ۲۰سپتامبر سال ۱۹٤۳ تسلیم سفیر انگلیس در اتحاد شوروی کرده است .

در این یادداشت، دولت شوروی نسبت به اعزام مجدد کاروان کشتی های باری و اسکورت به سوی بنادر شمالی اتحاد شوروی که در ماه مه سال ۱۹٤۳ بوسیله دولتین انگلیس و ایالات متحده آمریکا دچار وقفه گردیده بود ، پافشاری می نماید.سند شماره ۱۹۹

۵۷-منظور ، یادداشتی است که ۱۵ ژوئن سال ۱۹۴۳ کمیساریای ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی از طریق سفیر اتحاد شوروی در لندن برای وزارت امور خارجه انگلستان ارسال داشته است .

دراین یادداشت برای دومین بار در سال ۱۹۴۳ کمیساریای ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئله مربوط به تعیین عده نفرات هیئت‌های نمایندگی نظامی شوروی در انگلستان و عده اعضای هیئت های نمایندگی نظامی انگلیس در شوروی را بصورت مشخص و یکسان براساس قرارداد متقابله فیمابین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان مطرح می سازد،بطوریکه در چهار چوب آن بتوان نسبت به صدور ویزاهای مربوطه اقدام بعمل آورد.

این پیشنهاد از آن جهت بوده است که تعداد نفرات هیئت های نمایندگی نظامی و بازرگانی شوروی در انگلستان که از نظر حجم کاری ،کار یکسان و برابری را با عده اعضای هیئت نمایندگی نظامی انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی انجام می دهند ، تقریباً سه برابر کمتر از عده افراد هیئت های نمایندگی نظامی انگلیس در اتحاد شوروی می باشد.سند شماره ۲۰۳

۵۸-در پاسخ به نامه چرچیل که ۱۳ اکتبر سال ۱۹۴۳ دریافت شده بود ،آ. یا ویشینسکی قائم مقام کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی در ۲۵ اکتبر یادداشت زیر را برای کر سفیر انگلیس و هاریمن سفیر ایالات متحده آمریکا ارسال می دارد:

«دولت شوروی با طرح پیشنهادی آقای وینستون چر چیل نخست وزیر که در نامه ۱۳ اکتبر خود برای ای . و . استالین نخست وزیر در رابطه با بیانیه

دولتهای بریتانیای کبیر ، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی ارسال داشته‌اند، ضمن انجام تغییرات زیر موافقت می نماید :

۱- در پایان بند اول :«اکنون در این باره ، واقعیت با روشنی کامل حکایت ازجنایات وحشتناکی دارد که در مناطق آزاد شده اتحادشوروی ، باز پس گرفته شده از هیتلری ها ، و همچنین در مناطق فرانسه و ایتالیا به وقوع پیوسته است»،اضافه شود.

۲-در بند سوم بجای کلمه «روسیه » ، عبارت «اتحاد شوروی » بکار برده شود.

۳-در بند چهارم ،کلمات : «بدون توجه به مصارف » ، حذف گردد.

٤- در پایان بند آخر :«و اینکه توسط رای مشترک دولتهای متفق به مجازات خواهند رسید »، اضافه شود.سند شماره ۲۰٤

۵۹-منظور ، کنفرانس وزرای امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی ،ایالات متحده آمریکا و انگلستان می باشد که از ۳۰-۱۹ اکتبر سال ۱۹٤۳ در مسکو برگزار گردید.سندهای شماره ۲۳۰ ، ۲۰۵

٦۰-در تاریخ ۲۳ دسامبر سال ۱۹٤۳ بالفور کاردار سفارت انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی با نامه ای بدین مضمون که :

تسودرس نخست وزیر یونان تصمیم دارد طی بیانیه ای از طریق رادیو از پارتیزانهای یونان بخواهد که به جنگ داخلی بین خود خاتمه داده و به منظور مبارزه علیه آلمانیها دست به تشکیل جبهه واحدی از نیروهای خود بزنند، به وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی مراجعه می نماید.

در این بیانیه او می خواهد اظهار بدارد که خواسته وی را دولت های انگلستان ، اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا مورد تائید و تحسین قرار

می دهند .باتوجه به اینکه دولت انگلستان آماده تایید این بیانیه می باشد ،بالفور سوال می کند که آیا دولت شوروی به تسودرس اختیار خواهد داد که وی در انتشار بیانیه خود از جانب دولت شوروی سخن به میان آورد.

۳ژانویه سال ۱۹٤٤ ف.ت.گوسف سفیر اتحاد جماهیر شوروی در انگلستان بنا بدستور دولت متبوع خود به پیشنهاد دولت انگلیس پاسخ مثبت می دهد.سند شماره ۲۲۱

٦١-«کوماندوس»گروههای ویژه ای می باشند که برای انجام عملیات تخریب پیاده می شوند.سندهای شماره ۳۲۵،۲۲۳

٦٢-«انویل»(واژه انگلیسی به معنای سندان می باشد)علامت شرطی و قراردادی عملیات مربوط به پیاده کردن قوای متفقین در کرانه جنوبی فرانسه می باشد که ۱۵ اوت سال ۱۹٤٤ به اجرا در آمد.سندهای شماره :
۳۰٤ ، ۳۰۲ ، ۲۳۷ ، ۲۳۱ ، ۲۳۰

٦۳-منظور ،انتشار خبر خبرنگار ویژه «پراودا»از قاهره می باشد که در ۱۷ ژانویه سال ۱۹٤٤ در روزنامه «پراودا» به چاپ رسیده است و طی آن خاطرنشان گردیده که براساس اطلاعات بدست آمده از منابع موثق ،ملاقات محرمانه ای بین ریبن تروپ و رهبران انگلیس در زمینه روشن ساختن شرایط صلح جداگانه با آلمان بعمل آمده است . سندهای شماره:۲۳٤ ، ۲۳۲

٦٤-در سالهای جنگ ،تحت این نام مجله «عصر جدید»انتشار می یافت .سندهای شماره:۲۳٤، ۲۳۲

٦۵-«خط کرزون» نام قرارداد خطی است که در ۸ دسامبر سال ۱۹۱۹ توسط شورای عالی دولتهای متفق بعنوان مرز شرقی لهستان توصیه گردید.

به هنگام تعیین «خط کرزون» تصمیم هیئت های نمایندگی دول بزرگ متفق که معتقد بودند تنها برحسب نژاد شناسی بایستی ایالت های لهستان را جزو خاک لهستان بشمار آورد ،بعنوان پایه و اساس کار پی ریزی گردید.

۱۲ژوئن سال ۱۹۲۰ کرزون وزیر امور خارجه انگلیس طی یادداشتی ،خطی را که در سال ۱۹۱۹ مورد تائید شورای عالی کشورهای متفق قرار گرفته بود،به عنوان مرز شرقی لهستان تعیین و به دولت شوروی ارائه نمود.

در یادداشت کرزون آمده است :«این خط حدوداًاز این مسیر می گذرد: گرادنو،یالوکا،نمیروف،برست،لیتووسک،داراگوسک،اوستی لوگ،بخش شرقی گروبشوف ، از طریق کریلوف ودر ادامه از غرب راواروسکایا،بخش شرقی پرمیشل تاکوههای کارپات».

۱۶ اوت سال ۱۹٤٥ در مسکو بین اتحاد جماهیر شوروی و لهستان قرارداد مربوط به مرز شوروی – لهستان به امضا رسید که در واقع براساس «خط کرزون » این مرز با انجام برخی تغییرات به سود لهستان تعیین گردید.سندهای شماره :

٤٥٠ ، ٤٣٦ ، ضمیمه ٤١٨ ، ٤١٦ ، ٢٥٧ ، ٢٥٠ ، ٢٤٩ ،٢٤٣، ٢٣٦، ٢٣٥

٦٦–قراردادریگا،قرارداد صلحی است که ۱۸ مارس سال ۱۹۲۱ در ریگا، بین شوروی و لهستان به امضا رسید . براساس قرارداد ریگا ، خط مرزی شوروی- لهستان بگونه ای تعیین گردید که بر مبنای آن اوکرائین غربی و بلاروس غربی به تملک لهستان در آمد.سند شماره ٢٣٦

٦٧–منظور ،تبلیغات خصمانه و افترا آمیز هیتلری ها علیه اتحاد شوروی است که در سال ۱۹۴۳ نسبت به کشتار افسران لهستانی که بوسیله خود فاشیست های آلمانی در نزدیکی کاتی نیا (منطقه اسمالنسک) انجام گرفته بود،

برپا شده است.به نامه ۲۱ آوریل سال ۱۹۴۳ استالین به چرچیل (سند شماره ۱۵۰)مراجعه فرمائید.سند شماره ۲۳۶

٦٨-مقصود ،پروتکل مربوط به حمل و مبادلات متقابل بین ایالات متحده آمریکا،انگلستان ،کانادا،و اتحاد جماهیر شوروی می باشد که ۱۹ اکتبر سال ۱۹۴۳ برای مدت یکسال از ۱ ژوئیه سال ۱۹۴۳ تا ۳۰ ژوئیه ۱۹٤٤ به امضا رسید.سند شماره :۲۳۸

٦٩-منظور ،خط مرزی شوروی – لهستان می باشد که در ۱۸ مارس سال ۱۹۲۱ برطبق پیمان صلح ریگا بین اتحاد شوروی و لهستان تعیین گردید.سند شماره ۲٤۳

۷۰-منظور ،نامه ۲۳فوریه سال ۱۹٤٤ سفیر انگلستان به اتحاد جماهیر شوروی می باشد که طی آن اطلاع داده شده است که چرچیل آماده تحویل موقت ۸ فروند ناوشکن قدیمی انگلیسی و ٤ فروند سفینه زیر دریایی انگلیسی به اتحاد جماهیر شوروی می باشد تا آن هنگام که امکان تعویض آنها با کشتی های ایتالیایی امکان پذیر گردد. سند شماره ۲٤۷

۷۱-منظور، اظهارات شفاهی ۱۹ مارس سال ۱۹٤٤ سفیر انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی می باشدکه طی آن بنا به دستور چرچیل سفیر اصرار داشته است که دولت شوروی ،بنابر پیشنهاد چرچیل ،با دولت مهاجر لهستان به توافق برسدو حل مسئله مربوط به مرز لهستان و شوروی را تا تشکیل کنفرانس متارکه جنگ به تعویق موکول نماید.

در این زمینه سفیر خاطر نشان می سازدکه چنانچه نقطه نظرات اعلام شده دولت شوروی ،به هنگام مذاکرات بین انگلیس وشوروی ،پیرامون مسئله مربوط به لهستان مبنی براینکه مرز لهستان –شوروی بایستی طبق «خط

کرزون»مشخص گرددبه اطلاع افکار عمومی برسد ،در آنصورت این امر چه در انگلستان و چه در ایالات متحده آمریکا یاس و نا امیدی همه را فراهم خواهد آورد.

او اظهار می دارد که خودداری دولت شوروی از پذیرش پیشنهاد چرچیل می تواند مشکلاتی را در مناسبات انگلیس و شوروی بوجود آورده ، بر اجرای عملیات نظامی مورد توافق در تهران «سایه افکنده» و اداره امور جنگ توسط کشور های متفق را در کل مختل سازد.سند شماره ۲۵۷

۷۲–۱۰آوریل سال ۱۹٤٤ ژنرال دین رئیس هیئت نمایندگی نظامی ایالات متحده آمریکا و ژنرال بارروز رئیس هیئت نمایندگی نظامی انگلستان به مارشال و اسیلیوسکی رئیس ستاد فرماندهی کل ارتش سرخ اطلاع می دهند که فرماندهی عالی انگلیس و آمریکا قصد دارد که عملیات مربوط به عبور از تنگه مانش را که برای ۳۱ ماه مه سال ۱۹٤٤ در نظر گرفته شده است ،در صورت امکان تغییر داده و آن را نسبت به وضعیت هوا و مد دریا ۲ یا ۳ روز زودتر و یا دیرتر از وقت مقرر آغاز نماید .سندهای شماره ۲٦۰-۲۵۹

۷۳–۲۰ مه سال ۱۹٤٤ سفیر انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی رونوشت تلگرام چرچیل به تیتو را برای کمیسر ملی امور خارجه اتحاد شوروی ارسال می دارد.

در این تلگرام چرچیل تیتو را از تغییراتی که در دولت مهاجر یوگسلاوی مقیم در لندن بوجود آمده مطلع می سازد و تقاضا می کند که تیتو در رابطه با این امر ، دست کم تا زمانی که چرچیل و تیتو راجع به این مسئله با هم به تبادل نظر نپرداخته اند، هیچگونه اقدامی بعمل نیاورد ؛ علاوه برآن ،چرچیل خاطر نشان می سازد که ماکلین افسر انگلیسی به یوگسلاوی عزیمت خواهد کرد و

تیتو را بطور مشروح از نقطه نظرات دولت انگلیس آگاه خواهد ساخت.سند شماره ۲٦۵

۷٤–تاریخ «د» علامت شرطی و قراردادی تاریخ حمله قوای متفقین به اروپا از طریق مانش می باشد.

د+۳۰ نشان دهنده گذشت یک ماه از تاریخ حمله می باشد .سند شماره ۲۷۵

۷۵–منظور،استعفای مارشال بادال ئو از پست نخست وزیری ایتالیا می باشد که در ۹ ژوئن سال ۱۹٤٤ پس از تلاش ناموفق جهت تشکیل کابینه جدید بعمل آمد.سند شماره ۲۷۸

۷٦–مقصود،«متن دستورات صادره برای نماینده انگلستان در شورای مشورتی در امور مسائل ایتالیا » می باشد که در نامه سفیر انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ ۱٤ ژوئن سال ۱۹٤٤ برای کمیسرملّی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی ارسال گردیده است.

درمتن دستورات آمده است که به هنگام بحث پیرامون مسئله مربوط به دولت جدید ایتالیا نماینده انگلستان موظف است خاطر نشان سازد که طبق نظر دولت انگلیس دو شرط مورد تایید دولتهای متفق نسبت به ایجاد هر نوع دولت مشابه (منظور دولت بونومی است) منوط به آن است که :

۱–دولت جدید ایتالیا آمادگی خود را رسماً بطور کتبی جهت پذیرش کلیه تعهداتی که دولتهای پیشین ایتالیا ،از زمان عقد قرارداد متارکه جنگ و از جمله امضای «شرایط جامع» متارکه جنگ ،در قبال متفقین به عهده گرفته اند اعلام داشته و هریک از اعضای دولت شخصاًبا مفاد کلیه این چنین تعهدات و شرایط آشنایی حاصل نموده و

۲-دولت تازه تعهد نماید که مجدداً مسئله مربوط به تشکیل یک نظام دولتی را بدون موافقت قبلی دولتهای متفق مطرح نسازد.

دولت انگلستان از دولت شوروی تقاضا کرد که این دولت اظهارات مذکور نماینده انگلیس را مورد پشتیبانی خود قرار دهد.

۱۵ژوئن سال ۱۹٤٤ کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به اطلاع سفیر انگلستان رسانید که دولت شوروی به نماینده خود در شورای مشورتی در امور مسائل ایتالیا دستور داده است که به هنگام بحث در باره مسئله مربوط به دولت تازه ایتالیا از پیشنهادات نماینده انگلیس حمایت و پشتیبانی به عمل آورد .سند شماره ۲۸۲

۷۷-منظور ، قطعنامه ایست که در ١٦ ژوئن سال۱۹٤٤ مورد تصویب شورای مشورتی در امور مسائل ایتالیا قرار گرفت. شورای مشورتی در قطعنامه خود خواستار گردید که دولت تازه ایتالیا (بونومی) بایستی تمام تعهداتی را که دولت های قبلی ایتالیا از تاریخ ۳ سپتامبر سال ۱۹٤۳ ،زمان امضای متارکه جنگ ، دربرابر متفقین به عهده گرفته اند کتباً مورد تایید قرار داده و دولت جدید در زمینه بحث پیرامون مسئله نظام مشروطه نیز تا آن زمانی که ایتالیا رهائی نیافته و ملت ایتالیا نتواند آزادانه به ابراز عقاید و نظرات خود بپردازد،اقدامی بعمل نیاورد .سند شماره ۲۸۳

۷۸-مقصود ،بازدیدهاری هپکینس از اتحاد شوروی در ژوئیه سال ۱۹٤۱ می باشد . سند شماره ۳۰۷

۷۹-با نامه چرچیل دو تلگرام از واشنگتن ضمیمه شده بود که در آنها راجع به تظاهراتی که آمریکائیان لهستانی الاصل در ۸ اکتبر سال ۱۹٤٤ در نیویورک به راه انداخته بودند ،سخن به میان آورده شده است .سند شماره ۳۳۵

۸۰- ۷ نوامبر سال ۱۹٤٤ بین شهرهای نیش و الکسیناتس (یوگسلاوی) یک گروه هواپیمای جنگنده آمریکا ئی به یک ستون پیاده از نیروهای شوروی حمله برده و با هواپیماهای شکاری شوروی که از قبل به منظور حمایت و زیر پوشش قرار دادن آنها به پرواز در آمده بودند به نبرد هوایی پرداختند.در اثر این حمله ، نیروهای شوروی متحمل تلفات شده و از هر دوطرف چندین هواپیما واژگون گردید .

در پاسخ به اظهارات کتبی ارگانهای شوروی پیرامون این واقعه ، رئیس هیئت نمایندگی نظامی آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ ۲۰ نوامبر سال ۱۹٤٤ اطلاع داد که در نتیجه انجام تحقیقات و بررسی های لازم روشن گردید که هواپیماهای آمریکائی اشتباهاً به نیرو های شوروی حمله آورده اند .سند شماره ۳۵۷

۸۱-منظور ،طرح تشکیل منطقه تحت نظارت بین المللی شامل ایالت های روهر،وست فالن وساآر می باشد.که در اکتبر سال ۱۹٤٤ توسط چرچیل و ایدن در مذاکرات با استالین در مسکوعنوان گردیده است.سند شماره ۳٦۰

۸۲-با نامه چرچیل تلگرام زیر نیز که در تاریخ ۲۷ نوامبر سال ۱۹٤٤ توسط ژنرال انگلیسی ویلسون برای ستاد مشترک انگلیس و آمریکا و همینطور برای رؤسای انگلیسی ستادهای مستقر در لندن و برای ژنرال دین مستقر در مسکو ارسال گردیده ،ضمیمه بوده است.

«۱-آلمانیها در حال فرار از یوگسلاوی می باشند برای ما و روسها مهم اینست که آنها مورد حمله قرار گیرند.رعایت کامل خط موقت کنونی در زمینه اجرای عملیات بمباران که برای نیروهای ما تعیین گردیده و با خط مستقیم فاقد نشانه ها که طبق نقشه از سارایوو تا پریلپ امتداد یافته مطابقت می نماید،ما را

دچار محدودیت ساخته و عملاً موجب قطع کلیه عملیات هوایی متفقین علیه آلمانیهای بی نظم و از هم پاشیده ای که در حال عقب نشینی و گریز می باشند گردیده است .این خط موقت در واقع مناطق مناسبی را که در طول راههای آزاد قرار گرفته است از محدوده عملیاتی ما خارج ساخته و خروج آلمانیهای در حال گریز و عقب نشینی را از جنوب یوگسلاوی هموار می سازد.

۲-برای نمونه در طول چند روز اخیر نقل و انتقالات قابل ملاحظه ای در جاده اصلی از نوپازار-پری یپول مشاهده شده است.دراین مدت طی عملیات تجسسی، شش مرکز تجمع عظیم وسائط نقلیه در محدوده بین راگاتیتس و نوپازار کشف گردیده است.

اینطور که گزارش می کنند طول این مراکز تجمع از سه تا هشت مایل امتداد یافته است.درصورت رعایت دقیق و کامل خط موقت کنونی جهت انجام عملیات بمباران ،این مناطق مطلوب از سیطره و پوشش عملیات هوائی ما خارج خواهند شد.

همانطور که روشن می باشد منطقه سارایووهمواره برای آلمانیها از اهمیت بالائی برخوردار بوده ،زیرا آنها در آنجا نیروها و پایگاههای تدارکاتی خود را متمرکز می سازند و در حال حاضر باوجود خط و مرز کنونی مربوط به عملیات بمباران،این منطقه در خارج از محدوده حملات هوایی متفقین قرار گرفته است.

۳- در تمام منطقه اسکوتار-پادگاریتس هم فقط دو لشگر آلمانی موجود می باشد.راه خروج احتمالی این لشگرها از پادگاریتس – ماتیشیوا و پس از آن از طریق کالاشین یا برانه -پری یپول –سارایوو می باشد.

در شرایط موجود،اولین بخش از این راه برای حملات ما باز می باشد.اما،بخش عمده این راه تحت حفاظت و محدودیت خط موقت کنونی

بمباران قرار گرفته است که به نیروهای هوایی ما امکان انجام هیچ عملی را علیه این نیروهای متمرکز نخواهد داد.

٤-ما،به جای خط مستقیمی که برای عملیات بمبارانی از سارایوو تا پریلپ کشیده شده است ،خط زیررا که در طول مسیر خود دارای علامت های مشخصی می باشد،مانند خطوط ارتباطی و راههای دشمن که راههای خروجی او محسوب می شوند.پیشنهاد می نمائیم، علاوه بر آن ،این خط ،این راهها را نیز در محدوده عملیاتی ما قرار خواهد داد.

ما مسیر این خط موقت را برای عملیات بمبارانی به شرح زیر پیشنهاد می کنیم:

نقشه (هوائی)اروپا ۵۰۰۰۰۰-۱۱ مورد استناد است ،ضمناًتمام مراکز در محدوده عملیاتی نیروهای هوایی ما قرار دارند:راههای سارایوو-ماکرو-ساکالاتس- راگاتیتس- پیشوئیتسی- دابرون- اوواتس- پری پپول-زنیتسا،(جزومحدوده عملیاتی نیروهای هوایی ما قرار گرفته اند) اسویودا-کرستاتسا-رودخانه دسنیتس-ویوکا (جزومحدوده عملیاتی نیروهای هوایی ما قرار نگرفته اند) راه برانه - پادگاریتسا-اسکو تار.

در محدوده های این اراضی ،مناطقی که مشخصاً در دست پارتیزانها می باشند مورد تعرض قرار نخواهند گرفت.

بدیهی است،این خط که تقریباًهمه روزه براساس اطلاعاتی که درباره محل استقرار واحدهای پیشتاز شوروی برای ما ارسال خواهد گردید،باید تغییر یابد.

شایان ذکر است، با توجه به اینکه برخی از این مراکز در این سمت خط بمبارانی ما قرار گرفته اند،معهذا این امر هیچ مانعی برای نیروهای هوایی روسیه در زمینه انجام هر نوع حمله به این مراکز که بتواند مورد داشته باشد،فراهم

نخواهد آورد.در واقع این خط به نیروهای هوایی ما و همچنین به نیروهای هوائی روسیه امکان حمله علیه آلمانیها را خواهد داد.

خطوط مقدم قوای شوروی و پارتیزانها تا آنجا که برای ما روشن است،امروز از این طریق عبور خواهند کرد:

بالوتسی-اوبرنواتس-لایکوواتس-بالیوو-کرالیو-میترووویتسا-پیریشتینا-بیریزرن-لش.

از شما تقاضا می کنم که به منظور انجام عملیات بمباران طبق خط اصلاح شده موافقت بعمل آورده و در این باره نیز سریعاًروسها را مطلع فرمائید.

در پایان از شما درخواست می کنم که در زمینه برقراری سریع ارتباط صحرائی تلاش مجدانه بعمل آورده و خواهش می کنم که در آینده بدون هماهنگی و توافق با ما هیچگونه تعهدی در زمینه تعیین خط و مرز بمبارانی در این منطقه بعهده گرفته نشود».سند شماره ۳۶۱

۸۳-در این تلگرام ،چرچیل مواردی را که افسران یوگسلاوی از همکاری با انگلیسی ها امتناع ورزیده اند،برای تیتو آشکار می سازد.

چرچیل خاطر نشان می سازد که این امر نمی تواند مشکلاتی در «نیل به اهداف مشترک ما » فراهم نیاورد.چرچیل در ادامه می نویسد:

«از زمان برگزاری ملاقاتمان ،من همیشه بسیار امید وار بودم که جنابعالی موافق می باشید که بین نیروهای شما و ما، در این زمینه اطمینان دارم ،بایستی مناسبات دوستانه و نزدیک برقرار باشد. در واقع ذخایر و نیروهای مشترک ما تنها از این طریق است که می توانند به بهترین وجه ممکن مورد استفاده قرار گیرند.بنابراین من از جنابعالی جداًتقاضا می کنم که در این زمینه دستوراتی را برای افسران خود صادر فرموده تا کلیه امکانات جهت تامین همکاریهای لازم

بین نیروهای ما و شما فراهم آید ،بطوریکه بتوان از تلاشهای نظامی متفقین بطور گسترده بهره برداری بعمل آورد».

چر چیل همچنین به تیتو اطلاع می دهدکه او طرح موافقتنامه بین تیتو و شوباشیچ(به توضیح شماره ۸٤ مراجعه فرمائید)رامورد بررسی قرار دهد ،زیرا چرچیل معتقد است که این موافقتنامه «می تواند زمینه ای برای تفاهم متقابل فراهم آورد».چرچیل به تیتو اظهار می دارد که او رونوشت این تلگرام را برای ای.و.استالین ارسال خواهد داشت.سند شماره ۳٦۳

۸٤-موافقتنامه ای که بین شوباشیچ و تیتو در تاریخ ۱ نوامبر سال ۱۹٤٤ به امضا رسید،تاسیس شورای نیابت سلطنت و تشکیل دولت متحد یوگسلاوی مرکب از نمایندگان کمیته ملی آزادیبخش و دولت پادشاهی را در یوگسلاوی پیش بینی کرده است:سندهای شماره :

۳۷۱ ، ۳۷۲ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ۳۹۳ ، ۳۹٦ ، ۳۹۹ ، ٤۰۰ ، ٤۰۱

۸۵-منظور، فیلم انگلیسی درباره زندگی و فعالیت های دریا سالار انگلیسی نلسون می باشد که در سال ۱۸۰۵ در تیرافالگار برنیروی دریایی فرانسه به پیروزی نائل آمد.سند شماره ۳۷۳

۸٦-در اطلاعیه استتی نوس آمده است که:

«دولت ایالت متحده این سیاست را که مسائل مربوط به مرزها را بایستی تا پایان عملیات جنگ باز باقی گذاشت،همیشه مورد پشتیبانی قرار می دهد.

هول وزیر امورخارجه در سخنرانی ۹آوریل سال ۱۹٤٤ خود اظهار داشته است که «این بدان معنا نیست که برخی از مسائل را نتوان و در عین حال نباید از طریق مذاکرات دوستانه و قراردادها حل نمود».

درباره مرزهای آینده لهستان باید خاطر نشان گردد که چنانچه موافقتنامه متقابلی بوسیله دولتهای متفق مستقیماً ذینفع در این مسئله به امضا برسد،درآنصورت دولت ایالات متحده مخالفتی با چنین موافقتنامه ای که می تواند سهم مهمی در امور جنگ علیه دشمن مشترک داشته باشد ،ابراز نخواهد داشت».ضمیمه سند شماره ۳۸۱

۸۷-«آرگوناوت»(واژه قدیمی آمریکائی است به معنا ی جوینده طلا-مترجم)علامت شرطی و قراردادی کنفرانس رهبران سه دولت متفق اتحاد جماهیر شوروی ،ایالات متحده آمریکا و انگلستان می باشدکه در فوریه سال ۱۹٤٥ در کریمه برگزار گردید . سندهای شماره : ۳۹۸ ، ۳۹۷ ، ۳۸٦ ، ۳۸۲

۸۸- مقصود ، اعلامیه ای است که در ۱۱ ژانویه سال ۱۹٤٥ توسط دفتر پادشاه یوگسلاوی انتشار یافت .در این اعلامیه آماده است که پادشاه مخالفت خود را با موافقتنامه تیتو-شوباشیچ«در فرم کنونی آن »اعلام می دارد.سند شماره ۳۸۷

۸۹-عبارت انگلیسی است به مفهوم «بسیار خوب ،موافقم»سند شماره ۳۸۸

۹۰-به نامه چرچیل رونوشت نامه بدون تاریخ فرانکو به دوک آلبا سفیر اسپانیا در انگلستان و رونوشت نامه جوابیه بدون تاریخ چرچیل به فرانکو ضمیمه شده است.فرانکو از سفیر می خواهد که مفادنامه وی را به استحضار «دوست عزیزمان نخست وزیر بریتانیا»برساند.در نامه فرانکو که حاوی حمله های خصمانه علیه اتحاد جماهیر شوروی است،خاطر نشان می گردد که او خواهان استقرار روابط نزدیک بین اسپانیا و انگلستان می باشد.

ضمناً ، اینطور که از نامه استنباط می شود منظور از این نزدیکی بنظر فرانکو قبل از هر چیز مبارزه علیه اتحاد جماهیر شوروی و همچنین ایالات متحده آمریکا است.

«اگر آلمان نابود گردد ،در این نامه نوشته شده ،و روسیه قدرت و حاکمیت خود را در اروپا و آسیا تحکیم بخشد و ایالات متحده آمریکا نیز با همین آهنگ بعنوان قدرتمندترین دولت جهان به حکومت مطلقه در اقیانوسهای آتلانتیک و آرام دست یابد،در آن صورت کشورهای باقی مانده در اروپا با جدی ترین و خطرناکترین بحران های تاریخ خود روبرو خواهند شد ».

فرانکو در نامه خود نسبت به «فعالیت های سرویس امنیتی بریتانیا »و «تحریکات خفیفی » که از جانب انگلستان علیه اسپانیا اعمال می گرددشکایت می کند.

درنامه جوابیه ، چرچیل اظهارات فرانکو را در مورد فعالیت های سرویس امنیتی انگلستان در اسپانیا رد می کند.

او به آن مشکلاتی که در اسپانیا به هنگام جنگ برای موقعیت ها و شرایط نظامی متفقین فراهم آورده ،به کمکهائی که این کشور نسبت به دشمنان متفقین انجام داده و به نظرات عاری از احترامی که فرانکو درباره انگلستان ابراز داشته است ، اشاره می نماید.در ادامه چرچیل می نویسد:

«من از مشاهده تغییرات خوب و مطلوبی که در سیاست اسپانیا نسبت به بریتانیای کبیر بوجود آمده ،که آغاز آن مربوط به زمان عضویت مرحوم ژنرال خوردان در دولت اسپانیا بوده ،بسیار شادمانم.بعلاوه،من این واقعه و تحوّل را درسخنرانی ۲٤ مه خود در مجلس عوام رسماًبیان کرده‌ام.متاسفانه ،همانطوریکه شما عالیجناب در نامه خود خطاب به دوک آلبا اشاره فرموده اید،این تحولات هنوز به اندازه کافی بسط عمیق نیافته است که بتواند موانع میان دو کشور ما را

برطرف سازد.تا هنگامی که این موانع باقی می باشند،گسترش واقعی مناسبات نزدیک دوستی و همکاری با اسپانیا را که دولت اعلیحضرت بخاطر نیل به آن تلاش می نماید،باید با سختی و دشواری مواجه دانست...».

چرچیل در نامه انتشار یافته برای ای.و.استالین به محتوای نامه خود که برای فرانکو درباره دوستی انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی نوشته است .اشاره می نماید.

در بخشی از نامه چرچیل به فرانکو آمده است :

«من شما را دچار گمراهی خواهم کرد اگر هرنوع برداشت نادرست از این موضوع را،که دولت اعلیحضرت براساس دشمنی با متفقین روسی خودو یا ضرورت موهوم دفاع علیه متفقین روسی خود آماده بررسی مسئله گروه بندی دولتها در اروپای غربی و یا در مکان دیگری می باشد،فوراً تکذیب ننمایم.سیاست دولت سلطنتی انگلستان بطور پایدار کماکان مانند گذشته بر قرارداد سال ۱۹٤۲ انگلیس و شوروی استوار و پا برجاست و این دولت ادامه همکاریهای انگلیس و شوروی را در چهار چوب نظام صلح آینده که بطور حیاتی نه تنها برای منافع ویژه خود ،بلکه برای جهان آینده و شکوفایی اروپا بطور کلی ضروری می باشد ،لازم می داند ».سند شماره ۳۹٤

۹۱–متن خبر ضمیمه شده به نامه چرچیل به شرح زیر می باشد:

«لندن ،ساعت ٦ بعداز ظهر ۹ فوریه سال ۱۹٤۵ .

حمله جدید فیلد مارشال مونتگمری به جنوب شرقی نیج مگنت در بخش علیاءخط زیگفرید بطور گسترده با همان شدت سابق ادامه دارد.نیروهای بریتانیایی و کانادایی تا ٤/۵ مایل پیشروی کرده وبحد کافی تا عمق اولین خط از سه خط زیگفرید نفوذ یافته اند.

۷شهرو روستا اشغال گردیده، ۱۸۰۰نفربه اسارت در آمده اند،بعلاوه،براساس گزارشات رسیده تلفات آلمانی ها بسیار زیاد است.تلفات ما در مقایسه با تلفات آنها قابل ملاحظه نمی باشد.

مقاومت آلمانیها در سواحل رودخانه رن به سمت جنوب از استراسبورک قطع گردیده است».سند شماره۴۰۵

۹۲-متن یادداشت ضمیمه شده به نامه چرچیل بدین شرح می باشد:

«پس از استقرار نیرو های بریتانیائی و یونانی در آتن، قرارداد متارکه جنگ با دستجات «الاس» به امضا رسید که براساس آن دستجات «الاس»شهرهای عمده را تخلیه کرده و به مناطق مشخصی که برای آنان اختصاص یافته است عزیمت نمودند.سپس نیابت سلطنت و دولت یونانی ژنرال پلاستیراس مذاکراتی را با رهبران اصلی «الاس» شروع نمودند که در نتیجه آن نیز کنفرانسی در آغاز فوریه در آتن تشکیل گردیدکه در آن سه هیئت از طرف «الاس»معرفی گردید.

۳فوریه دولت یونان پیشنهادات کاملاً صلح آمیزی را مطرح نمودکه تشکیل ارتش نوین ملی ،تصفیه و پاکسازی ژاندارمری و پلیس، استقرار مجدد حق آزادی بیان ،ایجاد گردهمائی ها، اقدامات تجمعات اتحادیه صنفی و در پی این اقدامات برگزاری فوری و الزامی انتخابات را شامل می گردد.

دولت یونان نسبت به خلع صلاح عمومی تا قبل از تشکیل ارتش جدید ملی پافشاری می نماید.دولت یونان همچنین آماده می باشد کلیه اشخاصی را که در نبردهای اخیر مشارکت داشته اند مورد عفو قرار دهد،اما مصراًخواهان مجازات آندسته از مجرمین و گناهکارانی می باشد.که جرم آنها ارتباطی با شرایط جنگ میهنی نداشته است.

پیشنهادات دولت می تواند اعزام هیئت قضات بی نظری را در پرتو یک سیستم دقیق و همه جانبه داوری و پژوهش خواهی تامین نماید،ضمناً رهبران اغتشاشات اخیر از تعقیب مصون خواهند ماند.

هیئت های «الاس»از ابتدا روی هم رفته پیشنهادات دولت را مورد تایید قرار داد ند،اما نسبت به عفو عمومی بدون قید و شرط پا فشاری داشتند . ٦ فوریه آنها موافقت خود را نیز بطور کتبی نسبت به پیشنهاد دولت مبنی بر عفو عمومی اعلام نمودند.

هیئت های الاس در عین حال مصرانه خواستار تغییر قانون مربوط به نظامنامه ارتش می باشند.دولت یونان نمی خواهد که با این امر موافقت نماید زیرا معتقد است که قانون مربوط به نظامنامه ارتش را تنها پس از اجرای خلع سلاح عمومی می توان به مرحله عمل در آورد.کنفرانس به بعد موکول شد و در ۷ فوریه هم برگزار نگردید.

وضع اقتصادی یونان جدا از آنکه در نبردهای اخیر وخیم تر شده ،وخیم بوده است.اما حالا که وضع در بنادر اصلی، از جمله در پیرای ،سالونیک و پاتراس بحال عادی بازگشته ،دولت اعلیحضرت ارسال خواربا ر و سایر کالاها را به یونان از نو آغاز کرده است.

دولت اعلیحضرت قصد دارد به دولت یونان در امر تشکیل ارتش جدید ملی که به قوای بریتانیایی امکان خروج تدریجی از آن کشور و بهره گیری از آنها را در جبهه اصلی جنگ علیه دشمن مشترک خواهد داد، کمکهایی در زمینه تامین اسلحه و مهمات و غیره بعمل آورد.سند شماره ٤٠٥

۹۳–در نامه ۱۱ فوریه سال ۱۹۴۵ مزبور،ایدن تقاضای ارسال اطلاعاتی در زمینه تعداد اسرای جنگی انگلیسی که توسط ارتش شوروی آزاد شده اند و صدور ویزا برای افسران انگلیسی که از طریق دولت انگلیس برای بازدید از

اسرای جنگی به اردوگاه های آلمانی اعزام خواهند شد،منظور اردوگاههائی است که در مناطق محلی قرار داشته و بوسیله قوای شوروی به اشغال درآمده،نموده است.

ایدن مسئله مر بوط به نحوه اعزام اتباع انگلیسی از اتحاد جماهیر شوروی به انگلستان را نیز مطرح می سازد.سند شماره ۴۱۳

۹۴–۱۱فوریه ۱۹۴۵ در نتیجه مذاکراتی که بین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و میان اتحاد جماهیر شوروی وایالات متحده آمریکا در کنفرانس کریمه بعمل آمد،موافقتنامه های مشابهی به امضا رسید که در آنها تدابیری در جهت دفاع،مراقبت و بازگشت اسرای جنگی متفقین و افراد غیر نظامی به وطن که بوسیله نیروهای مسلح متفقین رهایی می یابندپیش بینی گردید.سند شماره ۴۱۳

۹۵–در فوریه سال ۱۹۴۵ در کنفرانس کریمه رهبران سه دولت متفق اتحاد جماهیر شوروی،ایالات متحده آمریکا و انگلستان به موافقتنامه ای « درباره لهستان » دست یافتند که به موجب آن از جمله پیش بینی گردیدکه وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی و سفرای ایالات متحده آمریکا و انگلیس در اتحاد شوروی «به عنوان یک کمیسیون صاحب اختیار باشند که در مسکو در اولین مرحله به اتفاق اعضای دولت موقت کنونی و سایر لیدرها ی دموکرات لهستانی ،چه از داخل لهستان و چه از خارج لهستان ،سازماندهی مجدد دولت کنونی لهستان را مورد شور و بررسی قرار دهند».

به منظور اجرای این تصویبنامه مذاکراتی در مسکو فیمابین کمیسر ملی امور خارجه اتحاد شوروی و سفرای آمریکا و انگلستان در اتحاد جماهیر شوروی درباره مسئله مربوط به تجدید سازماندهی دولت موقت کنونی، ضمن مشارکت

دادن چند عضو جدید از میان نمایندگان مهاجر و غیر مهاجر لهستانی بعمل آمد.سند های شماره:٤٥٠ ، ٤٣٠ ، ٤١٨ ، ٤١٦

۹٦-کنفرانس مربوط به بررسی اساسنامه سازمان ملل به منظور حفظ و صیانت از صلح و امنیت می باشدکه از تاریخ ۲۵آوریل تا ۲٦ ژوئن سال ۱۹٤٥ در سانفرانسیسکو برگزار گردید.سند شماره ٤١٦

۹۷-رونوشت تلگرام الکساندر در تاریخ ۱۲ مارس سال ۱۹٤٥ توسط سفیر انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی ارسال گردید.

در تلگرام آمده است که ولف ژنرال هیتلری به منظور بحث و مذاکره پیرامون مسئله مربوط به تسلیم نیروهای آلمانی مستقر در شمال ایتالیا وارد سوئیس گردیده و «بخش خدمات استراتژیکی »عملیات جنگی نیروهای انگلیس و آمریکا در صحنه در یای مدیترانه «در حال ادامه مذاکره با ولف می باشد».

در همان روز کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به سفیر انگلیس اطلاع می دهد که دولت شوروی خواهان مشارکت افسران نماینده از طرف فرماندهی شوروی در این مذاکرات می باشد.

در نامه ۱۵ مارس سال ۱۹٤٥ سفیر پاسخ می دهد که نمایندگان الکساندر اکنون بطور محرمانه در برن حضوریافته اند.

از نامه به روشنی آشکار می گردد که دولت انگلستان نمایندگان فرماندهی شوروی را از حق شرکت در مذاکرات برن محروم ساخته است.

۱٦مارس کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی طی نامه ای که برای سفیر انگلیس ارسال می نماید خاطر نشان می سازد که محرومیت

نمایندگان شوروی از حق شرکت در مذاکرات برن،توسط دولت انگلستان از نقطه نظر مناسبات نزدیک فیمابین اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس ،برای دولت شوروی امری کاملاًغیر منتظره ونامفهوم می باشد.« با توجه به این امر در ادامه نامه می آید،دولت شوروی موافقت خود را نسبت به مذاکرات بین نمایندگان بریتانیا و آمریکا و نمایندگان فرماندهی آلمان غیر ممکن دانسته و مصراً می خواهد مذاکراتی که در برن آغاز گردیده متوقف شود.

بعلاوه ،دولت شوروی تاکید می نماید که در آینده انجام مذاکرات جداگانه توسط یک یا دو دولت متفق با نمایندگان آلمانی، بدون مشارکت سومین دولت متفق، غیر ممکن گردد.سند شماره ٤١٧

۹۸–سفیر انگلیس در اتحاد شوروی در نامه ۲۱مارس سال ١٩٤٥ خود در تضاد باتلگرام الکساندر اظهار می دارد:«اصولاًهیچگاه قرار نبوده است که در برن مذاکراتی صورت بپذیرد» ، بلکه منظور فقط این بوده است که «ملاقاتی مقدماتی » صرفاًبدان مقصود انجام گردد که روشن شود آیا نمایندگان آلمانی اختیارات لازم را در جهت انجام مذاکرات خواهند داشت یا خیر».

نامه جوابیه کمیسر ملی امور خارجه اتحا د جماهیر شوروی به تاریخ ۲۲ مارس سال ١٩٤٥ به شرح زیر می باشد:«من ضمن تایید دریافت نامه جنابعالی بتاریخ ۲۱مارس سال جاری پیرامون مذاکرات میان ژنرال ولف آلمانی و افسران ستاد فیلد مارشال الکساندر در برن ، باید بگویم که دولت شوروی در این امر سوءتفاهم نمی بیند ، بلکه چیزی بدتر از آن مشاهده می کند.

از نامه ۱۲مارس شما و تلگرام ۱۱ مارس فیلد مارشال الکساندر به ستاد مشترک که به ضمیمه آن بوده است،روشن می باشد که ژنرال ولف آلمانی و همراهان او به منظور انجام مذاکره با نمایندگان ستاد فرماندهی انگلیس و آمریکا پیرامون تسلیم قوای آلمانی مستقر در شمال ایتالیا وارد برن گردیده اند

و هنگامیکه دولت شوروی نسبت به لزوم مشارکت نمایندگان فرماندهی نظامی شوروی در این مذاکرات اعلامیه می دهد با پاسخ منفی روبرو می شود.

بدین ترتیب به مدت دو هفته در برن در غیاب اتحاد جماهیر شوروی که فشار اصلی جنگ علیه آلمان را متحمل می باشد،مذاکراتی میان نمایندگان فرماندهی نظامی آلمان از یک طرف و نمایندگان فرماندهی انگلیس و آمریکا از طرفی بعمل می آید. دولت شوروی این امر را کاملا غیر مجاز دانسته و نسبت به پذیرش اعلامیه خود که پیوست نامه ١٦ مارس سال جاری اینجانب می باشد پافشاری می نماید» .سند شماره ٤١٧

۹۹-علامت شرطی و قراردادی مذاکرات در برن می باشد.سندهای شماره ٤٤٦، ٤٤٥، ٤٢٠

۱۰۰-منظور ،نامه چرچیل برای روز ولت به شرح زیر می باشدکه رونوشت آن در تاریخ ٢٤مارس سال ١٩٤٥توسط سفیر انگلیس در اتحاد جماهیر شوروی برای کمیسر ملی امور خارجه اتحاد شوروی ارسال گردیده است:

«من نامه هایی را اخیراًجنابعالی با مارشال استالین در باره اسرای جنگی مبادله فرموده ایدمطالعه کردم .در رابطه با مسئله کلی مربوط به اسرای جنگی متفقین که در اختیار آلمانیها می باشند،باید خاطرنشان سازم که من با جنابعالی در این زمینه کاملاًموافقم که ما اکنون باید تدابیری اتخاذ نمائیم که در این لحظه برای ما امکان انجام اقداماتی فوری را فراهم آورند.

البته ما مدتها است خطری را که می تواند اسرای ما را مورد تهدید قرار دهد ،حال یا در اثر شرایط آشفته و نامنظمی که پس از شکست کامل آلمان بوجود خواهد آمد و یا در نتیجه آنکه هیتلر و دستیارانش در صدد کشتار عده‌ای و یا تمامی اسیران ما برخواهند آمد، پیش بینی کرده ایم.

هدف از این مانور می تواند یا برای گریز از تسلیم بدون قیدوشرط باشدو یا بخاطر نجات جان کانگسترهای نازی سر کرده و متنفّذو جنایتکاران جنگی باشد که با توسل به این تهدید بعنوان آتو می خواهند از آن استفاده نمایند و یا اینکه وسیله ای برای ایجاد نفاق و اختلاف میان متفقین در آخرین مراحل جنگ باشد.با در نظر داشتن این موضوع، ما در اکتبر سال گذشته از طریق نمایندگی های دیپلماسی خود در مسکو و واشنگتن پیشنهادی به دولت ایالات متحده و دولت شوروی دائر بر صدور یک اخطاریه مشترک از جانب انگلیس و آمریکا و روسیه برای آلمانیها ارائه دادیم که تا این لحظه هنوز پاسخی دریافت نداشته ایم .

۲مارس وزیر مختار بریتانیا در برن از رئیس امور سیاسی سوئیس کسب اطلاع نمود که او از برلن اخباری بدست آورده که نمی تواند آنها را مورد تائید قرار دهد،بدین مضمون که آلمانیها می خواهند هر چه زودتر افراد را از بین ببرند،بعبارت دیگر،آنها قصد دارند که اسرای جنگی مستقر در اردوگاههائی را که خطر اشغال آنها توسط قوای مهاجم متفقین پیش بینی می‌شود ،قبل از آنکه تلاشی در جهت انتقال آنها بعمل آیدو یا آنکه این امکان فراهم آید که آنان در اختیار متفقین قرار گیرند،بهلاکت رسانند.

افزون بر آن ،طی چند ماه گذشته ما اخبار گوناگونی را دریافت داشته ایم که نازی ها در نهایت می توانند یا اسرای متفقین را که در دست آنان گرفتارند از بین ببرند و یا از آنها به عنوان گروگان استفاده نمایند.

فرماندهان نظامی بریتانیایی و آمریکایی پیشنهادات گوناگون و جوانب مختلف مربوط به انجام کمکهای فوری به اردوگاههای اسیران جنگی در آلمان و دفاع از آنها را مورد بررسی قرار داده اند.

من فکر می کنم که صدور یک اخطاریه مشترک در زمان مقتضی در قالب همان پیشنهادی که ما قبلاًآنرا ارائه داده ایم بتواند بطور کامل مکمل همان تدابیر و اقداماتی باشد که ما امکان اجرای آن را خواهیم داشت.

در حال حاضر امور مربوط به اسرای جنگی توسط ژنرال های اس.اس در وزارت دفاع آلمان اداره می شود و از قرار معلوم ،در اردوگاهها،اسیران جنگی زیر نظر مامورین ««اس.اس»و گشتا پو می باشند.

اخطاریه برای این اشخاص تنها بمنزله یک عمل و اقدام بازدارنده خواهد بود باتوجه به آنکه صدور این اخطاریه در بدترین شرایط هم هیچ آسیبی وارد نخواهد آورد.از طرفی،هیچ اطمینانی به این نیست که امور اسرای جنگی از اختیار افسران ارتش منظم بطور کامل خارج شده و در اختیار و کنترل افراد اس. اس قرار گرفته باشد،بنابراین انتشار اخطاریه در بدو امر اثر مطلوب و واقعی خود را خواهد گذاشت.البته نباید امکان حکومت دو گانه را در اردوگاهها در زمینه کنترل اسرا از مد نظر دور داشت.

بنابراین من می خواهم از جنابعالی و مارشال استالین که رونوشت این نامه را برای ایشان ارسال خواهم داشت جداًتقاضا کنم که نسبت به این پیشنهاد توجه خاص مبذول فرموده و امید فراوان دارم که شما با ما در انتشار بموقع این اخطاریه موافقت و مشارکت خواهید فرمود.

متن اخطاریه ضمیمه شده

دولتهای بریتانیای کبیر ،ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از جانب همه کشور های متفقی که در جنگ با آلمان مشارکت دارند،بدینوسیله با این اخطار رسماًبه کلیه مامورین و رؤسای اردوگاهها و نگهبانان و پاسدارانی که اداره امور اسیران جنگی متفقین در آلمان و یا در هر منطقه تحت اشغال آلمانیها را عهده دار می باشند،همچنین به کارگزاران و

مامورین گشتاپو و کلیه اشخاصی که بدون توجه به درجه و نوع وظیفه آنان چه در منطقه نبرد و یا در خطوط ارتباطی و چه در پشت جبهه منطقه ها ،اداره امور اسرای جنگی متفقین به آنها سپرده شده است،اعلام می نماید که همه این افراد نسبت به امنیت و رفاه کلیه اسرای جنگی متفقین شخصاًمانند فرماندهی عالی آلمان و فرماندهان نظامی نیروهای زمینی ،دریایی و هوایی آلمان دارای مسئولیت می باشند.

هر فردی که در رفتار و روش خود نسبت به اسرای جنگی متفقین اعم از اینکه آنها در منطقه نبرد ،در خط ارتباطات ،در اردوگاه ،دربیمارستان ،در زندان و یا هر نقطه دیگری که باشند مرتکب خطا و تقصیر گردد،شدیداًتحت تعقیب و مجازات قرار خواهد گرفت.

این دولتها اخطار می نمایند که آنها این مسئولیت را بدون هیچ قید و شرطی و در هر شرایطی ،بی آنکه بتوان از آن شانه خالی کرده و عدم اجرای آنرا به عهده سایر قدرتمندان و یا سایر اشخاص انداخت ،لازم‌الاجرا می‌داند».سندهای شماره ۴۲۳ ، ۴۲۲

۱۰۱–و.م مولوئوف در آوریل سال ۱۹۴۵ در واشنگتن حضور یافته بود،او به منظور شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو و برای بحث وبررسی پیرامون تنظیم اساسنامه سازمان ملل متحد به ایالات متحده آمریکا سفر کرده بود.سند شماره ۴۲۶

۱۰۲–به بند ۵ نامه ۷ آوریل سال ۱۹۴۵ استالین به روزولت (سند شماره ۴۱۸)مراجعه فرمائید.سندهای شماره:۴۵۶ ، ۴۵۰، ۴۳۹ ، ۴۳۰

۱۰۳–«موسکیتو»یک نوع هواپیما ی بمب افکن انگلیسی است .سند شماره ۴۳۷

۱۰٤-مرزبندی مناطق اشغالی در آلمان بوسیله پروتکل موافقتنامه بین دولتین اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلیس که در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۹٤٤ در کمیسیون مشورتی اروپا به امضارسیده بود،تعیین گردید.پس از آن در تاریخ های ۱٤نوامبر سال ۱۹٤٤ و ۲٦ ژوئیه سال ۱۹٤٥ تغییراتی در این پروتکل بوجود آمد و ضمناًدر این پروتکل دولت موقت فرانسه نیز اضافه شد.سند شماره ٤٤۸

۱۰۵-منظور،اعزام نمایندگان فرماندهی انگلیس ،آمریکا و فرانسه به وین می باشدکه در همان زمان مذاکرات مربوطه بین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی ،انگلستان و ایالات متحده آمریکا جاری بوده است.سند شماره ٤٤۸

۱۰٦-صحبت راجع به مداخله مسلحانه دولت انگلیس و سرکوبی خونین نیروهای دموکراتیک در یونان توسط قوای انگلیسی می باشد.سند شماره ٤٥۰

۱۰۷-۷ مه سال ۱۹٤٥ در شهر ریمس پروتکل مقدماتی تسلیم آلمان به امضا رسید.

۸ مه در برلن صورت جلسه نهایی تسلیم آلمان توسط نمایندگان فرماندهی آلمان به امضا رسید.سند شماره ٤٦۳

۱۰۸-منظور ،نامه ۱۵ مه سال ۱۹٤٥وزیر مختار ایالات متحده آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی به وزیر امور خارجه اتحاد شوروی می باشد که متن دستور العمل های دولت آمریکا را به سفیر خود در بلگراد دربرداشته است.

سفیر ایالات متحده آمریکا ماموریت یافته بود به دولت یوگسلاوی اعلام نماید که دولت ایالات متحده آمریکا از دولت یوگسلاوی انتظار دارد آن دولت بی درنگ نسبت به اجرای نظارت از جانب فرماندهی عالی متفقین در دریای مدیترانه برمنطقه ای که شامل تریست،گاریزیا،مانفالکن،پولا و خط

ارتباطی از طریق گاریزیا و مانفالکن به اتریش می باشدو همینطور نظارت برمنطقه ای که در مسیر شرقی این خط قراردارد موافقت بعمل آورد، تا بتوان کنترل اداره مربوطه را به اجرا در آوردو همچنین انتظار دارد که دولت یوگسلاوی برای نیروهای مسلح یوگسلاوی مستقر در این منطقه دستوراتی مقتضی مبنی بر همکاری آنان با فرماندهان متفقین در زمینه ایجاد مرکز سازماندهی نظامی این منطقه تحت فرماندهی متفقین صادر نماید.سند شماره ٤٧٠

۱۰۹-«ترمینال»علامت شرطی و قراردادی کنفرانس برلن مربوط به سران سه دولت اتحاد جماهیر شوروی،ایالات متحده آمریکا و انگلیس می باشد که در ژوئیه و اوت سال ۱۹٤٥ برگزار گردید.سندهای شماره:
٤٨٦، ٤٩٥، ٥٠٠، ٥٠٢، ٥٠٣

۱۱۰-منظور ،نامه ترومن به شرح زیر می باشد که ای .و استالین آن را در تاریخ ۱۵ ژوئن سال ۱۹٤٥ دریافت داشته است.

«من پیشنهاد می کنم حالا که آلمان تسلیم بدون قید وشرط خود را اعلام کرده و اولین اجلاس شورای نظارت و کنترل نیز در آلمان تشکیل یافته است ، ما بی درنگ نسبت به صدور دستوراتی مقتضی در زمینه اشغال منطقه های مربوط به نیروهای خود و سازماندهی اداره مناطق کشور مغلوب اقدام نماییم . درباره آنچه که به آلمان مربوط می شود باید بگویم من آماده ام به کلیه نیروهای آمریکایی دستور دهم که آنها بر طبق قرارداد فیمابین فرماندهان مربوطه و قرارداد مربوط به ایجاد همزمانی پادگانهای ملی در برلن بزرگ و تخصیص راه به نیروهای ایالات متحده که بتوان براحتی از طریق هوا ،شوسه و

راه آهن از فرانکفورت و بریمن به برلن تردد نمود»،عقب نشینی به سوی منطقه های مربوط به خود را در ۲۱ ژوئن آغاز نمایند.

حل فوری مسئله اتریش را هم من مانند حل فوری مسئله آلمان پر اهمیت می دانم.تصرف مناطق اشغالی بوسیله نیرو ها در اصل بوسیله کمیسیون مشورتی اروپا مورد توافق قرار گرفته است ، لکن ایجاد پادگانهای ملی در وین و تشکیل کمیسیون مربوط به اتریش باید همزمان با اخذ تدابیر و اقدامات مشابه در آلمان انجام گردد. بنابراین من اکنون برای حل و بررسی مسائل حل نشده اتریش اهمیت شایانی قائل می باشم ،بدین منظور که بتوان تمام موافقتنامه های مربوط به امورآلمان و اتریش را با هم بطور همزمان به اجرا در آورد.من امیدوار هستم که در نتیجه عزیمت اخیر هیئت های نمایندگی آمریکا،بریتانیا و فرانسه به وین کمیسیون مشورتی اروپا بتواند بدون هیچ وقفه و درنگی تصمیمات ضروری آینده در رابطه با این هدف را اتخاذ نماید.

چنانچه جنابعالی با مطالب فوق موافق می باشید ،من پیشنهاد می کنم که دستورات لازمه را برای فرماندهانمان فوراًصادر نمائیم.سند شماره ٤٨٧

۱۱۱–در جریان عملیات جنگ،نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و انگلیس از خط و مرز منطقه اشغالی شوروی که بین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی،ایالات متحده آمریکا و انگلیس مورد توافق قرار گرفته بود گذشته و بخشی از خاک این منطقه (شامل لیپ زیگ ،ارفورت،پلاوئن ، ماگد بورگ و بعضی نقاط دیگر)را مورد اشغال خود در آوردند .در نامه انتشار یافته صحبت درباره خروج و عقب نشینی قوا به محدوده منطقه های مربوط به خود می باشد.سند شماره٤٨٩

۱۱۲–در رابطه با موافقت نامه بین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی ،ایالات متحده آمریکا ،انگلیس و فرانسه مقرر گردیده بود که برلن توسط نیروهای مسلح مشترک چهار دولت تحت اشغال در آید.

در اجرای این موافقتنامه ورود قوای ایالات متحده آمریکا ، انگلیس و فرانسه به برلن مطرح و پیش روی بود.سند شماره ٤٨٩

۱۱۳–به این نامه ،نامه ریبن تروپ وزیر امور خارجه آلمان هیتلری هم که طی آن دلیل آورده که او و هیتلر همواره جهت نزدیک شدن به انگلیس تلاش بعمل آورده اند،ضمیمه بوده است .

ریبن تروپ خاطر نشان می سازد که او «همیشه کشور انگلستان را میهن دوم خود به شمار می آورده است ».در پایان نامه ریبن تروپ سعی می کند که خود را در برابر وحشیگری هیتلری مسئول ندانسته و خویش را مبرا سازد.نامه با این پیام وندا به چرچیل و ایدن خاتمه می یابد .

«سرنوشت خود را به دست شما می سپارم » .

هیئت ناشران اسناد سیاسی وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

گرومیکو آ. آ.	دکترای علوم اقتصاد (رئیس هیئت)
خواستوف و . م.	آکادمیسین علوم (معاون هیئت)
زمسکوف ی.ن	کاندیدای علوم تاریخ (دبیر هیئت)
بلوف گ . آ.	استادیار
ژوکوف ی. م.	آکاد میسین علوم
مایروف س.م.	کاندیدای علوم تاریخ
نورسلسکی آ .آ.	دکترای علوم تاریخ
پادتسروف ب . ف .	
سیرولوبوف م . آ.	استادیار
ترتیاکوف پ.ن.	دکترای علوم تاریخ
خارلاموف م.آ.	